

سوره فاتحه (۱)

مکی و شامل هفت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان (۱)

ستایش و بزرگداشت فقط اختصاص به خدا دارد که صاحب اختیار همه مردم جهان است. (۲) بخشنده مهربان، (۳) مالک و فرمانروای روز جزاست. (۴) (خداوند) فقط تو را بندگی می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌خواهیم. (۵) ما را به راه راست هدایت فرما. (۶) راه کسانی که به آن‌ها نعمت دادی (هدایتشان کردی)، نه کسانی که مورد غضب قرار گرفتند و نه گمراهان. (۷)

سوره بقره (۲)

مدنی و شامل دویست و هشتاد و شش آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

الم (۱) این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست. راهنمای افراد پرهیزکار است. (۲) پرهیزکارانی که به غیب ایمان دارند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه روزی آن‌ها ساخته ایم انفاق (در راه خدا خرج) می‌کنند. (۳) افرادی که به آنچه به تو نازل شد (یعنی قرآن) و به آنچه قبل از تو نازل شد (یعنی به تورات و انجیل و کتاب‌های پیغمبران دیگر)، ایمان و به آخرت یقین دارند. (۴) چنین افرادی از جانب خداوندشان هدایت شده‌اند و چنین افرادی موفق و رستگار هستند. (۵)

به کافران چه هشدار بدهی چه ندهی، فرقی ندارد، آن‌ها ایمان نمی‌آورند. (۶) خدا بر دل و گوش آن‌ها مهر زده (حاضر به فکرکردن و شنیدن نیستند) و بر چشم‌هایشان پرده ای است (پرده تعصب به عقایدی که پیدا کرده‌اند) و عذاب بزرگی دارند. (۷) عده ای از مردم می‌گویند که به خدا و روز آخرت ایمان آورده‌ایم، در صورتی که ایمان ندارند. (۸) (فکر می‌کنند) خدا و مسلمانان را گول می‌زنند در صورتی که فقط خودشان را گول می‌زنند ولی متوجه نیستند. (۹) در دلشان (از لحاظ فکری) مرضی است. خدا مرضشان را اضافه کرد و به علت دروغی که می‌گویند عذاب پردردی دارند. (۱۰) وقتی به آن‌ها گفته شود که در زمین فساد نکنید، می‌گویند: ما اصلاح‌کننده هستیم. (۱۱) بدانید که آن‌ها خرابکار هستند ولی متوجه نیستند. (۱۲) و وقتی به آن‌ها گفته شود که همان‌طور که مردم ایمان آورده‌اند، شما هم ایمان بیاورید، می‌گویند: آیا ما مثل افراد کم عقل ایمان بیاوریم؟ بدانید که آن‌ها خودشان کم عقل هستند ولی نمی‌دانند. (۱۳) وقتی با افراد با ایمان روبرو شوند می‌گویند که ایمان آورده‌ایم، ولی وقتی با شیطان‌های (همفکران) خود تنها شوند می‌گویند: ما با شما هم عقیده هستیم، ما فقط مسلمانان را مسخره می‌کنیم. (۱۴) خدا آن‌ها را مسخره می‌کند و در طغیان‌شان سرگردان نگاه می‌دارد. (۱۵) این افراد کسانی هستند که گمراهی را به قیمت هدایت خریده‌اند و تجارتشان سودی نداشته و راه صحیح را نشناخته‌اند. (۱۶)

وضع آن‌ها مانند کسانی است که آتشی روشن کردند، چون آتش اطراف آن‌ها را روشن کرد، خدا روشنایی آن‌ها را از بین برد و در حالی که نمی‌دیدند آن‌ها را در تاریکی وا گذاشت. (۱۷) کر و لال و کورند و بر نمی‌گردند. (۱۸) یا وضع آن‌ها مانند باران تندی است که از آسمان ببارد و در هنگام بارش، تاریکی و رعد و برق وجود داشته باشد و آن‌ها از ترس مردن از صاعقه‌ها انگشتهایشان را در گوششان بگذارند. خداوند به کافران احاطه دارد. (۱۹) نزدیک است برق بینایی آن‌ها را از بین ببرد. هر وقت برق اطراف آن‌ها را روشن کند، چند قدمی راه می‌روند و وقتی هوا تاریک شود در جایشان می‌ایستند. اگر خدا بخواهد شنوایی و بینایی آن‌ها را از بین می‌برد. چون خدا توانایی کردن هر کاری را دارد. (۲۰) ای مردم، خداوندتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، بندگی کنید

(بنده و مطیع محض و بدون چون و چرای دستورهای هیچکس جز خدا نباشید) تا پرهیزکار شوید. (۲۱) خدایی که زمین را برای شما بستر قرار داد و آسمان را ساختمانی عظیم ساخت و از آسمان باران فرستاد و به وسیله آن انواع محصولات را از زمین برای خوردن شما خارج کرد. پس برای خدا مثل و مانندی قرار ندهید، در صورتی که این را می‌دانید. (۲۲) و اگر درباره قرآنی که بر بنده‌مان (محمد) نازل کردیم در شك و تردید هستید، سوره‌ای مثل آن بیاورید و اگر راست می‌گویید شاهدهایتان را هم غیر از خدا دعوت کنید. (۲۳) و اگر نتوانستید و هرگز نمی‌توانید، از آتشی که برای کافران فراهم شده و سوخت آن آدم‌ها و سنگ‌ها است بترسید. (۲۴)

و به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح (کار درست و به‌جا) انجام داده‌اند مژده بده که برای آن‌ها بهشت‌هایی است که نهرها در آن روان است. هرگاه میوه‌ای از آن بهشت روزی آن‌ها شود، می‌گویند: این همان چیزی است که قبلاً روزی ما شده بود و شبیه آن برای آن‌ها آورده شده. همسران پاکی در آن دارند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۵) خدا خجالت نمی‌کشد که به یک پشه یا بالاتر از آن مثل بزند. اما افرادی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن مثل درست و از جانب خداوندشان است. اما کسانی که ایمان ندارند می‌گویند: خدا با این مثل چه چیزی می‌خواهد؟ عده زیادی را با آن گمراه می‌کند و عده زیادی را با آن هدایت می‌کند. در صورتی که خدا فقط افراد خلافکار را با آن گمراه می‌کند. (۲۶) خلافکارانی که عهده را که با خدا بسته‌اند می‌شکنند و چیزی را که خدا دستور داده وصل کنند قطع می‌کنند و در زمین خرابکاری می‌نمایند. چنین افرادی زیانکارند. (۲۷) چگونه منکر خدا می‌شوید؟ در صورتی که مرده (بی‌جان) بودید و خدا به شما جان داد، بعد جان شما را می‌گیرد، بار دیگر شما را زنده می‌کند، و به سوی او برگردانده می‌شوید. (۲۸) اوست که آنچه در زمین است برای شما خلق کرد، بعد به آسمان پرداخت و هفت آسمان به وجود آورد. او به هر چیز داناست. (۲۹)

و هنگامی که خداوند تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار می‌دهم. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که در آن فساد و خونریزی کند؟! در صورتی که ما با ستایش تو، تو را تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم. خدا گفت: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۳۰) و خدا تمام اسم‌ها را به آدم یاد داد، بعد آن‌ها را به فرشتگان نشان داد و گفت: اگر راست می‌گویید اسم این‌ها را بگویید. (۳۱) فرشتگان گفتند: خدایا تو پاکی، ما جز آنچه به ما یاد داده‌ای چیزی نمی‌دانیم، تو دانا و حکیم هستی. (۳۲) خدا به آدم گفت: اسم‌های آن‌ها را به ایشان بگو. چون آدم اسم‌های آن‌ها را به ایشان گفت، خدا گفت: آیا به شما نگفتم که من غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار و مخفی می‌کنید می‌دانم. (۳۳) و وقتی را یادآوری کن که به فرشتگان گفتیم که به آدم سجده کنید، و تمام فرشتگان سجده کردند به جز ابلیس که از سجده کردن خودداری کرد و تکبر ورزید. او از افراد قدر ناشناس بود (قدر علم را نمی‌شناخت). (۳۴) و به آدم گفتیم: ای آدم، تو و زنت در بهشت ساکن شوید و از آن هر قدر و از هر کجا که خواستید بخورید، ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران می‌شوید. (۳۵) ولی شیطان آن‌ها را دچار لغزش ساخت و از آنجا بیرون کرد. گفتیم: پایین (به زمین) بروید، بعضی از شما دشمن بعضی خواهید بود و در زمین محل استقرار و وسیله زندگی تا پایان عمر برای شما وجود خواهد داشت. (۳۶) بعد آدم از صاحب‌اختیارش کلماتی یاد گرفت و خدا توبه او را پذیرفت چون او توبه‌پذیر مهربان است. (۳۷)

گفتیم: همگی پایین بروید، وقتی راهنمایی من برای شما آمد، هر کس که از راهنمایی من پیروی کند نه ترسی دارد و نه غصه‌ای. (۳۸) کسانی که قبول نکردند و آیات ما را انکار کردند، اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۳۹) ای بنی‌اسرائیل، نعمت خودم را که به شما دادم به یاد آورید و به عهد من وفا کنید تا من هم به عهد شما وفا کنم و فقط از من بترسید. (۴۰) و به قرآن که تصدیق‌کننده توراتی است که با شما است ایمان بیاورید و اولین کافر به آن نباشید و آیات مرا به قیمت کمی نفروشید و فقط از نافرمانی من بترسید. (۴۱) باطل را به جای حق معرفی نکنید و در صورتی که حقیقت را می‌دانید آن را پنهان نکنید. (۴۲) و نماز را به پا دارید و زکات بدهید و با رکوع روندگان به رکوع روید. (۴۳) آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید و فراموش می‌کنید که خودتان هم

باید آن را انجام دهید؟ در صورتی که شما کتاب دینی خود را می‌خوانید. آیا عقل ندارید؟ (۴۴) از صبر و نماز کمک بگیرید. این‌کار، کار دشواری است، جز برای افرادی که تکبر ندارند. (۴۵) افراد فروتنی که گمان می‌کنند خداوندشان را ملاقات می‌کنند و پیش او برگردانده می‌شوند. (۴۶) ای بنی‌اسرائیل، نعمتم را که به شما دادم و شما را بر افراد جهان برتری دادم به یاد بیاورید. (۴۷) و از روزی بترسید که از کسی برای دیگری کاری ساخته نیست و از کسی شفاعتی پذیرفته نمی‌شود و از کسی تاوانی گرفته نمی‌شود و کمکی به آن‌ها نخواهد شد. (۴۸)

و وقتی را یادآوری کنید که شما را از آل فرعون نجات دادیم که شما را به سختی عذاب می‌کردند، پسران شما را می‌کشتند و دختران شما را زنده می‌گذاشتند. در این کار آزمایشی بزرگ از طرف صاحب‌اختیاران وجود داشت. (۴۹) و وقتی را به یاد آورید که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و آل فرعون را غرق کردیم و شما غرق شدن آن‌ها را نگاه می‌کردید. (۵۰) و وقتی چهل شب با موسی قرار گذاشتیم، در غیاب او گوساله را خدای خود گرفتید. شما آدم‌های ظالمی هستید. (۵۱) و شما را بعد از آن کار بخشیدیم شاید سپاسگزاری کنید. (۵۲) و در آن زمان به موسی کتاب و جداکننده حق و باطل دادیم تا راه را بشناسید. (۵۳) و وقتی که موسی به قومش گفت: ای قوم من، به‌خاطر این‌که گوساله‌پرستی کردید به خودتان ظلم کردید، بنابراین به سوی آفریننده خودتان برگردید و یکدیگر را بکشید، این‌کار در پیش آفریننده شما بهتر است. خداوند توبه شما را پذیرفت، چون او توبه‌پذیر مهربان است. (۵۴) و وقتی که گفتید: ای موسی، تا خدا را آشکارا نبینیم به حرف‌های تو ایمان نمی‌آوریم. در نتیجه دچار صاعقه شدید در حالی‌که نگاه می‌کردید. (۵۵) و شما را پس از مردنتان زنده کردیم تا سپاسگزاری کنید. (۵۶) و ابر را سایبان شما قرار دادیم و «من و سلوی» (دو نوع خوردنی) را برای شما نازل کردیم. از خوردنی‌های پاکی که روزی شما کردیم بخورید. آن‌ها به ما ظلم نکردند ولی به خودشان ظلم کردند. (۵۷)

و وقتی را یادآوری کن که گفتیم: وارد این شهر بشوید و از هر جای آن و هر قدر که خواستید بخورید و سجده‌کنان (با خضوع و خشوع) از دروازه آن وارد شوید و بگویید که گناهان ما را ببخش، تا گناهان شما را بیامرزیم، و تعداد افراد نیکوکار و نعمت آن‌ها را زیاده‌تر خواهیم کرد. (۵۸) ولی ستمگران حرفی را که به آن‌ها زده شده بود به حرف دیگری تبدیل کردند. بنابراین ما به سبب نافرمانی آن‌ها از آسمان عذابی بر ستمکاران نازل کردیم. (۵۹) و زمانی که موسی برای قومش آب خواست، به او گفتیم که با عصایت به سنگ بزن، در نتیجه دوازده چشمه از آن جاری شد. هر دسته‌ای محل آب خوردن خود را می‌دانست. گفتیم: از روزی خدا بخورید و بنوشید و در زمین فساد نکنید. (۶۰) و وقتی که گفتید: ای موسی، ما نمی‌توانیم به یک جور غذا قانع باشیم، خدایت را بخوان تا برای ما از آنچه زمین می‌رویاند در بیاورد از قبیل سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز. موسی گفت: آیا چیز خوب را با چیز بد عوض می‌کنید؟ وارد شهری شوید، در آن هر چیزی که می‌خواهید هست. و داغ خواری و فقر بر آن‌ها زده شد و دچار خشم خدا شدند، چون منکر آیات خدا می‌شدند و پیغمبران را به ناحق می‌کشتند. این‌کار به علت این بود که سرکشی کردند و آدم‌های متجاوزی بودند. (۶۱)

مسلمانان و یهودیان و مسیحیان و صابئین، به طور کلی کسانی‌که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشند و عمل صحیح و درست بکنند، پاداششان پیش خداوندشان محفوظ است، نه ترسی دارند و نه غصه‌ای. (۶۲) و وقتی از شما تعهد گرفتیم و کوه را بالای سر شما بردیم. و گفتیم: دستورهایی را که به شما دادیم با قدرت تمام حفظ کنید و آنچه در آن است به‌خاطر داشته باشید تا پرهیزکار شوید. (۶۳) ولی شما به پیمان خود پشت کردید. اگر فضل و رحمت خدا نسبت به شما نبود حتماً از زیانکاران می‌شدید. (۶۴) حتماً کسانی از خودتان را که در روز شنبه تجاوز کردند می‌شناسید که به آن‌ها گفتیم: میمون‌های رانده شده باشید. (۶۵) آن را مجازاتی قرار دادیم که درس عبرت برای کسانی‌که در آن زمان و زمان‌های بعد از آن‌ها بودند و پندی برای افراد پرهیزکار باشد. (۶۶) و زمانی که موسی به قومش گفت که خدا به شما دستور می‌دهد که گاوی بکشید، گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ موسی گفت: به خدا پناه می‌برم از این‌که از افراد جاهل باشم. (۶۷) گفتند: از خداوندت بخواه که مشخصات آن را برای ما بیان کند. موسی گفت: خدا می‌گوید که آن گاوی

است که نه از زایمان افتاده باشد نه بکر است. بلکه گاو میان‌سالی بین این دو حال است. بنابراین دستوری را که به شما داده می‌شود انجام دهید. (۶۸) گفتند: از خداوندت بپرس که رنگ آن چطور است. موسی گفت: خدا می‌گوید که گاو است زرد یکدست که بینندگان را خوشحال می‌کند. (۶۹)

گفتند: از خداوندت بخواه که برای ما بیان کند که مشخصات آن گاو چیست، چون گاو برای ما اشتباه می‌شود. اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد. (۷۰) موسی گفت: خدا می‌گوید گاو است که رام نیست که زمین را شخم بزند یا زراعت را آبیاری کند، نقصی ندارد و لکه‌ای در آن نیست. گفتند: حالا حقیقت را برای ما آوردی. بنابراین آن گاو را کشتند و نزدیک بود این کار را نکنند. (۷۱) و وقتی که کسی را کشتید و کشتن آن را به گردن هم انداختید، در صورتی که خدا چیزی را که پنهان می‌کردید آشکار می‌کرد. (۷۲) و گفتیم: پاره‌ای از آن را به بدن مقتول بزنید. خدا مردگان را این‌طور زنده می‌کند و آیاتش را به شما نشان می‌دهد شاید درک کنید. (۷۳) بعد دلهای شما سخت شد مثل سنگ یا سخت‌تر از سنگ. در صورتی که از بعضی سنگ‌ها نهر روان می‌شود و بعضی از آن‌ها می‌شکافند و آب از آن خارج می‌شود و بعضی از آن‌ها از ترس خدا فرو می‌ریزند. خدا از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۷۴) آیا انتظار دارید به حرف‌های شما ایمان بیاورند؟ در صورتی که عده‌ای از آن‌ها کلام خدا را می‌شنیدند و بعد از این‌که آن را می‌فهمیدند معنی آن را عوض می‌کردند و می‌دانستند چه کاری می‌کنند. (۷۵) وقتی افراد مسلمان و باایمان را ملاقات می‌کنند می‌گویند که ایمان آورده‌ایم، و وقتی بعضی از آن‌ها با همفکران خود خلوت می‌کنند می‌گویند: آیا چیزهایی را که خدا برای شما معلوم کرده به آن‌ها می‌گویید تا به وسیله آن پیش صاحب‌اختیاران با شما بحث کنند؟ آیا عقل ندارید؟! (۷۶)

آیا نمی‌دانند که خدا آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌داند؟ (۷۷) عده‌ای از آن‌ها بی‌سوادند و از کتاب الهی چیزی جز تصورات و آرزوهای خود نمی‌دانند و فقط گمان می‌کنند. (۷۸) پس وای بر کسانی که با دست خود کتاب می‌نویسند و می‌گویند که این‌ها از جانب خدا است، برای آن‌که آن را به بهای ناچیزی بفروشند. پس وای بر آن‌ها به سبب چیزهایی که با دستشان نوشتند و وای بر آن‌ها از آنچه به دست می‌آورند. (۷۹) گفتند: هرگز جز چند روزی آتش جهنم به ما نمی‌رسد. بگو: آیا از خدا تعهدی گرفته‌اید؟ اگر گرفته‌اید خدا هرگز خلاف تعهد خود کاری نمی‌کند، یا ندانسته از قول خدا حرف می‌زنید؟ (۸۰) بلکه هر کس کار بدی بکند و گناهش او را احاطه کند اهل آتش جهنم است و همیشه در آن خواهد بود. (۸۱) و کسانی که ایمان داشته باشند و کار درست بکنند اهل بهشت هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۸۲) و وقتی از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط خدا را بندگی کنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تهیدستان نیکی کنید و با مردم با زبان خوش صحبت کنید، و نماز را به پا دارید و زکات بدهید، ولی به جز عده کمی همگی روی گردانید و به پیمان خود پشت کردید. (۸۳)

و وقتی از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید، شما پذیرفتید و خودتان به آن شهادت می‌دهید. (۸۴) اما شما این‌هایی هستید که یکدیگر را می‌کشید و عده‌ای از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید و بر ضد آنان به گناه و ظلم به هم کمک می‌کنید و اگر آنان را به اسیری پیش شما بیاورند از آنان خون‌بها می‌گیرید در صورتی که بیرون کردن آن‌ها بر شما حرام است. آیا به قسمتی از کتاب ایمان می‌آورید و قسمتی را قبول ندارید؟ کسانی از شما که چنین کاری کنند مجازاتشان در دنیا خواری است و در آخرت به دست شدیدترین عذاب‌ها سپرده می‌شوند و خدا از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۸۵) چنین افرادی کسانی هستند که به قیمت آخرت، دنیا را خریدند. عذاب آن‌ها تخفیفی پیدا نمی‌کند و یاری هم نمی‌شوند. (۸۶) ما به موسی کتاب (تورات) را دادیم و دنبال او پیغمبران را فرستادیم و به عیسی پسر مریم دلیل‌های روشن دادیم و او را با روح پاک تایید کردیم. آیا هر وقت پیغمبری احکام و نظرهایی برخلاف دلخواه شما بیاورد تکبر می‌ورزید و عده‌ای از آن‌ها را به دروغگویی متهم می‌کنید و عده‌ای را می‌کشید؟ (۸۷) گفتند: دل‌های ما در غلاف است (قادر به درک پیام خدا نیست). نه این‌طور نیست، بلکه خدا به علت کفرشان آن‌ها را از رحمت خود دور ساخته، در نتیجه عده کمی از آن‌ها ایمان می‌آورند. (۸۸)

وقتی کتابی (قرآن) از جانب خدا برای آنها آمد که تصدیق‌کننده توراتی است که با ایشان است و آن را شناختند منکر آن شدند، در صورتی که قبلاً می‌خواستند به وسیله آن بر افراد بی‌ایمان پیروز شوند. پس رحمت خدا از کافرین دور باد. (۸۹) خود را به بد چیزی فروختند که از روی حسادت منکر چیزی شدند که خدا از فضل خودش بر هر یک از بندگان که بخواهد نازل می‌کند. بنابراین دچار خشم بیشتر الهی شدند. و برای کافران عذابی خوارکننده وجود دارد. (۹۰) و وقتی به آنها گفته شود که به آنچه خدا نازل کرده ایمان بیاورید، می‌گویند که ما فقط به آنچه بر ما (یهودیان) نازل شده ایمان می‌آوریم، و منکر غیر از آن می‌شوند اگرچه آن حق باشد و آنچه را که با ایشان است (کتاب الهی آنها) را تصدیق بکنند. بگو: اگر به حرف خود ایمان دارید، چرا پیغمبران خدا را که از خودتان بودند می‌کشتید؟! (۹۱) موسی دلایل روشن برای شما آورد و شما بعد از رفتن او به وعده‌گاه، گوساله را به خدایی گرفتید و ستمکار بودید. (۹۲) و وقتی از شما پیمان گرفتیم و کوه را بالای سر شما بردیم که توراتی را که به شما دادیم با قوت (محکم) بگیرید و از آن اطاعت کنید، گفتند که شنیدیم و نافرمانی کردیم، و به سبب کفرشان علاقه به گوساله در دلشان جا گرفت. بگو: اگر ایمان واقعی داشته باشید متوجه می‌شوید که کاری که ایمان غلط خودتان شما را به آن امر می‌کند بد چیزی است. (۹۳)

بگو: اگر راست می‌گویید که خانه آخرت (بهشت) فقط به شما اختصاص دارد و مردم سهمی از آن ندارند، آرزوی مرگ کنید (تا زودتر به نعمت‌های بهشت برسید). (۹۴) و هرگز به علت کارهایی که کرده‌اند آرزوی مرگ نمی‌کنند. خدا کسانی را که ظلم می‌کنند خوب می‌شناسد. (۹۵) آنها را علاقه‌مندتر از همه مردم حتی از مشرکین به زندگی دنیا می‌یابی. هر یک از آنها دوست دارد که هزار سال عمر کند. اگر این عمر هزار ساله را هم بکنند، او را از عذاب نجات نخواهد داد. خدا کارهایی را که می‌کنند می‌بیند. (۹۶) بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (دشمن خداست) چون جبرئیل قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده که کتاب‌های قبل از خود را تصدیق می‌کند و برای افراد با ایمان نشان‌دهنده راه و بشارت است. (۹۷) هر کس دشمن خدا و فرشتگان و پیغمبران او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است)، و خدا دشمن کافران است. (۹۸) مسلماً آیات روشنی را بر تو نازل کردیم و فقط افراد خلافکار منکر آن می‌شوند. (۹۹) آیا هر وقت عهده بستند عده‌ای از آنها آن را دور می‌اندازند؟ حقیقت این است که بیشتر آنها ایمان ندارند. (۱۰۰) و وقتی رسولی از طرف خدا برای آنها آمد که آنچه را که با ایشان است تصدیق می‌کرد عده‌ای از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت‌سرشان انداختند مثل این‌که از آن اطلاعی ندارند. (۱۰۱)

و از آنچه شیطان‌ها در زمان فرمانروایی سلیمان می‌خواندند پیروی کردند. سلیمان کافر نشد ولی شیطان‌ها کافر شدند. به مردم سحر یاد می‌دادند. همین‌طور از آنچه که بر هاروت و ماروت دو فرشته‌ای که در بابل بودند نازل شده بود پیروی می‌کردند. آن دو به کسی سحر یاد نمی‌دادند مگر وقتی که به او می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم، پس کافر نشو. مردم از آنها چیزی را یاد می‌گرفتند که بین مرد و زنش جدایی می‌انداخت. آنها با آن به کسی جز با خواست خدا ضرر نمی‌زدند و چیزهایی را یاد می‌گرفتند که ضرر و نفعی به آنها نمی‌رساند و می‌دانستند کسی که خریدار آن باشد در آخرت بهره‌ای ندارد. خود را به بد چیزی فروختند، کاش حقیقت را می‌دانستند. (۱۰۲) اگر آنها ایمان می‌آوردند و پرهیزکار می‌شدند، می‌دانستند پاداشی که پیش خدا است از هر چیزی بهتر است. (۱۰۳) ای افراد با ایمان، نگویید: را عنا (ما را مراعات کن)، بلکه بگویید: به ما نگاه کن. و این دستور را بشنوید و به کار بندید. کسانی که این کار را نکنند عذاب پردردی دارند. (۱۰۴) کفار اهل کتاب و مشرکین دوست ندارند که خیری از خداوندتان به شما برسد، در صورتی که خدا هر کسی را که بخواهد به رحمت خودش اختصاص می‌دهد. خدا صاحب فضل بزرگ است. (۱۰۵)

هر آیه‌ای را که نسخ کنیم یا از خاطرها ببریم، بهتر از آن یا مانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانی که خدا به هر کاری قادر است؟ (۱۰۶) آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین متعلق به خدا است و غیر از خدا یار و یآوری

ندارید؟ (۱۰۷) آیا می‌خواهید از رسولتان چیزی بخواهید، همان‌طور که قبلاً از موسی خواسته شد؟ هر کس ایمان را با کفر عوض کند راه راست را گم کرده است. (۱۰۸) عده زیادی از اهل کتاب پس از این‌که حقیقت برای آن‌ها معلوم شد، به‌خاطر حسادتی که در دلشان است، دوست دارند که شما را بعد از این‌که ایمان آوردید به کفر برگردانند. پس آن‌ها را عفو کنید و آن‌ها را ببخشید تا خدا دستورش را صادر کند چون خدا قادر به هر کاری است. (۱۰۹) و نماز را به‌پا دارید و زکات بدهید، و هر کار خیری که برای خود می‌کنید آن را نزد خدا می‌یابید، چون خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۱۱۰) و گفتند: فقط یهودیان و عیسویان وارد بهشت می‌شوند. این آرزوی آن‌ها است. بگو: اگر راست می‌گویید دلیلتان را بیاورید. (۱۱۱) آری، هر کس خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد پاداشش پیش خداوندش محفوظ است، نه ترسی دارد و نه غصه‌ای. (۱۱۲)

یهودیان گفتند: عیسویان راهشان درست نیست. و عیسویان گفتند: یهودیان راهشان درست نیست. در صورتی که آن‌ها کتاب دینی خود را می‌خوانند. تمام افراد نادان هم عین حرف آنان را می‌زنند. خدا روز قیامت بین آن‌ها درباره چیزی که در آن اختلاف نظر داشتند حکم می‌کند. (۱۱۳) چه کسی ظالم‌تر از کسی است که از ذکر نام خدا در مساجد جلوگیری و سعی در خرابی آن‌ها می‌کند. چنین افرادی حق ندارند وارد مساجد شوند مگر با ترس. آن‌ها در دنیا خوار خواهند شد و در آخرت عذاب بزرگی دارند. (۱۱۴) مشرق و مغرب مال خدا است. پس به هر طرف رو کنید خدا همان طرف است. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۱۱۵) گفتند: خدا فرزندی دارد. او از این‌کار برکنار است. هر چه در آسمان‌ها و زمین است مال او است. همه مطیع او هستند. (۱۱۶) پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است، وقتی تصمیم به کاری بگیرد فقط می‌گوید که این‌طور بشو، همان‌طور می‌شود. (۱۱۷) افراد نادان می‌گویند: چرا خدا با ما صحبت نمی‌کند یا آیه‌ای (معجزه‌ای) برای ما نمی‌آید؟ کسانی هم که قبل از آن‌ها بودند عین همین حرف را می‌زدند. نظرشان شبیه هم است، ما آیات را برای افرادی که یقین دارند بیان کرده ایم. (۱۱۸) ما تو را به حق برای مژده دادن و ترساندن (درباره نتیجه کارهایشان) فرستادیم. درباره اهل جهنم از تو بازخواست نمی‌شود. (۱۱۹)

تا از آیین یهودی‌ها و عیسوی‌ها پیروی نکنی، هرگز از تو راضی نمی‌شوند. بگو: هدایت واقعی هدایت خدا است. اگر بعد از این‌که علم برای تو حاصل شد از دلخواه آن‌ها پیروی کنی، در مقابل خدا هیچ یار و یآوری نخواهی داشت. (۱۲۰) کسانی‌که به آن‌ها کتاب دادیم و آن‌طور که حق خواندن آن است آن را می‌خوانند به درستی قرآن ایمان دارند. کسانی‌که منکر آن شوند زیانکارند. (۱۲۱) ای بنی‌اسرائیل، نعمتی را که به شما دادم و شما را بر جهانیان برتری دادم به یاد داشته باشید. (۱۲۲) و از روزی بترسید که کسی ذره‌ای جزای کسی را نمی‌دهد و از کسی تاوانی پذیرفته نمی‌شود و شفاعتی برای کسی فایده‌ای ندارد و یاری هم نمی‌شوند. (۱۲۳) و وقتی خداوند ابراهیم را با کلماتی امتحان کرد و او تمام آن‌ها را به جا آورد، خداوند گفت: من تو را امام (رهبر و پیشوای) مردم می‌سازم. ابراهیم گفت: آیا از نسل من هم کسی امام می‌شود؟ خدا گفت: عهد من شامل کسانی‌که ظلم می‌کنند نمی‌شود. (۱۲۴) و وقتی که خانه کعبه را برای مردم، محل اجتماع و امنیت قرار دادیم، گفتیم: از محل اقامت ابراهیم نمازگاه بسازید. با ابراهیم و اسماعیل قرار گذاشتیم که خانه مرا برای طواف‌کنندگان و کسانی‌که برای عبادت در آن می‌مانند و رکوع و سجودکنندگان پاک سازید. (۱۲۵) و وقتی را یادآوری کن که ابراهیم گفت: خداوند، این سرزمین را امن ساز و هر کس از مردم آن را که به خدا و روز آخرت ایمان آورد از محصولات آن بهره‌مند ساز. خدا گفت: کسی‌که کافر شود مدت کمی او را بهره‌مند می‌سازم بعد او را در آتش جهنم بیچاره می‌کنم. جهنم بد جایی است. (۱۲۶)

و زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا بردند، گفتند: خداوند از ما بپذیر، چون تو شنونده دانایی. (۱۲۷) خداوند، ما دو نفر را تسلیم خود ساز و از نسل ما امتی بوجود آور که تسلیم تو باشند و آداب عبادت‌مان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر چون تو توبه‌پذیر مهربان هستی. (۱۲۸) خداوند، در بین آن‌ها رسولی از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آن‌ها بخواند و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزد و آن‌ها را پاک سازد. چون تو

توانا و حکیم هستی. (۱۲۹) چه کسی جز آدم کم عقل از آیین ابراهیم روگردان است؟ ما ابراهیم را در دنیا برگزیدیم و او در آخرت از درستکاران است. (۱۳۰) هنگامی که خداوند ابراهیم به او گفت که تسلیم شو، ابراهیم گفت: تسلیم صاحب اختیار همه مردم جهان شدم. (۱۳۱) ابراهیم و یعقوب فرزندانان را به اسلام (تسلیم خدا بودن) سفارش کردند و گفتند: فرزندانم خدا برای شما این دین را انتخاب کرده بنابراین جز در حال تسلیم خدا بودن (مسلمانی) از دنیا نروید. (۱۳۲) یا وقتی که مرگ یعقوب فرا رسید شاهد بودید؟ وقتی به فرزندانش گفت: بعد از من بندگی چه کسی را می‌کنید؟ گفتند: خدای واحد را که معبود تو و پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق است بندگی می‌کنیم، و ما تسلیم او (مسلمان) هستیم. (۱۳۳) آن‌ها عده‌ای بودند که از دنیا رفتند، هر کاری کردند مال خودشان است و آنچه شما می‌کنید مال شما است و درباره کارهایی که آن‌ها می‌کردند از شما بازخواست نمی‌شود. (۱۳۴)

گفتند: یهودی یا عیسوی باشید تا هدایت شوید. بگو: بلکه آیین ابراهیم یکتاپرست برای هدایت کافی است. او مشرک نبود. (۱۳۵) بگویید: ما به خدا و آنچه به ما نازل شده (یعنی قرآن) و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شده و آنچه به موسی و عیسی داده شده (یعنی به تورات و انجیل) و آنچه به پیغمبران از خداوندشان داده شده ایمان داریم، فرقی بین هیچکدام آن‌ها نمی‌گذاریم و ما تسلیم خدا هستیم. (۱۳۶) اگر آن‌ها هم به آنچه شما ایمان دارید ایمان آوردند، هدایت شده‌اند و اگر رو گرداندند، فقط قصد مخالفت و جدایی دارند. خدا تو را از آسیب آن‌ها حفظ می‌کند. او شنوا و دانا است. (۱۳۷) اسلام دین خدایی است، چه دینی بهتر از دین خدا (یعنی تسلیم دستورهای خدا بودن) است و ما او را بندگی می‌کنیم. (۱۳۸) بگو: آیا درباره خدا با ما بگویم می‌کنید؟ در حالی که او خداوند ما و شما است. کارهای ما مال ما و کارهای شما مال شما است (هر کس مسؤول اعمال خودش است) و ما دین را برای او خالص می‌کنیم. (۱۳۹) یا می‌گویید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان یهودی یا عیسوی بودند. بگو: شما بهتر می‌دانید یا خدا؟ و چه کسی ظالم‌تر از کسی است که شهادتی را که از خدا دارد پنهان می‌کند؟ خدا از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۱۴۰) آن‌ها عده‌ای بودند که از دنیا رفتند، هر کاری که کردند مال خودشان است و کارهایی که شما می‌کنید مال شما است و درباره کارهایی که آن‌ها می‌کردند از شما بازخواست نمی‌شود. (۱۴۱)

مردم کم عقل خواهند گفت: چه چیزی آن‌ها را از قبله‌ای که بر آن بودند رو گردان کرد؟ بگو: مشرق و مغرب مال خدا است، هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۱۴۲) به این ترتیب شما را امت میانه قرار دادیم تا بر مردم شاهد باشید و پیغمبر هم شاهد بر شما باشد. قبله‌ای را که بر آن بودی فقط برای این قرار دادیم که کسی را که از پیغمبر پیروی می‌کند از کسی که عقب گرد می‌کند تشخیص دهیم. این کار برای افرادی غیر از آن‌هایی که خدا هدایتشان کرده سخت است. سزاوار خدا نیست که ایمان شما را از بین ببرد، چون خدا نسبت به مردم رؤوف و مهربان است. (۱۴۳) چرخاندن صورتت را در آسمان می‌بینیم، بنابراین تو را به طرف قبله‌ای که می‌پسندی برمی‌گردانیم. بنابراین صورتت را به طرف مسجد الحرام برگردان، و شما هر جا که بودید صورتتان را به طرف آن برگردانید. کسانی که به آن‌ها کتاب الهی داده شده می‌دانند که آن حق و از طرف خداوندشان می‌باشد و او از کارهایی که می‌کنند غافل نیست. (۱۴۴) اگر هر معجزه‌ای برای اهل کتاب بیآوری از قبله تو پیروی نمی‌کنند و تو هم پیرو قبله آن‌ها نیستی. بعضی از آن‌ها هم پیرو قبله دیگران نیستند. اگر بعد از این‌که علم برای تو حاصل شد از دلخواه آن‌ها پیروی کنی از ستمگران خواهی بود. (۱۴۵)

کسانی که به آن‌ها کتاب داده ایم پیغمبر را می‌شناسند همان‌طور که بچه‌های خود را می‌شناسند. عده‌ای از آن‌ها حق را پنهان می‌کنند در صورتی که آن را می‌دانند. (۱۴۶) حق از جانب خداوند تو است، بنابراین از کسانی که دچار شک هستند نباش. (۱۴۷) هر کسی قبله‌ای دارد که رو به سوی آن می‌کند، بنابراین در کارهای خیر با هم مسابقه بدهید. هر جا که باشید خدا همه شما را (برای حسابرسی) می‌آورد چون خدا قادر به هر کاری است. (۱۴۸) از هر جا بیرون رفتی صورتت را به طرف مسجد الحرام برگردان چون این کار حق و از جانب خداوند تو است و خدا از کارهایی

که می‌کنید غافل نیست. (۱۴۹) و از هر جا بیرون رفتی صورتت را به طرف مسجد الحرام برگردان و هر جا بودید صورتتان را به طرف مسجد الحرام برگردانید تا غیر از ستمگران، مردم دلیلی علیه شما نداشته باشند. بنابراین از آن‌ها نترسید و از من بترسید تا نعمت خودم را بر شما کامل کنم تا هدایت شوید. (۱۵۰) همان‌طور که برای شما رسولی از خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک سازد و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و به شما چیزهایی را که نمی‌دانستید یاد بدهد. (۱۵۱) بنابراین مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپاسگزاری مرا بکنید و ناسپاسی نکنید. (۱۵۲) ای افراد باایمان، از صبر و نماز کمک بخواهید چون خدا با افراد صبور است. (۱۵۳)

به کسی که در راه خدا کشته شده مرده نگویید، بلکه آن‌ها زنده هستند ولیکن شما توجه ندارید. (۱۵۴) و حتماً شما را با چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کم کردن مال و جان و محصولات امتحان می‌کنیم. در این امتحان به افراد صبور مژده بده. (۱۵۵) افرادی که وقتی مصیبتی به آن‌ها رسید می‌گویند: ما مال خدا هستیم و به سوی او برمی‌گردیم. (۱۵۶) درود و رحمت خداوندشان بر چنین افرادی است و این‌ها راه صحیح را شناخته‌اند. (۱۵۷) صفا و مروه از شعائر خدا است. بنابراین کسی که حج خانه کعبه کند یا عمره به‌جا آورد اشکالی ندارد که آن‌ها را طواف کند. کسی که میل به کار خیر دارد خدا قدرشناس و دانا است. (۱۵۸) کسانی که دلایل روشن و راهنمایی‌هایی را که ما نازل کردیم، بعد از این‌که آن را برای مردم در کتاب بیان کردیم، کتمان می‌کنند (به مردم نمی‌گویند) کسانی هستند که خدا و لعنت‌کنندگان آن‌ها را لعنت می‌کنند. (۱۵۹) مگر کسانی که توبه کردند و کارهایشان را اصلاح کردند و حقایق را برای مردم بیان کردند، من توبه آن‌ها را می‌پذیرم. من توبه‌پذیر مهربان هستم. (۱۶۰) اما کسانی که حقایق را پوشانند و در این حال مردند کسانی هستند که لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آن‌ها است. (۱۶۱) همیشه در این لعنت هستند و عذاب آن‌ها تخفیف داده نمی‌شود و به آن‌ها مهلتی هم داده نمی‌شود. (۱۶۲) معبود شما معبودی واحد است. معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و بدون چون و چرا از دستوره‌های او پیروی کنید) غیر از او که بخشنده و مهربان است وجود ندارد. (۱۶۳)

در خلقت آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و حرکت کشتی در دریا یا سودی که به مردم می‌رساند، و بارانی که خدا از آسمان نازل می‌کند و به وسیله آن زمین را پس از مردنش زنده می‌نماید، و جاندارانی که در زمین پخش کرده، و حرکت بادها و ابرهای مسخر بین آسمان و زمین آیاتی (نشانه‌هایی) برای افراد عاقل وجود دارد. (۱۶۴) عده‌ای از مردم غیر از خدا، ماندهایی برای خدا می‌گیرند و همان‌طور که خدا را دوست دارند آن‌ها را دوست دارند. ولی افراد باایمان بیشترین علاقه را به خدا دارند. اگر کسانی که ظلم می‌کنند آن وقتی را ببینند که عذاب می‌بینند، متوجه می‌شوند که تمام قدرت متعلق به خداست و عذاب خدا شدید است. (۱۶۵) وقتی رهبرانی که از آن‌ها پیروی می‌شد عذاب را ببینند و اسباب و وسایل قطع شود از پیروان خود بیزار می‌جویند. (۱۶۶) پیروان می‌گویند: اگر فرصت دوباره‌ای به ما داده شود از رهبران خود بیزار می‌جوئیم همان‌طور که آن‌ها از ما بیزار می‌جستند. خدا اعمالشان را که باعث حسرت آن‌ها است این‌طور به آن‌ها نشان می‌دهد ولی آن‌ها نمی‌توانند از آتش جهنم خارج شوند. (۱۶۷) ای مردم، از آنچه در زمین حلال و پاک است بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چون شیطان دشمن آشکار شما است. (۱۶۸) شیطان شما را به کارهای بد و زشت دعوت می‌کند و به شما دستور می‌دهد که چیزی را که نمی‌دانید از قول خدا بگویید. (۱۶۹)

وقتی به آن‌ها گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده (از کتاب الهی) پیروی کنید، می‌گویند: ما از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم. اگر چه پدرانشان حقیقت را شناخته و هدایت نشده باشند. (۱۷۰) وضع دعوت افراد کافر مثل وضع کسی است که به حیوانی که جز صدا و ندایی نمی‌شنود بانگ بزند. آن‌ها کر و لال و کورند و قدرت درک و فهم ندارند. (۱۷۱) ای افراد باایمان، اگر بندگی خدا را می‌کنید از خوردنی‌های پاک‌ی که روزی شما کرده ایم بخورید و سپاس خدا را به جا آورید. (۱۷۲) خداوند فقط حیوان مرده و خون و گوشت خوک و آنچه را که به نامی غیر از نام خدا سر بریده شده باشد بر شما حرام کرده. کسی که ناچار شد، بدون علاقه‌مندی و زیاده‌روی، از آن بخورد اشکالی ندارد و گناهی بر او نیست.

چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۷۳) کسانی که کتابی را که خدا نازل کرده کتمان می‌کنند (به مردم نمی‌گویند) و آن را به بهای ناچیزی می‌فروشند، کسانی هستند که فقط آتش به شکم خود می‌فرستند. خدا روز قیامت با آن‌ها صحبتی نمی‌کند و پاکشان نمی‌سازد و عذاب پردردی دارند. (۱۷۴) آن‌ها گمراهی را به قیمت هدایت و عذاب را به قیمت آمرزش خریدند. آن‌ها در مقابل آتش جهنم چه صبری دارند؟! (۱۷۵) این‌کار به‌خاطر این است که خدا کتاب را به حق نازل کرده و کسانی که درباره کتاب دچار اختلاف شدند مخالفت زیادی با حق دارند. (۱۷۶)

نیکی آن نیست که صورتان را به طرف مشرق یا مغرب برگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز آخرت و فرشتگان و کتاب و پیغمبران ایمان بیاورد و مال را، با وجود علاقه به آن، به خویشان و یتیمان و تهیدستان و در راه ماندگان و درخواستکنندگان و آزادکردن بردگان بدهد و نماز را به پا دارد و زکات بدهد و وقتی عهده بست به آن وفا کند و در سختی‌ها و ضررها و موقع جنگ صبور باشد. چنین افرادی راست گفته‌اند و پرهیزکار هستند. (۱۷۷) ای افراد باایمان، درباره کشته‌شدگان، قصاص بر شما واجب شد، آزاد در مقابل آزاد، بنده در مقابل بنده، زن در مقابل زن. هر کس که برادرش (ولی دم) مقداری گذشت کرد باید از آن به خوبی پیروی کند و خون‌بها را به خوبی به او بپردازد. این تخفیف و لطفی از طرف خداوند شما است. کسی که بعد از آن تعدی کرد عذاب دردناکی دارد. (۱۷۸) ای افراد عاقل، در قصاص برای شما زندگی وجود دارد تا مسلط بر نفس شوید. (۱۷۹) وقتی مرگ یکی از شما فرا رسید، اگر مالی از او باقی بماند، وصیتی به نفع پدر و مادر و نزدیکانش به طرز خوب بر او واجب است. این وظیفه افراد باایمان است. (۱۸۰) کسی که وصیت را پس از این‌که شنید تغییر بدهد گناهش به عهده کسانی است که آن را تغییر داده‌اند. چون خدا شنونده و دانا است. (۱۸۱)

کسی که از انحراف وصیت‌کننده یا از گناه او بترسد و بین کسانی را که ارث می‌برند اصلاح کند، گناهی نکرده است. چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۸۲) ای افراد باایمان، روزه بر شما واجب شد همان‌طور که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شده بود تا شاید مسلط بر نفس شوید. (۱۸۳) روزه، روزهای معلومی است. کسی از شما که مریض یا در حین سفر باشد به جای آن از روزهای دیگر روزه بگیرد و بر کسانی که توانایی دارند کفاره (جریمه) آن سیر کردن یک تهیدست است. کسی که میل به نیکی داشت برای او خوب است و اگر توجه داشته باشید می‌دانید که روزه گرفتن برای شما بهتر است. (۱۸۴) ماه رمضان ماهی است که قرآن که راهنمای مردم و دلایل روشنی از هدایت و جداکننده حق و باطل است در آن نازل شده. بنابراین هر کس از شما به این ماه رسید باید روزه بگیرد و کسی که مریض یا در حال سفر باشد در روزهای دیگر به جای آن روزه بگیرد. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و سختی نمی‌خواهد و برای این‌که عده روزهای روزه را کامل کنید و (فقط) خدا را بزرگ شمارید، چون اوست که شما را هدایت کرده، تا از سپاسگزاران باشید. (۱۸۵) وقتی بندگان من درباره من از تو سؤال می‌کنند، من به ایشان نزدیکم. دعای دعاکننده را وقتی مرا به کمک بخواند اجابت می‌کنم. پس آن‌ها باید دستورها و نظرهای مرا قبول کنند و به من ایمان بیاورند تا هدایت شوند. (۱۸۶)

شبهای ماه رمضان همخوابگی با زنانان برای شما حلال شده، آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها. خدا می‌داند که شما به خودتان خیانت می‌کنید، بنابراین توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس حالا با آن‌ها همخوابگی کنید و دنبال آنچه خدا برای شما مقرر کرده بروید و بخورید و بنوشید تا این‌که خط سفید از خط سیاه سپیده‌دم برای شما آشکار شود، بعد روزه را ادامه داده و تا شب کامل کنید. اگر برای عبادت در مسجد به سر می‌برید شب‌ها هم با زنانان همخوابگی نکنید. این حدود احکام خداوند است، به آن نزدیک نشوید، خدا آیتش را این‌طور برای مردم بیان می‌کند شاید مسلط بر نفس خود شوند. (۱۸۷) مال همدیگر را به ناحق نخورید، و مقداری از آن‌ها را به قاضی‌ها ندهید تا قسمتی از مال مردم را به گناه بخورید، در صورتی که می‌دانید که مال شما نیست. (۱۸۸) درباره هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند. بگو: آن تقویمی برای مردم و تعیین زمان حج است. نیکی آن نیست که از پشت وارد خانه شوید. نیکوکار کسی است که متقی (مسلط بر نفس خود) باشد. از در خانه وارد خانه شوید و از نافرمانی خدا بترسید تا

رستگار شوید. (۱۸۹) و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید ولی تعدی (تجاوز) نکنید. چون خدا افرادی را که تجاوز می‌کنند دوست ندارد. (۱۹۰)

کسانی را که با شما می‌جنگند هر کجا پیدا کردید بکشید و آن‌ها را از جایی که شما را بیرون کردند، بیرون کنید. توطئه از آدمکشی بدتر است. و با آن‌ها در مسجد الحرام تا موقعی که با شما در آن جنگ نکنند، نجنگید. اگر با شما جنگیدند آن‌ها را بکشید، مجازات کافرین این است. (۱۹۱) اگر از جنگ دست برداشتند خدا بخشنده مهربان است (شما هم ببخشید). (۱۹۲) و با آن‌ها بجنگید تا توطئه ای باقی نماند و دین مخصوص خدا شود. اگر دست برداشتند بدانید که تجاوز فقط بر ستمکاران جایز است. (۱۹۳) ماه حرام در مقابل ماه حرام است و حرام‌ها قصاص دارد. اگر کسی به شما تعدی کرد همان‌طور که به شما تعدی کرده به او تعدی کنید و از نافرمانی خدا بترسید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است. (۱۹۴) در راه خدا خرج کنید و با دست خودتان خود را به هلاکت نیندازید و نیکی کنید چون خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۹۵) حج و عمره را برای خدا کامل کنید. و اگر از حج کردن شما جلوگیری شد تا آنجا که امکان دارد قربانی کنید و سرتان را نتراشید تا وقتی که قربانی به محل خودش برسد. اگر کسی از شما مریض و یا سرش دچار ناراحتی بود، کفاره آن روزه یا صدقه یا قربانی است. و وقتی امنیت پیدا کردید، کسی که از عمره به حج دست یافت تا آنجا که میسر است قربانی کند. کسی که قربانی نکرد سه روز در حج و هفت روز بعد از برگشت از حج روزه بگیرد. این ده روز کامل است. این برای کسی است که خانواده اش اهل مسجد الحرام نباشد. از نافرمانی خدا بترسید و بدانید مجازاتی که خدا می‌کند بسیار شدید است. (۱۹۶)

حج در ماه‌های معلومی است. کسی که حج را در این ماه‌ها به جا می‌آورد بداند که در حج هم‌خواهگی با زنان و نافرمانی (از دستورهای خدا) و بگومگو جایز نیست. خدا هر کار خوبی را که بکنید می‌داند. توشه بردارید، که بهترین توشه تقوی (تسلط بر نفس و پیروی از دستورهای خدا) است. ای افراد عاقل، از نافرمانی من پرهیز کنید. (۱۹۷) بر شما گناهی نیست که دنبال فضل خداوندتان (خرید و فروش و تجارت) بروید، چون از عرفات برگشتید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید، و به یاد او باشید چنانکه او هدایتتان کرد، در صورتی که قبلاً از گمراهان بودید. (۱۹۸) و از جایی برگردید که مردم برمی‌گردند، و از خدا طلب آمرزش کنید چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۹۹) وقتی آداب حج را به‌جا آوردید، خدا را همان‌طور که پدرانتان را یاد می‌کنید یا بیشتر از آن یاد کنید. عده‌ای از مردم می‌گویند که خداوند، در دنیا وضع خوبی به ما بدهد، چنین افرادی در آخرت نصیبی ندارند. (۲۰۰) و عده‌ای از آن‌ها می‌گویند خداوند، در دنیا و آخرت وضع خوبی به ما بدهد و ما را از عذاب آتش جهنم حفظ نما. (۲۰۱) آن‌ها بهره‌ای از آنچه کرده‌اند دارند. حسابرسی خدا سریع است. (۲۰۲)

خدا را در روزهای معینی (در ایام حج) یاد کنید کسی که دو روز جلو بیندازد گناهی ندارد و کسی هم که عقب بیندازد گناهی ندارد، البته برای کسی که پرهیزکار باشد. از نافرمانی دستورهای خدا حذر کنید و بدانید که شما پیش او جمع‌آوری خواهید شد. (۲۰۳) از مردم کسی وجود دارد که سخنش درباره زندگی دنیا تو را به تعجب و امیدوار دارد و خدا را در مورد آنچه در دلش می‌باشد گواه می‌گیرد در صورتی که او سرسخت‌ترین دشمن است. (۲۰۴) وقتی از پیش تو برود (یا به ریاست برسد) در فساد کردن در زمین کوشش می‌کند و زراعت و نسل را از بین می‌برد. خدا فساد را دوست ندارد. (۲۰۵) وقتی به او گفته شود از خدا بترس، تکبر او را بیشتر به گناه و امیدوار دارد. جهنم برای او کافی است، جهنم بد جایی است. (۲۰۶) در صورتی که عده‌ای از مردم جان خود را در راه کسب رضای خدا می‌دهند و خدا نسبت به بندگان مهربان است. (۲۰۷) ای افراد باایمان، همگی تسلیم فرمان خدا شوید و از راه شیطان پیروی نکنید چون او دشمن آشکار شما است. (۲۰۸) اگر بعد از این‌که دلایل روشن برای شما آمد دچار لغزش شدید، بدانید که خدا توانا و حکیم است. (۲۰۹) آیا انتظار دارند که خدا و فرشتگان در سایه‌بانی از ابر پیش آن‌ها بیایند و کار تمام شود؟! همه کارها به خدا برگردانده می‌شود. (۲۱۰)

از بنی اسرائیل بپرس چه مقدار آیات روشن به آنها دادیم؟ کسی که نعمت خدا (دستور خدا) را بعد از این که برای او آمد تغییر دهد، بداند که مجازات خدا شدید است. (۲۱۱) برای افراد بی ایمان زندگی دنیا زینت داده شده و افراد با ایمان را مسخره می کنند. در صورتی که روز قیامت افراد پرهیزکار از آنها بالاتر هستند. خدا به هر کس که بخواهد بدون حساب روزی می دهد. (۲۱۲) مردم امت واحدی بودند. خدا پیغمبران را برای بشارت دادن و بیم دادن فرستاد و کتاب را به حق به آنها نازل کرد تا بین مردم در مواردی که اختلاف داشتند حکم کند. کسانی که به آنها کتاب داده شده بود، بعد از این که دلایل روشن برای آنها آمد، فقط از روی حسادت و تجاوز درباره آن دچار اختلاف شدند. خدا افراد با ایمان را در مورد حقی که در آن اختلاف نظر داشتند مطابق قانون خود هدایت کرد. خدا هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می کند. (۲۱۳) آیا خیال کردید که وارد بهشت می شوید، در صورتی که هنوز امتحانی که از افراد قبل از شما شده بود از شما نشده؟ آنها دچار سختی و رنج شدند و متزلزل گشتند به طوری که حتی پیغمبر و افرادی که با او بودند گفتند: پس یاری خدا کی خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است. (۲۱۴) از تو می پرسند که چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: هر چیز خوبی که انفاق می کنید اختصاص به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تهیدستان و در راه ماندگان دارد. هر کار خوبی که بکنید خدا آن را می داند. (۲۱۵)

جنگ بر شما واجب شده در صورتی که شما از آن بدتان می آید. ولی خیلی چیزها است که شما از آن بدتان می آید در صورتی که به نفع شما است و خیلی از چیزها است که شما دوست دارید در صورتی که به ضرر شما است. خدا می داند ولی شما نمی دانید. (۲۱۶) از تو درباره جنگ در ماه حرام می پرسند. بگو: جنگ در ماه حرام گناه بزرگی است، در حالی که گناه جلوگیری از راه خدا و کفر به او و مسجد الحرام و بیرون کردن اهل آن از آن بزرگتر است. فتنه از قتل بدتر است. دائماً با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند. کسانی که شما که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته است و اهل جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۱۷) مسلمانان و مهاجران و مجاهدان راه خدا امید رحمت خدا را دارند و خدا آمرزنده و مهربان است. (۲۱۸) درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند. بگو: در آنها گناه بزرگی وجود دارد و منفعت هایی هم برای مردم دارد ولی گناه آنها بزرگتر از نفع آنها است. از تو می پرسند که چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: آنچه را که بیشتر از مخارج زندگی است. خدا این طور آیات را برای شما بیان می کند شاید شما درباره دنیا و آخرت فکر کنید. (۲۱۹)

از تو درباره یتیمان سؤال می کنند، بگو: اصلاح کار آنها بهتر است و اگر با آنها معاشرت کنید برادران شما هستند. خدا افراد خرابکار و اصلاح کنندگان را می شناسد. اگر خدا می خواست شما را دچار زحمت می کرد، چون خدا توانا و حکیم است. (۲۲۰) با زنان مشرک تا ایمان نیاورند ازدواج نکنید، بدون شك ازدواج با کنیز با ایمان بهتر از ازدواج با زن مشرک است، اگر چه دل شما را ببرد و به مردان مشرک تا وقتی ایمان نیاورند زن ندهید. مسلماً بنده با ایمان بهتر از مرد مشرک است، اگر چه او باعث تعجب شما شود. آنها افراد را به آتش جهنم دعوت می کنند و خدا با قوانین خود شما را به بهشت و آمرزش دعوت می کند و آیاتش را برای مردم بیان می کند تا متوجه شوند. (۲۲۱) درباره قاعدگی زنان از تو سؤال می کنند، بگو: آن ناراحت کننده است، در زمان حیض (قاعدگی) از زنان کناره جویی کنید و تا وقتی که پاک نشوند با آنها هم خوابگی نکنید، وقتی هم که پاک شدند از جایی که خدا به شما دستور داده با آنها هم خوابگی کنید (نه از جای دیگر). چون خدا توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد. (۲۲۲) زنان شما کشتزار شما هستند (برایتان فرزند می آورند). هر وقت که خواستید وارد کشتزار خود شوید و برای خود کار صحیح بکنید و از نافرمانی خدا بترسید و بدانید که او را ملاقات می کنید و به افراد با ایمان مژده بده. (۲۲۳) نام خدا را دستاویز قسم های خود قرار ندهید که نیکی نکنید و پرهیزکار نباشید و بین مردم را اصلاح نکنید. خدا شنوا و دانا است. (۲۲۴)

خدا به علت قسم های بیهوده از شما بازخواست نمی کند ولی از شما به علت آنچه در دل دارید بازخواست می کند. خدا آمرزنده و بردبار است. (۲۲۵) کسانی که قسم

می‌خورند که با زنانشان هم‌خوابگی نکنند تا چهارماه انتظار می‌کشند. اگر بازگردند خدا آمرزنده مهربان است. (۲۲۶) و اگر تصمیم طلاق گرفتند، خدا شنوا و دانا است. (۲۲۷) زنانی که طلاق داده شده‌اند باید سه بار از قاعدگی پاک شوند و اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارند حق ندارند که آنچه خدا در رحم‌هایشان آفریده کتمان کنند و شوهرانشان اگر بخواهند آشتی کنند در این مدت به بازآوردن آن‌ها، سزاوارترند. زن‌ها حقوق شایسته‌ای دارند مثل وظایفی که دارند و مردان بر آن‌ها درجه‌ای برتری دارند. خدا توانا و حکیم است. (۲۲۸) طلاق دوبار است. یا آن‌ها را به خوبی نگه دارید یا آن‌ها را به خوبی ترک کنید و جایز نیست که ذره‌ای از آنچه به آن‌ها داده‌اید از آن‌ها بگیرید. مگر این‌که هر دو بترسند که حدود خدا را اجرا نکنند و اگر ترسیدید که هر دو حدود خدا را اجرا نکنند اشکالی برای آن‌ها وجود ندارد که زن پولی برای طلاق خود بدهد. این حدود خدا است بنابراین از آن تجاوز نکنید. کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند ستمکارند. (۲۲۹) اگر مرد زن را باز طلاق بدهد جایز نیست که دوباره با او ازدواج کند تا وقتی مرد دیگری با آن زن ازدواج کند. اگر شوهر دوم او را طلاق داد اشکالی ندارد که شوهر اول دوباره با او ازدواج کند. البته به شرط این‌که فکر کنند که حدود خدا را اجرا می‌کنند. این حدود خدا است که برای مردم آگاه بیان می‌کند. (۲۳۰)

وقتی زنان را طلاق دادید و به پایان عده رسیدند یا آن‌ها را به خوبی نگه دارید یا به خوبی از آن‌ها جدا شوید. آن‌ها را برای ضرر زدن به آن‌ها نگه ندارید که به آن‌ها ظلم کنید. کسی که چنین کاری بکند به خودش ظلم کرده. آیات خدا را مسخره نکنید و نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید و کتاب و حکمتی که خدا شما را به وسیله آن موعظه می‌کند به یاد داشته باشید. از نافرمانی خدا بترسید و بدانید که خدا همه چیز را می‌داند. (۲۳۱) وقتی زنان را طلاق دادید و به پایان مدت رسیدند (عده آن‌ها تمام شد) اگر با شوهر خود به طور شایسته موافقت کردند، آنان را از ازدواج با شوهر سابقشان باز ندارید. این حکم خوبی است که به کسی از شما که به خدا و روز آخرت ایمان دارد سفارش می‌شود. این‌کار برای پاکی و پاکیزگی شما بهتر است. خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۳۲) مادران به بچه‌هایشان دو سال کامل برای کسی که بخواهد شیر دادن را کامل کند شیر می‌دهند، و خوراک و پوشاک مادران به طرز شایسته بر عهده پدران است. هیچ‌کس جز به اندازه توانایش موظف نمی‌شود. مادر به خاطر فرزندش ضرر نبیند و پدر هم به خاطر فرزندش ضرر نبیند. همین وظیفه بر عهده وارث است. اگر پدر و مادر خواستند بچه را از شیر بگیرند اشکالی بر آن‌ها ندارد، البته با رضایت هم و مشورت با هم. و اگر تصمیم گرفتید که برای فرزند خود دایه بگیرید، اشکالی ندارد به شرط این‌که حق دایه را به طور شایسته به او بدهید. از نافرمانی خدا بترسید و بدانید خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۲۳۳)

کسانی (مردانی) از شما که می‌میرند و همسرانی به جا می‌گذارند باید همسرانشان چهارماه و ده روز انتظار بکشند و وقتی به آخر این مدت رسیدند، به خاطر کاری که آن‌ها به طرز شایسته درباره خود می‌کنند، اشکالی بر شما وارد نیست. خدا از کارهایی که می‌کنید خبر دارد. (۲۳۴) اشکالی برای شما وجود ندارد که به کنایه از زنان خواستگاری کنید یا آن را در دل مخفی کنید. خدا می‌داند که شما به یاد آن‌ها می‌افتید. ولی پنهانی با آن‌ها قرار نگذارید مگر این‌که به طرز شایسته‌ای با آن‌ها صحبت کنید. تا مدت چهار ماه و ده روز تمام نشده تصمیم به عقد ازدواج نگیرید و بدانید خدا آنچه را که در دل شما است می‌داند. بنابراین از نافرمانی خدا حذر کنید و بدانید که خدا آمرزنده بردبار است. (۲۳۵) گناهی بر شما نیست که زنانی را که با آن‌ها هم‌خوابگی نکرده و مهریه‌ای برای آن‌ها تعیین نکرده‌اید طلاق بدهید. آن‌ها را بهره‌مند سازید. توانگر به اندازه توانایش و فقیر به اندازه توانایش. این وظیفه افراد نیکوکار است. (۲۳۶) و اگر آن‌ها را قبل از هم‌خوابگی طلاق دادید و برای آن‌ها مهریه‌ای تعیین کرده‌اید، نصف مهریه را به آن‌ها بدهید. مگر این‌که خود زنان یا کسی که عقد ازدواج در دست او است آن را ببخشد. اگر ببخشید به تقوی نزدیکتر است و فضل (بخشش) را بین خودتان فراموش نکنید، چون خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۲۳۷)

مراقب نمازها و نماز میانه باشید و با فروتنی برای خدا قیام کنید. (۲۳۸) اگر در خطر و ترس بودید پیاده یا سواره نماز بخوانید و وقتی خاطر جمع شدید خدا را آنطور که به شما تعلیم داده، و شما آن را نمی‌دانستید، یاد کنید. (۲۳۹) کسانی (مردانی) از شما که می‌میرند و همسرانی به جا می‌گذارند، باید برای همسرانشان مخارج یکسال را، بدون بیرون کردن آنها، وصیت کنند. اگر خودشان خارج شدند درباره کارهایی که به طرز شایسته می‌کنند اشکالی بر شما وارد نیست. خدا توانا و حکیم است. (۲۴۰) وظیفه شوهران پرهیزکار است که موقع طلاق دادن هدیه‌ای مناسب به زنان خود بدهند. (۲۴۱) خداوند آیاتش را این‌طور برای شما بیان می‌کند تا تعقل کنید (وظیفه خود را تشخیص دهید). (۲۴۲) آیا کسانی را ندیدی که در حالی‌که هزاران نفر بودند از ترس مرگ از سرزمین خود خارج شدند؟ خدا به آنها گفت بمیرید، بعد آنها را زنده کرد. چون خدا به مردم لطف دارد ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (۲۴۳) در راه خدا مبارزه کنید و بدانید خدا شنوا و دانا است. (۲۴۴) کیست که به خدا قرض نیکو بدهد تا خدا آن را چند برابر کند؟ خداست که بر مردم تنگ می‌گیرد و گشایش می‌دهد و به سوی او برگردانده می‌شوی. (۲۴۵)

آیا آن دسته از بزرگان بنی‌اسرائیل را بعد از موسی ندیدی، که به پیغمبرشان گفتند: فرماندهی برای ما تعیین کن تا در راه خدا بجنگیم. او گفت: آیا امکان دارد که اگر جنگ بر شما واجب شود نجنگید؟ گفتند: چرا در راه خدا نجنگیم؟ در صورتی که ما را از سرزمین خود و از پیش فرزندانمان بیرون کرده‌اند. ولی وقتی فرمان جنگ برای آنها صادر شد همگی، به‌جز عده کمی از آنها، سرپیچی کردند. خدا ستمکاران را خوب می‌شناسد. (۲۴۶) پیغمبرشان به آنها گفت: خدا طالوت را فرمانروای شما ساخته. گفتند: چگونه او فرمانروای ما باشد در صورتی که ما به فرمانروایی از او سزاوارتر هستیم، به او ثروت زیادی داده نشده. پیغمبرشان گفت: خدا او را برگزیده و به او از لحاظ دانایی و توانایی برتری داده است. خدا فرمانروایی را به هر کس که بخواهد می‌دهد. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۲۴۷) پیغمبرشان به آنها گفت: نشانه فرمانروایی او این است که تابوت، که در آن آرامشی از خداوند شما و باقیمانده چیزهایی است که خانواده موسی و هارون به جا گذاشته‌اند، برای شما می‌آید و فرشتگان آن را حمل می‌کنند. اگر افراد باایمانی باشید مسلماً در این کار نشانه‌ای برای شما وجود دارد. (۲۴۸)

چون طالوت لشکریان را بیرون برد گفت: خدا شما را با رودخانه‌ای امتحان می‌کند. کسی‌که از آن بنوشد از من نیست و کسی‌که از آن ننوشد یا فقط یک مشت آب بنوشد از من است. همه آنها از آن آب خوردند به‌جز عده کمی. چون او و افراد باایمانی که با او بودند از آن رودخانه عبور کردند گفتند: ما امروز توانایی برخورد با جالوت و لشکریان او را نداریم. کسانی‌که گمان داشتند که خدا را ملاقات می‌کنند گفتند: چه بسیار گروه‌های کوچکی که به خواست خدا بر گروه‌های بزرگ غلبه کردند. خدا با افراد بااستقامت است. (۲۴۹) چون در مقابل جالوت و لشکریانش قرار گرفتند گفتند: خداوند، به ما صبر عطا کن و قدم‌های ما را ثابت نما و ما را در مقابل افراد بی‌ایمان پیروز گردان. (۲۵۰) در نتیجه آنها را به خواست خدا شکست دادند و داود جالوت را کشت و خدا به او فرمانروایی و حکمت داد و هر چه می‌خواست به او یاد داد. اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع نمی‌کرد، زمین خراب می‌شد ولی خدا به افراد بشر لطف دارد. (۲۵۱) این آیات خداوند است که به حق بر تو می‌خوانیم و بدون تردید تو از پیغمبرانی. (۲۵۲)

ما بعضی از پیغمبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم. از آنها کسی بود که خدا با او صحبت کرد، و بعضی را درجاتی برتر داد. به عیسی پسر مریم معجزات روشن دادیم و او را با روح القدس (روح پاک) تایید کردیم. اگر خدا می‌خواست، مردم بعد از آمدن پیغمبران و دلایل روشن برایشان، با هم نمی‌جنگیدند، ولی دچار اختلاف شدند. بعضی از آنها ایمان آوردند و بعضی ایمان نیاوردند. اگر خدا می‌خواست با هم نمی‌جنگیدند، ولی خدا هر چه را که اراده کند انجام می‌دهد. (۲۵۳) ای افراد باایمان، قبل از اینکه روزی بیاید که در آن خرید و فروش و دوستی و شفاعتی وجود ندارد، از آنچه روزی شما ساخته‌ایم انفاق کنید. کسانی‌که قبول نکنند ظالمند. (۲۵۴) معبودی (کسی‌که شما در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کنید و او را عامل برآوردن آرزوهای خود بدانید) غیر از خدا وجود ندارد. زنده و پاینده است. نه چرتش می‌گیرد و نه می‌خوابد. آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال

اوست. چه کسی بدون اجازه او می‌تواند پیش او شفاعت کند؟ خدا آنچه جلوی آن‌ها و آنچه پشت سر آن‌ها است را می‌داند، در صورتی که آن‌ها ذره‌ای از علم خدا اطلاع ندارند، مگر تا آنجا که خدا خواسته. عرش (حکومت) او آسمان‌ها و زمین را فراگرفته و از نگهداری آن‌ها نمی‌رنجد و او بلندمرتبه و بزرگ است. (۲۵۵) در دین اکراهی (اجباری) نیست. راه صحیح از غلط روشن شده. کسی که طاغوت (طغیان‌کننده‌ای که دستوری بر خلاف دستور خدا بدهد) را نپذیرد و به خدا ایمان بیاورد به دستاویز محکمی چسبیده که پاره‌شدنی نیست و خدا شنوا و دانا است. (۲۵۶)

خدا پشتیبان افراد باایمان است. آن‌ها را از تاریکی‌ها بیرون می‌آورد و به طرف نور می‌برد. در صورتی که یاور افراد بی‌ایمان طاغوت‌ها (طغیانگران) هستند که آن‌ها را از نور بیرون آورده به درون تاریکی‌ها می‌برند. آن‌ها اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۵۷) آیا آن کسی را که خدا به او فرمانروایی داده بود و با ابراهیم درباره خداوندش بگومگو می‌کرد ندیدی؟ آن وقتی که ابراهیم گفت: خداوند من آن است که جان می‌دهد و جان می‌گیرد. او گفت: من هم جان می‌دهم و جان می‌گیرم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از مشرق درمی‌آورد، تو آن را از مغرب درآور. فرد بی‌ایمان مبهوت شد. خدا کسانی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۲۵۸) یا مثل کسی که از شهری عبور می‌کرد در حالی که سقف خانه‌های شهر فرو ریخته بود. با خود گفت: خدا چگونه این شهر را بعد از مرگش زنده می‌کند؟! خدا جان او را صد سال گرفت، بعد او را زنده کرد و به او گفت: چه مدت در این حال ماندی؟ گفت: یک روز یا قسمتی از روز. خدا گفت: صد سال در این حالت ماندی، به غذا و نوشیدنی خودت نگاه کن که نگنبدیده و به خرت نگاه کن تا تو را برای مردم نشانه‌ای برای رستخیز بسازم، و به استخوان‌های خرت نگاه کن که چطور آن‌ها را دوباره سر هم می‌کنیم و به آن گوشت می‌پوشانیم. وقتی مطلب برای او روشن شد گفت: حالا می‌دانم که خدا بر هر کاری قادر است. (۲۵۹)

وقتی را یادآوری کن که ابراهیم گفت: خداوند، به من نشان بده که مرده‌ها را چگونه زنده می‌کنی؟ خدا گفت: آیا ایمان نیاورده‌ای؟ ابراهیم گفت: چرا، ولی برای این‌که دلم اطمینان پیدا کند. خدا گفت: چهار پرنده بگیر و آن‌ها را تکه‌پاره کن و سر هر کوهی قسمتی از آن را بگذار، بعد آن‌ها را صدا بزن تا با سرعت پیش تو بیایند و بدان که خدا مقتدر و حکیم است. (۲۶۰) حکایت کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق (خرج) می‌کنند مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه دربیاید و در هر خوشه صد دانه باشد. خدا آن را برای هر کسی که بخواهد چند برابر می‌کند. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۲۶۱) اشخاصی که مالشان را در راه خدا خرج می‌کنند و دنبال آن منتهی نمی‌گذارند و اذیتی نمی‌کنند، پاداش کارشان پیش خداوندشان محفوظ است، نه ترسی دارند و نه غصه‌ای. (۲۶۲) زبان خوش و طلب‌آمزش، بهتر از انفاقی است که دنبال آن اذیتی باشد. خدا بی‌نیاز و بردبار است. (۲۶۳) ای افراد باایمان، انفاق خود را با منت‌گذاشتن و اذیت کردن از بین نبرید. مثل کسی که مالش را برای این‌که مردم ببینند خرج می‌کند و به خدا و روز آخرت ایمان ندارد، وضع کار او شبیه سنگ صافی است که روی آن خاکی باشد و باران تندی بر آن ببارد و آن را بدون ذره‌ای خاک باقی بگذارد. اینگونه افراد از کاری که کرده‌اند بهره‌ای نمی‌برند. خدا افراد بی‌ایمان را هدایت نمی‌کند. (۲۶۴)

داستان کسانی که مالشان را در راه رضای خدا و برای آرامش قلب خود خرج می‌کنند، مثل باغی است که روی تپه‌ای باشد و باران تندی بر آن ببارد در نتیجه میوه‌اش را دو برابر می‌دهد و اگر باران تند بر آن نیارد همان باران کم هم کافی است. خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۲۶۵) آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از خرما و انگور داشته باشد که در آن نه‌رها روان باشد و هر نوع میوه‌ای در آن داشته باشد و به سن پیری برسد و بچه‌های کوچکی داشته باشد و در چنین حالی گردبادی که در آن آتش است به آن برسد و باغ آتش بگیرد؟ خدا آیاتش را این‌طور برای شما بیان می‌کند شاید فکر کنید. (۲۶۶) ای افراد باایمان، از چیزهای پاکی که به دست آورده‌اید و از آنچه برای شما از زمین بیرون آورده‌ایم انفاق (در راه خدا خرج) کنید و از چیزهای به درد نخور انفاق نکنید، چیزی که خودتان آن را با اکراه می‌گیرید، و بدانید که خدا بی‌نیاز و ستوده است. (۲۶۷)

شیطان شما را از فقر می‌ترساند (وعده می‌دهد) و به شما دستور کارهای بد را می‌دهد. در صورتی که خدا به شما وعده آمرزش و لطف خودش را می‌دهد. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۲۶۸) خدا دانش حقیقی را به هر کسی که بخواهد می‌دهد و به کسی که دانش حقیقی داده شد، خیر زیادی داده شده. فقط افراد عاقل متوجه این حقیقت می‌شوند. (۲۶۹)

خدا هر انفاقی (خرجی) و هر نذری که کرده‌اید می‌داند و کسانی که ظلم می‌کنند یاوری ندارند. (۲۷۰) اگر انفاق را آشکارا بکنید خوب است و اگر آن را مخفی کنید و به فقرا بدهید برای شما بهتر است. قسمتی از گناهان شما را از بین می‌برد. خدا از کارهایی که می‌کنید خبردار است. (۲۷۱) هدایت آن‌ها به عهده تو نیست ولی خدا هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند. هر چیز خوبی که انفاق کنید به نفع خودتان است. و فقط برای به دست آوردن رضای خدا انفاق کنید. هر چیز خوبی که انفاق کنید به طور کامل به شما پس داده می‌شود و به شما ظلم نمی‌شود. (۲۷۲) انفاق اختصاص به فقیرانی دارد که در راه خدا درمانده شده‌اند و توانایی مسافرت را ندارند. کسی که به وضع آن‌ها آشنا نیست آن‌ها را به علت آبروداری بی‌نیاز می‌پندارد. آن‌ها را از علامت و صورتشان می‌شناسی. با اصرار از مردم تقاضای کمک نمی‌کنند. هر چیز خوبی که انفاق کنید خدا از آن اطلاع دارد. (۲۷۳) کسانی که مالشان را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند پاداششان پیش خداوندشان محفوظ است، نه ترسی دارند و نه غصه‌ای. (۲۷۴)

کسانی که ربا می‌خورند فقط مثل کسی که شیطان او را دیوانه کرده باشد برمی‌خیزند. این حالت به خاطر این است که گفتند: خرید و فروش هم مثل ربا است. در صورتی که خدا خرید و فروش را حلال کرده و ربا را حرام نموده. کسی که وقتی نصیحت خداوندش برای او آمد از رباخواری دست کشید، سودهای قبلی مال خودش و کارش با خدا است. و کسی که رباخواری را تکرار کند اهل جهنم است و همیشه در آن است. (۲۷۵) خدا ربا را نابود می‌کند و انفاق را رشد می‌دهد. خدا افراد بی‌ایمان گناه‌کار را دوست ندارد. (۲۷۶) کسانی که ایمان آوردند و کار درست و صحیح کردند و نماز را به پا داشتند و زکات دادند، پاداششان پیش خداوندشان محفوظ است. نه ترسی دارند و نه غصه‌ای. (۲۷۷) ای افراد باایمان، از نافرمانی خدا بترسید و اگر ایمان دارید باقیمانده ربا را ترک کنید. (۲۷۸) اگر این کار را نکنید اعلام جنگ به خدا و پیغمبرش داده‌اید و اگر توبه کردید (دست از رباخواری برداشدید) اصل مالتان مال خودتان است. ظلم نمی‌کنید و به شما هم ظلم نمی‌شود. (۲۷۹) اگر بدهکار تنگدست باشد به او مهلت داده شود تا وقتی که پرداخت آن برای او ممکن شود. و اگر دانا باشید می‌دانید که اگر آن را ببخشید برای شما بهتر است. (۲۸۰) از روزی بترسید که در آن روز پیش خدا برگردانده می‌شوید. بعد هر کسی جزای کارهایی را که کرده می‌بیند و به کسی ظلم نخواهد شد. (۲۸۱)

ای افراد باایمان، وقتی قرضی را برای مدت معلومی به هم می‌دهید آن را بنویسید و باید نویسنده آن را با عدالت بنویسد و نویسنده نباید از نوشتن آن، همان‌طور که خدا به او یاد داده، خودداری کند. باید بنویسد و کسی که قرض می‌گیرد باید بگوید تا او بنویسد و باید از خدا که فرمانروای او است بترسد و ذره‌ای از آن را فروگذار نکند. اگر قرض‌گیرنده کم‌عقل یا صغیر باشد یا نتواند حرف بزند باید سرپرست او به عدالت بگوید تا نوشته شود و دو نفر از مردان خود را شاهد بگیرد. اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن از شاهدهایی که مورد رضایت شما هستند شاهد بگیرد که اگر یکی از آن‌ها گمراه شد یا فراموش کرد دیگری یادآوری کند. وقتی شاهدی برای شهادت دعوت شدند از آن خودداری نکنند. از نوشتن آن، چه کم باشد چه زیاد و از نوشتن مدت آن خودداری نکنید. این کار پیش خدا عادلانه‌تر و برای شهادت بهتر است و برای این‌که شک نکنید مطمئن‌تر است. مگر این‌که تجارتي حضوری باشد که پول و جنس را دست به دست می‌کنید. در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. وقتی خرید و فروش می‌کنید شاهد بگیرد. به نویسنده و شاهد نباید ضرری وارد شود. اگر ضرر بزنید از اطاعت خدا خارج شده‌اید. از نافرمانی خدا بترسید. خدا به شما (طرز کار را) یاد می‌دهد. خدا هر چیزی را می‌داند. (۲۸۲)

اگر حین سفر هستید و نویسنده ای پیدا نمی‌کنید، گرویی بگیرید. اگر کسی از شما به دیگری امانتی سپرد، کسی که امانت به او سپرده شده باید امانت را به صاحب برگرداند و باید از نافرمانی خدا که فرمانروای او است بترسد و شهادت را پنهان نکنید. کسی که شهادت را پنهان کند قلباً گناه‌کار است. خدا کارهایی را که می‌کنید می‌داند. (۲۸۳) هر چه در آسمان‌ها و زمین است مال خداست. اگر آنچه در دلتان است آشکار کنید یا پنهان کنید خدا شما را مطابق آن محاسبه می‌کند. هر کس را که بخواهد می‌بخشد و کسی را که بخواهد عذاب می‌کند. خدا قادر به هر کاری است. (۲۸۴) پیغمبر به آنچه از خداوندش به او نازل شده ایمان دارد. همه افراد با ایمان به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیغمبران‌ش ایمان دارند. می‌گویند: فرقی بین هیچکدام از پیغمبران‌ش نمی‌گذاریم. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. خداوند، آموزش تو را می‌خواهیم. بازگشت همه پیش تو است. (۲۸۵) خدا کسی را جز به اندازه توانائیش موظف نمی‌کند. هر کس هر کار نیکی بکند به نفع خودش است و هر کار بدی بکند بر عهده خودش است. خداوند، اگر فراموش کردیم یا اشتباه کردیم ما را مجازات نکند. خداوند، تکلیف سنگینی، آنطور که بر عهده کسانی که قبل از ما بودند گذاشتی، بر عهده ما مگذار. خداوند، چیزی که طاقت آن را نداریم بر عهده ما مگذار. گناه ما را ببخش و ما را بیامرز و به ما رحم کن. (فقط) تو مولا و سرور ما هستی، پس ما را بر افراد بی‌ایمان پیروز گردان. (۲۸۶)

سوره آل عمران (۳)

مدنی و شامل دویست آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

الم. (۱) معبودی غیر از خدا که زنده و پاینده است وجود ندارد. (۲) قرآن را که تصدیق‌کننده کتاب‌های قبلی است به حق بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را، (۳) که راهنمای مردم است قبلاً نازل کرد و فرقان (جداکننده حق و باطل) را نازل کرد. کسانی که منکر آیات خدا می‌شوند عذاب شدیدی دارند و خدا توانا و انتقام‌گیر است. (۴) چیزی در زمین و آسمان بر خدا مخفی نیست. (۵) او است که هر طور بخواهد شکل شما را در رحم‌ها نقش‌بندی می‌کند. معبودی (کسی که انسان در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کند و او را عامل برآوردن آرزوهای خود بداند) غیر از او که توانا و حکیم است وجود ندارد. (۶) اوست که قرآن را بر تو نازل کرد. قسمتی از آن، آیات محکم است و آن‌ها اصل کتاب هستند و قسمت دیگر متشابهاست. اما کسانی که در دلشان میل به باطل وجود دارد دنبال متشابهاست. آن می‌روند، چون خواستار انحراف مردم و دنبال تأویل آن هستند. در صورتی که تأویل آن را کسی جز خدا نمی‌داند. و راسخین در علم (عالمان واقعی) می‌گویند: به آن ایمان آوردیم، همه آن از طرف خداوند ما است. فقط افراد عاقل متوجه این حقیقت می‌شوند. (۷) خدایا، دل ما را پس از این‌که ما را هدایت کردی متمایل به باطل نساز و رحمت خودت را به ما عطا کن، چون تو عطاکننده‌ای. (۸) خدایا، تو مردم را در روزی که شکی در آن نیست جمع می‌کنی. مسلماً خدا بر خلاف وعده کاری نمی‌کند. (۹)

اموال و اولاد افراد بی‌ایمان در مقابل خدا کاری برای آن‌ها نمی‌کنند. آن‌ها (افراد بی‌ایمان) سوخت آتش جهنم هستند. (۱۰) مثل فرعونیان و کسانی که قبل از آن‌ها بودند، که آیات ما را انکار کردند. خدا آن‌ها را به خاطر گناهانشان دچار عذاب کرد. مجازات خدا شدید است. (۱۱) به منکران بگو: مغلوب خواهید شد و در جهنم دور هم جمع می‌شوید. جهنم بد جایی است. (۱۲) برای شما آیه‌ای (نشانه‌ای) در دو دسته‌ای که با هم روبرو شدند وجود داشت. دسته‌ای در راه خدا می‌جنگیدند، و دسته دیگر که کافر بودند آن‌ها را به چشم خود دو برابر می‌دیدند. خدا هر کس را که بخواهد با یاری خود تایید می‌کند. در این مطلب عبرتی برای افراد بی‌ایمان وجود دارد. (۱۳) برای مردم علاقه به شهوات، از قبیل علاقه به زن و فرزند و اموال زیاد از طلا و نقره و اسب‌های عالی‌نشاندار و چهارپایان و کشتزار، زینت داده شده. این‌ها وسایل زندگی دنیا هستند. در صورتی که بهترین جای بازگشت پیش خدا است. (۱۴) بگو: آیا شما را به چیزی بهتر از این آگاه بکنم؟ افراد پرهیزکار پیش خداوندشان بهشت‌هایی دارند که نهرها در آن روان است و همیشه در آن خواهند

بود، به اضافه همسران پاک و رضایت خدا. خدا کارهای بندگان خود را می‌بیند. (۱۵)

بندگانی که می‌گویند: خداوندا، ایمان آوردیم، گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب آتش جهنم حفظ نما. (۱۶) افرادی با استقامت، راستگو، مطیع، و انفاق‌کننده که موقع سحر از خدا طلب آمرزش می‌کنند. (۱۷) خدا گواه است که معبودی (کسی که انسان در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کند و بدون چون و چرا از دستورهای او پیروی کند) غیر از او وجود ندارد و او به عدالت عمل می‌کند، و فرشتگان و دانشمندان (نیز چنین گواهی می‌دهند). معبودی غیر از او که توانا و حکیم است وجود ندارد. (۱۸) دین نزد خدا فقط اسلام (تسلیم حکم و نظر خدا بودن) است. کسانی که به آن‌ها کتاب الهی داده شد، پس از اینکه علم برای آن‌ها حاصل شد از روی حسادت دچار اختلاف شدند. کسی که منکر آیات خدا شود بداند که خدا حسابرس سریعی است. (۱۹) اگر با تو بحث و بگومگو کردند بگو: من خودم را تسلیم خدا کرده‌ام، و پیروان من هم همین‌طور. و به اهل کتاب و مشرکان بگو: آیا شما هم تسلیم خدا شده‌اید؟ اگر تسلیم خدا شده‌اند، هدایت شده‌اند و اگر سرپیچی کردند وظیفه تو فقط رساندن پیام است. خدا کارهای بندگان را می‌بیند. (۲۰) کسانی که آیات خدا را انکار می‌کنند و پیغمبران را به ناحق می‌کشند، همین‌طور کسانی را که به عدالت امر می‌کنند می‌کشند به عذاب پردردی بشارت بده. (۲۱) این‌ها افرادی هستند که کارهایشان در دنیا و آخرت هدر رفته است و یاوری نخواهند داشت. (۲۲)

آیا کسانی را ندیدی که بهره‌ای از کتاب به آن‌ها داده شده بود؟ وقتی از آن‌ها دعوت می‌شود که کتاب خدا بین آن‌ها حکم کند، عده‌ای از آن‌ها این‌کار را قبول نمی‌کنند و زیر بار آن نمی‌روند. (۲۳) این‌کار به علت این است که گفتند: آتش جهنم جز چند روزی به ما نمی‌رسد و دروغ‌هایی که سرهم کرده‌اند آن‌ها را در دینشان فریب داده. (۲۴) وقتی آن‌ها را برای روزی که شکی در آن نیست جمع کنیم و به هر کسی جزای کارهایی که کرده به طور کامل داده شود و ظلمی به افراد نشود، وضع آن‌ها چگونه خواهد بود؟ (۲۵) بگو: خداوندا، ای مالک هستی، فرمانروایی مال تو است، به هر کس که بخواهی فرمانروایی می‌دهی و از هر کس که بخواهی پس می‌گیری، به هر کس که بخواهی عزت می‌دهی و هر کس را که بخواهی ذلیل می‌کنی، خیر در دست تو است چون قادر به هر کاری هستی. (۲۶) شب را وارد روز می‌کنی و روز را داخل شب می‌کنی. از موجود بی‌جان جاندار می‌سازی و از موجود جاندار بی‌جان. و به هر کس که بخواهی بدون حساب روزی می‌دهی. (۲۷) مسلمانان، افراد بی‌ایمان را به جای افراد باایمان پشتیبان خود نگیرند. کسانی که چنین کاری کنند رابطه‌ای با خدا ندارند، مگر اینکه به شدت مواظب کار آن‌ها باشید. خدا شما را از مجازات خودش برحذر می‌دارد و بازگشت شما به سوی خدا است. (۲۸) بگو: اگر آنچه در دلتان است مخفی کنید یا آشکار کنید خدا آن را می‌داند و آنچه در آسمان‌ها و زمین است می‌داند. خدا قادر به هر کاری است. (۲۹)

در آن روز هر کس کارهای خوبی را که کرده حاضر می‌یابد و دوست دارد که بین او و کارهای بدی که کرده فاصله زیادی باشد. خدا شما را از نافرمانی و عذاب خودش برحذر می‌دارد. خدا نسبت به بندگان مهربان است. (۳۰) بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را بیامرزد. خدا آمرزنده مهربان است. (۳۱) بگو: از خدا و پیغمبر اطاعت کنید. اگر از این کار سرپیچی کنند، بدانند که خدا افراد بی‌ایمان را دوست ندارد. (۳۲) خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. (۳۳) فرزندان که از همدیگر هستند. خدا شنوا و دانا است. (۳۴) وقتی را یادآوری کن که زن عمران گفت: خداوندا، من فرزندی را که در شکم دارم نذر خدمت تو کرده‌ام، آن را از من بپذیر. چون تو شنوا و دانایی. (۳۵) چون وضع حمل کرد گفت: خداوندا، من دختر زاییده‌ام و پسر مثل دختر نیست، و اسم او را مریم گذاشتم و او و فرزندش را از شر شیطان رجیم (رانده شده) در پناه تو قرار دادم. در صورتی که خدا بهتر می‌دانست که او چه زاییده. (۳۶) خداوندش او را با بهترین وجه قبول کرد و او را به خوبی پروراند و خدا سرپرستی او را به زکریا سپرد. هرگاه زکریا وارد محرابش می‌شد غذایی پیش او می‌یافت. زکریا به او گفت: ای مریم این غذا از کجا

برایت آمده؟ او گفت: این از جانب خداست. چون خدا به هر کس که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد. (۳۷)

اینجا بود که زکریا خداوندش را به کمک خواند و گفت: خداوندا، از طرف خودت به من فرزند پاکی عطا کن. چون تو شنونده دعا هستی. (۳۸) در حالی که او در محراب ایستاده و نماز می‌خواند فرشته به او گفت: خدا به تو بشارت یحیی را می‌دهد که تصدیق کننده کلمه خدا و بزرگوار و خویشتن‌دار و پیغمبری از درستکاران است. (۳۹) زکریا گفت: خداوندا، چگونه می‌توانم پسری داشته باشم در صورتی که پیر شده‌ام و همسر من نازا است. فرشته گفت: همین‌طور است. خدا هر کاری را که بخواهد بکند می‌کند. (۴۰) زکریا گفت: خداوندا، نشانه‌ای برای من قرار بده. خداوند فرمود: نشانه تو این است که سه روز جز با اشاره حرف نمی‌زنی. خداوندت را زیاد یاد کن و شب و صبح او را به پاکی و بزرگی یاد کن. (۴۱) زمانی را یادآوری کن که فرشتگان به مریم گفتند: ای مریم، خدا تو را برگزیده و پاک کرده و تو را بر زنان عالم برتری داده است. (۴۲) ای مریم، از خداوندت اطاعت کن و سجده کن و با رکوع‌روندگان به رکوع برو. (۴۳) این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم. تو وقتی که قرعه‌کشی می‌کردند که کدامیک از آن‌ها کفالت مریم را به عهده بگیرد، پیش آن‌ها نبود و وقتی با هم کشمکش می‌کردند با آن‌ها نبود. (۴۴) هنگامی که فرشته گفت: ای مریم، خدا تو را به کلمه‌ای از جانب خودش بشارت می‌دهد. اسم او مسیح عیسی پسر مریم است که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان خدا است. (۴۵)

و با مردم در گهواره و بزرگسالی حرف می‌زند و از درستکاران است. (۴۶) مریم گفت: خداوندا، چگونه می‌توانم پسری داشته باشم در صورتی که بشری با من هم‌خوابی نکرده؟ فرشته گفت: خدا هر کس را که بخواهد به این ترتیب می‌آفریند. وقتی تصمیم به انجام کاری بگیرد فقط می‌گوید که این‌طور باش، و همان‌طور خواهد شد. (۴۷) خدا به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل را یاد می‌دهد. (۴۸) و رسولی برای بنی‌اسرائیل می‌باشد. به آن‌ها می‌گوید: من آیه‌ای (معجزه‌ای) از خداوند شما برای شما آورده‌ام. من از گل به شکل پرند در آن می‌کنم و در آن می‌دمم و به فرمان خدا پرندهای می‌شود، و کور مادرزاد و پیس را شفا می‌دهم، و مرده را به فرمان خدا زنده می‌کنم، و شما را از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید باخبر می‌کنم. اگر افراد باایمانی باشید، در این‌کار برای شما نشانه‌ای وجود دارد. (۴۹) و تصدیق‌کننده توراتی هستم که پیش از من است و بعضی از چیزهایی را که برای شما حرام بوده برای شما حلال می‌کنم و نشانه‌ای از خداوندتان برای شما آورده‌ام. بنابراین از نافرمانی و عذاب خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۵۰) صاحب‌اختیار من و شما خداست. بنابراین او را بندگی (اطاعت محض) کنید، راه راست همین است. (۵۱) چون عیسی از ایشان احساس کفر کرد گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی هستند؟ حواریون (دوازده شاگرد مسیح) گفتند: ما یاوران خداییم و به خدا ایمان آوردیم و شاهد باش که ما مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) هستیم. (۵۲)

خداوندا، ما به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از رسول پیروی کردیم. پس ما را در ردیف شاهدان بنویس. (۵۳) آن‌ها نقشه کشیدند و خدا هم نقشه کشید و خدا بهترین طراح است. (۵۴) زمانی را یادآوری کن که خدا گفت: ای عیسی، من جان تو را می‌گیرم و تو را بالا پیش خودم می‌برم و تو را از افراد بی‌ایمان پاک می‌کنم و پیروان تو را تا روز قیامت بالاتر از افراد بی‌ایمان قرار می‌دهم و بازگشت شما پیش من است. و آن وقت بین شما درباره آنچه که در آن اختلاف داشتید حکم می‌کنم. (۵۵) اما افراد بی‌ایمان را، هم در دنیا و هم در آخرت عذاب شدیدی می‌کنم و مددکاری برای آن‌ها وجود نخواهد داشت. (۵۶) اما افراد باایمانی که کار درست کرده‌اند پاداششان را به طور کامل به آن‌ها می‌دهم. خدا کسانی را که ظلم می‌کنند دوست ندارد. (۵۷) این آیات و تذکر حکیمانه‌ای است که بر تو می‌خوانیم. (۵۸) آفرینش عیسی پیش خدا مثل آفرینش آدم است که خدا او را از خاک آفرید و بعد به او گفت بشو، او هم شد. (۵۹) حقیقت از جانب خداوند تو است، بنابراین از کسانی نباش که شک می‌کنند. (۶۰) به کسانی که بعد از این‌که علم برای تو حاصل شد با تو بگویم که بیایید تا فرزندانمان و فرزندانتان و زنانمان و زنانتان

و خودمان و خودتان را دعوت کنیم، بعد تضرع کنیم و لعنت خدا را بر افراد دروغگو قرار دهیم. (۶۱)

این داستان حقیقی است و معبودی (کسی که شما در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کنید و از دستورهای او بدون چون و چرا اطاعت کنید و یا او را عامل برآوردن آرزوهای خود بدانید) غیر از خدا وجود ندارد و خدا مقتدر و حکیم است. (۶۲) اگر قبول نکردند، مفسدند (خرابکارند) و خدا افراد خرابکار را خوب می‌شناسد. (۶۳) بگو: ای اهل کتاب، به سوی کلمه‌ای بیایید که بین ما و شما مساوی است. که فقط خدا را بندگی (اطاعت بی‌چون و چرا) بکنیم و در این‌کار چیزی را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خدا ارباب خود نگیرند. اگر قبول نکردند، بگویید که شاهد باشید که ما تسلیم حکم و نظر خدا هستیم. (۶۴) ای اهل کتاب، چرا درباره ابراهیم بگومگو می‌کنید. در صورتی که تورات و انجیل بعد از ابراهیم نازل شده. آیا درک نمی‌کنید؟ (۶۵) این شما هستید که درباره چیزی که می‌دانید با دیگران بگومگو می‌کنید. پس چرا درباره چیزهایی که نمی‌دانید بگومگو می‌کنید؟ خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (۶۶) ابراهیم نه یهودی بود نه عیسوی، بلکه موحد و مسلمان (فقط تسلیم حکم و نظر خدا) بود و مشرک نبود. (۶۷) نزدیک‌ترین افراد به ابراهیم، پیروان او و این پیغمبر و افراد باایمان هستند. خدا پشتیبان افراد باایمان است. (۶۸) عده‌ای از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند. در صورتی که آن‌ها خودشان را گمراه می‌کنند و متوجه نیستند. (۶۹) ای اهل کتاب، چرا منکر آیات خدا می‌شوید؟ در صورتی که به درستی آن شهادت می‌دهید. (۷۰)

ای اهل کتاب، چرا حق را با باطل مشتبه می‌سازید و در صورتی که حق را می‌دانید آن را مخفی می‌کنید؟ (۷۱) عده‌ای از اهل کتاب گفتند: در آغاز روز به قرآنی که به مسلمانان نازل شده ایمان بیاورید و آخر روز منکر آن شوید تا مسلمانان از ایمان خود برگردند. (۷۲) و فقط به کسی که از دین شما پیروی کند ایمان بیاورید. بگو: هدایت واقعی هدایت خداست. (می‌گویند: باور نکنید) که به کسی همانند آنچه به شما داده شده، داده شود. وگرنه پیش خداوندتان با شما بگومگو می‌کنند. بگو: فضل در اختیار خداست. آن را به هر کس که بخواهد عطا می‌کند. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۷۳) هر کس را که بخواهد به رحمت خود اختصاص می‌دهد. خدا صاحب فضل بزرگ است. (۷۴) افرادی از اهل کتاب هستند که اگر پول زیادی پیش آن‌ها امانت بگذاری آن را به تو برمی‌گردانند و عده‌ای از آن‌ها هستند که اگر یک دینار پیش آن‌ها امانت بگذاری آن را به تو پس نمی‌دهند مگر این‌که دائماً سر راهشان بایستی. این‌کار به علت این است که می‌گویند: ما در مقابل مشرکین مسؤولیتی نداریم. از قول خدا دروغ می‌گویند. خودشان هم این را می‌دانند. (۷۵) آری، کسانی که به عهدشان عمل کنند و پرهیزکار باشند (بدانند که) خدا افراد باتقوی را دوست دارد. (۷۶) کسانی که عهد و پیمان الهی و قسم‌هایشان را به قیمت کمی می‌فروشند، در آخرت بهره‌ای ندارند و روز قیامت خدا با آن‌ها حرف نمی‌زند و به آن‌ها نگاه هم نمی‌کند و پاکشان نمی‌سازد و عذاب پردردی دارند. (۷۷)

عده‌ای از آن‌ها به نام بیان کتاب خدا طوری حرف می‌زنند که شما خیال کنید حرف‌هایشان از کتاب الهی است، در صورتی که از کتاب الهی نیست و می‌گویند که این حرف‌ها از جانب خدا است، در صورتی که از جانب خدا نیست. از قول خدا دروغ می‌گویند و خودشان هم این را می‌دانند. (۷۸) هیچ بشری نبوده که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد، بعد او به مردم بگوید: غیر از خدا بنده من باشید. بلکه می‌گفتند: خداپرست باشید، به دلیل همان کتابی که درس می‌دهید و درس می‌گیرید. (۷۹) و به شما دستور نمی‌دهد که فرشتگان و پیغمبران را ارباب خود بگیرید. آیا شما را به کفر دستور می‌دهد آن هم بعد از این‌که تسلیم خدا (مسلمان) شدید؟! (۸۰) زمانی را یادآوری کن که خدا از پیغمبران پیمان گرفت که به شما کتاب و حکمت دادم، بعد رسولی برای شما آمد که کتابی را که با شماست تصدیق می‌کرد، به او ایمان بیاورید و به او کمک کنید (و این را به مردم هم بیاموزید). بعد به آن‌ها گفت: آیا اقرار می‌کنید و این پیمان را قبول می‌کنید؟ گفتند: اقرار می‌کنیم. خدا گفت: بنابراین شاهد باشید، من هم با شما شاهد خواهم بود. (۸۱) کسانی که از آن به بعد از این قرار سرپیچی کنند خلافکار هستند. (۸۲) آیا دنبال دینی غیر از دین خدا می‌گردند؟ در صورتی که تمام آنچه

که در آسمان‌ها و زمین هستند، چه بامیل و چه بی‌میل، تسلیم او هستند و به سوی او برگردانده می‌شوند. (۸۳)

بگو: ما به خدا و آنچه به ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان او نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران از جانب خداوندشان داده شده ایمان آورده ایم، فرقی بین هیچکدام آن‌ها نمی‌گذاریم و ما مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) هستیم. (۸۴) کسی که دنبال دینی غیر از اسلام (تسلیم حکم و نظر خدا بودن) برود هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است. (۸۵) چگونه خدا عده‌ای را که بعد از ایمان آوردنشان و پس از این‌که شهادت دادند که پیغمبر حق است و دلایل روشن برای آن‌ها آمد کافر شدند هدایت می‌کند؟ خدا ظالم‌ها را هدایت نمی‌کند. (۸۶) جزای آن‌ها این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردم دسته‌جمعی بر آنان است. (۸۷) همیشه در آن خواهند بود و عذاب آن‌ها تخفیف پیدا نمی‌کند و به آن‌ها مهلتی داده نمی‌شود. (۸۸) مگر کسانی که بعد از آن توبه کردند و کار خود را اصلاح کردند چون خدا آمرزنده مهربان است. (۸۹) توبه افرادی که بعد از ایمان آوردنشان منکر شدند و به انکارشان اضافه کردند، هرگز قبول نمی‌شود. آن‌ها گمراه هستند. (۹۰) افرادی که منکر شدند و در حال کفر و انکار مردند، اگر زمین را پر از طلا بکنند و جریمه بدهند از هیچکدام آن‌ها به هیچ وجه پذیرفته نمی‌شود. آن‌ها عذاب پردردی دارند و کسی که به آن‌ها کمک کند ندارند. (۹۱)

هرگز به نیکی نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست دارید انفاق کنید، و هر چیزی که انفاق کنید خدا آن را می‌داند. (۹۲) هر غذایی برای بنی‌اسرائیل حلال بود غیر از غذاهایی که اسرائیل (یعقوب) قبل از این‌که تورات نازل شود بر خودش حرام کرده بود. بگو: اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید. (۹۳) کسانی که بعد از این به خدا افترا بزنند ظالم هستند. (۹۴) بگو: خدا راست گفت، بنابراین از آیین ابراهیم که موحد بود و مشرک نبود پیروی کنید. (۹۵) اولین خانه‌ای که برای مردم ساخته شد، خانه‌ای است در مکه، که مبارک و راهنمای مردم است. (۹۶) در آن آیات روشنی از جمله مقام ابراهیم وجود دارد. کسی که داخل آن شود در امان است. وظیفه مردم این است که در صورتی که توانایی رفتن به آن را داشته باشند برای خدا به آنجا بروند. اگر کسی منکر آن شود (بداند که) خدا از تمام افراد بشر بی‌نیاز است. (۹۷) بگو: ای اهل کتاب، چرا منکر آیات خدا می‌شوید؟ در صورتی که خدا شاهد کارهایی است که می‌کنید. (۹۸) بگو: ای اهل کتاب، چرا مردم را از راه خدا باز می‌دارید؟ هر کس را که ایمان بیاورد می‌خواهید منحرف کنید در صورتی که خودتان شاهد درستی آن هستید. خدا از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۹۹) ای افراد باایمان، اگر از عده‌ای از اهل کتاب اطاعت کنید شما را بعد از این‌که ایمان آورده‌اید کافر می‌سازند. (۱۰۰)

چگونه کافر می‌شوید در صورتی که آیات خدا بر شما خوانده می‌شود و پیغمبر خدا در بین شما است؟ کسی که به خدا متوسل شود بدون شک به راه راست هدایت شده. (۱۰۱) ای افراد باایمان، از خدا آنطور که شایسته ترس از اوست بترسید و جز در حالی که مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) هستید از دنیا نروید. (۱۰۲) همگی به رشته الهی (قرآن) بچسبید و دچار تفرقه نشوید و نعمت خدا را بر خودتان به یاد داشته باشید که دشمن هم بودید و خدا بین دل‌های شما محبت ایجاد کرد و به نعمت آن برادر هم شدید، و کنار گودالی از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. خدا آیاتش را این‌طور برای شما بیان می‌کند تا هدایت شوید. (۱۰۳) باید عده‌ای از شما باشند که مردم را به کار خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند. چنین افرادی رستگار و موفق هستند. (۱۰۴) شما مثل کسانی نباشید که پس از این‌که دلایل روشن هم برای آن‌ها آمد دچار تفرقه و اختلاف شدند. آن‌ها عذاب بزرگی دارند. (۱۰۵) روزی که صورتهایی سفید و صورتهایی سیاه می‌شود. اما به افرادی که صورشان سیاه شده گفته می‌شود: آیا بعد از ایمان آوردنتان کافر شدید؟ پس به خاطر کفری که ورزیدید عذاب را بچشید. (۱۰۶) اما کسانی که صورشان سفید شده در رحمت خدا هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۱۰۷) این‌ها آیات خدا است که به حق بر تو می‌خوانیم. خدا هیچ ظلمی را بر افراد بشر نمی‌خواهد. (۱۰۸)

آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است و کارها به سوی او برگردانده می‌شود. (۱۰۹) شما بهترین امتی هستید که به نفع بشریت بوجود آمده، چون امر به معروف (مردم را به کارهای نیک تشویق) و نهی از منکر (از کارهای نادرست منع) می‌کنید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب هم ایمان بیاورند برای آن‌ها بهتر است. عده‌ای از آن‌ها ایمان دارند ولی بیشترشان خلافکارند. (۱۱۰) جز مقداری اذیت هرگز به شما ضرری نمی‌زنند و اگر با شما بجنگند فرار می‌کنند و بعد هم کسی به آن‌ها کمک نخواهد کرد. (۱۱۱) هر جا که باشند دچار ذلت هستند مگر این‌که به رشته الهی یا رشته‌ای از اتحاد مردم متوسل شوند. آن‌ها سزاوار غضب خدا و دچار فقر شدند. این امر به خاطر این است که منکر آیات خدا می‌شدند و پیغمبران را به ناحق می‌کشتند. این کار هم به علت این بود که سرکشی و تجاوز می‌کردند. (۱۱۲) آن‌ها با هم مساوی نیستند. عده‌ای از اهل کتاب شب بلند می‌شوند و در دل شب آیات خدا را می‌خوانند و سجده می‌کنند. (۱۱۳) به خدا و روز آخرت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر عجله دارند. آن‌ها از درستکاران هستند. (۱۱۴) هر کار خوبی که بکنند نادیده گرفته نمی‌شود. خدا افراد پرهیزکار را خوب می‌شناسد. (۱۱۵)

مال و فرزند کافران نمی‌تواند در مقابل خدا کاری برای آن‌ها بکند. آن‌ها اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۱۱۶) آنچه در زندگی این دنیا خرج می‌کنند مثل باد سردی است که به مزرعه افراد ستمکار برسد و آن را نابود کند. خدا به آن‌ها ظلم نکرده ولی آن‌ها به خودشان ظلم می‌کنند. (۱۱۷) ای افراد باایمان، دوست و محرم رازی غیر از مسلمانان برای خود نگیرید. آن‌ها از خرابکاری درباره شما کوتاهی نمی‌کنند. هر چیزی که باعث رنج شما شود دوست دارند. کینه از حرف‌هایشان آشکار است. کینه‌ای که در دل پنهان می‌کنند خیلی بزرگتر است. اگر بفهمید، ما برای شما نشانه‌ها را بیان کرده ایم. (۱۱۸) متوجه باشید که این شما هستید که آن‌ها را دوست دارید، در صورتی که آن‌ها شما را دوست ندارند. شما به همه کتاب‌های الهی ایمان دارید (ولی آن‌ها ندارند). وقتی با شما برخورد کنند می‌گویند که ایمان آورده ایم، و وقتی تنها شوند از شدت عصبانیت از دست شما انگشتانشان را گاز می‌گیرند. بگو: از شدت خشم خود بمیرید. خدا از آنچه در دل‌ها است اطلاع دارد. (۱۱۹) اگر وضع خوبی برای شما پیش آید آن‌ها را ناراحت می‌کند و اگر وضع بدی برای شما پیش آید خوشحال می‌شوند. اگر استقامت و تسلط بر نفس داشته باشید، نقشه‌های آن‌ها ذره‌ای به شما ضرر نمی‌زند. خدا به کارهایی که می‌کنند احاطه دارد. (۱۲۰) وقتی (را به یاد آر) که برای تعیین محل جنگ برای افراد باایمان صبح زود از خانواده‌ات دور شدی. خدا شنوا و دانا است. (۱۲۱)

وقتی را یادآوری کن که دو دسته از شما قصد کردند سستی کنند، در صورتی که خدا یاور آن‌ها بود. افراد باایمان باید به خدا توکل کنند. (۱۲۲) خدا شما را در جنگ بدر کمک کرد، در صورتی که شما ضعیف بودید. پس، از نافرمانی و عذاب خدا بترسید تا سپاسگزار باشید. (۱۲۳) وقتی را یادآوری کن که به مؤمنین گفتی: آیا برای شما کافی نیست که خداوندتان شما را با سه هزار فرشته‌ای که فرستاد، کمک نمود؟ (۱۲۴) آری، اگر استقامت داشته و پرهیزکار باشید و دشمنان همین حالا با سرعت و شدت به شما حمله کنند، خداوندتان شما را با پنج هزار فرشته نشان‌گذار کمک می‌کند. (۱۲۵) خدا آن را فقط برای بشارت شما قرار داد و برای این‌که دل‌های شما با آن اطمینان پیدا کند. پیروزی فقط از طرف خدای توانا و حکیم است. (۱۲۶) تا گروهی از افراد بی‌ایمان را هلاک کند یا آن‌ها را ذلیل کند تا بدون امیدی برگردند. (۱۲۷) ذره‌ای از کارها به دست تو نیست. خدا توبه آن‌ها را می‌پذیرد یا آن‌ها را عذاب می‌کند، چون آن‌ها ظالم هستند. (۱۲۸) آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خداست. هر کس را که بخواهد می‌آمزد و هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند. خدا آمرزنده مهربان است. (۱۲۹) ای افراد باایمان، ربا را چند برابر نخورید و از نافرمانی و عذاب خدا بترسید تا رستگار شوید. (۱۳۰) و خود را از آتشی که برای افراد بی‌ایمان تهیه شده حفظ کنید. (۱۳۱) و از خدا و پیغمبر اطاعت کنید تا مورد مرحمت قرار گیرید. (۱۳۲)

و به سوی آمرزش خداوندتان و بهشتی که عرض آن به اندازه آسمان‌ها و زمین است بشتابید که برای افراد پرهیزکار آماده شده است. (۱۳۳) افراد پرهیزکاری که در

توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و جلوی عصیانیت خود را می‌گیرند و گناه مردم را می‌بخشند. خدا افراد نیکوکار را دوست دارد. (۱۳۴) نیکوکارانی که وقتی کار زشتی کردند یا به خودشان ظلم نمودند خدا را یاد می‌کنند و به‌خاطر گناهانشان طلب آمرزش می‌کنند. چه کسی غیر از خدا گناه را می‌بخشد؟ نیکوکارانی که در کار خلافی که کردند اصرار نمی‌ورزند و حقیقت را می‌دانند. (۱۳۵) پاداش آن‌ها از طرف خداوندشان آمرزش و بهشت‌هایی است که نهرها در آن روان است و همیشه در آن خواهند بود. پاداش کسانی‌که به این دستورها عمل کنند چقدر خوب است. (۱۳۶) قبل از شما سنت‌هایی وجود داشت که گذشت. در زمین بگردید و نگاه کنید که عاقبت کسانی‌که منکر (خدا و پیغمبران) شدند چه بود. (۱۳۷) این (قرآن) بیانی برای مردم و هدایتی و پندی برای افراد پرهیزکار است. (۱۳۸) سست نشوید و حزن (غم و غصه) به خود راه ندهید (گریه نکنید). اگر شما ایمان داشته باشید برترید. (۱۳۹) اگر زخمی به شما رسید به دشمنان نیز زخمی مثل آن وارد شد. این، روزهایی است که آن را بین مردم دست به دست می‌کنیم، برای این‌که خدا افراد باایمان را بشناسد و از شما شاهدهایی بگیرد. خدا افرادی را که ظلم می‌کنند دوست ندارد. (۱۴۰)

چون خدا افراد باایمان را پاك و افراد بی‌ایمان را نابود می‌سازد. (۱۴۱) آیا خیال کرده‌اید که داخل بهشت می‌شوید در صورتی که هنوز خدا افراد مجاهد و بااستقامت شما را نشناخته است؟ (۱۴۲) شما قبل از این‌که مرگ را ببینید آرزوی آن را می‌کردید. حالا آن را دیده‌اید و به آن نگاه می‌کردید. (۱۴۳) محمد فقط پیغمبری است. قبل از او پیغمبران دیگری از دنیا رفتند. آیا اگر محمد بمیرد یا کشته شود به عقب برمی‌گردید (مشرك می‌شوید)؟ کسی‌که به شرك برگردد، ذره‌ای به خدا ضرر نمی‌زند. خدا به سپاسگزاران پاداش خواهد داد. (۱۴۴) هیچ‌کس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، مرگ مقرر و مدت‌دار است. کسی‌که پاداش دنیوی را بخواهد مقداری از آن را به او می‌دهیم و کسی‌که پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می‌دهیم. ما به سپاسگزاران پاداش می‌دهیم. (۱۴۵) چه بسیار پیغمبرانی که افراد خداپرست بسیاری در کنار آن‌ها جنگیدند و در مقابل آنچه در راه خدا به آن‌ها رسید سست و ضعیف نشدند و اظهار ذلت نکردند. خدا افراد بااستقامت را دوست دارد. (۱۴۶) حرف آن‌ها فقط این بود که خداوند، گناهان و زیاده‌روی‌های ما را در کارمان بیامرز و قدم‌های ما را ثابت کن و ما را بر افراد بی‌ایمان پیروز گردان. (۱۴۷) خدا به آن‌ها پاداش دنیا و پاداش خوب آخرت را داد. خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۴۸)

ای مسلمانان، اگر از افراد بی‌ایمان اطاعت کنید شما را به شرك برمی‌گردانند و زیانکار می‌شوید. (۱۴۹) در صورتی که یاور شما خداست و او بهترین مددکار است. (۱۵۰) در دل افراد بی‌ایمان وحشت خواهیم انداخت، برای این‌که چیزی را که خدا برای آن دلیلی نازل نکرده شريك خدا ساختند. جای آن‌ها جهنم است و جای افرادی که ظلم می‌کنند جای بدی است. (۱۵۱) خدا وعده خود را برای شما ثابت کرد وقتی که به فرمان او دشمن را از پا در می‌آوردید، تا زمانی که سست و در کارتان دچار اختلاف شدید و بعد از این‌که خدا آنچه را که دوست دارید (پیروزی را) به شما نشان داد، از فرمان او سرپیچی کردید. عده‌ای از شما خواستار دنیا و عده‌ای از شما خواستار آخرت هستید. بعد خدا برای این‌که شما را امتحان کند شما را از تعقیب آن‌ها منصرف کرد. خدا از گناه شما درگذشت. خدا نسبت به مؤمنین لطف دارد. (۱۵۲) هنگامی که برای فرار از کوه بالا می‌رفتید و به کسی توجهی نمی‌کردید و پیغمبر پشت سر شما، شما را صدا می‌زد. در نتیجه خدا بر غم شما غمی افزود. این یادآوری برای این است که برای آنچه از دست دادید و بلایی که به شما رسید غم نخورید. خدا از کارهایی که می‌کنید باخبر است. (۱۵۳)

خدا بعد از غم، چرتی آرامش بخش بر شما نازل کرد که عده‌ای از شما را فرا گرفت و عده‌ای در فکر جان خود بودند. درباره خدا به ناحق گمانی نظیر گمان جاهلیت داشتند. می‌گفتند: آیا در این کار ما اختیاری داریم؟ بگو: تمام کارها در اختیار خدا است. چیزی را که برای تو آشکار نمی‌کردند در دلشان مخفی می‌نمودند. می‌گفتند: اگر کار در دست ما بود اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو: اگر در خانه‌های خودتان هم بودید، کسانی‌که قتل بر آن‌ها مقرر شده بود، با پای خود به محل قتل خود می‌رفتند. برای این‌که خدا آنچه در دلتان است امتحان کند. و آنچه در دل شما است پاك کند. خدا آنچه در دل‌ها است می‌داند. (۱۵۴) افرادی از شما،

که روز برخورد دو لشکر فرار کردند، شیطان به سبب بعضی از کارهایی که کرده بودند آن‌ها را دچار لغزش کرد. خدا از گناه آن‌ها درگذشته چون خدا آمرزنده بردبار است. (۱۵۵) ای افراد باایمان، مثل کسانی که کافر شدند نباشید که درباره برادرانشان وقتی سفر کردند یا در جنگ بودند گفتند که اگر پیش ما بودند نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند، تا خدا آن (فکر) را مایه حسرتی در دلشان قرار دهد. خدا زنده می‌کند و می‌میراند. خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۱۵۶) اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، مسلماً آمرزش و رحمت الهی بهتر از تمام چیزهایی است که آن‌ها جمع می‌کنند. (۱۵۷)

اگر بمیرید یا کشته شوید پیش خدا جمع می‌شوید. (۱۵۸) (ای پیغمبر،) به سبب رحمت خدا با آن‌ها ملایمت می‌کردی. اگر خشن و سنگدل بودی از اطرافت پراکنده می‌شدند. گناه آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها طلب آمرزش کن و در کارها با آن‌ها مشورت کن و وقتی تصمیم به کاری گرفتی بر خدا توکل کن. چون خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد. (۱۵۹) اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غلبه نمی‌کند و اگر به شما کمک نکند چه کسی غیر از او به شما کمک می‌کند؟ افراد باایمان باید (فقط) به خدا توکل کنند. (۱۶۰) سزاوار هیچ پیغمبری نیست که دغلكاری کند. کسی که دغلكاری کند روز قیامت آن را با خود می‌آورد. و پاداش هر کس مطابق کاری که کرده به طور کامل داده می‌شود و به آن‌ها ظلمی نمی‌شود. (۱۶۱) آیا کسی که از رضایت خدا پیروی می‌کند مثل کسی است که باعث خشم خدا می‌شود و جایز جهنم است؟ جهنم بد جایی است. (۱۶۲) آن‌ها درجاتی پیش خدا دارند و خدا هر کاری که بکنند می‌بیند. (۱۶۳) خدا بر افراد باایمان منت گذاشت وقتی که پیغمبری از خودشان برانگیخت تا آیات خدا را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاک سازد و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزد. در صورتی که قبلاً در گمراهی آشکاری بودند. (۱۶۴) آیا وقتی مصیبتی به شما رسید در صورتی که دو برابر آن را به آن‌ها وارد کردید گفتید که این مصیبت از کجا به ما وارد شده؟ بگو: آن از طرف خودتان است. چون خدا قادر به هر کاری است. (۱۶۵)

آنچه در روز برخورد دو لشکر به شما رسید به خواست خدا بود تا افراد باایمان را بشناسد. (۱۶۶) و افراد منافق را هم بشناسد. به آن‌ها گفته شد: بیایید در راه خدا بجنگید یا از خودتان دفاع کنید. گفتند: اگر جنگ می‌دانستیم دنبال شما می‌آمدیم. آن‌ها در آن روز به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان. با زبان چیزی می‌گویند که قلباً به آن ایمان ندارند. خدا آنچه را پنهان می‌کنند خوب می‌داند. (۱۶۷) کسانی که به جنگ نرفتند به برادرانشان گفتند: اگر از ما اطاعت می‌کردند کشته نمی‌شدند. بگو: اگر راست می‌گویید مرگ را از خودتان دور کنید. (۱۶۸) کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده نپندارید. بلکه زنده‌اند و پیش خداوندشان روزی دارند. (۱۶۹) به آنچه خدا از لطف خودش به آن‌ها داده شاد هستند و درباره کسانی که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند دلشاد هستند، و می‌دانند که ترسی بر آن‌ها نیست و غصه‌ای ندارند. (۱۷۰) به نعمت و لطف خدا و اینکه خدا پاداش افراد باایمان را ضایع نمی‌کند، خوشحال هستند. (۱۷۱) افراد باایمانی که بعد از این‌که جراحاتی به آن‌ها وارد شد، باز هم دعوت خدا و رسول را اجابت کردند. برای کسانی از آن‌ها که نیکی کردند و پرهیزکار بودند پاداش بزرگی وجود دارد. (۱۷۲) افرادی که به آن‌ها گفتند: مردم برای جنگ با شما متحد شده‌اند، از آن‌ها بترسید. این حرف ایمان آن‌ها را زیادت‌ر کرد و گفتند: خدا برای ما کافی است و خدا وکیل خوبی است. (۱۷۳)

آن‌ها به نعمت و لطف خدا برگشتند و هیچ آسیبی به آن‌ها نرسید و دنبال رضای خدا رفتند. خدا لطف بزرگی دارد. (۱۷۴) این فقط شیطان است که یاران خود را می‌ترساند. از آن‌ها نترسید و اگر ایمان دارید از من بترسید. (۱۷۵) کسانی که در کفر بر دیگران پیشی می‌گیرند تو را غصه‌دار نکنند. آن‌ها هرگز ذره‌ای به خدا ضرر نمی‌زنند. خدا می‌خواهد برای آن‌ها بهره‌ای در آخرت قرار ندهد. آن‌ها عذاب بزرگی دارند. (۱۷۶) کسانی که کفر را به قیمت ایمان خریدند، هرگز ذره‌ای به خدا ضرر نمی‌زنند. آن‌ها عذاب پردردی دارند. (۱۷۷) افراد بی‌ایمان خیال نکنند که مهلتی که به آن‌ها می‌دهیم به نفع آن‌ها است. ما به آن‌ها مهلت می‌دهیم تا گناه بیشتری بکنند. آن‌ها عذاب خوارکننده‌ای دارند. (۱۷۸) سزاوار نیست که خدا تا وقتی که ناپاک را از پاک جدا کند، شما مؤمنان را به همین حالی که دارید رها کند. خدا

شما را از غیب آگاه نمی‌کند ولی برای این‌کار هر کس از پیغمبرانش را که بخواهد انتخاب می‌کند. بنابراین به خدا و پیغمبرانش ایمان بیاورید. اگر ایمان بیاورید و پرهیزکار شوید، پاداش بزرگی دارید. (۱۷۹) کسانی‌که در مورد آنچه خدا از فضلش به آن‌ها داده بخل می‌ورزند، خیال نکنند که این‌کار به نفع آن‌ها است. بلکه به ضرر آن‌ها است. روز قیامت همان چیزی که به خاطرش بخل ورزیده‌اند طوقی دور گردن آن‌ها می‌شود. میراث آسمان‌ها و زمین متعلق به خدا است. خدا از کارهایی که می‌کنید باخبر است. (۱۸۰)

خدا حرف آن‌ها را که گفتند که خدا محتاج است و ما بی‌نیاز هستیم شنید. حرفی که می‌زنند خواهیم نوشت. همین‌طور این را که پیغمبران را به ناحق می‌کشتند می‌نویسیم و می‌گوییم: عذاب سوزان را بچشید. (۱۸۱) این عذاب به علت کارهایی است که کرده‌اید. بدون شك خدا به بندگان ظلم نمی‌کند. (۱۸۲) کسانی‌که گفتند: خدا با ما قرار گذاشته که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم مگر این‌که قربانی‌ای بیاورد که آتش آن را بخورد. بگو: قبل از من پیغمبرانی دلایل روشن و همین نوع قربانی که می‌گویند برای شما آوردند. اگر راست می‌گویند چرا آن‌ها را کشتید؟ (۱۸۳) اگر منکر رسالت تو شدند، قبل از تو نیز منکر پیغمبرانی شدند که دلایل روشن و کتاب و نوشته‌های روشن آوردند. (۱۸۴) هر کسی مزه مرگ را می‌چشد. روز قیامت پاداش شما به طور کامل به شما داده می‌شود. کسی‌که از آتش جهنم نجات داده شود و وارد بهشت شود، موفق و رستگار شده است. زندگی دنیا وسیله فریب انسان است. (۱۸۵) حتماً شما به وسیله مال و جانتان امتحان می‌شوید و از افرادی که قبل از شما به آن‌ها کتاب داده شده و از مشرکین اذیت زیادی می‌شدید. اگر صبر و استقامت داشته و مسلط بر نفس خود باشید کاری کرده‌اید که اراده قوی لازم دارد. (۱۸۶)

هنگامی را یادآوری کن که خدا از اهل کتاب پیمان گرفت که آن را برای مردم بیان کنند و مخفی نکنند. ولی آن‌ها پیمان خود را پشت سرشان انداختند و آن را به قیمت کمی فروختند. بد خرید و فروشی کردند. (۱۸۷) خیال نکن کسانی‌که به خاطر کارهایی که کرده‌اند خوشحالند و دوست دارند به خاطر کارهایی که نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب نجات پیدا می‌کنند. آن‌ها عذاب پردردی دارند. (۱۸۸) حکومت آسمان‌ها و زمین مال خداست و او قادر به هر کاری است. (۱۸۹) در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌هایی برای افراد خردمند وجود دارد. (۱۹۰) افرادی که ایستاده و نشسته و خوابیده خدا را یاد می‌کنند و درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین فکر می‌کنند و می‌گویند: خداوند، این‌ها را بیهوده نیافریدی، خدایا تو پاکی، ما را از عذاب آتش جهنم حفظ فرما. (۱۹۱) خداوند، هر کسی را که وارد آتش جهنم کنی مسلماً او را خوار کرده‌ای و ظالم‌ها مددکاری ندارند. (۱۹۲) خداوند، شنیدیم که کسی با صدای بلند مردم را به ایمان دعوت می‌کرد که به خداوندتان ایمان بیاورید، ما هم ایمان آوردیم. خداوند، گناهان ما را بیامرزد و بدی‌های ما را به حساب نیافر و ما را با نیکان از دنیا ببرد. (۱۹۳) خداوند، آنچه توسط پیغمبران به ما وعده دادی به ما بده و روز قیامت ما را خوار نساز، تو کاری بر خلاف وعده‌ات نمی‌کنی. (۱۹۴)

خداوندشان دعای آن‌ها را اجابت کرد و گفت: من عمل هیچکدام از شما را، چه مرد باشد چه زن، ضایع نمی‌کنم چون همه از یکدیگرید. کسانی‌که مهاجرت کردند و از سرزمین خود اخراج و در راه من اذیت شدند و جنگیدند و کشته شدند، بدی‌های آن‌ها را از بین می‌برم و آن‌ها را وارد بهشت‌هایی می‌کنم که در آن نهرها روان است. این پاداشی از طرف خدا است و پاداش نیکو در اختیار خدا است. (۱۹۵) آمد و رفت افراد بی‌ایمان در شهرها تو را فریب ندهد. (۱۹۶) این متاع کمی است. جای آن‌ها جهنم است و جهنم بدجایی است. (۱۹۷) اما افرادی که از نافرمانی و عذاب خداوندشان می‌ترسند بهشت‌هایی دارند که در آن‌ها نهرها روان است و همیشه در آن خواهند بود. این پذیرایی از طرف خدا است. آنچه پیش خدا است برای نیکوکاران بهتر است. (۱۹۸) عده‌ای از اهل کتاب افرادی هستند که به خدا و آنچه به شما نازل شده و آنچه به آن‌ها نازل شده ایمان دارند و در برابر خدا تسلیم هستند و آیات خدا را به قیمت ناچیزی نمی‌فروشند. پاداش آن‌ها پیش خداوندشان محفوظ است، چون محاسبه خدا به سرعت صورت می‌گیرد. (۱۹۹) ای افراد باایمان، استقامت داشته باشید و همدیگر را به استقامت سفارش کنید و با هم رابطه داشته باشید (از

حقوق خود دفاع کنید) و از نافرمانی و عذاب خدا بترسید تا رستگار و موفق شوید. (۲۰۰)

سوره نساء (۴)

مدنی و شامل یکصد و هفتاد و شش آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ای مردم، از نافرمانی خداوندتان بترسید که شما را از یک تن آفرید و همسر او را هم از جنس او آفرید و از آن‌ها مردان و زنان زیادی بوجود آورد، و از نافرمانی خدایی که به نام او از همدیگر تقاضا می‌کنید بترسید، و مواظب خویشانان هم باشید، چون خدا مراقب شماست. (۱) و مال یتیمان را به آن‌ها بدهید و پاک را با ناپاک عوض نکنید و مال آن‌ها را با مال خود نخورید چون این‌کار گناه بزرگی است. (۲) اگر می‌ترسید که درباره یتیمان به عدالت رفتار نکنید با زنانی که برای شما پاک و دلخواهتان هستند ازدواج کنید، با دو تا و سه تا و چهار تا. اگر می‌ترسید که بی‌عدالتی کنید، به یک زن یا به کنیزانتان اکتفا کنید. این کار برای این‌که ظلمی نکنید بهتر است. (۳) و مهریه زنان را با میل و به طور واجب به آن‌ها بدهید. اگر آن‌ها چیزی از آن را شخصاً به شما بخشیدند آن را حلال و گوارا بخورید. (۴) اموالتان را که خدا وسیله اداره زندگی شما قرار داده به نادانان ندهید. ولی با آن غذا و لباس آن‌ها را فراهم کنید و به خوبی با آن‌ها صحبت کنید. (۵) یتیم‌ها را بیازمایید تا به سن ازدواج برسند. اگر در آن‌ها رشدی یافتید مالشان را به خودشان بسپارید و از ترس این‌که بزرگ شوند مالشان را با زیاده‌روی و عجله نخورید. کسی‌که بی‌نیاز است باید دستمزدی نگیرد و کسی‌که فقیر است باید به حد لازم از آن بخورد. وقتی مال یتیمان را به آن‌ها برمی‌گردانید شاهی برای این کار بگیرید. البته خدا برای حسابرسی کافی است. (۶)

مردان سهمی از آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جا گذاشته‌اند دارند و زن‌ها هم سهمی از آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جا گذاشته‌اند دارند. چه کم باشد چه زیاد سهم معلومی دارند. (۷) هنگامی که نزدیکان و یتیمان و تهیدستان موقع تقسیم (ارث) حاضر بودند، مقداری از آن به ایشان بدهید و با طرز خوبی با آن‌ها صحبت کنید. (۸) اگر کسانی‌که بعد از خود فرزندان کوچکی به جا می‌گذارند از وضع آن‌ها می‌ترسند باید از نافرمانی خدا درباره یتیمان بترسند و با خوبی و به طرز درست با آن‌ها صحبت کنند. (۹) کسانی‌که مال یتیمان را به ظلم می‌خورند فقط آتش به شکم خود می‌فرستند و وارد آتش جهنم می‌شوند. (۱۰) خدا درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که پسر دو برابر دختر سهم دارد. اگر همه دختر و بیش از دو تا بودند دو سوم ارث متعلق به آن‌ها است و اگر فقط یک دختر بود نصف ارث به او می‌رسد و به هر یک از پدر و مادر یک ششم ارث می‌رسد در صورتی که متوفی بچه داشته باشد. و اگر بچه نداشته باشد و وارث او فقط پدر و مادرش باشند مادرش یک سوم را می‌برد. و اگر برادرانی داشته باشد مادر یک ششم را می‌برد، البته بعد از انجام وصیتی که متوفی کرده و پرداختن قرض‌های او. شما نمی‌دانید پدرانان و فرزندانان کدامیک از آن‌ها نفعشان برای شما بیشتر است. این حکم واجبی است از طرف خدا و خدا دانا و حکیم است. (۱۱)

نصف ارث زنانان مال شما است در صورتی که فرزندی نداشته باشند. و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم ارثیه به شما می‌رسد، البته بعد از انجام وصیت و پرداختن قرض. و اگر شما بمیرید و فرزندی نداشته باشید یک چهارم ارث به زنانان می‌رسد، و اگر فرزندی داشته باشید یک هشتم ارث به آن‌ها می‌رسد، البته بعد از انجام وصیت و پرداختن قرض. و اگر مردی یا زنی باشد که بمیرد و برادر یا خواهری داشته باشد هر کدام آن‌ها یک ششم می‌برند. و اگر بیشتر از آن باشند در یک سوم ارث شریک هستند، البته بعد از انجام وصیت و پرداختن قرض، به شرط آن‌که از وصیت ضرری به وارث نرسد. این سفارش خدا است و خدا دانا و بردبار است. (۱۲) این حدود خدا است. هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند خدا او را وارد بهشت‌هایی می‌کند که زیر درختانش نهرها روان است و همیشه در آن خواهد بود. این

موفقیت بزرگی است. (۱۳) و کسی که از فرمان خدا و پیغمبرش اطاعت نکند و از حدود الهی خارج شود، خدا او را وارد آتش جهنم می‌کند و همیشه در آن خواهد بود و عذاب خوارکننده‌ای خواهد داشت. (۱۴)

افرادی از زنان شما که مرتکب کار زشتی شوند چهار شاهد بر خطای آنها بگیرید. اگر شهادت دادند آنها را تا وقت مرگ در خانه نگه دارید یا اینکه خدا راهی برای آنان قرار دهد. (۱۵) دو مردی از شما را که مرتکب کار زشت (همجنس بازی) می‌شوند با اذیت و آزار مجازات کنید. اگر توبه کردند و کارشان را اصلاح کردند از آنها صرف‌نظر کنید. چون خدا توبه‌پذیر مهربان است. (۱۶) توبه فقط مال کسانی است که از روی بی‌اطلاعی و نادانی کار بدی می‌کنند و پس از متوجه شدن خیلی زود توبه می‌کنند. خدا توبه‌چنین افرادی را می‌پذیرد. خدا دانا و حکیم است. (۱۷) توبه مال کسانی نیست که کارهای بد می‌کنند و چون مرگشان فرا رسید می‌گویند حالا توبه کردم، و مال کسانی که در حال کفر می‌میرند نیست. برای آنها عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم. (۱۸) ای افراد باایمان، برای شما حلال نیست که با اکراه از زنان ارث ببرید (یا آنها را به ارث ببرید) و بر آنها سخت‌گیرید تا مقداری از چیزهایی که به آنها داده‌اید از آنها پس بگیرید، مگر این‌که مرتکب کار زشت آشکاری شوند. و با آنها به خوبی رفتار کنید. اگر از زنانتان بدتان بیاید توجه داشته باشید که امکان دارد شما از چیزی بدتان بیاید در صورتی که خدا خیر زیادی در آن قرار داده باشد. (۱۹)

اگر خواستید زن دیگری به جای زن خود بگیرید و به یکی از آنها پول زیادی داده باشید، ذره‌ای از آن را از او نگیرید. آیا با تهمت و گناه آشکاری آن را از آنها می‌گیرید؟ (۲۰) چگونه از آنها می‌گیرید در صورتی که از یکدیگر کام گرفته‌اید و آنها از شما پیمان محکمی (به‌نام عقد) گرفته‌اند. (۲۱) با زن پدرتان ازدواج نکنید مگر این‌که قبل از این حکم با آنها ازدواج کرده باشید. چون ازدواج با زن پدر کاری زشت و مورد نفرت و راهی بد است. (۲۲) مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختر برادران و دختر خواهرانتان و مادرهای رضاعی شما که به شما شیر داده‌اند و خواهرهای شیری شما و مادر زن‌هایتان و دختر زن‌هایتان که در خانه شما هستند، در صورتی که با مادر آنها هم‌بستر شده‌اید، بر شما حرام هستند، مگر این‌که فقط عقد کرده باشید و هم‌خوابگی انجام نگرفته باشد، چون در این صورت اشکالی بر شما نیست. و عروستان که از فرزندان واقعی شما هستند (نه از پسرخواندگانتان) و ازدواج با دو خواهر در یک زمان بر شما حرام شده است. مگر این‌که قبل از نزول این حکم با آنها ازدواج کرده باشید، چون خدا آمرزنده و مهربان است. (۲۳)

و زنان شوهردار بر شما حرام هستند، به استثنای آنهایی که مالک شده‌اید (اسیران جنگی دشمن که شوهرانشان برای آزادی آنها نیامده‌اند)، اینها چیزهایی است که خدا بر شما واجب کرده، و غیر از آن برای شما حلال است که با مالتان با آنها ازدواج کنید، البته به صورت ازدواج نه زناکاری. وقتی از آنها بهره‌ور شدید (زفاف صورت گرفت)، مهریه‌ای که واجب شده به آنها بدهید. البته غیر از مهریه واجب اشکالی ندارد که با هم از روی رضایت چیزهای دیگری هم قرار گذاشته باشید. خدا دانا و حکیم است. (۲۴) هر کس از شما که توانایی مالی ندارد که با زن مؤمن پاکدامن ازدواج کند، با کنیزان مؤمن خودتان ازدواج کند. خدا ایمان شما را به خوبی می‌شناسد. همه از یکدیگر هستید، با آنها با اجازه خانواده‌شان ازدواج کنید و مهریه آنها را به خوبی به آنها بدهید، به شرط آن‌که پاکدامن باشند نه زناکار و معشوقه کسی نباشند. وقتی (کنیزان) ازدواج کردند اگر مرتکب زنا شدند، نصف عذابی که درباره زنان آزاد است دارند (یعنی پنجاه تازیانه). این دستور برای کسی است که از رنج عزوبت (بی‌همسری) می‌ترسد. ولی صبر کردن برای شما بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. (۲۵) خدا می‌خواهد برای شما توضیح دهد و شما را به روش کسانی که قبل از شما بودند هدایت کند و توبه شما را بپذیرد. خدا دانا و حکیم است (دستورهایش از روی حکمت است). (۲۶)

خدا می‌خواهد توبه شما را بپذیرد. در صورتی که کسانی که دنبال شهوات می‌روند می‌خواهند که شما هر چه بیشتر منحرف شوید. (۲۷) خدا می‌خواهد بار شما را سبک

کند، چون انسان ضعیف آفریده شده است. (۲۸) ای افراد باایمان، مال یکدیگر را بین خود به باطل نخورید، مگر اینکه تجارتي با رضایت همدیگر باشد. و یکدیگر را نکشید، چون خدا نسبت به شما رحیم است. (۲۹) هر کس روی تجاوز و ظلم چنین کاری کند او را وارد آتش جهنم می‌کنیم. این‌کار برای خدا آسان است. (۳۰) اگر شما از گناهان بزرگی که از آنها نهي شده‌اید خودداری کنید، گناه‌های دیگر شما را می‌بخشیم و شما را وارد بهشت می‌کنیم. (۳۱) آرزوی برتری را که خدا بعضی را بر بعضی داده نکنید. مردان سهمی از آنچه کرده‌اند دارند و زنان هم سهمی از آنچه کرده‌اند دارند. از خدا تقاضای فضل نکنید، چون خدا هر چیزی را می‌داند. (۳۲) برای هر آنچه که از پدران و مادران و خویشاوندان نزدیک به جا مانده و ارثانی قرار دادیم. و به کسانی که با آنها پیمان بسته‌اید سهمشان را بدهید. چون خدا شاهد هر چیز است. (۳۳)

به‌خاطر این‌که بعضی را بر بعضی برتری داده‌ایم و به‌خاطر خرجی که می‌کنند، مردان از زنان مراقبت می‌کنند. بنابراین زنان صالح فرمانبردار هستند و در غیاب شوهرانشان حافظ آنچه خدا برای آنان حفظ کرده هستند. زانی را که از نشوز آنها می‌ترسید، اول آنها را نصیحت کنید. (اگر فایده‌ای نداشت در مرحله دوم برای مدتی) در رختخواب از آنها کناره‌جویی کنید. (در مرحله سوم چنانچه از هیچ راه دیگری نتوانید آنها را از کاری که می‌کنند باز دارید) آنها را بزنید. اگر از شما اطاعت کردند، دنبال راهی بر علیه آنها نگردید، چون خدا بلندمرتبه و بزرگ است. (۳۴) اگر از مخالفت آنها با هم ترسیدید داوری از خانواده مرد و داوری از خانواده زن انتخاب کنید. اگر خواستار اصلاح باشند خدا بین آنها موافقت ایجاد می‌کند. چون خدا دانا و آگاه است. (۳۵) و فقط خدا را بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز خدا نباشید) و چیزی را شریک او نسازید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تهیدستان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و بردگانتان نیکی کنید، چون خدا کسی را که خودپسند و فخر فروش باشد دوست ندارد. (۳۶) افراد خودپسندی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل تشویق می‌کنند و آنچه خدا از فضل خودش به آنها داده پنهان می‌کنند، (بدانند که) ما برای کافران عذاب خوارکننده‌ای تهیه کرده‌ایم. (۳۷)

کسانی که مالشان را از روی ریا (برای این‌که مردم ببینند) انفاق می‌کنند و به خدا و روز آخرت ایمان ندارند، همدم شیطان هستند و شیطان همدم بدی است. (۳۸) اگر به خدا و روز آخرت ایمان داشتند و از آنچه خدا روزی آنها ساخته انفاق می‌کردند، چه می‌شد؟ خدا آنها را می‌شناسد. (۳۹) خدا به اندازه ذره‌ای ظلم نمی‌کند. اگر کار خوبی باشد خدا آن را دو برابر می‌کند و از طرف خودش پاداش بزرگی به او می‌دهد. (۴۰) وضع آنها چطور است وقتی که از هر گروهی شاهی بیاوریم و تو را بر اینها شاهد بیاوریم؟ (۴۱) آن روز افراد کافر که از رسول اطاعت نکردند دوست دارند که با خاک یکسان می‌شدند و هیچ حرفی را از خدا پنهان نمی‌کنند. (۴۲) ای افراد باایمان، وقتی مست هستید نماز نخوانید تا وقتی که بفهمید چه می‌گویید. وقتی جنب هستید نماز نخوانید تا این‌که خود را بشوئید، مگر این‌که در راه باشید و اگر مریض یا در راه بودید یا یکی از شما از قضای حاجت (دفع) آمد یا با زنان همخوابگی کردید و آب نیافتید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن به صورت و دست‌هایتان مسح بکشید، چون خدا چشم‌پوش آمرزنده است. (۴۳) آیا کسانی را که بهره‌ای از کتاب به آنها داده شده بود ندیدی که خریدار گمراهی هستند و می‌خواهند که شما گمراه شوید؟ (۴۴)

خدا دشمنان شما را بهتر می‌شناسد و خدا برای پشتیبانی و کمک به شما کافی است. (۴۵) عده‌ای از یهودیان معنی و تلفظ کلمات را از جای خود منحرف می‌کنند و می‌گویند که شنیدیم و سرکشی کردیم، و بشنو که نشنوی، و با پیچاندن زبان و طعنه‌زدن در دین می‌گویند که راعنا (ای چوپان ما و یا ای خبیث ما)، ولی اگر می‌گفتند که شنیدیم و اطاعت کردیم، و بشنو، و به ما نگاه کن، برای آنها بهتر و درست‌تر بود. ولی خدا آنها را به علت کفرشان از رحمت خود دور کرده و جز عده کمی از آنها ایمان نمی‌آورند. (۴۶) ای اهل کتاب، به آنچه ما نازل کردیم و تصدیق‌کننده توراتی است که با شما است، ایمان بیاورید، قبل از این‌که صورت‌هایی را از بین ببریم و آنها را به عقب برگردانیم یا از رحمت خود دور کنیم،

همان‌طور که کسانی را که در روز شنبه کار می‌کردند از رحمت خود دور کردیم و امر خدا شدنی است. (۴۷) خدا شرک به خودش را نمی‌آمزد ولی غیر از آن را برای کسی که بخواهد می‌بخشد. کسی که شرک به خدا داشته باشد گناه بزرگی را به هم بافته و مرتکب شده است. (۴۸) آیا کسانی که خود را پاک می‌شمارند ندیدی؟ خدا هر کس را که بخواهد پاک می‌سازد و ذره‌ای به آن‌ها ظلم نمی‌شود. (۴۹) نگاه کن چگونه دروغ‌هایی را به هم می‌بافند و به خدا افترا می‌زنند. همین یک گناه آشکار برای شخص کافی است. (۵۰) آیا کسانی را که بهره‌ای از کتاب الهی به آن‌ها داده شده بود ندیدی که به جبت و طاغوت (به غیر خدا و ساحر و کسانی که نظر و دستوری بر خلاف دستور خدا می‌دهند) ایمان می‌آورند و درباره کفار می‌گویند: راه این‌ها صحیح‌تر از راه مسلمانان است. (۵۱)

آن‌ها افرادی هستند که خدا آن‌ها را از رحمت خود دور کرده است. کسی را که خدا از رحمت خود محروم کند مددکاری برای او پیدا نمی‌کند. (۵۲) آیا آن‌ها سهمی از فرمانروایی دارند؟ چون در آن صورت ذره‌ای به مردم نمی‌دهند. (۵۳) یا به مردم به‌خاطر آنچه خدا از لطف خودش به آن‌ها داده حسادت می‌کنند؟ به آل ابراهیم کتاب و حکمت و حکومت بزرگی دادیم. (۵۴) عده‌ای از آن‌ها به او ایمان آوردند و عده‌ای از آن‌ها ایمان نیاوردند. آتش جهنم برای آن‌ها کافی است. (۵۵) کسانی را که منکر آیات ما شدند وارد آتش جهنم می‌کنیم. هر وقت پوستشان بسوزد آن را با پوست دیگری عوض می‌کنیم تا عذاب را بچشند. خدا توانا و حکیم است. (۵۶) کسانی را که ایمان آوردند و عمل درست کردند وارد بهشت‌هایی می‌کنیم که در آن نهرها روان است و همیشه در آن خواهند بود. در آن جفت‌های پاک‌ی دارند. آن‌ها را وارد سایه دایمی می‌کنیم. (۵۷) خدا به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش برگردانید و وقتی بین مردم حکم می‌کنید به عدالت حکم کنید. خدا نصیحت خوبی به شما می‌کند. خدا شنوا و بینا است. (۵۸) ای افراد باایمان، از خدا و پیغمبر و اولیای امور مسلمانان اطاعت کنید. و اگر در چیزی (با اولیای امور) اختلاف نظر داشتید، اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید، آن را به خدا و پیغمبر برگردانید (ببینید خدا و پیغمبر چه می‌گویند). این‌کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر است. (۵۹)

آیا کسانی را که خیال می‌کنند که به آنچه به تو نازل شده (به قرآن) و آنچه قبل از تو نازل شده (به تورات و انجیل و کتاب‌های پیغمبران دیگر) ایمان دارند، ندیدی که می‌خواهند داوری را به طاغوت ببرند (به کتابی غیر از کتاب خدا استناد می‌کنند)؟ در صورتی که به آن‌ها دستور داده شده که طاغوت را (کسی را که در مقابل خدا طغیان می‌کند و دستور و نظری بر خلاف کتاب خدا می‌دهد) قبول نداشته باشند. ولی شیطان می‌خواهد هر چه بیشتر آن‌ها را گمراه کند. (۶۰) وقتی به آن‌ها گفته شود که بیایید ببینیم خدا و پیغمبر چه می‌گویند، منافقین را می‌بینی که از این کار خودداری می‌کنند. (۶۱) چطور است که وقتی به‌خاطر کارهایی که کرده‌اند مصیبتی به آن‌ها وارد می‌شود پیش تو می‌آیند و به خدا قسم می‌خورند که ما فقط قصد خوبی داشتیم و موفقیت شما را می‌خواستیم. (۶۲) خدا از آنچه در دل آن‌هاست باخبر است، از آن‌ها بگذر و آن‌ها را نصیحت کن و با آن‌ها با سخنانی رسا که در دلشان اثر بگذارد سخن بگو. (۶۳) هر پیغمبری که فرستادیم فقط برای این بود که به خواست خدا از او اطاعت شود. اگر آن‌ها وقتی که به خودشان ظلم کردند پیش تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیغمبر هم برای آن‌ها طلب آمرزش می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند. (۶۴) این‌طور نیست، قسم به خداوندت که آن‌ها ایمان نمی‌آورند مگر این‌که در اختلافاتی که دارند تو را داور سازند و در دلشان از حکمی که کرده‌ای احساس ناراحتی نکنند و تسلیم کامل باشند. (۶۵)

اگر ما بر آن‌ها مقرر می‌کردیم که همدیگر (یا خودتان) را بکشید یا از سرزمین خود خارج شوید، فقط عده کمی از آن‌ها این‌کار را می‌کردند. اگر آن‌ها نصیحتی راکه به آن‌ها می‌شود انجام می‌دادند برای آن‌ها بهتر بود و برای ثابت‌ماندنشان نیز بهتر بود. (۶۶) آن وقت پادشاه بزرگی از طرف خودمان به آن‌ها می‌دادیم. (۶۷) و آن‌ها را به راه راست هدایت می‌کردیم. (۶۸) کسانی که از خدا و پیغمبر اطاعت کنند با کسانی خواهند بود که خدا به آن‌ها لطف کرده از قبیل پیغمبران و راستگویان و شهدا و افراد درستکار. آن‌ها دوستان خوبی هستند. (۶۹) این لطف خدا است و خدا

برای دانستن کار انسان‌ها کافی است. (۷۰) ای افراد باایمان، احتیاط خود را حفظ کنید و دسته دسته یا دسته‌جمعی حرکت کنید. (۷۱) مسلماً کسی از شما در این کار سستی می‌کند. اگر مصیبتی به شما برسد می‌گویید: خدا به من لطف کرد، چون با آن‌ها در معرکه حاضر نبودم. (۷۲) و اگر لطف خدا شامل شما شود، حتماً مثل کسی که بین شما و او رفاقتی وجود نداشته، می‌گوید: ای کاش من هم با آن‌ها بودم و به نوای بزرگی می‌رسیدم. (۷۳) کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند باید در راه خدا بجنگند. کسی که در راه خدا بجنگد، چه کشته شود و چه پیروز شود، به او پاداش بزرگی می‌دهیم. (۷۴)

چرا در راه خدا و نجات افراد ضعیف، و مردان و زنان و کودکانی که می‌گویند که خداوند، ما را از این شهری که مردمش ظالم هستند نجات بده و از طرف خود پشتیبان و یاوری برای ما قرار بده، نمی‌جنگید؟ (۷۵) افراد باایمان در راه خدا می‌جنگند و کافران در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید. نقشه‌های شیطان ضعیف است. (۷۶) آیا کسانی را که به آن‌ها گفته شد که دست نگه دارید و نماز به پا دارید و زکات بدهید ندیدی که وقتی جنگ بر آن‌ها واجب شد، عده‌ای از آن‌ها همان‌طور که از خدا می‌ترسند، از مردم می‌ترسند، و بلکه از مردم بیشتر می‌ترسند؟ گفتند: خداوند چرا جنگ را بر ما واجب کردی، و آن را برای مدت کوتاهی عقب نینداختی؟ بگو: استفاده از متاع دنیا کم است و آخرت برای افراد پرهیزکار بهتر است و ذره‌ای به شما ظلم نمی‌شود. (۷۷) هر جا باشید مرگ به شما می‌رسد، اگر چه در ساختمان‌های محکم باشید. اگر خیری نصیب آن‌ها شود می‌گویند: این از طرف خدا است، و اگر آسیبی به آن‌ها برسد می‌گویند: از جانب تو است. بگو: همه از طرف خدا است. این افراد را چه شده که این مطلب را نمی‌فهمند. (۷۸) هر وضع خوبی که برای تو پیش آید از خدا است و هر وضع بدی برای تو پیش آید از خودت می‌باشد. ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم. خدا برای شهادت کافی است. (۷۹)

کسی که از پیغمبر اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است و کسی که از اطاعت پیغمبر روگردان شود، ما تو را برای نگهبانی آن‌ها فرستادیم. (۸۰) می‌گویند: اطاعت می‌کنیم. ولی وقتی از پیش تو می‌روند عده‌ای از آن‌ها شیانه چیزی غیر از آنچه تو گفتی می‌گویند. خدا آنچه را که می‌گویند می‌نویسد. از آنان بگذر و بر خدا توکل کن. خدا از نظر وکالت کافی است. (۸۱) آیا در آیات قرآن فکر و اندیشه نمی‌کنند. اگر قرآن از جانب کسی غیر از خدا بود اختلافات زیادی در آن پیدا می‌کردند. (۸۲) وقتی که خبری درباره امنیت یا ترس به آن‌ها برسد آن را پخش می‌کنند. اگر آن خبر را به پیغمبر و اولیای امور خود می‌دادند مسلماً کسانی که اهل فهم اینگونه مسایل هستند (درستی یا نادرستی یا قابل پخش بودن) آن را درک می‌کردند. اگر لطف و رحمت خدا بر شما نبود حتماً از شیطان پیروی می‌کردید، به جز عده کمی. (۸۳) (ای پیغمبر)، در راه خدا بجنگ. تو فقط خودت وظیفه جنگیدن داری، ولی مؤمنین را به جنگ تشویق کن. ممکن است خدا حمله کفار را دفع کند. قدرت خدا بیشتر و مجازاتش سخت‌تر است. (۸۴) هر کس در کار خوبی میانجی شود سهمی از آن دارد و هر کس در کار بدی میانجی شود سهمی از آن دارد. خداوند بر هر کاری قادر است. (۸۵) وقتی به شما سلام شد جواب آن را به نحو بهتری بدهید یا همان سلام را جواب بدهید. خدا حسابرس هر کاری است. (۸۶)

معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و از دستورهای او بدون چون و چرا اطاعت کنید) غیر از خدا وجود ندارد. مسلماً شما را در روز قیامت، که شکی در آن نیست، جمع می‌کند. از خدا راستگوتر چه کسی است؟ (۸۷) چرا درباره منافقین دو دسته شده‌اید؟ خدا آن‌ها را به خاطر کارهایی که کرده‌اند سرافکنده ساخته است. آیا می‌خواهید کسی را که خدا گمراه کرده هدایت کنید؟ کسی را که خدا گمراه کند راهی برای هدایت او پیدا نمی‌کنی. (۸۸) آن‌ها دوست دارند که شما هم مثل آن‌ها کافر شوید تا با هم مساوی باشید. بنابراین از آن‌ها یارانی برای خود نگیرید تا این‌که در راه خدا مهاجرت کنند. اگر از این کار خودداری کردند آن‌ها را بگیرید و هر جا آن‌ها را پیدا کردید بکشید و از آن‌ها یار و یاوری برای خود نگیرید. (۸۹) مگر افرادی که به قومی برسند که بین شما و آن‌ها پیمان است یا پیش شما بیایند، در حالی که از این‌که با شما یا قومشان بجنگند ناراحت باشند. اگر خدا می‌خواست آن‌ها را بر شما مسلط می‌کرد و با شما

می‌جنگیدند. اگر از شما کناره‌جویی کردند و با شما ن‌جنگیدند و به شما پیشنهاد صلح کردند با آن‌ها صلح کنید. خدا برای شما راهی بر علیه آن‌ها قرار نداده است. (۹۰) افراد دیگری را خواهید یافت که می‌خواهند از شما و قوم خود خاطر جمع باشند. هر بار که دچار فتنه‌ای شوند در آن فرو می‌روند. پس اگر از شما کناره‌گیری نکردند و به شما پیشنهاد صلح نکردند و دست نکشیدند، آن‌ها را بگیرید و هر جا پیدا کردید بکشید. آن‌ها افرادی هستند که دلیل روشنی علیه آن‌ها برای شما قرار داده ایم. (۹۱)

سزاوار هیچ مؤمنی نیست که مؤمنی را بکشد مگر از روی اشتباه (به غیر عمد). کسی که مؤمنی را از روی اشتباه بکشد، باید بنده مؤمنی را آزاد کند و خون‌بهایی به خانواده مقتول بدهد. مگر اینکه خانواده مقتول آن را به او ببخشند. اگر مقتول، مؤمن و از خانواده قومی بود که دشمن شما هستند، قاتل فقط باید بنده مؤمنی را آزاد کند. و اگر از قومی بود که بین شما و آن‌ها پیمانی وجود داشت باید خون‌بها را به خانواده مقتول بدهد و بنده مؤمنی را آزاد کند. و اگر پیدا نکرد دو ماه پشت سر هم به عنوان توبه روزه بگیرد. خدا دانا و حکیم است. (۹۲) کسی که مؤمنی را عمداً بکشد جزای او جهنم است و همیشه در آن خواهد بود و مورد غضب و لعنت خدا است و خدا برای او عذاب بزرگی آماده کرده است. (۹۳) ای افراد باایمان، وقتی در راه خدا به سفر جنگی می‌روید خوب تحقیق کنید و به کسی که به شما اظهار مسلمانی کرد نگوئید که مؤمن نیستی. آیا دنبال مال دنیا می‌گردید؟ در صورتی که پیش خدا غنیمت‌های زیادی است. شما قبلاً چنین بودید و خدا بر شما منت گذاشت. بنابراین از این به بعد اول تحقیق کنید (مطلب را روشن کنید). چون خداوند از کارهایی که می‌کنید اطلاع دارد. (۹۴)

افراد باایمانی که به جنگ نمی‌روند و سالم هستند با کسانی که در راه خدا با مال و جان‌شان جهاد می‌کنند مساوی نیستند. خدا درجه افرادی را که با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد می‌کنند بر کسانی که به جهاد نمی‌روند برتری داده است. البته به هر یک وعده نیکویی داده است. خدا جهادکنندگان را بر کسانی که جهاد نمی‌کنند به درجات و با آموزش و رحمت خود با پاداش بزرگی برتری داده. خدا آمرزنده و مهربان است. (۹۵ و ۹۶) کسانی که فرشتگان جان‌شان را در حالی که به خودشان ظلم کرده‌اند می‌گیرند به آن‌ها می‌گویند: مشغول چه کاری بودید؟ آن‌ها می‌گویند: ما در زمین ضعیف بودیم (قدرتی نداشتیم). فرشتگان به آن‌ها می‌گویند: آیا زمین خدا وسیع نبود که بتوانید مهاجرت کنید؟ آن‌ها جایشان جهنم است و جهنم جای بدی است. (۹۷) به‌جز مردان و زنان و کودکان ضعیفی که چاره‌ای نداشتند و راهی برای این کار نمی‌شناختند. (۹۸) شاید خدا آن‌ها را ببخشد. خدا خطابش و آمرزنده است. (۹۹) کسی که در راه خدا مهاجرت کند در زمین محل‌های امن زیادی برای هجرت و گشایش کار پیدا می‌کند. کسی که از خانه‌اش برای مهاجرت به سوی خدا و پیغمبرش خارج شود و در راه مرگش فرا رسد (بمیرد)، پاداش او بر عهده خدا قرار گرفته است. خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۰۰) وقتی در سفر هستید اگر می‌ترسید که کافران صدمه‌ای به شما بزنند، اشکالی ندارد که از نماز خود کم کنید (نماز را شکسته بخوانید)، چون کافران دشمن آشکار شما هستند. (۱۰۱)

وقتی تو در میان ایشان بودی و با آن‌ها نماز خواندی، باید عده‌ای از آن‌ها با تو به نماز بایستند و سلاح‌هایشان را با خود داشته باشند. و وقتی سجده کردند باید پشت سر شما بروند و دسته دیگری که نماز نخوانده‌اند بیایند و با تو نماز بخوانند و باید احتیاط و سلاح‌های خود را حفظ کنند. افراد بی‌ایمان دوست دارند که شما از سلاح‌ها و وسایل خودتان غافل شوید و آن‌ها یکباره به شما حمله کنند. اگر باران باعث ناراحتی شود یا مریض باشید اشکالی ندارد که سلاح‌هایتان را زمین بگذارید ولی احتیاط را حفظ کنید. خدا برای افراد بی‌ایمان عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. (۱۰۲) وقتی نماز را تمام کردید ایستاده و نشسته و درازکشیده خدا را یاد کنید و وقتی خاطر جمع شدید نماز را کامل بخوانید. چون نماز در اوقات معینی بر افراد باایمان واجب شده است. (۱۰۳) در تعقیب دشمنان سستی نکنید. اگر شما ناراحت هستید، آن‌ها هم مثل شما ناراحت و خسته هستند. در صورتی که شما امیدهایی از خدا دارید که آن‌ها ندارند. خدا دانا و حکیم است (دستورهایش از روی علم و حکمت است). (۱۰۴) ما کتاب را به حق بر تو

نازل کردیم تا بین مردم مطابق آنچه خدا به تو نشان داده حکم کنی. و از خیانتکاران دفاع نکن. (۱۰۵)

و از خدا طلب آمرزش کن چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۰۶) و از کسانی که به خودشان خیانت می‌کنند دفاع نکن. چون خدا کسی را که خیانتکار و گناه‌کار باشد دوست ندارد. (۱۰۷) آن‌ها چیزهایی را از مردم مخفی می‌کنند که از خدا مخفی نمی‌کنند، در صورتی که وقتی شبها حرف‌هایی می‌زنند که خدا نمی‌پسندد، خدا مراقب آن‌ها است. خدا به کارهایی که می‌کنند احاطه دارد. (۱۰۸) آگاه باشید (توجه داشته باشید) که این‌ها کسانی هستند که شما در زندگی دنیا از آن‌ها دفاع کردید. روز قیامت چه کسی در مقابل خداوند از آن‌ها دفاع می‌کند یا وکیل آن‌ها خواهد بود؟ (۱۰۹) کسی که کار بدی کند یا به خودش ظلم کند و بعد از خدا طلب آمرزش کند خدا را آمرزنده و مهربان می‌یابد. (۱۱۰) کسی که مرتکب گناه شود به ضرر خودش می‌باشد و خدا آگاه و حکیم است. (۱۱۱) هر کس کار خطا یا گناهی کند و تهمت انجام دادن آن را به بی‌گناهی بزند، مسلماً بهتان و گناه بزرگی را بر عهده گرفته است. (۱۱۲) اگر لطف خدا و رحمت او نبود مسلماً عده‌ای از آن‌ها سعی می‌کردند که تو را گمراه کنند در صورتی که آن‌ها خودشان را گمراه می‌کنند و ذره‌ای به تو ضرر نمی‌زنند. خدا قرآن و حکمت را بر تو نازل کرد و چیزی را که نمی‌دانستی به تو یاد داد. لطف خدا نسبت به تو زیاد است. (۱۱۳)

خیری در بسیاری از نجوای (درگوشی صحبت کردن) آن‌ها وجود ندارد، مگر اینکه امر به صدقه یا کار نیک یا اصلاح بین مردم باشد. کسی که برای کسب رضای خدا چنین کاری بکند پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۱۱۴) کسی که بعد از این‌که راه صحیح برای او روشن شد با پیغمبر مخالفت کند و از راهی غیر از راه مؤمنین پیروی کند او را به همان جایی برمی‌گردانیم که به آن رو آورده و او را داخل جهنم می‌کنیم. جهنم جای بدی است. (۱۱۵) خدا شرک به خودش را نمی‌بخشد و غیر از آن را برای کسی که بخواهد می‌بخشد. کسی که شرک به خدا بیاورد مسلماً خیلی گمراه شده است. (۱۱۶) آن‌ها به جای خدا فقط بت‌های ماده را به کمک می‌خوانند و فقط شیطان سرکش را به کمک می‌خوانند. (۱۱۷) خدا شیطان را از رحمت خود دور ساخته. شیطان به خدا گفت: حتماً عده معینی از بندگانت را (در اختیار) می‌گیرم. (۱۱۸) و آن‌ها را گمراه و دچار آرزو و خیالبافی می‌کنم و به آن‌ها دستور می‌دهم تا گوش چهارپایان را ببرند و به آن‌ها دستور می‌دهم تا خلقت خدا را تغییر دهند. کسی که شیطان را به جای خدا پشتیبان خود بگیرد مسلماً ضرر آشکاری کرده است. (۱۱۹) شیطان به آن‌ها وعده می‌دهد و آن‌ها را دچار آرزو و خیالبافی می‌کند. در صورتی که شیطان به آن‌ها وعده دروغ می‌دهد. (۱۲۰) جای فریب‌خوردگان شیطان جهنم است و راه فراری از آن پیدا نمی‌کنند. (۱۲۱)

کسانی را که ایمان آوردند و کار درست و صحیح کردند وارد بهشت‌هایی می‌کنیم که نهرها در آن روان است و همیشه در آن خواهند بود. وعده خدا درست است، و چه کسی از خدا راستگوتر است؟ (۱۲۲) مطابق تصور و آرزوی شما نیست و مطابق تصور و آرزوی اهل کتاب هم نیست. هر کس کار بدی بکند مجازاتش را خواهد دید و غیر از خدا یار و مددکاری برای خودش پیدا نمی‌کند. (۱۲۳) کسانی که کار درست بکنند و مؤمن باشند، چه مرد باشند چه زن، وارد بهشت می‌شوند و ذره‌ای به آن‌ها ظلم نمی‌شود. (۱۲۴) چه کسی دینش بهتر از دین کسی است که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار باشد و از آیین ابراهیم مخلصانه پیروی کند. خدا ابراهیم را دوست خود گرفت. (۱۲۵) آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خداست و خدا به هر چیزی احاطه دارد. (۱۲۶) درباره زنان از تو نظر (فتوی) می‌خواهند، بگو: خدا و آنچه که در قرآن برای شما خوانده می‌شود درباره آن‌ها فتوی می‌دهد، و درباره دختران یتیمی که، آنچه برای ایشان واجب شده به آن‌ها نمی‌دهید، و دوست دارید با آن‌ها ازدواج کنید و درباره پسران ضعیف (نابلغ) نظر می‌دهد و این‌که با یتیمان به عدالت رفتار کنید. هر کار خوبی که بکنید خدا آن را می‌داند. (۱۲۷)

اگر زنی از شوهرش ترس نشوز یا بی‌اعتنایی را داشت، اشکالی برای آن‌ها ندارد که بین خود سازش بکنند و سازش (صلح) بهتر است. انسان‌ها دچار بخل هستند. اگر نیکی کنید و از نافرمانی خدا بترسید (بدانید که) خدا از کارهایی که می‌کنید

آگاه است. (۱۲۸) شما توانایی آن را ندارید که بین زنانان به عدالت رفتار کنید، اگر چه خیلی علاقه‌مند به آن باشید پس تمام علاقه خود را به یکی متوجه نکنید که دیگری را بلامتکلیف بگذارید. اگر سازش کنید و از نافرمانی خدا بترسید خدا آمرزنده و مهربان است (خطای گذشته شما را می‌بخشد). (۱۲۹) اگر از هم جدا شدند، خدا هر یک را با لطف خود بی‌نیاز می‌کند. خدا وسعت‌دهنده حکیم است. (۱۳۰) آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است. به اهل کتابی که قبل از شما بودند و به شما سفارش کردیم که از نافرمانی خدا بترسید و اگر منکر شوید، باز هم آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است و خدا احتیاجی ندارد و مورد ستایش است. (۱۳۱) آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است و خدا برای وکالت کافی است. (۱۳۲) ای مردم، اگر خدا بخواهد شما را از بین می‌برد و افراد دیگری را می‌آورد. خدا قادر به این کار هست. (۱۳۳) کسی که پاداش دنیا را بخواهد، پاداش دنیا و آخرت پیش خدا است و خدا شنوا و بیناست (حرف‌های شما را می‌شنود و کارهای شما را می‌بیند). (۱۳۴)

ای افراد باایمان، عادل باشید و برای خدا شهادت بدهید اگر چه به ضرر خودتان یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد، چه بی‌نیاز باشند چه فقیر، خدا به آن‌ها سزاوارتر است. پس دنبال دلخواه خود نروید که از عدالت منحرف شوید. اگر دوپهلوی صحبت کنید یا از دادن شهادت خودداری کنید (بدانید که) خدا از کارهایی که می‌کنید باخبر است. (۱۳۵) ای افراد باایمان، به خدا و پیغمبرش و کتابی که به پیغمبرش نازل کرده (یعنی قرآن) و کتابی که قبلاً نازل کرده (به تورات و انجیل و کتاب‌های انبیا) ایمان بیاورید. کسی که منکر خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیغمبران خدا و روز آخرت شود خیلی گمراه شده است. (۱۳۶) کسانی که ایمان آوردند، بعد کافر شدند، دوباره ایمان آوردند، دوباره کافر شدند و به کفر خود افزودند، امکان ندارد که خدا آن‌ها را بیامرزد و آن‌ها را هدایت کند. (۱۳۷) به منافقین بشارت بده که عذاب دردناکی دارند. (۱۳۸) منافقینی که به جای افراد باایمان افراد بی‌ایمان را پشتیبان خود می‌گیرند، آیا عزت را از آنان می‌جویند؟ تمام عزت متعلق به خدا است. (۱۳۹) خدا در قرآن نازل کرده که وقتی شنیدید که آیات خدا مورد انکار و تمسخر قرار می‌گیرد با آن‌ها ننشینید تا وارد سخنی غیر از آن شوند. اگر با چنین افرادی بنشینید شما هم مثل آن‌ها خواهید بود. خدا همه منافقین و منکرین را در جهنم جمع می‌کند. (۱۴۰)

منافقینی که در مورد کار شما انتظار می‌کشند، اگر از جانب خدا فتحی نصیب شما شود می‌گویند: آیا ما با شما نبودیم؟ و اگر فتح نصیب کفار شود به آن‌ها می‌گویند: آیا شما را حفظ نکردیم و شما را از افراد باایمان برحذر نداشتیم؟ خدا بین شما در روز قیامت حکم می‌کند. خدا هرگز برای کافرین تسلطی بر افراد باایمان قرار نداده است. (۱۴۱) منافقین به نظر خود خدا را گول می‌زنند، در صورتی که خدا آن‌ها را گول می‌زند. وقتی منافقین به نماز برمی‌خیزند با تنبلی برمی‌خیزند و ریا می‌کنند (نماز را برای این‌که مردم ببینند می‌خوانند). خیلی کم خدا را یاد می‌کنند. (۱۴۲) بین این دو حالت، دودل هستند، نه این طرفی هستند نه آن طرفی. کسی را که خدا گمراه کند راهی برای هدایت او پیدا نمی‌کند. (۱۴۳) ای افراد باایمان، کافران را به جای افراد باایمان یاور خود نگیرید. آیا می‌خواهید دلیل روشنی بر ضد خود به خدا بدهید؟ (۱۴۴) منافقین در پست‌ترین نقطه جهنم هستند و هرگز یآوری برای آن‌ها پیدا نمی‌کند. (۱۴۵) مگر اشخاصی که توبه کردند (از نفاق دست برداشتند) و کار خود را اصلاح کردند و به خدا متوسل شدند و دینشان را برای خدا خالص کردند. چنین افرادی جزو مؤمنین هستند. خدا به مؤمنین پاداش بزرگی می‌دهد. (۱۴۶) اگر سپاسگزاری کنید و ایمان بیاورید خدا شما را عذاب نمی‌کند. خدا قدردان و دانا است. (۱۴۷)

خدا بدزبانی آشکار را دوست ندارد مگر برای کسی که مورد ظلم قرار گرفته است. خدا شنوا و دانا است. (۱۴۸) اگر کار خوب را آشکار کنید یا آن را پنهانی بکنید یا کار ناپسندی را ببخشید، خدا نیز درگذرنده از خطای شما و توانا است. (۱۴۹) کسانی که منکر خدا و پیغمبرانش می‌شوند و می‌خواهند حساب خدا و پیغمبرانش را از هم جدا کنند می‌گویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را قبول نداریم و می‌خواهند راهی بین این دو انتخاب کنند. (۱۵۰) آن‌ها حقیقتاً کافر هستند و ما برای کافران عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم. (۱۵۱) و کسانی که به خدا و به

پیغمبرانش ایمان آوردند و بین هیچکدام آن‌ها فرقی نگذاشتند، کسانی هستند که خدا پاداش آن‌ها را به آن‌ها می‌دهد. خدا آمرزنده مهربان است. (۱۵۲) اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتابی از آسمان برای آن‌ها نازل کنی. از موسی بزرگتر از این خواستند. به موسی گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده. بنابراین به سبب ظلمشان دچار صاعقه شدند و پس از اینکه دلایل روشن (معجزات) برای آن‌ها آمد گوساله‌پرست شدند. ما از آن گذشت کردیم و به موسی معجزات روشنی دادیم. (۱۵۳) و کوه را به سبب پیمانانشان بالای سر آنان قرار دادیم و به آن‌ها گفتیم که با فروتنی از در وارد شوید، و به آن‌ها گفتیم که روز شنبه کار نکنید، و از آن‌ها پیمان محکمی گرفتیم. (۱۵۴)

و به علت اینکه پیمانانشان را شکستند و به علت کفرشان به آیات خدا و به خاطر اینکه به ناحق پیغمبران را کشتند و به خاطر سخنشان که گفتند که دل‌های ما غلاف دارد (حرف‌هایتان در ما بی‌اثر است)، خدا به سبب کفرشان قدرت فکر کردن را از آن‌ها گرفته و در نتیجه عده کمی از آن‌ها ایمان می‌آورند. (۱۵۵) و نیز به علت کفرشان و به علت اینکه نسبت به مریم تهمت بزرگی زدند. (۱۵۶) و به سبب حرفشان که گفتند ما مسیح عیسی پسر مریم رسول خدا را کشتیم، در صورتی که او را نکشتند و به دار نزدند، ولی برای آن‌ها مشتبه شد. کسانی که در این مورد اختلاف دارند درباره آن مسلماً شک دارند، آن‌ها علمی به آن ندارند و فقط از گمان پیروی می‌کنند و بدون تردید او را نکشتند. (۱۵۷) بلکه خدا او را بالا و پیش خود برد. خدا توانا و حکیم است. (۱۵۸) هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر این‌که قبل از مرگش به او ایمان بیاورد و او روز قیامت شاهد آن‌ها خواهد بود. (۱۵۹) و به علت ظلم یهودیان و به سبب این‌که به مقدار بسیار زیاد مردم را از راه خدا باز می‌داشتند، و به علت رباخواری آن‌ها در صورتی که از آن نهی شده بودند، و به علت این‌که مال مردم را به ناحق می‌خوردند، خوردنی‌های پاک‌ی را که برای آن‌ها حلال بود بر آن‌ها حرام کردیم. ما برای کافرین عذاب دردناکی آماده کرده ایم. (۱۶۰ و ۱۶۱) اما راسخین در علم آنان و مؤمنینی که، به آنچه به تو و قبل از تو نازل شده (به قرآن، تورات، انجیل و کتاب‌های پیغمبران دیگر) ایمان می‌آورند و نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به خدا و روز آخرت ایمان دارند افرادی هستند که پاداش بزرگی به آن‌ها خواهیم داد. (۱۶۲)

ما به تو وحی کردیم همان‌طور که به نوح و پیغمبران بعد از او وحی کردیم. ما به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان یعقوب و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم و «زبور» را به داود دادیم. (۱۶۳) و پیغمبرانی که قبلاً داستان آن‌ها را به تو گفته‌ایم و پیغمبرانی که داستان آن‌ها را به تو نگفته‌ایم. و خدا با موسی سخن گفت. (۱۶۴) پیغمبرانی که بشارت‌دهنده و هشداردهنده بودند فرستادیم تا بعد از پیغمبران دلیلی برای مردم در مقابل خدا وجود نداشته باشد. خدا توانا و حکیم است. (۱۶۵) ولی خدا به آنچه به تو نازل کرده شهادت می‌دهد که آن را با علم خود نازل کرده و فرشتگان هم شهادت می‌دهند. خدا برای شهادت کافی است. (۱۶۶) کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا باز داشتند خیلی گمراه شده‌اند. (۱۶۷) امکان ندارد که خدا کسانی را که کافر شدند و ظلم کردند بیامرزد یا به راهی هدایتشان بکند. (۱۶۸) به جز راه جهنم، که همیشه در آن خواهند بود و این‌کار برای خدا آسان است. (۱۶۹) ای مردم، پیغمبر حقیقت را از جانب خداوندتان برای شما آورد پس ایمان بیاورید، این‌کار به نفع شما است. اگر کافر شوید (بدانید که) آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خداست و خدا دانا و حکیم است. (۱۷۰)

ای اهل کتاب، در دینتان گزافه‌گویی نکنید و از قول خدا فقط حقیقت را بگویید. مسیح، عیسی پسر مریم، فقط رسول خدا و کلمه اوست که به مریم القا کرد و روحی از او است. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگوید خدا سه تا است. از این حرف و نظر دست بردارید. این‌کار به نفع شما است. فقط خدا معبود یگانه است. خدا بالاتر از این است که فرزندی داشته باشد. آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است و خدا برای وکالت کافی است. (۱۷۱) مسیح از این‌که بنده خدا باشد هرگز خودداری نمی‌کند. فرشتگان مقرب هم خودداری نمی‌کنند. کسانی که از بندگی خدا خودداری می‌کنند و تکبر می‌ورزند (بدانند که) خدا همه آن‌ها را پیش خود (برای رسیدگی به حساب) جمع می‌کند. (۱۷۲) اما کسانی که ایمان آوردند و عمل

درست انجام دادند خدا مزد آنها را به طور کامل می‌دهد و از فضل خودش به مزدشان اضافه می‌کند. اما کسانی که از بندگی خدا خودداری کردند و تکبر ورزیدند خدا آنها را عذابی دردناک می‌کند و غیر از خدا یار و مددکاری برای خودشان پیدا نمی‌کنند. (۱۷۳) ای مردم، دلیل روشنی از جانب خداوندتان برای شما آمد و نور روشنی برای شما نازل کردیم (که راه زندگی شما را روشن کند). (۱۷۴) اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او متوسل شدند خدا آنها را مورد لطف و مرحمت خودش قرار می‌دهد و آنها را به راه راست خود هدایت می‌کند. (۱۷۵)

از تو نظر (فتوی) می‌خواهند. بگو: خدا درباره کلاه برای شما نظر (فتوی) می‌دهد. اگر مردی بمیرد و فرزند نداشته باشد و خواهری داشته باشد نصف آنچه او به جا گذاشته مال خواهرش خواهد بود، و برادر تمام آنچه خواهرش به جا گذاشته به ارث می‌برد به شرط اینکه خواهرش فرزندی نداشته باشد. اگر خواهرها دو نفر باشند دو سوم ارثیه مال آنها است و اگر چند برادر و خواهر بودند، برادر دو برابر خواهر ارث می‌برد. خدا برای شما بیان می‌کند تا گمراه نشوید. خدا هر چیزی را می‌داند. (۱۷۶)

سوره مائده (۵)

مدنی و شامل یکصد و بیست آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ای افراد باایمان، به قراردادهای به طور کامل عمل کنید. گوشت چارپایان جز آنچه بر شما خوانده می‌شود برایتان حلال است. در حال احرام (حج) شکار را حلال نشمارید. خدا هر طور که بخواهد حکم می‌کند. (۱) ای افراد باایمان، حرمت شعائر خدا، ماه حرام، قربانی، قربانی نشاندار (قلاده دار) و حرمت کسانی که در راه کسب معاش و رضای خدا قصد خانه کعبه را دارند نگاه دارید. وقتی از احرام خارج شدید می‌توانید شکار کنید. دشمنی عده‌ای که شما را از رفتن به خانه کعبه بازداشتند شما را وادار به تجاوز نکنند. بر پایه نیکی و تقوی با هم همکاری کنید و بر پایه گناه و ظلم همکاری نکنید. از نافرمانی و عذاب خدا بترسید چون مجازات خدا شدید است. (۲)

گوشت حیوان مرده، خون، گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا سر بریده شده و حیوانی که خفه شده، در اثر ضربه، سقوط، یا به ضرب شاخ مرده، به اضافه آنچه حیوان درنده خورده باشد مگر این که قبل از مردن سر آن را بریده باشید، و نیز گوشت حیوانی که برای بتهای ذبح شده باشد یا با قرعه‌کشی تقسیم کرده باشید همه بر شما حرام است. اجرا نکردن این دستورها نافرمانی خداست. امروز بی‌ایمانها از دین شما مایوس شده‌اند، از آنها بترسید و از من بترسید. امروز دین شما را کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و دین اسلام (تسلیم خدا بودن) را برای شما برگزیدم. کسی که از گرسنگی ناچار شد، بدون این که علاقه‌ای به گناه داشته باشد، برای حفظ جان از آن گوشت بخورد بداند که خدا آمرزنده و مهربان است. (۳) از تو می‌پرسند: چه چیزی برایشان حلال است؟ بگو: تمام خوردنی‌های پاک و گوشت حیواناتی که توسط حیواناتی که مطابق آنچه خدا به شما یاد داده تعلیم یافته‌اند شکار شده باشند برای شما حلال است. از آنچه برای شما شکار کردند بخورید و اسم خدا را بر آن ذکر کنید. از نافرمانی خدا بترسید، چون خدا به سرعت به حسابها می‌رسد. (۴) امروز تمام خوردنی‌های پاک برای شما حلال است، همین‌طور غذای اهل کتاب برای شما حلال و غذای شما برای آنها حلال است. همین‌طور ازدواج با زنان پاکدامن مؤمن و زنان پاکدامن اهل کتاب برای شما حلال است، البته وقتی مهریه‌شان را به آنها بدهید. ازدواج باشد، نه زنا و نه معشوقه گرفتن. کسی که منکر ایمان شود، عملش از بین رفته و در آخرت از افرادی است که ضرر کرده‌اند. (۵)

ای افراد باایمان، وقتی برای نماز بلند شدید صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و به سر و پایتان تا قوزک پا (به قولی) مسح بکشید و یا (به قولی) بشویید. اگر جنب بودید خود را پاک سازید و اگر مریض و یا در حین سفر بودید

یا یکی از شما از دستشویی آمد یا با زنان همخوابگی داشتید و آب پیدا نکردید، با خاک پاک قصد وضو و تطهیر نمایید و با آن به صورتتان و دستهایتان مسح بکشید (یعنی تیمم کنید). خدا نمی‌خواهد برای شما دردسر فراهم کند ولی می‌خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمتش را بر شما تمام کند برای اینکه شکر او را به جا آورید. (۶) نعمت خدا را بر خودتان و پیمانی که خدا شما را به آن متعهد ساخته به یاد داشته باشید. وقتی که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم (با خدا پیمان بسته‌اید). از نافرمانی خدا بترسید، چون خدا آنچه در دل شما است می‌داند. (۷) ای افراد باایمان، برای اجرای احکام خدا قیام کنید و به عدالت شهادت دهید و دشمنی دسته‌ای شما را به بی‌عدالتی و ندارد. در همه حال عادل باشید چون عدالت به تقوی نزدیکتر است. از خدا بترسید، چون خدا از کارهایی که می‌کنید باخبر است. (۸) خدا به افراد باایمانی که عمل درست می‌کنند وعده داده است که آن‌ها آمرزش الهی و پاداش بزرگی دارند. (۹)

کسانی که کافر و منکر آیات ما شدند اهل جهنم هستند. (۱۰) ای افراد باایمان، نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید آن وقتی که عده‌ای تصمیم گرفتند به شما دست‌درازی کنند ولی خدا جلوی دست‌درازی آن‌ها را گرفت. خودتان را از نافرمانی و عذاب خدا حفظ کنید، و افراد باایمان باید فقط به خدا توکل کنند. (۱۱) خدا از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از آن‌ها دوازده سرکرده انتخاب کردیم و خدا گفت: من با شما هستم، اگر نماز را به پا دارید و زکات بدهید و به پیغمبران من ایمان بیاورید و آن‌ها را یاری کنید و قرض نیکو به خدا بدهید، گناهان شما را می‌بخشم و شما را وارد بهشت‌هایی می‌کنم که در آن نهرها روان است. کسی که بعد از آن کافر شود، راه راست را گم کرده. (۱۲) آن‌ها را به خاطر پیمان‌شکنی از رحمت خود دور ساختیم و قلبشان را سخت کردیم. معنی سخنان را از جای خود تغییر می‌دهند و بهره‌مندی از تذکری را که به آن‌ها داده شده بود فراموش کردند. همیشه به خیانتی از آن‌ها پی می‌بری، به استثنای عده کمی از آن‌ها. ایشان را ببخش و از آن‌ها درگذر چون خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۳)

از کسانی که گفتند که ما عیسوی هستیم هم پیمان گرفتیم، ولی آن‌ها هم بهره بردن از چیزی را که به ایشان تذکر داده شده بود فراموش کردند. و ما نیز بین آن‌ها تا روز قیامت دشمنی و کینه افکندیم. خدا آن‌ها را از کارهایی که می‌نمودند باخبر می‌کند. (۱۴) ای اهل کتاب، فرستاده ما پیش شما آمد که مقدار زیادی از کتاب الهی را که مخفی می‌کردید برای شما بیان می‌کند و از مقدار زیادی از آن چشم‌پوشی می‌کند. از طرف خدا برای شما روشنایی و کتاب روشن‌کننده (قرآن) آمده است. (۱۵) خدا به وسیله آن هر کس را که از رضای او پیروی کند به راه‌های سلامتی هدایت می‌کند. آن‌ها را از تاریکی خارج کرده و به خواست خودش (مطابق قانونش) به روشنایی هدایت می‌کند و آن‌ها را به راه راست هدایت می‌کند. (۱۶) کسانی که گفتند: خدا خود مسیح‌ابن مریم است کافر شدند. بگو: اگر خدا اراده کند مسیح‌ابن مریم و مادرش و تمام کسانی را که در زمین هستند بکشد چه کسی می‌تواند ذره‌ای جلوی او را بگیرد؟ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست متعلق به خدا است. هر چیزی را که بخواهد خلق می‌کند. خدا قادر به هر کاری است. (۱۷)

یهودیان و عیسویان گفتند ما فرزندان خدا و محبوب او هستیم. بگو: پس چرا شما را به خاطر گناهانتان مجازات می‌کند؟ این‌طور نیست بلکه شما انسانی مثل انسان‌های دیگری که خدا آفریده هستید. هر کس را که بخواهد می‌آمزد و هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند. فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌ها است مال خدا است و بازگشت همه به سوی اوست. (۱۸) ای اهل کتاب، رسول ما در دورانی که پیغمبری نبود برای شما آمد تا حقایق را برای شما بیان کند تا نگویید: مژده‌دهنده و هشداردهنده‌ای برای ما نیامد. مژده‌دهنده و هشداردهنده‌ای برای شما آمد. خدا قادر به هر کاری است. (۱۹) هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم من، نعمت خدا را بر خودتان یادآوری کنید، وقتی که پیغمبرانی در بین شما قرار داد و شما را به سلطنت رساند و به شما چیزی داد که به احدی از افراد بشر نداده بود. (۲۰) ای قوم من، وارد سرزمین مقدسی شوید که خدا برای سکونت شما قرار داده و به عقب برنگردید، چون زیانکار می‌شوید. (۲۱) گفتند: ای موسی، مردم قدرتمندی در آن وجود دارند، ما هرگز وارد آن نمی‌شویم تا موقعی که آن‌ها از آن

خارج شوند، اگر از آن خارج شوند ما داخل می‌شویم. (۲۲) دو نفر از کسانی که خدا به آنها لطف کرده بود و از خدا می‌ترسیدند گفتند: از در دروازه وارد شوید، وقتی که وارد شدید شما غلبه می‌کنید، اگر به خدا ایمان دارید به او توکل کنید. (۲۳)

گفتند: ای موسی، تا زمانی که آنها در آن هستند ما هرگز وارد آن نمی‌شویم، تو خداوندت بروید و با آنها بجنگید، ما همین جا نشسته ایم. (۲۴) موسی گفت: خداوند، من فقط اختیار خودم و برادرم را دارم. بین ما و گروهی که اطاعت نمی‌کنند جدایی بیانداز. (۲۵) خدا گفت: این سرزمین برای مدت چهار سال بر آنها حرام شده، باید در زمین سرگردان باشند (چادرنشینی کنند). بنابراین برای افرادی که اطاعت نمی‌کنند غمگین نباش. (۲۶) داستان دو پسر آدم را به حق برای آنها بخوان، وقتی که آنها قربانی خود را تقدیم کردند ولی از یکی از آنها پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. او به دیگری گفت: تو را خواهم کشت. کسی که قربانیش قبول شده بود گفت: خدا فقط از افراد پرهیزکار می‌پذیرد. (۲۷) اگر دست به کشتن من دراز کنی من دستم را برای کشتن تو دراز نمی‌کنم، من از خدا که صاحب‌اختیار همه مردم جهان است می‌ترسم. (۲۸) من می‌خواهم تو با گناه من و گناه خودت پیش خدا برگردی و از اهل جهنم شوی. جزای افراد ظالم جهنم است. (۲۹) دلش علاقه به کشتن برادرش را برای او مطبوع و آسان ساخت، بنابراین برادرش را کشت و از زیانکاران شد. (۳۰) خدا کلاغی را فرستاد که زمین را می‌کند تا به او نشان دهد جسد برادرش را چگونه خاک کند. او گفت: وای بر من، آیا از این‌که مثل این کلاغ باشم عاجز شده‌ام تا جسد برادرم را خاک کنم؟ و از کار خود پشیمان شد. (۳۱)

به‌خاطر این بر بنی‌اسرائیل واجب کردیم که هر کس کسی را بکشد، بدون این‌که او کسی را کشته یا مرتکب فسادی در زمین شده باشد، مثل این است که تمام مردم را کشته باشد و کسی که فردی را زنده کند مثل این است که تمام مردم را زنده کرده است. پیغمبران ما دلیل‌های روشن برای آنها آوردند، ولی بعد از آن هم عده زیادی از آنها در روی زمین از حد خود تجاوز می‌کردند. (۳۲) مجازات افرادی که با خدا و رسولش می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند فقط این است که کشته یا به دار زده شوند یا دست و پایشان بر خلاف هم بریده شود یا تبعید گردند. این خواری آنها در دنیا است و در آخرت عذاب بزرگی دارند. (۳۳) مگر کسانی که قبل از این‌که بر آنها دست یابید توبه کنند. بدانید که خدا آمرزنده مهربان است. (۳۴) ای افراد باایمان، از نافرمانی و عذاب خدا بترسید و کاری کنید که به او نزدیک شوید و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید. (۳۵) افرادی که قبول نکردند، اگر تمام آنچه در زمین است داشته باشند و دو برابر آن را داشته باشند که تاوان بدهند تا در روز قیامت از عذاب نجات پیدا کنند، از آنها پذیرفته نمی‌شود. آنها عذاب پردردی دارند. (۳۶)

می‌خواهند از آتش جهنم خارج شوند ولی نمی‌توانند از آن خارج شوند و آنها عذاب دایمی دارند. (۳۷) دست مرد و زن دزد را در مقابل کاری که کرده‌اند ببرید. این مجازات عبرت‌انگیزی از طرف خداست و خدا توانا و حکیم است. (۳۸) کسی که بعد از ظلمش توبه کرد و کار خود را اصلاح نمود (مال را به صاحبش برگرداند)، خدا توبه او را می‌پذیرد. چون خدا آمرزنده مهربان است. (۳۹) آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین متعلق به خدا است؟ هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند و هر کس را که بخواهد می‌آمرزد. خدا قادر به هر کاری است. (۴۰) ای پیغمبر، کسانی که در کفر بر هم پیشی می‌گیرند و زبانی می‌گویند که ایمان آوردیم ولی قلبشان ایمان ندارد تو را غمگین نکنند. عده‌ای از یهودیان به حرف‌های دروغ گوش می‌کنند. به حرف‌های کسانی گوش می‌کنند که پیش تو نیامده‌اند و معنی سخن را از جای خود تغییر می‌دهند و می‌گویند: اگر چنین چیزی به شما گفته شد بپذیرید و اگر گفته نشد خود را کنار بکشید. آنها کسانی هستند که خدا انحرافشان را خواسته، پس تو نمی‌توانی در مقابل خواست خدا کاری برای آنها بکنی. آنها افرادی هستند که خدا نمی‌خواهد دلشان را پاک کند. آنها در دنیا خواری و در آخرت هم عذاب بزرگی دارند. (۴۱)

به حرف‌های دروغ گوش می‌کنند و مال حرام می‌خورند. اگر پیش تو آمدند بین آنها حکم کن یا از حکم کردن بین آنها خودداری کن. اگر از حکم کردن بین آنها خودداری کنی ذره‌ای به تو ضرر نمی‌زنند. و اگر حکم کردی، به عدالت حکم کن، چون خدا افراد عادل را دوست دارد. (۴۲) چطور در حالی‌که تورات پیش آنها هست تو را داور می‌سازند؟ حکم خدا در تورات هست. آنها بعد از آن از حکم تو رو برمی‌گردانند. آنها مؤمن نیستند. (۴۳) تورات را ما نازل کردیم، در آن هدایت و روشنایی است. پیغمبرانی که تسلیم خدا بودند و خداپرستان و دانشمندان دینی مطابق آن برای یهودی‌ها حکم می‌کردند، به علت این‌که از آنها خواسته شده بود که از کتاب خدا محافظت کنند و مراقب این‌کار بودند. بنابراین از مردم نترسید و از من بترسید و آیات مرا به قیمت کمی نفروشید. کسانی‌که مطابق آنچه خدا نازل کرده (وحی، کتاب الهی) حکم نکنند کافرند. (۴۴) در تورات بر آنها واجب کردیم که جان در مقابل جان، چشم در مقابل چشم، بینی در مقابل بینی، گوش در مقابل گوش، دندان در مقابل دندان و زخم‌ها قصاص دارد. ولی هر کس از آن درگذرد کفاره‌ای برای (گناهان) او خواهد بود. کسانی‌که مطابق آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، ظالم هستند. (۴۵)

دنبال آنها عیسی پسر مریم را فرستادیم که توراتی را که قبل از او بود تصدیق می‌کرد و به او انجیل دادیم که در آن هدایت و روشنایی است و توراتی را که قبل از آن بود تصدیق می‌کند و راهنمایی و پندی برای افراد پرهیزکار است. (۴۶) عیسویان باید مطابق آنچه خدا در انجیل نازل کرده حکم کنند. کسانی‌که مطابق آنچه خدا نازل کرده است حکم نکنند از اطاعت خدا خارج شده‌اند. (۴۷) و قرآن را که تصدیق‌کننده کتاب‌های قبل از خودش و نگهبان آنهاست بر تو به حق نازل کردیم. بنابراین بین آنها مطابق آنچه خدا نازل کرده حکم کن، و در مورد حقی که برای تو آمده از دلخواه آنان پیروی مکن. برای هر دسته از شما (یهودی‌ها، عیسوی‌ها و مسلمانان) راه و رسمی قرار دادیم. اگر خدا می‌خواست شما را امت واحدی می‌ساخت ولی می‌خواهد شما را با همان کتابی که به شما داده امتحان کند، بنابراین در کارهای خیر از هم جلو بزنید. بازگشت همه شما پیش خدا است و او شما را درباره چیزهایی که در آن اختلاف داشتید خبردار می‌کند. (۴۸) بین آنها مطابق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از دلخواه آنان پیروی مکن و مواظب باش که تو را از بعضی از چیزهایی که خدابه تو نازل کرده منحرف نکنند. اگر قبول نکردند بدان که خدا می‌خواهد آنها را به خاطر بعضی از گناهانشان مجازات کند. و بدان که عده زیادی از مردم از فرمان خدا اطاعت نمی‌کنند. (۴۹) آیا آنها دنبال حکم جاهلیت می‌گردند؟ حکم چه کسی برای افرادی که یقین دارند بهتر از حکم خداست؟ (۵۰)

ای افراد باایمان، یهودی‌ها و عیسوی‌ها را پشتیبان خود نگیرید، (چون بعضی از آنها پشتیبان بعضی هستند. کسی از شما که آنها را پشتیبان خود بگیرد جزو آنها است. خدا کسانی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۵۱) افرادی را که در دلشان مرضی است می‌بینی که به طرف آنها کشیده می‌شوند و می‌گویند: می‌ترسیم مصیبتی به ما برسد. امکان دارد که خدا فتحی یا وضعی پیش آورد که از آنچه در دلشان پنهان می‌کردند پشیمان بشوند. (۵۲) افراد باایمان می‌گویند: آیا اینها همان افرادی هستند که قسم‌های محکمی به خدا می‌خوردند که با شما هستند؟ کارهایشان از بین رفت و زیانکارند. (۵۳) ای افراد باایمان، هر کس از شما که از دینش برگردد (برای خدا اهمیتی ندارد) چون خدا افراد دیگری را می‌آورد که دوستشان دارد و آنها هم او را دوست دارند، نسبت به افراد باایمان فروتن هستند و نسبت به افراد بی‌ایمان قدرتمند، در راه خدا می‌جنگند و از سرزنش سرزنش‌کنندگان نمی‌ترسند. این لطف خدا است به هر کسی که بخواهد می‌دهد. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۵۴) دوستدار و پشتیبان شما خدا و پیغمبرش و افراد باایمانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به رکوع می‌روند. (۵۵) کسانی‌که خدا و پیغمبرش و افراد باایمان را دوستدار و پشتیبان خود می‌گیرند جزو حزب خدا هستند و حزب خدا پیروز است. (۵۶) ای افراد باایمان، افرادی از اهل کتاب و افراد بی‌ایمان را که دین شما را به مسخره و بازی گرفتند پشتیبان و دوستدار خود نگیرید. اگر افراد باایمانی هستید از نافرمانی خدا حذر کنید. (۵۷)

وقتی ندای نماز می‌دهید آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این‌کار آنها به خاطر اینست که تشخیص نمی‌دهند. (۵۸) بگو: ای اهل کتاب، آیا غیر از اینست که چون ما

به خدا و قرآنی که به ما نازل شده و کتابهایی که قبلاً نازل شده ایمان داریم از ما خرده می‌گیرید؟ در صورتی که بیشتر شما از حکم و نظر خدا اطاعت نمی‌کنید. (۵۹) بگو: آیا شما را به کیفری بدتر از این، که در پیش خداست، آگاه کنم؟ کسانی که خدا آن‌ها را لعنت کرده و از آن‌ها خشمگین است و عده‌ای از آن‌ها را میمون و خوک و بنده طاغوت ساخته، آن‌ها وضع بدی دارند و از راه راست خیلی منحرف شده‌اند. (۶۰) وقتی پیش شما می‌آیند می‌گویند: ایمان آورده ایم، در صورتی که با کفر پیش شما آمده‌اند و در حال کفر از پیش شما می‌روند. خدا چیزی را که پنهان می‌کنند به خوبی می‌داند. (۶۱) عده زیادی از آن‌ها را می‌بینی که در گناه و ستمکاری و حرام‌خواری می‌شتابند. چه کار بدی می‌کنند. (۶۲) چرا خداپرستان و دانشمندان دینی آن‌ها را از گفتار گناه‌آلود و خوردن حرام نهی نمی‌کنند؟ بدکاری می‌کنند. (۶۳) یهودی‌ها گفتند: دست خدا بسته است. دست خودشان بسته است و به‌خاطر حرفی که زدند از لطف خدا محروم شده‌اند. دست‌های خدا باز است و هر طور که بخواهد انفاق می‌کند. این چیزی که از جانب خداوندت به تو نازل شده، طغیان و کفر عده زیادی از آن‌ها را اضافه می‌کند. بین آن‌ها تا روز قیامت دشمنی و کینه ایجاد کردیم. هر گاه آتش جنگی روشن کردند، خدا آن را خاموش کرد. در زمین برای ایجاد فساد کوشش می‌کنند، در صورتی که خدا افرادی را که باعث فساد می‌شوند دوست ندارد. (۶۴)

اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و پرهیزکار شوند گناهانشان را از بین می‌بریم و آن‌ها را وارد بهشت‌هایی پرنعمت می‌کنیم. (۶۵) و اگر آن‌ها به تورات و انجیل و هر کتاب دیگری که از خداوندشان به آن‌ها نازل شده عمل کنند، نعمت از بالا و پایین به آن‌ها رو می‌آورد و از آن می‌خورند. عده‌ای از آن‌ها میانه‌رو هستند ولی عده زیادی از آن‌ها کاری که می‌کنند بد است. (۶۶) ای پیغمبر، آنچه از طرف خداوندت به تو نازل شده به مردم بگو. اگر این‌کار را نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای. خدا تو را از شر مردم حفظ می‌کند. خدا افراد بی‌ایمان را هدایت نمی‌کند. (۶۷) بگو: ای اهل کتاب، تا مطابق تورات و انجیل و آنچه از طرف خداوندتان به شما نازل شده عمل نکنید، دین ندارید. البته این مطلبی که از طرف خداوندت به تو نازل شده بر طغیان و کفر عده زیادی از آن‌ها خواهد افزود. به‌خاطر افراد بی‌ایمان غصه نخور. (۶۸) مسلمانان، یهودیان، صابئیان و عیسویان، به طور کلی هر کس که به خدا و روز آخرت ایمان بیاورد و درستکار باشد، نه ترسی دارد و نه غصه‌ای. (۶۹) ما از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم و پیغمبرانی برای آن‌ها فرستادیم. هرگاه پیغمبری چیزی که دوست نداشتند برای آن‌ها آورد، عده‌ای از آن‌ها را به دروغجویی متهم کردند و عده‌ای را کشتند. (۷۰)

و خیال کردند که امتحانی در کار نیست، بنابراین (نسبت به درک حقایق) کور و کر شدند. بعد خدا توبه آن‌ها را پذیرفت ولی دوباره عده زیادی از آن‌ها کور و کر شدند (حاضر به دیدن و شنیدن حقیقت نشدند). خدا کارهایی را که می‌کنند می‌بیند. (۷۱) کسانی که گفتند که خدا خود مسیح ابن مریم است کافر شدند (منکر تعلیم انجیل شدند). در صورتی که مسیح گفت: ای بنی‌اسرائیل، خدا را که سرور من و سرور شماست بندگی کنید. هر کس شریکی برای خدا قائل باشد، خدا بهشت را بر او حرام کرده و جایش جهنم است. کسانی که ظلم می‌کنند یاوری ندارند. (۷۲) افرادی که گفتند خدا سومین سه خدا است، کافر شدند. در صورتی که معبودی (کسی که انسان در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کند و او را برآورنده آرزوهای خود بداند) جز معبود یگانه وجود ندارد. اگر از این حرف‌ها دست برندارند به منکران آن‌ها عذاب پردردی می‌رسد. (۷۳) آیا توبه نمی‌کنند و از خدا آمرزش نمی‌طلبند؟ خدا آمرزنده مهربان است. (۷۴) مسیح ابن مریم فقط پیغمبری بود مثل پیغمبران قبلی که از دنیا رفتند. و مادرش زن راستگویی بود. هر دو غذا می‌خوردند. نگاه کن که نشانه‌ها را چگونه برای آن‌ها بیان می‌کنیم، بعد نگاه کن که این‌ها به کجا برده می‌شوند. (۷۵) بگو: آیا غیر از خدا کسی را بندگی (اطاعت بدون چون و چرا) می‌کنید که صاحب نفع و ضرری برای شما نیست؟ در صورتی که خدا شنوا و دانا است (نه افرادی که مرده‌اند). (۷۶)

بگو: ای اهل کتاب، در دینتان به ناحق مبالغه و گزافه‌گویی نکنید و از دلخواه دسته‌ای که قبلاً گمراه شدند و عده زیادی را منحرف کردند و از راه راست منحرف شدند پیروی نکنید. (۷۷) افرادی از بنی‌اسرائیل که کافر شدند به زبان داود و

عیسی پسر مریم لعنت شدند. اینکار به دلیل این بود که آنها از فرمان خدا سرپیچی کردند و متجاوز بودند. (۷۸) از کارهای زشتی که می‌کردند دست بر نمی‌داشتند، چه کار بدی می‌کردند. (۷۹) عده زیادی از آنها را می‌بینی که با افراد بی‌ایمان دوستی می‌کنند. مسلماً کارهایی که انجام دادند بد است و باعث خشم خدا به آنان شده و همیشه در عذاب خواهند بود. (۸۰) اگر به خدا و پیغمبر و قرآنی که به پیغمبر نازل شده ایمان می‌آورند، افراد بی‌ایمان را دوست و پشتیبان خود نمی‌گرفتند. ولی عده زیادی از آنها از اطاعت خدا خارج شده‌اند. (۸۱) یهودیان و مشرکان را دشمن‌ترین افراد نسبت به مسلمانان می‌یابی. افرادی را که می‌گویند که ما عیسوی هستیم از لحاظ دوستی نسبت به مسلمانان از همه نزدیک‌تر می‌یابی. این وضع به علت این است که عده‌ای از آنها کشیش و راهب هستند و تکبری ندارند. (۸۲)

وقتی قرآنی که به پیغمبر نازل شده را می‌شنوند، می‌بینی که به علت حقی که شناختند چشمشان پر از اشک می‌شود. می‌گویند: خداوند، ایمان آوردیم ما را جزو شاهدان بنویس. (۸۳) چرا ما به خدا و حقیقتی که برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ امیدواریم که خداوند ما را داخل جمع افراد درستکار کند. (۸۴) بنابراین به سبب حرفی که زدند خدا به آنها بهشت‌هایی که در آن نهرها روان است و همیشه در آن خواهند بود پاداش می‌دهد. بهشت پاداش افراد نیکوکار است. (۸۵) کسانی که منکر شدند و آیات ما را انکار کردند اهل جهنم هستند. (۸۶) ای افراد باایمان، چیزهای پاکی را که خدا برای شما حلال کرده حرام نکنید و از حکم خدا تجاوز ننمایید، چون خدا افراد متجاوز را دوست ندارد. (۸۷) از آنچه حلال و پاک است و خدا روزی شما کرده بخورید و اگر به او ایمان دارید از نافرمانی و عذاب خدا بترسید. (۸۸) خدا شما را به علت قسم‌های بیهوده مجازات نمی‌کند، ولی شما را به سبب قسم‌هایی که با آن قرارداد می‌بسته‌اید مؤاخذه می‌کند. کفاره این قسم‌ها سیر کردند ده نفر تهیدست از متوسط غذایی که به خانواده خود می‌دهید می‌باشد، یا پوشاندن ده نفر، یا آزاد کردن یک بنده. کسی که امکان آن را نداشت سه روز روزه بگیرد. این کفاره قسم‌های شما است وقتی قسم خوردید. قسم‌های خود را حفظ کنید. خدا آیاتش را این‌طور برای شما بیان می‌کند تا سپاسگزاری کنید. (۸۹)

ای افراد باایمان، شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلید و عمل شیطانی است، بنابراین از آن دوری کنید تا رستگار شوید. (۹۰) شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار بین شما دشمنی و نفرت ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. آیا شما از آن دست می‌کشید؟ (۹۱) از خدا و پیغمبر اطاعت کنید و مواظب باشید. اگر قبول نکردید بدانید که وظیفه پیغمبر فقط رساندن روشن پیام خدا است. (۹۲) اشکالی بر افراد باایمان درستکار در مورد آنچه قبلاً خورده‌اند نیست در صورتی که تقوی و ایمان داشته و کار درست بکنند، باز تقوی و ایمان داشته باشند و از نافرمانی خدا بترسند و نیکی کنند. خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۹۳) ای افراد باایمان، خدا شما را به وسیله شکاری که دست و نیزه‌های شما به آن می‌رسد امتحان می‌کند، تا خدا بداند چه کسی قلباً از او می‌ترسد. کسی که بعد از این تجاوز کند عذاب دردناکی دارد. (۹۴) ای افراد باایمان، وقتی در حال احرام (حج) هستید شکار را نکشید. کسی که عمداً آن را بکشد، جزای آن چهارپایی مثل آنچه کشته می‌باشد که دو نفر از افراد عادل خودتان درباره آن حکم کنند، قربانی‌ای که به کعبه برسد، یا کفاره‌ای که سیر کردن افراد تهیدست باشد، یا معادل آن روزه بگیرد تا کیفر کار خود را بچشد. خدا کارهایی را که در گذشته انجام دادید عفو کرده. کسی که دوباره این کارها را بکند خدا از او انتقام می‌گیرد. خدا قدرتمند و انتقام‌گیر است. (۹۵)

صید دریایی و خوردن آن برای شما حلال شده تا شما و مسافران از آن استفاده کنید. ولی تا وقتی که در حال انجام مراسم حج هستید، شکار حیوانات زمینی بر شما حرام شده. از نافرمانی خدایی که پیش او جمع‌آوری می‌شوید بترسید. (۹۶) خدا کعبه را برای انتظام امور مردم، بیت‌الحرام قرار داده، همین‌طور ماه حرام و قربانی و قربانی قلاده‌دار را. اینکار برای این است که بدانید که خدا آنچه در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و بدانید که خدا هر چیز را به خوبی می‌داند. (۹۷) بدانید که مجازات خدا بسیار شدید است و خدا آمرزنده و مهربان است. (۹۸) وظیفه پیغمبر فقط ابلاغ حکم و نظر خدا است و خدا آنچه را آشکار می‌کند و آنچه را

مخفی می‌کنید می‌داند. (۹۹) بگو: ناپاک با پاک مساوی نیست، اگر چه زیادی ناپاک‌ها باعث تعجب تو شود. بنابراین ای خردمندان، از نافرمانی خدا بترسید تا رستگار شوید. (۱۰۰) ای افراد باایمان، از چیزهایی که اگر برای شما روشن شود شما را ناراحت می‌کند سؤال نکنید. اگر موقع نزول قرآن درباره آنها سؤال کنید برای شما روشن می‌شود. خدا از آنها گذشته. خدا آمرزنده بردبار است. (۱۰۱) قبل از شما عده‌ای درباره این چیزها سؤال کردند و بعد منکر آن شدند. (۱۰۲) خدا «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده. ولی افراد بی‌ایمان حرفهای دروغی را سر هم می‌کنند و به خدا نسبت می‌دهند. بیشتر آنها عقل خود را به کار نمی‌برند. (۱۰۳)

وقتی به آنها گفته شود که به سوی آنچه خدا نازل کرده و پیش پیغمبر بیایید، می‌گویند: همان چیزهایی که پدرانمان را بر آن یافتیم برای ما کافی است، اگر چه پدرانمان چیزی نمی‌دانستند و راه صحیح را شناخته بودند. (۱۰۴) ای افراد باایمان، وظیفه شما است که خودتان حقیقت را بشناسید. در صورتی که راه صحیح را شناخته باشید، کسانی که همراه شده‌اند ضرری به شما نمی‌زنند. بازگشت همه شما پیش خدا است و خدا شما را از کارهایی که می‌کردید باخبر می‌کند. (۱۰۵) ای افراد باایمان، وقتی مرگ یکی از شما فرا رسید موقع وصیت دو نفر شاهد عادل از خودتان یا از دیگران بگیرید. اگر موقع مسافرت دچار مصیبت مرگ شدید، در صورتی که شك دارید، آن دو نفر را بعد از خواندن نماز نگاه دارید تا به خدا قسم بخورند: شهادت را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم اگر چه از خویشانمان باشند و شهادت خدا را مخفی نمی‌کنیم، چون ما در آن صورت از گناهکاران خواهیم بود. (۱۰۶) اگر معلوم شد که آن دو مرتکب گناهی شده‌اند، دو نفر دیگر که شایسته‌تر هستند و به آنها در شهادت ظلم شده است و به مرده نزدیک‌ترند جای آنها قرار بگیرند و به خدا قسم بخورند: شهادت ما از شهادت آنها درست‌تر است و ما از حق تجاوز نکرده‌ایم، چون در آن صورت ستمکاریم. (۱۰۷) این‌کار برای این‌که شهادت مطابق حق باشد بهتر است و همین‌طور برای این‌که بترسند که قسم آنها بعد از قسم دو نفر بعدی رد شود. از نافرمانی و عذاب خدا بترسید و از فرمان او اطاعت کنید. خدا کسانی را که از او اطاعت نمی‌کنند هدایت نمی‌کند. (۱۰۸)

روزی که خدا پیغمبران را جمع می‌کند، می‌گوید: دعوت شما را چگونه اجابت کردند؟ می‌گویند: نمی‌دانیم، تو غیبها را می‌دانی. (۱۰۹) هنگامی را یادآوری کن که خدا گفت: ای عیسی پسر مریم، نعمتی را که به تو و مادرت دادم یاد کن، وقتی که تو را با روح القدس (روح پاک) تایید کردم، در گهواره و بزرگسالی با مردم صحبت می‌کردی، و وقتی که به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل را یاد دادم، و وقتی که از گل به شکل پرنده درست می‌کردی و در آن می‌دمیدی و به فرمان من پرنده‌ای می‌شد، و کور مادرزاد و پیس را به فرمان من شفا می‌دادی، و مرده را به فرمان من زنده می‌کردی، و وقتی که تو را از شر بنی اسرائیل حفظ کردم. وقتی که معجزات روشن برای آنها آوردی، افراد بی‌ایمان آنها گفتند: این سحر واضحی است. (۱۱۰) و وقتی که به حواریون وحی کردم که به من و پیغمبرم ایمان بیاورید، گفتند: ایمان آوردیم و شاهد باش که ما مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) هستیم. (۱۱۱) موقعی که حواریون گفتند: ای عیسی پسر مریم، آیا خداوندت می‌تواند سفره غذایی از آسمان برای ما نازل کند؟ عیسی گفت: اگر ایمان دارید از عذاب خدا بترسید. (۱۱۲) گفتند: می‌خواهیم از آن بخوریم و دلمان اطمینان پیدا کند و بدانیم که به ما راست گفته‌ای و شاهد بر آن باشیم. (۱۱۳)

عیسی پسر مریم گفت: خداوند، سفره غذایی از آسمان برای ما نازل کن تا برای اول و آخر ما عید و نشانه‌ای از تو باشد و به ما روزی بده و تو بهترین روزی دهنده هستی. (۱۱۴) خدا گفت: من آن را برای شما نازل می‌کنم و اگر بعد از آن کسی از شما کافر شود او را عذابی می‌کنم که احدی از افراد بشر را چنان مجازاتی نکرده باشم. (۱۱۵) و هنگامی که خدا گفت: ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی من و مادرم را غیر از خدا دو معبود بگیرد؟ عیسی گفت: تو پاکي، سزاوار نیست که آنچه حق من نیست بگویم. اگر گفته بودم، تو آن را می‌دانستی. تو آنچه در دل من است می‌دانی و من آنچه در دل تو است نمی‌دانم. (خداوند،) تو همه غیبها را می‌دانی. (۱۱۶) من فقط چیزی را که تو به من دستور دادی به آنها گفتم. گفتم که خدا را که سرور من و سرور شماست بندگی کنید و تا وقتی در بین

آن‌ها بودم مواظب آن‌ها بودم، و وقتی جان مرا گرفتی تو مراقب کار آن‌ها بودی. تو شاهد هر چیزی هستی. (۱۱۷) اگر آن‌ها را عذاب کنی بندگان تو هستند و اگر گناه آن‌ها را بیامرزی تو توانا و حکیمی. (۱۱۸) خدا گفت: امروز روزی است که راستگویی راستگویان برای آن‌ها فایده دارد. آن‌ها بهشت‌هایی دارند که از زیر آن نهرها روان است و همیشه در آن خواهند بود. خدا از آن‌ها راضی است و آن‌ها از خدا راضی هستند. این پیروزی بزرگی است. (۱۱۹) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن‌ها است، مال خدا است و او قادر به هر کاری است. (۱۲۰)

سوره انعام (۶)

مکی و شامل یکصد و شصت و پنج آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

ستایش و بزرگداشت فقط اختصاص به خدا دارد که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و تاریکی و نور را برقرار کرد. باز افراد بی‌ایمان برای خداوندشان شریک درست می‌کنند. (۱) او وجودی است که شما را از گِل آفرید و مدتی برای زندگی کردن شما قرار داد. مدتی که پیش او معلوم است، با وجود این شما شک می‌کنید. (۲) او در آسمان‌ها و زمین خدا است. پنهان و آشکار شما را می‌داند و از کارهای شما آگاه است. (۳) هیچ آیه‌ای از آیات خداوندشان برای آن‌ها نیامد، مگر این‌که از آن روگردان بودند. (۴) وقتی حق برای آن‌ها آمد منکر آن شدند. خبر عذابی که آن را مسخره می‌کردند برای آن‌ها خواهد آمد. (۵) آیا ندیدند که چقدر از امت‌هایی را که قبل از آن‌ها بودند نابود کردیم؟ به آن‌ها قدرت‌هایی داده بودیم که به شما نداده ایم. بارانی مداوم بر آن‌ها نازل کردیم و نهرها از زیر پایشان روان ساختیم، و آن‌ها را به علت گناهانشان نابود کردیم و بعد از آن‌ها مردم دیگری بوجود آوردیم. (۶) اگر به تو نوشته‌ای در ورق کاغذی نازل کنیم که آن را با دست‌هایشان لمس کنند، مسلماً افراد بی‌ایمان می‌گویند: این سحر واضع است. (۷) گفتند: چرا فرشته‌ای به او نازل نشده؟ اگر ما فرشته‌ای می‌فرستادیم کار تمام شده بود و مهلتی به آن‌ها داده نمی‌شد. (۸)

و اگر او را فرشته‌ای می‌ساختیم حتماً او را به صورت انسانی می‌ساختیم و باز همان شبهه‌ای که برای آن‌ها وجود دارد بر جا می‌ماند. (۹) پیغمبران قبل از تو را هم مسخره کردند در نتیجه همان عذابی که مورد تمسخر آن‌ها قرار داشت آن‌ها را فرا گرفت. (۱۰) بگو: در زمین بگردید و نگاه کنید عاقبت کسانی که منکر عذاب ما بودند چه شد. (۱۱) بگو: آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال چه کسی است؟ بگو: مال خدا است. خدا رحمت را بر خودش واجب ساخته تا شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست جمع کند. کسانی که خودشان را دچار ضرر کردند (دچار عذاب قیامت ساختند) ایمان نمی‌آورند. (۱۲) آنچه در شب و روز آرامش می‌یابد مال خدا است و او شنوا و دانا است. (۱۳) بگو: آیا غیر از خدا که آفریننده آسمان‌ها و زمین است یاوری برای خود بگیرم؟ در صورتی که او به دیگران غذا می‌دهد و کسی به او غذا نمی‌دهد. بگو: به من دستور داده شده که بیشتر از همه تسلیم حکم و نظر خدا باشم و از مشرکین نباشم. (۱۴) بگو: من اگر از فرمان خدا سرپیچی کنم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. (۱۵) کسی که در روز قیامت عذاب از او برگردانده شود خدا به او رحم کرده و این موفقیت آشکاری است. (۱۶) اگر خدا ضرری به تو برساند کسی جز خود او نمی‌تواند آن را برطرف کند و اگر خیری به تو برساند، او قادر به هر کاری است. (۱۷) او بر بندگان تسلط دارد و حکیم و آگاه است. (۱۸)

بگو: شهادت چه کسی بالاتر است؟ بگو: خدا بین من و شما شاهد است و این قرآن به من وحی شده تا با آن شما و کسی که این قرآن به او می‌رسد را از عواقب کار خطا بترسانم. آیا شهادت می‌دهید که با خدا معبودهای دیگری وجود دارد؟ بگو: من چنین شهادتی نمی‌دهم. بگو: فقط او معبود یگانه است و من از چیزهایی که شریک خدا می‌سازید بیزارم. (۱۹) کسانی که به آن‌ها کتاب داده‌ایم پیغمبر را می‌شناسند، همان‌طور که بچه‌هایشان را می‌شناسند. کسانی که خودشان را دچار ضرر کرده‌اند ایمان نمی‌آورند. (۲۰) کیست ظالم‌تر از کسی که دروغی را سر هم کند و از قول خدا

بگویند یا منکر آیات او شود؟ ظلم‌کنندگان رستگار نمی‌شوند. (۲۱) روزی که همه آن‌ها را جمع کنیم، به آنان که برای خدا شریک ساختند می‌گوییم: شریکانی که گمان می‌کردید کجا هستند؟ (۲۲) حرف آن‌ها فقط این خواهد بود که به خدا که مالک ما است قسم که مشرک نبودیم. (۲۳) ببین چگونه به خود دروغ گفتند و شریکانی که برای خدا می‌بافتند گم شدند. (۲۴) عده‌ای از آن‌ها ظاهراً به تو گوش می‌دهند، ولی ما بر دل آن‌ها پوششی قرار داده‌ایم تا آن را نفهمند و گوششان را سنگین کرده‌ایم. هر معجزه‌ای هم ببینند به آن ایمان نمی‌آورند تا آنجا که وقتی پیش تو بیایند با تو مجادله می‌کنند. کافران می‌گویند: این قرآن فقط داستان گذشتگان است. (۲۵) آن‌ها مردم را از آن باز می‌دارند و خودشان هم کنار می‌کشند. آن‌ها فقط خود را هلاک می‌کنند ولی نمی‌دانند. (۲۶) اگر وقتی که آن‌ها را کنار آتش نگه داشته‌اند ببینی می‌گویند: ای کاش برگردیم و آیات خداوندمان را انکار نکنیم و از مؤمنین باشیم. (۲۷)

برای آن‌ها آنچه قبلاً مخفی می‌کردند آشکار شد. اگر برگردانده شوند حتماً به آنچه از آن نهی شده‌اند برمی‌گردند. آن‌ها دروغ می‌گویند. (۲۸) گفتند: چیزی غیر از زندگی این دنیا وجود ندارد و ما دوباره زنده نمی‌شویم. (۲۹) اگر وقتی را که در مقابل خداوندشان نگه داشته می‌شوند ببینی که خدا به آن‌ها می‌گوید: آیا این حق نیست؟ می‌گویند آری، به خدا قسم. خدا به آن‌ها می‌گوید: به علت کفری که داشتید عذاب را بچشید. (۳۰) کسانی که منکر دیدار خدا شدند ضرر کردند. وقتی که قیامت ناگهانی فرا رسد می‌گویند: افسوس که ما در دنیا کوتاهی کردیم و آن‌ها بار گناهان خود را بر دوش می‌گیرند. باری که برمی‌دارند بد است. (۳۱) زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است و مسلماً خانه آخرت برای افراد باتقوی بهتر است. آیا نمی‌فهمید؟ (۳۲) می‌دانیم حرف‌هایی که می‌زنند تو را غمگین می‌کند. آن‌ها منکر تو نمی‌شوند بلکه افراد ظالم منکر آیات خدا می‌شوند. (۳۳) پیغمبران قبل از تو هم مورد انکار قرار گرفتند ولی در مقابل انکاری که شدند استقامت ورزیدند و تا موقعی که یاری ما شامل حال آن‌ها شد مورد آزار قرار گرفتند. تغییردهنده‌ای برای کلمات خدا وجود ندارد. مسلماً خبر پیغمبران برای تو آمده است. (۳۴) اگر قبول نکردن آن‌ها برای تو سنگین است چنانچه می‌توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان پیدا کن و برای آن‌ها معجزه‌ای بیاور. اگر خدا می‌خواست همه آن‌ها را هدایت می‌کرد، پس از جاهلان نباش. (۳۵)

فقط کسانی که گوش شنوا دارند دعوت تو را اجابت می‌کنند. مردگان را خدا زنده می‌کند، بعد آن‌ها را پیش خدا برمی‌گردانند. (۳۶) گفتند: چرا معجزه‌ای از طرف خداوندش برای او نازل نشده؟ بگو: خدا قادر است که معجزه‌ای نازل کند ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند. (۳۷) هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که در هوا با بال‌هایش پرواز کند وجود ندارد مگر این‌که نوعی جاندار مثل شما است. ما در (این) کتاب (در قرآن) چیزی را فروگذار نکردیم. آن‌ها پیش خداوندشان جمع می‌شوند. (۳۸) کسانی که منکر آیات ما شدند کر و لال و در تاریکی هستند. خدا کسی را که بخواهد گمراه می‌کند و کسی را که بخواهد بر راه راست قرار می‌دهد. (۳۹) بگو: اگر راست می‌گویند نظر شما چیست؟ اگر عذاب خدا یا قیامت بیاید آیا کسی را غیر از خدا به کمک می‌خوانید؟ (۴۰) تنها او را به کمک می‌خوانید و او اگر بخواهد مشکلی را که برای آن کمک می‌خواهید برطرف می‌کند و شما چیزهایی را که شریک او می‌سازید فراموش می‌کنید. (۴۱) پیغمبرانی برای امت‌های قبل از تو فرستادیم و آن‌ها را دچار رنج و سختی کردیم شاید زاری کنند. (۴۲) چرا وقتی عذاب ما به آن‌ها رسید زاری نکردند؟ بلکه دلشان سخت شد و شیطان کارهایی را که می‌کردند در نظر آن‌ها آراست. (۴۳) وقتی تذکری که به آن‌ها دادیم فراموش کردند، درهای هر چیزی را به روی آن‌ها باز کردیم تا وقتی که از آنچه به آن‌ها داده شده بود شاد شدند. ناگهان آن‌ها را دچار عذاب کردیم، آن وقت آن‌ها مایوس شدند. (۴۴)

ریشه افراد ظالم قطع شد. ستایش فقط سزاوار خدا است که صاحب‌اختیار همه مردم جهان است. (۴۵) بگو: نظر شما چیست؟ آیا اگر خدا شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل‌هایتان مهر بزند (قدرت فکر کردن را از شما بگیرد)، غیر از خدا چه معبودی وجود دارد که آن را به شما برگرداند؟ نگاه کن که چگونه آیات را بیان می‌کنیم و آن‌ها از آن رو برمی‌گردانند. (۴۶) بگو: نظر شما چیست؟ اگر عذاب خدا

به طور ناگهانی یا آشکارا به شما برسد آیا غیر از این است که فقط ظالم‌ها نابود می‌شوند؟ (۴۷) ما پیغمبرانمان را فقط برای مژده دادن و بیم دادن می‌فرستیم. کسانی که ایمان بیاورند و کار خود را اصلاح کنند نه ترسی دارند نه غصه‌ای. (۴۸) و کسانی که منکر آیات ما شدند به علت این که نافرمانی کردند دچار عذاب می‌شوند. (۴۹) ای پیغمبر، بگو: من به شما نمی‌گویم که گنج‌های خدا پیش من است و غیب نمی‌دانم و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام. من فقط از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم. بگو: آیا کور و بینا با هم مساوی هستند؟ آیا فکر نمی‌کنید؟ (۵۰) به وسیله قرآن به کسانی که می‌ترسند از این که پیش خداوندشان جمع شوند هشدار بده که غیر از خدا یاور و شفیع برای آن‌ها وجود ندارد، شاید پرهیزکار شوند. (۵۱) و افرادی را که صبح و شام خداوندشان را می‌خوانند و رضای او را می‌خواهند از خود نران. ذره‌ای از حساب آن‌ها بر عهده تو نیست و ذره‌ای از حساب تو بر عهده آن‌ها نیست. اگر آن‌ها را از خود برانی از ستمکاران خواهی بود. (۵۲)

ما این‌طور بعضی از آن‌ها را به وسیله بعضی امتحان کردیم تا بگویند: آیا این‌ها افرادی هستند که خدا از بین ما بر آن‌ها منت گذاشته؟ آیا خدا افراد سپاسگزار را بهتر نمی‌شناسد؟ (۵۳) وقتی افرادی که به آیات ما ایمان دارند پیش تو آمدند بگو: سلام بر شما. خداوند شما رحمت را بر خودش واجب ساخته، هر کس از شما که کار بدی از روی نادانی بکند و بعد از آن توبه نماید و کار خود را اصلاح کند (بداند که) خدا آمرزنده مهربان است. (۵۴) ما آیات را این‌طور توضیح می‌دهیم تا راه افراد گناه‌کار معلوم شود. (۵۵) بگو: من از این که افرادی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بندگی کند نهی شده‌ام. بگو: من از دلخواه شما پیروی نمی‌کنم، چون در آن صورت گمراه شده‌ام و از کسانی که راه صحیح را شناخته‌اند نخواهم بود. (۵۶) بگو: من دلیل روشنی از جانب خداوند دارم ولی شما آن را قبول نمی‌کنید. عذابی که شما می‌خواهید زودتر برسد در اختیار من نیست. حکم آن فقط در اختیار خدا است. خداوند حقیقت را می‌گوید و او بهترین قاضی است. (۵۷) بگو: اگر آن عذابی که شما می‌خواهید زودتر برسد در اختیار من بود، کار بین من و شما تمام شده بود. خدا افراد ظالم را خوب می‌شناسد. (۵۸) کلیدهای غیب پیش خدا است و کسی جز خدا آن را نمی‌داند. آنچه که در خشکی و دریا است می‌داند. هیچ برگی نمی‌افتد مگر این که خدا آن را می‌داند، هیچ دانه‌ای در تارکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی وجود ندارد، مگر این که در کتابی روشن است. (۵۹)

اوست که جان شما را در شب می‌گیرد و کارهایی را که در روز می‌کنید می‌داند و شما را در روز بلند می‌کند تا مدت معین عمر شما تمام شود. بازگشت شما پیش اوست، بعد شما را از کارهایی که می‌کردید باخیر می‌کند. (۶۰) او بر بندگانش تسلط دارد و حافظینی برای شما می‌فرستد تا موقعی که مرگ یکی از شما برسد، فرستادگان ما جان او را می‌گیرند و در این کار کوتاهی نمی‌کنند. (۶۱) بعد پیش مولای حقیقی خودشان (خدا) برگردانده می‌شوند. بدانید که حکم با خدا است و او زودتر از همه به حساب‌ها رسیدگی می‌کند. (۶۲) بگو: چه کسی وقتی او را با التماس و پنهانی به کمک می‌خوانید شما را از تارکی‌های خشکی و دریا نجات می‌دهد؟ و می‌گویید: اگر ما را از این وضع نجات بدهی از سپاسگزاران خواهیم بود. (۶۳) بگو: خدا شما را از این وضع و هر غمی نجات می‌دهد ولی شما باز شریکی برای او می‌تراشید. (۶۴) بگو: او قادر است که عذابی از بالای سر شما یا از زیر پای شما بفرستد یا شما را دسته دسته کند و عذاب بعضی را به بعضی دیگر بچشاند. نگاه کن که ما چگونه آیات را توضیح می‌دهیم تا آن را بفهمند. (۶۵) قوم تو قرآن را تکذیب کردند در صورتی که قرآن حق است. بگو: من وکیل شما نیستم. (۶۶) برای عملی شدن هر خبری (مثل خبر عذاب یا قیامت) وقتی لازم است و این حقیقت را خواهید دانست. (۶۷) وقتی کسانی را که آیات ما را مسخره می‌کنند دیدی، از آن‌ها رو برگردان تا درباره مطلب دیگری صحبت کنند. و اگر شیطان باعث شد که این‌کار را فراموش کنی بعد از این که به یاد آمد با افرادی که ظلم می‌کنند منشین. (۶۸)

ذره‌ای از حساب آن‌ها بر عهده افراد باتقوی نیست ولی این تذکری برای آن‌ها است تا پرهیزکار شوند. (۶۹) کسانی را که دینشان را بازی و سرگرمی ساختند و زندگی دنیا آن‌ها را فریب داد به حال خود بگذار. فقط تذکر بده که هر کس گرفتار اعمال خودش می‌باشد و کسی غیر از خدا یاور و شفیع ندارد و هر تاوانی هم که بدهد از او پذیرفته نمی‌شود. آن‌ها افرادی هستند که گرفتار اعمال خودشان

می‌باشند. آن‌ها به خاطر کفری که ورزیدند، آب جوش و عذاب پردردی در پیش دارند. (۷۰) بگو: آیا غیر از خدا چیزی را که نفع و ضرری برای ما ندارد به کمک بخوانیم و بعد از این‌که خدا ما را هدایت کرد به حال اول برگردیم؟ مثل کسی‌که شیطان‌ها با وسوسه خود او را گمراه و در زمین سرگردان کرده‌اند در صورتی که دوستانی دارد که او را به راه صحیح دعوت می‌کنند که پیش ما بیا. بگو: هدایت خدا، هدایت واقعی است و به ما دستور داده شده که تسلیم صاحب‌اختیار همه مردم جهان باشیم. (۷۱) و این‌که نماز را به پا دارید و از نافرمانی خدا بترسید. خدا کسی است که پیش او جمع‌آوری می‌شوید. (۷۲) اوست که آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده و روزی که بگوید این‌طور باش، همان‌طور خواهد شد. سخن او حق است و روزی که در صور دمیده شود فرمانروایی مال او است. دانای غیب و آشکار است و او حکیم و آگاه است. (۷۳)

وقتی را یادآوری کن که ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بت‌ها را معبود خود می‌گیری؟ من، تو و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم. (۷۴) ما به ابراهیم این‌طور ملکوت آسمان‌ها و زمین را نشان دادیم تا از افرادی باشد که یقین دارند. (۷۵) وقتی تاریکی شب او را فراگرفت ستاره‌ای دید، گفت: این خداوند من است. چون غروب کرد گفت: من چیزی را که غروب می‌کند دوست ندارم (۷۶) و چون ماه را دید که طلوع می‌کند گفت: این خداوند من است و چون غروب کرد گفت: اگر خداوند مرا هدایت نکند از گمراهان خواهم بود. (۷۷) چون خورشید را دید که طلوع می‌کند گفت: این خداوند من است، این بزرگتر است. چون غروب کرد گفت: ای قوم من، من از آنچه شریک خدا می‌سازید بیزارم. (۷۸) من مخلصانه تنها به کسی رو آورده‌ام که آسمان‌ها و زمین را آفرید و من مشرک نیستم. (۷۹) و قومی با او بحث کردند. ابراهیم گفت: آیا در مورد خدا با من بحث و بگومگو می‌کنید؟ در صورتی که خدا مرا هدایت کرده و من از چیزهایی که شریک خدا می‌سازید نمی‌ترسم، مگر این‌که خداوند من چیزی بخواهد. علم خداوند من همه چیز را دربرگرفته، آیا توجه پیدا نمی‌کنید؟ (۸۰) چطور من از چیزهایی که شریک خدا ساخته‌اید بترسم؟ در صورتی که شما از این‌که چیزهایی را شریک خدا ساخته‌اید، که هیچ دلیلی برای شریک بودن آن‌ها بر شما نازل نشده، نمی‌ترسید. اگر حقیقت را می‌دانید کدامیک از ما دو دسته باید خیالش راحت باشد؟ (۸۱)

کسانی‌که ایمان آوردند و ایمانشان را به شرک آلوده نکردند، خاطرشان جمع است و راه صحیح را شناخته‌اند. (۸۲) این دلیل ما بود که به ابراهیم در مقابل قومش دادیم. درجات هر کس را که بخواهیم بالا می‌بریم. چون خداوند تو حکیم و دانا است. (۸۳) و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم دادیم و همگی را هدایت کردیم و نوح را قبلاً هدایت کردیم. از نسل او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون هستند. ما به نیکوکاران این‌طور پاداش می‌دهیم. (۸۴) و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همگی از افراد درستکار بودند. (۸۵) و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط درستکار بودند و همگی را بر جهانیان برتری دادیم. (۸۶) و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان افرادی را برگزیدیم و به راه راست هدایت کردیم. (۸۷) این هدایت خداست، هر یک از بندگان را که بخواهد به وسیله آن هدایت می‌کند و اگر آن‌ها برای خدا شریکی می‌ساختند، کارهایی که می‌کردند از بین می‌رفت. (۸۸) آن‌ها افرادی هستند که به آن‌ها کتاب و حکم و نبوت دادیم. اگر این‌ها منکر آن شوند عده‌ای را وکیل آن می‌سازیم که منکر آن نیستند. (۸۹) این‌ها افرادی هستند که خدا آن‌ها راه هدایت کرده، بنابراین هدایت آن‌ها را دنبال کن. بگو: من برای هدایت شما از شما مزدی نمی‌خواهم. قرآن فقط تذکری برای افراد جهان است. (۹۰)

آن‌ها قدر خدا را آن‌طور که سزاوار اوست نشناختند وقتی که گفتند: خدا چیزی بر کسی نازل نکرده. بگو: چه کسی کتابی را که موسی آورد و نور و راهنمای بشر بود نازل کرد؟ کتابی که شما آن را به صورت کاغذهایی می‌سازید که مقداری از آن را آشکار می‌کنید و مقدار زیادی را پنهان می‌کنید و چیزهایی به شما یاد داده شده که شما و پدرانتان نمی‌دانستید. بگو: خدا آن را نازل کرده. بعد آن‌ها را بگذار تا با افکار باطل خود سرگرم باشند. (۹۱) این قرآن کتاب مبارکی است که ما آن را نازل کردیم که کتاب‌های قبلی را تصدیق می‌کند. برای این‌که اهالی مکه و اطرافش را از عواقب کارهای بد بترسانی. افرادی که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می‌آورند و مواظب نمازشان هستند. (۹۲) کیست ظالم‌تر از کسی‌که دروغی را به

خدا نسبت دهد؟ یا بگوید: به من وحی شده، در صورتی که چیزی به او وحی نشده باشد؟ و بگوید: من هم مثل آنچه خدا نازل کرده نازل می‌کنم. کاش ستمکاران را در موقع جان‌کندن ببینی که فرشتگان دست‌هایشان را برای گرفتن جان آن‌ها گشوده‌اند (و می‌گویند): جانتان را بیرون کنید، امروز به سبب این‌که به ناحق از قول خدا حرف می‌زدید و از پذیرفتن آیات خدا خودداری می‌کردید، عذاب خوارکننده‌ای جزای شماست. (۹۳) یکی‌یکی پیش ما می‌آید همان‌طور که بار اول شما را یکی‌یکی آفریدیم و نعمت‌هایی که به شما دادیم پشت سر خود جا گذاشتید و شفیعانی را که می‌پنداشتید درباره شما با ما شریکند با شما نمی‌بینیم. رابطه بین شما پاره شده و شفیعانی که می‌پنداشتید گم شده‌اند. (۹۴)

خدا دانه و هسته را می‌شکافد، زنده را از بی‌جان خارج می‌کند و بی‌جان را از جاندار، چنین وجودی خدای شما است. چگونه منحرف می‌شوید؟ (۹۵) خدا شکافنده صبح است و شب را برای آرامش شما قرار داده و خورشید و ماه را وسیله حساب کردن شما قرار داده. این محاسبه دقیق خداوند توانا و دانا است. (۹۶) اوست که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آن در تاریکی خشکی و دریا راه را پیدا کنید. ما آیات را برای افراد دانا توضیح داده‌ایم. (۹۷) اوست که شما را از یک تن بوجود آورد و بعد قرارگاه و امانت‌گاهی قرار داد. ما آیات را برای افرادی که می‌فهمند توضیح داده‌ایم. (۹۸) اوست که باران را از آسمان نازل کرد و به وسیله آن هر نوع گیاهی رویانیدیم و از آن جوانه‌های سبز پدید آوردیم و از آن دانه‌های مترکبم بوجود آوردیم و از شکوفه خرما خوشه‌های نزدیک به هم و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار شبیه به هم و بدون شباهت بوجود آوردیم. به میوه آن وقتی میوه داد و رسید، نگاه کنید. در این امور نشانه‌هایی برای افراد باایمان وجود دارد. (۹۹) برای خدا شریکانی از جن درست کردند در صورتی که آن‌ها را هم خدا آفریده و به سبب نادانی برای خدا پسران و دختران تراشیدند. خدا پاک و بالاتر از این چیزهایی است که می‌گویند. (۱۰۰) خدا پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است. از کجا فرزندی دارد در صورتی که همسری نداشته؟ خدا هر چیزی را آفریده و هر چیزی را خوب می‌داند. (۱۰۱)

این خداست که صاحب‌اختیار شماست. معبودی غیر از او وجود ندارد. آفریننده هر چیزی است، بنابراین (فقط) بندگی او را بکنید (بنده و مطیع محض و بدون چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز او نباشید). او وکیل هر چیزی است. (۱۰۲) چشم‌ها او را نمی‌بینند در صورتی که او چشم‌ها را می‌بیند. او دقیق و آگاه است. (۱۰۳) راهنمایی‌هایی از جانب خداوندتان برای شما آمد. هر کس بی‌نا شد به نفع خودش است و کسی که کوردل شد (نخواست حقیقت را ببیند) به ضرر خودش است. من نگهبان شما نیستم. (۱۰۴) ما آیات را این‌طور بیان می‌کنیم، بگذار بگویند که تو آن را یاد گرفته‌ای. ما آن را برای دانیان بیان می‌کنیم. (۱۰۵) از آنچه از جانب خداوندت به تو وحی شده پیروی کن. معبودی جز او نیست. و از مشرکین روی بگردان. (۱۰۶) اگر خدا می‌خواست آن‌ها شرک نمی‌آوردند. ما تو را محافظ آن‌ها نساختم ایم و تو وکیل آن‌ها نیستی. (۱۰۷) به آنان که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید چون آن‌ها هم از روی نادانی و دشمنی به خدا دشنام می‌دهند. ما این‌طور برای هر دسته‌ای عملشان را زینت دادیم. بازگشت آن‌ها پیش خداوندشان است و او آن‌ها را از کارهایی که می‌کردند باخبر می‌کند. (۱۰۸) شدیدترین قسم‌ها را به خدا خوردند که اگر معجزه‌ای برای آن‌ها بیاید حتماً به آن ایمان می‌آورند. بگو: معجزات فقط در اختیار خداست. شما چه می‌دانید که اگر معجزه‌ای هم برای آن‌ها بیاید باز ایمان نمی‌آورند؟ (۱۰۹) همان‌طور که از اول ایمان نی‌آوردند این بار هم دل‌ها و بینش آن‌ها را برمی‌گردانیم و آن‌ها را در طغیانشان سرگردان رها می‌کنیم. (۱۱۰)

اگر ما فرشتگان را برای آن‌ها نازل می‌کردیم و مرده‌ها با آن‌ها صحبت می‌کردند و هر چیزی را مقابل آن‌ها جمع می‌کردیم، باز هم ایمان نمی‌آوردند مگر این‌که خدا بخواهد، ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند. (۱۱۱) ما به این ترتیب برای هر پیغمبری دشمنانی از شیاطین انسانی و جنی قرار دادیم که بعضی از آن‌ها برای فریب‌دادن، سخنانی زیبا به بعضی وحی (القا) می‌کنند. اگر خداوندت این را نمی‌خواست آن‌ها این کار را نمی‌کردند. آن‌ها را با دروغ‌هایی که به هم می‌بافند به حال خود واگذار. (۱۱۲) تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند به آن سخنان

متمایل شود و آن را بپسندند و کاری را که می‌خواهند بکنند. (۱۱۳) آیا غیر از خدا داوری بجویم؟ در صورتی که او وجودی است که کتاب را به تفصیل برای شما نازل کرد. کسانی که به آن‌ها کتاب دادیم می‌دانند که آن به حق از طرف خداوند تو نازل شده، پس از کسانی که دچار شک هستند نباش. (۱۱۴) سخن خداوند تو از روی راستی و عدالت به پایان رسید. کسی که آن را تغییر دهد وجود ندارد. او شنوا و دانا است. (۱۱۵) اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند اطاعت کنی تو را از راه خدا منحرف می‌کنند. آن‌ها فقط از گمان پیروی می‌کنند و فقط حدس می‌زنند. (۱۱۶) خداوند تو کسانی را که از راه او منحرف شده‌اند و افرادی را که راه صحیح را شناخته‌اند، خوب می‌شناسد. (۱۱۷) بنابراین اگر به آیات خدا ایمان دارید از آنچه نام خدا بر آن برده شده بخورید. (۱۱۸)

چرا از آنچه اسم خدا بر آن برده شده نمی‌خورید؟! در صورتی که خدا چیزهایی را که بر شما حرام کرده برایتان توضیح داده است، مگر این‌که ناچار به خوردن آن شوید. این‌ها افراد بسیاری را مطابق دلخواه خود بدون داشتن آگاهی گمراه می‌کنند. خداوند تو افراد متجاوز را به خوبی می‌شناسد. (۱۱۹) گناه آشکار و پنهان را ترک کنید. کسانی که مرتکب گناه می‌شوند جزای کاری را که کرده‌اند می‌بینند. (۱۲۰) از آنچه نام خدا بر آن برده نشده نخورید چون این‌کار اطاعت نکردن از فرمان خدا است. شیطان‌ها به دوستان خود وحی (القا) می‌کنند که با شما بگویم (مجادله) کنند. اگر از آن‌ها اطاعت کنید مشرک خواهید بود. (۱۲۱) آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده کردیم و برای او نوری قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، مثل کسی است که در تاریکی قرار دارد و نمی‌تواند از آن خارج شود؟! برای افراد بی‌ایمان کارهایشان این‌طور زینت داده شده است. (۱۲۲) ما این‌طور در هر شهری سران گناه‌کارش را قرار دادیم تا در آن نقشه‌های بد بکشند. آن‌ها این نقشه‌ها را به ضرر خودشان می‌کشند ولی توجه ندارند. (۱۲۳) وقتی آیه‌ای برای آن‌ها بیاید می‌گویند: ما ایمان نمی‌آوریم مگر این‌که آنچه به پیغمبران خدا داده شده به ما هم داده شود. خدا بهتر می‌داند که رسالتش را کجا قرار دهد. از جانب خدا به گناه‌کاران به علت مکاری که می‌کردند ذلت و عذابی شدید خواهد رسید. (۱۲۴)

کسی را که خدا بخواهد هدایت کند سینه‌اش را برای اسلام می‌گشاید و اگر خدا بخواهد کسی را گمراه کند سینه‌اش را تنگ می‌سازد، مثل این‌که دارد در آسمان بالا می‌رود. خدا این‌طور پلیدی را بر افراد بی‌ایمان قرار می‌دهد. (۱۲۵) این راه راست خداوند تو است. ما آیات را برای افرادی که متوجه می‌شوند توضیح داده ایم. (۱۲۶) آن‌ها پیش خداوندشان خانه امنی دارند و خدا به سبب کارهایی که می‌کنند پشتیبان آن‌ها خواهد بود. (۱۲۷) روزی که همه آن‌ها را جمع می‌کنیم، می‌گوییم: ای گروه جن، شما عده زیادی از انسان‌ها را گمراه کردید. دستداران انسان آن‌ها می‌گویند: خداوند، بعضی از ما از بعضی بهره‌مند شدیم و به پایان مدتی که برای ما تعیین کرده بودی رسیدیم. خداوند می‌گوید: آتش جهنم جای شما است و همیشه در آن می‌مانید، مگر این‌که خدا بخواهد که نمانید. چون خداوند تو حکیم و دانا است. (۱۲۸) بعضی از ستمکاران را به خاطر کاری که می‌کنند سرپرست بعضی می‌کنیم. (۱۲۹) ای گروه جن و انس، آیا پیغمبرانی از خودتان برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از چنین روزی بترسانند؟ گفتند: بر ضد خودمان شهادت دادیم. و زندگی دنیا آن‌ها را فریب داد و بر ضد خود شهادت دادند که کافر بودند. (۱۳۰) این‌کار به دلیل این است که خداوندت اهل شهری را در حالی که غافلند از روی ظلم نابود نمی‌کند. (۱۳۱)

هر گروهی به خاطر کاری که کرده‌اند درجاتی دارند و خداوند تو از کارهایی که می‌کنند غافل نیست. (۱۳۲) خداوند تو بی‌نیاز و دارای رحمت است. اگر بخواهد شما را از بین می‌برد و بعد از شما هر که را که بخواهد جانشین شما می‌کند. همان‌طور که شما را از نسل قوم دیگری بوجود آورد. (۱۳۳) وعده‌ای که به شما داده شده حتماً عملی خواهد شد و شما نمی‌توانید جلوی آن را بگیرید. (۱۳۴) بگو: ای قوم من، هر کاری که از دستتان برمی‌آید بکنید، من هم کار خود را می‌کنم. بنابراین خواهید دانست که خانه عاقبت مال چه کسی خواهد بود. افرادی که ظلم می‌کنند رستگار نمی‌شوند. (۱۳۵) مقداری از زراعت و چارپایانی که خدا آفریده برای خدا قرار دادند و مطابق تصور خود گفتند: این مال خدا است و این مال بتهای ما.

اما چیزهایی که مال بت‌هایشان بود به خدا نمی‌رسد و آنچه برای خدا گذاشتند به بت‌هایشان می‌رسد. بد جوری قضاوت می‌کنند. (۱۳۶) بدین‌ترتیب شریکان آن‌ها (شریکانی که برای خدا ساختند) کشتن فرزندان‌شان را برای عده زیادی از مشرکین زینت دادند تا آن‌ها را هلاک کرده و دینشان را بر آن‌ها مشتبه کنند. اگر خدا می‌خواست چنین کاری نمی‌کردند. آن‌ها و دروغ‌هایی را که به هم می‌بافند، به حال خود بگذار. (۱۳۷)

به خیال خود گفتند: (خوردن) این چارپایان و این کشتزارها (برای همه) ممنوع است مگر کسانی که ما بخواهیم از آن بخورند، و چارپایانی که حرام بود سوار آن شوند، و چارپایانی را بدون ذکر نام خدا (می‌کشند) و به خدا افترا می‌زدند. خدا آن‌ها را به‌خاطر افترايي که می‌زدند مجازات می‌کند. (۱۳۸) و گفتند: آنچه در شکم این چارپایان است، اختصاص به مردان و پسرانمان دارد و بر زنانمان حرام است. اگر مرده بود آن‌ها هم در آن شریکند. خدا جزای این حرفشان را خواهد داد، چون او حکیم و دانا است. (۱۳۹) کسانی که بچه‌هایشان را از روی کم‌عقلی و از روی نادانی کشتند و چیزهایی را که خدا روزی آن‌ها ساخته بود با افترا به خدا حرام کردند، ضرر کرده‌اند و گمراه شده‌اند و راه صحیح را نشناخته‌اند. (۱۴۰) خدا وجودی است که باغ‌های داربست‌دار و بدون داربست و خرما و کشتزاری که میوه‌هایش گوناگون است و زیتون و انار را که به هم شبیه هستند یا بدون شباهت هستند بوجود آورده. از میوه‌هایش وقتی رسید بخورید و روز برداشت آن، زکات آن را بدهید و زیاده‌روی نکنید. چون خدا کسانی را که زیاده‌روی می‌کنند دوست ندارد. (۱۴۱) بعضی از چارپایان بار می‌برند و فرش شما می‌شوند. از آنچه خدا روزی شما کرده بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید چون شیطان دشمن آشکار شما است. (۱۴۲)

هشت تا (چهار جفت) از میش دو تا و از بز دو تا. بگو: آیا خدا نرها را حرام کرده یا ماده‌ها را، یا آنچه در رحم ماده‌ها است؟ اگر راست می‌گویید از روی علم به من بگویید. (۱۴۳) و از شتر دو تا و از گاو دو تا، بگو: آیا خدا نرهای آن‌ها را حرام کرده یا ماده‌ها را، یا آنچه در رحم ماده‌ها است؟ آیا وقتی خدا چنین سفارشی به شما کرد، حاضر بودید؟ چه کسی ظالم‌تر از کسی است که بدون علم به خدا افترا بزند برای این‌که مردم را گمراه کند؟ خدا کسانی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۱۴۴) بگو: در آنچه به من وحی شده حرامی بر خورنده آن نمی‌بینیم، مگر این‌که گوشت حیوان مرده یا خون ریخته‌شده یا گوشت خوک باشد، چون آن تولید است. یا نافرمانی خدا باشد که حیوانی را به نامی غیر نام خدا سر بریده باشند. کسی که ناچار شد، بدون علاقه‌مندی و زیاده‌روی، از آن بخورد اشکالی ندارد. چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۴۵) بر یهودیان هر حیوان ناخن‌داری را حرام کردیم و از گاو و گوسفند نیز پیه آن‌ها را حرام کردیم، جز آنچه در پشت آن‌ها است یا لابلای روده‌ها یا قسمت‌هایی که به استخوان چسبیده. این‌کار را برای مجازات ظلم آن‌ها کردیم و ما راست می‌گوییم. (۱۴۶)

اگر حرف تو را قبول نکردند، بگو: خداوند شما صاحب رحمت بی‌انتها است و عذابش از گناه‌کاران دفع نمی‌شود. (۱۴۷) مشرکین خواهند گفت که اگر خدا می‌خواست ما و پدرانمان مشرک نمی‌شدیم و چیزی را حرام نمی‌کردیم. افرادی هم که قبل از آن‌ها بودند همین‌طور منکر رسالت پیغمبران شدند تا این‌که عذاب ما را چشیدند. بگو: آیا علمی پیش شما است؟ اگر هست آن را برای ما ابراز کنید. شما فقط از گمان پیروی می‌کنید و فقط حدس می‌زنید. (۱۴۸) بگو: خدا دلیل کامل دارد، اگر می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد. (۱۴۹) بگو: شاهد‌هایتان را که شهادت می‌دهند که خدا این‌ها را حرام کرده بیاورید. اگر شهادت دادند تو با آن‌ها شهادت نده و از دلخواه افرادی که منکر آیات ما شدند و از دلخواه افرادی که به آخرت ایمان ندارند و برای خدا شریک درست کرده‌اند پیروی نکن. (۱۵۰) بگو: بیایید آنچه خداوندتان حرام کرده بر شما بخوانم: چیزی را شریک خدا نسازید، و به پدر و مادر نیکی کنید و بچه‌هایتان را به‌خاطر فقر نکشید، ما روزی شما و آن‌ها را می‌دهیم، به کارهای زشت، چه آشکار چه پنهان، نزدیک نشوید و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده نکشید، مگر به حق. این چیزی است که خدا شما را به آن سفارش کرده تا آن‌ها را تشخیص بدهید. (۱۵۱)

به مال یتیم، جز با بهترین وجه (برای اداره اموالش) نزدیک نشوید تا به رشد خود برسد. کیل (پیمانہ) و وزن را از روی عدالت کامل بدهید. هیچکس را جز به اندازه توانایش مکلف نمی‌کنیم. وقتی حرفی می‌زنید عدالت را مراعات کنید اگر چه درباره خویشانتان باشد و به عهدی که با خدا بسته‌اید وفا کنید. این چیزی است که خدا شما را به آن سفارش کرده تا متوجه باشید. (۱۵۲) این راه راست من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید چون شما را از راه خدا دور و متفرق می‌کند. این چیزی است که خدا شما را به آن سفارش کرده تا پرهیزکار شوید. (۱۵۳) به موسی تورات را، برای کامل کردن نعمت بر کسی که نیکی کرد، و شرح هر چیز و راهنمایی و رحمت است، دادیم تا شاید به ملاقات خداوندشان ایمان بیاورند. (۱۵۴) این قرآن کتاب مبارکی است که ما نازل کردیم، بنابراین از آن پیروی کنید و از نافرمانی و عذاب خدا بترسید تا مورد رحمت او قرار گیرید. (۱۵۵) تا نگویید که کتاب بر دو طایفه قبل از ما نازل شده و ما از آموختن آن غافل بودیم. (۱۵۶) یا نگویید که اگر کتاب بر ما نازل می‌شد، بیشتر از آن‌ها هدایت می‌شدیم. دلیل روشنی از خداوندتان و هدایت و رحمت برای شما آمده، بنابراین چه کسی ظالم‌تر از کسی است که منکر آیات خدا شود و از آن رو برگرداند؟ افرادی را که از آیات ما روگردان باشند به سبب این‌کارشان با عذاب بدی مجازات می‌کنیم. (۱۵۷)

آیا انتظار می‌کشند که فرشتگان پیش آن‌ها بیایند، یا خداوند بیاید، یا قسمتی از آیات خداوندت برای آن‌ها بیاید؟ روزی که بعضی از آیات خداوندت بیاید، ایمان آوردن کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا با ایمانش کار خیری انجام نداده، فایده‌ای ندارد. بگو: انتظار بکشید ما هم انتظار می‌کشیم. (۱۵۸) کسانی که دینشان را فرقه فرقه کردند و به صورت گروه‌هایی در آمدند تو رابطه‌ای با آن‌ها نداری. کار آن‌ها با خداست. خدا آن‌ها را از کارهایی که می‌کردند آگاه می‌کند. (۱۵۹) کسی که کار خوبی بکند ده برابر پاداش دارد و کسی که کار بدی کند فقط به اندازه آن مجازات می‌شود و به آن‌ها ظلمی نمی‌شود. (۱۶۰) بگو: خداوند من مرا به راه راست هدایت کرده، به دینی ارزشمند، دین خالص ابراهیم، ابراهیم مشرک نبود. (۱۶۱) بگو: نماز من، عبادات من، زندگی من و مرگ من برای خداست که صاحب‌اختیار همه مردم جهان می‌باشد. (۱۶۲) شریکی ندارد و به من دستور این‌کار داده شده و من بیشتر از همه مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) هستم. (۱۶۳) بگو: آیا اربابی (خداوندی) غیر از خدا برای خودم پیدا کنم؟ در صورتی که او مالک هر چیز است. هر کسی هر کاری می‌کند بر عهده خودش است. هیچکس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد. بازگشت شما پیش خداوندتان است. او شما را از اموری که در آن اختلاف نظر داشتید خبردار می‌کند. (۱۶۴) اوست که شما را در زمین خلیفه کرد و بعضی از شما را به درجاتی بر دیگران برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده امتحان کند. مجازات خداوند تو به سرعت انجام می‌گیرد، و او آمرزنده و مهربان است. (۱۶۵)

سوره اعراف (۷)

مکی و شامل دویست و شش آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

المص. (۱) قرآن کتابی است که به تو نازل شده. اشکالی از آن در سینه‌ات نباشد تا با آن به مردم هشدار بدهی و برای افراد با ایمان تذکری باشد. (۲) از آنچه از خداوندتان به شما نازل شده (از قرآن) پیروی کنید و از اولیایی غیر از آن پیروی نکنید. توجهی که پیدا می‌کنید و افرادی که متوجه آن می‌شوند کم هستند. (۳) چه بسیار شهرهایی که ما نابود کردیم. عذاب ما هنگام شب یا در استراحت روزانه بر آن‌ها وارد شد. (۴) وقتی عذاب ما بر آن‌ها وارد شد سخنشان فقط این بود که ما ستمکار بودیم. (۵) ما از افرادی که پیغمبر برای آن‌ها فرستادیم و همین‌طور از پیغمبران سؤال خواهیم کرد (که چه کردند). (۶) و آنچه کرده‌اند را با اطلاع کامل برای آن‌ها بیان می‌کنیم. وقتی آن کارها را می‌کردند ما غایب نبودیم. (۷) سنجش اعمال آن‌ها در آن روز از روی حق خواهد بود. کسانی که وزنه اعمال خوبشان سنگین باشد رستگارند. (۸) و کسانی که وزنه اعمالشان سبک باشد افرادی هستند که به آیات ما ظلم می‌کردند و خودشان ضرر کرده‌اند. (۹) شما را در زمین به قدرت رساندیم و وسایل زندگی شما را فراهم کردیم. ولی کم سپاسگزاری

می‌کنید. (۱۰) ما شما را خلق کردیم و بعد صورتبندی کردیم و بعد به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. همه سجده کردند غیر از ابلیس که سجده نکرد. (۱۱)

خدا به او گفت: وقتی به تو امر کردم که سجده کن چه چیزی تو را از سجده کردن باز داشت؟ شیطان گفت: من از آدم بهترم، مرا از آتش (انرژی) آفریدی و او را از خاک (ماده). (۱۲) خدا گفت: از آن پایین برو، سزاوار تو نیست که در مورد آن تکبر بورزی، بیرون برو که تو پست هستی. (۱۳) شیطان گفت: تا روزی که آدم‌ها دوباره زنده می‌شوند به من مهلت بده. (۱۴) خدا گفت: به تو مهلت داده شد. (۱۵) شیطان گفت: چون مرا به اشتباه انداختی، من سر راه راست تو (به کمین آن‌ها) می‌نشینم. (۱۶) و از جلو و عقب و راست و چپ سراغ آن‌ها می‌روم و بیشتر آن‌ها را سپاسگزار نخواهی یافت. (۱۷) خدا گفت: از اینجا با خواری، و رانده شده بیرون برو. جهنم را از تو و همه افرادی که از تو پیروی کنند پر می‌کنم. (۱۸) ای آدم، تو و زنت ساکن بهشت شوید و از هر جای آن خواستید بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید، چون ظالم خواهید شد. (۱۹) شیطان آن‌ها را وسوسه کرد تا آلت‌های جنسی آن‌ها را که از آن‌ها پوشیده بود برایشان آشکار کند، و به آن‌ها گفت که خدا شما را فقط به خاطر این از نزدیک شدن به این درخت منع کرده که اگر از آن بخورید دو فرشته می‌شوید یا عمر جاوید پیدا می‌کنید. (۲۰) و برای آن‌ها قسم خورد که من خیرخواه شما هستم. (۲۱) در نتیجه آن‌ها را فریب داد. چون آدم و زنت از آن درخت چشیدند آلت‌های جنسی آن‌ها برایشان آشکار شد، و شروع کردن آن را با برگ درختان بهشت پوشانند. خداوند به آن‌ها گفت: آیا شما را از نزدیک شدن به این درخت منع نکردم و نگفتم که شیطان دشمن آشکار شما است؟ (۲۲)

آن‌ها گفتند: خداوندا، به خودمان ظلم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود. (۲۳) خدا به آن‌ها گفت: پایین بروید. بعضی از شما دشمن بعضی خواهید بود. در زمین محل و وسیله زندگی تا پایان عمرتان (تا قیامت) وجود دارد. (۲۴) خدا گفت: در آن زنده می‌شوید و در آن می‌میرید و دوباره (برای رسیدگی به حسابتان) از آن بیرون آورده می‌شوید. (۲۵) ای اولاد آدم، برای شما لباسی که آلت‌های جنسی شما را بپوشاند و زینت شما باشد نازل کردیم. البته لباس تقوا بهتر است. این از آیات خدا است شاید آن‌ها متوجه شوند. (۲۶) ای فرزندان آدم، شیطان شما را فریب ندهد همان‌طور که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد. لباس آن‌ها را از تنشان درآورد تا آن‌ها را متوجه آلات جنسی خودشان بکند. او و قبیله اش شما را از جایی می‌بینند که شما آن‌ها را نمی‌بینید. ما شیطان‌ها را اولیای افراد بی‌ایمان ساختیم. (۲۷) وقتی کار زشتی می‌کنند می‌گویند: پدرانمان را بر این‌کار یافتیم و خدا دستور آن را به ما داده است. بگو: خدا هیچوقت به کار زشت دستور نمی‌دهد. آیا ندانسته از قول خدا حرف می‌زنید؟ (۲۸) بگو: خداوند من به عدالت امر کرده است و این‌که موقع نماز و در هر مسجدی رو به او آورید و در حالی‌که دین را برای او خالص کرده‌اید او را بخوانید. همان‌طور که شما را آفرید پیش او برمی‌گردید. (۲۹) خدا گروهی را هدایت کرد و گمراهی بر عده‌ای سزاوار شده. چون آن‌ها شیطان‌ها را به جای خدا اولیای خود گرفتند و خیال می‌کنند راه صحیح را شناخته‌اند. (۳۰)

ای فرزندان آدم، موقع نماز و در مسجد لباس خوب بپوشید و بخورید و بنوشید ولی زیاده‌روی نکنید. چون خدا کسانی را که زیاده‌روی می‌کنند دوست ندارد. (۳۱) بگو: چه کسی زینتی که خدا برای بندگانش بوجود آورده و خوردنی‌های پاک را حرام کرده است؟ بگو: این‌ها در زندگی دنیا مال افراد باایمان است و روز قیامت هم فقط به آن‌ها اختصاص دارد. ما آیات را این‌طور برای دانیان توضیح می‌دهیم. (۳۲) بگو: خداوند من فقط کارهای زشت را چه آشکار باشد چه پنهان، و گناه و تجاوز به ناحق و شرک به خدا را که دلیلی برای آن نازل نکرده، و از قول خدا ندانسته حرف زدن را حرام کرده است. (۳۳) برای ایمان آوردن هر دسته‌ای مهلتی وجود دارد، وقتی مهلتشان تمام شد نمی‌توانند ساعتی عذاب را عقب یا جلو بیاندازند. (۳۴) ای فرزندان آدم، وقتی پیغمبرانی از خودتان که آیات مرا به شما می‌گویند پیش شما آمدند بدانید کسانی‌که پرهیزکار شدند و کار خود را اصلاح کردند ترس و غصه‌ای ندارند. (۳۵) و کسانی‌که آیات ما را انکار کردند و تکبر ورزیدند اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۳۶) چه کسی ظالم‌تر از انسانی است که دروغی را به خدا افترا بزند (از قول خدا بگوید) یا منکر آیات خدا شود؟ سهم آن‌ها از

آنچه برای ایشان مقرر شده به آنها می‌رسد. وقتی که فرستادگان ما برای گرفتن جانشان پیش آنها بیایند به آنها می‌گویند: کسانی را که غیر از خدا می‌خواندید کجا هستند؟ می‌گویند: آنها را گم کرده ایم، علیه خود شهادت می‌دهند که کافر بودند. (۳۷)

خداوند گفت: شما هم با گروه‌های جن و انسی که قبل از شما از دنیا رفتند وارد آتش جهنم شوید. هر گاه گروهی وارد جهنم شوند گروه دیگر را لعنت می‌کنند تا وقتی که همگی وارد جهنم شوند و به هم برسند. بعدی‌ها درباره قبلی‌ها می‌گویند: خداوندا، این‌ها ما را گمراه کردند، عذاب آنها را از آتش جهنم چند برابر بده. خداوند می‌گوید: عذاب همه دوبرابر است ولی شما نمی‌دانید. (۳۸) قبلی‌ها به بعدی‌ها می‌گویند: شما فضلی بر ما ندارید، بنابراین عذاب را به‌خاطر کارهایی که کرده‌اید بچشید. (۳۹) درهای آسمان برای کسانی که منکر آیات ما شدند و خود را بالاتر از آن دیدند که آن را بپذیرند باز نمی‌شود و وارد بهشت نمی‌شوند تا موقعی که شتر از سوراخ سوزن رد شود. ما گناه‌کاران را این‌طور مجازات می‌کنیم. (۴۰) جای آنها در جهنم است و پرده‌هایی از آتش بالای سر آنها است. ما ستمکاران را این‌طور مجازات می‌کنیم. (۴۱) و کسانی که ایمان آوردند و کار درست کردند اهل بهشت خواهند بود. و همیشه در آن هستند. البته ما هیچ‌کس را بیشتر از توانایش مکلف نمی‌کنیم. (۴۲) ما هر کینه‌ای را که در دل دارند از آن خارج می‌کنیم، زیر پای آنها نهرها روان است و می‌گویند: ستایش اختصاص به خدا دارد که ما را به چنین جایی راهنمایی کرد، اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد خودمان هدایت نمی‌شدیم. پیغمبران خداوندمان حقیقت را برای ما آوردند، به آنها گفته می‌شود: این بهشتی است که به‌خاطر کارهایی که می‌کردید به شما داده شده است. (۴۳)

اهل بهشت به اهل جهنم می‌گویند: ما وعده‌ای که خداوندمان به ما داده بود درست یافتیم، آیا شما هم وعده‌ای که خداوندتان به شما داده بود درست یافتید؟ می‌گویند: بله. آن وقت اعلام‌کننده‌ای میان آنها اعلام می‌کند که لعنت خدا بر ستمکاران. (۴۴) ستمکارانی که مردم را از راه خدا باز می‌دارند و انحراف آن را می‌خواهند و منکر آخرت هستند. (۴۵) بین این دو دسته مانعی هست و در اعراف مردانی هستند که هر کدام آنها را با علامتشان می‌شناسند و بهشتیان را صدا می‌زنند و می‌گویند: سلام بر شما. این‌ها هنوز وارد آن نشده‌اند ولی امید آن را دارند. (۴۶) و وقتی چشمشان متوجه اهل جهنم می‌شود، می‌گویند: خداوندا، ما را در شمار افراد ظالم قرار مده. (۴۷) اهل اعراف، مردانی را که از روی علامتشان می‌شناسند صدا می‌زنند و می‌گویند: جمعیت شما و تکبری که داشتید نفعی برای شما نداشت. (۴۸) آیا این‌ها همان افرادی هستند که قسم می‌خوردید که خدا رحمتی به آنها نمی‌کند؟ به آنها گفته می‌شود: وارد بهشت شوید، ترسی و غصه‌ای ندارید. (۴۹) اهل جهنم اهل بهشت را صدا می‌زنند و می‌گویند: مقداری آب یا مقداری از آنچه خدا روزی شما کرده به ما بدهید. اهل بهشت می‌گویند: خدا این‌ها را برای افراد بی‌ایمان حرام کرده است. (۵۰) ما امروز افراد بی‌ایمانی را که دینشان را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا آنها را فریب داد فراموش می‌کنیم همان‌طور که دیدار امروزشان را فراموش کردند و منکر آیات ما می‌شدند. (۵۱)

ما کتابی برای ایشان آوردیم و با آگاهی آن را توضیح دادیم. کتابی که برای افراد باایمان هدایت و رحمت است. (۵۲) آیا انتظار تاویل آن را دارند؟ روزی که تاویل آن بیاید افرادی که قبلاً آن را فراموش کردند، می‌گویند پیغمبران خدای ما حقیقت را برای ما آوردند. آیا شفیع‌هایی وجود دارند که شفاعت ما را بکنند؟ یا ما را برگردانند تا عملی غیر از آنچه می‌کردیم بکنیم؟ آنها خودشان ضرر کردند و شفیعانی را که به دروغ می‌تراشیدند پیدا نمی‌کنند. (۵۳) ارباب (صاحب اختیار) شما خدا است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش مرحله) آفرید، آنگاه به عرش پرداخت. روز را با شب می‌پوشاند که با میل دنبال آن می‌گردد، خورشید و ماه و ستارگان به امر او مسخر شده‌اند. بدانید که آفرینش و فرمان در اختیار او است. خدا، صاحب‌اختیار همه مردم جهان، پاک و پربرکت است. (۵۴) خداوندتان را با تضرع (تواضع و فروتنی) و پنهانی بخوانید. چون او افراد متجاوز را دوست ندارد. (۵۵) در زمین پس از اصلاح آن، فساد نکنید و او را با ترس و امید بخوانید. چون رحمت خدا به افراد نیکوکار نزدیک است. (۵۶) اوست که قبل از رحمتش بادها را برای بشارت می‌فرستد تا این‌که ابرهای سنگین را جابجا کند. ما

آن ابرها را به طرف سرزمین مرده می‌بریم و از آن باران را نازل می‌کنیم و به‌وسیله آن هر نوع محصولی پدید می‌آوریم. ما مرده‌ها را این‌طور زنده می‌کنیم. برای این‌که شما متوجه شوید. (۵۷)

زمین پاک گیاهش را به دستور خداوندش می‌رویاند و زمین ناپاک جز گیاهانی کم و بی‌فایده نمی‌رویاند. ما آیات را برای افرادی که سپاسگزاری می‌کنند، این‌طور روشن می‌کنیم. (۵۸) ما نوح را پیش قومش فرستادیم. او گفت: خدا را بندگی کنید، معبودی (کسی‌که بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای او باشید) غیر از او برای شما وجود ندارد، من از عذاب روز بزرگ بر شما می‌ترسم. (۵۹) سران قومش گفتند: ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم. (۶۰) نوح گفت، ای قوم من، من گمراه نیستم ولی من فرستاده صاحب‌اختیار همه مردم جهان هستم. (۶۱) پیام خداوند را به شما می‌گویم و خیر شما را می‌خواهم و از طرف خدا چیزهایی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۶۲) آیا از این‌که مردی از خودتان تذکری از جانب خداوندتان برای شما بیاورد تا به شما هشدار بدهد که پرهیزکار باشید تا مورد رحمت قرار بگیرید تعجب می‌کنید؟ (۶۳) ولی حرف او را قبول نکردند و ما او و کسانی را که با او ایمان آورده بودند با کشتی نجات دادیم و کسانی را که منکر آیات ما شدند غرق کردیم. آن‌ها افراد کوردلی بودند. (۶۴) به سوی قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم. او گفت: ای قوم من، خدا را بندگی کنید، معبودی (کسی‌که بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای او باشید) غیر از او برای شما وجود ندارد، آیا از نافرمانی و عذاب خدا نمی‌ترسید؟ (۶۵) سران بی‌ایمان قومش گفتند: تو را آدم کم‌عقلی می‌بینیم و گمان می‌کنیم که دروغ‌گویی. (۶۶) هود گفت: من کم‌عقل نیستم ولی فرستاده صاحب‌اختیار همه مردم جهان هستم. (۶۷)

پیام خداوند را به شما می‌رسانم و من خیرخواه امین شما هستم. (۶۸) آیا از این تعجب می‌کنید که برای شما تذکری از جانب خداوندتان بر مردی از خودتان آمده تا به شما هشدار بدهد؟ وقتی را به یاد آورید که شما را بعد از قوم نوح جانشین کرد و شما را از لحاظ بدنی بزرگتر از آنان ساخت. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید شاید رستگار شوید. (۶۹) گفتند: آیا آمده‌ای که ما فقط خدا را بندگی کنیم و آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند ترک کنیم؟! اگر راست می‌گویی عذابی را که ما را از آن می‌ترسانی برای ما بیاور. (۷۰) هود گفت: عذاب و غضب خداوندتان بر شما واقع شده. آیا با من درباره اسم‌هایی که خودتان و پدرانتان گذاشته‌اید بگومگو می‌کنید؟ خدا هیچ دلیلی برای وجود آن‌ها نازل نکرده، بنابراین انتظار بکشید، من هم با شما انتظار می‌کشم. (۷۱) بنابراین ما با رحمت خود، او و افرادی که با او بودند را نجات دادیم و دنباله کسانی را که منکر آیات ما می‌شدند و ایمان نداشتند قطع کردیم. (۷۲) و به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم. صالح به آن‌ها گفت: ای قوم من، خدا را بندگی کنید، معبودی (کسی‌که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و بدون چون و چرا از دستورهای او پیروی کنید) غیر از خدا برای شما وجود ندارد. دلیل روشنی از جانب خداوندتان برای شما آمده، این شتر مال خداست. نشانه‌ای برای شماست، بگذارید در زمین خدا بچرد و آسیبی به او نرسانید، چون عذاب دردناکی شما را فرا می‌گیرد. (۷۳)

زمانی را به یاد آورید که خدا شما را بعد از قوم عاد در زمین جانشین ساخت و شما را در آن قرار داد که در دشتهای آن قصر می‌سازید و از کوه‌ها خانه می‌تراشید. بنابراین نعمت‌های خدا را به یاد داشته باشید و در زمین به فساد دامن نزنید. (۷۴) سران قومش که تکبر داشتند به افراد ضعیفشان که به حرف‌های صالح ایمان آورده بودند گفتند: آیا شما می‌دانید که صالح از جانب خداوندش فرستاده شده؟! آن‌ها گفتند: ما به رسالتی که برای آن فرستاده شده ایمان داریم. (۷۵) متکبران گفتند: ما آن چیزی را که شما به آن ایمان دارید، قبول نداریم. (۷۶) بنابراین شتر را کشتند و از امر خداوندشان سرپیچی کردند و گفتند که ای صالح، اگر پیغمبری، عذابی را که به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور. (۷۷) در نتیجه دچار زلزله شدند و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۷۸) صالح از آن‌ها رو گرداند و گفت: ای قوم من، پیام خداوند را به شما ابلاغ کردم و شما را نصیحت کردم ولی شما افرادی را که نصیحت می‌کنند دوست ندارید. (۷۹) و زمانی را یادآوری کن که لوط به قومش گفت: آیا کار زشتی می‌کنید که احدی از افراد بشر

قبل از شما چنین کاری نکرده است؟! (۸۰) شما به جای زنان با مردان شهوترانی می‌کنید. شما افراد متجاوزی هستید. (۸۱)

جواب قومش فقط این بود که آن‌ها را از شهرتان بیرون کنید، این‌ها آدم‌هایی هستند که تظاهر به پاکی می‌کنند. (۸۲) بنابراین ما او و خانواده اش را، غیر از زنش، نجات دادیم. زنش از افرادی بود که گرفتار عذاب شدند. (۸۳) و بر آن‌ها بارانی (از سنگ) بارانیدیم. نگاه کن عاقبت گناه‌کاران چه بود. (۸۴) به شهر مدین برادرشان شعیب را فرستادیم. شعیب گفت: ای قوم من خدا را بندگی کنید، معبودی غیر از او برای شما وجود ندارد. دلیل روشنی از جانب خداوندتان برای شما آمده، بنابراین پیمان‌ه و وزن را کامل بدهید و اموال مردم را کم ندهید و در زمین پس از اصلاح آن خرابکاری نکنید، اگر افراد باایمانی هستید بدانید که این‌کار برای شما بهتر است. (۸۵) سر هر راهی ننشینید تا مردم را بترسانید، تا شخصی را که ایمان آورده از راه خدا باز دارید و در صدد انحراف آن‌ها باشید. وقتی را به‌خاطر آورید که شما کم بودید و خدا شما را زیاد کرد. نگاه کنید که عاقبت کار خرابکاران چه بود. (۸۶) اگر عده‌ای از شما به پیامی که برای شما آورده‌ام ایمان آوردند و عده‌ای ایمان نیاوردند، شما صبر و استقامت داشته باشید تا خدا بین ما حکم کند. او بهترین حکم‌کننده است. (۸۷)

سران متکبر قومش گفتند: ای شعیب، تو را و تمام کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند از شهرمان بیرون می‌کنیم یا به دین ما برمی‌گردید. شعیب گفت: حتی اگر از این کار بدمان بیاید؟ (۸۸) بعد از این‌که خدا ما را از شرک نجات داد اگر به دین شما برگردیم دروغی را به خدا افترا زده‌ایم. سزاوار ما نیست که به آیین شرک برگردیم مگر این‌که صاحب‌اختیار ما، خدا، بخواهد. دامنه علم خداوند ما شامل همه چیز می‌شود. بر خدا توکل کرده‌ایم. خداوند، بین ما و قوم ما به حق داوری کن، تو بهترین داور هستی. (۸۹) سران کافر قومش گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید زیانکارید. (۹۰) زلزله آن‌ها را فرا گرفت و در خانه خودشان از پا درآمدند. (۹۱) افرادی که منکر شعیب شده بودند، مثل این‌که اصلاً در آن شهر نبوده‌اند. منکرین شعیب زیان کردند. (۹۲) شعیب از آن‌ها رو گرداند و گفت: ای قوم من، من پیغام خداوندم را به شما رساندم و شما را نصیحت کردم، پس چگونه و چرا بر نابودی افرادی که کافرند افسوس بخورم؟ (۹۳) هیچ پیغمبری را به شهری نفرستادیم مگر این‌که اهل آن شهر را دچار فقر و قحطی کردیم، شاید متواضع شوند. (۹۴) بعد رفاه را به جای فقر آوردیم تا این‌که زیاد شدند و ما را ندیده گرفتند و گفتند: رنج و راحتی به پدران ما رسید. ما ناگهان بدون این‌که توجه پیدا کنند آن‌ها را دچار عذاب کردیم. (۹۵)

اگر اهالی شهرها ایمان بیاورند و پرهیزکار شوند، برای آن‌ها درهای برکت را از آسمان و زمین باز می‌کنیم، ولی آن‌ها منکر شدند لذا ما آن‌ها را به‌خاطر کارهایی که می‌کردند دچار عذاب کردیم. (۹۶) آیا اهالی شهرها از این‌که عذاب ما شب در حالی‌که خوابند سراغ آن‌ها بیاید در امان هستند؟ (۹۷) یا از این‌که عذاب ما موقع صبح که در حال سرگرمی و بازی هستند سراغ آن‌ها بیاید در امان هستند؟ (۹۸) آیا خیالشان از عذاب خدا جمع است؟ در حالی‌که فقط افراد زیانکار (به علت نادانی) از نیامدن عذاب خدا خاطر جمع هستند. (۹۹) آیا افرادی که زمین را پس از ساکنین قبلی آن به ارث بردند، هدایت نشده و نفهمیده‌اند که اگر بخواهیم آن‌ها را به علت گناهانشان دچار مصیبت می‌کنیم و بر قلبشان مهر می‌زنیم که (حقیقت را) نشنوند. (۱۰۰) این شهرهایی است که اخبار آن را به تو می‌گوییم. پیغمبران‌شان دلایل روشن برای آن‌ها آوردند و آن‌ها کسانی نبودند که به آنچه قبلاً تکذیب می‌کردند ایمان بیاورند. خدا این‌طور بر دل‌های کافرین مهر می‌زند. (۱۰۱) در اکثر آن‌ها وفای به عهدی نیافتیم و بیشتر آن‌ها را نا فرمان یافتیم. (۱۰۲) بعد از آن‌ها موسی را با آیات خودمان پیش فرعون و سران کشورش فرستادیم ولی آن‌ها به آیات ما ظلم کردند (آن را قبول نکردند). نگاه کن عاقبت کار تبه‌کاران چه بود. (۱۰۳) موسی گفت: ای فرعون، من فرستاده صاحب‌اختیار همه مردم جهان هستم. (۱۰۴)

بر من واجب است که درباره خدا چیزی جز حق نگویم. معجزه ای از خداوندتان برای شما آورده ام بنابراین بنی اسرائیل را با من بفرست. (۱۰۵) فرعون گفت: اگر راست می‌گویی معجزه ای را که آورده ای به ما نشان بده. (۱۰۶) لذا موسی عصایش را انداخت، ناگهان اژدهای آشکاری شد. (۱۰۷) و دستش را از یقه اش درآورد که در نظر بینندگان سفید شده بود. (۱۰۸) سران قوم فرعون گفتند: این مرد ساحر ماهری است. (۱۰۹) می‌خواهد شما را از سرزمین خودتان بیرون کند، شما چه می‌فرمایید؟ (۱۱۰) گفتند: کار موسی و برادرش را عقب بیانداز و افرادی را به شهرها بفرست تا ساحران را جمع کنند. (۱۱۱) تا هر ساحر زبردستی را پیش تو بیاورند. (۱۱۲) ساحران پیش فرعون آمدند و گفتند: آیا اگر ما بر موسی غلبه کنیم پاداشی داریم؟ (۱۱۳) فرعون گفت: آری، شما از مقربان ما خواهید بود. (۱۱۴) جادوگران گفتند: ای موسی، تو اول عصایت را می‌اندازی یا ما بیاندازیم؟ (۱۱۵) موسی گفت: شما بیاندازید. چون جادوگران عصاها و طناب‌هایشان را انداختند، چشم مردم را سحر کردند و آن‌ها را ترساندند و سحر بزرگی نمودند. (۱۱۶) ما به موسی وحی کردیم که عصایت را بیانداز. چون انداخت، همه چیزهایی را که درست کرده بودند بلعید. (۱۱۷) حق ثابت شد و کارهایی که می‌کردند باطل شد. (۱۱۸) و جادوگران مغلوب و خوار شدند. (۱۱۹) جادوگران به سجده افتادند. (۱۲۰)

و گفتند: ما به صاحب‌اختیار همه مردم جهان ایمان آوردیم. (۱۲۱) به خدای موسی و هارون. (۱۲۲) فرعون گفت: آیا قبل از این‌که به شما اجازه بدهم به او ایمان آوردید؟! این نقشه ای است که در شهر کشیده‌اید تا اهالی آن را از آن بیرون کنید. نتیجه کار خود را خواهید دانست. (۱۲۳) دست و پایتان را بر خلاف هم می‌برم و بعد همه شما را به دار می‌زنم. (۱۲۴) جادوگران گفتند: ما پیش صاحب‌اختیارمان برمی‌گردیم. (۱۲۵) تو فقط به خاطر این از ما انتقام می‌گیری که چون آیات صاحب‌اختیارمان برای ما آمد به آن ایمان آوردیم. خداوند، به ما صبر بده و ما را مسلمان (تسلیم حکم خودت) از دنیا ببر. (۱۲۶) سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را می‌گذاری که در زمین فساد کنند و تو و معبودهای تو را ترک کنند؟ فرعون گفت: پسرانشان را می‌کشیم و دخترانشان را زنده می‌گذاریم. ما بر آن‌ها مسلط هستیم. (۱۲۷) موسی به قومش گفت: از خدا کمک بخواهید و استقامت داشته باشید. زمین مال خدا است، آن را به هر یک از بندگان که بخواهد می‌دهد. عاقبت کار متعلق به افراد پرهیزکار است. (۱۲۸) قومش گفتند: ما قبلاً اذیت می‌شدیم و بعد از این‌که تو آمدی باز هم اذیت می‌شویم. موسی گفت: امکان دارد صاحب‌اختیار شما دشمن شما را نابود کند و شما را در زمین جان‌ش قدرت آن‌ها کند تا ببیند شما چگونه عمل می‌کنید. (۱۲۹) ما پیروان فرعون را دچار قحطی و کمبود محصول کردیم شاید متوجه شوند. (۱۳۰)

وقتی وضع خوبی برای آن‌ها پیش می‌آمد می‌گفتند: نتیجه کار خودمان است. و اگر بلایی به آن‌ها می‌رسید آن را به نحسی موسی و افرادی که با او بودند نسبت می‌دادند. آگاه باشید که پیش‌آمدهای بد آن‌ها از جانب خدا است ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند. (۱۳۱) گفتند: هر معجزه ای بیاوری که ما را جادو کنی (باز هم) به تو ایمان نخواهیم آورد. (۱۳۲) پس ما بر آن‌ها طوفان و ملخ و شپش و قورباغه و خون را، که هر کدام از آن‌ها معجزه ای بود، فرستادیم، ولی آن‌ها تکبر ورزیدند، چون قوم گناه‌کاری بودند. (۱۳۳) وقتی عذاب بر آن‌ها وارد شد گفتند: ای موسی، خداوندت را بر اساس عهده ای که با او داری بخوان، اگر عذاب را از ما برطرف کردی حتماً به تو ایمان می‌آوریم و بنی اسرائیل را با تو می‌فرستیم. (۱۳۴) چون عذاب را تا وقتی که به پایان مهلتشان برسند از آن‌ها برطرف کردیم، عهد خود را شکستند. (۱۳۵) بنابراین ما از آن‌ها انتقام گرفتیم و آن‌ها را در دریا غرق کردیم، چون منکر آیات ما شدند و از آن غافل بودند. (۱۳۶) و شرق و غرب زمینی را که به آن برکت داده بودیم به قومی که تضعیف می‌شدند واگذار کردیم. وعده خوب خداوند تو به بنی اسرائیل به خاطر استقامتی که به خرج دادند عملی شد و آنچه را فرعون و قومش می‌ساختند و ساختمان‌هایی را که بالا می‌بردند نابود کردیم. (۱۳۷)

و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم و به قومی رسیدند که بت می‌پرستیدند. گفتند: ای موسی، برای ما معبودی (بتی که بپرستیم) درست کن همان‌طور که آن‌ها هم بت‌هایی دارند. موسی گفت شما افراد نادانی هستید. (۱۳۸) بت‌هایی که این‌ها

می‌پرستند از بین رفتنی است و کاری که می‌کنند باطل است. (۱۳۹) آیا غیر از خدا دنبال معبودی برای شما بگردم؟ در صورتی که او شما را (با فرستادن پیغمبران) بر جهانیان برتری داد. (۱۴۰) زمانی را به یاد بیاورید که شما را از آل‌فرعون، که شما را به سختی عذاب می‌کردند، نجات داد. آن‌ها پسران شما را می‌کشتند و دختران شما را زنده می‌گذاشتند. این کار از طرف خداوندتان امتحان بزرگی بود. (۱۴۱) با موسی قرار سی شب را گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر کامل کردیم. قرار خداوندش چهل شب شد. موسی به برادرش هارون گفت: در بین قوم من جانشین من باش و کارها را درست کن و از راه افراد خرابکار پیروی مکن. (۱۴۲) وقتی موسی به محل وعده ما آمد و خداوندش با او صحبت کرد موسی گفت: خداوند، خودت را به من نشان بده تا تو را ببینم. خدا گفت: هرگز مرا نمی‌بینی ولی به کوه نگاه کن، اگر سر جایش باقی ماند مرا خواهی دید. چون خداوندش به کوه تجلی کرد آن را با خاک یکسان کرد و موسی بی‌هوش افتاد. چون به هوش آمد گفت: خداوند، تو بالاتر از این هستی که دیده شوی، توبه کردم، من اولین مؤمن هستم. (۱۴۳)

خدا گفت: ای موسی، من تو را با پیام‌ها و سخنانم برگزیدم. آنچه به تو دادم بگیر و سپاسگزار باش. (۱۴۴) و در الواح تورات برای او هر نوع موعظه‌ای نوشتیم و هر چیزی را توضیح دادیم و گفتیم: آن را با قدرت بگیر و به قومت دستور بده که آن را به بهترین وجه حفظ کنند. جای افرادی را که اطاعت نکنند به شما نشان خواهم داد. (۱۴۵) افرادی را که به ناحق در زمین تکبر می‌ورزند از آیاتمان باز می‌دارم. هر معجزه‌ای ببینند به آن ایمان نمی‌آورند. اگر راه صحیح را ببینند آن را راه خود نمی‌گیرند و اگر راه غلط را ببینند آن را در پیش می‌گیرند. این به‌خاطر آنست که منکر آیات ما شدند و از آن غافل بودند. (۱۴۶) کسانی که منکر آیات ما و دیدار آخرت شدند، اعمالشان از بین رفته است. آیا غیر از این است که جزای اعمال خود را می‌بینند؟ (۱۴۷) قوم موسی پس از رفتن موسی از زیورهایشان هیکل گوساله‌ای درست کردند که صدایی می‌کرد. آیا ندیدند که با آن‌ها حرف نمی‌زند و راهی به آن‌ها نشان نمی‌دهد؟ آن‌ها، آن را معبود خود ساختند و ظلم کردند. (۱۴۸) وقتی پشیمان شدند و دیدند که گمراه شده‌اند گفتند: اگر خداوندمان به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، حتماً از افراد زیانکار خواهیم بود. (۱۴۹)

وقتی موسی خشمگین و متاسف پیش قومش برگشت، گفت: بعد از رفتن من بد جانیشینی برای من بودید. آیا در کار خداوندتان عجله کردید؟ الواح را انداخت و موهای سر برادرش را گرفت و به طرف خود می‌کشید. برادرش گفت: ای پسر مادرم، قوم مرا ضعیف کردند و نزدیک بود مرا بکشند. باعث نشو که دشمنان مرا سرزنش کنند و مرا جزو افراد ظالم قرار مده. (۱۵۰) موسی گفت: خداوند، من و برادرم را بیامرزد و ما را مشمول رحمت خود سازد، تو بهترین رحمت‌کننده‌ای. (۱۵۱) خشم خداوند و خواری در زندگی دنیا افرادی را که گوساله را خداوند خود ساختند، فرامی‌گیرد. ما کسانی را که افترا می‌زنند این‌طور مجازات می‌کنیم. (۱۵۲) و خداوند تو افرادی را که کار بد کردند و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند می‌امرزد، چون خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۵۳) وقتی خشم موسی فرونشست الواح را گرفت و در نوشته‌های آن برای افرادی که از خداوندشان می‌ترسیدند، هدایت و رحمت وجود داشت. (۱۵۴) موسی از بین قومش هفتاد نفر را برای میعاد ما انتخاب کرد. وقتی دچار زمین‌لرزه شدند موسی گفت: خداوند، اگر می‌خواستی قبلاً آن‌ها و مرا هلاک می‌کردی، آیا ما را به علت کارهایی که افراد نادان ما کردند هلاک می‌کنی؟ این فقط امتحان تو است. هر کسی را که بخوای گمراه می‌کنی و هر کس را بخوای هدایت می‌کنی. تو یاور مایی، ما را بیامرزد و به ما رحم کن. تو بهترین آمرزنده‌ای. (۱۵۵)

وضع خوبی برای ما در دنیا و آخرت مقرر فرما. ما به راه تو هدایت شدیم (یا به قولی، به سوی تو بازگشتیم). خداوند گفت: عذاب من به هر کس که بخوای می‌رسد و رحمت من شامل هر چیزی است. آن را برای افرادی که مسلط بر هوس‌های خود هستند و زکات می‌دهند و به آیات ما ایمان می‌آورند مقرر می‌کنم. (۱۵۶) افرادی که از (این) رسول پیروی می‌کنند، پیغمبر درس‌نخوانده‌ای که نامش را در تورات و انجیل می‌یابند، که آن‌ها را به کارهای نیک امر کرده و از کارهای زشت نهی می‌کند و خوردنی‌های پاک را برای آن‌ها حلال می‌کند و ناپاک‌ها را حرام می‌سازد و بار سنگین و قید و بندهایی که بر دوش آن‌ها بود برمی‌دارد. بنابراین افرادی که

به او ایمان آوردند و به او احترام گذاشتند و او را یاری کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند، رستگار هستند. (۱۵۷) بگو: ای مردم، من فرستاده خدا برای همه شما هستم. خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین مال او است. معبودی (کسی که بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای او باشید) غیر از او وجود ندارد. زنده می‌کند و می‌میراند. بنابراین به خدا و رسول نبی بی‌سوادش که به خدا و کلماتش ایمان دارد ایمان بیاورید و از او پیروی کنید تا هدایت شوید. (۱۵۸) عده‌ای از قوم موسی مردم را به حق هدایت می‌کنند و به وسیله آن عدالت را اجرا می‌کنند. (۱۵۹)

بنی‌اسرائیل را به دوازده قبیله و گروه تقسیم کردیم. وقتی از موسی آب خواستند، به موسی وحی کردیم که با عصایت به سنگ بزن. چون زد، دوازده چشمه از آن روان شد و هر گروهی محل آب خوردن خود را می‌شناخت. ابر را سایبان ایشان ساختیم و «من و سلوی» (دو نوع خوردنی) برای آن‌ها فرستادیم و گفتیم: از خوردنی‌های پاکی که نصیب شما کرده‌ایم بخورید. آن‌ها به ما ظلم نکردند، ولی به خودشان ظلم کردند. (۱۶۰) وقتی را یادآوری کن که به آن‌ها گفته شد: در این شهر ساکن شوید و از هر جای آن که خواستید بخورید و بگویید گناهان ما را ببخش و با فروتنی از در وارد شوید تا خطاهای شما را ببامرزیم. ما پاداش نیکوکاران را زیاد می‌کنیم. (۱۶۱) ستمکاران آن‌ها سخنی را که به آن‌ها گفته شده بود عوض کردند، لذا ما به خاطر ظلمی که کردند غذایی آسمانی برای آن‌ها فرستادیم. (۱۶۲) درباره شهری که کنار دریا قرار داشت از آن‌ها سؤال کن، آن وقتی که در روز شنبه تجاوز می‌کردند (به جای تعطیل کار می‌کردند). وقتی که ماهی‌ها روز شنبه روی آب می‌آمدند و روزهای غیر از شنبه پیش آن‌ها نمی‌آمدند. ما آن‌ها را به سبب نافرمانی‌شان این‌طور امتحان کردیم. (۱۶۳)

آن وقتی که عده‌ای از آن‌ها گفتند: چرا افرادی را که خدا آن‌ها را هلاک می‌کند یا آن‌ها را به سختی عذاب می‌کند موعظه می‌کنید؟ گفتند: این موعظه معذرتی برای ما پیش خداوند شما است. ممکن است آن‌ها پرهیزکار شوند. (۱۶۴) چون تذکری را که به آن‌ها داده شده بود فراموش کردند افرادی را که از بدی نهی می‌کردند نجات دادیم و ستمکاران را به علت اطاعت نکردنشان به عذاب سختی دچار کردیم. (۱۶۵) چون از کارهایی که نهی شده بودند سرپیچی کردند، به آن‌ها گفتیم: میمون‌های رانده شده باشید. (۱۶۶) و زمانی که خداوندت اعلام کرد که تا روز قیامت کسانی را علیه آن‌ها برمی‌انگیزد که آن‌ها را به سختی عذاب کنند. چون حسابرسی خداوندت سریع است، و او آمرزنده مهربان است. (۱۶۷) آن‌ها را در زمین به صورت طایفه‌هایی درآوردیم. عده‌ای از آن‌ها درستکارند و عده‌ای برخلاف آن، و آن‌ها را با خوبی‌ها و بدی‌ها امتحان کردیم شاید به اطاعت از دستورهای خداوند برگردند. (۱۶۸) بعد از آن‌ها افرادی جای آن‌ها را گرفتند که وارث کتاب شدند. آن‌ها متاع این دنیا را ترجیح دادند و می‌گویند: گناهان ما آمرزیده خواهد شد. اگر با متاعی مثل آن برخورد کنند آن را می‌گیرند. آیا از آن‌ها در تورات تعهد گرفته نشده که فقط حقیقت را از قول خدا بگویند؟ و آن‌ها آنچه در تورات است خوانده‌اند. خانه آخرت برای افراد پرهیزکار بهتر است، آیا این را نمی‌فهمید؟ (۱۶۹) کسانی که پایبند کتاب الهی هستند و نماز را به پا می‌دارند (درستکارند). ما پاداش درستکاران را ضایع نمی‌کنیم. (۱۷۰)

و وقتی را یادآوری کن که کوه را مثل چتری بالای سرشان قرار دادیم و خیال کردند که روی آن‌ها می‌افتد، و به آن‌ها گفتیم: توراتی را که به شما داده شده با قوت تمام بگیرید و آنچه در آن است یادآوری کنید تا پرهیزکار شوید. (۱۷۱) هنگامی را یادآوری کن که خداوندت از پشت فرزندان آدم، نسل‌های آن‌ها را گرفت و آن‌ها را بر خودشان شاهد ساخت و گفت: آیا من خداوند شما نیستم؟ گفتند: آری، شهادت می‌دهیم. تا روز قیامت نگویید که ما از این مطلب غافل بودیم. (۱۷۲) یا نگویید که قبلاً پدران ما مشرک بودند و ما نسل بعد از آن‌ها بودیم، آیا ما را به علت کارهایی که طرفداران باطل کردند هلاک می‌کنی؟ (۱۷۳) ما آیات را این‌طور توضیح می‌دهیم تا به اطاعت از کتاب الهی برگردند. (۱۷۴) سرگذشت کسی که آیاتمان را به او دادیم برای آن‌ها بخوان که چطور از آن جدا شد و شیطان دنبالش رفت و او را همراه کرد. (۱۷۵) اگر می‌خواستیم قدر او را به وسیله آیاتمان بالا می‌بردیم، ولی او به زمین دل بست و از دلخواه خود پیروی کرد. حکایت او مثل

حکایت سگ است که اگر به او حمله کنی، زبانش را از دهان بیرون می‌آورد و اگر او را ترک کنی، باز همین کار را می‌کند. این حکایت افرادی است که منکر آیات ما شدند. داستان‌ها را به آن‌ها بگو، شاید درباره آن فکر کنند. (۱۷۶) حکایت افرادی که منکر آیات ما شدند و به خودشان ظلم کردند چقدر بد است. (۱۷۷) کسی را که خدا هدایت کند هدایت شده و کسانی را که گمراه کند زیانکارند. (۱۷۸)

تعداد زیادی از جن و انس را برای جهنم آفریده‌ایم. دل دارند ولی با آن نمی‌فهمند، چشم دارند ولی با آن نمی‌بینند، گوش دارند ولی با آن نمی‌شنوند، آن‌ها مثل چهارپایان هستند، بلکه از آن‌ها گمراه‌ترند. آن‌ها غافل هستند. (۱۷۹) خدا اسم‌های نیکویی دارد، او را با آن‌ها بخوانید و کسانی را که اسم‌های خدا را تحریف می‌کنند ترک کنید. آن‌ها مجازات کارهایی را که می‌کردند خواهند دید. (۱۸۰) عده‌ای از افرادی که خلق کرده‌ایم، مردم را به حق هدایت می‌کنند و به وسیله آن عدالت را رعایت می‌کنند. (۱۸۱) کسانی را که منکر آیات ما شدند کم‌کم از جایی که نمی‌دانند گرفتار می‌کنیم. (۱۸۲) و به آن‌ها مهلت می‌دهم، نقشه من دقیق است. (۱۸۳) آیا فکر نکردند که دوستشان (پیغمبر) دیوانه نیست؟ او فقط آشکارا مردم را از عواقب کار بدشان برحذر می‌دارد. (۱۸۴) آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و آنچه خدا آفریده نگاه نکردند؟ شاید پایان مهلتی که به آن‌ها داده شده نزدیک باشد. آن‌ها بعد از قرآن به چه سخنی ایمان می‌آورند؟ (۱۸۵) کسانی را که خدا گمراه کند، راهنمایی برای آن‌ها وجود ندارد و آن‌ها را در طغیانشان سرگردان می‌گذارد. (۱۸۶) از تو می‌پرسند که قیامت چه وقت برقرار می‌شود؟ بگو: علم آن فقط پیش خداوند من است. و خداوند آن را فقط در وقت خود آشکار می‌سازد. قیامت بر آسمان‌ها و زمین سنگین است. ناگهانی سراغ شما می‌آید. از تو (درباره قیامت) سؤال می‌کنند مثل این‌که تو از آن خبر داری. بگو: فقط خدا از آن اطلاع دارد، ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۱۸۷)

بگو: من مالک نفع و ضرری برای خودم نیستم مگر تا آنجا که خدا بخواهد. اگر غیب می‌دانستم نفع بیشتری به دست می‌آوردم و آسیبی به من نمی‌رسید. من فقط بیم‌دهنده و مژده‌دهنده افراد باایمان هستم. (۱۸۸) خدا وجودی است که شما را از یک تن آفرید و همسرش را هم از آن قرار داد تا با آن آرامش بیابد. چون با او آمیزش کرد، بار سبکی گرفت و مدتی با آن گذراند. چون بارش سنگین شد، هر دو آن‌ها خداوند صاحب‌اختیارشان را خواندند که اگر به ما فرزند صالحی بدهی سپاسگزار خواهیم بود. (۱۸۹) چون خداوند فرزند صالحی به آن‌ها داد، در دادن فرزند صالحی که خدا به آن‌ها داد شریکانی درست کردند. خدا خیلی بالاتر از چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۱۹۰) آیا چیزهایی را شریک خدا می‌سازند که چیزی خلق نکرده‌اند و خودشان هم خلق شده‌اند؟ (۱۹۱) آن‌ها توانایی کمک به ایشان را ندارند و خودشان را هم نمی‌توانند یاری کنند. (۱۹۲) اگر آن‌ها را به هدایت دعوت کنید از شما پیروی نمی‌کنند. برای شما مساوی است چه دعوتشان بکنید چه ساکت باشید. (۱۹۳) کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، بندگان مثل شما هستند. اگر راست می‌گویید آن‌ها را بخوانید تا دعای شما را اجابت کنند. (۱۹۴) آیا پایی دارند که با آن راه بروند؟ یا دستی دارند که با آن کاری بکنند؟ یا چشمی دارند که با آن ببینند؟ یا گوشی دارند که با آن بشنوند؟ بگو: شریکانی را که برای خدا قائل هستید دعوت کنید، بعد هر نقشه‌ای که از دستتان برمی‌آید برای نابودی من بکشید و مهلتی به من ندهید. (۱۹۵)

مولا و یاور من خدا است که قرآن را نازل کرده و او یار و یاور افراد درستکار است. (۱۹۶) کسانی را که غیر از خدا به کمک خود می‌خوانید، توانایی یاری شما را ندارند، خودشان را هم نمی‌توانند یاری کنند. (۱۹۷) اگر آن‌ها را به راه صحیح دعوت کنید نمی‌شنوند و آن‌ها را می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند ولی نمی‌بینند. (۱۹۸) آن‌ها را ببخش و به کار نیک امر کن و از افراد نادان روگردان باش. (۱۹۹) اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسید به خدا پناه ببر، چون او شنوا و دانا است. (۲۰۰) وقتی شیطان افراد پرهیزکار را وسوسه کند خدا را یاد می‌کنند، آن وقت بصیرت پیدا می‌کنند. (۲۰۱) دوستانشان آن‌ها را به گمراهی می‌کشاند و در این کار کوتاهی نمی‌کنند. (۲۰۲) وقتی آیه‌ای برای آن‌ها نیاورد می‌گویند: چرا آیه‌ای انتخاب نکردی؟ بگو: من فقط از آنچه از خداوند من وحی می‌شود پیروی می‌کنم. این قرآن برای افراد باایمان وسیله بینش و راهنمایی و رحمتی از طرف خداوند

شما است. (۲۰۳) وقتی قرآن خوانده می‌شود به آن گوش کنید و ساکت باشید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۲۰۴) خداوندت را صبح و شب با فروتنی و ترس، آهسته در دلت یاد کن و از افراد بی‌توجه نباش. (۲۰۵) کسانی که در پیشگاه خداوند تو هستند در بندگی او تکبر نمی‌ورزند و او را به پاکی می‌ستایند و به او سجده می‌کنند. (۲۰۶)

سوره انفال (۸)

مدنی و شامل هفتاد و پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

درباره انفال (غنایم جنگی) از تو سؤال می‌کنند، بگو: انفال متعلق به خدا و رسول می‌باشد. بنابراین از نافرمانی خدا بترسید و کار خود را میان خویش اصلاح کنید و اگر افراد باایمانی هستید از خدا و رسولش اطاعت کنید. (۱) افراد باایمان کسانی هستند که وقتی صحبت از خدا شود، دلشان از ترس پر می‌شود و وقتی آیاتش بر آنها خوانده شود، ایمانشان اضافه می‌شود و بر خداوندشان توکل می‌کنند. (۲) افرادی هستند که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه روزی آنها کرده ایم انفاق می‌کنند. (۳) چنین افرادی مؤمنین واقعی هستند. درجات و آمرزش و روزی ارزشمندی پیش خداوندشان دارند. (۴) همان‌طور که خداوندت تو را به حق از خانه‌ات خارج ساخت، عده‌ای از افراد باایمان از این کار خوششان نمی‌آید. (۵) درباره حق، بعد از این‌که مطلب روشن شد، با تو بگومگو می‌کنند، مثل این‌که در حالی‌که نگاه می‌کنند آنها را به طرف مرگ می‌برند. (۶) آن وقتی (را یادآوری کن) که خدا یکی از دو طایفه را به شما وعده داد که مال شما خواهد بود و شما مایل به طایفه‌ای بودید که بی‌سلاح و قدرت بود. خدا می‌خواست که حق را با سخنان خود ثابت کند و دنباله افراد بی‌ایمان را قطع نماید. (۷) برای این‌که حق را ثابت کند و باطل را از بین ببرد، اگر چه گناه‌کاران خوششان نیاید. (۸)

آن وقتی که از خداوندتان کمک می‌خواستید و خدا دعای شما را اجابت کرد و گفت: من شما را با هزار فرشته پشت سر هم کمک می‌کنم. (۹) خدا آن را فقط برای مؤدبه دادن به شما و برای این‌که دلتان به وسیله آن آرامش پیدا کند قرار داد. پیروزی فقط به دست خدا است چون خدا قدرتمند و حکیم است. (۱۰) آن وقتی که برای امنیت خاطر شما، از طرف خودش چرت را بر شما عارض کرد و از آسمان آبی برای شما نازل کرد که شما را به وسیله آن پاک کند و پلییدی شیطان را از شما دفع و دل‌های شما را قوی و قدم‌ها را ثابت نماید. (۱۱) آن وقتی که خداوندت به فرشتگان وحی کرد که من با شما هستم، افراد باایمان را ثابت قدم کنید. در دل افراد بی‌ایمان ترس می‌اندازم، بنابراین گردن آنها را بزنید و انگشتشان را قطع کنید. (۱۲) این‌کار به دلیل این است که آنها با خدا و رسولش مخالفت کردند، افرادی که با خدا و رسولش مخالفت کنند بدانند که مجازات خدا شدید است. (۱۳) این عذاب را بچشید، عذاب آتش جهنم هم برای افراد بی‌ایمان وجود خواهد داشت. (۱۴) ای افراد باایمان، وقتی (درجنگ) با عده زیادی از افراد بی‌ایمان روبرو شدید به آنها پشت و فرار نکنید. (۱۵) کسی‌که در آن روز به آنها پشت کند دچار غضب خدا شده و جای او جهنم است و جهنم بدجایی است. مگر این‌که برای حمله بعدی یا پیوستن به گروه دیگری به آنها پشت کند. (۱۶)

شما آنها را نکشتید بلکه خدا آنها را کشت و تو تیر نیانداختی بلکه خدا تیر انداخت، برای این‌که خدا افراد باایمان را با امتحانی نیکو امتحان کند، چون خدا شنوا و دانا است. (۱۷) خدا این‌طور نقشه‌های افراد بی‌ایمان را سست و بی‌اثر می‌کند. (۱۸) اگر پیروزی را می‌خواهید برای شما آمد و اگر از دشمنی دست بکشید برای شما بهتر است. اگر برگردید ما هم برمی‌گردیم و زیادی عده شما ذره‌ای به دردتان نخواهد خورد. خدا با افراد باایمان است. (۱۹) ای افراد باایمان، از خدا و رسولش اطاعت کنید و در صورتی که می‌شنوید از او روگردان نشوید. (۲۰) و مثل کسانی نباشید که گفتند: شنیدیم، در حالی‌که نمی‌شنوند و اطاعت نمی‌کنند. (۲۱) بدترین جانداران پیش خدا کر و لالهایی هستند که عقل خود را به کار نمی‌برند. (۲۲) اگر خدا خیری در آنها سراغ داشت آنها را شنوا می‌کرد. اگر به آنها شنوایی می‌داد باز هم پشت می‌کردند و اعراض می‌نمودند. (۲۳) ای افراد باایمان، وقتی خدا و رسول شما را به چیزی دعوت می‌کنند که شما را زنده

می‌نماید، دعوتشان را اجابت کنید و بدانید که خدا بین انسان و قلبش قرار می‌گیرد و بدانید که پیش او جمع می‌شوید. (۲۴) و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید، و بدانید که مجازات خدا شدید است. (۲۵)

وقتی را یادآوری کنید که در زمین کم و ضعیف بودید و می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند (نابود کنند) و خدا به شما پناه داد و با کمک خودش شما را یاری کرد و خوردنی‌های پاک را روزی شما ساخت تا سپاسگزار باشید. (۲۶) ای افراد باایمان، به خدا و رسول خیانت نکنید و در امانت‌های خود هم خیانت نکنید، در حالی‌که می‌دانید (که این کار گناه بزرگی است). (۲۷) و بدانید که مال و فرزند شما وسیله امتحان شما هستند و بدانید که پاداش بزرگ پیش خدا است. (۲۸) ای افراد باایمان، اگر از نافرمانی خدا بترسید، خدا برای شما قدرت تشخیص حق و باطل را بوجود می‌آورد و گناهان شما را از بین می‌برد و شما را می‌آموزد و خدا صاحب فضل بزرگی است. (۲۹) زمانی را یادآوری کن که افراد بی‌ایمان برای تو نقشه می‌کشیدند که تو را حبس کنند یا بکشند یا از شهر بیرون کنند. آن‌ها نقشه می‌کشیدند و خدا نقشه‌ای داشت. خدا بهترین طراح است. (۳۰) وقتی آیات ما برای آن‌ها خوانده شود می‌گویند: شنیدیم، اگر بخواهیم مثل این را می‌گوییم، این‌ها فقط افسانه‌های گذشتگان است. (۳۱) هنگامی که گفتند: خداوند، اگر این پیام حق و از جانب تو است باران سنگی از آسمان بر ما ببارد یا عذاب پردردی بر سر ما بیاورد. (۳۲) خدا تا زمانی که تو بین آن‌ها هستی و تا وقتی که از خدا طلب آموزش می‌کنند آن‌ها را عذاب نمی‌کند. (۳۳)

چرا خدا آن‌ها را مجازات نکند در حالی‌که مردم را از مسجدالحرام باز می‌دارند؟ آن‌ها که متولی مسجدالحرام نیستند. متولیان مسجدالحرام فقط افرادی باتقوی هستند (باید باشند) ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند. (۳۴) نماز آن‌ها در خانه کعبه جز سوت‌زدن و دست‌زدن نیست، بنابراین عذاب را به علت انکاری که می‌کردید بچسبید. (۳۵) افراد بی‌ایمان مالشان را خرج می‌کنند تا مردم را از راه خدا باز دارند. آن‌ها مالشان را خرج می‌کنند ولی حسرت به دلشان می‌ماند و مغلوب می‌شوند. افراد بی‌ایمان در جهنم جمع‌آوری می‌شوند. (۳۶) برای این‌که خدا ناپاک را از پاک جدا کند و ناپاکها را روی هم بگذارد و همه را متراکم کند و در جهنم قرار دهد. افراد بی‌ایمان زیانکارند. (۳۷) به افراد بی‌ایمان بگو: اگر از کارهای خود دست بردارند، سوابق آن‌ها آمرزیده می‌شود. اگر باز کار خود را ادامه دهند، روش پیشینیان که هلاکت است درباره آن‌ها اجرا خواهد شد. (۳۸) با آن‌ها بجنگید تا فتنه‌ای باقی نماند و قانون تماماً اختصاص به خدا داشته باشد. اگر از کار خود دست برداشتند، (بدانید که) خدا کارهایی را که می‌کنند می‌پندد. (۳۹) اگر قبول نکردند، بدانید که خدا مولا (و یاور) شماست. چه یاور و پشتیبان خوبی است. (۴۰)

اگر به خدا و آنچه ما روز جداشتن حق و باطل، در روزی که دو سپاه به هم برخوردند (جنگ بدر)، بر بنده خودمان نازل کردیم ایمان دارید، بدانید که يك پنجم هر چیزی که در جنگ به غنیمت گرفتید اختصاص به خدا و رسول و خویشان و یتیمان و تهیدستان و در راه ماندگان دارد، خدا بر هر کاری قادر است. (۴۱) وقتی را یادآوری کن که شما در طرف نزدیکتر (مدینه) بودید و آن‌ها در طرف دورتر از مدینه و کاروان مکه پایین‌تر از شما بود. اگر قرار می‌گذاشتید در آن اختلاف پیدا می‌کردید. ولی خدا می‌خواست کاری که شدنی بود انجام شود، تا هلاک شدن آن‌ها از روی دلیل و زنده ماندنشان از روی دلیل باشد، چون خدا شنوای دانا است. (۴۲) وقتی را یادآوری کن که خدا عده آن‌ها را در خواب به تو کم نشان داد. اگر تعداد آن‌ها را به تو زیاد نشان داده بود، در کار سست می‌شدید و حتماً در مورد کاری که صورت گرفت دچار اختلاف نظر می‌شدید، ولی خدا شما را از اختلاف برکنار داشت، چون او به افکاری که در سینه‌ها است دانا است. (۴۳) و وقتی که در زمان برخوردتان، آن‌ها را در چشم شما کم نشان داد و شما را هم در چشم آن‌ها کم نشان داد تا خدا کاری را که شدنی بود انجام دهد. بازگشت کارها به سوی خدا است. (۴۴) ای افراد باایمان، وقتی با گروهی (از دشمنان) برخورد داشتید، ثابت قدم باشید و خدا را زیاد یاد کنید تا موفق شوید. (۴۵)

و از خدا و رسولش اطاعت کنید و با هم کشمکش نداشته باشید چون سست می‌شوید و قدرتان از بین می‌رود. استقامت داشته باشید. چون خدا با افراد بااستقامت است. (۴۶) مثل کسانی نباشید که با سرمستی و خودنمایی از سرزمین خود بیرون رفتند تا مردم را از راه خدا بازدارند، در صورتی که خدا به کارهایی که می‌کنند احاطه دارد. (۴۷) و وقتی که شیطان کارهای آنها را برایشان زینت داد و گفت: امروز هیچ دسته‌ای از مردم بر شما غلبه نمی‌کنند و من شما را پناه می‌دهم. ولی وقتی دو سپاه به هم رسیدند عقبگرد کرد و گفت: من از شما بیزارم، من چیزی که شما نمی‌بینید می‌بینم، من از خدا می‌ترسم و مجازات خدا شدید است. (۴۸) وقتی که افراد منافق و کسانی که در دلشان مرضی است گفتند که دینشان اینها را گول زده در صورتی که هر کس بر خدا توکل کند، (بداند که) خدا توانا و حکیم است. (۴۹) کاش وقتی را که فرشتگان جان افراد بی‌ایمان را می‌گیرند ببینی، در حالی که به صورت و پشت آنها می‌زنند به آنها می‌گویند: عذاب سوزان را بچشید. (۵۰) اینکار به علت کارهایی است که می‌کردید، چون خدا به بندگان ستم نمی‌کند. (۵۱) اینها مثل آل‌فرعون و افرادی که قبل از آنها بودند، منکر آیات خدا شدند. خدا هم به علت گناهانشان آنها را دچار عذاب کرد، چون خدا نیرومند و مجازاتش شدید است. (۵۲)

این حالت به علت این است که خدا نعمتی را که به دسته‌ای داده تغییر نمی‌دهد تا موقعی که آنها رفتار خود را تغییر دهند و خدا شنونده دانا است. (۵۳) اینها مثل قوم فرعون و کسانی که قبل از آنها بودند، منکر آیات خداوندشان شدند. در نتیجه ما آنها را به علت گناهانشان هلاک کردیم و قوم فرعون را غرق کردیم. همه آنها ظالم بودند. (۵۴) بدترین موجودات جاندار پیش خدا افراد بی‌ایمانی هستند که ایمان نمی‌آورند. (۵۵) افراد بی‌ایمانی که با آنها معاهده بستنی، ولی آنها هر دفعه پیمانشان را شکستند. آنها پرهیزکار نیستند. (۵۶) اگر در جنگ بر آنها دست یافتی بر آنها سخت بگیر تا کسانی که پشت سر آنها هستند پراکنده شوند، شاید متوجه شوند. (۵۷) اگر از خیانت قومی ترسی داشتی، تو هم معاهده را فسخ کن، چون خدا افراد خائن را دوست ندارد. (۵۸) افراد بی‌ایمان خیال نکنند که بر ما پیشی می‌گیرند. آنها ما را عاجز نمی‌کنند. (۵۹) تا آنجا که می‌توانید برای آنها نیرو و اسبان ورزیده و اسب‌سوار (ارتش قوی) فراهم کنید، تا به وسیله آن دشمنان خدا و دشمنان خودتان و افراد دیگری که شما آنها را نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد، بترسانید. در راه خدا هر چه خرج کنید به طور کامل به شما برگردانده می‌شود و به شما ظلمی نخواهد شد. (۶۰) و اگر برای صلح حاضر شدند با آنها صلح کن و به خدا توکل کن، چون او شنوا و دانا است. (۶۱)

اگر خواستند تو را فریب بدهند بدان که خدا برای تو کافی است. خدا وجودی است که تو را با یاری خود و به وسیله افراد باایمان تقویت کرد. (۶۲) و دل‌های مؤمنان را به هم نزدیک کرد. اگر تمام ثروتی که در زمین است خرج می‌کردی نمی‌توانستی دل‌های آنها را به هم نزدیک کنی ولی خدا بین آنها الفت ایجاد کرد، چون او قدرتمند و حکیم است. (۶۳) ای پیغمبر، خدا و افراد باایمانی که از تو پیروی می‌کنند برای تو کافی هستند. (۶۴) ای پیغمبر، افراد باایمان را به جنگ تشویق کن. اگر از شما بیست نفر بااستقامت باشند بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر از شما صد نفر باشند بر هزار نفر از افراد بی‌ایمان غلبه می‌کنند، چون آنها افرادی هستند که نمی‌فهمند. (۶۵) حالا خدا به شما تخفیف داده و می‌داند که در شما ضعف وجود دارد، لذا اگر از شما صد نفر بااستقامت باشند بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر هزار نفر باشند، به اذن خدا بر دو هزار نفر غلبه می‌کنند، خدا با افراد بااستقامت است. (۶۶) سزاوار پیغمبر نیست که اسیرانی داشته باشد تا در زمین زیاد خونریزی بکند. شما مال دنیا را می‌خواهید در صورتی که خدا آخرت را برای شما می‌خواهد. خدا توانا و حکیم است. (۶۷) اگر آنچه خدا قبلاً مقرر کرده نبود، حتماً در آنچه گرفتید عذاب بزرگی به شما می‌رسید. (۶۸) بنابراین از غنیمت‌هایی که به دست آوردید بخورید که حلال و پاک است و از نافرمانی خدا بترسید. مسلماً خدا آمرزنده مهربان است. (۶۹)

ای پیغمبر، به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: اگر خدا خیری در دل شما بشناسد بهتر از آن چیزی که از شما گرفته شده به شما می‌دهد و شما را می‌آمرزد. خدا آمرزنده مهربان است. (۷۰) اگر بخواهند به تو خیانت کنند قبلاً نیز به خدا

خیانت کرده اند. خدا شما را بر آنها مسلط ساخته. خدا دانا و حکیم است. (۷۱) افرادی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کردند و افرادی که به مهاجرین جا دادند و به آنها کمک کردند، بعضی از آنها دوستدار و مددکار بعضی هستند. کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، شما در مقابل آنها تعهدی ندارید تا موقعی که مهاجرت کنند ولی اگر در کار دین از شما کمک خواستند، وظیفه شماست که به آنها کمک کنید مگر در مقابل گروهی که بین شما و آنها معاهده ای وجود دارد. خدا تمام کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۷۲) بعضی از افراد بی‌ایمان پشتیبان بعضی هستند. اگر این دستورها را اجرا نکنید فتنه و فساد بزرگی در زمین پیدا می‌شود. (۷۳) کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند و کسانی که به آنها جا دادند و به آنها کمک کردند مؤمن حقیقی هستند. آنها آمرزش و روزی نیکویی دارند. (۷۴) و کسانی که بعداً ایمان آوردند و مهاجرت کردند و به اتفاق شما جهاد کردند، آنها از شما هستند. و به حکم کتاب خدا خویشاوندان نسبت به یکدیگر سزاوارترند. مسلماً خدا هر چیزی را به خوبی می‌داند. (۷۵)

سوره توبه (۹)

مدنی و شامل یکصد و بیست و نه آیه

این اعلام بیزاری خدا و پیغمبرش از مشرکینی است که با آنها پیمان بستید. (۱) به آنها بگو: چهارماه در زمین بگردید و بدانید که شما خدا را عاجز نمی‌کنید و خدا افراد بی‌ایمان را خوار می‌سازد. (۲) این اعلامی از طرف خدا و پیغمبرش به مردم در روز حج بزرگ است که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند. لذا اگر توبه کنید به نفع شما است و اگر قبول نکنید بدانید که نمی‌توانید خدا را عاجز کنید و مژده عذابی پردرد را به افراد بی‌ایمان بده. (۳) غیر از مشرکینی که با آنها قرارداد بستید و آنها هم ذره‌ای در اجرای آن فروگذاری نکردند و به هیچ‌کس بر ضد شما کمک نکردند. پیمان آنها را تا پایان مدتش کامل کنید، چون خدا افراد پرهیزکار را دوست دارد. (۴) بنابراین وقتی ماه‌های حرام به پایان رسید، مشرکین را هر جا پیدا کردید بکشید. آنها را بگیرید و محاصره کنید و در هر جا در کمین آنها بنشینید. اگر توبه کردند و نماز را به پا داشتند و زکات دادند راه آنها را باز کنید. مسلماً خدا آمرزنده مهربان است. (۵) اگر کسی از مشرکین از تو پناه خواست به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود و بعد او را به محلی که برایش امن است برسان. این‌کار به علت این است که آنها افرادی بی‌اطلاع هستند. (۶)

چطور مشرکین پیمانی با خدا و پیغمبرش دارند؟ غیر از کسانی که با شما کنار مسجدالحرام معاهده بستند. افرادی که با شما معاهده دارند تا موقعی که بر طبق آن عمل می‌کنند، شما هم مطابق معاهده با آنها رفتار کنید. مسلماً خدا افراد پرهیزکار را دوست دارد. (۷) چطور پیمان آنها ارزش دارد؟ در صورتی که اگر بر شما دست یابند رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی‌کنند. آنها با حرف‌هایشان شما را راضی می‌کنند ولی دل آنها از این‌کار امتناع دارد و بیشتر آنها از فرمان خدا اطاعت نمی‌کنند. (۸) آیات خدا را به قیمت کمی فروختند و مردم را از راه خدا بازداشتند، کاری که آنها می‌کردند بسیار بد است. (۹) درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی‌کنند، آنها افراد متجاوز می‌باشند. (۱۰) اگر توبه کردند و نماز را به پا داشتند و زکات دادند، برادر دینی شما هستند. ما آیات را برای افراد دانا توضیح می‌دهیم. (۱۱) اگر پس از بستن قرارداد عهد خود را شکستند و در دین طعنه زدند، با سران کفر بجنگید تا از این عهدشکنی‌ها دست بردارند، چون آنها به عهدشان عمل نکردند. (۱۲) آیا با افرادی که عهدشان را شکستند و تصمیم به اخراج پیغمبر گرفتند و اولین بار آنها جنگ را با شما شروع کردند نمی‌جنگید؟ آیا از آنها می‌ترسید؟! اگر افراد باایمانی باشید سزاوار است از خدا بترسید. (۱۳)

با آنها بجنگید، خدا آنها را به دست شما عذاب می‌کند و خوار می‌سازد و شما را بر آنها پیروز می‌گرداند و دل افراد باایمان را شفا می‌بخشد. (۱۴) تا خشم دلشان را از بین ببرد. خدا توبه هر کس را که بخواهد می‌پذیرد. خدا دانا و حکیم است. (۱۵) آیا خیال کرده‌اید که شما به حال خود گذاشته می‌شوید؟ در صورتی که هنوز

خدا مجاهدین شما را، که غیر از خدا و پیغمبرش و افراد باایمان دوست همرازی نگرفته‌اند، نشناخته است. خدا از کارهایی که می‌کنید خبر دارد. (۱۶) حق نیست که مشرکین مسجدهای خدا را آباد کنند در حالی‌که شاهد کفر خودشان هستند. اعمال آن‌ها از بین رفته و همیشه در جهنم خواهند بود. (۱۷) مسجدهای خدا را فقط افرادی که به خدا و روز آخرت ایمان دارند و نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و از کسی جز خدا نمی‌ترسند آباد می‌کنند. امید است که این افراد از کسانی باشند که راه صحیح را شناخته‌اند. (۱۸) آیا آب دادن به حاجی‌ها و آبادکردن مسجدالحرام را مثل کار کسی می‌دانید که به خدا و روز آخرت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده؟ این دو دسته پیش خدا مساوی نیستند. خدا افرادی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۱۹) افرادی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند پیش خدا درجه بزرگتری دارند. چنین افرادی رستگار هستند. (۲۰)

خداوندشان به آن‌ها مژده رحمت و رضای خودش و بهشتی که نعمت دایم دارد می‌دهد. (۲۱) همیشه در آن خواهند بود، چون پاداش بزرگ در اختیار خدا است. (۲۲) ای افراد باایمان، پدران و برادرانتان را، اگر کفر را بر ایمان ترجیح دادند پشتیبان خود نگیرید. کسانی‌که با چنین افرادی دوستی کنند ستمگرند. (۲۳) بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و خویشانتان و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید و خانه‌هایی که می‌پسندید، پیش شما محبوبتر از خدا و رسولش و جهاد در راه او است، انتظار بکشید تا خدا فرمانش را صادر کند. خدا افرادی را که (از دستورهای او) نافرمانی می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۲۴) خدا شما را در جاهای بسیار و روز جنگ حنین که زیادی عده شما باعث غرور شما شده بود یاری کرد، ولی این زیادی نفرات برای شما ذره‌ای فایده نداشت و زمین با تمام وسعتش بر شما تنگ شد و بعد فرار کردید. (۲۵) بعد خدا آرامش خود را بر رسولش و افراد باایمان نازل کرد و لشکرهایی نازل کرد که شما آن‌ها را نمی‌دیدید و افراد بی‌ایمان را عذاب کرد. جزای افراد بی‌ایمان همین است. (۲۶)

خدا بعد از آن توبه هر کس را که بخواهد می‌پذیرد. خدا آمرزنده مهربان است. (۲۷) ای افراد باایمان، مشرک‌ها ناپاک هستند، پس بعد از امسال به مسجدالحرام نزدیک نشوند. اگر از فقر می‌ترسید (بدانید که) اگر خدا بخواهد شما را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند، چون خدا دانا و حکیم است. (۲۸) با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز آخرت ایمان ندارند و چیزی را که خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی‌دانند و متدین به دین حق نیستند بجنگید، تا با خواری و حقارت با دست خود جزیه (مالیات سرانه) بدهند. (۲۹) یهودی‌ها گفتند: عزیز (عزرا) پسر خداست. و عیسویان گفتند: مسیح پسر خداست. این حرفی است که زبانی می‌گویند. حرف آن‌ها شبیه حرف افراد بی‌ایمان قبلی است. خدا آن‌ها را بکشد، چگونه از حقیقت دور می‌شوند؟ (۳۰) دانشمندان دینی و زاهدان تارک دنیای خود و همین‌طور پیغمبرشان مسیح ابن مریم را صاحب‌اختیار (ارباب) خود گرفتند. در صورتی که به آن‌ها دستور داده شده بود که فقط معبود واحد (خدا) را بندگی (اطاعت محض و بدون چون و چرا) کنند. معبودی (کسی‌که انسان در مقابلش احساس یا ابراز کوچکی بکند و از دستورهایش بدون چون و چرا اطاعت کند) غیر از خدا وجود ندارد. او بالاتر از این چیزهاییست که شریک او می‌سازند. (خالق میلیاردها کهکشان کجا و بشر محتاج روی زمین کجا؟) (۳۱)

می‌خواهند نور خدا را با حرفهای خود خاموش کنند، در صورتی که خدا چیزی غیر از این نمی‌خواهد که نورش را کامل کند، هر چند که افراد بی‌ایمان خوششان نیاید. (۳۲) خدا وجودی است که رسولش را با راهنمایی و دین حق فرستاد تا او را از تمام دین آگاه سازد هر چند که افراد مشرک خوششان نیاید. (۳۳) ای افراد باایمان، عده زیادی از دانشمندان دینی و زاهدان تارک دنیا (که دیرنشین شده‌اند) مال مردم را به ناحق می‌خورند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند. کسانی را که طلا و نقره را روی هم می‌گذارند و در راه خدا خرج نمی‌کنند، به عذاب پردردی بشارت بده. (۳۴) روزی که آن طلا و نقره را در جهنم می‌گدازند و با آن پیشانی و پهلو و پشت آن‌ها را داغ می‌کنند و به آن‌ها می‌گویند: این چیزی است که برای خود اندوختید، نتیجه طلا و نقره‌ای که گنج ساختید، بچشید. (۳۵) تعداد

ماه‌ها پیش خدا، در کتاب خدا، از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید دوازده ماه است. چهارماه آن‌ها ماه حرام است (در آن نباید جنگ کرد). دین پایدار چنین دینی است. در این چهارماه به خودتان ظلم نکنید. و با مشرکین دسته‌جمعی بجنگید همان‌طور که آن‌ها با شما دسته‌جمعی می‌جنگند. و بدانید که خدا با افراد پرهیزکار است. (۳۶)

عقب انداختن ماه‌ها، اضافه کردن کفر است که به وسیله آن افراد بی‌ایمان گمراه می‌شوند. یک سال آن را حلال می‌کنند و یک سال حرام، تا عده ماه‌های حرام را موافق چهارماه بکنند تا آنچه را که خدا حرام کرده حلال کنند. کارهای بدشان در نظرشان زینت داده شده. خدا افراد بی‌ایمان را هدایت نمی‌کند. (۳۷) ای افراد بی‌ایمان، شما را چه شده که وقتی به شما گفته می‌شود که در راه خدا حرکت کنید، به زمین می‌چسبید و حرکت نمی‌کنید؟ آیا به زندگی دنیا در مقابل آخرت راضی شده‌اید؟ زندگی دنیا در مقابل آخرت بسیار ناچیز است. (۳۸) اگر حرکت نکنید خدا شما را عذاب پردردی می‌کند و افرادی غیر از شما را جانشین شما می‌کند و شما ذره‌ای به خدا ضرر نمی‌زنید. خدا بر انجام هر کاری توانا است. (۳۹) اگر او (یعنی پیغمبر) را یاری نکردید، خدا یاریش کرد. وقتی افراد بی‌ایمان او را (از مکه) بیرون کردند، یکی از دو نفری که در غار بودند به دوستش گفت: ناراحت نباش، خدا با ماست. خدا هم آرامش فکری بر او نازل کرد و او را با لشکریانی که نمی‌دیدید تقویت نمود و سخن افراد بی‌ایمان را پست کرد و سخن خدا بالاتر قرار گرفت. خدا توانا و حکیم است. (۴۰)

چه با بار و وسایل سبک چه با وسایل سنگین، حرکت کنید و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنید. اگر از حقیقت اطلاع داشته باشید می‌فهمید که این‌کار برای شما بهتر است. (۴۱) اگر غنیمتی آبی و سفری آسان در پیش بود، از تو پیروی می‌کردند. ولی از سفری که مشقت داشته باشد گریزان هستند. به خدا قسم می‌خورند که اگر توانایی لازم را داشتیم برای جهاد با شما بیرون می‌آمدیم. آن‌ها خودشان را هلاک می‌کنند. خدا می‌داند که آن‌ها دروغ می‌گویند. (۴۲) (ای پیغمبر)، خدا تو را بخشید. چرا قبل از آن‌که افراد راستگو برای تو معلوم شوند و دروغگویان را بشناسی به آن‌ها اجازه دادی؟ (۴۳) افرادی که به خدا و روز آخرت ایمان دارند برای این‌که با مال و جانشان در راه خدا بجنگند از تو اجازه نمی‌خواهند. خدا افراد پرهیزکار را خوب می‌شناسد. (۴۴) فقط افرادی که به خدا و روز آخرت ایمان ندارند و دلشان دچار شک و تردید است برای ماندن از تو اجازه می‌خواهند. آن‌ها با شکی که دارند دچار تردید هستند. (۴۵) اگر تصمیم رفتن به جنگ داشتند حتماً وسایل لازم را فراهم می‌کردند. ولی خدا از شرکت آن‌ها در جنگ خوش نمی‌آمد، لذا آن‌ها را از وارد جنگ شدن باز داشت و به آن‌ها گفت: شما هم جزو کسانی باشید که در جنگ شرکت نکردند. (۴۶) اگر برای جنگ می‌آمدند به شما چیزی جز خرابی اضافه نمی‌کردند و بین شما به سرعت حرکت و فتنه‌انگیزی می‌کردند و در بین شما عده‌ای هستند که برای آن‌ها جاسوسی می‌کنند. خدا افرادی را که ظلم می‌کنند خوب می‌شناسد. (۴۷)

قبلاً هم دنبال فتنه می‌گشتند و کارها را برای تو وارونه نشان می‌دادند تا این‌که حقیقت آشکار شد و امر خدا ظاهر شد، در صورتی که آن‌ها از این‌کار خوششان نمی‌آمد. (۴۸) عده‌ای از آن‌ها می‌گویند: به ما اجازه بده که در جنگ شرکت نکنیم و ما را دچار فتنه نکن. بدانید که آن‌ها توی فتنه افتاده‌اند و جهنم افراد بی‌ایمان را احاطه کرده. (۴۹) اگر برای تو پیش آمد خوبی بکن آن‌ها را ناراحت می‌کند و اگر مصیبتی بر تو وارد شود می‌گویند: ما قبلاً تصمیم خود را گرفته بودیم، و با خوشحالی رو برمی‌گردانند. (۵۰) بگو: مصیبتی به ما نمی‌رسد مگر این‌که (مطابق قوانین خدا) برای ما مقرر شده باشد. مولای ما خداست و افراد بی‌ایمان باید (فقط) به خدا توکل کنند. (۵۱) بگو: آیا غیر از این است که منتظر یکی از دو حالت خوب برای ما هستید؟ در صورتی که ما انتظار می‌کشیم که خدا عذابی از طرف خودش یا به دست ما به شما برساند. انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می‌کشیم. (۵۲) بگو: چه با میل چه بدون میل انفاق کنید، خدا انفاق شما را قبول نمی‌کند، چون شما افرادی هستید که از دستور خدا اطاعت نمی‌کنید. (۵۳) از پذیرفته شدن انفاق آن‌ها هیچ چیز جلوگیری نکرد جز کفر آن‌ها به خدا و رسولش و این‌که با تنبلی برای نماز می‌آمدند و بدون میل قلبی انفاق می‌کردند. (۵۴)

مال و فرزند آنها باعث تعجب تو نشود، خدا فقط می‌خواهد به این وسیله آنها را در زندگی دنیا عذاب کند و در حال کفر جان بدهند و بمیرند. (۵۵) به خدا قسم می‌خورند که از شما هستند در صورتی که از شما نیستند. آنها افرادی هستند که می‌ترسند. (۵۶) اگر پناهگاهی یا غاری و یا جایی که توی آن بروند پیدا کنند با عجله به طرف آن می‌روند. (۵۷) بعضی از آنها درباره صدقات (زکات) از تو عیبجویی می‌کنند. اگر مقداری از آن را به آنها بدهی راضی می‌شوند و اگر ندهی عصبانی می‌شوند. (۵۸) اگر آنها از آنچه خدا و رسولش به آنها داده راضی بودند و می‌گفتند: خدا برای ما کافی است، خدا با لطف خودش و پیغمبرش به ما خواهد داد، ما به خدا علاقه داریم، (برای آنها بهتر بود). (۵۹) صدقات (زکات) اختصاص به فقرا و مساکین و مسؤولین آن و علاقه‌مندان به اسلام و آزادی بردگان و خسارت دیدگان مقروض و در راه خدا و در راه‌ماندگان دارد، آن از طرف خدا واجب شده است و خدا دانا و حکیم است. (۶۰) عده‌ای از آنها افرادی هستند که پیغمبر را اذیت می‌کنند و می‌گویند: پیغمبر خوش‌باور است. بگو: او شنونده خوبی برای حرف‌های شما است. به خدا و افراد باایمان، ایمان دارد و برای افراد باایمان شما رحمت است و کسانی که پیغمبر خدا را اذیت می‌کنند عذاب پردردی دارند. (۶۱)

به خدا قسم می‌خورند تا شما را راضی کنند، در صورتی که اگر ایمان داشتند حق این بود که خدا و رسولش را راضی کنند. (۶۲) آیا نمی‌دانستند کسی که با خدا و رسولش مخالفت کند جزای او جهنم است و همیشه در جهنم خواهد ماند؟ و این خواری بزرگی است. (۶۳) افراد منافق (دورو) از این می‌ترسند که سوره‌ای درباره آنان نازل شود و از آنچه در دلشان است خبردارشان کند. بگو: مسخره کنید، چون خدا آنچه را که از آن می‌ترسید آشکار خواهد کرد. (۶۴) اگر از آنها سؤال کنی حتماً می‌گویند: ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم. بگو: آیا خدا و آیات او و رسولش را مسخره می‌کردید؟ (۶۵) عذرخواهی نکنید، شما بعد از ایمان آوردنتان کافر شده‌اید. اگر عده‌ای از شما را ببخشیم عده دیگری را به سبب این‌که گناه‌کار بودند عذاب می‌کنیم. (۶۶) بعضی از مردان و زنان منافق مثل هم هستند. به کارهای زشت امر می‌کنند و از کار نیک نهی می‌کنند و از انفاق کردن دست می‌کشند. خدا را فراموش کرده‌اند و خدا هم آنها را فراموش کرده. افراد منافق فاسق (نافرمان) هستند. (۶۷) خدا به مردان و زنان منافق و کافر وعده آتش جهنم را داده و در آن جاویدان خواهند بود. جهنم برای آنها کافی است. خدا آنها را از رحمت خود دور کرده و عذابی دایمی دارند. (۶۸)

مانند کسانی که قبل از شما بودند و قدرت و مال و فرزندشان از شما بیشتر بود (نباشید). آنها از نصیب خود استفاده کردند. شما هم مثل کسانی که قبل از شما از نصیب خود استفاده کردند، از نصیب خود استفاده کردید و غرق افکار باطل خود شدید، همان‌طور که آنها شدند. اعمال این افراد در دنیا و آخرت از بین رفته، آنها ضرر کرده‌اند. (۶۹) آیا خبر کسانی که قبل از آنها بودند مثل قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهالی مدین و قوم لوط به آنها نرسیده؟ پیغمبران‌شان دلیل‌های واضح برای آنها آوردند. خدا به آنها ظلم نکرد، ولی آنها به خودشان ظلم می‌کردند. (۷۰) مردان و زنان باایمان دوستدار و پشتیبان یکدیگرند. امر به معروف (مردم را تشویق به کارهای خوب) و نهی از منکر (از کارهای بد منع) می‌کنند و نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند. خدا به چنین افرادی رحم می‌کند، چون خدا توانا و حکیم است. (۷۱) خدا به مردان و زنان باایمان وعده بهشت‌هایی را داده که در آن نهرها روان است و همیشه در آن می‌مانند و منزل‌های پاک در بهشت جاوید دارند و رضایت خدا از این‌ها بالاتر است. این موفقیت بزرگی است. (۷۲)

ای پیغمبر، با افراد بی‌ایمان و منافق مبارزه کن و بر آنها سخت بگیر. جای آنها جهنم است و جهنم بد جایی است. (۷۳) به خدا قسم می‌خورند که چنین حرفی نزده‌اند. بدون تردید سخن کفرآمیز را گفته‌اند و بعد از مسلمان شدنشان کافر شدند و قصد چیزی را کردند که به آن نرسیدند. فقط در اثر این‌که خدا و پیغمبرش از فضل خود آنها را بی‌نیاز کردند به عیبجویی پرداختند. اگر توبه کنند به نفع آنها است و اگر قبول نکنند، خدا آنها را در دنیا و آخرت عذاب پردردی می‌کند.

آن‌ها در زمین یار و یآوری ندارند. (۷۴) عده‌ای از آن‌ها تعهد می‌کنند که اگر خدا از فضل خودش ثروتی به ما بدهد زکات می‌دهیم و افراد صالحی می‌شویم. (۷۵) ولی وقتی خدا از فضل خودش ثروتی به آن‌ها داد، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و رو برگردانند. (۷۶) بنابراین نفاق (دورویی) در دلشان خواهد بود تا روزی که خدا را ملاقات کنند، چون به وعده‌ای که به خدا داده بودند عمل نکردند و دروغ می‌گفتند. (۷۷) آیا نمی‌دانستند که خدا اسرار آن‌ها و درگوشی حرف‌زدنشان را می‌داند؟ و آیا نمی‌دانستند که خدا غیبها را می‌داند؟ (۷۸) کسانی که افراد باایمان را که با میل صدقه می‌دهند و کسانی را که به اندازه قدرتشان صدقه می‌دهند مسخره می‌کنند، خدا آن‌ها را مسخره می‌کند و عذاب پردردی دارند. (۷۹)

(ای پیغمبر،) برای آن‌ها چه طلب آمرزش بکنی یا نکنی، اگر هفتاد دفعه هم برایشان طلب آمرزش کنی، خدا هرگز آن‌ها را نمی‌آمرزد. این‌کار برای این است که آن‌ها منکر خدا و رسولش شدند. خدا افراد نافرمان را هدایت نمی‌کند. (۸۰) افرادی که به‌خاطر این‌که بر خلاف دستور رسول خدا به جنگ نرفتند خوشحال بودند و خوششان نمی‌آمد که با مال و جان خود در راه خدا بجنگند و گفتند: در تابستان گرم به جنگ نروید. به آن‌ها بگو: گرمای آتش جهنم خیلی شدیدتر است، البته اگر این را بدانند. (۸۱) باید کم بخندند و زیاد گریه کنند. این مجازات کاری است که می‌کردند. (۸۲) اگر خدا تو را پیش عده‌ای از آن‌ها برگرداند و از تو اجازه شرکت در جنگ را خواستند بگو: هرگز شما به اتفاق من به جنگ نخواهید رفت و به اتفاق من با دشمنی نخواهید جنگید، چون شما بار اول راضی شدید که در جنگ شرکت نکنید، بنابراین با کسانی که به جنگ نیامدند بنشینید. (۸۳) اگر یکی از آن‌ها مرد، هیچ‌گاه بر او نماز نخوان و سر قبرش نایست. چون آن‌ها منکر خدا و رسولش شدند و در حال نافرمانی مردند. (۸۴) مال و فرزند آن‌ها باعث تعجب تو نشود، خدا فقط می‌خواهد آن‌ها را به این وسیله در دنیا عذاب کند و در حال کفر جان بدهند. (۸۵) وقتی سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان بیاورید و به اتفاق رسولش بجنگید، ثروتمندان آن‌ها از تو اجازه می‌خواهند و می‌گویند: بگذار ما جزو کسانی باشیم که به جنگ نمی‌آیند. (۸۶)

آن‌ها راضی شدند که با افرادی باشند که به جنگ نمی‌آیند. بر دل‌های آن‌ها مهر زده شده و نمی‌فهمند. (۸۷) اما پیغمبر و کسانی که به او ایمان آوردند و با مال و جانشان مبارزه کردند، خیرات (خوبی‌ها) متعلق به آن‌هاست و آن‌ها رستگارانند. (۸۸) خدا برای آن‌ها بهشت‌هایی آماده کرده که نهرها در آن روان است و همیشه در آن خواهند بود. این موفقیت بزرگی است. (۸۹) عده‌ای از بادیه‌نشینان برای بهانه‌تراشیدن آمدند تا به آن‌ها اجازه داده شود که به جنگ نروند، و کسانی که به خدا و رسولش دروغ گفتند و به جنگ نرفتند، به افراد بی‌ایمان آن‌ها عذاب پردردی خواهد رسید. (۹۰) بر افراد ضعیف و مریض و کسانی که مالی ندارند که در راه جهاد خرج کنند اشکالی وارد نیست وقتی برای خدا و رسولش دیگران را نصیحت کنند، و بر نیکوکاران هم اشکالی وارد نیست. خدا آمرزنده مهربان است. (۹۱) بر کسانی که برای شرکت در جنگ آمدند تا تو برای شرکت در جنگ به آن‌ها وسیله سواری بدهی و به آن‌ها گفתי که وسیله‌ای برای سواری شما ندارم و رفتند و چشمشان از غصه پر از اشک بود که چیزی ندارند که برای جهاد خرج کنند نیز ایرادی وارد نیست. (۹۲) ایراد بر افرادی وارد است که ثروتی دارند و از تو اجازه می‌خواهند که در جنگ شرکت نکنند، و راضی شدند که با کسانی باشند که در جنگ شرکت نمی‌کنند. خدا بر دل‌های آن‌ها مهر نهاد و آن‌ها نمی‌دانند. (۹۳)

وقتی پیش آن‌ها برگردید از شما عذرخواهی می‌کنند. بگو: عذرخواهی نکنید چون به حرف‌های شما ایمان نداریم و خدا خبر شما را به ما داده است. خدا و رسولش کارهای شما را خواهند دید. بعد پیش خدایی که دانای پنهان و آشکار است برگردانده می‌شوید و او شما را از کارهایی که می‌کردید آگاه خواهد کرد. (۹۴) وقتی پیش آن‌ها برمی‌گردید برای شما به خدا قسم می‌خورند تا از آن‌ها چشم‌پوشی کنید. از آن‌ها بگذرید، آن‌ها پلید هستند و جزای آن‌ها به سبب کارهایی که کردند جهنم است. (۹۵) برای شما قسم می‌خورند تا از آن‌ها راضی شوید. اگر شما از آن‌ها راضی شوید خدا از افرادی که دستورهایش را اجرا نمی‌کنند راضی نمی‌شود. (۹۶) کفر و دورویی اعراب صحرائین زیادتر است و سزاوارند که حدودی که خدا بر رسولش نازل کرده ندانند. خدا دانا و حکیم است. (۹۷) عده‌ای از صحرائینان خرجی راکه

(در راه خدا) می‌کنند غرامت به حساب می‌آورند و انتظار پیشامدهای ناراحتکننده‌ای را برای شما دارند. پیشامد بد برای خود آن‌ها است. خدا شنوا و دانا است. (۹۸) عده‌ای از صحرائشینان افرادی هستند که به خدا و روز آخرت ایمان دارند و انفاقی را که (در راه خدا) می‌کنند وسیله تقرب به خدا و دعای پیغمبر درباره خود می‌دانند. بدانید که انفاقشان باعث تقربشان خواهد بود. خدا آن‌ها را وارد رحمت خود می‌کند، چون خدا آمرزنده مهربان است. (۹۹)

خدا از مهاجرین و انصار پیشگام اولیه و کسانی که به خوبی از روش آن‌ها پیروی کردند راضی است و آن‌ها هم از خدا راضی هستند و خدا برای آن‌ها بهشت‌هایی که در آن نهرها روان است آماده کرده که همیشه در آن بهشت‌ها خواهند بود. این موفقیت بزرگی است. (۱۰۰) عده‌ای از صحرائشینان اطراف شما منافق (دورو) هستند. از اهالی شهر هم عده‌ای در دورویی مهارت دارند که تو آن‌ها را نمی‌شناسی. ما آن‌ها را می‌شناسیم. آن‌ها را دوبار عذاب می‌کنیم و بعد آن‌ها را به عذاب بزرگی دچار می‌کنیم. (۱۰۱) افراد دیگری هستند که به گناه خودشان اعتراف کردند و کارهای درست را با کارهای بد مخلوط کردند. امکان دارد خدا توبه آن‌ها را بپذیرد. چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۰۲) از مال آن‌ها صدقه بگیر تا آن‌ها را پاک و تزکیه بکنی و برای آن‌ها دعا کن. دعای تو وسیله آرامش آن‌ها است و خدا شنونده دانا است. (۱۰۳) آیا ندانسته‌اند که فقط خدا توبه را از بندگان قبول می‌کند و صدقات را می‌پذیرد و خدا توبه‌پذیر مهربان است؟ (۱۰۴) بگو: عمل کنید که خدا و پیغمبرش و افراد باایمان کار شما را خواهند دید، و به سوی خدایی که آشکار و پنهان را می‌داند برگردانده می‌شوید و او شما را از تمام کارهایی که می‌کردید آگاه می‌کند. (۱۰۵) و افراد دیگری هستند که کارشان به نظر خدا بستگی دارد که یا آن‌ها را عذاب می‌کند یا توبه آن‌ها را می‌پذیرد. خدا دانا و حکیم است. (۱۰۶)

افرادی که مسجدی برای ضرزدن و بی‌ایمانی و تفرقه انداختن بین مسلمانان و کمین گاهی برای افرادی که قبلاً با خدا و رسولش می‌جنگیدند ساخته‌اند، قسم می‌خورند که جز خیر چیزی نمی‌خواستیم. در صورتی که خدا شهادت می‌دهد که آن‌ها دروغ می‌گویند. (۱۰۷) هیچ وقت در آن مسجد نماز نخوان. سزاوار است در مسجدی که از روز اول بر پایه تقوی ساخته شده است نماز بخوانی. در آن مردانی هستند که دوست دارند پاک باشند و خدا پاکان را دوست دارد. (۱۰۸) آیا کسی که اساس کار خود را بر پایه تقوی (نگرانی از نافرمانی) خدا و رضایت او گذاشته کارش بهتر است یا کسی که اساس کار خود را بر کنار پرتگاهی نهاده که در حال فرو ریختن است و با آن در آتش جهنم می‌افتد؟ خدا کسانی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۱۰۹) بنائی که ساخته‌اند دایم در دلشان به طور شک باقی می‌ماند تا وقتی که دلشان تکه‌تکه شود. خدا دانا و حکیم است. (۱۱۰) خدا جان و مال افراد باایمان را به قیمت بهشت خرید، افرادی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. این وعده درستی در تورات و انجیل و قرآن است و عمل کردن به آن بر عهده خداوند است. چه کسی بهتر از خدا به عهدش وفا می‌کند؟ بنابراین به داد و ستدی که کردید شاد باشید، این موفقیت بزرگی است. (۱۱۱)

افراد باایمانی که توبه می‌کنند، فقط بندگی خدا را می‌کنند (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز خدا نیستند)، فقط خدا را بزرگ می‌شمارند، سیاحت کننده (یا روزه‌دار) می‌باشند، رکوع و سجود می‌کنند، امر به معروف (مردم را به کارهای خوب تشویق) و نهی از منکر (از کارهای بد منع) می‌کنند و حدود خدا را حفظ می‌کنند. به افراد باایمان بشارت بده. (۱۱۲) پیغمبر و افراد باایمان حق ندارند که برای افراد مشرک از خدا طلب آمرزش کنند هر چند که از خویشاوندان آن‌ها باشند، البته بعد از اینکه برای آن‌ها روشن شد که آن‌ها اهل جهنم هستند. (۱۱۳) طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش فقط به خاطر وعده‌ای بود که به او داده بود، ولی وقتی برای او روشن شد که او دشمن خداست، از او بیزار است. چون ابراهیم دلسوز و بردبار بود. (۱۱۴) شایسته خدا نیست افرادی را که هدایت کرده گمراه کند مگر اینکه آنچه را که باید از آن خودداری کنند برای آن‌ها بیان کند. چون خدا هر چیزی را به خوبی می‌داند. (۱۱۵) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط مال خداست، زنده می‌کند و می‌میراند. شما یار و یآوری غیر از خدا ندارید. (۱۱۶) خدا توبه پیغمبر و مهاجرین و انصار را که در موقع سختی از او پیروی کردند پذیرفت، بعد از اینکه نزدیک بود قلب عده‌ای از آن‌ها منحرف شود،

باز خدا توبه آنها را پذیرفت، چون خدا نسبت به آنها دلسوز و مهربان است. (۱۱۷)

سه نفری که تخلف ورزیدند و به جنگ نرفتند تا حدی که زمین با تمام وسعتش بر آنها تنگ شد و از کار خود به تنگ آمدند و گمان کردند هیچ پناهگاهی از دست خدا ندارند مگر اینکه به خودش پناه ببرند، خدا توبه آنها را پذیرفت تا توبه کنند. چون خدا توبه‌پذیر مهربان است. (۱۱۸) ای افراد باایمان، از نافرمانی دستورهای خدا بترسید و با افراد راستگو همراه باشید. (۱۱۹) اهل شهر و اعرابی که اطرافشان هستند حق ندارند از دستور پیغمبر خدا سرپیچی کنند و جان خودشان را بیشتر از جان پیغمبر دوست بدانند. این به خاطر این است که هر تشنگی و رنج و گرسنگی که در راه خدا به آنها برسد و هر جایی قدم بگذارند که افراد بی‌ایمان را عصبانی کند و به هر دشمنی که دست یابند، برای آنها عمل صالح نوشته می‌شود. مسلماً خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (۱۲۰) هر خرج کوچک و بزرگی که در راه خدا بکنند و هر سرزمینی را طی کنند برای آنها نوشته می‌شود تا خدا پاداش آن را بیشتر از عملی که می‌کردند به آنها بدهد. (۱۲۱) شایسته نیست که افراد باایمان همگی با هم حرکت کنند. ولی چرا از هر گروه دسته‌ای حرکت نکردند تا دین را خوب بفهمند و وقتی پیش قوم خود برگشتند آنها را از عواقب کارهای زشتشان برحذر دارند شاید مواظب کار خود باشند. (۱۲۲)

ای افراد باایمان، با کافرانی که نزدیک شما هستند بجنگید. باید در شما شدت عمل بیابند، و بدانید که خدا با افراد پرهیزکار است. (۱۲۳) وقتی سوره‌ای نازل می‌شود عده‌ای از آنها می‌گویند: این سوره ایمان کدامیک از شما را اضافه کرده؟ اما به ایمان مؤمنین اضافه کرده است و آنها خوشحالند. (۱۲۴) اما بر ناپاکی افرادی که در دلشان مرضی است افزود و در حال کفر مردند. (۱۲۵) آیا متوجه نمی‌شوید که در هر سال یک یا دو بار مورد امتحان قرار می‌گیرند؟ با وجود آن توبه نمی‌کنند و توجه هم پیدا نمی‌کنند. (۱۲۶) وقتی سوره‌ای نازل شود بعضی از آنها به هم نگاه می‌کنند که آیا کسی شما را می‌بیند، بعد یواشکی می‌روند. خدا دل‌های آنها را به سبب این‌که افرادی هستند که حقیقت را نمی‌دانند از حق برگردانده. (۱۲۷) رسولی از خودتان برای شما آمده که از چیزهایی که باعث زحمت شما است ناراحت می‌شود و علاقه زیادی به هدایت و راحتی شما دارد و نسبت به افراد باایمان دلسوز و مهربان است. (۱۲۸) اگر قبول نکردند بگو: خدا برای من کافی است. معبودی (وجودی که انسان در مقابل او احساس و ابراز کوچکی بکند و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای او باشد) غیر از خدا وجود ندارد. بر او توکل کرده‌ام و او خداوند عرش بزرگ است. (۱۲۹)

سوره یونس (۱۰)

مکی و شامل یکصد و نه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

الر. این آیات کتاب حکیم است. (۱) آیا برای مردم تعجب‌آور است که به مردی از خودشان وحی کنیم که مردم را هشدار بدهد و به افراد باایمان مژده بدهد که سابقه خوبی پیش خداوندشان دارند. کافران گفتند: معلوم است که این مرد جادوگر است. (۲) خداوند شما خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش مرحله آفرید و بعد بر عرش قرار گرفت. امور را تدبیر می‌کند. شفیع وجود ندارد مگر بعد از اجازه او. پس خدایی را که او فقط صاحب‌اختیار شماست بندگی کنید (بندید و مطیع محض و بدون چون و چرای هیچ‌کس جز او نباشید). آیا متوجه نمی‌شوید؟ (۳) بازگشت همه شما به سوی او است. وعده خدا واقعی است. او خلقت را شروع می‌کند بعد آن را برمی‌گرداند تا به افراد باایمان که کار صحیح می‌کنند به عدالت پاداش دهد. کسانی که کافر شدند، به سبب کفری که داشتند، نوشیدنی از آب جوشان و عذاب پردردی دارند. (۴) اوست که خورشید را نورانی و ماه را روشن ساخت و برای ماه منازلی قرار داد تا حساب سالها و حساب روزها را بدانید. خدا آنها را به حق آفرید. خدا آیات را برای افراد دانا شرح می‌دهد. (۵) در آمدن و رفتن شب و روز و چیزهایی که خدا در آسمان‌ها و زمین خلق کرده نشانه‌هایی برای افراد باتقوی وجود دارد. (۶)

کسانی که امید ملاقات ما را ندارند و به زندگی دنیا راضی شدند و به آن اطمینان کردند از آیات ما غافل هستند. (۷) آن‌ها جایشان به علت کارهایی که می‌کردند در آتش جهنم است. (۸) کسانی که ایمان آوردند و عمل صحیح کردند خدا آن‌ها را به سبب ایمانشان به بهشت‌های پرنعمتی که نهرها در آن روان است هدایت می‌کند. (۹) دعای آن‌ها در آنجا این است که خدایا، تو پاکی و خوش‌آمدشان در آنجا سلام است و دعای آخرشان این است که ستایش و ثنا (بزرگ شمردن) فقط متعلق به خداست که صاحب‌اختیار همه مردم جهان است. (۱۰) اگر آنقدر که مردم خیر را با عجله می‌خواهند خدا در مجازات کار بد آن‌ها عجله می‌کند، مهلت آن‌ها به سر رسیده بود (و دچار عذاب می‌شدند). کسانی را که امید دیدن ما را ندارند در طغیانشان سرگردان می‌گذاریم. (۱۱) وقتی به انسان ضرری برسد چه درازکشیده باشد، چه نشسته، چه ایستاده، ما را به کمک می‌خواند. چون ضرر را از او دفع کردیم، به راه خود می‌رود مثل این‌که برای رفع ضرری که به او رسیده بود ما را به کمک نخوانده بود. برای اسراف‌کنندگان کارشان این‌طور زینت داده شده. (۱۲) ما نسل‌های قبل از شما را به علت ظلمی که کردند نابود ساختیم و پیغمبران‌شان دلیل‌های روشنی برای آن‌ها آوردند ولی آن‌ها ایمان نیاوردند. ما گناه‌کاران را این‌طور مجازات می‌کنیم. (۱۳) بعد شما را در زمین جانشین آن‌ها کردیم تا ببینیم شما چگونه عمل می‌کنید. (۱۴)

وقتی آیات روشن ما بر آن‌ها خوانده می‌شود، کسانی که امید دیدار ما را ندارند، می‌گویند: قرآنی غیر از این بیاور یا آن را عوض کن. بگو: من حق ندارم از طرف خودم آن را عوض کنم. من فقط از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم. من از عذاب روز بزرگ می‌ترسم که کاری بر خلاف دستور خداوند بکنم. (۱۵) بگو: اگر خدا می‌خواست من قرآن را بر شما نمی‌خواندم و خدا شما را به آن آگاه نمی‌کرد. من قبلاً سال‌هایی بین شما زندگی کرده بودم. آیا نمی‌فهمید؟! (۱۶) چه کسی ظالم‌تر از کسی است که به دروغ به خدا افترا بزند یا منکر آیات خدا شود؟ مطمئناً گناه‌کاران رستگار نمی‌شوند. (۱۷) غیر از خدا چیزی را بندگی می‌کنند که ضرری به آن‌ها نمی‌زند و نفعی به آن‌ها نمی‌رساند و می‌گویند: این‌ها شفیعان ما پیش خدا هستند. بگو: آیا خدا را از چیزی خبردار می‌کنید که در آسمان‌ها و زمین از آن اطلاعی ندارد؟ او پاک و بالاتر از چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۱۸) مردم امت واحدی بودند، بعد با هم اختلاف پیدا کردند، اگر وعده خدا قبلاً داده نشده بود، بین آن‌ها در آنچه اختلاف نظر داشتند داوری شده بود. (۱۹) می‌گویند: چرا به پیغمبر معجزه‌ای از طرف خداوندش داده نشده؟ بگو: غیب متعلق به خدا است. پس انتظار بکشید. من هم با شما انتظار می‌کشم. (۲۰)

وقتی بعد از آسیبی که به مردم رسیده رحمتی به آن‌ها بچشانیم آن‌ها درباره آیات ما نقشه می‌کشند. بگو: خدا از لحاظ طرح نقشه سریع‌تر از آن‌ها است. فرستادگان ما نقشه‌هایی را که می‌کشند، ثبت می‌کنند. (۲۱) خدا کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند. وقتی که سوار کشتی شدند و کشتی با باد موافقی آن‌ها را به حرکت آورد و شاد شدند، طوفانی شروع شد و امواج از هر طرف به آن‌ها رو آورد و گمان کردند امواج آن‌ها را در خود فرو گرفته. در حالی‌که دین را برای خدا خالص کردند، (مخلصانه) خدا را به کمک خواندند و گفتند: اگر ما را از این طوفان نجات دهی سپاسگزار خواهیم بود. (۲۲) چون خدا آن‌ها را از غرق شدن نجات داد، دوباره در زمین به ناحق ظلم می‌کنند. بگو: ای مردم ظلمی که می‌کنید به ضرر خودتان است. شما استفاده از زندگی دنیا را می‌خواهید، بعد به سوی ما برمی‌گردید، ما هم شما را از تمام کارهایی که می‌کردید آگاه می‌کنیم. (۲۳) زندگی دنیا مثل آبی است که از آسمان فرود آوردیم که به وسیله آن گیاهانی که مردم و حیوانات می‌خورند رویند و درهم شدند و زمین زیبایی پیدا کرد و آراسته شد و اهل زمین فکر کردند که توانایی استفاده از آن را دارند. امر ما شب یا روز سراغ آن آمد و آن را درو کردیم مثل این‌که دیروز چنان چیزی وجود نداشته. ما آیات خودمان را برای افراد متفکر این‌طور شرح می‌دهیم. (۲۴) خدا مردم را به منزل سلامت دعوت می‌کند و هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۲۵)

کسانی که کار نیک کرده‌اند پاداشی بهتر و بیشتر از آن دارند. صورتشان را غبار و ذلت نمی‌پوشاند. آن‌ها اهل بهشت هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۶)

کسانی که کار بد کنند بدانند که جزای کار بد مجازاتی به اندازه آن است و خواری آن‌ها را در بر می‌گیرد و کسی که آن‌ها را از عذاب حفظ کند ندارند. مثل این که صورتشان با قطعه‌ای از شب تاریک پوشانده شده. آن‌ها اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۷) روزی که همه آن‌ها را جمع می‌کنیم و به مشرکین می‌گوییم که شما و شریکانی که برای خدا می‌گرفتید سر جای خود بایستید و بین آن‌ها جدایی می‌اندازیم، شریک‌هایی که برای خدا ساخته بودند می‌گویند: شما ما را بندگان نمی‌کردید. (۲۸) خدا برای شهادت بین ما و شما کافی است، ما اصلاً اطلاعی از عبادت شما نداشتیم. (۲۹) این جاست که هر کسی از کارهایی که قبلاً کرده آگاه می‌شود و پیش خدا، مولای حقیقی، خودشان برگردانده می‌شوند و تمام شریکانی که برای خدا می‌بافتند گم می‌شوند. (۳۰) بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک شنوایی و بینایی است و زنده را از مرده خارج می‌کند و مرده را از زنده؟ و چه کسی تدبیر امور عالم را می‌کند؟ می‌گویند: خدا. بگو: آیا از نافرمانی و عذاب خدا نمی‌ترسید؟ (۳۱) این خداست که صاحب‌اختیار حقیقی شماست. بعد از حقیقت چه چیزی غیر از گمراهی وجود دارد؟ به کجا برده می‌شوید؟ (۳۲) سخن خداوندت نسبت به کسانی که نافرمانی می‌کردند این‌طور ثابت شد که آن‌ها ایمان نمی‌آورند. (۳۳)

بگو: از این شریکانی که برای خدا ساخته‌اید کسی هست که خلق کند و بعد او را برگرداند؟ بگو: خداست که خلق می‌کند و بعد برمی‌گرداند. شما را کجا می‌برند؟ (۳۴) بگو: از این شریکانی که برای خدا تصور می‌کنید کسی هست که به راه حق هدایت کند؟ بگو: خدا به راه حق هدایت می‌کند. آیا کسی که به راه حق هدایت می‌کند سزاوار این است که پیروی شود یا کسی که هدایت نمی‌کند (یا به قولی، راه درست را نمی‌یابد) مگر این که خودش هدایت شود؟ شما را چه شده؟ چگونه نظر می‌دهید؟ (۳۵) بیشتر آن‌ها از گمان پیروی می‌کنند. گمان به اندازه ذره‌ای انسان را از حقیقت بی‌نیاز نمی‌کند. خدا کارهایی را که می‌کنند می‌داند. (۳۶) این قرآن از طرف کسی غیر از خدا به هم بافته نشده است. ولی تصدیق‌کننده کتاب‌های قبل از خود می‌باشد و توضیح آن‌ها است، بیشک از طرف صاحب‌اختیار همه مردم جهان است. (۳۷) آیا می‌گویند: پیغمبر آن‌ها را به هم بافته؟ بگو: اگر راست می‌گویید سوره‌ای مثل آن بیاورید و به جز خدا هر کس را که می‌توانید دعوت کنید. (۳۸) بلکه منکر چیزی شدند که به آن احاطه علمی ندارند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده. گذشتگان هم همین‌طور منکر شدند. ببین عاقبت ستمکاران چه بود. (۳۹) عده‌ای از آن‌ها به آن ایمان می‌آورند و عده‌ای ایمان نمی‌آورند. خداوند تو افراد خرابکار را خوب می‌شناسد. (۴۰) اگر منکر تو شدند بگو: عمل من مال من است و عمل شما مال شماست. شما مسؤول کارهای من نیستید و من هم مسؤول کارهای شما نیستم. (۴۱) عده‌ای از آن‌ها به سخنان تو گوش می‌دهند. آیا تو می‌توانی با گفتن به افرادی که کر هستند حرفی را بفهمانی؟ اگر چه قدرت تشخیص نداشته باشند. (۴۲)

عده‌ای از آن‌ها به تو نگاه می‌کنند. آیا تو افراد کور را اگر نتوانند ببینند با نشان دادن راه می‌توانی هدایت کنی؟ (۴۳) خدا ذره‌ای به مردم ظلم نمی‌کند، ولی مردم به خودشان ظلم می‌کنند. (۴۴) روزی که آن‌ها در قیامت جمع شوند، مثل این است که فقط ساعتی از روز (در دنیا) مانده‌اند. همدیگر را می‌شناسند. کسانی که منکر دیدار خدا شده‌اند ضرر کرده‌اند و راه درست را نشناخته بودند. (۴۵) یا قسمتی از عذابی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم به تو نشان می‌دهیم، یا تو را از دنیا می‌بریم و بازگشت آن‌ها پیش ما خواهد بود. آنوقت خدا شاهد کارهای آن‌ها خواهد بود. (۴۶) هر گروهی پیغمبری دارند. وقتی پیغمبرشان برای آن‌ها آمد، بین آن‌ها به عدالت حکم می‌شود و به آن‌ها ظلمی نمی‌شود. (۴۷) می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده عذاب چه موقع خواهد بود؟ (۴۸) بگو: من برای خودم، مالک نفع و ضرری نیستم، جز آنچه خدا بخواهد. هر گروهی مهلتی (برای ایمان آوردن) دارند. وقتی مهلتشان تمام شد نمی‌توانند آن را ساعتی عقب یا جلو بیاندازند. (۴۹) بگو: اگر عذاب خدا شب یا روز بر شما وارد شود، گناه‌کاران زودتر آمدن چه چیزی را از خدا می‌خواهند؟ (۵۰) آیا پس از این که عذاب واقع شد به آن ایمان می‌آورید؟ حالا ایمان می‌آورید؟ در صورتی که قبلاً می‌خواستید زودتر بیاید. (۵۱) آن وقت به ستمکاران گفته می‌شود: عذاب ابدی را بچشید. آیا جزایی غیر از جزای کارهایی که می‌کردید به شما داده می‌شود؟ (۵۲) از تو می‌پرسند: آیا آن (عذابی که می‌گویی) راست است. بگو: قسم به خداوندم که راست و درست است و شما نمی‌توانید جلوی آن را بگیرید. (۵۳)

کسی که ظلم کرده، اگر تمام چیزهایی را که در زمین است داشته باشد، حاضر است بدهد تا عذاب نشود و چون عذاب را ببینند، پشیمانی خود را پنهان می‌کنند و بین آن‌ها از روی عدالت حکم می‌شود و به آن‌ها ظلمی نمی‌شود. (۵۴) بدانید آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است. بدانید که وعده خدا راست است ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۵۵) او زنده می‌کند و می‌میراند و شما را پیش او برمی‌گردانند. (۵۶) ای مردم، موعظه‌ای از خداوندتان برای شما آمد و برای افراد باایمان شفای سینه‌ها و هدایت و رحمت است. (۵۷) بگو: باید به فضل و رحمت خدا خوشحال باشند. فضل و رحمت خدا از تمام چیزهایی که جمع می‌کنند بهتر است. (۵۸) بگو: نظر شما درباره خوردنی‌هایی که خدا برای شما نازل کرده و شما قسمتی از آن را حرام و قسمتی را حلال کرده‌اید چیست؟ بگو: آیا خدا چنین اجازه‌ای به شما داده است؟ یا به خدا افترا می‌زنید؟ (۵۹) تصور کسانی که به دروغ به خدا افترا می‌زنند درباره روز قیامت چیست؟ چون خدا نسبت به مردم لطف دارد ولی بیشتر آن‌ها سپاسگزاری نمی‌کنند. (۶۰) مشغول هیچ کاری نیستی و چیزی از قرآن نمی‌خوانی و هیچ عملی را انجام نمی‌دهی، مگر این‌که ما شاهد کاری که شروع می‌کنید هستیم و اندازه ذره‌ای در زمین و آسمان نیست که از نظر خداوند تو مخفی باشد و هیچ چیزی کوچکتر یا بزرگتر از آن وجود ندارد، مگر این‌که در کتاب روشنی است. (۶۱)

بدانید که دوستان خدا ترس و غصه‌ای ندارند. (۶۲) افرادی که ایمان آوردند و پرهیزکار بودند. (۶۳) در زندگی دنیا و آخرت مژده دارند. سخن خدا عوض نمی‌شود. این موفقیت بزرگی است. (۶۴) حرف‌های آن‌ها باعث غصه تو نشود. تمام عزت در دست خدا است. او شنوا و دانا است. (حرف‌های آن‌ها را می‌شنود و از جریان کار آن‌ها اطلاع دارد). (۶۵) بدانید تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند و شرکایی که غیر از خدا به کمک می‌خوانند و پیروی می‌کنند مال خدا هستند. آن‌ها فقط از گمان پیروی می‌کنند و فقط حدس می‌زنند. (۶۶) خداست که برای شما شب را قرار داده که در آن استراحت کنید و روز را روشن ساخته که چشمتان ببینند. در این‌کار برای کسانی که حق را می‌شنوند، نشانه‌هایی وجود دارد. (۶۷) گفتند: خدا فرزندی گرفته. خدا خیلی بالاتر از این است که فرزندی بگیرد. او بی‌نیاز است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال او است (چه احتیاجی به فرزند دارد؟). شما هیچ دلیلی برای این حرف خود ندارید. آیا ندانسته از قول خدا سخن می‌گویید؟ (۶۸) بگو: کسانی که به دروغ به خدا افترا می‌زنند (چیزی که خدا نگفته از قول او می‌گویند) رستگار نمی‌شوند. (۶۹) آن‌ها بهره کمی در دنیا دارند. بعد بازگشت آن‌ها به پیشگاه ما است، آنوقت به علت کفری که می‌ورزیدند عذاب سختی به آن‌ها می‌چشانیم. (۷۰)

داستان نوح را برای آن‌ها بخوان. وقتی که به قومش گفت: ای قوم من، اگر مقام من و تذکری که درباره آیات خدا به شما می‌دهم برای شما سخت است، من به خدا توکل کرده‌ام. فکر و تصمیم خود و شریکانتان را روی هم بگذارید و کار و تصمیمتان بر شما پوشیده نماند و کار مرا تمام کنید و مهلتی به من ندهید. (۷۱) اگر قبول نکردید، من از شما مزدی نخواسته‌ام. مزد من با خدا است و به من دستور داده شده که جزو کسانی باشم که تسلیم او و مسلمان هستند. (۷۲) آن‌ها حرف او را قبول نکردند. بنابراین او و کسانی را که با او در کشتی بودند نجات دادیم و آن‌ها را جانشین دیگران کردیم و کسانی را که منکر آیات ما شدند غرق کردیم. نگاه کن پایان کار کسانی که بیم عذاب به آن‌ها داده شده بود چه بود. (۷۳) بعد از او پیغمبرانی برای قومشان فرستادیم و دلیل‌های روشنی برای آن‌ها آوردند، ولی آن‌ها هم به آنچه گذشتگان قبول نکردند ایمان نمی‌آوردند. ما این‌طور قدرت فهم را از متجاوزین می‌گیریم. (۷۴) بعد از آن‌ها موسی و هارون را با آیات خودمان به سوی فرعون و درباریان فرستادیم. اما آن‌ها تکبر ورزیدند و قوم گناه‌کاری بودند. (۷۵) وقتی حق از طرف ما برای آن‌ها آمد گفتند: کاملاً معلوم است که این سحر است. (۷۶) موسی به آن‌ها گفت: آیا وقتی حق برای شما آمد می‌گویید که سحر است؟ آیا این سحر است، در صورتی که جادوگران موفق نمی‌شوند؟ (۷۷) آن‌ها گفتند: آیا آمده‌ای که ما را از روش پدرانمان منحرف کنی و در زمین بزرگی مال شما باشد؟ ما به کار شما ایمان نداریم. (۷۸)

فرعون گفت: هر ساحر زبردستی را پیش من بیاورید. (۷۹) وقتی ساحران آمدند، موسی به آنها گفت: آنچه را که می‌خواهید بیاندازید، بیاندازید. (۸۰) چون انداختند، موسی گفت: کاری که کرده‌اید سحر است، خدا آن را باطل می‌کند. خدا کار خرابکاران را درست نمی‌کند. (۸۱) و خدا با سخنان خودش حق را ثابت می‌کند، اگر چه گناه‌کاران از آن خوششان نیاید. (۸۲) از ترس شکنجه و مجازات فرعون و درباریان فقط يك قبیله از قوم موسی به او ایمان آوردند (قبیله لاوی) چون فرعون در زمین قدرت داشت و مخالفین را به شدت مجازات می‌کرد. (۸۳) موسی گفت: ای قوم من، اگر به خدا ایمان دارید و مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) هستید بر او توکل کنید. (۸۴) گفتند: به خدا توکل کردیم. خداوند، ما را برای ستمکاران وسیله آزمایش قرار نده. (۸۵) و ما را با رحمت خودت از دست قومی که ایمان ندارند نجات بده. (۸۶) به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر خانه‌هایی تهیه کنید و خانه‌هایتان را مقابل هم بسازید (یا قبله نمایید) و نماز را به پا دارید و به افراد باایمان بشارت بده. (۸۷) موسی گفت: خداوند، تو به فرعون و درباریان در زندگی دنیا زینت و مال داده‌ای تا مردم را از راه تو منحرف سازند. خداوند، اموالشان را از بین ببر و دل‌هایشان را سخت کن تا ایمان نیاورند تا عذاب پردرد را ببینند. (۸۸)

خدا گفت: دعای شما قبول شد. بنابراین استقامت داشته باشید و از راه افراد نادان پیروی نکنید. (۸۹) و بنی‌اسرائیل را از دریا عبور دادیم و فرعون و لشکریانش از روی ظلم و دشمنی آنها را تعقیب کردند، تا وقتی که فرعون در حال غرق شدن بود گفت: ایمان آوردم که معبودی جز معبودی که بنی‌اسرائیل به آن ایمان آورده‌اند وجود ندارد و من مسلمان (تسلیم خدا) هستم. (۹۰) به او گفته شد: حالا؟ در صورتی که قبلاً سرکشی می‌کردی و از عوامل فساد بودی (اجتماع را آلوده می‌کردی). (۹۱) بنابراین امروز بدن تو را نجات می‌دهیم تا برای آیندگان علامتی باشد، چون عده زیادی از مردم توجهی به آیات ما ندارند. (۹۲) بنی‌اسرائیل را در جای خوبی جا دادیم و از خوردنی‌های پاک روزیشان کردیم. آنها بعد از این‌که حقیقت را دانستند دچار اختلاف شدند. خدا روز قیامت در مورد چیزهایی که در آن اختلاف داشتند بین آنها حکم می‌کند. (۹۳) (ای پیغمبر،) اگر درباره آنچه به تو نازل کردیم شکی داری از کسانی که کتاب الهی پیش از تو را می‌خوانند بپرس. مطمئناً حق از طرف خدا برای تو آمده، بنابراین از شک‌کنندگان نباش. (۹۴) و از کسانی نباش که منکر آیات خدا شدند، چون از زیانکاران خواهی بود. (۹۵) کسانی که سخن خدا درباره عذاب آنها ثابت شده ایمان نمی‌آورند. (۹۶) هر آیه‌ای (نشانه‌ای، معجزه‌ای) هم برای آنها بیاید ایمان نمی‌آورند تا وقتی که عذاب پردرد را ببینند. (۹۷)

ایمان آوردن مردم هیچ شهری برای آنها فایده نداشت غیر از قوم یونس، که چون به موقع ایمان آوردند، عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا از آنها برطرف کردیم و آنها را تا پایان عمرشان بهره‌مند ساختیم. (۹۸) اگر خداوند تو می‌خواست تمام کسانی که در زمین هستند ایمان می‌آوردند. آیا تو مردم را مجبور می‌کنی که ایمان بیاورند؟ (۹۹) هیچ‌کس جز با اجازه (مطابق قانون) خدا ایمان نمی‌آورد. خدا آلودگی را بر کسانی که عقل خود را به کار نمی‌برند قرار می‌دهد. (۱۰۰) بگو: نگاه کنید که چه چیزهایی در آسمان‌ها و زمین است در صورتی که این نشانه‌ها و بیم‌دادن‌ها برای افرادی که ایمان نمی‌آورند فایده‌ای ندارد. (۱۰۱) آیا انتظار روزهایی مثل روزهای (عذاب) کسانی که قبل از خودشان بودند را می‌کشند؟ بگو: انتظار بکشید، من هم با شما انتظار می‌کشم. (۱۰۲) ما پیغمبرانمان و افراد باایمان را نجات می‌دهیم. وظیفه ما است که افراد باایمان را نجات بدهیم. (۱۰۳) بگو: ای مردم، اگر از دین من دچار شک هستید بدانید که من کسانی را که غیر از خدا عبادت می‌کنید، عبادت و بندگی نمی‌کنم ولی خدایی را بندگی می‌کنم که جان شما را می‌گیرد. به من دستور داده شده که از افراد باایمان باشم. (۱۰۴) و به من امر شده که رو به دین توحیدی بیاورم و از مشرکین نباشم. (۱۰۵) و غیر از خدا چیزی را که نفع و ضرری به تو نمی‌رساند به کمک نخوان، اگر این کار را بکنی از ستمکاران هستی. (۱۰۶)

اگر خدا ضرری به تو برساند، هیچ‌کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف کند و اگر خیری برایت بخواهد، هیچ‌کس جلوی لطفش را نمی‌تواند بگیرد. لطفش را به هر يك از

بندگان که بخواهد می‌کند. او آمرزنده مهربان است. (۱۰۷) بگو: ای مردم، حق از طرف خدایتان برای شما آمد. هر کس هدایت شود به نفع خودش هدایت شده و هر کس گمراه شود به ضرر خودش است، من وکیل شما نیستم. (۱۰۸) از آنچه که به تو وحی می‌شود پیروی کن و استقامت داشته باش تا خدا حکم کند و او بهترین حکم‌کننده است. (۱۰۹)

سوره هود (۱۱)

مکی و شامل یکصد و بیست و سه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

الر، قرآن کتابی است که آیاتش استوار و از جانب (خدای) حکیم و خبیر توضیح داده شده. (۱) که فقط خدا را بندگی کنید (بنده و مطیع محض هیچ مقامی و هیچکسی غیر از خدا نباشید)، چون من از جانب او برای شما بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده هستم. (۲) و این‌که از خداوندتان (برای گناهان گذشته خود) طلب آمرزش کنید و به سوی او (به اطاعت از دستورهای او) برگردید (توبه کنید) تا شما را از بهره خوبی تا زمان معلومی بهره‌مند سازد و به هر صاحب فضلی فضلش را بدهد و اگر روگردان شوید من بر شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. (۳) بازگشت شما پیش خدا است و او بر هر کاری توانا است. (۴) بدانید آن‌ها که خم می‌شوند تا خودشان را از او مخفی سازند، و وقتی لباسشان را به سرشان می‌کشند، خدا آنچه را پنهان یا آشکار می‌کند می‌داند چون او به آنچه در سینه‌ها است کاملاً آگاه است. (۵)

خوراک هر جنبنده‌ای که در زمین است، بر عهده خداست. او قرارگاه و جایی را که سپرده می‌شود می‌داند و همه در کتاب روشنی وجود دارد. (۶) اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (مرحله) آفرید و عرش او روی آب است تا شما را امتحان کند که کار کدام یک از شما بهتر است و اگر به آن‌ها بگویی که شما بعد از مردن زنده می‌شوید، حتماً کفار می‌گویند: این سحر آشکاری است. (۷) اگر عذاب آن‌ها را برای مدت محدودی عقب بیاندازیم، حتماً می‌گویند که چه چیزی از آن جلوگیری کرده؟ بدانید روزی که عذاب بر آن‌ها وارد شود، دیگر از آن‌ها برگردانده نمی‌شود و همان غذایی که مورد تمسخر آن‌ها است، آن‌ها را فرامی‌گیرد. (۸) اگر به انسان رحمتی از طرف خودمان بچشانیم و بعد آن را از او بگیریم ناامید و ناسپاس می‌شود. (۹) و اگر بعد از سختی که به او رسیده نعمتی به او بچشانیم، حتماً می‌گوید: بدی‌ها از من دور شده، چون خوشحال است و افتخار می‌کند. (۱۰) غیر از کسانی که صبر داشته و کار درست کرده‌اند. آن‌ها آمرزش الهی و پاداش بزرگی دارند. (۱۱) (ای پیغمبر)، شاید تو بعضی از چیزهایی را که به تو وحی می‌شود ترک کنی و سینه‌ات، به خاطر این‌که می‌گویند که چرا گنجی برای او فرستاده نشده و یا فرشته‌ای با او نیامده است، تنگ شود (دلگیر شوی)، تو فقط بیم‌دهنده هستی و خدا وکیل بر هر کاری است. (۱۲)

یا می‌گویند: پیغمبر این آیات را سر هم کرده. بگو: اگر راست می‌گویید ده سوره مثل این آیات سر هم کرده بیاورید، هر کس را هم که می‌توانید غیر از خدا برای این کار دعوت کنید. (۱۳) اگر قبول نکردند بدانید که آن به علم الهی نازل شده و بدانید که معبودی (کسی که شما بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهایش باشید) غیر از او وجود ندارد. پس آیا شما تسلیم خدا (مسلمان) می‌شوید؟ (۱۴) کسی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهد، مطابق کاری که در آن راه کرده به او می‌دهیم و در آن مورد به آن‌ها کم داده نمی‌شود. (۱۵) آن‌ها کسانی هستند که در قیامت چیزی غیر از آتش جهنم ندارند و تمام کارهایی که در دنیا کرده‌اند از بین رفته و کارهایی که کرده‌اند باطل است. (۱۶) آیا کسی که بر دلیل روشنی از خداوندش می‌باشد، و شاهی از خودش آن را می‌خواند، و قبل از او کتاب موسی امام و رحمت بود، دروغ می‌گوید؟ آن‌ها به آن ایمان می‌آورند. هر کس از دستجات که قبول نکند جهنم وعده‌گاه او است. از درستی آن در تردید نباش. آن حقیقتی از خداوند تو است ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (۱۷) چه کسی ظالم‌تر از کسی است که دروغی را به خدا نسبت دهد (افترا بزند)؟ چنین افرادی به خداوندشان عرضه می‌شوند و شاهدی می‌گویند: این‌ها کسانی هستند که بر خداوندشان دروغ بستند. بدانید که لعنت خدا بر افراد ظالم است. (۱۸) افراد ظالمی که مردم را از راه خدا بازمی‌دارند و دنبال منحرف‌ساختن آن می‌روند و منکر آخرت هستند. (۱۹)

آن‌ها خدا را در زمین عاجز نمی‌کنند و اولیایی غیر از خدا ندارند. عذاب آن‌ها دوبرابر می‌شود. آن‌ها نمی‌توانستند (حقیقت را) بشنوند و آن را نمی‌دیدند. (۲۰) آن‌ها خودشان را دچار ضرر کرده‌اند (دچار عذاب کرده‌اند) و آنچه به هم بافته‌اند گم شده. (۲۱) ناچار آن‌ها در آخرت زیانکارترین افراد هستند. (۲۲) افرادی که ایمان آوردند و کار درست کردند و نسبت به خدا متواضع بودند اهل بهشت هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۳) حکایت دو دسته مثل کور و کر با بی‌نا و شنوا است. آیا آن‌ها با هم مساوی هستند؟ آیا توجه پیدا نمی‌کنید؟ (۲۴) نوح را پیش قومش فرستادیم و به آن‌ها گفت: من شما را به طور آشکاری بیم می‌دهم. (۲۵) فقط خدا را بندگی کنید (مطیع محض و بی‌چون و چرای هیچ‌کس و هیچ مقامی غیر از خدا نباشید)، من بر شما از عذاب روز دردناک می‌ترسم. (۲۶) سران کافر قومش گفتند: تو را انسانی مثل خودمان می‌بینیم و پیروان تو را افرادی فرومایه و کم‌عقل می‌بینیم، برای شما امتیازی بر خودمان نمی‌بینیم، بلکه گمان می‌کنیم شما افراد دروغگویی هستید. (۲۷) نوح گفت: ای قوم من، چه می‌گویید اگر من بر دلیل روشنی از خداوندم باشم و به لطف خودش رحمتی به من کرده باشد که بر شما پوشیده است، آیا در حالی‌که شما از آن خوشتان نمی‌آید ما شما را به آن وادار کنیم؟ (۲۸)

ای قوم من، من به خاطر رسالتم مزدی از شما نمی‌خواهم. پاداش من با خدا است و من کسانی را که ایمان آورده‌اند از خود دور نمی‌کنم. آن‌ها خداوندشان را ملاقات می‌کنند، ولی شما را افراد نادانی می‌بینم. (۲۹) اگر من آن‌ها را از خود برانم چه کسی مرا در مقابل خدا یاری می‌کند؟ آیا متوجه نیستید؟ (۳۰) به شما نمی‌گویم که گنج‌های خدا پیش من است، غیب هم نمی‌دانم، و نمی‌گویم که من فرشته‌ام، و درباره کسانی که در پیش چشم شما خوار هستند نمی‌گویم که خدا هرگز به آن‌ها خیری نمی‌رساند. خدا از آنچه در دل آن‌ها است بهتر خبر دارد، اگر من آن‌ها را از خود برانم از ستمگران خواهم بود. (۳۱) گفتند: ای نوح، با ما بحث (بگویم) کردی و زیاد بگویم‌گویی، اگر راست می‌گویی عذابی را که وعده می‌دهی برای ما بیاور. (۳۲) نوح گفت: اگر خدا بخواهد آن را برای شما می‌آورد و شما نمی‌توانید جلوی آن را بگیرید. (۳۳) اگر خدا بخواهد شما را به اشتباه اندازد، اگر چه من بخواهم شما را نصیحت کنم، نصیحت کردن من نفعی برای شما ندارد. صاحب‌اختیار شما خداست و پیش او برگردانده می‌شوید. (۳۴) آیا می‌گویند: این حرف‌ها را به هم بافته؟ بگو: اگر من آن‌ها را به هم بافته باشم، گناهش بر عهده من است و من از گناه‌هایی که شما می‌کنید برکنار هستم. (۳۵) به نوح وحی شد که غیر از آن‌هایی که ایمان آورده‌اند کسی از قومت به تو ایمان نمی‌آورد، بنابراین از کارهایی که آن‌ها کرده‌اند غمگین نباش. (۳۶) و کشتی را زیر نظر و وحی ما بساز و در مورد ستمکاران با من حرف نزن. آن‌ها غرق خواهند شد. (۳۷)

نوح کشتی را می‌ساخت، هر وقت سران قومش از کنار او می‌گذشتند او را مسخره می‌کردند. نوح گفت: اگر ما را مسخره می‌کنید، ما هم شما را مسخره خواهیم کرد همان‌طور که ما را مسخره می‌کنید. (۳۸) خواهید دانست عذاب خوارکننده به چه کسی خواهد رسید و عذاب دایمی بر او وارد خواهد شد. (۳۹) تا وقتی که فرمان ما صادر شد و آب از تنور فوران کرد. به نوح گفتیم: از هر زوجی دوتا و خانواده‌ات و افراد باایمان را سوار کن، به غیر از کسی که قبلاً درباره او تصمیم گرفته شده. افرادی که به او ایمان آورده بودند فقط تعداد کمی بودند. (۴۰) نوح گفت: سوار آن شوید، حرکت کردن و لنگرانداختن آن به نام خدا است، خداوند من آمرزنده مهربان است. (۴۱) کشتی در میان موجی به بلندی کوه آن‌ها را می‌برد. نوح پسرش را که در کناری ایستاده بود صدا زد و گفت: پسرم با ما سوار شو و از بی‌ایمان‌ها نباش. (۴۲) پسرش گفت: به کوهی پناه می‌برم، مرا از آب حفظ می‌کند. نوح گفت: امروز به جز کسی که خدا به او رحم کرده، کسی که انسان را از فرمان خدا حفظ کند وجود ندارد. موج بین آن‌ها قرار گرفت و پسرش غرق شد. (۴۳) گفته شد: ای زمین آبت را ببلع، و ای آسمان نیار. آب فروکش کرد و کار تمام شد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و گفته شد: مردمی که ظلم می‌کنند (از رحمت خدا) دور باشند. (۴۴) نوح خداوندش را صدا زد و گفت: خداوندا، پسرم از خانواده من است و وعده تو حق است و تو بهترین حکم‌کننده‌ای. (۴۵)

خدا گفت: ای نوح، او از خانواده تو نیست، او بدکار است، بنابراین درباره آنچه که نمی‌دانی از من چیزی نخواه، من به تو نصیحت می‌کنم که نادان نباش. (۴۶) نوح گفت: من از این‌که چیزی را که نمی‌دانم از تو بخواهم به تو پناه می‌برم، اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود. (۴۷) گفته شد: ای نوح، با سلامتی و برکت‌های ما، بر خودت و گروه‌هایی که با تو هستند، پیاده شو. آن‌ها امت‌هایی خواهند بود که ایشان را بهره‌مند می‌کنیم و بعد از طرف ما عذاب دردناکی به آن‌ها خواهد رسید. (۴۸) این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم. تو و قومت قبلاً از آن اطلاع نداشتید، بنابراین صبر کن چون عاقبت به نفع افراد پرهیزکار است. (۴۹) به سوی قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم. او گفت: ای قوم من، خدا را بندگی کنید. معبودی (کسی‌که در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کنید و از دستورهای او بدون چون و چرا پیروی کنید) غیر از او برای شما وجود ندارد. شما دروغ سر هم می‌کنید (چون معبودی جز او وجود ندارد). (۵۰) ای قوم من، من برای هدایت‌کردن شما مزدی نمی‌خواهم. مزد من فقط بر عهده خدایی است که مرا آفرید. آیا نمی‌فهمید؟ (۵۱) ای قوم من، (به‌خاطر گناهان گذشته خودتان) از خداوندتان آمرزش بطلبید و به اطاعت از دستور و نظر او برگردید تا آسمان باران زیادتری ببارد و نیروی شما را بیشتر کند و گناه‌کارانه از این کار روگردان نباشید. (۵۲) گفتند: ای هود، دلیل روشنی (معجزه‌ای) برای ما نیاوردی، ما با حرف‌های تو دست از خدایان خودمان بر نمی‌داریم و حرف‌های تو را قبول نداریم. (۵۳)

ما فقط می‌گوییم: بعضی از خدایان ما آسیبی به تو رسانده‌اند. هود گفت: من خدا را شاهد می‌گیرم و شما هم شاهد باشید که من از آنچه شریک او می‌سازید برکنار و بیزارم. (۵۴) هر نقشه‌ای که دارید برایم بکشید و به من مهلت ندهید. (۵۵) من به خدایی که صاحب‌اختیار من و شماست توکل کرده‌ام. هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این‌که زمامش به دست خداست. خدای من بر راه راست است. (۵۶) اگر قبول نکنید، من وظیفه‌ای را که برای آن نزد شما فرستاده شده‌ام انجام داده‌ام و خدای من قوم دیگری را جانشین شما می‌کند و شما ذره‌ای به او ضرر نمی‌زنید. خدای من حافظ هر چیزی است. (۵۷) چون فرمان ما صادر شد، هود و کسانی که با او ایمان آورده بودند به رحمت خودمان نجات دادیم و آن‌ها را از عذاب سخت رهانیدیم. (۵۸) این قوم عاد است که منکر آیات خداوندشان شدند و از پیغمبران خدا اطاعت نکردند و از فرمان هر مستبد ستیزه‌جویی پیروی کردند. (۵۹) در این دنیا و روز قیامت لعنت به دنبال خود داشتند. بدانید که قوم عاد منکر خدایشان شدند، و لعنت بر عاد، قوم هود است. (۶۰) برای قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که به آن‌ها گفت: ای قوم من، خدا را بندگی کنید، معبودی غیر از او برای شما نیست. او شما را از زمین آفرید که آن را آباد کنید بنابراین از او طلب آمرزش کنید و به سوی او برگردید، چون خداوند من نزدیک است و دعا را اجابت می‌کند. (۶۱) گفتند: ای صالح، قبل از این به تو امید داشتیم، آیا ما را از عبادت آنچه پدرانمان عبادت می‌کنند نهی می‌کنی؟ ما به این چیزی که ما را به آن دعوت می‌کنی کاملاً شک داریم. (۶۲)

صالح گفت: ای قوم من، اگر من بر دلیل روشنی از خداوندم باشم و از لطف خودش رحمتی به من کرده باشد، چه می‌گویید؟ اگر نافرمانی او را بکنم، چه کسی مرا در مقابل خدا یاری می‌کند؟ شما جز ضرر بر من نمی‌افزایید. (۶۳) ای قوم من، این شتر ماده مال خداست. در آن نشانه‌ای برای شما وجود دارد. بگذارید در زمین خدا بچرد و آزاری به او نرسانید، چون (اگر آن را اذیت کنید) به زودی دچار عذاب خواهید شد. (۶۴) آن‌ها شتر را کشتند. صالح به آن‌ها گفت: سه روز در خانه‌های خود زندگی کنید، این وعده دروغی نیست. (۶۵) چون فرمان ما صادر شد، به لطف خودمان صالح و افرادی را که با او ایمان آورده بودند از خواری آن روز نجات دادیم، چون خداوند تو قوی و توانا است. (۶۶) ستمکاران دچار صیحه (صدای رعدآسا) شدند و صبحگاهان در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۶۷) مثل این‌که هرگز در آنجا نبوده‌اند. بدانید که قوم ثمود منکر خداوندشان شدند. بدانید که قوم ثمود لعنت شدند. (۶۸) فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند و گفتند: سلام. ابراهیم گفت: سلام. طولی نکشید که ابراهیم گوساله بریانی برای آن‌ها آورد. (۶۹) چون دید دست‌های آن‌ها برای خوردن آن دراز نمی‌شود فکر کرد که نظر خوبی ندارند و احساس ترسی از آن‌ها کرد. آن‌ها گفتند: نترس، ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم. (۷۰)

زن ابراهیم که ایستاده بود خندید. ما مژده اسحاق و بعد از او یعقوب را به او دادیم. (۷۱)

گفت: وای بر من، آیا من در حالی که پیرم و شوهرم هم پیر است بچه ای می‌زایم؟ این چیز عجیبی است. (۷۲) آن‌ها گفتند: آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت خدا و برکاتش شامل حال خانواده شماست. براستی خدا ستوده و بزرگواری است. (۷۳) وقتی ترس ابراهیم از بین رفت و مژده به او رسید، با ما به بحث کردن درباره قوم لوط پرداخت. (۷۴) چون ابراهیم بردبار و دل‌رحم و بازگشت‌کننده بود. (۷۵) گفتند: ای ابراهیم، از این بگذر، چون فرمان خداوند صادر شده و عذاب حتمی که ردش نمی‌توانی نیست برای آن‌ها خواهد آمد. (۷۶) چون فرستادگان ما پیش لوط آمدند، برای آن‌ها ناراحت شد، چون قدرت حمایت از آن‌ها را نداشت. گفت: امروز روز سختی است. (۷۷) قوم او با سرعت به طرف او آمدند و قبلاً کارهای زشت (همجنس‌بازی) می‌کردند. لوط به آن‌ها گفت: ای قوم من، این‌ها دختران من هستند، آن‌ها برای شما پاک‌تر هستند، از خدا بترسید و مرا پیش مهمانانم خوار نکنید، آیا مرد فهمیده ای در بین شما نیست؟ (۷۸) گفتند: می‌دانی که ما حقی در مورد دختران تو نداریم و می‌دانی چه می‌خواهیم. (۷۹) لوط گفت: کاش نیرویی در مقابل شما داشتم یا می‌توانستم به تکیه‌گاه محکمی پناه ببرم. (۸۰) مهمانان گفتند: ای لوط، ما فرستادگان خداوند تو هستیم، آن‌ها به تو دسترسی ندارند، بنابراین خانواده‌ات را در پاسی از شب حرکت بده و کسی از شما به پشت سرش نگاه نکند، مگر همسرت، چون او به عذاب آن‌ها گرفتار می‌شود. موعده آن‌ها هم صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟ (پس عجله کن). (۸۱)

چون فرمان ما صادر شد، شهر را زیر و رو کردیم و بر آن‌ها پی در پی بارانی از سنگ‌های گلی بارانیدیم. (۸۲) سنگ‌هایی که پیش خداوند نشاندار بود. چنین عذابی از ستمکاران دور نیست. (۸۳) و به شهر مدین برادرشان شعیب را فرستادیم. شعیب به آن‌ها گفت: ای قوم من، خدا را بندگی کنید (بنده کسی جز خدا نباشید)، معبودی (کسی که لایق آن باشد که در مقابلش احساس و ابراز کوچکی کنید و بدون چون و چرا از دستورهایش اطاعت کنید) جز او وجود ندارد. و از پیمان‌ه و ترازو کم نگذارید. من وضع مالی شما را خوب می‌بینم و برای شما از عذاب روزی که همه را دربرمی‌گیرد می‌ترسم. (۸۴) ای قوم، پیمان‌ه و وزن را به عدالت کامل بدهید و از حق مردم چیزی کم نگذارید و در زمین خرابکاری نکنید. (۸۵) اگر ایمان داشته باشید، سود حلالی که خدا برای شما باقی می‌گذارد برایتان بهتر است، و من نگرانی شما نیستم. (۸۶) گفتند: ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که ما از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند دست برداریم؟ یا آنطور که دل‌مان می‌خواهد در اموال خودمان دخل و تصرف نکنیم؟ تو آدم بردبار و فهمیده ای هستی. (این حرف‌ها از تو بعید است). (۸۷) شعیب گفت: نظر شما چیست و چه می‌گویید اگر من بر دلیل روشنی از خداوند باشم و خدا رزق خوبی از جانب خودش روزی من ساخته باشد؟ من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن نهی می‌کنم با شما مخالفتی بکنم. من جز اصلاح چیزی نمی‌خواهم، آن هم تا آنجا که از دستم برآید و موفقیت من در این کار با خدا است. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او برمی‌گردم. (۸۸)

ای قوم من، مخالفت با من شما را به کاری و ندارد که مثل مصیبتی که به قوم نوح و هود و صالح وارد شد به شما هم برسد. قوم لوط هم از شما چندان فاصله ای ندارند. (۸۹) از خداوندتان (به خاطر گناهان گذشته و بت‌پرستی خودتان) طلب آمرزش کنید و به اطاعت از او برگردید، چون خداوند من مهربان و دوستدار توبه‌کنندگان است. (۹۰) گفتند: ای شعیب، مقدار زیادی از این حرف‌هایی که می‌زنی نمی‌فهمیم و تو را در بین خود ضعیف می‌بینیم، اگر خانواده تو نبودند تو را سنگسار می‌کردیم و تو تسلطی بر ما نداری. (۹۱) شعیب گفت: آیا خانواده من پیش شما بیشتر از خدا قدرت دارند که خدا را پشت سر خود انداخته‌اید (توجهی به خدا ندارند)؟ خداوند من از کارهایی که می‌کنید اطلاع کامل دارد. (۹۲) ای قوم من، هر کاری که از دستتان برمی‌آید بکنید، من هم کار خودم را می‌کنم و در آینده خواهید دانست که عذابی که خوارکننده است سراغ چه کسی می‌آید و دروغگو کیست. شما انتظار بکشید، من هم با شما انتظار می‌کشم. (۹۳) چون فرمان ما صادر شد با رحمت خودمان شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند نجات دادیم و صدای رعد شدیدی کسانی را که ظلم می‌کردند در بر گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۹۴) مثل این‌که

اصلاً در آن نبوده‌اند. بدانید مدین نابود شد، همانگونه که قوم ثمود نابود شد. (۹۵) موسی را با آیات و دلیل روشن پیش فرعون و سران قومش فرستادیم. سران قومش از دستور فرعون پیروی کردند، در صورتی که دستور او درست نبود. (۹۶ و ۹۷)

روز قیامت جلوی قومش حرکت می‌کند و آن‌ها را وارد آتش جهنم می‌کند. جهنم جای بدی برای واردشوندگان آن می‌باشد. (۹۸) آن‌ها در دنیا و روز قیامت لعنت (دور بودن از رحمت خدا) را به دنبال خود دارند. بد چیزی به آن‌ها داده شده. (۹۹) این قسمتی از خبر مردم شهرها است که داستان آن را برای تو می‌گوییم. مقداری از آن‌ها هنوز سرپا است و مقداری از آن‌ها ویران شده. (۱۰۰) ما به آن‌ها ظلم نکردیم ولی آن‌ها به خودشان ظلم کردند. و وقتی فرمان خداوند صادر شد، خدایانی که به غیر از خدا به کمک می‌خواندند، ذره‌ای به کار آن‌ها نیامدند و چیزی غیر از نابودی بر آن‌ها نیفزودند. (۱۰۱) مجازات خداوند تو وقتی که شهرهایی را که ستمگر بودند دچار عذاب کرد به این ترتیب بود. عذاب خدا بسیار دردآور است. (۱۰۲) در این سرگذشت‌ها برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد، نشانه‌ای وجود دارد. روز آخرت روزی است که مردم در آن جمع می‌شوند و روزی است دیدنی. (۱۰۳) ما فقط آن را تا مدت محدودی عقب می‌اندازیم. (۱۰۴) وقتی آن روز بیاید، هیچکس جز با اجازه خدا صحبت نمی‌کند. در آن روز عده‌ای بدبختند و عده‌ای خوشبخت. (۱۰۵) اما بدبخت‌ها در آتش هستند و در آن فریاد و ناله دارند. (۱۰۶) تا وقتی آسمان‌ها و زمین باقی است در آن خواهند بود مگر تا آنجا که خداوند بخواهد. چون خداوند هر کاری که بخواهد می‌کند. (۱۰۷) اما خوشبخت‌ها تا آسمان‌ها و زمین وجود دارد در بهشت باقی خواهند بود، تا وقتی که خداوند بخواهد. بخشش خداوند قطع‌شدنی نیست. (۱۰۸)

از آنچه این‌ها می‌پرستند دچار تردید نباش. آن‌ها فقط چیزهایی را که پدرانشان قبلاً می‌پرستیدند عبادت می‌کنند. ما سهم ایشان را بدون نقص به آن‌ها خواهیم داد. (۱۰۹) به موسی کتاب دادیم، اما درباره آن اختلاف بوجود آمد. اگر سخن قبلی خداوند نبود در میان آن‌ها قضاوت می‌شد. آن‌ها شدیداً درباره آن دچار شک هستند. (۱۱۰) خداوند حتماً جزای اعمال آن‌ها را به طور کامل به آن‌ها خواهد داد. او از آنچه می‌کنند آگاه است. (۱۱۱) همان‌طور که به تو دستور داده شده، خودت و کسانی که با تو توبه کردند استقامت داشته باشید و طغیان نکنید، چون خدا از کارهایی که می‌کنید خبر دارد. (۱۱۲) و تمایلی به افراد ظالم پیدا نکنید، چون دچار آتش جهنم می‌شوید و غیر از خدا مددکاری برای شما وجود نخواهد داشت و به شما کمکی نخواهد شد. (۱۱۳) نماز را در دو طرف روز و پاره‌ای از شب برپا دار. مسلماً خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد. این تذکری است برای افرادی که تذکر را می‌پذیرند. (۱۱۴) استقامت داشته باش، چون خدا پاداش نیکوکاران را از بین نمی‌برد. (۱۱۵) چرا در بین امت‌هایی گذشته، به جز عده محدودی که ما نجاتشان دادیم، افراد عاقلی نبودند که مردم را از فساد در زمین نهی کنند؟ ستمکاران دنبال بهره‌وری از نعمتی که به آن‌ها دادیم رفتند و گناه‌کار بودند. (۱۱۶) خداوند تو شهرهایی را که مردم آن درستکار باشند، از روی ظلم نابود نمی‌کند. (۱۱۷)

اگر خداوند می‌خواست مردم را امت واحدی می‌کرد ولی آن‌ها همیشه با هم اختلاف دارند. (۱۱۸) مگر کسانی که خداوند به آن‌ها لطف کرده باشد. و خدا مردم را برای همان (مختلف بودن) آفریده است. سخن خداوند قطعی است که حتماً جهنم را از جن‌ها و آدم‌ها پر می‌کنم. (۱۱۹) از اخبار پیغمبران، داستان‌هایی را برای تو نقل می‌کنیم که دلت را با آن محکم کنیم. در این داستان‌ها حقیقت وجود دارد و پند و تذکری برای افراد باایمان است. (۱۲۰) به افرادی که ایمان ندارند بگو: تا آنجا که می‌توانید عمل کنید، ما هم کار خود را می‌کنیم. (۱۲۱) و منتظر باشید، ما هم ومنتظریم. (۱۲۲) غیب آسمان‌ها و زمین در اختیار خداست و تمام کارها به او برگردانده می‌شود، بنابراین فقط او را بندگی کن (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای هیچکس جز او نباش) و بر او توکل کن. خداوند از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۱۲۳)

سوره یوسف (۱۲)

مکی و شامل یکصد و یازده آیه

به نام خداوند بخشنده مهربان

الر. این آیات کتاب روشن است. (۱) ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا آن را بفهمید (چون زبان مردم عربی بود). (۲) (ای پیغمبر،) ما با وحی کردن این قرآن به تو، بهترین داستان را برایت نقل می‌کنیم، در صورتی که قبلاً از آن اطلاعی نداشتی. (۳) هنگامی که یوسف به پدرش گفت: پدر، من خواب دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه به من سجده می‌کردند. (۴)

پدرش گفت: فرزندم، خوابت را به برادرانت نگو چون نقشه بدی برای تو می‌کشند، چون شیطان دشمن آشکار انسان است. (۵) خداوندت به این ترتیب تو را برمی‌گزیند و تعبیر خواب را به تو یاد می‌دهد و نعمتش را بر تو و خانواده یعقوب (پدرت) تمام می‌کند. همان‌طور که قبلاً بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرده بود، چون خداوند تو دانا و حکیم است. (۶) در داستان یوسف و برادرانش آیاتی (نشانه‌ها و علاماتی) برای سؤال‌کنندگان وجود دارد. (۷) هنگامی که برادرانش گفتند: یوسف و برادرش (بنیامین) پیش پدرمان از ما محبوبتر هستند، در صورتی که ما افراد نیرومندی هستیم. پدرمان کاملاً در اشتباه است. (۸) یوسف را بکشید یا در سرزمین (دیگری) بیاندازید، آن وقت توجه پدرتان کاملاً به شما خواهد بود و بعد از آن آدم‌های درستکاری باشید. (۹) یکی از آن‌ها (روبین پسر ارشد یعقوب) گفت: یوسف را نکشید، (اگر می‌خواهید کاری بکنید) او را در ته چاهی بیاندازید تا قافله‌ای او را پیدا کند (و با خود ببرد). (۱۰) برادران گفتند: پدر، چرا درباره یوسف به ما اطمینان نداری؟ ما خیرخواه او هستیم. (۱۱) فردا او را با ما بفرست تا در چمن صحرا بگردد و بازی کند. ما از او محافظت می‌کنیم. (۱۲) یعقوب گفت: وقتی او را ببرید من غمگین می‌شوم و می‌ترسم که شما از او غافل بشوید و گرگ او را بخورد. (۱۳) گفتند: اگر گرگ او را بخورد در حالی که ما قدرتمند هستیم، آن وقت ما از زیانکاران خواهیم بود. (۱۴)

چون او را بردند و (هم عقیده) شدند که او را به ته چاه بیاندازند، به یوسف وحی کردیم که آن‌ها را به نتیجه این کارشان آگاه خواهی کرد و آن‌ها این را نمی‌دانند. (۱۵) شب، برادران در حالی که گریه می‌کردند پیش پدر آمدند. (۱۶) گفتند: پدر ما رفتیم که با هم مسابقه بدهیم و یوسف را پیش اسباب‌هایمان گذاشتیم و گرگ او را خورد. می‌دانیم، با وجودی که راست می‌گوییم، حرف ما را قبول نمی‌کنی. (۱۷) پیراهن یوسف را آلوده با خون ساختگی پیش پدر آوردند. یعقوب گفت: نفس شما کار زشتی را در نظرتان زیبا ساخته است، پس غیر از صبری نیکو چاره‌ای نیست و از خدا برای این چیزی که می‌گویید باید کمک خواست (چون به خواب یوسف ایمان داشت). (۱۸) قافله‌ای آمد و مسؤول تهیه آب خود را فرستادند. او دلوش را به چاه انداخت که آب بکشد، (چون متوجه یوسف شد) فریاد زد: مژده، این يك پسر است. او را به عنوان کالایی پنهان کردند، در صورتی که خدا می‌دانست چه کار می‌کنند. (۱۹) یوسف را به قیمت کمی، به چند درهم، فروختند چون علاقه‌ای به یوسف نداشتند. (۲۰) کسی از اهالی مصر که او را خریده بود به زنش گفت: از او خوب نگهداری کن شاید برای ما مفید باشد یا او را به فرزندی قبول کنیم. ما به این شکل یوسف را در زمین به قدرت رساندیم تا تعبیر خواب را به او یاد دهیم. خداوند بر کارش مسلط است، ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۲۱) چون یوسف به حد رشد رسید به او حکمت و دانش عطا کردیم. ما این‌طور به نیکوکاران پاداش می‌دهیم. (۲۲)

زنی که یوسف در خانه‌اش بود خواست از او کامجویی کند، لذا درها را بست و گفت: بیا. یوسف گفت: به خدا پناه می‌برم که صاحب‌اختیار من است و منزلتی نیکو به من عطا کرده، او کسانی را که ظلم می‌کنند رستگار نمی‌کند. (۲۳) همسر اربابش قصد او را کرد. اگر یوسف برهان خداوندش را ندیده بود او هم قصد وی را می‌کرد. ما به این ترتیب بدی و بدکاری را از او برگرداندیم، چون او از بندگان مخلص ما بود. (۲۴) هر دو به طرف در دویدند (یوسف برای فرار و زن برای گرفتن او) و پیراهن یوسف را از پشت پاره کرد. دم در شوهر زن را یافتند. زن گفت: مجازات کسی که به زن تو نظر بد داشته باشد چه چیزی غیر از زندان یا عذاب دردناک است؟ (۲۵) یوسف گفت: او می‌خواست با من رابطه داشته باشد. شخصی از خانواده زن شهادت داد که اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد، زن راست می‌گوید و یوسف

دروغ می‌گوید. (۲۶) و اگر پیراهن او از پشت پاره شده باشد، زن دروغ می‌گوید و یوسف راست می‌گوید. (۲۷) چون شوهر زن دید که پیراهن یوسف از پشت پاره شده گفت: این کار از نقشه‌های فریبکارانه شما زنان است، حقه‌بازی‌های شما بزرگ است. (۲۸) یوسف، از این پیشامد بگذر و ای زن، به‌خاطر گناهت از خدا طلب آمرزش کن، چون تو خطاکار بوده‌ای. (۲۹) بعضی از زنان در شهر گفتند: زن عزیز می‌خواسته از غلامش کامجویی کند. عاشق غلامش شده، ما او را کاملاً در گمراهی می‌بینیم. (۳۰)

چون زن عزیز حرف ایشان را شنید، کسی را پیش آن‌ها فرستاد (دعوتشان کرد) و برای آن‌ها تکیه‌گاهی آماده کرد و به دست هر يك از آن‌ها کاردی داد و به یوسف گفت: پیش آن‌ها برو. چون یوسف را دیدند در نظرشان بزرگ (بالاتر از آن‌که تصور می‌کردند) آمد و دست‌هایشان را بریدند و گفتند: «خدا پاک است»، این بشر نیست، این فرشته بزرگواری است. (۳۱) زن عزیز گفت: این همان کسی است که به‌خاطر او مرا ملامت می‌کردید. من از او کام خواستم، ولی او خودداری کرد. اگر آنچه رابه او دستور می‌دهم انجام ندهد، زندانی و خوار خواهد گردید. (۳۲) یوسف گفت: خداوندا، من زندان را بیشتر از انجام کاری که مرا به آن دعوت می‌کنند، دوست دارم. اگر نقشه پلید آن‌ها را از من دفع نکنی به اطاعت آن‌ها کشیده می‌شوم و از نادانان خواهم بود. (۳۳) خداوندش دعایش را اجابت کرد و نقشه آن‌ها را دفع کرد، چون او شنوا و دانا است. (۳۴) بعد از این‌که دلایل پاکدامنی یوسف برای آن‌ها آشکار شد، تصمیم گرفتند او را مدتی زندانی کنند. (۳۵) با یوسف دو جوان وارد زندان شدند. یکی از آن‌ها گفت: من خواب دیدم که شراب می‌گیرم. دیگری گفت: من خواب دیدم که نان روی سرم گذاشته و می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند. تأویل آن را برای ما بگو، زیرا تو را آدم نیکوکاری می‌بینیم. (۳۶) یوسف گفت: قبل از این‌که غذای روزانه شما را بیاورند، تأویل خواب شما را به شما می‌گویم. این تأویل خواب از چیزهایی است که خداوند به من یاد داده. من دین کسانی را که به خدا ایمان ندارند و منکر آخرت هستند ترک کرده‌ام. (۳۷)

و از دین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی می‌کنم. سزاوار ما نیست که چیزی را شریک خدا سازیم. این از لطف خدا به ما و تمام مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (۳۸) ای دوستان هم‌زندان من، آیا ارباب‌های مختلف بهترند یا خدای واحد توانا؟ (۳۹) شما اسم‌هایی را که خودتان و پدرانتان گذاشته‌اید بندگی می‌کنید. خدا هیچ دلیلی برای آن نازل نکرده. حکم فقط متعلق به خداست، امر کرده که فقط او را بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی چون و چرای دستورهای هیچ‌کس غیر از او نباشید). دین درست چنین دینی است، ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۴۰) ای دوستان هم‌زندان من، یکی از شما به اربابش شراب می‌دهد، اما دیگری به دار زده می‌شود و پرندگان گوشت سرش را می‌خورند. حکم درباره خوابی که از من تعبیرش را خواستید صادر شده. (۴۱) یوسف به کسی که امید نجاتش را داشت گفت که پیش اربابت درباره من حرف بزن. اما شیطان ذکر یوسف را پیش اربابش از خاطر او برد، در نتیجه یوسف چند سال در زندان ماند. (۴۲) پادشاه (فرعون مصر) گفت: من هفت گاو چاق در خواب دیدم که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک دیدم. ای بزرگان قوم، اگر تعبیر خواب را می‌دانید درباره خواب من نظر بدهید. (۴۳)

گفتند: خواب پریشان و پراکنده بوده و ما تعبیر خواب‌های درهم و پریشان را نمی‌دانیم. (۴۴) یکی از آن دو هم‌زندانی یوسف که نجات یافته بود پس از مدتی یوسف را به یاد آورد و گفت: من شما را از تأویل آن آگاه می‌کنم، مرا بفرستید. (۴۵) (پیش یوسف رفت و گفت:) یوسف، ای مرد راستگو، نظر خود را درباره هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک به من بگو تا من پیش مردم برگردم و آن‌ها تعبیر آن را بدانند. (۴۶) یوسف گفت: هفت سال پشت سر هم مطابق معمول می‌کارید و هر چه درو کردید در خوشه باقی بگذارید به‌جز مقدار کمی که می‌خورید. (۴۷) بعد از آن هفت سال سخت پیش می‌آید که آنچه برای آن سال‌ها ذخیره کرده‌اید خواهد خورد، به‌جز مقداری کمی که (برای کاشتن) نگه می‌دارید. (۴۸) بعد از آن سالی می‌رسد که (باران می‌بارد) و به داد مردم می‌رسد. در آن سال آب میوه‌ها را می‌گیرند. (۴۹) فرعون گفت: یوسف را پیش من بیاورید. چون فرستاده فرعون پیش یوسف رفت، یوسف به او گفت: پیش اربابت برگرد و از او بپرس حال زنانی که دستشان را بریدند چه بود؟ خداوند من از نقشه‌های

آن‌ها باخبر است. (۵۰) فرعون (به زنان) گفت: وقتی از یوسف کام خواستید چه شد؟ گفتند: «خدا پاک است»، ما هیچ بدی از او سراغ نداریم. زن عزیز گفت: حالا حقیقت آشکار شد، من از او کام خواستم و یوسف راست می‌گوید. (۵۱) یوسف گفت: این تقاضای من (به بازجویی) برای این بود که شوهرش بداند که من در غیاب او به او خیانت نکرده‌ام و خدا نقشه خائنین را به نتیجه نمی‌رساند. (۵۲)

من خودم را تبرئه نمی‌کنم، چون طبیعت بشر به کارهای بد امر می‌کند، مگر این‌که خداوند من رحمی کند، چون خداوند من آمرزنده مهربان است. (۵۳) فرعون گفت: یوسف را بیاورید تا از خواص خود گردانم. وقتی با یوسف حرف زد گفت: امروز پیش ما ارجمند و امین هستی. (۵۴) یوسف گفت: مرا سرپرست خزانه‌های سرزمین مصر کن، من نگهبان دانایی هستم. (۵۵) ما به این ترتیب یوسف را در زمین به قدرت رساندیم تا در هر جای مصر که بخواهد منزل کند. ما رحمت خود را به هر کس که بخواهیم می‌رسانیم و پاداش افراد نیکوکار را ضایع نمی‌کنیم. (۵۶) و پاداش آخرت برای افراد باایمانی که پرهیزکار باشند خیلی بهتر است. (۵۷) برادران یوسف (در زمان قحطی برای گرفتن گندم به مصر) آمدند و بر او وارد شدند. یوسف آن‌ها را شناخت، در صورتی که آن‌ها او را نمی‌شناختند. (۵۸) چون یوسف آن‌ها را با بارشان مجهز کرد، به آن‌ها گفت: برادری از پدر خود دارید (نابرادریتان) او را پیش من بیاورید، آیا نمی‌بینید که من پیمان‌ه را کامل می‌دهم و من بهترین مهماندار هستم؟ (۵۹) اگر او را پیش من نیاورید، پیش من پیمان‌ه‌ای (گندمی) ندارید و به من نزدیک نشوید (پیش من نیایید). (۶۰) گفتند: او را از پدرش خواهیم خواست و ما این‌کار را می‌کنیم. (۶۱) یوسف به غلامانش گفت: سرمایه‌های آن‌ها را در بارشان بگذارید، شاید وقتی پیش خانواده خود برگشتند متوجه آن بشوند و برگردند. (۶۲) چون پیش پدرشان برگشتند، گفتند: پدر، دیگر به ما گندم نمی‌دهند، برادرمان را با ما بفرست تا گندم بگیریم و ما از او محافظت می‌کنیم. (۶۳)

گفت: آیا به شما اطمینان کنم همان‌طور که درباره برادرش قبلاً به شما اطمینان کردم؟ خدا بهترین نگهبان و مهربان‌تر از همه مهربان‌ها است. (۶۴) چون بارهای خود را باز کردند، سرمایه خود را در آن پیدا کردند که به آن‌ها برگردانده شده بود. گفتند: پدر، دیگر چه می‌خواهیم، این پول ما است که به ما برگردانده شده. ما برای خانواده خود غذای بیشتری تهیه می‌کنیم و از برادرمان نگهداری می‌کنیم و یک بار شتر هم اضافه می‌گیریم. این یک بار پیش آن‌ها بار کمی است. (۶۵) یعقوب گفت: تا با قسم به خدا قول محکمی به من ندهید که او را پیش من برمی‌گردانید او را با شما نمی‌فرستم، مگر در موردی که از اراده شما خارج باشد. چون به او قول دادند، یعقوب گفت: خدا بر آنچه می‌گوییم (بر این پیمان) وکیل است. (۶۶) گفت: فرزندانم، از یک دروازه وارد شهر نشوید و از درهای مختلف وارد شوید، من در مقابل خدا (قضای الهی) نمی‌توانم کاری برای شما بکنم. حکم با خداست. بر او توکل کرده‌ام و توکل‌کنندگان باید (فقط) به خدا توکل کنند. (۶۷) وقتی از جایی که پدرشان به آن‌ها دستور داده بود (از دروازه‌های مختلف) وارد شدند، ذره‌ای به درد آن‌ها نخورد مگر این‌که نیازی که یعقوب در دلش داشت برآورده شد. چون یعقوب مطابق آنچه به او آموخته بودیم علمی داشت. ولی بیشتر افراد نمی‌دانند. (۶۸) وقتی بر یوسف وارد شدند، یوسف برادرش را پیش خودش جا داد و به او گفت: من برادرت هستم، نسبت به آنچه آن‌ها کردند ناراحت نباش. (۶۹)

چون بارشان را آماده کرد، پیمان‌ه را در بار برادرش گذاشت، بعد کسی داد زد که ای کاروانیان، شما دزد هستید. (۷۰) برادران یوسف به طرف آن‌ها برگشتند و گفتند: چه چیزی گم کرده‌اید؟ (۷۱) گفتند: ظرف فرمانروا را گم کرده‌ایم، هر کس آن را بیاورد یک بار شتر جایزه دارد و من ضامن آن هستم. (۷۲) گفتند: به خدا قسم که شما می‌دانید ما برای فسادکردن در مصر نیامده‌ایم و ما دزد نیستیم. (۷۳) گفتند: اگر دروغ بگویید، مجازات کسی‌که دزدی کرده باشد چیست؟ (۷۴) گفتند: مجازات کسی‌که جام فرمانروا در بارش پیدا شود، بنده شدن خودش می‌باشد، ما ستمکاران را این‌طور مجازات می‌کنیم. (۷۵) پس قیل از این‌که بار برادرش (بنیامین) را بازرسی کنند، شروع به بازرسی بار آن‌ها کردند و بعد آن را از بار برادرش در آوردند. ما این‌طور برای یوسف نقشه کشیدیم. یوسف مطابق قانون پادشاه مصر حق نداشت برادرش را بازداشت کند مگر این‌که خدا بخواهد. درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و بالاتر از هر دانشمندی، دانشمند دیگری وجود

دارد. (۷۶) گفتند: اگر او دزدی کرده، برادرش هم قبلاً دزدی کرده بود. یوسف حرف آن‌ها را در دل خود نگه داشت و حرفی به آن‌ها نزد و گفت: شما از او بدترید، خدا این چیزی را که می‌گویید بهتر می‌داند. (۷۷) گفتند: ای عزیز، او پدر پیر بزرگی دارد، یکی از ما را به جای او بگیر، ما تو را از افراد نیکوکار می‌بینیم. (۷۸)

گفت: «به خدا پناه می‌برم» که به‌جز دزدی که کالای خود را پیش او پیدا کردیم، کسی را بگیریم. اگر این‌کار را بکنیم ستمکاریم. (۷۹) چون از آن کار مأیوس شدند به گوشه‌ای رفتند و با هم آهسته به صحبت پرداختند. برادر بزرگشان گفت: آیا نمی‌دانید که پدرتان از شما قول محکمی با قید قسم به خدا گرفته است؟ و نمی‌دانید قبلاً با یوسف چه کردید؟ من هرگز از این سرزمین خارج نمی‌شوم تا پدرم به من اجازه دهد یا خدا درباره من حکم کند. او بهترین حکم‌کننده است. (۸۰) پیش پدرتان برگردید بگویید: پدر، پسر دزدی کرد و ما فقط در مورد چیزی که می‌دانستیم شهادت دادیم و ما از غیب خبر نداشتیم (نمی‌دانستیم چه می‌شود). (۸۱) از مردم شهری که در آن بودیم و از قافله‌ای که با آن آمدیم، پرس. ما راست می‌گوییم. (۸۲) یعقوب به آن‌ها گفت: نفس شما کار زشتی را در نظرتان خوب جلوه‌گر ساخته، جز صبری نیکو چاره‌ای نیست. امکان دارد خدا همه آن‌ها را با هم پیش من بیاورد، چون خدا دانا و حکیم است. (۸۳) و رویش را از آن‌ها برگرداند و گفت: افسوس بر یوسف. و چشمش از غصه سفید شد، در حالی‌که غصه‌اش را پنهان می‌کرد. (۸۴) گفتند: به خدا قسم که تو همیشه به یاد یوسف هستی تا مریض یا هلاک شوی. (۸۵) یعقوب گفت: من غم و غصه‌ام را فقط به خدا می‌گویم و از طرف خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید (مطابق خواب یوسف). (۸۶)

فرزندانم، بروید دنبال یوسف و برادرش بگردید و از لطف خدا مأیوس نشوید، چون فقط افراد بی‌ایمان از لطف خدا مأیوس می‌شوند. (۸۷) چون (رفتند و بر یوسف) وارد شدند، گفتند: ای عزیز، به ما و خانواده ما آسیبی رسیده و سرمایه کمی آورده‌ایم. پیمان ما را کامل بده و به ما صدقه بده. خدا به کسانی که صدقه می‌دهند پاداش می‌دهد. (۸۸) یوسف گفت: آیا دانستید که وقتی نادان بودید به یوسف و برادرش چه کردید؟ (۸۹) گفتند: آیا حقیقتاً تو یوسف هستی؟ گفت: من یوسف هستم و این برادر من است، خدا بر ما منت نهاده. مسلماً کسی که پرهیزکار باشد و صبر کند، خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (۹۰) گفتند: به خدا قسم که خدا تو را بر ما برگزیده و ما خطاکار بودیم. (۹۱) یوسف گفت: امروز سرزندی بر شما روا نیست. خدا شما را می‌آمرد، او از همه مهربان‌ها مهربان‌تر است. (۹۲) این پیراهن مرا ببرید و به صورت پدرم بیاندازید، بینا می‌شود، و همه خانواده خود را پیش من بیاورید. (۹۳) چون کاروان راه افتاد، پدرشان گفت: اگر مرا به کم‌عقلی متهم نکنید، من بوی یوسف را حس می‌کنم. (۹۴) گفتند: به خدا قسم تو هنوز در گمراهی سابق خود هستی. (۹۵)

چون مژده‌رسان آمد و پیراهن را روی صورت او انداخت، بینا شد. گفت: آیا به شما نگفتم که من از طرف خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۹۶) پسرانش گفتند: پدر، آمرزش گناه‌های ما را از خدا بخواه، ما خطاکار بودیم. (۹۷) یعقوب گفت: از خداوندم برای شما طلب آمرزش می‌کنم، چون او آمرزنده مهربان است. (۹۸) چون (همگی به مصر رفتند و) بر یوسف وارد شدند، یوسف پدر و مادرش را پیش خود جا داد و گفت: اگر خدا بخواهد با خاطر جمعی وارد مصر شوید. (۹۹) و پدر و مادرش را روی تخت برد و همگی در مقابلش به سجده افتادند. یوسف گفت: پدر، این تعبیر خوابی است که قبلاً دیده بودم. خدا آن را محقق کرد. وقتی خدا مرا از زندان بیرون آورد و شما را از صحرا پیش من آورد، به من احسان کرد، بعد از این‌که شیطان بین من و برادرانم را به هم زد. خداوند من در مورد هر کاری که بخواهد بکند دقیق است، چون او دانا و حکیم است (کارهایش از روی حکمت است). (۱۰۰) خداوند، به من فرمانروایی دادی و تعبیر خواب را به من یاد دادی. ای آفریننده آسمان‌ها و زمین، تو سرور من در دنیا و آخرت هستی. خداوند، مرا مسلمان از دنیا ببر و مرا جزو افراد درستکار گردان. (۱۰۱) این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم. تو وقتی آن‌ها تصمیم می‌گرفتند و نقشه می‌کشیدند، پیش آن‌ها نبود. (۱۰۲) بیشتر مردم، هر قدر هم که علاقه زیادی داشته باشی، ایمان نخواهند آورد. (۱۰۳)

تو برای رسالت خود از آن‌ها مزدی نمی‌خواهی. این قرآن فقط پند و تذکری برای جهانیان (کلیه افراد بشر) می‌باشد. (۱۰۴) چه بسیار نشانه‌هایی که در آسمان‌ها و زمین وجود دارد که مردم از کنار آن رد می‌شوند و رویشان را برمی‌گردانند. (۱۰۵) بیشتر آن‌ها در حالی به خدا ایمان می‌آورند که هنوز مشرک هستند. (۱۰۶) آیا از این‌که عذاب همه‌گیری از جانب خدا سراغ آن‌ها بیاید، خاطرشان جمع است؟ یا از این‌که قیامت در حالی‌که توجهی به آن ندارند سراغ آن‌ها بیاید خاطرشان جمع است؟ (۱۰۷) بگو: این راه من است، من و پیروانم مردم را با بینایی به سوی خدا می‌خوانیم. خدا پاک است و من از افراد مشرک نیستم. (۱۰۸) ما قبل از تو فقط از اهالی شهرها مردانی می‌فرستادیم که به آن‌ها وحی می‌کردیم. آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کار کسانی‌که قبل از آن‌ها بودند چه بود؟ مسلماً خانه آخرت برای افراد پرهیزکار بهتر است، آیا نمی‌فهمید؟ (۱۰۹) موقعی که پیغمبران دچار یأس شدند و فکر کردند که به آن‌ها دروغ گفته شده، یاری ما برای آن‌ها رسید و کسانی را که می‌خواستیم نجات یافتند. عذاب ما از گناه‌کاران برگردانده نمی‌شود. (۱۱۰) در داستان زندگی آن‌ها عبرتی برای افراد خردمند وجود دارد. این‌ها سخنی نیست که سر هم شده باشد، ولی تصدیق کتاب‌های قبلی (تورات و انجیل) است و توضیح هر چیزی و برای افراد باایمان هدایت و رحمت است. (۱۱۱)

سوره رعد (۱۳)

مکی و شامل چهل و سه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

المر. این آیات قرآن است و قرآنی که از خداوندت به تو نازل شده حق است، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (۱) خداست که آسمان‌ها را بدون ستونی که ببینید برافراشت. بعد بر عرش قرار گرفت و خورشید و ماه را مسخر کرد. هر کدام تا مدت معلومی روان هستند. امور را تدبیر می‌کند. آیات را توضیح می‌دهد، شاید به دیدار خداوندتان ایمان بیاورید. (۲) اوست که زمین را گسترش داد و در آن کوه‌ها و نهرها بوجود آورد و از انواع میوه‌ها دو جفت (نر و ماده) در آن قرار داد. روز را با شب می‌پوشاند. در این کار آیاتی (نشانه‌ها و علامت‌هایی) برای افرادی که فکر می‌کنند وجود دارد. (۳) و در زمین قطعه‌هایی کنار هم و باغ‌هایی از انگور و زراعت و خرما، چه یک پایه و چه دو پایه، وجود دارند که با یک آب، سیراب می‌شوند، در صورتی که از لحاظ میوه و طعم بعضی را بر بعضی برتری می‌دهیم. در این‌کار آیاتی (نشانه‌هایی) برای افرادی که عقلشان را به کار می‌برند وجود دارد. (۴) اگر تعجب می‌کنی، تعجب در سخن آن‌ها است که می‌گویند: آیا وقتی که ما خاک شدیم دوباره (برای رسیدگی به حساب خودمان) زنده خواهیم شد؟ آن‌ها کسانی هستند که منکر خداوندشان شدند و زنجیر در گردنشان است. آن‌ها اهل آتش جهنم می‌باشند و همیشه در آن خواهند بود. (۵)

آن‌ها پیش از رحمت، سرعت در عذاب را از تو می‌خواهند، در صورتی که قبل از آن‌ها عذاب‌ها بوده است. خداوند تو به مردم با وجود ظلم آن‌ها آمرزش دارد و خداوند تو یقیناً مجازاتش سخت است. (۶) منکران می‌گویند: چرا نشانه‌ای (آیتی، معجزه‌ای) از خداوندش بر او نازل نشده؟ تو فقط هشداردهنده هستی و هر قومی راهنمایی دارد. (۷) خدا می‌داند هر ماده‌ای چه در شکم دارد و آنچه رحم‌ها کم و زیاد می‌کنند می‌داند و هر چیزی پیش او به اندازه است. (۸) او دانای غیب و آشکار و بزرگ و بلندمرتبه است. (۹) کسی‌که سخن را پنهان کند یا آشکار کند، برای خدا مساوی است. همین‌طور کسی‌که خود را در شب پنهان می‌کند و روز حرکت می‌کند، برای خدا مساوی است. (۱۰) هر کسی تعقیب‌کنندگانی در جلو و پشت سر دارد که او را به امر خدا حفظ می‌کنند. خدا وضع قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر این‌که خود آن قوم آنچه مربوط به خودشان است (یعنی طرز فکر و گفتار و عملشان) را عوض کنند. وقتی خدا بلایی برای قومی بخواهد، هیچ‌کس و هیچ چیز جلوی آن را نمی‌گیرد و هیچ کم‌کننده‌ای غیر از خدا برای آن‌ها وجود ندارد. (۱۱) اوست که برق را، که باعث ترس و امید است، به شما نشان می‌دهد و ابرهای سنگین را بوجود می‌آورد. (۱۲) رعد به ستایش او و فرشتگان نیز از ترس خدا، او را تسبیح می‌گویند. خدا صاعقه‌ها را می‌فرستد و به هر کسی‌که بخواهد، در حالی‌که آن‌ها درباره خدا بحث و بگومگو می‌کنند، اصابت می‌کند. مجازات خدا شدید است. (۱۳)

دعوت حقیقی متعلق به خداست. کسانی که غیر او را به کمک می‌خوانند، ذره‌ای از دعا‌هایشان را اجابت نمی‌کنند. کار آنها شبیه کسی است که کف دستش را باز و به سوی آب دراز کند که آب را به دهانش برساند، در صورتی که آب به دهانش نمی‌رسد. دعای افراد بی‌ایمان کار بیهوده‌ای است. (۱۴) تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند با سایه‌هایشان، بامیل و بدون میل، صبح و شب برای خدا سجده می‌کنند. (۱۵) بگو: صاحب‌اختیار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو: خداست. بگو: آیا غیر از خدا اولیایی گرفته‌اید که نفع و ضرری برای خودشان هم ندارند؟ بگو: آیا کور و بینا مساوی هستند؟ یا تاریکی‌ها با نور مساوی است؟ یا برای خدا شریکانی قرار داده‌اند که مثل خدا چیزی خلق کرده‌اند که خلقت‌هایشان کار را بر آنها مشتبه ساخته باشد؟ بگو: خدا خالق هر چیز است و او یکتا و توانا است. (۱۶) باران را از آسمان نازل کرد و در نتیجه رودخانه‌ها به اندازه گنجایش خود روان شدند و سیل کف‌های زیادی را با خود می‌برد و از آنچه برای به دست آوردن زینت یا کالا روی آتش ذوب می‌کنند کفی مثل آن بوجود می‌آید. خدا اینطور مثال حق و باطل را می‌زند. اما کف از بین می‌رود، ولی آنچه به مردم فایده می‌رساند (یعنی آب) در زمین باقی می‌ماند. خدا اینطور مثل‌ها را می‌زند. (۱۷) کسانی که دعوت خداوندشان را اجابت کردند، پاداش خوبی دارند و کسانی که اجابت نکردند، اگر تمام چیزهایی که در زمین است و مثل آن را داشته باشند، حتماً آن را خواهند داد (تا عذاب نشوند). آنها حساب بدی دارند و جایشان جهنم است و جهنم جای بدی است. (۱۸)

آیا کسی که می‌داند قرآنی که از طرف خداوندت به تو نازل شده حق است مثل کسی است که کور باشد؟ فقط عاقلان متوجه این امر می‌شوند. (۱۹) افراد عاقلی که به عهد خدا وفا می‌کنند و عهدشکنی نمی‌کنند. (۲۰) افرادی که آنچه را که خدا به پیوند دادن آنها امر کرده، به هم پیوند می‌دهند و از خداوندشان می‌ترسند و از حساب بد ترس دارند. (۲۱) کسانی که برای کسب رضای خداوندشان صبر و استقامت کردند و نماز را برپا داشتند و از آنچه روزی ایشان ساختیم پنهان و آشکار انفاق نمودند و بدی را با خوبی دفع کردند، آنها خانه آخرت را دارند. (۲۲) بهشت‌های جاویدی که خودشان و پدران و همسران و فرزندان‌شان که صالح باشند وارد آن می‌شوند و فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می‌شوند. (۲۳) (و به آنها می‌گویند) به‌خاطر صبر و استقامتی که داشتید سلام بر شما. خانه آخرت خیلی خوب است. (۲۴) کسانی که عهد خدا را، بعد از این‌که عهد بستند، می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوند آن امر کرده، پاره می‌کنند و در زمین فساد می‌کنند، کسانی هستند که لعنت بر آنهاست (از رحمت دور هستند) و خانه بدی دارند. (۲۵) خدا روزی را برای هر کسی که بخواهد توسعه می‌دهد یا محدود می‌کند. مردم به زندگی دنیا دلخوشند، در صورتی که زندگی دنیا در مقابل آخرت متاعی بیش نیست. (۲۶) منکران می‌گویند: چرا آیه‌ای (معجزه‌ای) از طرف خداوندش بر او نازل نشده؟ بگو: خدا هر کس را که بخواهد گمراه می‌کند و هر کس را که به سوی او برگردد، هدایت می‌کند. (۲۷) افراد باایمان دلشان با یاد خدا آرامش پیدا می‌کند. بدانید که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. (۲۸)

کسانی که ایمان آوردند و عمل شایسته کردند سرانجام خوبی دارند. (۲۹) اینطور تو را بین عده‌ای فرستادیم که قبل از آنها امت‌های دیگری از دنیا رفتند، تا آنچه را به تو وحی می‌کنیم برای آنها بخوانی، در صورتی که آنها منکر خداوند رحمان هستند. بگو: او خداوند من است، معبودی غیر از خدا وجود ندارد، بر او توکل کرده‌ام و بازگشت من به سوی او است. (۳۰) اگر به وسیله قرآن کوه‌ها راه می‌افتادند یا زمین با آن تکه‌تکه می‌شد یا به وسیله آن مردگان صحبت می‌کردند (باز کافران ایمان نمی‌آوردند). کار تماماً به دست خداست. آیا افراد باایمان از این‌که اگر خدا می‌خواست تمام مردم را هدایت می‌کرد مایوس نشده‌اند؟ همیشه به کافران به‌خاطر کاری که می‌کنند بلای در هم کوبنده‌ای می‌رسد یا نزدیک خانه‌هایشان (بلا) فرود می‌آید، تا موقعی که عذابی که خدا به آنها وعده داده بیاید. خدا خلاف وعده نمی‌کند. (۳۱) پیغمبران قبل از تو را هم مسخره کردند. من به کافران مهلت دادم، بعد آنها را دچار عذاب ساختم. عذاب من چگونه بود؟ (۳۲) آیا کسی مراقب کارهایی که هر کس می‌کند، هست؟ برای خدا شریکانی ساختند. بگو: آنها را (شریک خدا) بنامید، آیا خدا را از آنچه در زمین است و نمی‌داند آگاه می‌کنید؟ یا سخنانی ظاهری (غیرواقعی) می‌گویید؟ حقیقت این است که برای افراد بی‌ایمان

نقشه‌هایی که کشیده‌اند جلوه دارد و آن‌ها را از شناختن راه صحیح باز داشته‌اند. کسی را که خدا گمراه کند راهنمایی برای او وجود ندارد. (۳۳) آن‌ها در زندگانی دنیا عذاب دارند و مطمئناً عذاب آخرت سخت‌تر است. و کسی را ندارند که آن‌ها را از عذاب خدا حفظ کند. (۳۴)

وصف بهشتی که به افراد باتقوی وعده داده شده (این است که)، نهرها در آن جاری است و میوه‌ها و سایه‌اش همیشگی است، این عاقبت کسانی است که تقوی داشتند و عاقبت منکران آتش جهنم است. (۳۵) کسانی که به آن‌ها کتاب داده‌ایم از آنچه به تو نازل شده خوشحال می‌شوند و عده‌ای از گروه‌ها منکر قسمتی از آن هستند. بگو: به من دستور داده شده که خدا را بندگی (اطاعت محض) کنم و چیزی را شریک او نسازم. من مردم را به او دعوت می‌کنم و بازگشت همه پیش اوست. (۳۶) بدین ترتیب ما قرآن را فرمانی به زبان عربی نازل کردیم. اگر بعد از این که علم برای تو حاصل شد از دلخواه آنان پیروی کنی، هیچ یاور و نگهدارنده‌ای برای تو در مقابل خدا وجود ندارد. (۳۷) قبل از تو پیغمبرانی فرستادیم و برایشان زن و فرزند قرار دادیم (پیغمبران هم مثل بقیه غریزه جنسی داشتند). هیچ پیغمبری نمی‌توانسته معجزه‌ای بدون اجازه خدا بیاورد. برای هر مهلتی نوشته‌ای وجود دارد. (۳۸) خدا هر چه را بخواهد محو یا ثابت می‌کند و اصل کتاب پیش خدا است. (۳۹) یا قسمتی از عذابی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم به تو نشان می‌دهیم یا قبل از آن تو را از دنیا می‌بریم. بنابراین وظیفه تو فقط رساندن پیام است و رسیدگی به حساب آن‌ها به عهده ما است. (۴۰) آیا ندیدند که ما سراغ زمین می‌آییم و از اطراف آن کم می‌کنیم؟ خدا حکم می‌کند و چیزی حکم او را عقب نمی‌اندازد. او به سرعت حسابرسی می‌کند. (۴۱) کسانی که قبل از آن‌ها بودند نیز نقشه کشیدند. تمام نقشه‌ها مال خداست. می‌داند هر کسی چه کاری می‌کند. منکران خواهند دانست که خانه آخرت مال کیست. (۴۲)

منکران می‌گویند: تو فرستاده خدا نیستی. بگو: خدا و کسی که اطلاعاتی از کتاب الهی دارد بین من و شما برای شهادت کافی است. (۴۳)

سوره ابراهیم (۱۴)

مکی و شامل پنجاه و دو آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

الر. قرآن کتابی است که ما آن را به تو نازل کردیم تا مردم را به اجازه خداوندشان از تاریکی‌ها خارج کرده و به نور و راه خداوند توانای ستوده هدایت کنی. (۱) خدایی که هر چه در آسمان‌ها و زمین است مال اوست. وای بر منکران از عذاب سخت. (۲) منکرانی که دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند و انحراف آن را می‌خواهند سخت در گمراهی هستند. (۳) هیچ پیغمبری نفرستادیم مگر به زبان قومش، برای این که پیام خدا را برای آن‌ها بیان کند. خدا هر کس را که بخواهد گمراه می‌کند و هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند و او توانای حکیم است. (۴) موسی را با معجزات (آیات) خودمان فرستادیم که قومت را از تاریکی‌ها خارج کن و به سوی نور ببر و روزهای خدا را به آن‌ها یادآوری کن. در این کار نشانه‌هایی برای هر فرد با استقامت و سپاسگزار وجود دارد. (۵)

هنگامی که موسی به قومش گفت: نعمت خدا را بر خودتان بیاد آورید آن وقتی که شما را از فرعونیان نجات داد. فرعونیانی که سخت‌ترین عذاب را نسبت به شما روا می‌داشتند، پسران شما را می‌کشتند و زنان شما را زنده می‌گذاشتند. در این کار امتحان بزرگی از طرف خداوندتان وجود داشت. (۶) آن وقت خداوندتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، تعداد و نعمت شما را زیاد می‌کنم و اگر ناشکری کنید بدانید که عذاب من شدید است. (۷) و موسی گفت: اگر شما و تمام کسانی که در زمین هستند کافر شوید، باز هم خدا بی‌نیاز و ستوده است. (۸) آیا خبر کسانی که قبل از شما بودند، قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آن‌ها بودند به شما نرسیده؟ کسی جز خدا از آن‌ها اطلاع ندارد. پیغمبرانشان دلیل‌های روشن برای آن‌ها آوردند ولی آن‌ها (به علامت پوزخند) دست‌هایشان را به طرف دهانشان بردند و گفتند: ما مأموریتی را که شما برای آن فرستاده شده‌اید، قبول نداریم و ما از

چیزی که ما را به آن دعوت می‌کنید شدیداً در تردید هستیم. (۹) پیغمبران‌شان گفتند: آیا در وجود خدا که آفریننده آسمان‌ها و زمین است شکی وجود دارد؟ خدا شما را دعوت می‌کند تا گناهان شما را بیامرزد و تا زمان معینی مرگ شما را عقب بیاندازد. گفتند: شما افرادی مثل ما هستید. می‌خواهید ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید؟ لذا دلیل روشنی (معجزه‌ای) بیاورید. (۱۰)

پیغمبران‌شان به آن‌ها گفتند که ما فقط آدم‌هایی مثل شما هستیم، ولی خدا بر هر کس از بندگان که بخواهد منت می‌گذارد، سزاوار ما نیست که بدون اجازه خدا برای شما معجزه‌ای بیاوریم. افراد باایمان باید فقط به خدا توکل کنند. (۱۱) چرا ما به خدا توکل نکنیم، در صورتی که خدا راه‌های ما را به ما نشان داده است. ما بر اذیتی که به ما می‌کنید صبر می‌کنیم. توکل‌کنندگان باید فقط به خدا توکل کنند. (۱۲) کافران به پیغمبران‌شان گفتند: شما را از سرزمین خودمان بیرون می‌کنیم یا به آیین ما برمی‌گردید. در نتیجه خداوندشان به پیغمبران وحی کرد که کسانی را که ظلم می‌کنند حتماً هلاک می‌کنیم. (۱۳) و شما را بعد از نابودی آنان در زمین سکونت می‌دهیم. این کار برای کسانی است که از مقام من بترسند و از تهدید من هراس داشته باشند. (۱۴) پیامبران از خدا طلب فتح کردند و هر زورگویی که با وجود شناختن حقیقت با آن مخالفت کرد، ناامید شد و زیان کرد. (۱۵) جهنم پیش روی او است و آب چرکین به او نوشانده می‌شود. (۱۶) آن را جرعه‌جرعه می‌خورد و آسان فرو نمی‌برد. مرگ از هر جا به طرف او می‌آید، اما مردنی در کار نیست و پشت آن عذاب سختی دارد. (۱۷) کار کسانی که منکر خداوندشان شدند شبیه خاکستری است که در روزی طوفانی باد تندی به آن بوزد. قادر به بهره بردن از کاری که کرده‌اند نیستند. این گمراهی زیادی است. (۱۸)

آیا ندیدی که خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؟ اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق جدیدی می‌آورد. (۱۹) و این کار برای خدا مشکل نیست. (۲۰) در قیامت همه در مقابل خدا ظاهر می‌شوند. افراد ضعیف به کسانی که خود را بزرگ می‌پنداشتند می‌گویند: ما پیرو شما بودیم، آیا شما چیزی از عذاب خدا را از ما دور می‌کنید؟ آن‌ها می‌گویند: اگر خدا ما را هدایت کرده بود، مسلماً شما را هدایت می‌کردیم. برای ما مساوی است چه بی‌تابی کنیم، چه صبر نماییم، راه فراری برای ما وجود ندارد. (۲۱) چون کار تمام شد شیطان گفت: خدا وعده درستی به شما داد و من به شما وعده دادم و خلاف کردم. من بر شما تسلطی نداشتم جز این‌که از شما دعوت کردم و شما آن را قبول کردید. بنابراین مرا ملامت نکنید و خودتان را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید. من این را که قبلاً مرا شریک خدا می‌ساختید قبول ندارم. افراد ظالم عذاب دردناکی دارند. (۲۲) کسانی را که ایمان آوردند و کار درست و صحیح کردند، وارد بهشت‌هایی می‌کنند که در آن‌ها نهرها جاری است و با اجازه خداوندشان همیشه در آن خواهند بود. خوش‌آمدشان در آن سلام است. (۲۳) آیا ندیدی خدا چه مثلی زد؟ کلام پاک مثل درخت پاک است که ریشه آن ثابت و شاخه آن در آسمان است. (۲۴)

میوه‌هایش را به اذن خداوندش هر زمان می‌دهد. خدا برای مردم مثل می‌زند شاید آن‌ها متوجه شوند. (۲۵) وضع کلام ناپاک مثل درخت ناپاکی است که از زمین کنده شده و قرار ندارد. (۲۶) خدا مؤمنان را با سخن استوار در دنیا و آخرت پایدار می‌نماید و کسانی را که ظلم می‌کنند گمراه می‌کند. خدا هر کاری که بخواهد می‌کند. (۲۷) آیا کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند ندیدی که قومشان را به خانه هلاکت وارد کردند؟ (۲۸) وارد جهنم می‌شوند. جهنم جای بدی است. (۲۹) مانده‌هایی برای خدا قرار دادند تا مردم را از راه خدا منحرف کنند. بگو: از دنیا بهره‌مند شوید، بازگشت شما به آتش جهنم است. (۳۰) به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو که نماز را به پا دارند و از آنچه روزی ایشان ساخته‌ایم پنهان و آشکارا انفاق کنند، قبل از این‌که روزی برسد که در آن خرید و فروش و دوستی وجود ندارد. (۳۱) خداست که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و باران را از آسمان نازل کرد و به وسیله آن از میوه‌ها خوراک شما را بیرون آورد و کشتی را مسخر شما ساخت تا به فرمان او در دریا حرکت کند و نهرها را مسخر شما ساخت. (۳۲) و خورشید و ماه را که پیوسته در گردشند مسخر شما کرد و شب و روز را نیز مسخر شما ساخت. (۳۳)

خدا به شما هر چه از او خواسته‌اید داده است. اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید حساب آن را داشته باشید. براستی انسان ظالم و قدرشناس است. (۳۴) وقتی را یادآوری کن که ابراهیم گفت: خداوند، این سرزمین را امن ساز و من و فرزندانم را از بندگی بت‌ها برکنار دار. (۳۵) خداوند، آن‌ها عده زیادی از مردم را گمراه کرده‌اند. هر کس از من پیروی کند، از من است و کسی که از من اطاعت نکرد (حسابش با توست). تو آمرزنده مهربانی. (۳۶) خداوند، من بعضی از فرزندانم را برای اینکه نماز را به پا دارند در دشتی که زراعت ندارد کنار خانه محترم تو ساکن ساختم، پس دل‌های مردم را به آن‌ها متمایل ساز و از میوه‌ها و محصولات روزی آن‌ها ساز، تا سپاسگزاری کنند. (۳۷) خداوند، تو هر چه را پنهان سازیم یا آشکار نمایم می‌دانی. چیزی از آنچه در زمین و آسمان است بر خدا پوشیده نیست. (۳۸) ستایش اختصاص به خدا دارد که در سن پیری اسماعیل و اسحاق را به من داد، چون خداوند من دعا را می‌شنود. (۳۹) خداوند، من و فرزندان مرا برپادارندگان نماز گردان. خداوند، دعایم را بپذیر. (۴۰) خداوند، روزی که حساب بر پا می‌شود (روز قیامت)، من و پدر و مادرم و افراد باایمان را پیامرز. (۴۱) خیال نکن که خدا از آنچه ظالم‌ها می‌کنند غافل است. خدا مجازات آن‌ها را برای روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌ماند عقب می‌اندازد. (۴۲)

با سرعت سرشان را بلند می‌کنند. چشم به هم نمی‌زنند و دلشان خالی است. (۴۳) مردم را از روزی که عذاب به سراغشان می‌آید بترسان. ستمکاران می‌گویند: خداوند، عذاب ما را برای مدت کمی عقب بیانداز تا دعوت تو را اجابت و از پیغمبران پیروی کنیم. آیا قبلاً قسم نمی‌خوردید که شما از بین نمی‌روید؟ (۴۴) در صورتی که شما در خانه‌های افرادی که به خود ستم کردند ساکن شدید و برای شما روشن شده که با آن‌ها چه کردیم. برای شما مثل‌هایی زدیم. (۴۵) نقشه‌ها کشیدند. نقشه‌هایی که کشیدند پیش خدا هست (خدا می‌داند)، اگر چه از نقشه‌های آن‌ها کوه‌ها از بین برود. (۴۶) خیال نکن که خدا برخلاف وعده‌ای که به پیغمبرانش داده عمل می‌کند. چون خدا مسلط و انتقام‌گیر است. (۴۷) روزی که زمین و آسمان‌ها تبدیل به زمین و آسمان دیگری شود و همه در مقابل خدای یگانه قهار حاضر شوند. (۴۸) در آن روز گناه‌کاران را می‌بینی که در زنجیرها به هم بسته شده‌اند. (۴۹) لباسشان از قطران (قییر یا فلز مذاب) است و آتش صورتشان را فرا گرفته است. (۵۰) برای این‌که خدا جزای هر کس را مطابق کاری که کرده می‌دهد. چون خدا خیلی زود حسابرسی می‌کند. (۵۱) این ابلاغی (اعلامی) برای مردم است تا به وسیله آن (از عاقبت کار بدشان) ترسانده شوند و بدانند که خدا معبود یگانه است (کسی که انسان در مقابلش احساس و ابراز کوچکی کند و بدون چون و چرا از آنچه گفت اطاعت کند غیر از خدا وجود ندارد). و برای این‌که افراد عاقل متوجه شوند. (۵۲)

سوره حجر (۱۵)

مکی و شامل نود و نه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

الر. این آیات کتاب و قرآن روشن و روشن‌کننده است. (۱) بسا افراد کافر که دوست دارند کاش مسلمان بودند. (۲) بگذار آن‌ها بخورند و بهره‌مند شوند و آرزو آن‌ها را سرگرم کند. بزودی خواهند دانست. (۳) هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر این‌که مهلت معینی داشت. (۴) هیچ امتی از مهلتی که به آن‌ها داده شده نه جلو می‌افتد نه عقب. (۵) گفتند: ای کسی که قرآن بر او نازل شده، تو دیوانه‌ای. (۶) اگر راست می‌گویی چرا فرشته‌ها را برای ما نمی‌آوری؟ (۷) ما فرشتگان را جز به حق نمی‌فرستیم و آن وقت مهلتی به آن‌ها داده نمی‌شود. (۸) ما قرآن را نازل کردیم و خودمان حافظ آن هستیم. (۹) برای گروه‌های قبل از تو نیز پیغمبرانی فرستادیم. (۱۰) هر پیغمبری را که برای آن‌ها آمد مسخره کردند. (۱۱) به این طرز ما آن را در دل گناه‌کاران بوجود می‌آوریم. (۱۲) که به رسالت پیغمبران و وحی ایمان نمی‌آورند. روش گذشتگان هم همین‌طور بوده است. (۱۳) اگر دری از آسمان برای آن‌ها باز کنیم و همواره در آن بالا روند، (۱۴) باز می‌گویند: ما چشم‌بندی شده‌ایم، بلکه ما را سحر کرده‌اند. (۱۵)

ما در آسمان‌ها برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان زینت دادیم. (۱۶) و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم. (۱۷) مگر کسی که دزدیده گوش دهد که شهاب روشنی او را دنبال می‌کند. (۱۸) زمین را گسترش دادیم و در آن کوه‌های عظیم و استواری افکندیم و در آن هر چیز موزونی رویاندیم. (۱۹) و در آن برای شما و کسانی که خوراک آن‌ها بر عهده شما نیست وسیله زندگی قرار دادیم. (۲۰) خزائن هر چیزی به دست ما است و آن را به اندازه معین نازل می‌کنیم. (۲۱) بادهای بارورکننده را فرستادیم و از آسمان آب نازل کردیم که شما را با آن سیراب می‌کنیم. شما خزانه‌دار آن نیستید. (۲۲) ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و وارث همه هستیم. (۲۳) ما گذشتگان شما را شناخته‌ایم و آیندگان را هم می‌شناسیم. (۲۴) خداوند تو آن‌ها را جمع می‌کند، چون او حکیم و دانا است. (۲۵) انسان را از گلی خشک، از لجن بدبو آفریدیم. (۲۶) و پیش از آن جن را از آتش سوزان بی‌دود آفریدیم. (۲۷) وقتی را یاد کن که خداوند تو به فرشتگان گفت: من بشری از گل خشکیده، از لجن متعفن می‌آفرینم. (۲۸) هنگامی که او را ساختم و از روحم در او دمیدم در مقابلش به سجده درآیید. (۲۹) فرشتگان همگی سجده کردند. (۳۰) غیر از ابلیس که از این‌که جزو سجده‌کنندگان باشد خودداری کرد. (۳۱)

خدا گفت: ای ابلیس، چرا از سجده‌کنندگان نیستی؟ (۳۲) شیطان گفت: من کسی نیستم که به بشری که از گل خشک، از لجن بدبو آفریدی سجده بکنم. (۳۳) خدا گفت: از اینجا بیرون برو، تو رانده شده‌ای. (۳۴) و تا روز جزا لعنت بر تو است. (۳۵) شیطان گفت: خدایا، تا روزی که برانگیخته می‌شوند به من مهلت بده. (۳۶) خدا گفت: تا وقت معلوم به تو مهلت داده شد. (۳۷ و ۳۸) شیطان گفت: خداوند! به خاطر این‌که مرا گمراه کردی، کارهای زشت را برای آن‌ها در زمین زیبا جلوه می‌دهم و همه آن‌ها را گمراه می‌کنم. (۳۹) به جز بندگان خالص تو را. (۴۰) خدا گفت: این راه راستی است که بر عهده (یا به سوی) من است. (۴۱) تو بر بندگان من تسلط نداری، مگر بر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند. (۴۲) جهنم وعده‌گاه همه آن‌ها است. (۴۳) جهنم هفت در دارد و هر دری سهم معینی از آن‌ها دارد. (۴۴) افراد پرهیزکار در بهشت‌ها و در کنار چشمه‌سارها هستند. (۴۵) به آنان گفته می‌شود: با سلامت و ایمنی وارد آن شوید. (۴۶) و هر کینه‌ای که در سینه دارند از آن‌ها جدا می‌کنیم. برادر یکدیگرند و بر تخت‌ها مقابل هم می‌نشینند. (۴۷) در آنجا رنجی به آن‌ها نمی‌رسد و از آن بیرون رانده نمی‌شوند. (۴۸) به بندگان من خبر بده که من آمرزنده مهربانم. (۴۹) و عذاب من عذاب پردردی است. (۵۰) به آن‌ها درباره مهمانان ابراهیم خبر بده. (۵۱)

وقتی بر ابراهیم وارد شدند و سلام گفتند، ابراهیم گفت: ما از شما می‌ترسیم. (۵۲) آن‌ها گفتند: نترس، ما مژده پسری دانا را به تو می‌دهیم. (۵۳) ابراهیم گفت: آیا در حالی‌که من پیر شده‌ام به من مژده می‌دهید؟ شما به چه چیزی مژده می‌دهید؟ (۵۴) گفتند: ما به حق به تو مژده می‌دهیم. از افراد ناامید نباش. (۵۵) ابراهیم گفت: چه کسی غیر از افراد گمراه از رحمت خداوندش ناامید می‌شود؟ (۵۶) ابراهیم گفت: کار شما چیست؟ (۵۷) گفتند: ما برای عذاب قوم گناه‌کار فرستاده شده‌ایم. (۵۸) به جز خانواده لوط که ما همه آن‌ها را نجات می‌دهیم. (۵۹) غیر از زن او که مقدر کردیم از باقیمانندگان باشد. (۶۰) وقتی فرستادگان پیش خانواده لوط آمدند. (۶۱) لوط به آن‌ها گفت: شما افراد ناشناسی هستید. (۶۲) گفتند: ما همان عذابی را که در آن شک می‌کنند آورده‌ایم. (۶۳) و حقیقت را برای تو آورده‌ایم و ما راست می‌گوییم. (۶۴) قسمتی از شب گذشته خانواده‌ات را حرکت بده و خودت دنبال آن‌ها برو. هیچکدام شما به پشت سرش نگاه نکنند و به هر جا که به شما دستور داده می‌شود بروید. (۶۵) و به لوط گفتیم: دنباله این قوم صبح فردا قطع می‌شود (همه از بین می‌روند). (۶۶) اهل شهر با خوشحالی آمدند. (۶۷) لوط به آن‌ها گفت: این‌ها مهمان من هستند، آبروی مرا نریزید، (۶۸) از عذاب خدا بترسید و مرا خوار نسازید. (۶۹) گفتند: آیا ما تو را از مهمان‌کردن افراد منع نکردیم؟ (۷۰)

لوط گفت: اگر می‌خواهید کاری بکنید این‌ها دختران من هستند. (۷۱) به جان تو قسم که آن‌ها در مستی شهواتشان سرگردان بودند. (۷۲) صبح موقع طلوع آفتاب صدای بسیار شدیدی آن‌ها را در خود گرفت. (۷۳) و شهر را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ‌های گلین بر آن‌ها باراندیم. (۷۴) در این‌کار آیاتی (نشانه‌هایی) برای افراد باهوش وجود دارد. (۷۵) آثار آن شهر هنوز در سر راه پابرجا است. (۷۶) در این‌کار

آیاتی برای افراد باایمان وجود دارد. (۷۷) اهل «ایکه» (قوم شعیب) هم ستمکار بودند. (۷۸) بنابراین ما از آنها انتقام گرفتیم و بقایای آن دو شهر سر راه آشکار است. (۷۹) اهل «حجر» (قوم ثمود) هم منکر پیغمبران شدند. (۸۰) ما آیات خود را به آنها دادیم ولی آنها آن را قبول نکردند. (۸۱) آنها برای خود از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشیدند که ایمن باشند. (۸۲) صبح صدای رعد شدیدی آنها را در بر گرفت. (۸۳) کارهایی که کرده بودند به دردشان نخورد. (۸۴) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنها است به حق آفریدیم. قیامت حتماً خواهد آمد. از آنها به خوبی درگذر. (۸۵) چون خداوند تو آفریننده دانا است. (۸۶) به تو هفت تا دوتایی و قرآن بزرگ را دادیم. (۸۷) و به آنچه به گروه‌هایی از کافران داده ایم چشم مدوز و به حال آنها غصه نخور و بال خود را برای افراد باایمان بگستران. (۸۸) و بگو: من ترساننده آشکار هستم. (۸۹) ترساننده از عذابی مثل آنچه بر قسمت‌کنندگان نازل کردیم. (۹۰)

آن‌هایی که قرآن را جزء جزء کردند (به قسمتی از آن عمل می‌کردند). (۹۱) به خداوندت قسم که از همه آنها درباره کاری که می‌کردند بازخواست می‌کنیم. (۹۲) و آنچه را به تو دستور داده می‌شود آشکار کن و از مشرکین اعراض کن. (۹۴) ما تو را از شر مسخره‌کنندگان حفظ می‌کنیم. (۹۵) آن‌هایی که با خدا معبود دیگری قرار می‌دهند. نتیجه این کار را خواهند دانست. (۹۶) ما می‌دانیم چیزهایی که می‌گویند تو را دلتنگ می‌سازد. (۹۷) پس با ستایش خداوندت او را تسبیح کن و از سجده‌کنندگان باش. (۹۸) خداوندت را بندگی کن (بنده کسی جز خدا نباش) تا یقین سراغت آید. (۹۹)

سوره نحل (۱۶)

مکی و شامل یکصد و بیست و هشت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

فرمان خدا آمد بنابراین عجله‌ای برای آن نکنید. خدا پاک و بالاتر از چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۱) خدا فرشتگان را با روح به فرمان خودش بر هر کس از بندگان که بخواهد نازل می‌کند که هشدار دهید که معبودی (کسی که بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای او باشید) به جز من وجود ندارد پس از نافرمانی من بترسید. (۲) خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. او بالاتر از چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۳) خدا انسان را از نطفه‌ای آفرید. حالا آشکارا نزاع و بگومگو می‌کند. (۴) و چارپایان را آفرید که (پوستشان) برای گرم شدن شماست و منافی برای شما دارند و از (گوشت و شیر) آنها می‌خورید. (۵) و وقتی آنها را به آغل برمی‌گردانید و صبح آنها را به چرا می‌برید برای شما زیبا است. (۶)

بارهای سنگین شما را به سرزمینی می‌برند که با نبودن آنها با سختی زیاد می‌توانستید آن را ببرید. چون خداوند شما رؤوف و مهربان است. (۷) اسبها و قاطرها و الاغها را آفرید که سوار آن شوید و برای شما زینت باشند و چیزهایی می‌آفریند که شما نمی‌دانید. (۸) هدایت کردن مردم به راه راست بر عهده خدا است و بعضی از راه‌ها بی‌راهه است. اگر خدا می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد. (۹) اوست که باران را از آسمان نازل کرد که از آن می‌نوشید و به وسیله آن گیاهانی بوجود می‌آید که حیوانات خود را در آن می‌چرانید. (۱۰) به وسیله آن کشت و زیتون و خرما و انگور و انواع میوه‌ها را می‌رویانند. در این کار برای کسانی که فکر می‌کنند نشانه‌ای وجود دارد. (۱۱) و روز و شب و خورشید و ماه را برای شما مسخر کرد و ستارگان نیز به امر او مسخر می‌باشند. در این کار برای کسانی که عقل خود را به کار می‌برند نشانه‌ای وجود دارد. (۱۲) و در زمین چیزهایی با رنگ‌های مختلف آفرید. در این کار برای کسانی که متوجه هستند نشانه‌ای وجود دارد. (۱۳) اوست که دریا را تحت فرمان شما گذاشت تا از آن گوشت تازه بخورید، و از آن زیورهایی که خود را با آن می‌آرایید خارج کنید، و کشتی‌ها را می‌بینی که در آن روان هستند تا از فضل خدا دنبال روزی بگردید. شاید قدرشناسی کنید. (۱۴)

کوه‌های استواری در زمین بوجود آورد تا زمین شما را نلرزاند و نهرها و راه‌هایی بوجود آورد شاید هدایت شوید. (۱۵) و علامت‌هایی قرار داد و به وسیله

ستارگان نیز هدایت می‌شوند. (۱۶) آیا کسی که خلق می‌کند مثل کسی است که خلق نمی‌کند؟ آیا متوجه نمی‌شوید؟ (۱۷) اگر نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید حساب آن را داشته باشید. مسلماً خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۸) خدا آنچه را پنهان می‌کنید و آنچه را آشکار می‌کنید می‌داند. (۱۹) کسانی را که غیر از خدا به کمک می‌خوانند چیزی خلق نمی‌کنند و خودشان هم خلق شده‌اند (مخلوق خدا هستند). (۲۰) مرده‌اند و زنده نیستند و نمی‌دانند چه وقت برانگیخته (زنده) می‌شوند. (۲۱) معبود شما (کسی که شما باید در مقابلش احساس و ابراز کوچکی کنید و بدون چون و چرا تسلیم فرمانش باشید) معبودی یگانه است. اما کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل‌هایشان آن را انکار می‌کند و تکبر دارند. (۲۲) قطعاً خدا آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌داند. خدا افراد متکبر را دوست ندارد. (۲۳) وقتی به آن‌ها بگویند: خداوند شما چه چیزی نازل کرده؟ می‌گویند: افسانه‌های گذشتگان را. (۲۴) تا روز قیامت بار گناهان خود را به طور کامل حمل کنند، به اضافه بار گناه کسانی که به سبب نادانی گمراه کرده‌اند. بدانید باری که به دوش می‌کشند بد باری است. (۲۵) کسانی که قبل از آن‌ها بودند نقشه کشیدند. پس خدا سراغ پی‌های خانه‌هایشان آمد، در نتیجه سقف بر سرشان فرود آمد و عذاب از جایی که به آن توجه نداشتند بر آن‌ها وارد شد. (۲۶)

خدا روز قیامت آن‌ها را خوار می‌سازد و می‌گوید: شریک‌هایی که برای من ساخته بودید و درباره آن‌ها بگومگو می‌کردید، کجا هستید؟ دانشمندان می‌گویند: امروز خواری و بدی نصیب منکران قیامت است. (۲۷) منکرانی که فرشتگان جانشان را در حالی که به خودشان ظلم کرده‌اند می‌گیرند، سر تسلیم فرود می‌آورند و می‌گویند که ما کار بدی نمی‌کردیم. آری خدا از تمام کارهایی که می‌کردید آگاه است. (۲۸) از درهای جهنم وارد شوید، همیشه در آن خواهید بود. جای افراد متکبر بد جایی است. (۲۹) به افراد پرهیزکار می‌گویند: خداوندتان چه چیزی نازل کرد؟ می‌گویند: خیر و خوبی نازل کرد. نیکوکاران در این دنیا وضع خوبی دارند و مسلماً خانه آخرت بهتر است. خانه افراد پرهیزکار خانه بسیار خوبی است. (۳۰) منزل آن‌ها بهشت‌های جاوید است که وارد آن می‌شوند که نهرها در آن جاری است. هر چه بخواهند در آن بهشت‌ها برای آن‌ها هست. خدا به افراد پرهیزکار این‌طور پاداش می‌دهد. (۳۱) کسانی که فرشتگان جانشان را در حالی که پاک و منزه هستند می‌گیرند، به آن‌ها می‌گویند: سلام بر شما، به خاطر کارهایی که می‌کردید وارد بهشت شوید. (۳۲) آیا کافران انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به سراغ آن‌ها بیایند یا فرمان عذاب از طرف خداوند تو صادر شود؟ کسانی هم که قبل از آن‌ها بودند همین انتظار را داشتند. خدا به آن‌ها ظلم نکرد، ولی آن‌ها به خودشان ظلم می‌کردند. (۳۳) نتیجه کارهای بدی که می‌کردند به آن‌ها رسید و عذابی که مورد تمسخر قرار می‌دادند آن‌ها را فراگرفت. (۳۴)

مشرکان می‌گفتند: اگر خدا می‌خواست ما و پدرانمان هیچ چیز را غیر از او بندگی نمی‌کردیم و هیچ چیز را بدون حکم او حرام نمی‌کردیم. کسانی هم که قبل از آن‌ها بودند همین حرف را می‌زدند. آیا وظیفه پیغمبران چیزی غیر از رساندن آشکار پیام خدا است؟ (۳۵) در بین هر گروهی پیغمبری برانگیختیم که می‌گفتند: خدا را بندگی کنید و از بندگی طاغوت اجتناب کنید (فقط بنده خدا باشید و از دستورهای هیچ کس جز خدا بدون چون و چرا پیروی نکنید). خداوند عده‌ای از آن‌ها را هدایت کرد و بر عده‌ای از آن‌ها گمراهی مقرر شد. در زمین بگردید و نگاه کنید عاقبت کسانی که رسالت پیغمبران را انکار می‌کردند چه بود. (۳۶) هر چند تو علاقه‌مند به هدایت آن‌ها باشی، خدا کسی را که گمراه کرده هدایت نمی‌کند و آن‌ها مددکاری ندارند. (۳۷) شدیدترین قسم‌ها را به خدا خوردند که خدا کسی را که می‌میرد (برای حساب) زنده نمی‌کند. آری، وعده خدا درست است ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۳۸) تا برای آن‌ها چیزی را که در موردش اختلاف دارند روشن کند و کافران بدانند که دروغ می‌گفتند. (۳۹) حرف ما وقتی تصمیم به کاری گرفتیم فقط این است که بگوییم این‌طور بشو، پس همان‌طور که گفته‌ایم می‌شود. (۴۰) کسانی که پس از این‌که مورد ظلم قرار گرفتند در راه خدا مهاجرت کردند، در دنیا جای خوبی برای آن‌ها تهیه می‌کنیم. و اگر توجه داشته باشند پاداش آخرت بزرگتر است. (۴۱) مهاجرینی که صبر و استقامت به خرج دادند و به خداوندشان توکل کردند. (۴۲)

قبل از تو فقط مردانی را فرستادیم که به آنها وحی می‌کردیم. اگر این را نمی‌دانید از کسانی که از کتاب‌های الهی اطلاع دارند بپرسید. (۴۳) آنها را با دلیل‌های روشن و کتاب‌ها فرستادیم و قرآن را به تو نازل کردیم تا آنچه برای مردم نازل شده برای آنها بیان کنی، شاید فکر کنند. (۴۴) آیا کسانی که نقشه‌های بد می‌کشند، از این‌که خدا آنها را در زمین فرو برد یا عذاب از جایی که نمی‌دانند بر آنها وارد شود خاطرشان جمع است؟ (۴۵) یا از این‌که موقعی که در آمد و شد هستند خدا آنها را دچار عذاب کند خاطرشان جمع است؟ اگر عذاب بیاید آنها نمی‌توانند جلوی آن را بگیرند. (۴۶) یا از این‌که آنها را در وقتی که دچار وحشت هستند عذاب کند ایمن هستند؟ خداوند تو رؤوف و مهربان است. (۴۷) آیا چیزهایی را که خدا آفریده ندیده‌اند که سایه‌هایشان از راست و چپ برای سجده به خدا برمی‌گردد و فروتن هستند. (۴۸) هر جنبنده‌ای که در آسمان‌ها و زمین است و فرشتگان نیز خدا را سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند (سجده اظهار خشوع است). (۴۹) از خداوندشان که فوق (حاکم) آنهاست می‌ترسند و (فقط) به دستورهای او عمل می‌کنند. (۵۰) خدا گفت: «دو معبود نگیرید». فقط او معبود یگانه است. فقط از من بترسید. (۵۱) هر چه در آسمان‌ها و زمین است، مال خداست و دین (قانون) پایدار متعلق به خداست، آیا از کسی غیر از خدا می‌ترسید؟ (۵۲) هر نعمتی که دارید از جانب خداست و وقتی آسیبی به شما برسد به درگاه او ناله می‌کنید. (۵۳) بعد وقتی آسیب را از شما برطرف کرد، عده‌ای از شما برای خداوندشان شریک‌هایی می‌سازند، (۵۴)

تا منکر آنچه به آنها دادیم شوند. بهره‌مند شوید، حقیقت را خواهید دانست. (۵۵) و سهمی از آنچه روزیشان کردیم برای آنها قرار می‌دهند. به خدا قسم از این افترايي که می‌زنید بازخواست می‌شوید. (۵۶) برای خدا دخترانی تصور می‌کنند. خدا پاک از این نسبت است و چیزی که دوست دارند (پسر) را برای خود قرار می‌دهند. (۵۷) وقتی خبر دختردار شدن به یکی از آنها داده شود صورتش از ناراحتی سیاه می‌شود و عصبانیت خود را پنهان می‌کند. (۵۸) از بدی خبری که به او داده شده خود را از مردم پنهان می‌کند که او را با خواری نگهدارد یا زیر خاک کند. بد قضاوتی می‌کنند. (۵۹) کسانی که به آخرت ایمان ندارند صفت بدی دارند، و عالی‌ترین صفت متعلق به خداست و او توانای حکیم است. (۶۰) اگر خدا مردم را به سبب ظلمشان مجازات می‌کرد، جنبنده‌ای در زمین باقی نمی‌گذاشت. ولی مجازات آنها را تا مدت معلومی عقب می‌اندازد و وقتی مهلت آنها به سر رسید نمی‌توانند ساعتی آن را عقب یا جلو بیاورند. (۶۱) برای خدا چیزی را که دوست ندارند قرار می‌دهند و زبانی دروغ‌پردازی می‌کنند که بهره‌نیکوتر مال آنان است. آتش جهنم مال آنهاست و هر چه زودتر به جهنم فرستاده می‌شوند. (۶۲) به خدا قسم پیغمبرانی برای امت‌های قبل از تو فرستادیم، ولی شیطان کارهای آنها را در نظرشان زیبا جلوه داد. امروز هم شیطان سرپرست آنهاست و عذاب پردردی دارند. (۶۳) ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که در آن اختلاف داشتند برایشان روشن کنی، و هدایت و رحمتی است برای مردمی که به آن ایمان می‌آورند. (۶۴)

خدا از آسمان آب باران را نازل کرد و با آن زمین را پس از مرگش زنده کرد. در این کار نشانه‌ای برای کسانی که می‌شنوند وجود دارد. (۶۵) برای شما در وجود چهارپایان عبرتی وجود دارد. از آنچه در شکم آنهاست، از میان پشکل و خون، شیر خالص و گوارا به کسانی از شما که می‌خورند می‌نوشانیم. (۶۶) از میوه‌های خرما و انگور، شراب و رزق پاک می‌گیرید. در این امر نشانه‌ای برای کسانی که عقل خود را به کار می‌گیرند وجود دارد. (۶۷) خداوند تو به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها و درخت‌ها و داربست‌هایی که مردم می‌سازند خانه‌هایی درست کن. (۶۸) بعد، از تمام میوه‌ها بخور و راه خداوندت را به آرامی بپیما. خدا از شکم آنها عسلی که رنگ‌هایش مختلف است و در آن شفای مردم وجود دارد بیرون می‌آورد. در این کار نشانه‌ای برای افرادی که فکر می‌کنند وجود دارد. (۶۹) خدا شما را آفرید بعد جانتان را می‌گیرد. از شما افرادی به سن پیری می‌رسند تا حدی که پس از دانشی که پیدا کرده‌اند چیزی ندانند. چون خدا دانا و توانا است. (۷۰) خدا بعضی از شما را بر بعضی از لحاظ روزی برتری داد. اما کسانی که روزی بیشتری دارند حاضر نیستند از روزیشان به بردگان (زیردستان) خود بدهند تا با هم مساوی شوند. آیا نعمت خدا را انکار می‌کنند؟ (۷۱) خدا از جنس خودتان برای شما همسرانی قرار داده و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه بوجود آورده و خوردنی‌های پاک را

روزی شما ساخته. آیا باز هم به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟ (۷۲)

و غیر از خدا چیزهایی (یا کسانی) را بندگی می‌کنند که ذره‌ای از رزق را از آسمان‌ها و زمین برایشان مالک نیستند و توانایی آن را هم ندارند؟ (۷۳) برای خدا مثل و مانند درست نکنید، چون خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (۷۴) خداوند بنده بی‌اختیاری را مثل زد که توانایی هیچ کاری را ندارد و کسی که روزی خوبی به او داده‌ایم که پنهان و آشکار خرج می‌کند. آیا این دو با هم مساوی هستند؟ ستایش (بزرگداشت) فقط اختصاص به خدا دارد ولی بیشتر آن‌ها (مردم) این را نمی‌دانند (کسانی غیر از خدا را بزرگ می‌شمارند و در مقابل آن‌ها احساس و ابراز کوچکی می‌کنند و از آن‌ها بدون و چون و چرا اطاعت می‌کنند). (۷۵) و خدا مثل دو مرد را زد که یکی از آن‌ها لال است و قدرت هیچ کاری را ندارد و سربار صاحب خود می‌باشد، هر جا او را بفرستد کار را به خوبی انجام نمی‌دهد. آیا او با شخصی که امر به عدالت می‌کند و در راه راست است مساوی است؟ (۷۶) غیب آسمان‌ها و زمین فقط متعلق به خداست، و کار قیامت فقط مثل یک چشم به هم زدن یا کمتر از آن است. مسلماً فقط خدا قدرت هر کاری را دارد. (۷۷) خدا شما را، در صورتی که هیچ چیز نمی‌دانستید، از شکم مادرانتان خارج کرد و به شما گوش و چشم و دل داد، شاید سپاسگزاری کنید. (۷۸) آیا پرندگان را که در آسمان تحت فرمان خدا هستند ندیده‌اند؟ آن‌ها را فقط خدا نگه می‌دارد. در این کار نشانه‌هایی برای افراد باایمان وجود دارد. (۷۹)

خدا خانه‌هایتان را محل آسایش شما قرار داده و از پوست چهارپایان برای شما نیز خیمه ساخته که هنگام کوچ و موقع اقامت برای شما سبک باشد و از پشم و کرک و موی آن‌ها اثاث و وسایل آسایش شما را تا پایان عمرتان بوجود آورده. (۸۰) خدا برای شما از هر چه آفریده سایه قرار داده، و از کوه‌ها پناهگاه برای شما ساخته، و لباس‌هایی برای شما ساخته که شما را از گرما و موقع جنگ حفظ می‌کند. بدین ترتیب خدا نعمتش را بر شما تمام کرده تا تسلیم فرمان و نظر او باشید (نه افراد دیگری). (۸۱) (ای پیغمبر)، اگر قبول نکردند، وظیفه تو فقط رساندن آشکار پیام است. (۸۲) نعمت خدا را می‌شناسند و منکر آن می‌شوند. بیشتر آن‌ها (مردم) قدرشناس هستند. (۸۳) روزی که از هر امتی شاهی برمی‌انگیزیم و به افراد قدرشناس (منکران) اجازه سخن گفتن داده نمی‌شود و فرصت عذرخواهی ندارند. (۸۴) وقتی کسانی که ظلم می‌کردند عذاب را ببینند دیگر عذابشان تخفیف نمی‌پذیرد و مهلتی به آن‌ها داده نمی‌شود. (۸۵) وقتی که مشرکان، شریک‌هایی را که برای خدا درست کرده‌اند (در قیامت) ببینند، می‌گویند: خداوند این‌ها کسانی هستند که غیر از تو به کمک می‌خواندیم. معبودهای آنان به ایشان می‌گویند که شما دروغ می‌گویید. (۸۶) در آن روز در مقابل خدا سر تسلیم فرود می‌آورند و چیزهایی که به هم می‌بافتند از بین می‌رود. (۸۷)

بر عذاب افرادی که منکر می‌شدند و مردم را از راه خدا باز می‌داشتند، به علت فسادی که ایجاد می‌کردند، عذابی روی عذاب اضافه می‌کنیم. (۸۸) روزی که از هر امتی شاهی از خودشان بر پا می‌داریم، تو را هم (ای پیغمبر) شاهد این امت می‌سازیم. ما قرآن را بر تو نازل کردیم، که هر چیزی را بیان می‌کند و نشان‌دهنده راه صحیح و رحمت و بشارت برای افرادی است که تسلیم حکم و نظر خدا هستند. (۸۹) خدا به عدالت و نیکوکاری و کمک به خویشان دستور می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و ظلم نهی می‌کند. خدا به شما نصیحت می‌کند، شاید متوجه وظایف خود باشید. (۹۰) وقتی عهدی با خدا بستید به عهد خود وفا کنید (وقتی ادعای مسلمانی کردید، تسلیم حکم و نظرهای خدا باشید نه غیر او) و پس از محکم کردن قسم‌هایتان آن را نشکنید، در صورتی که خدا را ضامن آن قرار داده‌اید، چون خدا کارهایی را که می‌کنید می‌داند. (۹۱) مثل زنی که پس از این‌که نخ‌هایی را که به هم می‌تابید و محکم می‌کرد پاره می‌کرد نباشید، که قسم‌های خود را وسیله فریب دیگران قرار دهید، تا عدد گروهی از گروه دیگر بیشتر باشد (با دروغ و فریب سعی می‌کنید پیروان گروه خودتان را بیشتر کنید). خدا شما را به این وسیله امتحان می‌کند و روز قیامت مواردی را که در آن اختلاف نظر داشتید برای شما روشن می‌کند. (۹۲) اگر خدا می‌خواست همه شما را امت واحدی می‌ساخت، ولی هر

کس را که بخواهد گمراه می‌کند و هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند و درباره کارهایی که می‌کردید از شما بازخواست می‌شود. (۹۳)

قسم‌های خود را وسیله فریب قرار ندهید که قدم‌های ثابت دچار لغزش شود و به علت بازداشتن از راه خدا دچار بلا و عذاب پردردی شوید. (۹۴) عهده‌ی را که با خدا بسته‌اید به بهای ناچیزی نفروشید. اگر متوجه حقیقت باشید می‌دانید که پاداشی که پیش خدا دارید برای شما بهتر است. (۹۵) چیزهایی که دارید از بین می‌رود و پاداشی که پیش خدا است ماندگار است. پاداش افراد با استقامت را بهتر از کاری که می‌کردند خواهیم داد. (۹۶) به کسی که کار درست بکند و مؤمن باشد، چه مرد باشد چه زن، زندگی پاک‌تری می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را بهتر از آنچه می‌کردند می‌دهیم. (۹۷) پس وقتی قرآن می‌خوانی از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببر. (۹۸) شیطان تسلطی بر افراد با ایمان که به خداوندشان توکل می‌کنند ندارد. (۹۹) تسلط او فقط بر کسانی است که دوستدار او هستند و برای خدا شریک درست می‌کنند. (۱۰۰) وقتی آیه‌ای را جایگزین آیه دیگری کنیم کافران می‌گویند: تو به خدا افترا می‌زنی، در حالی که خدا بهتر می‌داند که چه چیزی نازل می‌کند، ولیکن بیشتر آن‌ها نمی‌دانند. (۱۰۱) بگو: روح القدس (روح پاک، جبرئیل) قرآن را به حق از طرف خداوند نازل کرده تا افراد با ایمان را ثابت قدم کند و هدایت و مژده‌ای برای مسلمان‌ها (کسانی که فقط تسلیم حکم و نظر خدا هستند) باشد. (۱۰۲)

ما می‌دانیم که آن‌ها می‌گویند: کسی این حرف‌ها را به او یاد می‌دهد. زبان کسی که این‌ها را به او نسبت می‌دهند عربی نیست، در صورتی که قرآن به زبان عربی فصیح است. (۱۰۳) کسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند، خدا آن‌ها را هدایت نمی‌کند و عذاب پردردی دارند. (۱۰۴) کسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند، فقط دروغ به هم می‌بافند. آن‌ها دروغگو هستند. (۱۰۵) کسانی که بعد از ایمان آوردنشان کافر (منکر خدا) شوند، مورد غضب خدا قرار می‌گیرند و عذاب بزرگی دارند. غیر از کسی که مجبور شده و قلبش به ایمان مطمئن باشد. اما کسانی که سینه خودشان را برای کفر باز کرده باشند عذاب بزرگی دارند. (۱۰۶) این کار به علت این است که آن‌ها دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند و برای این است که خدا کافران را هدایت نمی‌کند. (۱۰۷) آن‌ها کسانی هستند که خدا بر دل و گوش و چشمشان مهر زده و غافل هستند. (۱۰۸) آن‌ها بدون شک در آخرت زیانکار هستند. (۱۰۹) خداوند تو کسانی را که بعد از این‌که مورد اذیت قرار گرفتند مهاجرت و جهاد کردند و استقامت داشتند می‌آموزد. او آمرزنده مهربان است. (۱۱۰)

روز قیامت هر کسی در حالی که از خود دفاع می‌کند می‌آید و پاداش هر کسی مطابق کارهایی که کرده به طور کامل داده می‌شود و ظلمی به آن‌ها نمی‌شود. (۱۱۱) خدا مثلی زد. شهری را مثل زد که مردم آن در امنیت و آسوده‌خاطر بودند. روزی آن‌ها به فراوانی از هر طرف برای آن‌ها می‌رسید. در نتیجه منکر نعمت‌های خدا شدند و خداوند به خاطر کاری که کردند مژه گرسنگی و ترس را به آن‌ها چشانید. (۱۱۲) پیغمبری از خودشان برای آن‌ها آمد و آن‌ها او را به دروغگویی متهم کردند. خدا نیز آن‌ها را دچار عذاب کرد، چون ظالم بودند. (۱۱۳) پس، از آنچه حلال و پاک است و خدا روزی شما کرده بخورید و اگر او را بندگی می‌کنید شکر نعمت او را بجا آرید. (۱۱۴) خدا فقط گوشت حیوان مرده و خون و گوشت خوک و آنچه را که به نام غیر خدا کشته شده باشد بر شما حرام کرده است. اما کسی که ناچار شود و بدون علاقه و زیاده‌روی از آن بخورد، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۱۵) به هر چیزی که به زبان‌تان می‌آید نگویید که این حلال است و این حرام است تا دروغی را که بافته‌اید به خدا نسبت دهید. کسانی که از قول خدا دروغ می‌گویند رستگار نمی‌شوند. (۱۱۶) در دنیا بهره کمی دارند و عذاب پردردی در پیش دارند. (۱۱۷) آن چیزهایی را که قبلاً به تو گفتیم بر یهودیان حرام کردیم. ما به آن‌ها ظلم نکردیم، ولی آن‌ها به خودشان ظلم کردند. (۱۱۸)

کسانی که از روی نادانی کار خلاف کردند و بعد از آن توبه کردند و کارشان را اصلاح نمودند خدا گناهانشان را می‌آموزد. خداوند تو آمرزنده مهربان است. (۱۱۹) ابراهیم پیشوایی بود فرمانبردار خدا و متمایل به حق، و مشرک نبود. (۱۲۰) شکر نعمت‌های خدا را به جا می‌آورد. خدا او را برگزید و به راه راست هدایت کرد. ()

(۱۲۱) در دنیا زندگی خوبی به او دادیم و در آخرت از افراد صالح (درستکار) است. (۱۲۲) بعد به تو (ای پیغمبر) وحی کردیم که از آیین ابراهیم که دوستدار حق بود پیروی کن، و مشرک نبود. (۱۲۳) تعطیل روز شنبه بر افرادی که در آن اختلاف کردند مقرر گردید. خداوند تو روز قیامت درباره چیزی که در مورد آن اختلاف داشتند میان آنها حکم می‌کند. (۱۲۴) مردم را با حکمت و پند نیکو به راه خداوندت دعوت کن و با بهترین روش با آنها گفتگو نما. چون خداوند تو کسانی را که از راه او منحرف شده‌اند بهتر می‌شناسد و کسانی را هم که راه صحیح را شناخته‌اند خوب می‌شناسد. (۱۲۵) اگر خواستید قصاص کنید (انتقام بگیرید) فقط به اندازه‌ای که شما را ناراحت کرده‌اند انتقام بگیرید و اگر صبر داشته باشید برای کسانی که صبر دارند بهتر است. (۱۲۶) صبر داشته باش که صبر تو هم با توفیق خدا است، و برای آنها غصه نخور و به خاطر نقشه‌هایی که بر ضد تو می‌کشند دلتنگ نباش. (۱۲۷) چون خدا با افراد باتقوی و نیکوکار است. (۱۲۸)

سوره اسراء (۱۷)

مکی و شامل یکصد و یازده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

پاک و منزه است خدایی که شبی بنده اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی، که اطرافش را برکت دادیم، برد تا بعضی از آیات خودمان را به او نشان دهیم، چون او شنوا و بینا است. (۱) و به موسی کتاب دادیم و آن را راهنمای بنی اسرائیل ساختیم که وکیلی غیر از من نگیرید. (۲) ای فرزندان کسانی که با نوح در کشتی سوار کردیم، نوح بنده سپاسگزاری بود. (۳) در کتاب به بنی اسرائیل اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد می‌کنید و برتری‌جویی و طغیان بزرگی می‌کنید. (۴) چون وعده اول بیاید افراد بسیار قدرتمندی را بر علیه شما برمی‌انگیزیم تا درون خانه‌ها دنبال شما بگردند. این وعده عملی خواهد بود. (۵) بعد شما را بر آنها مسلط می‌گردانیم و شما را با مال و فرزند کمک و افراد شما را بیشتر می‌کنیم. (۶) اگر نیکی بکنید، به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی بکنید، به خودتان بدی کرده‌اید. و چون وعده دوم بیاید، برای این که شما را ناراحت کنند داخل مسجد می‌شوند، همان طور که بار اول داخل آن شدند و به هر چه دست یابند نابود می‌کنند. (۷)

ممکن است خدا به شما رحم کند. اما اگر شما برگردید ما هم برمی‌گردیم و جهنم را زندان افراد بی‌ایمان قرار داده‌ایم. (۸) این قرآن مردم را به درست‌ترین راه هدایت می‌کند و به افراد باایمانی که کار درست بکنند مژده می‌دهد که پاداش بزرگی دارند. (۹) برای افرادی که به آخرت ایمان ندارند عذاب پردردی آماده کرده‌ایم. (۱۰) انسان همان طور که دعای خیر می‌کند، دعای بد می‌کند. انسان خیلی عجله دارد. (۱۱) شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تاریک کردیم و نشانه روز را روشن ساختیم تا دنبال کسب معاش بروید و عدد سالها و حساب را بدانید. ما هر چیزی را کاملاً توضیح داده‌ایم. (۱۲) کارنامه هر کس را به گردنش آویخته‌ایم و روز قیامت آن را به صورت کتاب بازی که می‌بیند برای او در می‌آوریم. (۱۳) و به او می‌گوییم: کتابت را بخوان، خودت امروز برای حسابرسی کافی هستی. (۱۴) هر کس هدایت شود به نفع خودش هدایت شده و هر کس گمراه شود به ضرر خودش گمراه شده است، و هیچ کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد. ما تا پیغمبر نفرستیم افراد را عذاب نمی‌کنیم. (۱۵) وقتی بخواهیم شهری را نابود کنیم ثروتمندان و قدرتمندان آن را امر می‌کنیم که در آن به نافرمانی خدا بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن مقرر می‌شود و آن را نابود می‌کنیم. (۱۶) امتهای بسیاری را بعد از نوح هلاک کردیم و خداوندت برای دیدن و با خبر بودن از گناه بندگان کافی است. (۱۷)

کسی که دنیای زودگذر را بخواهد، خیلی زود هر چه را بخواهیم به او می‌دهیم. بعد جهنم را برای او مقرر می‌سازیم که سرزنش شده و رانده وارد آن شود. (۱۸) کسانی که آخرت را بخواهند و کوشش لازم را برای آن بکنند و ایمان داشته باشند، از کوشش آنها قدردانی می‌شود. (۱۹) ما، هم این دسته و هم آن دسته را با عطای خداوندت کمک می‌کنیم. عطای خداوندت از کسی منع نمی‌شود. (۲۰) نگاه کن چگونه بعضی را بر بعضی برتری داده‌ایم. مسلماً آخرت درجات و برتری‌های بیشتری دارد. (۲۱)

۲۱) با خدا معبود دیگری قرار نده (غیر خدا را ارباب و سرور خود نگیر) چون سرزنش شده و بدون یاور به گوشه‌ای خواهی نشست. (۲۲) خداوند تو حکم کرد که فقط او را بندگی کنی (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای هیچ‌کس جز او نباشید) و به پدر و مادر نیکی کنی. اگر یکی از آنها یا هر دوی آنها پیش تو به سن پیری برسند به آنها اف هم نگو و با آنها تندی نکن و با آنها با احترام حرف بزن. (۲۳) و از روی مهربانی بال فروتنی و کوچکی را در مقابل آنها بگستران و بگو: خداوند، آنها را مورد رحمت قرار بده همان‌طور که وقتی من کوچک بودم آنها مرا پرورش دادند. (۲۴) اگر درستکار باشید، خدا آنچه در دل شما است به خوبی می‌داند. او توبه‌کنندگان را می‌بخشد. (۲۵) حق خویشان و تهیدستان و در راه‌ماندگان را بده و اسراف (ریخت و پاش) نکن. (۲۶) چون ریخت و پاش‌کنندگان برادر شیطان هستند و شیطان نسبت به خداوندش ناسپاس بود. (۲۷)

اگر به‌خاطر امیدی که به لطف خدا داری از آنها رو می‌گردانی، پس با آنها با نرمی صحبت کن. (۲۸) و دستت را به گردنت قرار مده و آن را کاملاً باز نکن تا ملامت شده و با حسرت در کنجی بنشینی. (۲۹) چون خدا روزی را برای هر کسی که بخواهد فراوان می‌کند یا کم می‌کند، چون او به وضع بندگان آگاه و بینا است. (۳۰) و فرزندان را از ترس فقر نکشید. روزی آنها و شما را ما می‌دهیم. کشتن آنها خطای بزرگی است. (۳۱) و به زنا نزدیک نشوید، چون زنا کاری زشت و راه بدی است. (۳۲) و انسانی که خدا جانش را محترم داشته نکشید مگر به حق. کسی که بی‌گناه کشته شود، برای بازمانده او تسلطی بر قاتل قرار داده ایم، پس در قصاص زیاده روی نکن، چون او (مظلوم) یاری شده است. (۳۳) و به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به بهترین شکل (برای اداره مالش) تا این‌که به رشد خود برسد، و به عهد خود وفا کنید، چون عهدها مورد بازخواست قرار می‌گیرد. (۳۴) پیمان‌ها را، وقتی با پیمان‌ها جنس می‌فروشید، کامل بدهید و با ترازوی درست وزن کنید. این‌کار بهتر و خوش عاقبت‌تر است. (۳۵) از آنچه نمی‌دانی (به درستی آن اطمینان نداری) پیروی (دنباله‌روی کورکورانه) نکن چون گوش و چشم و دل همگی درباره آن (عمل کورکورانه) مورد بازخواست قرار می‌گیرند. (۳۶) و در زمین خودپسندان راه نرو، چون زمین را با راه رفتن خود نمی‌شکافی و بلندی قدت به کوه‌ها نمی‌رسد. (۳۷) بدی تمام این کارها پیش خداوند تو ناخوشایند است. (۳۸)

(ای پیغمبر،) این‌ها از حکمت‌هایی است که خدا به تو وحی کرده است. و با خدا معبود دیگری قرار نده، چون ملامت شده و رانده در جهنم خواهی افتاد. (۳۹) آیا خدا برای شما پسران را انتخاب کرده و از فرشتگان دخترانی برای خود گرفته؟ حرف بزرگی می‌زنید. (۴۰) ما در این قرآن حقیقت را به صورت‌های گوناگون بیان کردیم تا متوجه شوند، ولی فقط بر نفرت (و گریز) آنها می‌افزاید. (۴۱) بگو: اگر همان‌طور که آنها می‌گویند معبودانی با خدا بودند، حتماً دنبال راهی برای غلبه بر صاحب عرش می‌گشتند. (۴۲) خدا پاک و بسیار برتر از چیزهایی است که می‌گویند. (۴۳) آسمان‌های هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند تسبیح او را می‌گویند. هر چیزی با ستایش او، او را تسبیح می‌گوید ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. خدا بردبار و آمرزنده است. (۴۴) وقتی قرآن می‌خوانی، بین تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ناپیدایی قرار می‌دهیم. (۴۵) بر دل‌هایشان پرده‌ای می‌کشیم تا قرآن را نفهمند و گوششان را سنگین می‌کنیم و وقتی در قرآن خدا را به تنهایی یاد کنی با نفرت رو برمی‌گردانند. (۴۶) ما بهتر می‌دانیم که وقتی به تو گوش می‌دهند به چه منظوری گوش می‌دهند و وقتی با هم نجوی می‌کنند چه می‌گویند. ظالمان می‌گویند: شما فقط از مردی که جادو شده پیروی می‌کنید. (۴۷) ببین چگونه برای تو مثل زدند و در نتیجه گمراه شدند و راهی برای هدایت پیدا نمی‌کنند. (۴۸) و گفتند آیا وقتی ما استخوان و پوسیده شدیم در خلقت جدیدی زنده می‌شویم؟ (۴۹)

بگو: سنگ یا آهن یا موجودی سخت‌تر از آنچه به فکرتان می‌رسد باشید (باز هم برانگیخته می‌شوید). پس خواهند گفت: چه کسی ما را برمی‌گرداند؟ بگو: همان کسی که اولین بار شما را آفرید. پس سرهایشان را برای تو تکان می‌دهند و می‌گویند: چه موقع این کار صورت می‌گیرد؟ بگو: ممکن است نزدیک باشد. (۵۰ و ۵۱) روزی که شما را می‌خواند و شما با ستایش او دعوت او را اجابت می‌کنید و خیال می‌کنید فقط مدت کمی در حال مرگ مانده‌اید. (۵۲) به بندگان من بگو که به بهترین وجه صحبت کنند، زیرا شیطان بین آنها را به هم می‌زند. چون شیطان دشمن آشکار

انسان است. (۵۳) خداوندتان از وضع شما آگاه‌تر است، اگر بخواهد به شما رحم می‌کند و اگر بخواهد شما را عذاب می‌کند. ما تو را برای وکالت آن‌ها نفرستاده ایم. (۵۴) خدای تو کسانی را که در آسمان‌ها و زمین هستند خوب می‌شناسد، و بعضی از پیغمبران را بر بعضی از آن‌ها برتری دادیم و زبور را به داود دادیم. (۵۵) بگو: هر کسی غیر از خدا را که فکر می‌کنید به کمک بخوانید، آن‌ها توانایی این‌که ضرر را از شما برگردانند یا تغییر دهند ندارند. (۵۶) کسانی را که این افراد به کمک می‌خوانند، هر کدامشان که به خدا نزدیک‌ترند و امید رحمتش را دارند و از عذابش می‌ترسند، دنبال وسیله‌ای برای تقرب به خدا می‌گردند. چون باید از عذاب خدا ترسید و حذر کرد. (۵۷) هیچ شهری نیست مگر این‌که ما آن را قبل از روز قیامت نابود یا آن را به شدت عذاب می‌کنیم. این امر در کتاب الهی تثبیت شده است. (۵۸)

هیچ چیز ما را از فرستادن معجزه باز نداشت غیر از این‌که پیشینیان آن را انکار کردند. ما به قوم ثمود شتر ماده را که دلیل روشنی بود دادیم، ولی آن‌ها به آن ستم کردند. ما معجزات را فقط برای ترساندن می‌فرستیم. (۵۹) وقتی را یادآوری کن که به تو گفتیم: خدای تو به مردم احاطه و تسلط دارد، و رویایی را که به تو نشان دادیم و آن درخت لعنت‌شده در قرآن هم فقط برای امتحان مردم بود. آن‌ها را می‌ترسانیم، ولی فقط طغیان بزرگی بر آن‌ها اضافه می‌کند. (۶۰) و هنگامی را یادآوری کن که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. همه آن‌ها سجده کردند غیر از ابلیس که گفت: آیا من به موجودی که از گل درست کرده‌ای سجده کنم؟ (۶۱) و گفت: نظر تو درباره این کسی‌که بر من ترجیح دادی چیست؟ اگر به من تا روز قیامت فرصت دهی بر سر فرزندان او افسار می‌زنم، غیر از عده کمی از آن‌ها. (۶۲) خدا گفت: تو با کسانی‌که از تو پیروی کنند بروید، جهنم جزای کامل شما است. (۶۳) هر کس از آن‌ها را که توانستی با صداقت (وسوسه‌هایت) منحرف کن و با سواران و پیاده‌هایت بر آن‌ها بتاز و در مال و فرزندان آن‌ها شریک شو و به آن‌ها وعده بده. شیطان به آن‌ها فقط وعده دروغ می‌دهد. (۶۴) تو بر بندگان من تسلطی نداری و خداوندت برای وکالت آن‌ها کافی است. (۶۵) صاحب‌اختیار شما (خداست) که کشتی را برای شما در دریا به حرکت درمی‌آورد تا دنبال کسب معاش بروید، چون خدا نسبت به شما مهربان است. (۶۶)

وقتی در دریا دچار خطری بشوید همه کسانی را که به کمک می‌خوانید ناپدید می‌شوند، غیر از خدا. ولی چون شما را نجات دهد و به خشکی رساند از او رو می‌گردانید، زیرا انسان ناسپاس است. (۶۷) آیا از این‌که در خشکی شما را به زمین فرو برد یا طوفان شنی بفرستد و هیچ مددکاری برای خود پیدا نکنید، در امان هستید؟ (۶۸) یا از این‌که دوباره شما را بار دیگر به دریا برگرداند و طوفانی خردکننده به پا کند و شما را به علت کفری که ورزیدید غرق کند و خونخواهی در مقابل ما پیدا نکنید، در امان هستید؟ (۶۹) ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در زمین و دریا سواره راه بردیم و خوردنی‌های پاک را روزی آن‌ها کردیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری زیادی دادیم. (۷۰) روزی که هر گروهی را با نامه اعمالشان بخوانیم، کسانی‌که نامه اعمالشان به دست راستشان داده شود آن را می‌خوانند و ذره‌ای به آن‌ها ظلم نمی‌شود. (۷۱) اما کسی‌که در این دنیا کوردل است در آخرت نیز کور و گمراه‌ترین فرد است. (۷۲) (ای پیغمبر،) نزدیک بود تو را از آنچه به تو وحی کردیم منحرف کنند که به ما چیزی غیر از آن را نسبت دهی تا آن وقت با تو دوست شوند. (۷۳) اگر تو را ثابت‌قدم نمی‌کردیم نزدیک بود مقدار کمی به آن‌ها تمایل پیدا کنی. (۷۴) آن وقت در دنیا و آخرت به تو چند برابر عذاب می‌چساندیم و یاوری در مقابل ما پیدا نمی‌کردی. (۷۵)

نزدیک بود تو را از زمین بلغزانند تا از آن بیرونت کنند، در آن صورت بعد از تو فقط مدت کمی می‌ماندند. (۷۶) این روشی است که در مورد کسانی‌که قبل از تو برای آن‌ها پیغمبر فرستادیم اجرا شده و تغییری در روش ما پیدا نمی‌کنی. (۷۷) نماز را از غروب خورشید تا تاریکی شب و سپیده صبح بخوان. نماز صبح مورد توجه است. (۷۸) و قسمتی از شب را بیدار شو و نماز بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توست برای این‌که خدا تو را به مقام پسندیده‌ای برساند. (۷۹) و بگو: خداوند، مرا صادقانه وارد کن و صادقانه خارج کن و برای من از طرف خودت دلیل و قدرت کمک‌کننده‌ای قرار بده. (۸۰) بگو: حق آمد و باطل از بین رفت. مسلماً باطل از بین

رفتنی است. (۸۱) ما از قرآن آنچه را که برای افراد با ایمان شفا و رحمت است نازل می‌کنیم و فقط بر ضرر کسانی که ظلم می‌کنند اضافه می‌کند. (۸۲) وقتی به انسان نعمتی می‌دهیم از ما روگردان می‌شود و خود را کنار می‌کشد و وقتی بدی به او برسد ناامید می‌شود. (۸۳) بگو: هر کس مطابق ساختمان روحی و فکری خود کار می‌کند. خدای شما کسی را که راهش صحیح‌تر است بهتر می‌شناسد. (۸۴) درباره روح از تو می‌پرسند. بگو: روح امری مربوط به خدای من می‌باشد و به شما فقط مقدار کمی از علم داده شده. (۸۵) و اگر بخواهیم آنچه را به تو وحی کرده ایم، می‌بریم و تو مدافعی در مقابل ما پیدا نمی‌کنی. (۸۶)

مگر این‌که رحمتی از جانب خداوندت باشد، چون لطف خدا به تو زیاد است. (۸۷) بگو: اگر انس و جن متحد شوند که مثل این قرآن را بیاورند، نمی‌توانند مثل آن را بیاورند، اگر چه بعضی از آن‌ها پشتیبان بعضی باشند. (۸۸) در این قرآن برای مردم هرگونه مثلی زده ایم، ولی بیشتر مردم فقط از روی کفر و ناسپاسی آن را نمی‌پذیرند. (۸۹) و گفتند: به تو ایمان نمی‌آوریم مگر این‌که برای ما چشمه‌ای از زمین روان سازی، (۹۰) یا نخلستان یا تاکستانی داشته باشی و نهرها را در آن روان سازی، (۹۱) یا همان‌طور که خیال می‌کنی پاره‌ای از آسمان را روی سر ما بیاندازی، یا خدا و فرشتگان را مقابل ما بیاوری، (۹۲) یا خانه‌ای زرنگار داشته باشی، یا به آسمان روی. به بالارفتن تو هم ایمان نمی‌آوریم تا موقعی که نوشته‌ای برای ما بیاوری که آن را بخوانیم. بگو: خدای من پاك است. آیا من جز بشری هستم که وظیفه رسالت به عهده‌اش گذاشته شده؟ (۹۳) هیچ چیز مردم را بعد از این‌که راهنمایی برای ایشان آمد از ایمان آوردن باز نداشت جز این‌که گفتند: آیا خدا بشری را به رسالت فرستاده؟ (۹۴) بگو: اگر در زمین فرشتگان بودند که با آسودگی خیال راه می‌رفتند، از آسمان برای آن‌ها فرشته‌ای را به پیامبری نازل می‌کردیم. (۹۵) بگو: خدا برای شهادت بین من و شما کافی است، چون او نسبت به بندگان آگاه و بینا است. (۹۶)

کسی را که خدا هدایت کند، هدایت شده است و کسی را که گمراه کند، هرگز کمک‌کنندگانی غیر از خدا برای او پیدا نمی‌کنی و روز قیامت آن‌ها را دمرو در حالی‌که کور و لال و کر می‌باشند، جمع‌آوری می‌کنیم. جای آن‌ها جهنم است. هر گاه که شعله آن کم شود، آتشی به آن اضافه می‌کنیم. (۹۷) این جزای آن‌هاست، چون منکر آیات ما شدند و گفتند: آیا وقتی ما استخوان از هم پاشیده‌ای شدیم دوباره در شکل جدیدی خلق می‌شویم؟ (۹۸) آیا متوجه نشدند که خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده می‌تواند مثل آن‌ها را بیافریند و برای آن‌ها مهلتی قرار داده که شکی در آن نیست؟ اما ظالم‌ها فقط از روی حق‌پوشی منکر آن شدند. (۹۹) بگو: اگر شما خزاین رحمت خدای مرا داشته باشید، از ترس خرج کردن و تمام شدن آن بخل می‌ورزید. انسان بخیل است. (۱۰۰) به موسی نه معجزه آشکار دادیم. این را از بنی اسرائیل بپرس، وقتی که موسی پیش آن‌ها آمد فرعون به او گفت: ای موسی، من فکر می‌کنم تو جادو شده‌ای. (۱۰۱) موسی گفت بدون شك تو می‌دانی که این (آیات) را خدای آسمان‌ها و زمین برای بینش (راهنمایی) انسان‌ها نازل کرده. ای فرعون، من فکر می‌کنم که تو هلاک شوی. (۱۰۲) فرعون خواست آن‌ها را از زمین مصر ریشه‌کن کند، بنابراین ما او و تمام کسانی را که با او بودند غرق کردیم. (۱۰۳) بعد از او به بنی اسرائیل گفتیم: در این سرزمین ساکن شوید، و چون وعده آخرت بیاید همه شما را با هم می‌آوریم. (۱۰۴)

قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد و تو را فقط برای بشارت‌دادن و ترساندن از نتیجه کارها فرستادیم. (۱۰۵) قرآن را کم‌کم نازل کردیم تا آن را آهسته آهسته بر مردم بخوانی و قطعاً آن را ما نازل کردیم. (۱۰۶) بگو: چه به آن ایمان بیاورید چه نیاورید، کسانی که قبلاً به آن‌ها علم داده شده، وقتی قرآن بر آن‌ها خوانده شود سجده‌کنان بر خاک می‌افتند. (۱۰۷) و می‌گویند: خدای ما پاك است. وعده خدای ما عملی خواهد شد. (۱۰۸) و به خاک می‌افتند و گریه می‌کنند و قرآن بر تواضع آن‌ها اضافه می‌کند. (۱۰۹) بگو: الله بخوانید یا رحمان، هر کدام را بخوانید فرقی نمی‌کند. خدا اسم‌های نیکویی دارد. نمازت را بلند بخوان، آهسته هم بخوان، حالتی بین این دو حالت را پیدا کن. (۱۱۰) و بگو: ستایش (بزرگداشت) فقط برای خدایی است که فرزندی ندارد و در فرمانروایی هم شریکی ندارد و ضعیف نبوده که احتیاج به مددکاری داشته باشد و او را هر چه بیشتر بزرگ نما. (۱۱۱)

سوره كهف (۱۸)

مکی و شامل یکصد و ده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ستایش (بزرگداشت) فقط برای خداست که قرآن را بر بنده اش (محمد) نازل کرد و هیچگونه انحرافی در آن قرار نداد. (۱) قرآن کتابی است راست و استوار تا مردم را از عذاب سختی بر حذر دارد و به افراد باایمانی که کار درست می‌کنند مژده بدهد که پاداش نیکویی دارند. (۲) و همیشه در آن می‌مانند. (۳) و کسانی را که گفتند که خدا فرزند دارد، بیم دهد. (۴)

آن‌ها و پدران‌شان به حرفی که می‌زنند علمی ندارند. حرفی که می‌زنند گناه بزرگی است. آن‌ها فقط دروغ می‌گویند. (۵) شاید اگر به این حرف ایمان نیاورند از شدت تاسف خودت را به خاطر آن‌ها هلاک کنی. (۶) ما تمام چیزهایی را که روی زمین است برای زینت و زیبایی آن بوجود آورده‌ایم تا مردم را امتحان کنیم که کار کدامشان بهتر است. (۷) ما تمام چیزهایی را که روی زمین است به صورت بیابانی بدون گیاه درمی‌آوریم. (۸) آیا خیال کرده‌ای که اصحاب كهف (غار) و رقیم از آیات عجیب ما بوده است؟ (۹) وقتی چند جوان به غار پناه بردند و گفتند: خداوند، به ما رحمتی کن و وسیله هدایت ما را در کارمان فراهم نما. (۱۰) ما آن‌ها را چند سال در غار به خواب بردیم. (۱۱) بعد آن‌ها را از خواب بیدار کردیم تا بدانیم کدام دسته حساب مدتی را که خوابیده‌اند بهتر کرده‌اند. (۱۲) ما خبر آن‌ها را به درستی به تو می‌گوییم. آن‌ها جوانانی بودند که به خداوندشان ایمان آوردند و ما هدایت آن‌ها را زیاد کردیم. (۱۳) وقتی از خواب برخاستند به آن‌ها قوت قلب دادیم، در نتیجه گفتند: خداوند ما خداوند آسمان‌ها و زمین است. معبود دیگری را غیر از او به کمک نمی‌خوانیم، چون در آن صورت حرفی دور از حقیقت زده‌ایم. (۱۴) این‌ها قوم ما هستند که برای خود معبودهایی غیر از خدا درست کرده‌اند. چرا دلیل روشنی برای حرف خود نمی‌آورند؟ چه کسی ظالم‌تر از کسی است که از قول خدا دروغ بگوید؟ (۱۵)

به هم گفتند: وقتی از آن‌ها و چیزهایی که غیر از خدا می‌پرستند کنار جویی می‌کنید، به غار پناه ببرید تا خداوندتان رحمت خودش را بر شما زیاد کند و گشایشی در کارتان فراهم کند. (۱۶) خورشید را می‌بینی که موقع طلوع به طرف راست غارشان میل می‌کند و موقع غروب به طرف چپ و آن‌ها در وسط غار (جای وسیع آن) هستند. این از آیات خداست، کسی را که خداوند هدایت کند، واقعاً هدایت شده و کسی را که گمراه کند، کسی را پیدا نمی‌کنی که به او کمک و او را هدایت کند. (۱۷) تو خیال می‌کنی که آن‌ها بیدارند در صورتی که خوابند. آن‌ها را این پهلو آن پهلو می‌کنیم و سگشان دو دست خود را به طرف آستانه غار دراز کرده بود. اگر به حال آن‌ها پی می‌بردی دچار ترس شدید می‌شدی و فرار می‌کردی. (۱۸) به این ترتیب آن‌ها را از خواب بیدار کردیم تا از هم بپرسند چقدر خوابیده‌اند. یکی از آن‌ها گفت: چقدر خوابیده بودید؟ گفتند يك روز یا مقداری از روز. گفتند: خدا بهتر می‌داند که چقدر خوابیده‌اید. يك نفر را با پول به شهر بفرستید و باید ببینند چه غذایی پاک‌تر است تا از آن بخرد و برای شما بیاورد و باید با ملایمت رفتار کند تا کسی از وضع شما آگاه نشود. (۱۹) چون اگر آن‌ها شما را پیدا کنند، سنگسارتان می‌کنند یا شما را به دین خود برمی‌گردانند که در این صورت هرگز رستگار نمی‌شوید. (۲۰)

به این ترتیب مردم را متوجه حال آن‌ها کردیم تا بدانند وعده خدا درست است و شکی درباره قیامت وجود ندارد. وقتی مردم درباره کارشان با هم بگویند می‌کردند، گفتند: بنایی در جای ایشان بسازید. خداوندشان به وضع آن‌ها دانایتر است. کسانی که حرفشان به کرسی نشست گفتند: مسجدی در جای آن‌ها می‌سازیم. (۲۱) بعضی می‌گویند: سه نفر بودند و سگشان چهارمی آن‌ها بود. بعضی می‌گویند: پنج نفر بودند و سگشان ششمی آن‌ها بود. بدون دلیل حرف می‌زنند، بعضی می‌گویند: هفت نفر بودند و سگشان هشتمی آن‌ها بود. بگو: خدا عده آن‌ها را بهتر می‌داند. فقط عده کمی تعداد آن‌ها را می‌دانند. درباره آن‌ها بحثی ظاهری بکن و از هیچ‌کس درباره آن‌ها نظرخواهی نکن. (۲۲) نگویید: من فردا این‌کار را می‌کنم، (۲۳) مگر این‌که خدا

بخواهد. وقتی فراموش کردی، خداوندت را به خاطر بیاور و بگو: ممکن است خدا مرا به کاری بهتر از این کاری که تصمیم دارم بکنم هدایت کند. (۲۴) در غارشان سیصد و نه سال قمری ماندند. (۲۵) بگو: خدا بهتر می‌داند که چقدر خواب بودند. غیب آسمان‌ها و زمین متعلق به اوست. چقدر بینا و شنوا است. مردم یآوری غیر از او ندارند و او کسی را در قانونگزاری شریک خود نمی‌کند. (۲۶) هر قدر از کتاب خداوندت که به تو وحی شده بخوان. سخنان او تغییرناپذیر است و غیر از او هرگز پناهی پیدا نمی‌کنی. (۲۷)

با کسانی باش که صبح و شب در دعا خداوندشان را می‌خوانند و رضایت او را می‌خواهند. چشمانت را به خاطر زینت دنیا از چنین افرادی برنگردان، و از کسی اطاعت نکن که قلبش را از یاد خودمان غافل کرده ایم و از دلخواه خود پیروی می‌کند و کار او روی افراط است. (۲۸) بگو: حق از خداوندتان می‌باشد. هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد کافر شود. ما آتش جهنم را برای کافران آماده کرده ایم که سراپرده اش آن‌ها را در برمی‌گیرد. اگر کمک بخواهند با آبی مثل فلز گداخته که صورت را بریان می‌کند به آن‌ها کمک می‌شود. چه آب بد و چه منزل بدی است. (۲۹) کسانی که ایمان آوردند و کار درست کردند، بدانند که ما پاداش کسانی را که کار درست کرده‌اند از بین نمی‌بریم. (۳۰) آن‌ها بهشت‌هایی دارند که در آن‌ها نهرها روان است و با دستبندهای طلا مزین می‌شوند و حریر سبز نازک و کلفت می‌پوشند و بر تخت‌ها تکیه می‌زنند. بهشت چه پاداش خوب و چه استراحتگاه خوبی است. (۳۱) برای آن‌ها مثلی بزن. حکایت دو مرد که به یکی از آن‌ها دو باغ انگور دادیم که با درختان خرما احاطه شده بود، و بین آن‌ها هم کشتزاری وجود داشت. (۳۲) هر دو باغ محصول خود را می‌دادند و چیزی فروگذار نمی‌کردند. وسط آن دو باغ هم نهری روان کردیم. (۳۳) همه محصول آن مال او بود. یک روز در حال صحبت با دوستش گفت: مال من بیشتر از مال تو است و از نظر نفرت هم از تو نیرومندتر هستم. (۳۴)

و در حالی که به خودش ظلم می‌کرد، وارد باغش شد و گفت: فکر نمی‌کنم این باغ هیچ وقت از بین برود. (۳۵) و فکر نمی‌کنم که قیامت برپا شود. حتی اگر پیش خداوندم برگردانده شوم، جایی بهتر از این خواهم داشت. (۳۶) دوستش به او گفت: آیا منکر خدایی هستی که تو را از خاک و بعد از نطفه آفرید و بالاخره از تو مردی ساخت؟ (۳۷) ولی من می‌گویم که خدا صاحب اختیار من است و احدی را شریک خداوند نمی‌سازم، (از فرمان هیچ‌کس جز او بدون چون و چرا اطاعت نمی‌کنم). (۳۸) چرا وقتی داخل باغ شدی نگفتی: این چیز است که خدا خواسته، و هیچ نیرویی نیست جز به وسیله خدا؟ اگر مرا از نظر مال و فرزندی کمتر از خودت می‌بینی، (۳۹) شاید خدا به من چیزی بهتر از باغ تو بدهد و از آسمان بلایی بر باغ تو نازل کند و باغت به صورت زمینی خشک و صاف و بی‌حاصل در آید، (۴۰) یا آتش فروکش کند و دیگر نتوانی آن را بدست بیاوری. (۴۱) و بلا بر آن نازل شد و داربست‌هایش در هم شکست و به خاطر خرجی که برای آن کرده بود، دست‌هایش را به هم می‌مالید و می‌گفت: کاش کسی را شریک خداوند نمی‌ساختم. (۴۲) کسانی غیر از خدا وجود نداشتند که به او کمک کنند و خودش هم نمی‌توانست کمکی به خود بکند. (۴۳) آنجا متوجه شد که کمک کردن فقط از آن خداست و بهترین پاداش و عاقبت خوش هم در اختیار اوست. (۴۴) برایشان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که از آسمان نازل کردیم و گیاهان زمین بزرگ شدند و در هم فرو رفتند و بعد خشک و خرد شدند و باد آن‌ها را پراکنده کرد. خدا قادر به هر کاری است. (۴۵)

مال و فرزند زینت زندگی دنیا است، ولی اعمال صالح که نتیجه اش همیشه باقی است، در پیش خداوند بهترین پاداش و عاقبت نیکو را دارد. (۴۶) روزی که کوه‌ها را به حرکت درآوریم و زمین را صاف و هموار ببینی و همه آن‌ها را جمع کنیم و کسی را از قلم نیاندازیم. (۴۷) و صف بسته به خداوندت عرضه شوند، به آن‌ها گفته می‌شود: همان‌طور که اولین بار شما را خلق کردیم اکنون پیش ما آمدید. ولی شما خیال می‌کردید که قراری برای شما گذاشته ایم. (۴۸) و نامه اعمال گذاشته شود و گناه‌کاران را می‌بینی که از آنچه در آن است هراسان می‌باشند و می‌گویند: وای بر ما، این چه جور پرونده‌ای است؟! هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر به حساب آمده و فروگذار نشده، و هر کاری که کرده‌اند حاضر می‌یابند و خداوند تو به کسی ظلم نمی‌کند. (۴۹) وقتی را یادآوری کن که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. همه

سجده کردند غیر از ابلیس که جن بود. او از دستور خداوندش اطاعت نکرد. آیا باز او و فرزندانش را به جای من دوست و یاور خود می‌گیرید؟ در صورتی که او دشمن شما است. برای ظالم‌ها شیطان جانشین بدی است. (۵۰) من آن‌ها را هنگام خلقت آسمان‌ها و زمین و خلقت خودشان شاهد نساختم و گمراه‌کنندگان را مددکار خود نگرفتم. (۵۱) روزی که خداوند گوید: آن‌هایی را که فکر می‌کردید شریک من هستند صدا بزنید. آن‌ها را صدا می‌زنند، ولی به ندای آن‌ها پاسخی داده نمی‌شود. بین آن‌ها پرتگاهی قرار داده‌ایم. (۵۲) گناه‌کاران آتش جهنم را می‌بینند و گمان می‌کنند که در آن می‌افتند و راهی برای برگشتن از آن پیدا نمی‌کنند. (۵۳)

ما در این قرآن هر گونه مثلی برای هدایت مردم زده‌ایم، ولی انسان بیشتر از هر چیزی اهل بگومگو است. (۵۴) وقتی هدایت برای آن‌ها آمد، هیچ چیز مانع ایمان آوردن و آموزش خواستن آن‌ها از خداوند نشد مگر انتظار این‌که روشی که درباره گذشتگان اجرا شده بود برای آن‌ها بیاید یا عذاب رو به رویشان قرار بگیرد. (۵۵) ما پیغمبران را برای بشارت دادن (درباره عاقبت کارهای خوب) و ترساندن (از عاقبت کارهای بد) می‌فرستیم و افراد کافر به باطل بگومگو می‌کنند تا با آن حق را پایمال کنند، و آیات مرا و بیمی را که از عاقبت کار بدشان به آن‌ها داده شده به مسخره گرفتند. (۵۶) کیست ظالم‌تر از کسی‌که آیات خدا به او گفته شود و او از آن روگردان باشد و کارهایی را که کرده فراموش کند؟ ما بر دل‌هایشان پرده‌ای افکنده‌ایم که نفهمند و گوششان را سنگین ساخته‌ایم (که حقیقت را نشنوند). اگر آن‌ها را به راه صحیح دعوت کنی هیچگاه هدایت نمی‌شوند. (۵۷) خداوند تو آمرزنده و صاحب رحمت است. اگر خدا به علت کارهایی که می‌کردند آن‌ها را مؤاخذه می‌نمود، در عذاب آن‌ها عجله می‌کرد، ولی برای هلاک آن‌ها زمانی تعیین شده که راه فراری از آن پیدا نمی‌کنند. (۵۸) این‌ها شهرهایی است که چون ظلم کردند نابودشان کردیم و برای نابودکردن آن‌ها مدتی تعیین نمودیم. (۵۹) موقعی را یادآوری کن که موسی به همسفر جوانش گفت: تا به محل به هم رسیدن دو دریا نرسم یا مدت درازی صرف آن نکنم، از این مسافرت دست برنمی‌دارم. (۶۰) چون به محل برخورد دو دریا رسیدند، ماهی خود را فراموش کردند و ماهی راهش را در دریا پیش گرفت و رفت. (۶۱)

وقتی از آن محل گذشتند، موسی به جوان گفت غذایمان را بیاور. ما در این سفر رنج زیادی کشیده‌ایم. (۶۲) جوان گفت: آیا متوجه شدی که وقتی ما به صخره پناه بردیم، من ماهی را فراموش کردم و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد و ماهی به طور عجیبی به دریا رفت. (۶۳) موسی گفت: این همان جایی است که دنبالش می‌گشتیم. بنابراین جستجوکنان از راهی که رفته بودند به عقب برگشتند. (۶۴) و یکی از بندگان ما را یافتند که به لطف خودمان به او علمی یاد داده بودیم. (۶۵) موسی به او گفت: آیا اجازه می‌دهی که من دنبال تو بیایم تا مقداری از علمی که به تو آموخته‌اند به من بیاموزی؟ (۶۶) او گفت: تو نمی‌توانی در کنار من صبر داشته باشی. (۶۷) چگونه می‌توانی در مورد چیزی که از آن اطلاعی نداری صبر کنی؟ (۶۸) موسی گفت: اگر خدا بخواهد مرا در این کار صبور خواهی یافت و از دستور تو سرپیچی نمی‌کنم. (۶۹) او گفت: اگر دنبال من بیایی نباید درباره چیزی سؤال کنی تا خودم درباره آن حرف بزنم. (۷۰) با این شرط به راه افتادند تا این‌که سوار کشتی شدند. آن مرد کشتی را سوراخ کرد. موسی به او گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی که اهل آن را غرق کنی؟ واقعاً کار زشتی کردی. (۷۱) او گفت: آیا به تو نگفتم که تو نمی‌توانی طاقت بیاوری؟ (۷۲) موسی گفت: به خاطر قولی که فراموش کردم مرا مؤاخذه نکن و در کار من سخت‌گیری نکن. (۷۳) باز راه افتادند تا به جوانی برخوردند. او آن جوان را کشت. موسی گفت: آیا آدم بی‌گناهی که کسی را نکشته بود کشتی؟ واقعاً کار زشتی کردی. (۷۴)

او گفت: آیا به تو نگفتم که طاقت دیدن کارهای مرا نداری؟ (۷۵) موسی گفت: اگر بعد از این از تو درباره چیزی سؤال کردم، دیگر با من همراهی نکن، چون از جانب من معذور خواهی بود. (۷۶) و به راه افتادند تا به شهری رسیدند و از اهالی آن غذا خواستند، اما آن‌ها از مهمان‌کردن ایشان خودداری کردند. آنگاه در شهر دیواری پیدا کردند که می‌خواست خراب شود. او آن را درست کرد. موسی به او گفت: اگر می‌خواستی، برای این‌کار از آن‌ها مزدی می‌گرفتی. (۷۷) او به موسی گفت: اکنون موقع جدایی بین من و تو است. من حالا تاویل چیزهایی را که نتوانستی در

مقابل آن صبر کنی به تو می‌گویم. (۷۸) اما کشتی مال افراد تهیدستی بود که با آن در دریا کار می‌کردند (و خرج خانواده خود را تامین می‌کردند)، خواستم آن را خراب کنم (که به دریا نروند)، چون پشت سر آن‌ها پادشاهی بود که هر کشتی را به زور می‌گرفت (خواستم کشتی را از دست ندهند). (۷۹) اما جوان، پدر و مادرش آدم‌های باایمانی بودند. ترسیدم پدر و مادرش را به طغیان و کفر بکشد. (۸۰) خواستیم که خدا فرزند بهتری به آن‌ها بدهد که پاک‌تر و مهربان‌تر از او باشد. (۸۱) اما دیوار در شهر مال دو جوان یتیم بود و زیر آن گنجی متعلق به آن‌ها بود و پدرشان آدم درستکاری بود. خداوند تو خواست که آن‌ها به حد بلوغ و قدرت برسند و گنجشان را به لطف خداوند درآورند. این‌کارها را از طرف خودم نکردم. این تاویل کارهایی بود که نتوانستی در مقابل آن صبر کنی. (۸۲) درباره ذوالقرنین از تو سؤال می‌کنند. بگو: درباره او مطلبی به شما خواهم گفت. (۸۳)

ما او را در زمین به قدرت رساندیم و وسیله هر کاری را به او دادیم. (۸۴) او راهی را دنبال کرد. (۸۵) تا به محل غروب خورشید رسید و به نظرش رسید که خورشید در چشمه گل‌آلود تیره‌رنگی غروب می‌کند، و در آنجا قومی را پیدا کرد. به او گفتیم: ای ذوالقرنین، آن‌ها را عذاب می‌کنی یا روش خوبی درباره آن‌ها پیش می‌گیری؟ (۸۶) ذوالقرنین گفت: اما کسی‌که ظلم کند، او را عذاب می‌کنم و بعد پیش خدایش برگردانده می‌شود و خدا او را مجازات سختی خواهد کرد. (۸۷) اما کسی‌که ایمان آورده و کار درست کند، پاداش خوبی دارد و دستور آسانی در حق او صادر می‌کنیم. (۸۸) بعد دنبال راه دیگری رفت. (۸۹) تا به محل طلوع خورشید رسید. دید که خورشید بر مردمی طلوع می‌کند که پوششی غیر از خورشید برای آن‌ها قرار نداده بودیم. (۹۰) به این ترتیب رفتار می‌کرد و ما از آنچه پیش او بود خبر داشتیم. (۹۱) بعد دنبال راه دیگری رفت. (۹۲) تا بین دو کوه رسید و قومی را آنجا پیدا کرد که زبان نمی‌فهمیدند. (۹۳) گفتند: ای ذوالقرنین، یا جوج و مأجوج در زمین فساد می‌کنند. آیا امکان دارد مالی در اختیار تو بگذاریم که بین ما و آن‌ها سدی بسازی؟ (۹۴) او گفت: قدرتی که خدای من به من داده بهتر است. با نیروی بدنی خودتان به من کمک کنید تا بین شما و آن‌ها سد محکمی بسازم. (۹۵) برای من قطعات آهن بیاورید تا وقتی که بین دو کوه را مساوی کرد. گفت: بدمید، تا وقتی که آن را گذاخته کرد. گفت: برای من مس مذاب بیاورید تا روی آن بریزم. (۹۶) بدین سان یا جوج و مأجوج نتوانستند از آن بالا بروند یا سوراخی در آن بوجود آورند. (۹۷)

گفت: این از لطف خداوند من است. اما چون وعده خداوند من بیاید آن را با خاک یکسان می‌کنند. وعده خداوند من راست است. (۹۸) آن‌ها را می‌گذاریم تا در آن روز در هم بلولند، و در صور دمیده شود و همه آن‌ها را جمع می‌کنیم. (۹۹) و آن روز جهنم را به کافران نشان می‌دهیم. (۱۰۰) کافرانی که چشمشان از یاد من در پرده بود و قدرت شنیدن حقیقت را نداشتند. (۱۰۱) آیا افراد بی‌ایمان خیال کردند که می‌توانند به جای من، بندگان مرا اولیای خود بگیرند؟ ما جهنم را برای افراد بی‌ایمان آماده کرده‌ایم. (۱۰۲) بگو: آیا شما را از پرضرترین کارها آگاه بکنم؟ (۱۰۳) آنان کسانی هستند که کوشش آن‌ها در زندگی دنیا از بین رفته و خیال می‌کنند کار خوبی می‌کنند. (۱۰۴) آن‌ها افرادی هستند که منکر آیات خداوندشان و ملاقات او شدند. در نتیجه کارهایشان از بین رفته و روز قیامت ارزشی برای آن‌ها قایل نمی‌شویم. (۱۰۵) به علت کفری که ورزیدند و آیات و پیغمبران مرا مسخره کردند، جهنم جزای آن‌هاست. (۱۰۶) کسانی‌که ایمان آوردند و کار درست کردند باغ‌های بهشت محل پذیرایی آن‌هاست. (۱۰۷) همیشه در آن می‌مانند و دنبال تغییر مکان نمی‌گردند. (۱۰۸) بگو: اگر دریا برای نوشتن کلمات خدای من مرکب شود، حتماً دریا تمام می‌شود قبل از اینکه سخنان خدای من به آخر برسد، اگر چه دریایی مثل آن را هم به کمک بیاوریم. (۱۰۹) بگو: من فقط بشری مثل شما هستم، به من وحی می‌شود که معبود شما (کسی‌که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی بکنید و از دستورهایش بدون چون و چرا پیروی کنید) معبودی است یگانه. کسی‌که امید ملاقات صاحب‌اختیار خود را دارد باید کار صحیح بکند و در بندگی‌کردن صاحب‌اختیار خود هیچ‌کس را شریک او نسازد (اربابی جز خدا نگیرد و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستوره‌ای هیچ‌کس جز خدا نباشد). (۱۱۰)

مکی و شامل نود و هشت آیه به نام خداوند بخشنده مهربان

کهیصص (۱) این یادی از لطف خداوند تو به بنده اش زکریا است. (۲) وقتی که خداوندش را پنهانی صدا زد. (۳) گفت: خداوندا، استخوان من سست شده و موی سرم از پیری سفید شده. خداوندا، در کمکخواهی از تو محروم نبوده ام. (۴) من درباره بستگانم بعد از خودم می‌ترسم و زن من نازا است. بنابراین از لطف خودت جانیشینی به من بده، (۵) که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد و او را فردی پسندیده ساز. (۶) ندا داده شد که ای زکریا، مژده پسری را که اسمش یحیی است به تو می‌دهیم و قبلاً کسی به این نام نامیده نشده. (۷) زکریا گفت: خداوندا، چگونه می‌توانم پسری داشته باشم در صورتی که زخم نازا است و من پیر و ناتوانم. (۸) فرشته گفت: همین‌طور است که می‌گویی. خداوند تو گفت که این کار برای من آسان است، من قبلاً تو را خلق کردم در صورتی که چیزی نبود. (۹) زکریا گفت: خداوندا نشانه‌ای برای من قرار بده. فرشته گفت: نشانه تو این است که سه روز در حالی که سالم هستی نمی‌توانی با مردم حرف بزنی. (۱۰) پس از محراب خارج شد و پیش قوم خود رفت و با اشاره به آن‌ها فهماند که صبح و شب به تسبیح خدا پردازد. (۱۱)

ای یحیی، کتاب را با قوت بگیر. ما به او از کودکی حکمت دادیم. (۱۲) به فضل ما مهربان و پاک و پرهیزکار بود. (۱۳) و با پدر و مادرش خوش‌رفتار بود و زورگو و سرکش نبود. (۱۴) سلام بر او روزی که متولد شد و روزی که مرد و روزی که زنده شود. (۱۵) در کتاب از مریم یاد کن وقتی که در مکانی شرقی از خانواده اش به کناری رفت. (۱۶) و پرده‌ای بین خود و آن‌ها قرار داد. ما روحمان (جبرئیل) را پیش او فرستادیم. او برای مریم به شکل انسانی کامل درآمد. (۱۷) مریم گفت: اگر آدم باتقوایی هستی، من از تو به خدا پناه می‌برم. (۱۸) گفت: من فرستاده خداوند تو هستم تا پسر پاک‌ی به تو ببخشم. (۱۹) مریم گفت: چطور من می‌توانم پسری داشته باشم در صورتی که دست بشری به من نرسیده و آدم بدکاری نبوده ام؟ (۲۰) گفت: همین‌طور است، خداوند تو گفت: این کار برای من آسان است. برای این‌که او را آیتی (نشانه‌ای) برای مردم بسازیم و لطفی از ما باشد. این امری است قطعی و شدنی. (۲۱) پس مریم عیسی را حامله شد و به جای دوری رفت. (۲۲) درد زایمان او را پیش‌تنه درخت خرمایی برد، گفت: کاش من قبلاً مرده و فراموش شده بودم. (۲۳) از زیرش صدایی به او گفت که غصه نخور، خداوند تو زیر پایت چشمه‌ای قرار داده، (۲۴) تنه درخت را تکان بده تا خرمای تازه برای تو بریزد. (۲۵)

بخور و بنوش و چشمت را روشن ساز، اگر کسی را دیدی بگو که من روزه‌ای برای خدا نذر کرده‌ام. امروز هیچ‌گاه با کسی حرف نمی‌زنم. (۲۶) مریم در حالی‌که بچه را در آغوش داشت، او را پیش قومش آورد، گفتند: ای مریم، کار زشتی کرده‌ای. (۲۷) ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت هم بدکاره نبود. (۲۸) مریم به بچه اش اشاره کرد. گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است صحبت کنیم؟ (۲۹) عیسی گفت: من بنده خدا هستم، خدا به من کتاب داده و مرا پیغمبر ساخته، (۳۰) و هر جا باشم مرا بابرکت ساخته و به من تا وقتی زنده‌ام سفارش نماز و زکات کرده است. (۳۱) و مرا نسبت به مادرم نیکوکار گردانده و مرا زورگو و بدرفتار نساخته. (۳۲) سلام بر من روزی که زاییده شدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده شوم. (۳۳) این عیسی پسر مریم است، سخن راست و درستی است که در آن شك دارند. (۳۴) سزاوار خدا نیست که فرزندی بگیرد، خدا بالاتر از این حرف‌ها است. وقتی تصمیم به انجام کاری بگیرد فقط می‌گوید بشو، همان‌طور خواهد شد. (۳۵) عیسی گفت: خدا صاحب‌اختیار من و شماست، بنابراین فقط او را بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز خدا نباشید)، راه راست این است. (۳۶) اما گروه‌ها (یهودی و مسیحی) میان خود دچار اختلاف شدند، پس وای بر منکران موقع دیدن روز بزرگ. (۳۷) روزی که پیش ما بیایند چقدر بینا و چقدر شنوا هستند، ولی ستمکاران امروز در گمراهی آشکاری هستند. (۳۸)

آن‌ها را از روز پشیمانی و افسوس خوردن بر حذر دار، روزی که کار تمام شده، ولی آن‌ها در غفلت هستند و ایمان نمی‌آورند. (۳۹) پیش ما برمی‌گردند و زمین و هر کس که در آن است برای ما باقی می‌ماند. (۴۰) در کتاب، ابراهیم را یاد کن، او راستگو و پیغمبر بود. (۴۱) وقتی که به پدرش گفت: چرا چیزی را که نمی‌شنود و

نمی‌بیند و ذره‌ای برای تو فایده ندارد عبادت می‌کنی؟ (۴۲) پدر، مقداری از علم برای من حاصل شده که برای تو حاصل نشده. از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم. (۴۳) پدر، بندگی شیطان را نکن. او نسبت به خداوند بخشنده سرکش است. (۴۴) پدر، من می‌ترسم عذابی از طرف خداوند رحمان به تو برسد و تو یار شیطان باشی. (۴۵) پدرش به او گفت: ای ابراهیم، آیا از خدایان من روگردانی؟ اگر از این کار دست برننداری تو را سنگسار می‌کنم، مدتی از من دور شو. (۴۶) ابراهیم گفت: سلام بر تو، من از خداوندم برای تو طلب آموزش می‌کنم، چون او نسبت به من مهربان است. (۴۷) من از شما و هر چه که غیر از خدا می‌خوانید کنار جویی می‌کنم و از خداوندم کمک می‌خواهم، امیدوارم که در خواندن خداوندم آدم بدبختی نباشم. (۴۸) چون ابراهیم از آن‌ها و چیزهایی که غیر از خدا می‌پرستیدند کنار جویی کرد، اسحاق و یعقوب را به او دادیم و هر یک را پیغمبر ساختیم. (۴۹) و به آن‌ها لطف کردیم، و نامشان را بلندآوازه ساختیم. (۵۰) در کتاب از موسی سخن بگو، او بنده‌ای مخلص و رسول و پیامبر بود. (۵۱)

از طرف راست کوه او را صدا زدیم و او را برای سخن گفتن نزدیک ساختیم. (۵۲) و از لطف خودمان هارون پیغمبر را به او دادیم. (۵۳) و در کتاب از اسماعیل سخن بگو، او در وعده‌های صادق و فرستاده و پیامبر بود. (۵۴) به خانواده‌اش دستور نماز و زکات می‌داد و مورد رضایت خدا بود. (۵۵) و از ادريس در کتاب صحبت کن، چون او راستگو و پیغمبر بود. (۵۶) و او را به مقام بلندی ارتقا دادیم. (۵۷) این‌ها عده‌ای از پیغمبران از نسل آدم و از نسل کسانی که با نوح سوار کشتی کردیم و از نسل ابراهیم و یعقوب و از کسانی بودند که هدایتشان کردیم و انتخابشان نمودیم و خدا به آن‌ها لطف کرد. وقتی آیات خدای رحمان بر آن‌ها تلاوت می‌شد، با حال گریه به سجده می‌افتادند. (۵۸) بعد از آن‌ها کسانی جانشین ایشان شدند که نماز را از بین بردند و پیرو شهوات خود شدند، نتیجه گمراهی خود را خواهند دید. (۵۹) غیر از کسانی که توبه نمودند و ایمان آوردند و کار صحیح کردند، آن‌ها افرادی هستند که وارد بهشت می‌شوند و ذره‌ای به آن‌ها ظلم نمی‌شود. (۶۰) بهشت‌های جاویدی که خداوند بخشنده از غیب به بندگانش وعده داده، وعده خدا عملی خواهد شد. (۶۱) در آنجا حرف بیهوده‌ای نخواهند شنید، فقط سلام می‌شنوند و صبح و شب روزی خود را دارند. (۶۲) این بهشتی است که در اختیار بندگان پرهیزکار خود قرار می‌دهیم. (۶۳) ما فرشتگان جز به فرمان خداوند نازل نمی‌شویم. آنچه جلوی ما و پشت سر ما و بین آن‌ها است مال خدا است و خداوند تو فراموشکار نیست. (۶۴)

(او) صاحب‌اختیار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست می‌باشد. بنابراین فقط او را بندگی کن (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز خدا نباش) و در بندگی او استقامت کن. آیا همنامی برای او می‌شناسی؟ (۶۵) انسان می‌گوید: آیا پس از مرگ دوباره زنده می‌شوم؟ (۶۶) آیا انسان توجه نمی‌کند که قبلاً، وقتی که چیزی نبود، او را آفریدیم؟ (۶۷) به خداوندت قسم که آن‌ها و شیطان‌ها را جمع می‌کنیم و بعد آن‌ها را در حالی که در اطراف جهنم به زانو درآمده‌اند حاضر می‌کنیم. (۶۸) بعد از بین هر دسته افرادی را که نسبت به خدای بخشنده سرکش‌تر بودند جدا می‌کنیم. (۶۹) ما کسانی را که برای درآمدن به جهنم سزاوارتر هستند بهتر می‌شناسیم. (۷۰) هیچ‌کس از شما نیست که وارد جهنم نشود، این امر حتمی خداوندت می‌باشد. (۷۱) بعد کسانی را که پرهیزکار بودند نجات می‌دهیم و کسانی را که ظلم می‌کردند در حالی که زانو زده‌اند در آن باقی می‌گذاریم. (۷۲) وقتی آیات روشن ما برای آن‌ها خوانده شود، افراد بی‌ایمان به افراد با ایمان می‌گویند: جای کدامیک از این دو دسته بهتر و محفلش نیکوتر است؟ (۷۳) قبل از آن‌ها افرادی را که وسایل زندگی و قیافه‌شان بهتر از این‌ها بود نابود کردیم. (۷۴) بگو: خدا افرادی را که گمراه هستند در آن راه کمک می‌کند تا وقتی که عذاب یا قیامتی را که به آن‌ها وعده داده شده ببینند، آن وقت می‌دانند جای چه کسی بدتر و سپاهش ضعیفتر است. (۷۵) خدا هدایت کسانی را که هدایت شده‌اند می‌افزاید و پاداش کارهای خوب باقی‌ماندنی پیش خداوندت بهتر و خوش‌عاقبت‌تر است. (۷۶)

آیا کسی را که منکر آیات ما شد دیدی که می‌گفت: حتماً به من مال و فرزند داده خواهد شد. (۷۷) آیا از غیب خبر داشت یا از خداوند رحمان قولی گرفته بود؟ (۷۸)

اینطور نیست، ما آنچه را می‌گوئید می‌نویسیم و عذاب او را پیوسته زیادتر می‌کنیم. (۷۹) و آنچه را که می‌گوئید (مال و فرزندی)، برای ما به جا می‌گذارد و تنها پیش ما می‌آید. (۸۰) غیر از خدا معبودهایی برای خود گرفتند (بنده غیر خدا شدند و از دستورهای غیر خدا پیروی کردند) تا باعث عزت آن‌ها شوند. (۸۱) اینطور نیست. ایشان (معبودانشان) منکر عبادت (بندگی) آن‌ها می‌شوند و مخالف آن‌ها خواهند بود. (۸۲) آیا متوجه نشده‌ای که ما شیاطین را پیش افراد بی‌ایمان فرستادیم تا آن‌ها را به گناه تشویق کنند؟ (۸۳) درباره آن‌ها عجله نداشته باش، ما روزها را می‌شماریم. (۸۴) روزی که افراد پرهیزکار را دستجمعی با احترام پیش خداوند رحمان جمع می‌کنیم. (۸۵) و گناه‌کاران را تشنه به سوی جهنم می‌رانیم. (۸۶) اختیار شفاعت را ندارند، مگر کسی که از خداوند رحمان عهدی گرفته باشد. (۸۷) گفتند: خداوند رحمان فرزندی گرفته. (۸۸) واقعاً سخن زشتی گفتید. (۸۹) نزدیک است آسمان‌ها از این سخن بشکافد و زمین پاره شود و کوه‌ها فرو ریزند، (۹۰) که برای خداوند رحمان فرزندی قائل می‌شوند. (۹۱) سزاوار خداوند رحمان نیست که فرزندی بگیرد. (۹۲) تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند با بندگی (اظهار کوچکی و اطاعت) پیش خداوند رحمان می‌آیند. (۹۳) خدا همه آن‌ها را حساب کرده و شماره آن‌ها را دارد. (۹۴) و همه آن‌ها روز قیامت به تنهایی پیش خدا می‌آیند. (۹۵)

کسانی که ایمان آوردند و کار صحیح کردند، خداوند رحمان محبت آن‌ها را در دل‌ها می‌اندازد. (۹۶) ما قرآن را به زبان تو آسان کردیم تا به وسیله آن به افراد پرهیزکار مژده بدهی و دشمنان سرسخت را بترسانی. (۹۷) چه اقوام زیادی که قبل از آن‌ها نابود کردیم. آیا یکی از آن‌ها را می‌بینی و کوچکترین صدایی از آن‌ها می‌شنوی؟ (۹۸)

سوره طه (۲۰)

مکی و شامل یکصد و سی و پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

طه. (۱) قرآن را بر تو نازل نکردیم که به زحمت بیافتی. (۲) قرآن فقط تذکری برای کسی است که از خدا می‌ترسد. (۳) از جانب وجودی نازل شده که زمین و آسمان‌های بلند را خلق کرده. (۴) خداوند رحمان بر عرش قرار گرفته. (۵) هر چه در آسمان‌ها و زمین و بین آن‌ها و زیر زمین است مال او است. (۶) اگر بلند حرف بزنی، او راز پنهان و مخفی‌تر از آن را می‌داند. (۷) خدا، معبودی (کسی که انسان بنده او شود و در مقابلش احساس یا ابراز کوچکی کند و از فرمانش بدون چون و چرا اطاعت نماید) غیر از او وجود ندارد. اسم‌های نیکویی دارد. (۸) آیا داستان موسی برای تو آمده؟ (۹) وقتی آتشی دید و به خانواده اش گفت: اندکی بمانید، من آتشی می‌بینم، شاید گل آتشی برای شما بیاورم یا در کنار آن راهنمایی پیدا کنم. (۱۰) چون نزدیک آتش آمد، ندا داده شد که ای موسی، (۱۱) من خدای تو هستم، گفتش را در آرز، تو در سرزمین مقدس طوی هستی. (۱۲)

و من تو را انتخاب کرده‌ام، پس به آنچه به تو وحی می‌شود گوش کن. (۱۳) من خدا هستم، معبودی غیر از من وجود ندارد. پس مرا بندگی کن و نماز را برای به یاد داشتن من بر پا دار. (۱۴) قیامت خواهد آمد. می‌خواهم وقت آن را مخفی کنم تا به هر کس جزای کارهایی که می‌کند داده شود. (۱۵) کسی که به آن ایمان ندارد و دنبال هوس خود می‌رود، تو را از توجه به آن باز ندارد، چون آن وقت هلاک خواهی شد. (۱۶) ای موسی، این‌که در دست راست تو است چیست؟ (۱۷) موسی گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می‌کنم و با آن برای گوسفندانم برگ درختان را می‌ریزم. استفاده‌های دیگری هم از آن می‌کنم. (۱۸) خدا گفت: ای موسی آن را بیانداز. (۱۹) تا موسی آن را انداخت، مار بزرگی شد که به سرعت حرکت می‌کرد. (۲۰) خدا گفت: آن را بگیر و نترس، آن را به حالت اولش درمی‌آوریم. (۲۱) و دستت را توی گریبانانت کن، بدون این‌که مرضی داشته باشد سفید بیرون می‌آوری. این آیه (نشانه و معجزه) دیگری است. (۲۲) برای این‌که از آیات (معجزات) بزرگ خودمان مقداری به تو نشان دهیم. (۲۳) پیش فرعون برو، چون او طغیان کرده. (۲۴) موسی گفت: خداوندنا به من حوصله بده، (۲۵) و کار مرا آسان نما، (۲۶) گره از زبانم بگشا، (۲۷) تا حرفم را بفهمند. (۲۸) و از خانواده‌ام برادرم هارون را دستیار من ساز. (۲۹) و (۳۰) پشت مرا به وسیله او محکم کن. (۳۱) او را در کار من شریک کن، (۳۲) تا تو را زیاد ستایش کنیم، (۳۳) و تو را زیاد یاد کنیم، (۳۴) چون تو نسبت به ما بینایی. (۳۵)

خدا گفت: آنچه خواستی به تو داده شد. (۳۶) و ما بار دیگر بر تو منت نهادیم. (۳۷)

وقتی به مادرت آنچه وحی شد، وحی کردیم. (۳۸) که او را در صندوقی بگذار و آن را در دریا بیانداز تا دریا آن را به ساحل اندازد و دشمن من و دشمن او آن را بگیرد. و محبت خودم را بر تو افکنم تا زیر نظر من ساخته شوی. (۳۹) وقتی که خواهرت پیش آن‌ها رفت و به آن‌ها گفت: آیا کسی را به شما معرفی بکنم که از او نگهداری کند؟ در نتیجه تو را به مادرت برگردانیم تا چشمش به تو روشن شود و غصه نخورد، و کسی را کشتی و ما تو را از غم نجات دادیم، و تو را به انواع مختلف امتحان کردیم، و سال‌هایی بین مردم مدین ماندی، بعد در زمان مقرر آمدی. (۴۰) من تو را برای خودم ساخته‌ام. (۴۱) تو و برادرت آیات (معجزات) مرا ببرید و در یادکردن من کوتاهی نکنید. (۴۲) پیش فرعون بروید، چون او طغیان کرده است. (۴۳) و با او به نرمی صحبت کنید، شاید متوجه شود یا بترسد. (۴۴) گفتند: خداوندا، ما می‌ترسیم بر ما پیشدستی یا طغیان کند. (۴۵) خدا گفت: نترسید، من با شما هستم، می‌شنوم و می‌بینم. (۴۶) پیش او بروید و بگویید: ما فرستادگان صاحب‌اختیار تو هستیم، بنی‌اسرائیل را با ما بفرست و آن‌ها را عذاب نکن. ما برای تو معجزه‌ای از طرف صاحب‌اختیارت آورده‌ایم. سلام بر کسی که از راهنمایی پیروی کند. (۴۷) به ما وحی شده که عذاب شامل کسی می‌شود که منکر شود و سرپیچی کند. (۴۸) فرعون گفت: ای موسی، صاحب‌اختیار شما کیست؟ (۴۹) موسی گفت: صاحب‌اختیار ما کسی است که به هر چیزی خلقت آن را عطا کرده و بعد آن را هدایت کرده. (۵۰) فرعون گفت: وضع نسل‌های گذشته چه می‌شود؟ (۵۱)

موسی گفت: علم آن در کتابی پیش‌خدا من است، خدای من اشتباه و فراموش نمی‌کند. (۵۲) او وجودی است که زمین را محل آسایش شما ساخته و در آن راه‌هایی بوجود آورده و از آسمان باران را نازل کرده و به وسیله آن انواع گیاهان را بوجود آورده‌ایم. (۵۳) خودتان از آن بخورید و حیوانات خود را در آن بچرانید. در این مطلب نشانه‌هایی برای افراد عاقل وجود دارد. (۵۴) شما را از زمین خلق کردیم و به آن برمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. (۵۵) تمام آیاتمان را به فرعون نشان دادیم، ولی او منکر آن‌ها شد و قبول نکرد. (۵۶) و گفت: ای موسی، آیا آمده‌ای که با سحر خود ما را از سرزمین خودمان بیرون کنی؟ (۵۷) ما هم سحری مثل سحر تو برایت می‌آوریم. وقتی و جایی صاف و هموار بین ما و خودت برای آن تعیین کن که ما و تو از آن تخلف نکنیم. (۵۸) گفت: وقت آن روز جشن باشد، به شرط این‌که مردم قبل از ظهر جمع شوند. (۵۹) فرعون رفت و نقشه‌های خود را کشید، بعد آمد. (۶۰) موسی به ساحران گفت: وای بر شما، بر خدا به دروغ افترا نزنید که خدا شما را با عذابی نابود می‌کند. هر که افترا بزند در کار خود نومید می‌شود. (۶۱) ساحران بین خود به بگوگو پرداختند و آهسته با هم صحبت کردند. (۶۲) گفتند: این دو تا ساحرند و می‌خواهند با سحر خود شما را از سرزمین خودتان بیرون کنند و دین عالی شما را از بین ببرند. (۶۳) طرح‌هایی را که کشیده‌اید یکی کنید و در یک صف به مبارزه برخیزید. امروز هر کسی که غلبه کند موفق است. (۶۴)

گفتند: ای موسی، تو اول می‌اندازی یا اول ما بیاندازیم؟ (۶۵) موسی گفت: شما بیاندازید. وقتی آن‌ها طناب‌ها و عصاهای خود را انداختند، با جادویی که کرده بودند به نظر موسی رسید که آن‌ها با سرعت راه می‌روند. (۶۶) موسی در دلش احساس ترس کرد. (۶۷) گفتیم: نترس تو پیروزی. (۶۸) آنچه در دست راست تو است بیانداز تا هر چه درست کرده‌اند ببلعد. کاری که کرده‌اند کار ساحر است و ساحر هر جا برود موفق نمی‌شود. (۶۹) ساحرها به سجده افتادند و گفتند: به خدای هارون و موسی ایمان آوردیم. (۷۰) فرعون به آن‌ها گفت: آیا قبل از این‌که به شما اجازه بدهم به او ایمان آوردید؟ او استاد شما است که به شما سحر یاد داده است. دست و پایتان را بر خلاف هم می‌برم و شما را بر تنه درخت خرما دار می‌زنم و خواهید دانست که عذاب کدامیک از ما شدیدتر و طولانی‌تر است. (۷۱) جادوگرها گفتند: هرگز تو را بر دلیل‌های روشنی که برای ما آمده و بر کسی که ما را آفریده ترجیح نمی‌دهیم. هر کاری می‌خواهی بکن. تو فقط در زندگی دنیا حکم می‌کنی. (۷۲) ما به خدایمان ایمان آورده‌ایم تا اشتباه ما و جادویی را که ما را به آن مجبور کردی بیامرزد. خدا بهتر و ماندنی‌تر است. (۷۳) هر کس که گناه‌کار پیش‌خدایش بیاید،

جهنم سزاوار او است. در آن نه می‌میرد و نه زنده می‌ماند. (۷۴) کسانی که با ایمان پیش خدا بیایند و کار صحیح انجام داده باشند درجات عالی دارند. (۷۵) بهشت‌های جاودانی که نهرها در آن روان است و همیشه در آن خواهند بود. این پاداش کسی است که پاک بوده است. (۷۶)

ما به موسی وحی کردیم که بندگان مرا موقع شب حرکت بده و راه خشکی برای آن‌ها در دریا باز کن. نه از این‌که فرعون به تو برسد بترس، نه از غرق شدن. (۷۷) فرعون با لشکریانش آن‌ها را تعقیب کردند. دریا آن‌ها را در خود غرق کرد. (۷۸) فرعون قوم خود را همراه کرد و هدایت نکرد. (۷۹) ای بنی‌اسرائیل، ما شما را از دست دشمنان نجات دادیم و در طرف راست کوه طور با شما قرار گذاشتیم و «من و سلوی» (دو نوع خوردنی) را برای شما فرستادیم. (۸۰) از خوردنی‌های پاکی که روزی شما کرده‌ایم بخورید و در آن طغیان نکنید، چون غضب من بر شما نازل می‌شود و هر کس مورد غضب من قرار گیرد نابود می‌شود. (۸۱) من کسی را که توبه کند و ایمان بیاورد و کار صحیح بکند و در راه صحیح بماند می‌آمرزم. (۸۲) و گفتیم: ای موسی، چه چیز باعث شد که قبل از قومت پیش ما بیایی؟ (۸۳) موسی گفت: قوم من دنبال من هستند. خداوندا، من برای آمدن پیش تو عجله کردم تا از من راضی شوی. (۸۴) خدا گفت: ما بعد از تو قومت را امتحان کردیم و سامری آن‌ها را همراه کرد. (۸۵) موسی خشمگین و اندوهناک پیش قوم خود برگشت و گفت: ای قوم من، آیا خدایتان به شما وعده خوبی نداده بود؟ آیا مدت جدابودن من از شما طولانی شد؟ یا خواستید که غضب خدایتان بر شما نازل شود که از وعده من تخلف کردید؟ (۸۶) گفتند: با میل خود از وعده تو تخلف نکردیم. ولی مقداری از وسایل زینتی که از قوم فرعون داشتیم، انداختیم و سامری هم انداخت. (۸۷)

و سامری برای آن‌ها مجسمه گوساله‌ای ساخت که صدای گوساله داشت و گفتند: این معبود شما و معبود موسی است که موسی آن را فراموش کرده بود. (۸۸) آیا نمی‌بینند که گوساله جوابی به آن‌ها نمی‌دهد و نفع و ضرری برای آن‌ها ندارد؟ (۸۹) در صورتی که هارون قبلاً به آن‌ها گفته بود که ای قوم من، شما به وسیله آن امتحان شده‌اید و خدای شما خداوند رحمان است. از من پیروی کنید و از فرمان من اطاعت کنید. (۹۰) گفتند: تا موسی برگردد ما آن را عبادت می‌کنیم. (۹۱) موسی گفت: ای هارون، چه چیز از تو جلوگیری کرد که وقتی آن‌ها همراه شدند از من پیروی نکنی؟ آیا از فرمان من سرپیچی کردی؟ (۹۲ و ۹۳) هارون گفت: ای فرزند مادرم، ریش و موی سرم را بگیر. من ترسیدم بگویی که بین بنی‌اسرائیل تفرقه افکنی و مراقب دستور من نبودی. (۹۴) موسی به سامری گفت: این چه کاری است که کردی؟ (۹۵) سامری گفت: من چیزی دیدم که آن‌ها ندیدند. بنابراین من یک مشت از اثر پای رسول گرفتم و در آن انداختم، دلم این کار را برای من خوب جلوه داد. (۹۶) موسی به او گفت: برو، جزای تو این است که تا زنده‌ای به مردم بگویی که به من نزدیک نشوید، و برای تو فراری است که از آن تخلف نمی‌شود. به معبود خودت که وقتت را صرف عبادتش کردی، نگاه کن که آن را می‌سوزانیم و توی دریا می‌پاشیم. (۹۷) معبود شما (کسی که در مقابلش احساس و ابراز کوچکی کنید و بدون چون و چرا از دستورها و نظرهای او پیروی کنید) فقط خداست که معبودی جز او وجود ندارد و همه چیز را می‌داند. (۹۸)

ما بدین طریق آنچه را که صورت گرفته بود برای تو می‌گوییم، و قرآن را از طرف خودمان به تو دادیم. (۹۹) کسانی که از آن روگردان شوند، روز قیامت بار گناه خود را حمل می‌کنند. (۱۰۰) همیشه در آن می‌مانند. روز قیامت بار بدی را با خود حمل می‌کنند. (۱۰۱) روزی که در صور دمیده شود، گناه‌کاران را با چشم کبود جمع می‌کنیم. (۱۰۲) آهسته با هم صحبت می‌کنند و می‌گویند: فقط ده روز در قبر ماندید. (۱۰۳) ما آنچه را می‌گویند بهتر از همه می‌دانیم. وقتی آن کس که بهتر از همه نظر می‌دهد، می‌گوید که فقط یک روز در قبر ماندید. (۱۰۴) درباره کوه‌ها از تو سؤال می‌کنند، بگو: خدای من آن‌ها را از هم می‌پاشد، (۱۰۵) و زمین را صاف و هموار می‌سازد، (۱۰۶) به طوری که هیچ کجی و برجستگی در آن نمی‌بینی. (۱۰۷) روزی که بدون کوچک‌ترین سرپیچی از دعوت‌کننده پیروی می‌کنند، و صداها به خاطر خداوند رحمان پایین می‌آید، و فقط صدای آهسته‌ای می‌شنوی. (۱۰۸) در آن روز شفاعت سود ندارد مگر از کسی که خدا به او اجازه دهد و به حرف‌زدنش راضی باشد. (۱۰۹) آنچه در جلوی آن‌ها و آنچه پشت سرشان است می‌داند، ولی آن‌ها به علم خدا احاطه‌ای

ندارند. (۱۱۰) صورتهای در آن روز در مقابل خدای زنده و جاوید خاضع می‌شود، و آن‌که ظلم کرده از لطف خدا ناامید می‌شود. (۱۱۱) و کسی‌که کار صحیح می‌کند و ایمان دارد، از این‌که به او ظلمی شود و پاداشش از بین برود، نمی‌ترسد. (۱۱۲) ما این‌طور به تو قرآنی به زبان عربی نازل کردیم و در آن انواع هشدارها را دادیم، شاید از نافرمانی و عذاب خدا بترسند یا برای آن‌ها توجهی بوجود آورد. (۱۱۳)

فرمانروای حقیقی خداست که والا و برتر است. قبل از این‌که وحی قرآن تمام شود، در خواندن آن عجله نکن و بگو: خدایا علم مرا زیاد کن. (۱۱۴) ما قبلاً با آدم عهد بستیم. او عهد و پیمان خود را فراموش کرد و ما او را صاحب اراده نیافتیم. (۱۱۵) وقتی را یادآوری کن که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. همه سجده کردند، غیر از شیطان که از سجده کردن خودداری کرد. (۱۱۶) ما گفتیم: ای آدم، این شیطان دشمن تو و همسرت می‌باشد، شما را از بهشت بیرون نکند که دچار زحمت می‌شوی. (۱۱۷) تو در بهشت نه گرسنه می‌مانی نه برهنه، (۱۱۸) و دچار تشنگی و سوزش آفتاب هم نمی‌شوی. (۱۱۹) اما شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم، آیا میل داری تو را به درخت زندگی ابدی و فرمانروایی بی‌پایان راهنمایی کنم؟ (۱۲۰) در نتیجه این وسوسه آدم و همسرش از آن خوردند و آلات جنسی آن‌ها برایشان آشکار شد، بنابراین شروع کردند با برگ‌های بهشت آن را بپوشانند. آدم از فرمان خداوندش سرپیچی کرد و گمراه شد. (۱۲۱) بعد خدا او را برگزید و توبه او را پذیرفت و او را هدایت کرد. (۱۲۲) خدا گفت: همگی از بهشت پایین بروید، بعضی از شما دشمن بعضی خواهید بود. چون از جانب من هدایتی برای شما بیاید، هر کس از هدایت من پیروی کند گمراه و بدبخت نمی‌شود. (۱۲۳) کسی‌که از تذکر من روگردان شود، زندگی سختی خواهد داشت و روز قیامت او را کور محشور می‌کنیم. (۱۲۴) می‌گوید: خدایا چرا مرا کور محشور کردی در صورتی که من بی‌گنا بودم؟ (۱۲۵)

خدا گوید: همان‌طور که وقتی آیات ما برای تو آمد، آن‌ها را فراموش کردی، امروز هم تو فراموش می‌شوی. (۱۲۶) ما کسی را که زیاده‌روی کند و به آیات خداوندش ایمان نیاورد، این‌طور مجازات می‌کنیم. قطعاً عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است. (۱۲۷) آیا برای هدایتشان کافی نیست که متوجه شوند اقوام زیادی را پیش از آنان نابود کردیم، اقوامی که حالا این‌ها در خانه آنان راه می‌روند؟ در این‌کار نشانه‌هایی برای خردمندان است. (۱۲۸) اگر سخنی که خدا قبلاً گفته بود نبود و مدت معینی قرار داده نشده بود، عذاب لازم می‌شد. (۱۲۹) بر آنچه می‌گویند صبر داشته باش، و قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن قسمتی از شب و اطراف روز با ستایش خداوندت او را تسبیح کن، شاید راضی شوی. (۱۳۰) به نعمت‌هایی که به عده‌ای از آن‌ها داده ایم چشم ندوز. این‌ها زینت زندگی دنیاست تا آن‌ها را با آن بیازماییم. روزی خدایت بهتر و بادوام‌تر است. (۱۳۱) خانواده‌ات را به نماز امر کن و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم. روزی تو را هم ما می‌دهیم. عاقبت خوب مال پرهیزگاران است. (۱۳۲) گفتند: چرا پیغمبر برای ما معجزه‌ای از جانب خدایش نمی‌آورد؟ بگو: آیا در کتاب‌های گذشته دلیل روشن برای آن‌ها نیامد؟ (۱۳۳) اگر ما قبل از فرستادن پیغمبر آن‌ها را نابود می‌کردیم، حتماً می‌گفتند: خداوند، چرا پیغمبری برای ما نفرستادی تا قبل از این‌که ذلیل و خوار شویم از آیات تو پیروی کنیم؟ (۱۳۴) بگو: همه منتظرند، پس شما هم انتظار بکشید. به زودی خواهید دانست که چه کسی اهل راه راست است و راه صحیح را شناخته است. (۱۳۵)

سوره انبیاء (۲۱)

مکی و شامل یکصد و دوازده آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

رسیدگی به حساب مردم نزدیک شده ولی آن‌ها در غفلت و از آن روگردان می‌باشند. (۱) هیچ تذکر تازه‌ای از جانب خدایشان برای آن‌ها نمی‌آید مگر این‌که آن را می‌شنوند و به بازی می‌گیرند. (۲) دل‌هایشان سرگرم است. افراد ظالم آهسته در گوش هم می‌گویند: آیا این غیر از بشری مثل شماست؟ آیا در صورتی که می‌بینید دچار سحر می‌شوید؟ (۳) پیغمبر گفت: خدای من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است. او شنوا و دانا است. (۴) یا این‌که گفتند: خواب‌های آشفته پریشان است، شاید آن‌ها را خودش سر هم کرده یا شاعر است. باید معجزه‌ای همان‌طور که پیغمبران

گذشته داشتند برای ما بیاورد. (۵) قبل از آن‌ها شهرهایی را که ایمان نیاوردند نابود کردیم. آیا آن‌ها ایمان می‌آورند؟ (۶) ما قبل از تو پیغمبرانی فرستادیم که به آن‌ها وحی می‌کردیم. اگر نمی‌دانید از کسانی که از کتاب‌های پیغمبران گذشته اطلاع دارند بپرسید. (۷) پیغمبران را افرادی که غذا نخورند نساختم و عمر جاویدان نداشتند. (۸) و وعده‌ای که به آن‌ها دادیم عملی کردیم و آن‌ها و هر کس را که می‌خواستیم نجات دادیم و زیاده‌روی‌کنندگان را هلاک کردیم. (۹) برای شما کتابی نازل کردیم که در آن صحبت شماست، آیا عقلتان را به کار نمی‌برید؟ (۱۰)

شهرهای زیادی را که ظالم بودند نابود کردیم، و بعد از آن‌ها قوم دیگری را بوجود آوردیم. (۱۱) چون عذاب ما را احساس کردند، از آن فرار می‌کردند. (۱۲) فرار نکنید و پیش نعمت‌هایی که به شما داده بودیم و به خانه‌هایتان برگردید تا از شما بازخواست شود. (۱۳) گفتند: وای بر ما، ما ظالم بودیم. (۱۴) همیشه حرف آن‌ها این بود، تا وقتی که آن‌ها را از بیخ درو کردیم و خاموش شدند. (۱۵) آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازی خلق نکردیم. (۱۶) اگر سرگرمی می‌خواستیم و اگر تصمیم این‌کار را می‌گرفتیم، خودمان آن را انتخاب می‌کردیم. (۱۷) بلکه حق را روی باطل می‌اندازیم تا آن را از بین ببرد. باطل از بین‌رفتنی است، ولی وای بر شما به‌خاطر این حرف‌هایی که می‌زنید. (۱۸) تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند مال خدا می‌باشند، و کسانی که پیش او هستند تکبری در عبادت او ندارند و خسته هم نمی‌شوند. (۱۹) شب و روز تسبیح خدا را به جا می‌آورند و در این کار سستی نمی‌کنند. (۲۰) آیا معبودهایی از زمین برای خودشان گرفتند که مرده‌ها را زنده می‌کنند؟ (۲۱) اگر خداهایی غیر از خدا وجود داشت، حتماً آسمان و زمین خراب می‌شد. خدای صاحب عرش از این حرف‌هایی که می‌زنند پاک است. (۲۲) درباره کارهایی که می‌کند مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد، در صورتی که آن‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرند. (۲۳) آیا معبودهایی غیر از خدا برای خود گرفتند؟ بگو: دلیلتان را بیاورید، این است حرف کسانی که با من هستند و افرادی که قبل از من بودند. ولی بیشتر آن‌ها حقیقت را نمی‌شناسند و از آن رو برمی‌گردانند. (۲۴)

قبل از تو پیغمبری نفرستادیم مگر این‌که به او وحی کردیم که معبودی غیر از من وجود ندارد، پس فقط مرا بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز خدا نباشید). (۲۵) گفتند: خداوند رحمان فرزندی گرفته است. خدا والاتر و از این‌کار برکنار است. آن‌ها بندگان گرامی خدا هستند. (۲۶) قبل از این‌که خدا چیزی بگوید، آن‌ها چیزی نمی‌گویند و مطابق دستور خدا عمل می‌کنند. (۲۷) خدا آنچه روبروی آن‌ها و آنچه پشت سرشان است را می‌داند و فقط برای کسانی که خدا بپسندد شفاعت می‌کنند و از ترس خدا هراسانند. (۲۸) هر کدام از آن‌ها که بگوید: من به جای خدا معبود هستم (از مردم بخواهد که مطیع محض او باشند و بدون چون و چرا از دستورهای او پیروی کنند)، جهنم را جزای او می‌سازیم. ما افرادی را که ظلم می‌کنند این‌طور مجازات می‌کنیم. (۲۹) آیا افراد بی‌ایمان نمی‌دانند که آسمان‌ها و زمین به هم چسبیده بود و ما آن‌ها را از هم جدا کردیم؟ و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم؟ آیا باز هم ایمان نمی‌آورند؟ (۳۰) و در زمین کوه‌ها را قرار دادیم که از لرزش آن جلوگیری کند، و راه‌های پهنی در آن قرار دادیم تا راه خود را بشناسند. (۳۱) و آسمان را سقف محفوظی ساختیم، ولی آن‌ها از آیات ما رو برمی‌گردانند. (۳۲) اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر یک در مداری حرکت می‌کند. (۳۳) برای هیچ انسانی قبل از تو عمر جاوید قرار ندادیم، اگر تو بمیری آیا آن‌ها عمر جاوید دارند؟! (۳۴) هر کس مزه مرگ را می‌چشد و ما شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها امتحان می‌کنیم و پیش ما برگردانده می‌شوید. (۳۵)

وقتی افراد بی‌ایمان تو را ببینند، مسخره‌ات می‌کنند و می‌گویند: آیا این همان کسی است که از خدایان شما بدگویی می‌کند؟ در صورتی که خود آن‌ها منکر یاد خدای رحمان هستند. (۳۶) انسان موجودی عجله‌کننده آفریده شده. نشانه‌هایم را به شما نشان خواهم داد، بنابراین عجله نکنید. (۳۷) می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده چه وقتی خواهد بود؟ (۳۸) اگر افراد بی‌ایمان از وقتی که نمی‌توانند جلوی آتش جهنم را از صورت و پشتشان بگیرند و کسی هم به آن‌ها کمک نخواهد کرد، اطلاع داشتند، (چنین حرفی نمی‌زدند). (۳۹) عذاب ناگهانی سراغ آن‌ها می‌آید و آن‌ها را

مبہوت می‌کند و توانایی رد کردن آن را ندارند و مهلتی هم به آن‌ها داده نمی‌شود. (۴۰) پیغمبران قبل از تو را هم مسخره کردند و همان عذابی که مورد تمسخر آنان قرار می‌گرفت، آن‌ها را در بر گرفت. (۴۱) بگو: چه کسی شما را شب و روز از عذاب خداوند رحمان حفظ می‌کند؟ با وجود این، آن‌ها از ذکر خداوندشان روگردان هستند. (۴۲) آیا آن‌ها غیر از ما خدایانی دارند که آن‌ها را از عذاب ما حفظ کنند؟ آن‌ها نمی‌توانند به خودشان هم کمک کنند و از طرف ما هم به آن‌ها کمکی نمی‌شود. (۴۳) ما آن‌ها و پدرانشان را از نعمت‌های خودمان بهره‌مند ساختیم تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند. آیا نمی‌بینند که ما سراغ زمین می‌آییم و از اطراف آن کم می‌کنیم؟ آیا آن‌ها بر ما غلبه دارند؟ (۴۴)

بگو: من شما را به وسیله وحی از عاقبت کارتان می‌ترسانم. اما وقتی به کرها هشدار داده می‌شود، صدا را نمی‌شنوند. (۴۵) اگر مقدار کمی از عذاب خدای تو به آن‌ها برسد، می‌گویند: ای وای ما ظالم بودیم. (۴۶) ما روز قیامت ترازوهای عدالت را می‌گذاریم و به کسی ذره‌ای ظلم نمی‌شود، و اگر عملی به اندازه دانه خردلی باشد آن را به حساب می‌آوریم. ما برای رسیدگی به حساب‌ها کافی هستیم. (۴۷) به موسی و هارون فرقان (یعنی جداکننده حق و باطل) داده‌ایم که روشنایی و تذکری برای افراد پرهیزکار است. (۴۸) پرهیزکارانی که قلباً از خدایشان می‌ترسند و از روز قیامت بیم دارند. (۴۹) و این قرآن تذکر پربرکتی است که ما آن را نازل کرده‌ایم. آیا شما منکر آن هستید؟ (۵۰) و ابراهیم را قبلاً راهنمایی کرده بودیم و او را می‌شناختیم. (۵۱) وقتی به پدر و قومش گفت: این مجسمه‌هایی که عبادت می‌کنید چیست؟ (۵۲) گفتند: ما دیدیم که پدرانمان آن‌ها را عبادت می‌کردند. (۵۳) ابراهیم گفت: هم خودتان و هم پدرانتان به طور آشکاری گمراه بوده‌اید. (۵۴) گفتند: آیا حقیقت را برای ما آورده‌ای یا شوخی می‌کنی؟ (۵۵) ابراهیم گفت: صاحب‌اختیار شما خدای آسمان‌ها و زمین است که آن‌ها را آفریده و من این را شهادت می‌دهم. (۵۶) به خدا قسم بعد از این‌که از پیش بت‌هایتان رفتید نقشه‌ای برای آن‌ها دارم. (۵۷)

بت‌ها را، غیر از بت بزرگ، تکه‌تکه کرد تا پیش او برگردند. (۵۸) گفتند: چه کسی این‌کار را با خدایان ما کرده؟ او واقعاً ظالم است. (۵۹) گفتند: شنیده‌ایم که جوانی درباره آن‌ها حرف می‌زد، به او ابراهیم می‌گویند. (۶۰) گفتند: او را جلوی چشم مردم بیاورید تا شهادت بدهند. (۶۱) گفتند: ای ابراهیم، آیا تو با خدایان ما چنین کاری کرده‌ای؟ (۶۲) ابراهیم گفت: این‌کار را بت بزرگ انجام داده. اگر حرف می‌زنند از آن‌ها بپرسید. (۶۳) به خود آمدند و به هم گفتند: شما ظالم هستید. (۶۴) بعد سرشان را پایین انداختند، (و گفتند) تو می‌دانی که بت‌ها حرف نمی‌زنند. (۶۵) ابراهیم گفت: آیا غیر از خدا چیزی را عبادت می‌کنید که نه نفعی برای شما دارد و نه ضرری؟ (۶۶) از شما و هر چه غیر از خدا می‌پرستید بیزارم. آیا عقل ندارید؟ (۶۷) گفتند: اگر مرد عمل هستید، خدایان خود را یاری کنید و ابراهیم را بسوزانید. (۶۸) گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش. (۶۹) برای او نقشه‌ای داشتند. ما آن‌ها را زیانکار ساختیم. (۷۰) و ابراهیم و لوط را نجات دادیم و به سرزمینی که در آن برای افراد بشر پربرکت ساخته‌ایم بردیم. (۷۱) و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم عطا کردیم و همه را افراد صالحی ساختیم. (۷۲)

و آن‌ها را پیشوایانی ساختیم که به دستور ما مردم را راهنمایی می‌کردند و به آن‌ها انجام دادن کارهای خوب و خواندن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و ما را بندگی می‌کردند. (۷۳) و لوط را یادآوری کن که به او حکمت و علم دادیم و او را از شهری که مردمش کارهای زشت می‌کردند نجات دادیم. اهالی شهرش مردم بدکاری بودند که از خدا اطاعت نمی‌کردند. (۷۴) او را وارد رحمت خود کردیم، چون از افراد درستکار بود. (۷۵) و آن وقتی را یادآوری کن که نوح ما را صدا زد و ما دعایش را اجابت کردیم و او و خانواده‌اش را از غصه‌ای بزرگ نجات دادیم. (۷۶) و او را در مقابل مردمی که منکر آیات ما بودند یاری کردیم. قوم او مردم بدی بودند. ما همه آن‌ها را غرق کردیم. (۷۷) آن وقتی را یادآوری کن که داود و سلیمان درباره مزرعه‌ای که گوسفندان عده‌ای شبانه در آن چریده بودند حکم می‌کردند. و ما شاهد حکم آن‌ها بودیم. (۷۸) و آن را به سلیمان فهماندیم و به هر يك از آن‌ها حکمت و علم دادیم، و کوه‌ها و پرندگان را رام داود کردیم که با او

تسبیح می‌گفتند. ما این کارها را کردیم. (۷۹) و به او یاد دادیم که برای شما زره بسازد تا شما را از آسیب جنگ حفظ کند. آیا شکرگزاری می‌کنید؟ (۸۰) و باد تند را در اختیار سلیمان قرار دادیم که به فرمان او، به طرف زمینی که ما به آن برکت داده بودیم، حرکت می‌کرد. ما همه چیز را می‌دانستیم. (۸۱)

و عده‌ای از شیاطین برای او غواصی می‌کردند و کارهایی غیر از آن انجام می‌دادند و ما مراقب آن‌ها بودیم. (۸۲) ایوب را یاد کن وقتی خدایش را به کمک خواند که من بیمار شده‌ام و تو رحم‌کننده‌تر از تمام رحم‌کننده‌ها هستی. (۸۳) ما دعای او را اجابت و بیماری او را رفع کردیم و خانواده‌اش را به او دادیم و از روی رحمت خودمان، مثل آن را به اضافه آن‌ها به او دادیم. این برای عبادت‌کنندگان عبرتی است. (۸۴) و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را یادآوری کن. همه آن‌ها از افراد صبور بودند. (۸۵) ما آن‌ها را مشمول رحمت خود کردیم. آن‌ها افراد درستکاری بودند. (۸۶) و یونس را یاد کن وقتی که با عصیانیت می‌رفت و فکر می‌کرد که ما هرگز بر او سخت نمی‌گیریم، و در تاریکی صدا زد که معبودی غیر از تو وجود ندارد. خدایا، تو والا و پاکی. من ستمکار بودم. (۸۷) ما دعای او را اجابت کردیم و او را از غم نجات دادیم. ما افراد باایمان را این‌طور نجات می‌دهیم. (۸۸) و زکریا را یاد کن وقتی که خدایش را صدا زد و گفت: خدایا، مرا تنها نگذار. در صورتی که تو بهترین وارث هستی. (۸۹) دعای او را اجابت کردیم و یحیی را به او عطا کردیم و وضع زن نازایش را برای او اصلاح کردیم. آن‌ها در کار خیر عجله می‌کردند و با میل و ترس ما را می‌خواندند و در مقابل ما متواضع بودند. (۹۰)

و مریم را یاد کن که ناموس خود را حفظ کرد و ما از روح خود در او دمیدیم و او و پسرش را برای افراد بشر نشانه‌ای (عبرتی) قرار دادیم. (۹۱) این امت شما است، یک امت و من خدای شما هستم، بنابراین فقط مرا بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای هیچ‌کس جز خدا نباشید). (۹۲) ولی مردم دینشان را بین خودشان قطعه‌قطعه کردند (بین آن‌ها تفرقه ایجاد شد). همه آن‌ها پیش ما برمی‌گردند. (۹۳) هر کس کار درست بکند و مؤمن باشد از کار او قدردانی می‌شود و ما آن را برای او می‌نویسیم. (۹۴) و ممکن نیست مردم شهری را که نابود کردیم دوباره برگردند. (۹۵) تا وقتی که سد یاجوج و ماجوج باز شود و از هر ارتفاعی به سرعت حرکت کنند. (۹۶) وعده حق نزدیک شد و چشم کسانی که ایمان نداشتند خیره گشت و گفتند: وای بر ما، از چنین روزی غافل بودیم. ما ظالم بودیم. (۹۷) به آن‌ها گفته می‌شود که شما و هر چه غیر از خدا عبادت می‌کردید سوخت جهنم هستید و وارد جهنم می‌شوید. (۹۸) اگر این‌ها خدا بودند وارد جهنم نمی‌شدند، همه آن‌ها تا ابد در جهنم خواهند بود. (۹۹) آن‌ها در جهنم فریاد می‌کشند و جوابی در آن نمی‌شنوند. (۱۰۰) کسانی که قبلاً به آن‌ها نیکی کرده بودیم (ایمان آورده بودند) از عذاب جهنم دور هستند. (۱۰۱)

آن‌ها کوچک‌ترین صدایی از آتش دوزخ نمی‌شنوند و همیشه در میان آنچه میل دارند هستند. (۱۰۲) ترس بزرگ روز قیامت آن‌ها را غصه‌دار نمی‌کند، و فرشتگان از آن‌ها استقبال می‌کنند و به آن‌ها می‌گویند: این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود. (۱۰۳) روزی که آسمان را مثل طوماری در هم می‌پیچیم. همان‌طور که جهان را اولین بار خلق کردیم، آن را برمی‌گردانیم. این وعده‌ای است که اجرای آن به عهده ما است. ما این‌کار را می‌کنیم. (۱۰۴) بعد از تورات در زبور نوشتیم که زمین به دست بندگان صالح من می‌رسد. (۱۰۵) در این مطلب گوشزدی به افرادی که مرا عبادت می‌کنند وجود دارد. (۱۰۶) ما تو را فقط به خاطر رحمت به افراد بشر فرستادیم. (۱۰۷) بگو: به من وحی می‌شود که معبود شما (کسی که شما در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و بنده و مطیع محض دستوره‌ای او باشید) معبود واحدی است. آیا تسلیم او می‌شوید؟ (۱۰۸) اگر قبول نکردند، بگو: من به شما به طور مساوی اعلام کردم و نمی‌دانم وعده‌ای که به شما داده شده نزدیک است یا دور. (۱۰۹) خدا حرف‌هایی را که به طور آشکار می‌زنید و حرف‌هایی را که مخفی می‌کنید می‌داند. (۱۱۰) من نمی‌دانم شاید آن امتحانی برای شما و وسیله بهره‌بردن شما تا مدتی باشد. (۱۱۱) پیغمبر گفت: خدایا، به حق حکم کن. صاحب‌اختیار ما بخشنده‌ای است که در مورد چیزهای ناروایی که می‌گویید از او کمک خواسته می‌شود. (۱۱۲)

سوره حج (۲۲)

مدنی و شامل هفتاد و هشت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ای مردم از خداوندتان بترسید، چون زلزله قیامت حادثه بزرگی است. (۱) روزی که آن را بینید، هر شیردهنده‌ای از بچه‌ای که شیر می‌دهد غافل می‌شود و هر زن حامله‌ای بچه می‌اندازد و مردم را مست می‌بینی در صورتی که مست نیستند، ولی عذاب خدا سخت است. (۲) عده‌ای از مردم بدون کمترین علمی درباره خدا بحث می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند. (۳) مقرر شده که هر کس شیطان را به دوستی بگیرد، (شیطان) او را گمراه می‌کند و او را به عذاب آتش جهنم رهبری می‌نماید. (۴) ای مردم، اگر از زنده شدن برای پس دادن حساب شك دارید، توجه داشته باشید که ما شما را از خاک و بعد از نطفه و بعد از علقه (به شکل زالو) بعد از مضغه شکل یافته و شکل نیافته آفریدیم، تا برای شما روشن کنیم که هر کاری را می‌توانیم بکنیم، و آنچه را بخواهیم تا وقت معین در رحم‌ها قرار می‌دهیم. بعد شما را به صورت بچه‌ای از شکم مادر بیرون می‌آوریم تا به منتهای قدرت خود برسید. عده‌ای از شما می‌میرند و عده‌ای به پست‌ترین مرحله زندگی می‌رسند تا در اثر پیری بعد از دانستن، چیزی ندانند. زمین را خشک می‌بینی، اما وقتی باران را بر آن می‌فرستیم به حرکت درمی‌آید و رشد می‌کند و هر نوع گیاه قشنگ و نشاط انگیز می‌رویاند. (۵)

این‌ها برای این است که بدانید خدا حق است و مرده‌ها را زنده می‌کند و قدرت هر کاری را دارد. (۶) و برای این‌که بدانید که قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست و بدانید که خدا مرده‌ها را زنده می‌کند. (۷) از (میان) مردم کسی است که بدون علم و هدایت و کتابی روشن درباره خدا بحث و بگومگو می‌کند. (۸) با تکبر رویش را برمی‌گرداند تا مردم را از راه خدا منحرف کند. او در دنیا خوار خواهد بود و روز قیامت عذاب آتش جهنم را به او می‌چشانیم. (۹) به او گفته می‌شود: این عذاب به خاطر کارهایی است که کردی و خدا به بندگان خود ظلم نمی‌کند. (۱۰) از (میان) مردم کسی است که خدا را با دودلی بندگی می‌کند، اگر خیری به او برسد مطمئن می‌شود و اگر بلایی به او برسد، رو برمی‌گرداند و هم دنیا و هم آخرت را از دست می‌دهد. این ضرر واضحی است. (۱۱) غیر از خدا چیزی را به کمک می‌خواند که ضرری به او نمی‌زند و نفعی به او نمی‌رساند. این گمراهی زیادی است. (۱۲) کسی را به کمک می‌خواند که احتمال ضررش بیشتر از نفعش است. چه یاور و مددکار و چه همدم بدی است. (۱۳) خدا افراد باایمانی را که کار درست بکنند وارد بهشت‌هایی می‌کند که نهرها در آن روان است. خدا هر کاری که بخواهد می‌کند. (۱۴) هر کس که خیال می‌کند که خدا در دنیا و آخرت به پیغمبر کمک نمی‌کند، طنابی به سقف ببندد و به گردن خود بیاندازد و بعد آن را قطع کند، و نگاه کند این نقشه اش چیزی را که باعث خشمش می‌شد از بین می‌برد؟ (۱۵)

ما به این طرز قرآن را به صورت آیات روشنی نازل کردیم و خدا هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند. (۱۶) خدا روز قیامت، درباره افراد باایمان (مسلمانانی که به رسالت پیغمبر و قرآن ایمان دارند) و یهودی‌ها و صابئی‌ها و مسیحیان و زرتشتیان و مشرکین، داوری می‌کند، چون خدا شاهد هر چیزی است. (۱۷) آیا متوجه نشده‌ای که آنان که در آسمان‌ها و زمین هستند و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جانداران و عده زیادی از مردم، خدا را سجده می‌کنند (با تواضع و فروتنی مطابق قوانین خدا عمل می‌کنند) و عده زیادی هم سزاوار عذاب شده‌اند؟ هر کس را که خدا خوار کند، کسی وجود ندارد که او را گرامی سازد. چون خدا هر کاری که بخواهد می‌کند. (۱۸) این‌ها دو گروه هستند که درباره خداوندشان به بحث پرداخته‌اند. برای افراد بی‌ایمان لباسی از آتش بریده شده و از بالای سرشان آب جوش روی آن‌ها ریخته می‌شود. (۱۹) پوست و هر چه در شکمشان است با آن گداخته می‌شود. (۲۰) و گرزهای آهنینی برای کوبیدن آن‌ها وجود دارد. (۲۱) هر وقت بخواهند از شدت غم از جهنم خارج شوند، دوباره به آن برگردانده می‌شوند و به آن‌ها گفته می‌شود: عذاب آتش را بچشید. (۲۲) خدا افراد باایمانی را که کار درست کرده‌اند وارد بهشت‌هایی می‌کند که در آن نهرها روان است. در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند و لباسشان در آنجا از حریر است. (۲۳)

آن‌ها به سوی سخنان پاک و راه خداوند سزاوار ستایش راهنمایی می‌شوند. (۲۴)

افراد بی‌ایمانی که مردم را از راه خدا و رفتن به مسجدالحرام، که آن را برای همه مردم چه ساکن آن چه مسافر، یکسان قرار دادیم، باز می‌دارند، ونیز به کسی که در انجابه‌خاطر ظلم از حق منحرف شود، عذاب دردناکی می‌چشانیم. (۲۵) وقتی را یادآوری کن که جای خانه کعبه را برای ابراهیم تهیه کردیم و به او گفتیم که چیزی را شریک من نساز و خانه مرا برای طوافکنندگان و نمازگزاران و رکوع‌روندگان و سجده‌کنندگان پاک ساز. (۲۶) و در بین مردم اعلام حج کن تا پیاده و سواره بر هر شتر لاغری از هر راه دوری پیش تو بیایند، (۲۷) تا شاهد منافعی که برای آن‌ها وجود دارد باشند و اسم خدا را (به هنگام ذبح)، در روزهای معلومی، بر چهارپایانی که خدا روزی آن‌ها ساخته ذکر کنند. پس، از آن بخورید و به درماندگان فقیر بخورانید. (۲۸) بعد باید آلودگی‌هایشان را از بین ببرند و به نذرهایشان وفا کنند و دور خانه کعبه بگردند. (۲۹) این احکام حج است. هر کس مقررات خدا را بزرگ شمارد کارش پیش خداوندش برای او بهتر است. گوشت چهارپایان برای شما حلال است، غیر از آنچه بر شما خوانده می‌شود. بنابراین از پلیدی بت‌ها و از سخن دروغ دوری کنید. (۳۰)

حقیقت‌خواه و موحد باشید و چیزی را شریک خدا نسازید. کسی که چیزی را شریک خدا سازد، مثل این است که از آسمان افتاده باشد و پرنده‌ای او را برباید یا باد او را به جای دوری پرت کند. (۳۱) این حقیقت است و کسی که شعائر خدا را بزرگ شمارد، مسلماً کارش ناشی از تقوای قلبی است. (۳۲) در چهارپایان برای شما، تا زمان معینی، منافعی وجود دارد و محل قربانی آن‌ها خانه کعبه است. (۳۳) برای هر امتی در مورد قربانی آدابی قرار دادیم، تا نام خدا را بر چهارپایان زبان‌بسته‌ای که خدا روزیشان کرده بخوانند. معبود شما (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و بنده و مطیع محض و بدون چون و چرای دستورهای او باشید) معبود واحدی است. بنابراین تسلیم او باشید. به افراد فروتن مژده بده. (۳۴) افرادی که وقتی نام خدا ذکر شود، دلشان بیمناک می‌شود و در مقابل مصیبت‌هایی که به آن‌ها می‌رسد صبور هستند و نماز برپا می‌کنند و از آنچه روزیشان کردیم انفاق می‌کنند. (۳۵) قربانی‌کردن شتران تنومند را برایتان از شعائر خدا قرار دادیم. خیر شما در آنست. در حالی که به صف ایستاده‌اند نام خدا را بر آن‌ها بخوانید و وقتی به پهلو غلتیدند از آن‌ها بخورید و به فقیر و تقاضاکننده بخورانید. بدینسان چهارپایان را رام شما ساختیم، شاید سپاسگزاری کنید. (۳۶) گوشت و خون آن‌ها هرگز به خدا نمی‌رسد، این تقوای شماست که به او می‌رسد. بدینسان آن‌ها را رام شما کرد تا خدا را به خاطر این‌که راهنماییتان کرد بزرگ شمارید و به نیکوکاران مژده بده. (۳۷) خدا از مؤمنان دفاع می‌کند. خدا هیچ خیانتکار قدرشناسی را دوست ندارد. (۳۸)

به کسانی که مورد حمله و جنگ قرار گرفته‌اند به علت این‌که مورد ظلم واقع شده‌اند اجازه جنگ داده شده و خدا قادر به یاری‌کردن و پیروزساختن آن‌ها است. (۳۹) افراد مظلومی که فقط به خاطر این‌که گفتند: صاحب‌اختیار ما (اریاب ما) خدا است، بناحق از شهر و دیارشان اخراج شدند. اگر خدا جلوی بعضی از افراد را به وسیله عده دیگری نمی‌گرفت، دیرها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آن نام خدا زیاد گفته می‌شود، ویران می‌شد. خدا کسی را که به او یاری کند یاری می‌کند. خدا قوی و تواناست. (۴۰) آن‌ها افرادی هستند که اگر آن‌ها را در زمین به قدرت برسانیم نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان کارها به دست خداست. (۴۱) اگر تو را به دروغگویی متهم می‌کنند مهم نیست، قوم نوح و عاد و ثمود هم قبل از تو پیغمبران را به دروغگویی متهم کردند. (۴۲) قوم ابراهیم و قوم لوط هم همین‌طور. (۴۳) قوم شعیب هم همین‌طور. موسی هم به دروغگویی متهم شد. اما من به افراد بی‌ایمان مهلتی دادم، بعد آن‌ها را مجازات کردم. نگاه کن که مجازات من چگونه بود. (۴۴) چه بسیار شهرهایی که مردمش ظالم بودند و ما آن‌ها را نابود کردیم. خرابه‌های آن‌ها که سقف‌هایشان فرو ریخته، و چاه‌های آب بدون استفاده، و آثار قصرهای محکم از آن‌ها باقی است. (۴۵) آیا در زمین گردش نکردند تا دلی داشته باشند که با آن بفهمند یا گوشه‌ای که با آن بشنوند. چشم‌ها کور نیست ولی دل‌هایی که در سینه است کور است. (۴۶)

(با تمسخر) از تو می‌خواهند که عذاب هر چه زودتر بر آنان وارد شود، در صورتی که خدا بر خلاف وعده‌ای که داده عمل نمی‌کند. ولی يك روز پیش خداوند تو مثل هزار سالی است که شما حساب می‌کنید. (۴۷) چه بسیار شهرهایی که ظالم بودند و ما به آن‌ها مهلت دادیم، بعد آن‌ها را دچار عذاب کردیم. بازگشت همه پیش من است. (۴۸) بگو: ای مردم، من برای شما فقط هشدار دهنده‌ای هستم که به طور روشن هشدار می‌دهم. (۴۹) کسانی که ایمان آوردند و کار درست کردند، آمرزش و روزی پرارزشی دارند. (۵۰) و کسانی که برای انکار آیات ما کوشش می‌کنند، اهل جهنم هستند. (۵۱) هیچ فرستاده و پیغمبری قبل از تو نفرستادیم مگر این‌که وقتی آرزو و تقاضا می‌کرد شیطان در تمنای او وسوسه می‌کرد (کم‌حوصلگی به خرج می‌داد)، اما خدا چیزی را که شیطان وسوسه می‌کرد از بین می‌برد و خدا آیاتش را محکم می‌سازد. خدا دانا و حکیم است. (۵۲) تا وسوسه‌های شیطانی را برای کسانی که مرض و غرضی در دلشان دارند و دلشان سخت است وسیله آزمایش قرار دهد. مسلماً کسانی که ظلم می‌کنند دشمنی شدیدی با حقیقت دارند. (۵۳) تا دانشمندان بدانند که قرآن حق و از جانب خداوندت می‌باشد و به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان با آن نرم شود. خدا افراد باایمان را به راه راست هدایت می‌کند. (۵۴) افراد بی‌ایمان همیشه درباره قرآن شك می‌کنند تا آن‌که ناگهان روز قیامت یا عذاب روز بی‌پایان سراغ آن‌ها بیاید. (۵۵)

فرمانروایی آن روز با خدا است و بین مردم حکم می‌کند، و افراد باایمانی که کار درست کرده‌اند در بهشت‌های پر نعمت خواهند بود. (۵۶) و افراد بی‌ایمان که منکر آیات ما شدند، عذاب خوارکننده‌ای دارند. (۵۷) و کسانی که در راه خدا مهاجرت کردند و کشته شدند یا مردند، خدا به آن‌ها روزی خوبی می‌دهد، چون بهترین روزی دهندگان است. (۵۸) یقیناً خدا آن‌ها را وارد جایی می‌کند که می‌پسندند. خدا دانا و بردبار است. (۵۹) آری، این‌طور است، کسی که مورد ظلم قرار گرفته اگر به اندازه‌ای که به او ظلم شده ظالم را مجازات کند، بعد دوباره مورد ظلم قرار گیرد، خدا حتماً او را کمک می‌کند. چون خدا بخشنده و آمرزنده است. (۶۰) این‌کار به این دلیل است که خدا شب را داخل روز و روز را داخل شب می‌کند و خدا شنوا و بینا است. (۶۱) این به دلیل این است که خدا حق است و چیزهایی که غیر از او می‌خوانند باطل است و خدا بلندمرتبه و بزرگ است. (۶۲) آیا ندیدی که خدا باران را از آسمان نازل می‌کند و زمین با آن سبز می‌شود؟ خدا دقیق و آگاه است. (۶۳) آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خداست و (فقط) خداست که بی‌نیاز و قابل ستایش است. (۶۴)

آیا ندیدی که خدا آنچه در زمین است در اختیار شما گذاشته و کشتی به فرمان او در دریا حرکت می‌کند و از افتادن آسمان بر روی زمین جلوگیری می‌کند، مگر به اذن خودش (بعضی از شهاب‌ها به زمین می‌افتند)، چون خدا نسبت به مردم رؤوف و مهربان است. (۶۵) او کسی است که شما را زنده کرد، بعد جان شما را می‌گیرد، و بعد شما را زنده می‌کند. انسان قدرشناس است. (۶۶) برای هر امتی آداب و رسومی قرار دادیم که به آن عمل می‌کنند، بنابراین در کار دین با تو کشمکش و بحث نکنند. مردم را به راه خداوندت دعوت کن. تو بر راه درستی قرار داری. (۶۷) اگر با تو بگویم که خدا از کارهایی که می‌کنید اطلاع کامل دارد. (۶۸) خدا روز قیامت بین شما درباره آنچه که در آن اختلاف نظر داشتید حکم می‌کند. (۶۹) آیا نمی‌دانی که خدا آنچه در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؟ همه آن‌ها در کتاب ثبت است. این‌کار برای خدا آسان است. (۷۰) غیر از خدا چیزی را بندگی می‌کنند که هیچ دلیلی برای آن نازل نشده و علمی به آن ندارند. کسانی که ظلم می‌کنند یاوری نخواهند داشت. (۷۱) وقتی آیات روشن ما بر آن‌ها خوانده شود، در صورت افراد بی‌ایمان خشم و ناراحتی را می‌بینی. نزدیک است که کسانی که آیات ما را برای آن‌ها می‌خوانند حمله کنند. بگو: آیا شما را از چیزی بدتر از این خبردار کنم؟ از جهنمی که خدا به افراد بی‌ایمان وعده داده است. جهنم جای بدی است. (۷۲)

ای مردم، مثلی زده شده به آن گوش دهید: کسانی را که غیر از خدا به کمک می‌خوانید هرگز مگسی را خلق نمی‌کنند، اگر چه برای آن متحد شوند، و اگر يك مگس چیزی را از آن‌ها برباید نمی‌توانند آن را از چنگ مگس درآورند. طالب و مطلوب هر دو ضعیف هستند. (۷۳) آن طور که باید خدا را بشناسند، نشناختند. چون خدا (بسیار) قدرتمند و توانا است. (۷۴) خدا از فرشتگان و از مردم رسولانی انتخاب

می‌کند، چون خدا شنوا و بینا است. (۷۵) آنچه جلو و آنچه پشت سر آنها است می‌داند، و کارها به سوی خدا برگردانده می‌شود. (۷۶) ای افراد باایمان، رکوع و سجده کنید و خداوندتان را بندگی (اطاعت محض) کنید و کار خوب بکنید تا رستگار شوید. (۷۷) و در راه خدا، آن طور که سزاوار جهاد در راه اوست، جهاد کنید. او شما را انتخاب کرد و در دین مشکلی برای شما قرار نداده. این آیین پدرتان ابراهیم است. او شما را قبلاً و در این دوره مسلمان (یعنی کسی که تسلیم حکم خداست) نامیده، برای این که پیغمبر شاهد بر شما باشد و شما شاهد بر مردم باشید. بنابراین نماز را به پا دارید و زکات بدهید و (فقط) به خدا توسل جویید، او مولای شماست، چه مولای خوبی و یاور شایسته ای. (۷۸)

سوره مؤمنون (۲۳)

مکی و شامل یکصد و هجده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

افراد باایمان موفق و رستگار شده‌اند. (۱) افراد باایمانی که در نمازشان متواضع هستند. (۲) و از کار بی‌هوده روگردان هستند. (۳) و زکات می‌دهند. (۴) و عفت خود را حفظ می‌کنند. (۵) مگر از همسرها و کنیزانشان، چنین افرادی مورد سرزنش نیستند. (۶) کسانی که دنبال غیر از آن بروند تجاوزکار هستند. (۷) افرادی که امانت و عهد خود را مراعات می‌کنند. (۸) و مواظب نمازشان هستند. (۹) آنها وارث بهشت هستند. (۱۰) بهشت را به ارث می‌برند و همیشه در آن هستند. (۱۱) ما انسان را از شیره گل خلق کردیم. (۱۲) بعد او را به صورت نطفه ای در رحم قرار دادیم. (۱۳) بعد نطفه را به صورت علقه (به شکل زالو) درآوردیم و علقه را مضغه (مثل گوشت جویده) ساختیم و از آن استخوان ساختیم و استخوان را با گوشت پوشانیدیم و بعد انسان دیگری بوجود آوردیم. بنابراین خدایی که بهترین آفریننده است مبارک است. (۱۴) بعداً شما می‌میرید. (۱۵) و روز قیامت زنده می‌شوید. (۱۶) بالای سر شما هفت راه آفریدیم و از مخلوقات خود غافل نیستیم. (۱۷)

و از آسمان باران را به اندازه پایین فرستادیم و آن را در زمین جا دادیم، و ما می‌توانیم آن را از بین ببریم. (۱۸) و به وسیله آن باغ‌های خرما و انگور برای شما بوجود آوردیم که در آن میوه‌های زیادی وجود دارد که از آن می‌خورید. (۱۹) و درخت زیتونی که در کوه سینا می‌روید که روغن دارد و خورشی برای خورندگان است. (۲۰) و چهارپایان برای شما مایه عبرت هستند، از شیری که در شکم آنها است به شما می‌نوشانیم و منافع زیادی برای شما دارند و گوشت آنها را می‌خورید. (۲۱) و سوار آن و سوار کشتی می‌شوید. (۲۲) ما نوح را پیش قومش فرستادیم. او به قومش گفت: ای قوم من، خدا را بندگی کنید، معبودی غیر از او برای شما وجود ندارد، آیا از عذاب خدا پرهیز نمی‌کنید؟ (۲۳) سران کافر قومش گفتند: نوح آدمی مثل شما است، می‌خواهد بر شما سروری کند، اگر خدا می‌خواست (مردم را هدایت کند) فرشته‌هایی می‌فرستاد، ما چنین چیزی در زمان اجداد خود نشنیده‌ایم. (۲۴) این آدمی است که دیوانه شده، منتظر باشید تا بمیرد. (۲۵) نوح گفت: خداوند، مرا در مقابل انکار آنها یاری کن. (۲۶) ما به او وحی کردیم که زیر نظر و وحی ما کشتی را بساز. وقتی دستور ما صادر شد و آب از تنور فوران کرد، از هر نوع حیوان یک جفت و افراد خانواده‌ات را سوار کشتی کن، به غیر از کسی که قبلاً درباره او تصمیم گرفته شده، و درباره افرادی که ظلم می‌کردند با من حرف نزن، چون آنها غرق خواهند شد. (۲۷)

و وقتی تو و کسانی که با تو هستند سوار کشتی شدید بگو: ستایش اختصاص به خدایی دارد که ما را از قوم ظالم نجات داد. (۲۸) و بگو: خدایا، مرا در جای پربرکتی پایین بیاور، تو بهترین فرودآورنده ای. (۲۹) در این داستان عبرت‌هایی وجود دارد و ما مردم را امتحان می‌کنیم. (۳۰) بعد از آنها افراد دیگری بوجود آوردیم. (۳۱) و در بین آنها پیغمبری از خودشان فرستادیم که به آنها بگوید که بندگی خدا را بکنید، معبودی (کسی که در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کنید و از دستورهایش بی‌چون و چرا پیروی کنید) غیر از او برای شما وجود ندارد. آیا خود را از خدا حفظ نمی‌کنید؟ (۳۲) سران کافر قومش که منکر آخرت بودند و در زندگی دنیا آنها را به ناز و نعمت رسانده بودیم، گفتند: این آدمی مثل شماست، از آنچه شما می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد. (۳۳) اگر از آدمی مثل خودتان اطاعت کنید ضرر کرده‌اید. (۳۴) آیا به شما وعده می‌دهد که پس از این که

مردید و خاک و استخوان شدید، دوباره زنده می‌شوید؟! (۳۵) امکان وعده‌ای که به شما داده می‌شود بسیار کم است. (۳۶) غیر از این زندگی دنیا چیزی نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم، و برای پس‌دادن حساب دوباره زنده نمی‌شویم. (۳۷) او مردی است که به خدا افترا می‌زند و ما به او ایمان نداریم. (۳۸) پیغمبر گفت: خدایا، مرا در مقابل انکاری که می‌کنند یاری کن. (۳۹) خدا گفت: بزودی از کارشان پشیمان می‌شوند. (۴۰) پس به حق دچار رعد شدند و آن‌ها را مثل خاشاک کردیم. کسانی که ظلم می‌کنند از رحمت خدا دورند. (۴۱) بعد از آن‌ها افراد دیگری را بوجود آوردیم. (۴۲)

هیچ امتی از مهلتی که برای عذاب آن‌ها تعیین شده پیشی نمی‌گیرد و عقب نمی‌افتد. (۴۳) بعد پیغمبران خود را پشت سر هم فرستادیم. هر وقت پیغمبری پیش امتی آمد، منکر رسالت او شدند و بعضی از آن‌ها را دنبال بعضی دیگر نابود کردیم و آن‌ها را به صورت افسانه درآوردیم. رحمت خدا از کسانی که ایمان نمی‌آورند دور است. (۴۴) بعد موسی و برادرش هارون را با آیات خودمان و دلیل روشنی پیش فرعون و سران کشورش فرستادیم، ولی آن‌ها تکبر ورزیدند و گروهی برتری طلب بودند. (۴۵ و ۴۶) گفتند: آیا به دو تا آدم مثل خودمان ایمان بیاوریم؟! در صورتی که قوم آن‌ها بنده ما هستند. (۴۷) در نتیجه آن‌ها را به دروغگویی متهم کردند و از کسانی بودند که هلاک شدند. (۴۸) و به موسی کتاب دادیم، شاید آن‌ها هدایت شوند. (۴۹) و عیسی فرزند مریم و مادرش را نشانه‌ای از قدرت خود ساختیم و آن‌ها را بر تپه‌ای که قرارگاه و آب روان داشت جا دادیم. (۵۰) ای پیغمبران، از خوردنی‌های پاک بخورید و کار درست بکنید. من از کارهایی که می‌کنید باخبرم. (۵۱) و این امت شماست، یک امت و من خداوند شما هستم، لذا از نافرمانی من برحذر باشید. (۵۲) اما مردم دین خود را فرقه‌فرقه کردند و هر دسته‌ای به روشی که دارند دلخوشند. (۵۳) بگذار تا مدتی در غفلت خود بمانند. (۵۴) آیا خیال می‌کنند که به وسیله مال و فرزندی که به آن‌ها داده‌ایم می‌خواهیم خیری به آن‌ها برسانیم؟ این‌طور نیست، آن‌ها توجه ندارند. (۵۵ و ۵۶) کسانی که از خوف خداوندشان هراسانند، (۵۷) و به آیات خداوندشان ایمان دارند، (۵۸) و برای خداوندشان شریکی نمی‌گیرند، (۵۹)

و از آنچه به آن‌ها داده شده (در راه خدا) می‌دهند، و از این‌که پیش خدایشان برمی‌گردند قلباً می‌ترسند، (۶۰) کسانی هستند که در کارهای خیر عجله دارند و در آن بر هم پیشی می‌گیرند. (۶۱) ما هر کس را فقط به اندازه توانایش موظف می‌کنیم و کتابی داریم که به حق سخن می‌گوید و به آن‌ها ظلمی نمی‌شود. (۶۲) این‌طور که فکر می‌کنند نیست، بلکه دل آن‌ها توجهی به این حقیقت ندارد و کارهای دیگری غیر از آن دارند که آن کارها را انجام می‌دهند. (۶۳) وقتی که افراد غرق در نعمت آن‌ها را دچار عذاب کنیم، آن وقت شیون می‌کنند. (۶۴) شیون نکنید، از طرف ما به شما کمک نخواهد شد. (۶۵) آیات من بر شما خوانده می‌شد ولی شما اعراض کرده و به عقب برمی‌گشتید. (۶۶) و در مقابل آن تکبر داشتید و شبها افسانه‌سرایی و بدگویی می‌کردید. (۶۷) آیا درباره این سخنان فکر نمی‌کنید؟ یا به‌خاطر این است که چیزی برای آن‌ها آمده که برای پدران گذشته آن‌ها نیامده بود؟ (۶۸) یا پیغمبرشان را نمی‌شناختند که منکر او هستند؟ (۶۹) یا می‌گویند که دیوانه است؟ پیغمبر حقیقت را برای ایشان آورده، ولی بیشتر آن‌ها حقیقت را دوست ندارند. (۷۰) اگر حق از دلخواه آن‌ها پیروی می‌کرد، آسمان‌ها و زمین و تمام کسانی که در آن هستند تباه می‌شدند، ولی ما ذکر احوال خودشان را برای آن‌ها آورده‌ایم و آن‌ها از ذکر حال خودشان روگردانند. (۷۱) یا از آن‌ها مزدی می‌خواهی؟ مزد خداوندت بهتر است و او بهترین روزی‌دهنده است. (۷۲) تو آن‌ها را به راه راست دعوت می‌کنی. (۷۳) و کسانی که به آخرت ایمان ندارند از راه راست منحرف هستند. (۷۴)

اگر به آن‌ها رحم کنیم و ضرر را از آن‌ها دفع کنیم، در حالی که سرگردانند، در طغیان خود اصرار می‌کنند. (۷۵) آن‌ها را دچار عذاب کردیم، ولی آن‌ها در مقابل خداوندشان سر فرود نیاوردند و زاری نکردند، (۷۶) تا وقتی که دری از عذاب شدید را بر آن‌ها باز کردیم، آن وقت ناامید شدند. (۷۷) اوست که برای شما گوش و چشم و دل بوجود آورده، تشکری که می‌کنید کم است. (۷۸) اوست که شما را در زمین بوجود آورد و پیش او جمع‌آوری می‌شوید. (۷۹) اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و رفتن و آمدن شب و روز به دست اوست، آیا نمی‌فهمید؟ (۸۰) آن‌ها مثل حرفی که

گذشتگان گفتند می‌زنند. (۸۱) گفتند: آیا وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم، دوباره زنده می‌شویم؟ (۸۲) قبلاً به ما و پدرانمان این وعده داده شده، این افسانه گذشتگان است. (۸۳) بگو: اگر علمی دارید، بگویید که زمین و افرادی که در آن هستند مال کیست؟ (۸۴) خواهند گفت: مال خداست. بگو: آیا متوجه نمی‌شوید؟ (۸۵) بگو: صاحب‌اختیار آسمان‌های هفتگانه و مالک عرش بزرگ چه کسی است؟ (۸۶) خواهند گفت: خداست. بگو: آیا از نافرمانی خدا نمی‌ترسید؟ (۸۷) بگو: اگر می‌دانید بگویید که فرمانروایی همه چیز در دست چه کسی است، که پناه می‌دهد و به کسی در مقابل او پناه داده نمی‌شود؟ (۸۸) خواهند گفت: این‌ها مال خداست. بگو: پس چطور جادو می‌شوید؟ (۸۹)

ما حق را برای آن‌ها آوردیم و آن‌ها دروغ می‌گویند. (۹۰) خدا فرزندی نگرفته و خدای دیگری با او نبوده، چون آن وقت هر خدایی مخلوقات خود را به سوی می‌برد، و بعضی از آن‌ها بر بعضی برتری می‌جستند. خدا از این چیزهایی که می‌گویند پاک است. (۹۱) خدا دانای غیب و آشکار است، بنابراین از چیزهایی که شریک او می‌سازند بالاتر است. (۹۲) بگو: ای خداوند من، کاش عذابی که به آن‌ها وعده داده می‌شود، به من نشان می‌دادی. (۹۳) خداوند، مرا جزو افرادی که ظلم می‌کنند قرار نده. (۹۴) ما می‌توانیم عذابی را که به آن‌ها وعده داده شده در زمان تو عملی کنیم و به تو نشان دهیم. (۹۵) بدی را با بهترین طرز جواب بده، ما چیزهایی را که می‌گویند بهتر می‌دانیم. (۹۶) بگو: خداوند، از وسوسه شیطان‌ها به تو پناه می‌برم. (۹۷) و از این‌که سراغ من بیایند به تو پناه می‌برم. (۹۸) وقتی که مرگ سراغ یکی از آن‌ها بیاید، می‌گوید: خداوند، مرا برگردان، (۹۹) تا اعمال درستی را که ترک کرده بودم انجام بدهم. نه، این‌طور نیست، این حرفی است که او می‌زند. پشت سر آن‌ها تا روز قیامت فاصله ایست. (۱۰۰) وقتی در صور دمیده شود، در آن روز هیچ‌گونه خویشاوندی میان آن‌ها وجود ندارد و از حال همدیگر هم سؤال نمی‌کنند. (۱۰۱) کسانی که میزانشان سنگین باشد، موفق و رستگار هستند. (۱۰۲) و افرادی که میزانشان سبک باشد، اشخاصی هستند که خودشان ضرر کرده‌اند و همیشه در جهنم خواهند بود. (۱۰۳) آتش صورتشان را می‌سوزاند و در آنجا صورتشان در هم است. (۱۰۴)

آیا شما نبودید که وقتی آیات من بر شما خوانده می‌شد، می‌گفتید که این حرف‌ها دروغ است؟ (۱۰۵) می‌گویند: خداوند، بدبختی ما بر ما غلبه کرد و گمراه بودیم. (۱۰۶) خداوند، ما را از آن بیرون ببر، اگر این‌کار را تکرار کردیم ستمکار هستیم. (۱۰۷) خدا گوید: در آن گم شوید و با من حرف نزنید. (۱۰۸) عده‌ای از بندگان من می‌گفتند: خداوند، ایمان آوردیم، ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کننده هستی. (۱۰۹) شما آن‌ها را مسخره می‌کردید و به آن‌ها می‌خندیدید تا آنجا که یاد مرا از خاطر شما بردند. (۱۱۰) من امروز به خاطر صبری که کردند به آن‌ها پاداش دادم. آن‌ها موفق هستند. (۱۱۱) خدا گفت: چند سال در زمین ماندید؟ (۱۱۲) گفتند: یک روز یا قسمتی از روز، از کسانی که می‌توانند آن را حساب کنند بپرس. (۱۱۳) خدا گوید: فقط مقدار کمی ماندید، اگر واقعیت را می‌دانستید. (۱۱۴) آیا خیال کرده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم؟ و پیش ما برگردانده نمی‌شوید؟ (۱۱۵) فرمانروای حقیقی خداست که والا و بلندمرتبه است. معبودی (کسی که انسان بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورها و نظرهای او باشد) غیر از او که صاحب عرش کریم است وجود ندارد. (۱۱۶) کسی که با خدا معبود دیگری را بخواند هیچ دلیلی برای این کار خود ندارد. حساب او پیش خداوندش محفوظ است. مسلماً افراد بی‌ایمان رستگار نمی‌شوند. (۱۱۷) بگو: خداوند، مرا بیامرز و به من رحم کن. تو بهترین رحم‌کننده هستی. (۱۱۸)

سوره نور (۲۴)

مدنی و شامل شصت و چهار آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

سوره‌ای است که ما آن را نازل و واجب ساختیم و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید متوجه شوید. (۱) به هر زن و مرد زناکار صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید، در اجرای دستور خدا به آن‌ها رحم نکنید و باید عده‌ای از افراد با ایمان شاهد مجازات آن‌ها باشند. (۲) مرد زناکار فقط با زن زناکار یا مشرک ازدواج می‌کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود

در نمی‌آورد، و ازدواج با زناکار بر مؤمنین حرام است. (۳) به کسانی که به زنان پاکدامن تهمت زنا می‌زنند و چهار شاهد نمی‌آورند، هشتاد تازیانه بزنید و شهادت آن‌ها را هرگز قبول نکنید. آن‌ها به دستور خدا عمل نمی‌کنند. (۴) غیر از کسانی که بعد از تهمت‌زدن، توبه کردند و کار خود را اصلاح کردند. چون خدا آمرزنده و مهربان است. (۵) کسانی که به همسر خود تهمت زنا می‌زنند و شاهدی غیر از خودشان ندارند، هر کدام آن‌ها چهار بار به خدا قسم بخورد که راست می‌گوید. (۶) و بار پنجم بگوید که اگر دروغ می‌گوید لعنت خدا بر او باشد. (۷) اگر زن چهار بار به خدا قسم بخورد که شوهرش دروغ می‌گوید، عذاب از او رفع می‌شود. (۸) و بار پنجم بگوید: اگر (شوهرش) راست می‌گوید، من دچار غضب خدا شوم. (۹) اگر لطف و رحمت خدا شامل حال شما نمی‌شد و خدا توبه‌پذیر حکیم نبود (دچار زحمت می‌شدید). (۱۰)

افرادی که تهمت زدند، عده‌ای از خود شما هستند. این تهمتی که زدند را برای خود بد ندانید، بلکه خیر شما در آن است. هر کدام آن‌ها که در پخش آن شرکت داشته، به نسبت پخش آن مقصر است و کسی که تهمت را زده عذاب بزرگی دارد. (۱۱) چرا وقتی مردان و زنان باایمان آن را شنیدند، نسبت به خودشان گمان خوب نداشتند و نگفتند: این تهمت واضحی است؟ (۱۲) چرا چهار شاهد برای این کار نیاوردند؟ وقتی چهار شاهد نیاوردند، پیش خدا دروغگو هستند. (۱۳) اگر لطف و رحمت خدا در دنیا و آخرت شامل حال شما نبود، حتماً به سزای کاری که کردید عذاب بزرگی به شما می‌رسید. (۱۴) وقتی که شایعه را از زبان یکدیگر می‌شنیدید و چیزی را که به آن علم نداشتید بازگو می‌کردید، آن را کار ساده‌ای به حساب می‌آوردید، در صورتی که پیش خدا گناه بزرگی است. (۱۵) چرا وقتی آن را شنیدید نگفتید: ما حق نداریم صحبتی درباره آن بکنیم. خداوند، تو پاکی، این بهتان بزرگی است. (۱۶) خدا شما را نصیحت می‌کند که اگر ایمان دارید، دیگر هرگز چنین کاری را تکرار نکنید. (۱۷) خدا آیات را برای شما بیان می‌کند. خدا دانا و حکیم است. (۱۸) افرادی که دوست دارند کار زشت در بین مسلمانان شیوع پیدا کند، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت دارند. خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (۱۹) اگر لطف و رحمت خدا شامل حال شما نبود و خدا مهربان و دلسوز نبود (دچار بلا می‌شدید). (۲۰)

ای افراد باایمان، از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید. کسی که از آن پیروی کند بداند که شیطان به کارهای زشت و ناروا امر می‌کند، و اگر لطف و رحمت خدا شامل حال شما نبود هرگز یکی از شما پاک نمی‌ماند، ولی خدا هر کس را که بخواهد پاک می‌کند. خدا شنوا و دانا است. (۲۱) ثروتمندان و توانگران شما قسم نخورند که به خویشان و تهیدستان و افرادی که در راه خدا مهاجرت کرده‌اند کمک نکنند. باید گناه آن‌ها را ببخشند و چشم‌پوشی کنند. آیا دوست ندارید که خدا شما را بیامرزد؟ خدا آمرزنده و مهربان است. (۲۲) کسانی که به زنان باایمان پاکدامن غافل تهمت زنا می‌زنند، در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور هستند و عذاب بزرگی دارند. (۲۳) روزی که زبان و دست و پایشان درباره کارهایی که کرده‌اند بر ضد آن‌ها شهادت می‌دهند. (۲۴) آن روز خدا جزای سزاوار آن‌ها را به طور کامل به آن‌ها می‌دهد و می‌داند که خدا حقیقت روشنی است. (۲۵) زنان ناپاک برای مردان ناپاک و مردان ناپاک برای زنان ناپاک هستند و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک می‌باشند. آن‌ها از آنچه دیگران می‌گویند بر کنار و دور هستند. آن‌ها آمرزش و روزی خوبی دارند. (۲۶) ای افراد باایمان، داخل خانه‌ای غیر از خانه خودتان نشوید تا این‌که آشنایی بدهید و اجازه بگیرید و به اهل آن سلام کنید. اگر متوجه باشید این‌کار برای شما بهتر است. (۲۷)

اگر کسی را در آن پیدا نکردید وارد آن نشوید تا موقعی که به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید. این‌کار برای پاک‌بودن شما بهتر است. خدا کارهایی را که می‌کنید می‌داند. (۲۸) اشکالی برای شما ندارد که وارد خانه‌های غیرمسکونی که متاعی (جنسی) در آن دارید بشوید. خدا آنچه را آشکار می‌کند و آنچه را پنهان می‌کند می‌داند. (۲۹) به مردان باایمان بگو: از نگاه شهوت‌آلود خودداری و عفت خود را حفظ کنید. این کار برای پاک‌ماندن آن‌ها بهتر است. چون خدا از کارهایی که می‌کنند باخبر است. (۳۰) به زنان مؤمن هم بگو: از نگاه خریداری خودداری و عفت خود را حفظ کنید و زینت خود را آشکار نکنند مگر

آنچه ظاهر است، و روسری‌های خود را روی سینه بیاندازند و زینت خود را آشکار نکنند، مگر به شوهر یا پدر و یا پدرشوهر یا پسر یا پسرشوهر یا برادر یا پسربرادر یا پسرخواهر یا زن‌ها یا کنیزها یا غلام‌هایی که تمایلی به زنان ندارند یا بچه‌هایی که هنوز از امور جنسی اطلاعی ندارند و طوری پا بر زمین نزنند که زینت‌هایشان را که پنهان کرده‌اند آشکار شود. ای افراد باایمان، همگی به اطاعت خدا برگردید تا رستگار شوید. (۳۱)

به افراد بدون همسر خود و غلامان و کنیزان درستکاران همسر بدهید. اگر فقیر باشند، خدا از فضل خودش آن‌ها را بی‌نیاز می‌کند. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۳۲) افرادی که دسترسی به ازدواج پیدا نمی‌کنند، باید عفت به خرج دهند تا خدا از فضل خودش آن‌ها را بی‌نیاز کند. و با بردگانتان که خواستار بازخرید و آزادی خویش هستند، اگر خیری در آن‌ها سراغ دارید، قرارداد ببندید، و از مالی که خدا به شما داده به آن‌ها بدهید، و کنیزان خود را، اگر می‌خواهند پاکدامن باشند، برای مال دنیا مجبور به زنا نکنید. کسانی که آن‌ها را مجبور کنند، خدا کنیزانی را که مجبور شده‌اند می‌آمزد، چون خدا آمرزنده و مهربان است. (۳۳) ما برای شما آیاتی روشن و داستان‌هایی از گذشتگان و پندی برای پرهیزکاران نازل کردیم. (۳۴) خدا نور آسمان‌ها و زمین است. وضع نور خدا شبیه یک چراغدان است که در آن چراغی باشد، و چراغ در شیشه باشد، و شیشه مثل ستاره درخشانی باشد که از درخت پربرکت زیتونی، که نه شرقی است نه غربی، روشن شود. نزدیک است روغن آن بدون آن‌که آتشی به آن رسیده باشد پرتوافشانی کند. نوری روی نور است. خدا هر کس را که بخواهد به نور خود هدایت می‌کند. خدا برای مردم این مثل‌ها را می‌زند و خدا هر چیزی را می‌داند. (۳۵) این نور در خانه‌هایی است که خدا اجازه داده نامش در آن گفته و بالا برده شود و روز و شب تسبیح او در آن صورت بگیرد. (۳۶)

مردانی که خرید و فروش آن‌ها را از ذکر خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات غافل نمی‌کنند، و از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون می‌شود. (۳۷) تا خدا پاداشی بهتر از کارهایی که کرده‌اند به آن‌ها بدهد و از فضل خودش بر پاداش آن‌ها اضافه کند. خدا هر کس را که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد. (۳۸) کسانی که منکر شدند کارهایشان مثل سرابی در بیابانی صاف است که آدم تشنه خیال می‌کند آب است، اما وقتی به آن برسد آبی پیدا نمی‌کند و خدا را در کنار آن می‌یابد و خدا حساب او را به طور کامل به او می‌دهد. حسابرسی خدا سریع است. (۳۹) یا مثل تاریکی در دریای عمیقی که دارای امواجی است، که امواج دیگر آن را از بالا بپوشاند، و روی آن ابر تیره‌ای باشد. تاریکی‌هایی روی هم، به طوری که وقتی دستش را در می‌آورد تاریکی به حدی باشد که دستش را هم نبیند. کسی که خدا نوری برایش قرار نداده، نوری ندارد. (۴۰) آیا متوجه نشده‌ای همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند و پرندگان در حال پرواز نیز تسبیح خدا را می‌گویند. هر کدام آن‌ها نماز و تسبیح خود را می‌دانند و خدا کارهایی را که می‌کنند می‌داند. (۴۱) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین اختصاص به خدا دارد و بازگشت همه به سوی او است. (۴۲) آیا ندیدی که خدا ابرها را آهسته به طرف هم می‌راند، و آن‌ها را جمع و متراکم می‌سازد و می‌بینی که باران از بین آن‌ها خارج می‌شود، و از کوه‌های ابری که در آسمان است تگرگ نازل می‌کند، و به هر کس که بخواهد به وسیله آن صدمه می‌زند و از هر کس که بخواهد صدمه را بر طرف می‌کند. نزدیک است که نور برقش چشم را کور کند. (۴۳)

خدا شب و روز را می‌گرداند. بدون تردید در این کار عبرتی برای کسانی که بصیرت دارند وجود دارد. (۴۴) خدا هر جنبنده‌ای را از آب خلق کرد. بعضی از آن‌ها روی شکرشان و بعضی روی دو پا و بعضی روی چهار پا راه می‌روند. خدا هر چه را بخواهد خلق می‌کند، چون خدا بر هر کاری توانا است. (۴۵) ما آیات روشنی نازل کردیم. خدا هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۴۶) می‌گویند: ما به خدا و پیغمبر ایمان آوردیم و اطاعت کردیم. بعد عده‌ای از آن‌ها رو برمی‌گردانند. آن‌ها مؤمن نیستند. (۴۷) وقتی از آن‌ها دعوت می‌شود که پیش خدا و پیغمبرش بیایند تا بین آن‌ها حکم کند، عده‌ای از آن‌ها این کار را قبول نمی‌کنند. (۴۸) و اگر حق با آن‌ها باشد با حال تسلیم پیش او می‌آیند. (۴۹) آیا مرضی در دلشان است؟ یا دچار شک شده‌اند؟ یا می‌ترسند که خدا و پیغمبرش به آن‌ها ظلمی کنند؟ این‌طور نیست، بلکه خود آن‌ها ظالم هستند. (۵۰) وقتی افراد باایمان

دعوت می‌شوند که پیش خدا و پیغمبرش بیایند تا بین آنها حکم کند، حرفشان فقط این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم. چنین افرادی رستگار هستند. (۵۱) کسانی که از خدا و پیغمبرش اطاعت می‌کنند و از خدا می‌ترسند و از نافرمانی او هراس دارند، افراد موفقی هستند. (۵۲) و غلیظ ترین قسم‌ها را به خدا خوردند که اگر به آنها دستور بدهی برای جنگ بیرون می‌روند. بگو: قسم نخورید، اطاعت معمولی کافی است. خدا از کارهایی که می‌کنید خبردار است. (۵۳)

بگو: از خدا و پیغمبرش اطاعت کنید. اگر قبول نکردید، پیغمبر فقط مسؤول کار خودش می‌باشد و شما مسؤول کار خودتان هستید. اگر از پیغمبر اطاعت کنید راه صحیح را شناخته‌اید. وظیفه پیغمبر فقط رساندن پیام به طور روشن است. (۵۴) خدا به کسانی از شما که ایمان داشته باشند و کار صحیح انجام دهند، وعده داده است که آنها را در زمین به قدرت برساند، همان‌طور که قبلی‌ها را به قدرت رسانده بود، و دینی را که برای آنها پسندیده به قدرت برساند، و ترسشان را به امنیت خاطر تبدیل کند. آن وقت فقط مرا بندگی می‌کنند و چیزی را شریک من نمی‌سازند. کسانی که بعد از آن کافر شوند از اطاعت خدا خارج شده‌اند. (۵۵) نماز را به پا دارید و زکات بدهید و از پیغمبر اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار بگیرید. (۵۶) خیال نکن که افراد بی‌ایمان در زمین خدا را عاجز می‌کنند. جای آنها آتش جهنم است و جهنم بدجایی است. (۵۷) ای افراد باایمان، باید غلامان و بچه‌هایی که به سن بلوغ جنسی نرسیده‌اند در سه موقع از شما برای وارد شدن به اطاق اجازه بگیرند. قبل از نماز صبح و موقع ظهر که لباستان را کم می‌کنید و بعد از نماز عشاء، این سه وقت موقع خلوت شما است. بعد از آن اشکالی برای شما و آنها ندارد که بدون اجازه وارد شوند، چون در کنار هم در حال رفت و آمد هستید. خدا آیات را به این شکل برای شما بیان می‌کند. خدا دانا و حکیم است. (۵۸)

وقتی بچه‌های شما به بلوغ جنسی رسیدند، باید مثل قبلی‌ها اجازه بگیرند. خدا آیاتش را به این شکل برای شما بیان می‌کند. خدا دانا و حکیم است. (۵۹) بر زنان یائسه‌ای که امید ازدواج ندارند اشکالی وارد نیست که لباسشان را سبک کنند بدون این‌که زینت خود را ظاهر سازند. باز هم برای آنها بهتر است که عفت به خرج دهند. خدا شنوا و دانا است. (۶۰) بر کور و لنگ و مریض و خود شما ایرادی نیست که در خانه خودتان یا خانه پدران و مادران و برادران و خواهران و عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌ها و خانه‌هایی که کلید آن در اختیار شما است یا خانه دوستتان غذا بخورید. اشکالی ندارد که دست‌جمعی و با هم یا جدا از هم غذا بخورید. بنابراین وقتی داخل خانه‌ای شدید به یکدیگر سلام کنید. سلامتی خواستنی پربرکت و پاک از جانب خدا. خدا آیات را برای شما به این شکل بیان می‌کند تا این‌که وظیفه خود را بشناسید. (۶۱)

افراد باایمان فقط کسانی هستند که به خدا و پیغمبرش ایمان آوردند و وقتی در کاری عمومی کنار او بودند، از آنجا نمی‌روند مگر این‌که از او اجازه بگیرند. کسانی که از تو اجازه می‌گیرند کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان دارند. بنابراین وقتی برای بعضی از کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کدام از آنها خواستی اجازه بده و برای آنها از خدا طلب آمرزش کن، چون خدا آمرزنده و مهربان است. (۶۲) دعوت پیغمبر را مثل دعوت بعضی از خودتان ندانید. خدا کسانی از شما را که پشت سر دیگران مخفی می‌شوند که فرار کنند می‌شناسد. کسانی که از امر خدا سرپیچی می‌کنند باید بترسند که مبادا بلایی یا عذاب پردردی به آنها برسد. (۶۳) بدانید هر چه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است. و کاری را که می‌کنید می‌داند و روزی که پیش او برگردانده می‌شوند، آنها را از کارهایی که می‌کردند خبردار می‌کند. خدا همه چیز را می‌داند. (۶۴)

سوره فرقان (۲۵)

مکی و شامل هفتاد و هفت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

بزرگوار است وجودی که فرقان (جداکننده حق از باطل) را بر بنده اش نازل کرد تا به افراد بشر هشدار بدهد. (۱) وجودی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین متعلق

به اوست، و فرزندی نگرفته و در فرمانروایی شریکی ندارد، و هر چیزی را خلق و با دقت اندازه‌گیری کرده. (۲)

در صورتی که انسان‌ها غیر از او معبودهایی برای خود گرفته‌اند که چیزی را خلق نکرده‌اند و خودشان هم خلق شده‌اند، و مالک نفع و ضرری برای خودشان هم نیستند، و مالک مرگ و زندگی و رستخیز هم نیستند. (۳) افراد بی‌ایمان گفتند: این قرآن فقط دروغی است که پیغمبر سر هم کرده و عده دیگری در این‌کار به او کمک کرده‌اند. آن‌ها مرتکب ظلم و تهمت شده‌اند. (۴) و گفتند: قرآن داستان گذشتگان است که رونویسی شده و صبح و شب بر او خوانده می‌شود. (۵) بگو: قرآن را کسی که اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌داند نازل کرده، او آمرزنده مهربان است. (۶) گفتند: این چه جور پیغمبری است، غذا می‌خورد و در کوچه و بازار راه می‌رود؟! چرا فرشته‌ای با او نازل نشده تا به اتفاق او به مردم هشدار بدهد؟ (۷) یا چرا گنجی به او داده نشده یا باغی ندارد که از آن بخورد؟ ظالم‌ها گفتند: شما از مردی که جادو شده پیروی می‌کنید. (۸) نگاه کن درباره تو چه حرف‌هایی می‌زنند، آن‌ها گمراه شده‌اند و راهی پیدا نمی‌کنند. (۹) بزرگوار است وجودی که اگر بخواهد بهتر از آن برای تو بوجود می‌آورد. باغ‌هایی که نهرها در آن روان باشد. و برای تو قصرهایی می‌سازد. (۱۰) حقیقت این است که آن‌ها قیامت را قبول ندارند. ما برای کسی که قیامت را قبول ندارد آتش جهنم را آماده کرده ایم. (۱۱)

وقتی جهنم آن‌ها را از دور ببینند، صدای خشم و خروش شدید آن را می‌شنوند. (۱۲) و وقتی دست و پا بسته با غل و زنجیر در جای تنگی از آن انداخته شوند، آن وقت آرزوی مرگ می‌کنند. (۱۳) امروز یک بار تقاضای مرگ نکنید بلکه بارها تقاضای مرگ بکنید. (۱۴) بگو: این وضع بهتر است یا بهشت همیشگی که به پرهیزکاران وعده داده شده؟ بهشتی که پاداش کار خودشان و محل بازگشت آن‌ها است. (۱۵) هر چه بخواهند در آنجا دارند و همیشه در آن خواهند بود. خداوند تو مسؤول انجام این وعده است. (۱۶) روزی که خداوند آن‌ها و تمام چیزهایی که غیر از خدا بندگی می‌کردند، دور هم جمع می‌کند و می‌گوید: آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید؟ یا خودشان گمراه شدند؟ (۱۷) معبودهای آن‌ها می‌گویند: خداوندا، تو پاکی، سزاوار ما نیست که سروری غیر از تو برای خود بگیریم. ولی تو آن‌ها و پدرانشان را از نعمت‌ها بهره‌مند ساختی تا آنجا که یاد تو را فراموش کردند و هلاک شدند. (۱۸) این معبودها منکر حرف شما می‌شوند، و شما توانایی برطرف کردن عذاب را ندارید و نمی‌توانید کمکی به خودتان بکنید. هر کس از شما که ظلم بکند عذاب بزرگی به او می‌چشانیم. (۱۹) قبل از تو پیغمبرانی فرستادیم که غذا می‌خوردند و در کوچه و بازار راه می‌رفتند. ما بعضی از شما را وسیله انحراف (یا امتحان) بعضی ساخته ایم که ببینیم آیا استقامت دارید؟ خداوند تو بینا است. (۲۰)

کسانی که امید دیدار ما را ندارند گفتند: چرا فرشتگان بر ما نازل نشده‌اند؟ یا چرا خداوندمان را نمی‌بینیم؟ آن‌ها خود را بزرگ شمردند و خیلی سرکشی کردند. (۲۱) روزی که آن‌ها فرشتگان را ببینند، آن روز مؤذنه‌ای برای افراد گناه‌کار وجود ندارد و می‌گویند: از نعمت خدا محروم شده‌اید. (۲۲) ما سراغ هر کاری که کرده‌اند می‌رویم و آن را چون غبار پراکنده می‌سازیم. (۲۳) در آن روز اهل بهشت بهترین جا و استراحتگاه را دارند. (۲۴) روزی که آسمان با ابرها شکافته شود و فرشتگان پایین بیایند. (۲۵) در آن روز فرمانروایی واقعی متعلق به خداوند رحمان است و بر کافران روز سختی خواهد بود. (۲۶) روزی که ظالم دستش را گاز می‌گیرد و می‌گوید: کاش با پیغمبر همراهی می‌کردم. (۲۷) وای بر من، کاش با فلانی دوست نمی‌شدم. (۲۸) بعد از این‌که قرآن برای من آمد، مرا از آن منحرف ساخت. شیطان انسان را بدون مددکار می‌گذارد. (۲۹) و پیغمبر (در روز قیامت خواهد) گفت: خداوندا، قوم من قرآن را از خود دور ساختند. (۳۰) به این ترتیب برای هر پیغمبری دشمنی از گناه‌کاران قرار دادیم. خداوند تو برای هدایت و یاری کردن کافی است. (۳۱) افراد بی‌ایمان گفتند: چرا قرآن یکدفعه به پیغمبر نازل نشده؟ همین‌طور است. برای این‌که دلت را با آن ثابت کنیم، قرآن را آهسته آهسته بر تو خواندیم. (۳۲)

هیچ مثلی را برای تو نمی‌زنند مگر اینکه ما جواب درست آن را با تفسیری بهتر برای تو آورده ایم. (۳۳) کسانی که دمر و به سوی جهنم کشیده و محشور می‌شوند، جای بدی دارند و گمراه‌ترین افراد هستند. (۳۴) به موسی تورات را دادیم و برادرش هارون را وزیر او ساختیم. (۳۵) و گفتیم: پیش قومی که منکر آیات ما شدند بروید. در نتیجه آن قوم را نابود کردیم. (۳۶) و قوم نوح را وقتی منکر پیغمبران ما شدند غرق کردیم و آن‌ها را عبرتی برای مردم قرار دادیم، و عذاب پردردی برای افراد ظالم آماده کرده ایم. (۳۷) و عاد و ثمود و اصحاب رس (چاه) و اقوام زیادی را که بین آن‌ها بودند هلاک کردیم. (۳۸) و برای هر یک از آن‌ها مثلها زدیم و همه آن‌ها را نابود کردیم. (۳۹) مشرکان بر شهری که باران سنگ بر آن باریده شد گذر کردند. آیا آن را نمی‌دیدند؟ حقیقت این است که آن‌ها به قیامت امیدی ندارند. (۴۰) وقتی تو را ببینند، تو را به باد تمسخر می‌گیرند و می‌گویند: آیا این همان کسی است که خدا به رسالت فرستاده؟! (۴۱) اگر ما بر بندگی خدایانمان پافشاری نمی‌کردیم، نزدیک بود ما را از بندگی آن‌ها منحرف کند. وقتی عذاب را ببینند خواهند دانست چه کسی گمراه‌تر بوده. (۴۲) آیا کسی که دلخواه خود را خدای خود ساخته دیدی؟ آیا تو وکیل او هستی؟ (۴۳)

آیا خیال می‌کنی که بیشتر آن‌ها می‌شنوند یا می‌فهمند؟ آن‌ها مثل حیوانات هستند، بلکه از حیوانات هم گمراه‌تر هستند. (۴۴) آیا خداوندت را ندیدی که چطور سایه را می‌گستراند؟ اگر می‌خواست آن را بی‌حرکت می‌ساخت. ما خورشید را راهنمای آن ساختیم. (۴۵) ما سایه را آهسته جمع کردیم. (۴۶) اوست که شب را پوشش شما ساخت، و خواب را وسیله استراحت شما گرداند، و روز را برای کار کردن شما قرار داد. (۴۷) اوست که باد را قبل از رحمتش برای بشارت فرستاد، و از آسمان آب پاک را فرو فرستادیم. (۴۸) تا به وسیله آن سرزمین مرده را زنده کنیم و آن را به حیوانات و انسان‌های زیادی که خلق کرده ایم بنوشانیم. (۴۹) ما قرآن را در میان آن‌ها به صورت‌های مختلف بیان کردیم تا متوجه شوند، ولی بیشتر مردم به خاطر قدرشناسی از توجه به آن خودداری کردند. (۵۰) اگر می‌خواستیم به هر شهری هشدار دهنده ای می‌فرستادیم. (۵۱) بنابراین از افراد بی‌ایمان اطاعت نکن و با آن‌ها جهاد بزرگی بکن. (۵۲) خدا وجودی است که دو دریا را کنار هم قرار داد؛ این یکی شیرین و گوارا و این یکی شور و تلخ؛ و بین آن‌ها فاصله و مانعی قرار داد. (۵۳) اوست که انسان را از آب آفرید و او را صاحب نسب و سبب ساخت. خداوند تو توانا است. (۵۴) غیر از خدا چیزی را بندگی می‌کنند که نفع و ضرری برای آن‌ها ندارد. افراد بی‌ایمان بر ضد خداوندشان پشتیبان هم هستند. (۵۵)

ما تو را فقط برای بشارت دادن و هشدار دادن فرستادیم. (۵۶) بگو: من به خاطر رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم جز (آن‌که) کسی راهی به سوی خداوندش در پیش گیرد. (۵۷) و به زنده‌ای که نمی‌میرد توکل کن و با ستایش او، او را تسبیح گوی. خدا برای آگاهی از گناه بندگان کافی است. (۵۸) وجودی که آسمان‌ها و زمین و آنچه را که بین آن‌ها است در شش مرحله خلق کرد، سپس بر عرش قرار گرفت، خداوند رحمان است. از شخص آگاه درباره او سؤال کن. (۵۹) وقتی به آن‌ها گفته شود که به خدای رحمان سجده کنید، می‌گویند: رحمان کیست؟ آیا به چیزی که به ما دستور می‌دهی سجده کنیم؟ و نفرت آن‌ها بیشتر می‌شود. (۶۰) پاک است خدایی که در آسمان برج‌هایی آفرید و در آن چراغ خورشید و ماه تابان را قرار داد. (۶۱) او خدایی است که شب و روز را، برای کسی که بخواهد یادآوری کند یا بخواهد سپاسگزاری کند، جایگزین هم قرار داد. (۶۲) بندگان خداوند رحمان افرادی هستند که به آرامی روی زمین راه می‌روند، و وقتی افراد نادان آن‌ها را مورد خطاب قرار دهند، با مسالمت به آن‌ها جواب می‌دهند. (۶۳) و افرادی هستند که شب را در حال سجده و قیام برای خداوندشان به سر می‌برند. (۶۴) افرادی که می‌گویند: خداوند، عذاب جهنم را از ما برگردان، چون عذاب آن دایمی است. (۶۵) جهنم جا و اقامتگاه بدی است. (۶۶) افرادی که وقتی خرج می‌کنند، زیاده‌روی نمی‌کنند و خست هم به خرج نمی‌دهند و روشی بین این دو حالت دارند. (۶۷)

و افرادی که با خدا معبود دیگری را به کمک نمی‌خوانند و انسانی را که خداوند جانش را محترم داشته نمی‌کشند مگر به حق، و زنا نمی‌کنند. کسی که چنین کاری کند مجازات کار خود را می‌بیند. (۶۸) عذاب او روز قیامت دوبرابر می‌شود و همیشه با خواری در آن می‌ماند. (۶۹) مگر کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل درست

بکند. آن‌ها کسانی هستند که خدا بدی‌هایشان را تبدیل به خوبی می‌کند. خدا آمرزنده و مهربان است. (۷۰) هر کس که توبه کند و (از آن پس) عمل درست انجام دهد، کسی است که توبه‌اش واقعی است. (۷۱) افرادی که شهادت دروغ نمی‌دهند، و وقتی با کار بی‌هوده‌ای برخورد کنند با بزرگواری از کنار آن رد می‌شوند. (۷۲) افرادی که وقتی آیات خداوندشان به آن‌ها گفته شود، کر و کور با آن برخورد نمی‌کنند. (۷۳) افرادی که می‌گویند: خداوند، به ما همسران و فرزندان بده که چشم ما را روشن کنند و ما را امام (پیشوای) پرهیزکاران گردان. (۷۴) آن‌ها کسانی هستند که به‌خاطر صبری (مقاومتی) که کردند، غرفه‌های بهشت به آن‌ها پاداش داده می‌شود و در آنجا با خوش‌آمدگویی و سلام روبرو می‌شوند. (۷۵) همیشه در آن خواهند بود. بهشت جا و اقامتگاه خوبی است. (۷۶) بگو: اگر دعای شما نباشد خداوند چه توجهی به شما بکند؟ شما انکار کردید، نتیجه این کار را خواهید دید. (۷۷)

سوره شعراء (۲۶)

مکی و شامل دو بیست و بیست و هفت آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

طسم. (۱) این آیات کتاب روشن است. (۲) شاید خودت را به‌خاطر این‌که مردم ایمان نمی‌آورند، هلاک کنی. (۳) اگر بخواهیم آیه‌ای از آسمان نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن از تواضع خم شود. (۴) هیچ تذکر جدیدی از طرف خدا برای آن‌ها نیامد مگر این‌که از آن روگردانند. (۵) گفتند: این حرف دروغ است. خبر چیزی که مورد تمسخر آنان قرار می‌گرفت، برایشان خواهد آمد. (۶) آیا به زمین نگاه نکردند که انواع گیاهان سودمند در آن رویانده‌ایم؟ (۷) یقیناً در این‌کار نشانه‌ای وجود دارد، ولی بیشتر آن‌ها ایمان نمی‌آورند. (۸) برآستی خداوند تو قدرتمند و مهربان است. (۹) وقتی که خدا به موسی گفت: پیش قوم ستمکار، قوم فرعون، برو و بگو: آیا از کارهای خلاف و عذاب خدا نمی‌ترسند؟ (۱۰ و ۱۱) موسی گفت: خدایا، می‌ترسم حرف مرا قبول نکنند. (۱۲) و دلتنگ شوم، و زبانم گیر کند. این مأموریت را به هارون بده. (۱۳) گناهی به گردن من دارند و می‌ترسم مرا بکشند. (۱۴) خدا گفت: این‌طور نیست، تو و هارون آیات مرا پیش فرعون ببرید، ما با شمایم و به حرف‌های شما گوش می‌دهیم. (۱۵) پیش فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده خدای جهانیان هستیم. (۱۶) و مأموریم که بنی‌اسرائیل را با ما بفرستی. (۱۷) چون پیش فرعون رفتند، فرعون گفت: آیا وقتی بچه بودی ما تو را بین خودمان بزرگ نکردیم؟ و سال‌ها عمرت را بین ما نبود؟ (۱۸) و جنایتی را که کردی، کردی (آدم کشتی)، تو نمک‌شناسی. (۱۹)

موسی گفت: وقتی من گمراه بودم آن کار را کردم. (۲۰) و چون ترسیدم از پیش شما فرار کردم. سپس خدا به من حکم داد و مرا رسول خود ساخت. (۲۱) نعمتی که منت آن را بر من می‌گذاری این است که بنی‌اسرائیل را برده خود ساخته‌ای. (۲۲) فرعون گفت: صاحب‌اختیار مردم جهان چه کسی است؟ (۲۳) موسی گفت: اگر یقین داشته باشید، (خدا) صاحب‌اختیار آسمان‌ها و زمین و تمام چیزهایی است که بین آن‌ها وجود دارد. (۲۴) فرعون به اطرافیانش گفت: آیا نمی‌شنوید؟ (که چه حرف‌هایی می‌زند). (۲۵) موسی (در ادامه صحبتش) گفت: صاحب‌اختیار شما و نیاکان شما. (۲۶) فرعون گفت: این پیغمبری که پیش شما فرستاده شده، دیوانه است. (۲۷) موسی گفت: اگر عقل دارید، خدا صاحب‌اختیار مشرق و مغرب و هر چه بین آن‌هاست می‌باشد. (۲۸) فرعون گفت: اگر معبودی غیر از من بگیری تو را زندانی می‌کنم. (۲۹) موسی گفت: اگر چه معجزه آشکاری برایت بیاورم؟ (۳۰) فرعون گفت: اگر راستگویی بیاور. (۳۱) موسی عصایش را انداخت، ناگهان مار بزرگی شد. (۳۲) و دستش را از گریبان خارج کرد و در مقابل چشم بینندگان سفید شد. (۳۳) فرعون به بزرگان اطرافش گفت: واقعاً این ساحر دانایی است. (۳۴) می‌خواهد با جادویش شما را از سرزمینتان بیرون کند، شما چه می‌فرمایید؟ (۳۵) گفتند: مدتی به او و برادرش مهلت بده، و عده‌ای را به شهرها بفرست تا جادوگران را جمع کنند. (۳۶) هر جادوگر زبردستی را پیش تو بیاورند. (۳۷) جادوگران در روز و محل معین جمع‌آوری شدند. (۳۸) به مردم گفته شد: آیا شما هم جمع می‌شوید؟ (۳۹)

تا اگر جادوگران پیروز شدند، ما از آن‌ها پیروی کنیم. (۴۰) چون جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: اگر غلبه کنیم، آیا مزدی داریم؟ (۴۱) فرعون گفت: آری،

در آن صورت شما از مقربان درگاه خواهید بود. (۴۲) موسی به جادوگران گفت: آنچه را می‌خواهید بیان‌دازید، بیان‌دازید. (۴۳) جادوگران طناب‌ها و عصاهایشان را انداختند و گفتند: به عزت فرعون قسم ما پیروز می‌شویم. (۴۴) پس موسی عصایش را انداخت که ناگهان تمام وسایل آن‌ها را بلعید. (۴۵) در نتیجه جادوگران به سجده افتادند. (۴۶) و گفتند: ما به صاحب‌اختیار جهانیان ایمان آوردیم. (۴۷) صاحب‌اختیار موسی و هارون. (۴۸) فرعون به آن‌ها گفت: آیا قبل از این‌که به شما اجازه بدهم به او ایمان آوردید؟ موسی استاد بزرگ شما است که به شما جادوگری آموخته. نتیجه کار خود را خواهید فهمید. دست و پایتان را بر خلاف هم می‌برم و همه شما را به دار می‌زنم. (۴۹) جادوگران گفتند: اشکالی ندارد، ما پیش خدایمان برمی‌گردیم. (۵۰) ما امیدواریم که خدایمان گناهان ما را ببخشد، چون اولین افرادی هستیم که ایمان می‌آوریم. (۵۱) به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه حرکت بده، چون شما تعقیب می‌شوید. (۵۲) فرعون مأموران خود را برای جمع کردن نیرو به شهرها فرستاد. (۵۳) و گفت: این‌ها عده کمی هستند. (۵۴) این‌ها باعث خشم ما شده‌اند. (۵۵) ولی ما آماده و محتاط هستیم. (۵۶) ما فرعونیان را از باغ‌ها و چشمه‌ها و از گنج‌ها و خانه‌های پرارزش خارج کردیم. (۵۷ و ۵۸) به این ترتیب آن را به بنی‌اسرائیل واگذار کردیم. (۵۹) آن‌ها موقع طلوع آفتاب به تعقیب بنی‌اسرائیل پرداختند. (۶۰)

وقتی دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما دستگیر شدیم. (۶۱) موسی گفت: این‌طور نیست، خدای من با من است و راه را به من نشان می‌دهد. (۶۲) ما به موسی وحی کردیم که با عصایت به دریا بزن، چون زد، دریا شکافت و هر طرف مثل کوه بزرگی شد. (۶۳) و سپاه فرعون را در آنجا به آن‌ها نزدیک کردیم. (۶۴) و موسی و همه کسانی را که با او بودند نجات دادیم. (۶۵) و سپاه فرعون را غرق کردیم. (۶۶) در این کار نشانه‌ای وجود دارد، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (۶۷) و خدای تو توانا و مهربان است. (۶۸) و داستان ابراهیم را برای آن‌ها بخوان. (۶۹) موقعی که به پدر و قومش گفت: چه چیزی را بندگی می‌کنید؟ (۷۰) گفتند: بت‌هایی را می‌پرستیم و برای عبادت در خدمتشان هستیم. (۷۱) ابراهیم گفت: آیا وقتی از آن‌ها کمک می‌خواهید، صدای شما را می‌شنوند؟ (۷۲) یا نفعی یا ضرری به شما می‌رسانند؟ (۷۳) گفتند: دیدیم که پدرانمان این کار را می‌کردند. (۷۴) ابراهیم گفت: درباره آنچه که شما بندگی می‌کنید و پدران‌تان بندگی می‌کردند چه نظری دارید؟ (۷۵ و ۷۶) آن‌ها دشمن من هستند، به‌جز صاحب‌اختیار مردم جهان. (۷۷) آن که مرا خلق کرد، مرا هدایت می‌کند. (۷۸) وجودی که به من غذا و آب می‌دهد. (۷۹) و وقتی مریض شوم مرا شفا می‌دهد. (۸۰) آن که جان مرا می‌گیرد و بعد مرا زنده می‌کند. (۸۱) آن که امیدوارم روز جزا خطاهای مرا ببخشد. (۸۲) خدایا، به من حکمت بده و مرا جزو افراد درستکار ساز. (۸۳)

و در میان امت‌های آینده مرا نیکنام گردان. (۸۴) و مرا از وارثان بهشت پرنعمت گردان. (۸۵) و پدرم را بیامرزه، چون او گمراه است. (۸۶) و روز قیامت مرا خوار نساز. (۸۷) روزی که مال و فرزند فایده‌ای ندارد. (۸۸) مگر کسی‌که دلی پاک پیش خدا بیاورد. (۸۹) بهشت به پرهیزکاران نزدیک شده. (۹۰) و جهنم برای گمراهان آشکار شده. (۹۱) به آن‌ها گفته می‌شود: آنچه که غیر از خدا بندگی می‌کردید کجا هستند؟ آیا به شما یا خودشان کمک می‌کنند؟ (۹۲ و ۹۳) معبودهای آن‌ها و گمراهان و لشکریان ابلیس همگی پشت سر هم دمرو به جهنم افکنده می‌شوند. (۹۴ و ۹۵) و در حالی‌که با هم بحث می‌کنند می‌گویند: (۹۶) به خدا قسم ما در گمراهی کاملاً معلومی بودیم، (۹۷) وقتی شما را با صاحب‌اختیار مردم جهان مساوی می‌دانستیم، (۹۸) فقط گناه‌کاران ما را منحرف کردند. (۹۹) ما شفیع و دوست صمیمی که به ما کمک کند نداریم. (۱۰۰ و ۱۰۱) اگر عمر دوباره‌ای داشته باشیم، فرد باایمانی خواهیم شد. (۱۰۲) در این کار نشانه‌ای وجود دارد، ولی بیشتر آن‌ها ایمان نمی‌آورند. (۱۰۳) و خداوند تو توانا و مهربان است. (۱۰۴) قوم نوح هم پیغمبران را قبول نداشتند. (۱۰۵) وقتی برادرشان نوح به آن‌ها گفت: آیا از خدا نمی‌ترسید؟ (۱۰۶) من برای شما رسول امینی هستم، (۱۰۷) از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۰۸) من از شما مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار جهانیان است. (۱۰۹) از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۱۰) گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم؟ در حالی‌که افراد اوباش از تو پیروی می‌کنند؟ (۱۱۱)

نوح گفت: من از کارهایی که می‌کنند اطلاع ندارم. (۱۱۲) اگر توجه داشته باشید حساب آن‌ها با خدای من است. (۱۱۳) من افراد باایمان را از خود نمی‌رانم. (۱۱۴) من فقط بطور آشکار هشدار می‌دهم. (۱۱۵) گفتند: ای نوح، اگر از این حرف‌ها دست برنداری، سنگسار خواهی شد. (۱۱۶) نوح گفت: خدایا، قوم من حرف من را قبول ندارند. (۱۱۷) من و آن‌ها را از هم جدا کن، و مرا و افراد باایمانی را که با من هستند نجات بده. (۱۱۸) ما او و کسانی را که با او در کشتی پر بودند نجات دادیم. (۱۱۹) و بقیه را غرق کردیم. (۱۲۰) در این کار نشانه‌ای وجود دارد، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (۱۲۱) خدای تو توانا و مهربان است. (۱۲۲) قوم عاد هم پیغمبران را قبول نکردند. (۱۲۳) وقتی برادرشان هود به آن‌ها گفت: آیا از نافرمانی خدا نمی‌ترسید؟ (۱۲۴) من برای شما رسول امینی هستم، (۱۲۵) از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۲۶) من از شما مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار جهانیان است. (۱۲۷) آیا بیهوده در هر جای بلندی نشانه‌ای می‌سازید؟ (۱۲۸) و خانه‌ها و قلعه‌ها برای خود می‌سازید تا در دنیا همیشه بمانید؟ (۱۲۹) و وقتی حمله می‌کنید ستمگرانه حمله می‌کنید؟ (۱۳۰) از نافرمانی خدا (از فساد و بی‌عدالتی) بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۳۱) و از خدایی بترسید که با آنچه که می‌دانید به شما کمک کرده، (۱۳۲) با چهارپایان و فرزندان و باغ و چشمه به شما کمک کرده. (۱۳۳ و ۱۳۴) من بر شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. (۱۳۵) گفتند: نصیحت بکنی یا نکنی برای ما مساوی است. (۱۳۶)

این طبیعت امت‌های گذشته است. (۱۳۷) ما عذاب نخواهیم شد. (۱۳۸) او را به دروغ‌گویی متهم کردند، لذا ما آن‌ها را هلاک کردیم. در این کار نشانه‌ای وجود دارد، ولی بیشتر آن‌ها مؤمن نبودند. (۱۳۹) خدای تو توانا و مهربان است. (۱۴۰) قوم ثمود هم پیغمبران را به دروغ‌گویی متهم کردند. (۱۴۱) وقتی برادرشان صالح به آن‌ها گفت: آیا از نافرمانی خدا نمی‌ترسید؟ (۱۴۲) من رسول امینی برای شما هستم. (۱۴۳) بنابراین از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید، (۱۴۴) من از شما مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار کلیه افراد بشر است. (۱۴۵) آیا شما را با خاطری جمع در اینجا به حال خود می‌گذارند؟ (۱۴۶) در باغ‌ها و چشمه‌ها و زراعت و نخل‌هایی که میوه‌هایش رسیده و نرم است. (۱۴۷ و ۱۴۸) و خانه‌هایی که با مهارت از کوه برای خود می‌تراشید؟ (۱۴۹) از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۵۰) و از دستور افراد متجاوز اطاعت نکنید. (۱۵۱) از دستور متجاوزانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. (۱۵۲) گفتند: حتماً تو را جادو کرده‌اند. (۱۵۳) تو آدمی مثل ما هستی، اگر راست می‌گویی معجزه‌ای بیاور. (۱۵۴) صالح به آن‌ها گفت: این یک شتر است که سهمی از آب دارد و شما هم در روز معلوم سهمی دارید. (۱۵۵) آزاری به او نرسانید چون دچار عذاب روزی بزرگ می‌شوید. (۱۵۶) ولی آن‌ها شتر را کشتند و بعد پشیمان شدند. (۱۵۷) در نتیجه دچار عذاب شدند. در این کار نشانه‌ای وجود دارد. بیشتر آن‌ها مؤمن نبودند. (۱۵۸) و خدای تو توانا و مهربان است. (۱۵۹)

قوم لوط هم پیغمبران را تکذیب کردند. (۱۶۰) وقتی برادرشان لوط به آن‌ها گفت: آیا نمی‌ترسید؟ (۱۶۱) من رسول امینی برای شما هستم. (۱۶۲) بنابراین از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید، (۱۶۳) من از شما به خاطر رسالتم مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار جهانیان است. (۱۶۴) آیا از بین تمام انسان‌ها سراغ مردها و پسرها می‌روید؟ (۱۶۵) و همسرانی را که خدا برایتان خلق کرده ترک می‌کنید؟ شما آدم‌های متجاوزی هستید. (۱۶۶) گفتند: ای لوط، اگر از این حرف‌ها دست برنداری، اخراجت می‌کنیم. (۱۶۷) لوط گفت: من از کار شما نفرت دارم. (۱۶۸) خدایا، من و خانواده‌ام را از کارهایی که می‌کنند نجات بده. (۱۶۹) ما او و همه خانواده‌اش را، غیر از زنی که جزو هلاک‌شدگان بود، نجات دادیم. (۱۷۰ و ۱۷۱) و دیگران را نابود کردیم. (۱۷۲) بارانی بر آن‌ها بارانندیم که هشدارش به آن‌ها داده شده بود. باران بدی بود. (۱۷۳) در این کار نشانه‌ای است، ولی بیشتر آن‌ها به آن ایمان نداشتند. (۱۷۴) خدای تو توانا و مهربان است. (۱۷۵) اصحاب «ایکه» نیز پیغمبران را تکذیب کردند. (۱۷۶) وقتی شعیب به آن‌ها گفت: آیا از اطاعت نکردن دستورهای خدا نمی‌ترسید؟ (۱۷۷) من رسول امینی برای شما هستم. (۱۷۸) بنابراین از نافرمانی خدا بترسید و از من اطاعت کنید، (۱۷۹) من از شما مزدی نمی‌خواهم، مزد من به عهده صاحب‌اختیار جهانیان است. (۱۸۰) پیمانانه را کامل بدهید و کم‌فروشی نکنید، (۱۸۱) و با ترازوی درست وزن کنید، (۱۸۲) و جنس مردم را کم ندهید و در زمین فساد نکنید. (۱۸۳)

و از نافرمانی خدایی که شما و افراد قبل از شما را آفرید بترسید. (۱۸۴) گفتند: تو جادو شده‌ای. (۱۸۵) تو آدمی مثل ما هستی. فکر می‌کنیم که تو دروغگویی. (۱۸۶) اگر راست می‌گویی، تکه‌هایی از آسمان را بر سر ما بیانداز. (۱۸۷) شعیب گفت: خدای من از کارهایی که می‌کنید بهتر از همه اطلاع دارد. (۱۸۸) بنابراین حرف‌های او را باور نکردند. لذا دچار عذاب روز ابری شدند. واقعاً آن عذاب روزی بزرگ بود. (۱۸۹) در این کار نشانه‌ای وجود داشت، ولی بیشتر آن‌ها مؤمن نبودند. (۱۹۰) و خدای تو توانا و مهربان است. (۱۹۱) نزول قرآن از طرف صاحب‌اختیار تمام افراد بشر است. (۱۹۲) جبرئیل آن را به زبان عربی روشن (واضح) بر قلب تو نازل کرده تا از هشداردهندگان باشی. (۱۹۳ تا ۱۹۵) در کتاب‌های گذشتگان نیز بوده است. (۱۹۶) آیا چون علمای بنی‌اسرائیل آن را می‌دانند برای آن‌ها علامتی نیست؟ (۱۹۷) اگر آن را بر بعضی از افراد غیرعرب نازل می‌کردیم، (۱۹۸) و پیغمبر آن را برای آن‌ها می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آوردند. (۱۹۹) ما آن را این‌طور وارد قلب افراد گناه‌کار می‌کنیم. (۲۰۰) گناه‌کاران به آن ایمان نمی‌آورند تا موقعی که عذاب دردناک را ببینند. (۲۰۱) عذاب ناگهانی بر آن‌ها وارد می‌شود و آن‌ها متوجه آمدن آن نمی‌شوند. (۲۰۲) وقتی آمد، می‌گویند: آیا مهلتی به ما داده می‌شود؟ (۲۰۳) آیا می‌خواهند عذاب ما زودتر سراغ آن‌ها بیاید؟ (۲۰۴) بگو: اگر ما سال‌هایی آن‌ها را بهره‌مند سازیم، (۲۰۵) و عذابی که به آن‌ها وعده داده شده برای آن‌ها بیاید، (۲۰۶)

چیزهایی که از آن بهره‌مند بودند، کاری برای آن‌ها نمی‌کند. (۲۰۷) هر شهری را که هلاک کردیم، هشداردهنگانی داشت، (۲۰۸) که به آن‌ها تذکر بدهند. ما ظالم نبوده‌ایم. (۲۰۹) قرآن را شیاطین نازل نکرده‌اند، (۲۱۰) سزاوار آن‌ها هم نیست که چنین کاری بکنند، و نمی‌توانند بکنند. (۲۱۱) آن‌ها از شنیدن آن محروم هستند. (۲۱۲) (ای پیغمبر،) با خدا معبود دیگری را نخوان، چون از کسانی می‌شوی که دچار عذاب شده‌اند. (۲۱۳) به خویشان نزدیک خود هشدار بده، (۲۱۴) و بال فروتنی را برای مؤمنینی که از تو پیروی می‌کنند فرود آور (با آن‌ها مهربان باش). (۲۱۵) اگر از تو اطاعت نکردند، بگو: من از کارهایی که می‌کنید بیزارم. (۲۱۶) و به خداوند توانا و مهربان توکل کن. (۲۱۷) خدایی که تو را موقعی که برمی‌خیزی و آمدن و رفتن تو را هم در میان سجده‌کنندگان می‌بیند. (۲۱۸ و ۲۱۹) چون او شنوا و دانا است. (۲۲۰) آیا به شما خبر بدهم که شیاطین بر چه کسانی نازل می‌شوند؟ (۲۲۱) آن‌ها بر هر دروغگوی گناه‌کاری نازل می‌شوند، (۲۲۲) که به شیاطین گوش می‌دهند و بیشتر آن‌ها دروغگو هستند. (۲۲۳) گمراهان از شاعران پیروی می‌کنند. (۲۲۴) آیا نمی‌بینی که آن‌ها در هر وادی سرگردان هستند، (۲۲۵) و حرف‌هایی می‌زنند که عمل نمی‌کنند؟ (۲۲۶) مگر شاعرهایی که ایمان آوردند و کار درست کردند و زیاد خدا را یاد کردند و پس از این‌که مورد ظلم قرار گرفتند، کمک خواستند، و ظلم‌کنندگان خواهند دانست به کجا برگردانده می‌شوند. (۲۲۷)

سوره نمل (۲۷)

مکی و شامل نود و سه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

طس. این آیات قرآن و کتاب روشن و روشنگر است. (۱) راهنما و مزده‌ای برای افراد باایمانی است که نماز را به پا می‌دارند، زکات می‌دهند و به آخرت یقین دارند. (۲ و ۳) برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، کارهایشان را زینت داده‌ایم و سرگردان می‌شوند. (۴) آن‌ها افرادی هستند که عذاب بدی در پیش دارند و در آخرت از زیانکارترین افراد هستند. (۵) تو قرآن را از طرف حکیم دانایی دریافت می‌کنی. (۶) زمانی را یادآوری کن که موسی به خانواده خود گفت: آتشی دیدم، خبری از آن برای شما می‌آورم یا گل آتشی از آن می‌آورم تا گرم شوید. (۷) چون موسی نزدیک آتش آمد به او گفته شد که کسی که در آتش است و کسی که کنار آن است مبارک است و خدا، که خداوند کلیه افراد بشر است، پاک است. (۸) ای موسی، من خدای توانا و حکیم هستم. (۹) عصایت را بیانداز. چون موسی عصا را انداخت و دید که مثل مار حرکت می‌کند، فرار کرد و پشت سر خود را هم نگاه نکرد. به او گفته شد که ای موسی، نترس، پیغمبران در پیش من نمی‌ترسند. (۱۰) مگر کسی که ظلم کرده باشد و بعد کار خود را به نیکی تبدیل کرده باشد، چون من آمرزنده مهربان هستم. (۱۱) دستت را در گریبان بکن تا آن را بدون این‌که دچار مرض شده باشد،

سفید در آوری. با نه آیه (معجزه) پیش فرعون و قومش برو. آن‌ها افرادی تبه‌کار هستند. (۱۲) چون آیات روشن ما برای آن‌ها آمد گفتند: این سحر آشکاری است. (۱۳)

و به علت ظلم و برتری‌طلبی منکر آن شدند، در صورتی که قلباً به آن یقین داشتند. نگاه کن که عاقبت بدکاران چه بود. (۱۴) و به داود و سلیمان دانش دادیم. گفتند: الحمد لله (بزرگداشت فقط اختصاص به خدا دارد) که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش برتری داد. (۱۵) و سلیمان از داود ارث برد و گفت: ای مردم، به ما زبان پرندگان یاد داده شده و از هر چیزی به ما داده شده. این فضل آشکاری است. (۱۶) و لشکریان سلیمان از انس و جن و پرندگان پیش او جمع‌آوری شدند و منظم ایستادند. (۱۷) تا وقتی به سرزمین مورچگان رسیدند. مورچه‌ای گفت: ای مورچه‌ها، داخل لانه‌هایتان بشوید تا سلیمان و لشکریانش شما را لگدمال نکنند، چون متوجه نیستند. (۱۸) سلیمان از سخن او لبخند زد و گفت: خداوند، به من توفیق بده که شکر نعمتی که به من و مادرم و پدرم دادی به جا آورم، و کار درستی بکنم که مورد رضایت تو باشد، و به لطف خودت مرا جزو بندگان درست‌کار بنما. (۱۹) و به حال پرندگان رسیدگی کرد. گفت: چرا همد را نمی‌بینم؟ آیا غایب است؟ (۲۰) او را مجازات شدیدی می‌کنم یا او را می‌کشم، مگر این‌که دلیل روشنی برای غیبت خود برای من بیاورد. (۲۱) مدت زیادی طول نکشید که همد آمد و به او گفت: متوجه چیزی شدم که تو آن را نمی‌دانی، از شهر سبا خبر درستی برای تو آورده‌ام. (۲۲)

در آنجا زنی را یافتیم که بر آن‌ها سلطنت می‌کند و از هر چیزی به او داده شده است و تخت بزرگی دارد. (۲۳) او و مردمش را دیدم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند و شیطان کارشان را در نظرشان خوب جلوه داده و آن‌ها را از راه راست باز داشته و راه صحیح را نشناخته‌اند. (۲۴) تا خدا را، که آنچه را که در آسمان و زمین پنهان است خارج می‌کند و آنچه را مخفی می‌کنید و آنچه را آشکار می‌سازید می‌داند، سجده نکنند. (۲۵) خدایی که معبودی (کسی‌که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و بدون چون و چرا از دستورهایش پیروی کنید) غیر از او وجود ندارد و صاحب عرش بزرگ است. (۲۶) سلیمان گفت: نگاه می‌کنم که ببینم راست می‌گویی یا دروغ. (۲۷) این نامه مرا برای او ببر و پیش آن‌ها بیانداز. بعد برگرد و نگاه کن چه کاری می‌کنند. (۲۸) ملکه آن‌ها چون نامه را دید گفت: ای بزرگان، نامه پرارزشی پیش من انداخته شد. (۲۹) این نامه از طرف سلیمان است و نوشته «بنام خدای بخشنده مهربان». (۳۰) که بر من برتری نجوید و با حال تسلیم پیش من بیایید. (۳۱) و به آن‌ها گفت: ای بزرگان، در کار من نظر بدهید، تا شما حضور نداشتید تصمیم انجام دادن کاری را نمی‌گرفتم. (۳۲) گفتند: ما قدرتمندیم و جنگجویان نیرومندی داریم. تصمیم با تو است، نگاه کن چه دستوری می‌دهی. (۳۳) ملکه گفت: پادشاهان وقتی وارد شهری شوند آن را خراب می‌کنند و قدرتمندان را ذلیل می‌کنند. پادشاهان این‌طور عمل می‌کنند. (۳۴) من هدیه‌ای پیش آن‌ها می‌فرستم و منتظر می‌مانم که فرستادگان با چه پاسخی برمی‌گردند. (۳۵)

چون پیش سلیمان آمد، سلیمان گفت: آیا مرا با مال کمک می‌کنید؟ در صورتی که آنچه خدا به من داده بهتر از چیزی است که به شما داده. شاید شما به خاطر هدیه خود شادمان هستید. (۳۶) پیش قوم خود برگرد. با لشکری سراغ آن‌ها خواهیم آمد که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند و آن‌ها را با خواری از شهر بیرون می‌کنیم و ذلیل می‌شوند. (۳۷) و به بزرگان قوم خود گفت: کدامیک از شما قبل از این‌که آن‌ها با حال تسلیم پیش من بیایند، تخت او را پیش من می‌آورد؟ (۳۸) یکی از جن‌ها گفت: من آن را قبل از این‌که از جای بلند شوی، برایت می‌آورم. من در این کار قوی و امین هستم. (۳۹) شخصی که علمی از کتاب داشت گفت: من قبل از این‌که چشم به هم بزنی آن را برایت می‌آورم. وقتی سلیمان دید تخت ملکه سبا پیش او است گفت: این لطف خداوند من است تا مرا امتحان کند که آیا شکرگزاری می‌کنم یا ناسپاسی. کسی‌که شکرگزاری کند به نفع خودش شکرگزاری کرده و کسی‌که شکرگزاری نکند خداوند من بی‌نیاز و بزرگووار است. (۴۰) و گفت: تختش را به شکلی درآورید که شناخته نشود، تا ببینیم آن را می‌شناسد یا نه. (۴۱) وقتی ملکه سبا پیش او آمد به او گفته شد: آیا تخت تو این‌طوری است؟ گفت: باید خودش باشد و ما قبلاً دانسته و تسلیم بوده‌ایم. (۴۲) و چیزهایی که غیر از خدا می‌پرستید، او را از درک حقیقت باز داشته بود. چون از قوم کافری بود. (۴۳) به او گفته شد: داخل

کاخ شو. چون آن را دید خیال کرد آب گودی است و دامن خود را بالا گرفت. سلیمان گفت: کف این کاخ از شیشه صاف است. ملکه سبا گفت: خداوند، من به خودم ظلم کردم، حالا با سلیمان تسلیم خداوند جهانیان شدم (مسلمان شدم). (۴۴)

برادرشان صالح را پیش قوم ثمود فرستادیم که خدا را بندگی (اطاعت محض) کنید، ولی قومش دو دسته شدند که با هم کشمکش می‌کردند. (۴۵) گفت: ای قوم من، چرا پیش از نیکی، بدی را با عجله می‌خواهید؟ چرا از خدا طلب آموزش نمی‌کنید تا به شما مرحمت شود؟ (۴۶) گفتند: ما تو و یارانت را شوم می‌دانیم. صالح گفت: نحسی شما از طرف خدا است. شما قومی هستید که آزمایش می‌شوید. (۴۷) نه خانواده در شهر بودند که در زمین خرابکاری می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند. (۴۸) به هم گفتند که به خدا قسم بخورید که شب او و خانواده‌اش را بکشیم و به ولی دم او (خونخواه و بازمانده او) می‌گوییم: ما موقع کشتار آن‌ها حاضر نبودیم و ما راست می‌گوییم. (۴۹) آن‌ها نقشه قتل او را کشیدند و ما هم نقشه‌ای داشتیم و آن‌ها توجه نداشتند. (۵۰) نگاه کن عاقبت نقشه آن‌ها چه بود. ما آن‌ها و تمام قومشان را نابود کردیم. (۵۱) این خانه‌های آن‌ها است که به علت ظلمی که کردند خراب شده. برای افراد دانا در این کار عبرتی وجود دارد. (۵۲) و افراد باایمان و پرهیزگار را نجات دادیم. (۵۳) و لوط را یادآوری کن، وقتی به قومش گفت: آیا در حالی‌که زشتی کار خود را می‌دانید، کار زشت می‌کنید؟ (۵۴) آیا به جای زنان با مردان دفع شهوت می‌کنید؟ شما افراد نادانی هستید. (۵۵)

جواب قومش فقط این بود که گفتند: خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید، آن‌ها تظاهر به پاکی می‌کنند. (۵۶) در نتیجه ما او و خانواده‌اش را نجات دادیم، غیر از زنش که مقرر کردیم که از هلاک‌شوندگان باشد. (۵۷) و بر آن‌ها بارانی بارانندیم. باران بیم‌داده‌شدگان چقدر بد بود. (۵۸) بگو: الحمد لله (بزرگداشت فقط اختصاص به خدا دارد) و سلام بر بندگان برگزیده‌اش. آیا خدا بهتر است یا چیزهایی که شریک او می‌سازند؟ (۵۹) یا کسی‌که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و از آسمان باران بارانید و به وسیله آن باغ‌های فرخ‌بخش را رویانیدیم. شما نمی‌توانستید درخت آن را برویانید. آیا با خدا معبود دیگری وجود دارد؟ آن‌ها افراد منحرفی هستند. (۶۰) یا کسی‌که زمین را قرارگاه شما ساخت و در آن نهرها جاری کرد و کوه‌ها را بوجود آورد و بین دو دریا مانعی قرار داد (بهتر است یا معبودهای شما؟) آیا با خدا معبودی وجود دارد؟ بیشتر آن‌ها نمی‌دانند. (۶۱) یا چه کسی است که دعای درمانده را، وقتی او را به کمک می‌خواند، اجابت و بدی را برطرف و شما را در زمین جانشین می‌کند؟ آیا معبودی با خدا وجود دارد؟ توجه کمی پیدا می‌کنید. (۶۲) یا چه کسی شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا هدایت می‌کند و باد را قبل از رحمتش برای مزه‌دادن می‌فرستد؟ آیا با خدا معبودی وجود دارد؟ خدا خیلی بالاتر از چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۶۳)

یا چه کسی است که مخلوقات را بوجود می‌آورد و بعد آن‌ها را برمی‌گرداند؟ و چه کسی از آسمان و زمین به شماروزی می‌دهد؟ آیا معبودی با خدا وجود دارد؟ بگو: اگر راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید. (۶۴) بگو: غیر از خدا هیچ‌کس در آسمان‌ها و زمین غیب نمی‌داند و نمی‌دانند چه موقع برانگیخته می‌شوند. (۶۵) علم آن‌ها درباره آخرت کم است، بلکه آن‌ها درباره آخرت در شک هستند، و درباره آن کوردل هستند. (۶۶) افراد بی‌ایمان گفتند: آیا وقتی ما و پدرانمان خاک شدیم دوباره ما را از قبر در می‌آورند (زنده می‌شویم)؟ (۶۷) قبلاً این وعده به ما و پدرانمان داده شده، این افسانه گذشتگان است. (۶۸) بگو: در زمین بگردید و نگاه کنید که عاقبت گناه‌کاران چه بود. (۶۹) غصه آن‌ها را نخور و از نقشه‌هایی که برای تو می‌کشند، ناراحت نباش. (۷۰) می‌گویند: اگر راست می‌گویید این عذابی که به ما وعده می‌دهید کی خواهد بود؟ (۷۱) بگو: قسمتی از این عذابی که آن را با عجله می‌خواهید شاید نزدیک باشد. (۷۲) خداوند تو نسبت به مردم لطف دارد ولی بیشتر آن‌ها شکر نمی‌کنند. (۷۳) خداوند تو چیزهایی را که در سینه مخفی می‌کنند و چیزهایی را که آشکار می‌کنند می‌داند. (۷۴) هیچ چیز پنهانی در آسمان‌ها و زمین وجود ندارد مگر این‌که در کتاب روشنی است. (۷۵) این قرآن بسیاری از چیزهایی را که بنی‌اسرائیل درباره آن اختلاف دارند به آن‌ها می‌گوید. (۷۶)

و این قرآن برای افراد با ایمان هدایت و رحمت است. (۷۷) خداوند تو با حکم خودش بین آنها قضاوت می‌کند و او توانا و دانا است. (۷۸) پس به خدا توکل کن، چون تو در راه درست روشنی هستی. (۷۹) تو به مرده‌ها و به آدم‌های کوری که پشتشان به تو باشد، نمی‌توانی حرفی حالی کنی. (۸۰) تو نمی‌توانی کورها را با نشان دادن راه، هدایت و از گمراهی آنها جلوگیری کنی. تو فقط می‌توانی به کسانی که به آیات ما ایمان دارند و تسلیم حکم و نظر خدا هستند مطلب را بفهمانی. (۸۱) چون فرمان قیامت صادر شود، جانداری را از زمین بیرون می‌آوریم که با مردم حرف می‌زند که مردم به آیات ما یقین نداشتند. (۸۲) روزی که از هر گروهی، دسته‌ای از کسانی را که منکر آیات ما می‌شدند جمع می‌کنیم و آنها را به صف نگاه می‌دارند. (۸۳) وقتی که همه آمدند خدا می‌گوید: آیا منکر آیات من شدید در صورتی که به آن احاطه علمی نداشتید؟ یا چه کاری می‌کردید؟ (۸۴) و به خاطر ظلمی که می‌کردند، فرمان عذاب آنها صادر می‌شود و آنها حرفی نمی‌زنند. (۸۵) آیا ندیدند که ما شب را برای استراحت آنها و روز را روشن قرار دادیم؟ در این کار نشانه‌هایی برای افرادی که ایمان دارند وجود دارد. (۸۶) روزی که در صور دمیده می‌شود تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌ترسند، به جز کسانی که خدا بخواهد، و همه با سر افکنده پیش او می‌آیند. (۸۷) کوه‌ها را می‌بینی و خیال می‌کنی که بی‌حرکت هستند در صورتی که مثل ابرها در حال حرکتند. این کار، کار خدایی است که هر چیز را به بهترین شکل ایجاد کرده. او از کارهایی که می‌کنید خبردار است. (۸۸)

کسانی که کار خوبی بیاورند پاداشی بهتر از آن دارند و از ترس آن روز در امان هستند. (۸۹) کسانی که با کار بد بیایند به رو (دمرو) در آتش انداخته می‌شوند. به آنها گفته می‌شود: آیا غیر از این است که جزای کارهایی که می‌کردید می‌بینید؟ (۹۰) بگو: امر شده‌ام که خدای این سرزمین را، که آن را محترم ساخته بندگی کنم، هر چیزی مال او است و مأمورم که از کسانی باشم که تسلیم حکم و نظر او هستند. (۹۱) و قرآن بخوانم. هر کس راه صحیح را شناخت، به نفع خودش شناخته و هر کس راه را گم کرد، من مسؤول او نیستم. من فقط از کسانی هستم که هشدار می‌دهند. (۹۲) بگو: ستایش فقط اختصاص به خداوند دارد. آیاتش را به شما نشان خواهد داد و شما آن را خواهید شناخت. خداوند تو از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۹۳)

سوره قصص (۲۸)

مکی و شامل هشتاد و هشت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

طسم. (۱) این آیات کتاب روشن و روشن‌کننده است. (۲) داستان موسی و فرعون را برای افرادی که ایمان دارند به حق بر تو می‌خوانیم. (۳) فرعون در سرزمین مصر قدرت یافت و مردم مصر را چند دسته کرد. دسته‌ای از آنها را ضعیف می‌کرد، پسرانشان را می‌کشت و دخترهایشان را زنده می‌گذاشت. او از خرابکاران بود. (۴) ما خواستیم بر کسانی که در زمین ضعیف شده بودند، منت بگذاریم و آنها را پیشوایانی سازیم و آنها را وارث زمین کنیم. (۵)

و آنها را در زمین به قدرت برسانیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، همان چیزی را که از آن می‌ترسیدند، نشان دهیم. (۶) و به مادر موسی وحی کردیم که به موسی شیر بده، و وقتی به حال او ترسیدی او را در دریا بیانداز و نترس و غصه نخور. ما او را به تو برمی‌گردانیم و او را از پیغمبران می‌سازیم. (۷) خانواده فرعون موسی را از آب گرفتند تا دشمن و مایه غصه آنها شود. چون فرعون و هامان و لشکریانش خطاکار بودند. (۸) زن فرعون گفت: این بچه موجب شادی من و تو است، او را نکشید، شاید برای ما مفید باشد یا او را به فرزندی بپذیریم، در صورتی که توجه نداشتند که چه می‌کنند. (۹) دل مادر موسی راحت شد. اگر به دل او نیانداخته بودیم که خاطر جمع باشد، نزدیک بود مادر بودن خود را آشکار کند. (۱۰) مادر موسی به خواهر وی گفت: دنبال او برو. خواهرش رفت و از دور به او نگاه می‌کرد و خانواده فرعون توجه نداشتند. (۱۱) و قبلاً شیر دایه‌ها را بر موسی حرام کردیم. خواهر موسی به آنها گفت: آیا خانواده‌ای را به شما معرفی بکنم که او را برای شما نگهداری کنند و خیرخواه او باشند؟ (۱۲) به این ترتیب موسی را به مادرش برگردانیم تا چشمش به او روشن شود و غصه نخورد و بداند که وعده خدا راست است، ولی بیشتر افراد نمی‌دانند. (۱۳)

چون موسی به حد بلوغ رسید و قوی شد، به او حکمت و دانش دادیم. ما به نیکوکاران به این طرز پاداش می‌دهیم. (۱۴) موسی وقتی مردم شهر از او غافل بودند، وارد شهر شد و دو نفر را دید که با هم زد و خورد می‌کنند. یکی از آن‌ها از دسته او و دیگری دشمنش بود. کسی که از گروه او بود، علیه دشمنش از او کمک خواست و موسی او را با مشت زد و او را کشت. موسی با خود گفت: این کار، کار شیطان بود. او دشمن گمراه‌کننده واضحی است. (۱۵) و گفت: خداوند، من به خودم ظلم کردم، مرا ببخش. خدا او را بخشید. خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۶) موسی گفت: خداوند، به خاطر نعمتی که به من دادی دیگر هرگز پشیمان گناه‌کاران نخواهم بود. (۱۷) روز دیگر در حالی که می‌ترسید و مراقب بود، در شهر می‌گشت. ناگهان همان کسی که دیروز از او کمک خواسته بود، از او کمک خواست. موسی به او گفت: تو واقعاً گمراهی. (۱۸) چون خواست به کسی که دشمنش بود حمله کند، او گفت: ای موسی، آیا می‌خواهی همان‌طور که دیروز یکی را کشتی، مرا هم بکشی؟ تو می‌خواهی در زمین زورگو باشی و نمی‌خواهی از اصلاح‌کنندگان باشی. (۱۹) مردی از دورترین نقطه شهر در حالی که می‌دوید آمد و گفت: ای موسی، بزرگان دور هم جمع شده‌اند و مشورت می‌کنند که تو را بکشند. فرار کن، من خیر تو را می‌خواهم. (۲۰) موسی با حالت ترس در حالیکه مراقب بود از شهر خارج شد و گفت: خداوند، مرا از شر قوم ستمکار نجات بده. (۲۱)

چون به طرف شهر مدین رو آورد، گفت: امید است که خداوند مرا به راه راست هدایت کند. (۲۲) و چون به آب مدین رسید، عده‌ای از مردم را یافت که به حیوانات خود آب می‌دهند، و پشت سر آن‌ها دو زن را دید که گوسفندان خود را عقب می‌زنند. موسی به آن‌ها گفت چه می‌کنید؟ گفتند ما به گوسفندان خود آب نمی‌دهیم، تا وقتی که چوپان‌های دیگر خارج شوند و پدرمان پیرمرد سالخورده‌ای است. (۲۳) موسی گوسفندان آن‌ها را آب داد. بعد به طرف سایه برگشت و گفت: خداوند، من به هر خیری که برای من بفرستی احتیاج دارم. (۲۴) یکی از آن‌ها، که با حیا راه می‌رفت، پیش او آمد و گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد این‌که گوسفندان ما را آب دادی به تو بدهد. چون موسی پیش او آمد و داستان زندگی خود را برایش شرح داد، او گفت: نترس، از دست قوم ظالم نجات پیدا کرده‌ای. (۲۵) یکی از آن‌ها گفت: پدر، او را اجیر کن، چون بهترین مردی که می‌توانی استخدام کنی، مردی قدرتمند و امین است. (۲۶) او به موسی گفت: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را در مقابل این‌که هشت سال برای من کار کنی، همسر تو کنم. اگر ده سال را تمام کنی با میل خودت کردی، نمی‌خواهم بر تو سخت بگیرم. اگر خدا بخواهد مرا از افراد درستکار خواهی یافت. (۲۷) موسی گفت: این قراردادی بین من و تو باشد. هر کدام از دو مدت را که تمام کردم ظلمی به من نخواهد شد و خدا بر قراردادی که می‌بندیم وکیل است. (۲۸)

چون موسی مدت را به پایان رساند و با خانواده‌اش حرکت کرد، از طرف کوه طور آتشی دید. به خانواده‌اش گفت: صبر کنید، من آتشی دیدم، شاید از آن خبری برای شما بیاورم یا گل آتشی بیاورم تا گرم شوید. (۲۹) چون پیش آتش آمد، از طرف راست بیابان، در جایی مبارک، از درخت ندا آمد که ای موسی، من خدا هستم، صاحب‌اختیار تمام مردم جهان. (۳۰) عصایت را بیانداز. وقتی موسی عصا را انداخت و دید که مثل ماری حرکت می‌کند، پا به فرار گذاشت و پشت سر خود را هم نگاه نکرد. خدا گفت: ای موسی، برگرد و نترس، تو در امان هستی. (۳۱) دستت را در گریبان‌ت ببر تا بدون هیچ‌گونه مرضی سفید بیرون آید و دست خود را برای رهایی از ترس به خود بچسبان. این دو تا دلیل (معجزه) از خداوند تو برای فرعون و درباریان او می‌باشد. آن‌ها قوم نافرمانی هستند. (۳۲) موسی گفت: خداوند، من یک نفر از آن‌ها را کشته‌ام، می‌ترسم مرا بکشند. (۳۳) برادرم هارون از من بهتر حرف می‌زند، او را به کمک من بفرست تا مرا تصدیق کند. می‌ترسم آن‌ها مرا به دروغ‌گویی متهم کنند. (۳۴) خدا گفت: بازوی تو را به وسیله برادرت قوی می‌کنیم و به شما قدرت می‌دهیم و به سبب آیات (معجزات) ما بر شما دست نخواهند یافت، شما و پیروان شما بر آن‌ها غلبه خواهید کرد. (۳۵)

چون موسی معجزات روشن ما را برای آنها آورد گفتند: این سحری است ساختگی، ما از پدرانمان چنین چیزی نشنیده بودیم. (۳۶) موسی گفت: خداوند من کسی را که از طرف او برای شما هدایت آورده و کسی را که خانه آخرت متعلق به او است بهتر می‌شناسد. ستمکاران موفق نمی‌شوند. (۳۷) فرعون گفت: ای بزرگان قوم، برای شما معبودی (کسی که از او بدون چون و چرا اطاعت کنید) غیر از خودم نمی‌شناسم. ای هامان، آجر درست کن و کاخی بلند برای من بساز تا من به خدای موسی پی ببرم. من فکر می‌کنم او دروغگو است. (۳۸) او و لشکریانش در زمین به ناحق تکبر داشتند و خیال می‌کردند آنها را پیش ما بر نمی‌گردانند. (۳۹) ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا انداختیم. نگاه کن عاقبت کار ستمگران چه بود. (۴۰) آنها را پیشوایانی ساختیم که مردم را به آتش جهنم می‌خواندند و روز قیامت کسی به آنها کمک نمی‌کند. (۴۱) لعنت را در این دنیا دنبال آنها فرستادیم، و روز قیامت زشترو خواهند بود. (۴۲) پس از نابود کردن پیشینیان، به موسی تورات را دادیم که برای مردم وسیله بینایی و هدایت و رحمت باشد، شاید متوجه شوند. (۴۳)

وقتی ما موریت را به موسی دادیم، تو در طرف غربی کوه طور و شاهد نبودی. (۴۴) ولی نسل‌هایی بوجود آوردیم و مدتی طولانی بر آنها گذشت، و تو میان مردم مدین ساکن نبودی که آیات ما را بر آنها تلاوت کنی. ولی ما ایم که پیغمبران را می‌فرستیم. (۴۵) آن وقت که موسی را صدا زدیم، تو کنار کوه طور نبودی، ولی این رحمتی از خداوند تو است تا قومی را که قبل از تو پیغمبری برای آنها نیامده از عاقبت کارهای خلاف بترسانی، شاید متوجه شوند. (۴۶) اگر به علت کارهایی که می‌کردند مصیبتی به آنها وارد می‌شد، می‌گفتند: خداوند، چرا پیغمبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از افراد باایمان باشیم؟ (۴۷) ولی وقتی حق از طرف ما برای آنها آمد، گفتند: چرا معجزاتی که به موسی داده شده به او داده نشده؟ آیا قبلاً منکر معجزاتی که به موسی داده شده بود، نشدند؟ گفتند: (تورات و قرآن) دو جادو هستند که از هم پشتیبانی می‌کنند و گفتند: ما هیچکدام را قبول نداریم. (۴۸) بگو: اگر راست می‌گویید، کتابی از طرف خدا بیاورید که از این دو کتاب (تورات و قرآن) بهتر راهنمایی کند تا من از آن پیروی کنم. (۴۹) اگر حرف تو را قبول نکردند، بدان که آنها از دلخواه خود پیروی می‌کنند. چه کسی گمراه‌تر از کسی است که بدون هدایت الهی از دلخواه خود پیروی کند؟ خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند. (۵۰)

ما برای آنها سخنان را به هم پیوستیم، شاید متوجه شوند. (۵۱) کسانی که قبلاً به آنها کتاب دادیم به آن ایمان می‌آورند. (۵۲) وقتی بر آنها خوانده می‌شود، می‌گویند: به آن ایمان آوردیم، آن حقیقتی از طرف خداوند ما می‌باشد. ما قبلاً هم تسلیم خدا (مسلمان) بودیم. (۵۳) پاداش آنها به علت صبری که داشتند دوبار داده می‌شود. آنها بدی را با نیکی پاسخ می‌گویند و از آنچه روزی آنها ساخته ایم انفاق می‌کنند. (۵۴) وقتی سخن بیهوده‌ای می‌شنوند، از آن رو بر می‌گردانند و می‌گویند: کارهای ما مال ما و کارهای شما مال شما است، سلام بر شما. ما خواهان افراد نادان نیستیم. (۵۵) تو نمی‌توانی هر کسی را که دوست داشته باشی هدایت کنی، ولی خدا هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند. او هدایت‌شدگان را بهتر می‌شناسد. (۵۶) گفتند: اگر با تو از راه صحیح پیروی کنیم ما را از سرزمینمان بیرون می‌کنند. آیا آنها را در حرم امنی جا نداده‌ایم که هر نوع محصولی به آن آورده می‌شود؟ این رزقی از طرف ما است، ولی بیشتر آنها نمی‌دانند. (۵۷) اهالی شهرهای زیادی را، که وسایل زندگی مردم آنها را سرمست کرده بود، نابود کردیم. این خانه‌های آنها است که بعد از آنها فقط عده کمی ساکن آن شدند، و ما وارث آن بودیم. (۵۸) خداوند تو مردم شهرها را نابود نمی‌کند مگر این‌که فرستاده‌ای در مرکز آن بفرستد که آیات ما را بر مردم تلاوت کند. ما فقط شهرهایی را که اهل آن ظالم هستند نابود می‌کنیم. (۵۹)

چیزهایی که به شما داده شده، وسیله استفاده و زینت زندگی دنیا است، در صورتی که پاداشی که پیش خدا است بهتر و ماندنی‌تر است. آیا نمی‌فهمید؟ (۶۰) آیا کسی که وعده پاداش نیک به او داده‌ایم و به آن می‌رسد، مثل کسی است که او را از وسایل زندگی دنیا بهره‌مند کرده‌ایم و روز قیامت احضار می‌شود؟ (۶۱) روزی که خدا آنها را صدا می‌زند و به آنها می‌گوید: کسانی که خیال می‌کردید شریک من هستند کجایند؟ (۶۲) کسانی که قرار عذاب آنها ثابت شده، می‌گویند: خداوند، این‌ها

کسانی هستند که ما گمراهشان کردیم، همانطور که خودمان گمراه بودیم. ما از آن‌ها بی‌زاری می‌جوییم و به تو پناه می‌بریم. آن‌ها ما را بندگی نمی‌کردند. (۶۳) به آن‌ها گفته می‌شود: شریکان خودتان را صدا بزنید. آن‌ها را صدا می‌زنند ولی آن‌ها جوابی به ایشان نمی‌دهند و عذاب را می‌بینند و آرزو می‌کنند که کاش هدایت می‌شدند. (۶۴) روزی که خدا آن‌ها را صدا می‌زند و می‌گوید: جواب دعوت پیغمبران را چه دادید؟ (۶۵) در آن روز تمام خبرها از یادشان می‌رود و از هم سؤال نمی‌کنند. (۶۶) اما کسی که توبه کرده و ایمان آورده و کار صحیح کرده، امید است که رستگار باشد. (۶۷) خداوند تو هر چه را بخواهد می‌آفریند و انتخاب می‌کند. آن‌ها اختیاری ندارند. خدا پاک و بالاتر از چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۶۸) خداوند تو آنچه را در دل مخفی می‌کنند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌داند. (۶۹) او خدا است. معبودی (کسی که بنده و مطیع محض او باشید) غیر از خدا وجود ندارد. در دنیا و آخرت ستایش به او اختصاص دارد. فرمان هم متعلق به اوست و به سوی او برگردانده می‌شوی. (۷۰)

بگو: نظر شما چیست؟ اگر خدا شب را تا روز قیامت طولانی سازد، آیا معبودی غیر از خدا وجود دارد که روشنایی برای شما بیاورد؟ آیا نمی‌شنوید؟ (۷۱) بگو: اگر خدا روز را تا روز قیامت طولانی کند، چه نظری دارید؟ آیا معبودی غیر از خدا هست که شب را برای این‌که در آن استراحت کنید برای شما بیاورد؟ آیا نمی‌بینید؟ (۷۲) یکی از رحمت‌های خدا این است که شب و روز را برای شما قرار داد که در شب استراحت کنید و در روز به دنبال روزی بروید تا شکرگزاری کنید. (۷۳) روزی که خدا ایشان را صدا می‌زند و می‌گوید: شریک‌هایی که برای من تصور می‌کردید کجا هستند؟ (۷۴) از بین هر ملتی شاهدی جدا می‌کنیم و می‌گوییم: دلیل خود را بیاورید. و خواهند دانست که حق متعلق به خدا است. آنچه به هم می‌بافتند برای آن‌ها وجود ندارد. (۷۵) قارون از قوم موسی بود و به آن‌ها ظلم می‌کرد، و گنج‌هایی به او داده بودیم که حمل‌کلیدهای (صندوق‌های) آن برای افراد نیرومند هم سخت بود. وقتی قومش به او گفتند: خودت را گم نکن، چون خدا افراد مغرور را دوست ندارد. (۷۶) و با آنچه خدا به تو داده دنبال خانه آخرت برو و سهم خود را هم از دنیا فراموش نکن، و همان‌طور که خدا به تو نیکی کرده تو هم نیکی بکن، و در زمین دنبال فساد نگردد، چون خدا عوامل فساد را دوست ندارد. (۷۷)

قارون گفت که آنچه به من داده شده به علت علم خودم بوده. آیا نمی‌دانست که خدا نسل‌هایی را قبل از او هلاک کرده بود که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟ از گناه‌کاران درباره گناهشان سؤال نمی‌شود. (۷۸) قارون آراسته با زیورهای خود به میان قومش رفت. کسانی که دوستدار زندگی دنیا بودند، گفتند: کاش ما هم ثروتی مثل آنچه که به قارون داده شده داشتیم. او سهم بزرگی از مال دنیا دارد. (۷۹) کسانی که حقیقت را می‌دانستند، گفتند: وای بر شما، پاداش الهی برای کسی که ایمان آورده و کار درست کرده بهتر است و فقط افراد با استقامت به آن می‌رسند. (۸۰) ما قارون و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم، و غیر از خدا کسانی وجود نداشتند که به او کمک کنند و خودش هم نمی‌توانست کاری برای خود بکند. (۸۱) کسانی که دیروز آرزوی این را داشتند که جای او بودند، می‌گفتند: وای، مثل این‌که خدا روزی را برای هر یک از بندگان که بخواهد فراخ یا تنگ می‌سازد، اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود ما را هم در زمین فرو می‌برد، مثل این‌که افراد بی‌ایمان رستگار نمی‌شوند. (۸۲) این خانه آخرت است، آن را برای کسانی ساخته‌ایم که در زمین خواهان برتری و فساد نیستند. پایان کار به نفع افراد پرهیزکار است. (۸۳) هر کس کار خوب بکند پاداشی بهتر از آن دارد، و کسی که کار بدی بکند مجازات بدکاران فقط به اندازه کاری که می‌کردند خواهد بود. (۸۴)

کسی که رساندن قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به معاد برمی‌گرداند. بگو: خداوند من کسی را که هدایت آورده و کسی را که در گمراهی آشکاری است بهتر می‌شناسد. (۸۵) تو امید نداشتی که قرآن جز به لطف خداوندت به تو وحی شود، بنابراین پشتیبان افراد بی‌ایمان نباش. (۸۶) تو را از آیات خدا، بعد از این‌که به تو نازل شد، باز ندارند و مردم را به راه خداوندت دعوت کن و از افراد مشرک نباش. (۸۷) و با خدا معبود دیگری را مخوان. معبودی (کسی که انسان در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی بکند و از دستورهایش بدون چون و چرا پیروی

کند) غیر از خدا وجود ندارد. هر چیزی از بین رفتنی است غیر از ذات او. حکم کردن (فقط) مال اوست و به سوی او برگردانده می‌شوید. (۸۸)

سوره عنکبوت (۲۹)

مکی و شامل شصت و نه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

الم. (۱) آیا مردم خیال کرده اند همین که گفتند ایمان آورده ایم و لشان می‌کنند و امتحان نمی‌شوند؟ (۲) ما کسانی را که قبل از آنها بودند آزمودیم. خدا کسانی را که راست گفتند می‌شناسد و دروغگویان را هم می‌شناسد. (۳) آیا کسانی که کار بد می‌کنند خیال کرده اند از ما جلو خواهند زد؟ قضاوت بدی می‌کنند. (۴) کسی که امید ملاقات خدا را دارد، بداند وعده‌ای که خدا داده آمدنی است و خدا شنوا و دانا است. (۵) هر کسی کوشش بکند به نفع خودش کوشش می‌کند. بدون شک خدا از تمام افراد بشر بی‌نیاز است. (۶)

کسانی که ایمان آوردند و کار صحیح کردند، بدی‌های آنها را از بین می‌بریم و پاداشی بهتر از کارهایی که می‌کردند به آنها می‌دهیم. (۷) ما به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. اگر پدر و مادرت سعی کردند چیزی را که نمی‌دانی شریک من بسازی، از آنها اطاعت نکن. بازگشت شما پیش من است و من شما را از کارهایی که می‌کردید خبردار می‌کنم. (۸) کسانی را که ایمان آوردند و کار صحیح کردند در شمار درستکاران می‌آوریم. (۹) عده‌ای از مردم کسانی هستند که می‌گویند: به خدا ایمان آوردیم. ولی وقتی در راه خدا مورد اذیت قرار گرفتند، اذیت مردم را مثل عذاب خدا حساب می‌کنند، و اگر از طرف خدا پیروزی نصیب شما شود، می‌گویند: ما با شما بودیم. آیا خدا به آنچه در سینه مردم هست آگاه‌تر نیست؟ (۱۰) خدا افرادی را که ایمان می‌آورند می‌شناسد و منافقان را هم می‌شناسد. (۱۱) افراد بی‌ایمان به افراد باایمان گفتند که از راه ما پیروی کنید و ما گناهان شما را به گردن می‌گیریم. آنها ذره‌ای از خطاهای ایشان را به گردن نمی‌گیرند، آنها دروغ می‌گویند. (۱۲) آنها بار گناهان خود را علاوه بر بار گناه منحرف ساختن دیگران بر عهده دارند، و روز قیامت درباره این دروغ‌هایی که به هم می‌یافتند، مورد بازخواست قرار می‌گیرند. (۱۳) ما نوح را پیش قومش فرستادیم و مدت نهصد و پنجاه سال بین آنها ماند. طوفان آنها را فرا گرفت، به خاطر این‌که ظلم می‌کردند. (۱۴)

ما نوح و کسانی را که در کشتی بودند نجات دادیم و آن را نشانه‌ای برای مردم قرار دادیم. (۱۵) و داستان ابراهیم را هم یاد کن، وقتی به قومش گفت: خدا را بندگی کنید و از نافرمانی و عذاب او بترسید، اگر متوجه حقیقت باشید می‌دانید که این‌کار برای شما بهتر است. (۱۶) شما به جای خدا بت‌هایی را بندگی می‌کنید و با دروغ آنها را می‌سازید. این افرادی را که غیر از خدا بندگی می‌کنید، صاحب رزقی برای شما نیستند. بنابراین روزی را از خدا بخواهید و فقط بندگی او را بکنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای هیچ‌کس جز او نباشید) و از او شکرگزاری کنید، چون پیش او برگردانده می‌شوید. (۱۷) اگر قبول نکنید، امت‌های قبل از شما هم قبول نکردند. وظیفه پیغمبر فقط رساندن آشکار پیام الهی است. (۱۸) آیا ندیدند که خدا چگونه خلقت را شروع کرد؟ بعد آن را برمی‌گرداند. این کار برای خدا آسان است. (۱۹) بگو: در زمین بگردید و نگاه کنید که خدا چگونه خلقت را شروع کرد. بعد هم خدا آخرت را بوجود می‌آورد، چون خدا قادر به هر کاری است. (۲۰) هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند و به هر کس که بخواهد رحم می‌کند. شما را پیش او برمی‌گردانند. (۲۱) شما نه در زمین و نه در آسمان نمی‌توانید خدا را عاجز کنید، و غیر از خدا یار و یاور برای شما وجود ندارد. (۲۲) کسانی که منکر آیات خدا و ملاقات او شدند، افرادی هستند که از رحمت من ناامید شده اند و عذاب دردناکی دارند. (۲۳)

جواب قومش به ابراهیم فقط این بود که گفتند: او را بکشید یا بسوزانید. ولی خدا او را از آتش نجات داد. در این‌کار عبرت‌هایی برای افراد باایمان وجود دارد. (۲۴) ابراهیم گفت: شما به خاطر دوستی بین خودتان در زندگی دنیا بت‌هایی غیر از خدا درست کرده‌اید، اما روز قیامت بعضی از شما منکر بعضی می‌شوند و

برخی از شما برخی دیگر را لعنت می‌کنند و جای شما در جهنم است و مددکاری نخواهید داشت. (۲۵) لوط به او ایمان آورد و گفت: من به سوی صاحب‌اختیارم مهاجرت می‌کنم، چون خدا توانا و حکیم است. (۲۶) اسحاق و یعقوب را به ابراهیم دادیم و پیامبری و کتاب را در میان فرزندان او قرار دادیم، و پادشاه او را در دنیا دادیم و در آخرت از افراد درستکار است. (۲۷) و لوط را یادآوری کن وقتی که به قومش گفت: شما کار زشتی می‌کنید که هیچ‌کس از افراد بشر قبل از شما چنان کاری نکرده است. (۲۸) آیا شما با مردان شهوترانی می‌کنید و راه را قطع می‌کنید و در مجالس خود مرتکب کار زشت می‌شوید؟ جواب قومش فقط این بود که اگر راست می‌گویی عذاب خدا را بر ما بیاور. (۲۹) لوط گفت: خداوندا، به من در مقابل این افراد تبه‌کار کمک کن. (۳۰)

وقتی فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند: ما مردم این شهر را هلاک می‌کنیم، چون مردم آن ستمکار هستند. (۳۱) ابراهیم گفت: لوط در آن شهر است. گفتند: ما کسانی را که در آن هستند بهتر می‌شناسیم. او و خانواده‌اش را نجات می‌دهیم، غیر از زنت که جزو باقیمانندگان در شهر است. (۳۲) وقتی فرستادگان ما پیش لوط آمدند، لوط به‌خاطر آن‌ها ناراحت و دل‌تنگ شد. گفتند: نترس و غصه نخور، ما تو و خانواده‌ات را، به‌جز زنت که جزو باقیمانندگان در شهر خواهد بود، نجات می‌دهیم. (۳۳) ما بعلت نافرمانی اهالی این شهر عذابی از آسمان بر آن‌ها نازل می‌کنیم. (۳۴) و از آن آثار نمایانی برای افرادی که عقل خود را بکار می‌برند باقی گذاریم. (۳۵) برادرشان شعیب را به شهر مدین فرستادیم. او گفت: ای قوم من، فقط خدا را بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای هیچ‌کس جز خدا نباشید) و به روز آخرت امید داشته باشید و در زمین فساد نکنید. (۳۶) ولی او را به دروغ‌گویی متهم کردند و دچار زلزله شدند و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۳۷) و قوم عاد و ثمود را هم هلاک کردیم و وضع خانه‌های آن‌ها برای شما روشن شده. شیطان کارهای آن‌ها را در نظرشان زینت داد و آن‌ها را از راه راست منحرف کرد در صورتی که بینا بودند. (۳۸)

و قارون و فرعون و هامان را هم هلاک کردیم. موسی برای آن‌ها دلایل روشن آورد، ولی آن‌ها در زمین تکبر ورزیدند، در صورتی که نمی‌توانستند جلوی عذاب ما را بگیرند. (۳۹) همه آن‌ها را بعلت گناهشان دچار عذاب کردیم. بر عده‌ای از آن‌ها طوفان شن فرستادیم، و صدای کشنده رعد عده‌ای دیگر از آن‌ها را فراگرفت، و بعضی از آن‌ها را نیز در زمین فروبردیم، و برخی از آن‌ها را غرق کردیم. خدا به آن‌ها ظلم نکرد ولی آن‌ها به خودشان ظلم می‌کردند. (۴۰) وضع کسانی که اولیایی غیر از خدا برای خود گرفتند، مثل عنکبوتی است که خانه‌ای برای خود درست کرده، در صورتی که سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، البته اگر متوجه حقیقت باشند. (۴۱) خدا هر چیزی را که غیر از خودش به کمک می‌خوانند می‌شناسد. او توانا و حکیم است. (۴۲) این‌ها مثل‌هایی است که برای مردم می‌زنیم و فقط افراد دانا آن را می‌فهمند. (۴۳) خدا آسمان‌ها و زمین را بحق آفرید. در این کار نشانه‌ای برای افراد باایمان وجود دارد. (۴۴) آنچه از قرآن به تو وحی شده بخوان و نماز را بپا دار، چون نماز از کارهای زشت و ناپسند جلوگیری می‌کند و مسلماً یاد خدا بزرگتر است. خدا کارهایی را که می‌کنید می‌داند. (۴۵)

با اهل کتاب فقط با بهترین روش گفتگو کنید مگر ستمکاران آن‌ها و بگویید که ما به آنچه بما نازل شده (یعنی قرآن) و آنچه به شما نازل شده (یعنی به تورات و انجیل و زبور و کتاب‌های پیغمبران دیگر) ایمان داریم. معبود ما (خدایی که ما از دستوره‌های او پیروی می‌کنیم) و شما یکی است و ما تسلیم او هستیم. (۴۶) ما قرآن را این‌طور به تو نازل کردیم، بنابراین اهل کتاب به آن ایمان می‌آورند و بعضی از این‌ها (مشرکین) هم به آن ایمان می‌آورند و فقط افراد بی‌ایمان آن را انکار می‌کنند. (۴۷) تو قبلاً کتابی نخوانده بودی و با دست خطی ننوشته بودی، چون در آن صورت کسانی که اهل باطل هستند دچار شک می‌شدند. (۴۸) قرآن آیات روشنی در سینه افراد دانا است و فقط افراد ظالم منکر آیات ما می‌شوند. (۴۹) گفتند: چرا معجزاتی از خداوندش بر او نازل نمی‌شود؟ بگو: معجزات در اختیار خدا است، و من فقط به‌طور روشن هشدار می‌دهم. (۵۰) آیا برای آن‌ها کافی نیست که ما قرآن را، که بر آن‌ها خوانده می‌شود، به تو نازل کردیم؟ در قرآن رحمت و تذکری برای افراد باایمان وجود دارد. (۵۱) بگو: خدا برای شهادت بین من و شما کافی است.

آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و کسانی که به باطل ایمان آوردند و منکر خدا شدند زیانکار هستند. (۵۲)

از تو می‌خواهند که عذاب زودتر نازل شود. اگر مدت معینی برای مهلت تعیین نشده بود، عذاب بر آن‌ها نازل می‌شد، و عذاب ناگهانی در حالی که متوجه نیستند بر آن‌ها نازل می‌شود. (۵۳) از تو می‌خواهند که عذاب زودتر نازل شود، در صورتی که جهنم دور افراد بی‌ایمان را گرفته. (۵۴) روزی که عذاب از بالا و از زیر پایشان آن‌ها را دربر می‌گیرد و خدا می‌گوید: نتیجه کارهایی را که می‌کردید بچشید. (۵۵) ای بندگان با ایمان من، زمین من پهناور است، فقط مرا بندگی بکنید (بند و مطیع محض و بی‌چون و چرای هیچ‌کس جز خدا نباشید). (۵۶) هر کسی مزه مرگ را می‌چشد، بعد به‌سوی ما برگردانده می‌شوید. (۵۷) و کسانی را که ایمان آوردند و کار صحیح کردند در غرفه‌هایی از بهشت جا می‌دهیم که زیر آن‌ها نهرها روان است و همیشه در آن هستند. پاداش عمل‌کنندگان چقدر خوب است. (۵۸) عمل‌کنندگانی که استقامت داشتند و به خداوندشان توکل نمودند. (۵۹) چه بسیار جاندارانی که روزی خود را با خود حمل نمی‌کنند، خدا روزی آن‌ها و شما را می‌دهد، و او شنوا و دانا است. (۶۰) اگر از آن‌ها بپرسی که چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده و خورشید و ماه را مسخر کرده؟ حتماً می‌گویند: خدا. پس چگونه منحرف می‌شوند؟ (۶۱) خدا رزق را برای کسی که بخواهد گسترش می‌دهد یا بر او تنگ می‌کند، چون خدا هر چیزی را می‌داند. (۶۲) و اگر از آن‌ها بپرسی که چه کسی باران را از آسمان نازل کرد و به‌وسیله آن زمین را بعد از مردنش زنده کرد؟ حتماً می‌گویند: خدا. بگو: ستایش هم فقط اختصاص به خدا دارد، ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌فهمند. (۶۳)

این زندگی دنیا فقط سرگرمی و بازی است و زندگی واقعی در آخرت است، البته اگر بدانند. (۶۴) وقتی سوار کشتی می‌شوند، خدا را در حالی که دین را برای او خالص می‌کنند به کمک می‌خوانند، ولی چون خدا آن‌ها را از دریا نجات داد و به خشکی رساند، چیزهایی را شریک او می‌سازند. (۶۵) تا منکر آنچه به آن‌ها داده ایم بشوند و از آن کامجویی کنند. نتیجه این کار را خواهند دانست. (۶۶) آیا ندیدند که حرم امنی قرار داده ایم، در صورتی که افراد از اطراف آن ربوده می‌شوند؟ آیا به باطل ایمان می‌آورند و منکر نعمت خدا می‌شوند؟ (۶۷) چه کسی ظالم‌تر از کسی است که به خدا به دروغ افترا می‌زند، یا وقتی حق برای او می‌آید منکر آن می‌شود؟ آیا در جهنم برای افراد بی‌ایمان جا نیست؟ (۶۸) ما به کسانی که در راه ما کوشش کنند، راه‌های خودمان را نشان خواهیم داد. بدون شک خدا با افراد نیکوکار است. (۶۹)

سوره روم (۳۰)

مکی و شامل شصت آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

الم. (۱) رومیان در سرزمینی نزدیک شکست خوردند، آن‌ها بعد از شکست خوردنشان در عرض چند سال پیروز می‌شوند، چون فرمان کار در گذشته و آینده با خدا است و آن روز افراد با ایمان به سبب یاری خدا شاد می‌شوند. خدا هر کس را که بخواهد یاری می‌کند. او توانا و مهربان است. (۲ تا ۵)

این وعده خداست و خدا بر خلاف وعده‌اش کاری نمی‌کند، ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۶) مردم فقط ظاهر زندگی دنیا را می‌شناسند و از عاقبت کار غافل هستند. (۷) آیا آن‌ها درباره خودشان فکر نکرده‌اند؟ خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آن‌ها است به حق آفریده و مدت معلومی تعیین کرده، ولی بیشتر مردم ملاقات خداوندشان را قبول ندارند. (۸) آیا در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کار کسانی که قبل از آن‌ها بودند چه بود؟ آن‌ها نیرویشان بیشتر از این‌ها بود و زمین را زیر و رو کردند و بیشتر از آنچه این‌ها آباد می‌کنند زمین را آباد کردند، و پیغمبران‌شان دلایل روشن برای آن‌ها آوردند. خدا به آن‌ها ظلم نکرد، ولی آن‌ها به خودشان ظلم کردند. (۹) و عاقبت بد کسانی که کار بد می‌کردند این بود که منکر آیات خدا شدند و آن را مسخره می‌کردند. (۱۰) خدا خلقت را شروع می‌کند و بعد آن را برمی‌گرداند و آنگاه به سوی او برگردانده می‌شوید. (۱۱) روزی که قیامت برپا شود گناه‌کاران ناامید می‌شوند. (۱۲) و شفیع از کسانی که شریک خدا می‌ساختند برای آن‌ها وجود ندارد و منکر شریکانی که می‌ساختند می‌شوند. (۱۳) روزی که قیامت

برپا شود مردم از هم جدا می‌شوند. (۱۴) اما افرادی که ایمان داشتند و کار صحیح کردند در بهشت شادمان خواهند بود. (۱۵)

اما کسانی که کافر شدند و منکر آیات ما و دیدن آخرت شدند در عذاب حاضر می‌گردند. (۱۶) خدا را موقعی که روز را به شب و شب را به روز می‌رسانید به پاکی یاد کنید. (۱۷) و شب و ظهر در آسمان‌ها و زمین ستایش به خدا اختصاص دارد. (۱۸) زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده خارج می‌کند و زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند. شما نیز همین‌طور از گور بیرون آورده (زنده) می‌شوید. (۱۹) یکی از آیاتش این است که شما را از خاک خلق کرد و شما آدم‌هایی شدید که در زمین پخش می‌شوید. (۲۰) و یکی از آیاتش این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفرید تا با آنها آرامش پیدا کنید، و بین شما دوستی و رحمت بوجود آورد. در این کار عبرت‌هایی برای کسانی که فکر می‌کنند وجود دارد. (۲۱) و یکی از آیاتش خلق آسمان‌ها و زمین، و اختلاف زبان و رنگ شما است. در این کار برای افراد دانا عبرتی وجود دارد. (۲۲) و یکی از آیاتش خوابیدن شما در شب و ظهر، و دنبال فضل او رفتن (کسب معاش) شما در روز است. در این کار عبرت‌هایی برای کسانی که گوش شنوا دارند وجود دارد. (۲۳) و یکی از آیاتش این است که برق را که باعث ترس و امید شما می‌شود به شما نشان می‌دهد، و از آسمان باران را نازل می‌کند و با آن زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند. در این کار عبرت‌هایی برای افرادی که می‌فهمند وجود دارد. (۲۴)

و یکی از آیاتش این است که آسمان و زمین به فرمانش برپا است، و وقتی شما را از زمین برای یک بار صدا بزند، فوراً از آن خارج می‌شوید. (۲۵) تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند مال او و مطیع او هستند. (۲۶) او وجودی است که خلقت را شروع می‌کند و بعد آن را برمی‌گرداند، و کار برگرداندن برای او آسانتر است. و بالاترین صفات در آسمان‌ها و زمین متعلق به اوست، و او توانا و حکیم است. (۲۷) خدا برای شما مثلی از خودتان زد. آیا شما از غلامان خودتان شریکانی در آنچه روزی شما ساخته‌ایم دارید که در آن با هم مساوی باشید و همان‌طور که از هم می‌ترسید از آنها بترسید؟ ما آیات را برای کسانی که می‌فهمند این‌طور شرح می‌دهیم. (۲۸) کسانی که ظلم می‌کنند، بدون علم و آگاهی از دلخواه خود پیروی می‌کنند. چه کسی (قادر است) فردی را که خدا گمراه کرده هدایت کند؟ آنها مددکاری ندارند. (۲۹) بنابراین با تمایل به حق، به دینی روی آور که آفریده خدایی است که مردم را بر این طبیعت آفریده. آفرینش خدا تغییر پیدا نمی‌کند. دین درست و پایدار چنین دینی است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۰) در حالی که به سوی او برمی‌گردید از نافرمانی و عذاب او بترسید و نماز را به پا دارید و از مشرکان نباشید. (۳۱) از مشرکانی که دینشان را فرقه‌فرقه کردند و به گروه‌ها تقسیم شدند و هر گروهی به اعتقادات خود دلخوش است. (۳۲)

وقتی ضرری به مردم برسد، در حالی که توبه می‌کنند، خداوندشان را به کمک می‌خوانند، و چون از طرف خودش نعمتی به آنها بچشانند، آن وقت عده‌ای از آنها برای خداوندشان شریک درست می‌کنند. (۳۳) برای اینکه ناسپاسی چیزی را نکنند که به آنها داده‌ایم. بنابراین کامجویی کنید، نتیجه آن را خواهید دانست. (۳۴) آیا برای آنها دلیلی نازل کرده‌ایم که درستی چیزهایی را که شریک خدا می‌سازند بیان کند؟ (۳۵) چون به مردم رحمتی بچشانیم، به خاطر آن خوشحال می‌شوند، و اگر به علت کارهایی که کرده‌اند مصیبتی به آنها برسد، ناامید می‌شوند. (۳۶) آیا متوجه نشده‌اند که خدا روزی را برای هر کس که بخواهد وسعت می‌دهد یا تنگ می‌کند؟ در این کار عبرت‌هایی برای افراد باایمان وجود دارد. (۳۷) حق خویشاوندان و تهیدستان و در راه‌ماندگان را بده. این کار برای کسانی که خشنودی خدا را می‌خواهند بهتر است و چنین افرادی رستگار هستند. (۳۸) ربایی که می‌دهید تا مال مردم افزایش پیدا کند، در پیش خدا افزایشی پیدا نمی‌کند. در حالی که زکاتی که می‌دهید و با آن رضای خدا را می‌خواهید چند برابر خواهد شد. (۳۹) خداست که شما را خلق کرد و به شما روزی داد و جان شما را می‌گیرد و بعد شما را زنده می‌کند. آیا از این شریکانی که برای خدا درست کرده‌اید، کسی هست که ذره‌ای از این کارها را بکند؟ او پاک و بالاتر از این چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۴۰) به علت کارهایی که مردم کرده‌اند، فساد در خشکی و دریا ظاهر شده تا خدا نتیجه بعضی از کارهایی را که کرده‌اند به آنها بچشانند، شاید برگردند. (۴۱)

بگو: در زمین بگردید و نگاه کنید که عاقبت کار کسانی که قبل از شما بودند چه بود، بیشتر آن‌ها مشرک بودند. (۴۲) بنابراین به دین صحیح و پایدار روی آور، قبل از این که روزی بیاید که از طرف خدا برگشتی برای آن نیست. در آن روز مردم تقسیم می‌شوند. (۴۳) کسانی که ایمان نیاوردند به ضرر خودشان است، و کسانی که ایمان آوردند و عمل صحیح کردند بهشت را برای خودشان آماده می‌کنند. (۴۴) تا خدا به افرادی که ایمان آوردند و کار صحیح کردند از فضل خودش پاداش دهد. خدا افراد بی‌ایمان را دوست ندارد. (۴۵) و یکی از آیاتش این است که با دها را برای مژده می‌فرستد تا مقداری از رحمتش را به شما بچشاند، و کشتی به امرش حرکت کند و دنبال فضل او (کسب معاش) بروید. شاید سپاسگزاری کنید. (۴۶) قبل از تو پیغمبرانی پیش قومشان فرستادیم و دلیل‌های روشن برای آن‌ها آوردند. آنگاه ما از گناه‌کاران انتقام گرفتیم. کمک به افراد با ایمان وظیفه ماست. (۴۷) خدا وجودی است که با دها را می‌فرستد و ابر را به حرکت در می‌آورد و آن را در آسمان هر طور که بخواهد پخش و تکه‌تکه (یا متراکم) می‌کند، و می‌بینی که باران از میان آن خارج می‌شود. و وقتی باران را به کسانی از بندگان که بخواهد برساند، خوشحال می‌شوند. (۴۸) در صورتی که قبل از این که باران بر آن‌ها ببارد ناامید بودند. (۴۹) پس به آثار رحمت خدا نگاه کن که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند. حقیقتاً خدا زنده‌کننده مردگان است، و او بر انجام هر کاری قادر است. (۵۰)

اگر بادی بفرستیم و در اثر آن ببینند که زراعتشان زرد شده، حتماً بعد از آن ناسپاسی می‌کنند. (۵۱) تو نمی‌توانی به مرده‌ها حرف حالی کنی، و نمی‌توانی به آدم‌های کر، در صورتی که پشتشان به تو باشد، حرف بفهمانی. (۵۲) تو نمی‌توانی با نشان دادن راه، کورها را متوجه راه صحیح بکنی. تو فقط می‌توانی به کسانی که به آیات ما ایمان دارند و تسلیم آن هستند حرف را بفهمانی. (۵۳) خداست که شما را ضعیف آفرید، و بعد از ناتوانی شما را نیرومند ساخت، و بعد از نیرومند شدن دوباره شما را ضعیف و پیر می‌کند. هر چه را بخواهد خلق می‌کند، و او دانا و توانا است. (۵۴) روزی که قیامت برپا شود، گناه‌کاران قسم می‌خورند که فقط یک ساعت در قبر مانده‌اند. قبلاً در دنیا هم همین‌طور به دروغ‌گویی کشانده می‌شدند. (۵۵) ولی کسانی که علم و ایمان به آن‌ها عطا شده می‌گویند: شما بنابر کتاب خدا تا روز قیامت در قبر مانده‌اید و حالا روز قیامت است، ولی نمی‌دانستید. (۵۶) در چنان روزی معذرت خواهی برای کسانی که ظلم می‌کنند فایده‌ای ندارد، و از آن‌ها نمی‌خواهند که عذرخواهی کنند. (۵۷) برای مردم در این قرآن هر گونه مثلی زده ایم. اگر معجزه‌ای برای آن‌ها بیاوری حتماً افراد بی‌ایمان می‌گویند: شما دروغ می‌گویید. (۵۸) خدا این‌طور بر دل افراد نادان مهر می‌نهد. (۵۹) صبرکن، چون وعده خدا حق است و کسانی که (به آخرت) یقین ندارند تو را کوچک نسازند. (۶۰)

سوره لقمان (۳۱)

مکی و شامل سی و چهار آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

الم. (۱) این آیات کتاب حکیم است. (۲) راه صحیح را به نیکوکاران نشان می‌دهد و برای آن‌ها رحمت است. (۳) نیکوکارانی که نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به آخرت یقین دارند. (۴) چنین افرادی از طرف خدایشان در راه صحیح هستند و رستگار می‌باشند. (۵) بعضی از مردم خریدار سخنان سرگرم‌کننده و بیهوده‌اند تا بدون علم (از روی نادانی و جهالت) مردم را از راه خدا منحرف کنند و آیات ما را به مسخره می‌گیرند. چنین کسانی عذابی خوارکننده دارند. (۶) چون آیات ما بر او خوانده شود با تکبر رو برمی‌گرداند، مثل این که آن را نشنیده یا این که گوش سنگین است. او را به عذابی پردرد بشارت بده. (۷) افرادی که ایمان آوردند و کار صحیح کردند بهشت پر نعمت مال آن‌ها است. (۸) همیشه در آن خواهند بود. وعده خدا راست است، و او توانا و حکیم است. (۹) خدا آسمان را بدون ستونی که ببینید خلق کرد، و در زمین کوه‌ها را قرار داد تا زمین شما را نلرزاند، و هر نوع جنبنده‌ای در آن پراکند، و از آسمان باران را نازل کردیم و در زمین هر نوع گیاه پرارزش رویاندیم. (۱۰) این خلقت خدا است. به من نشان دهید که دیگران چه آفریده‌اند؟ ظلم‌کنندگان در گمراهی و اضحی هستند. (۱۱)

ما به لقمان حکمت دادیم و به او گفتیم: از خدا سپاسگزاری کن. کسی که شکر کند فقط به نفع خودش شکر می‌کند و کسی که شکرگزاری نکند، (بداند که) خدا بی‌نیاز و ستوده است. (۱۲) وقتی را یادآوری کن که لقمان در حالی که به پسرش نصیحت می‌کرد، به او گفت: فرزندم، چیزی را شریک خدا نسا، چون شرک ظلم بزرگی است. (۱۳) درباره پدر و مادر به انسان سفارش کردیم. مادرش او را حامله شد، هر روز ناتوان‌تر می‌شد و از شیر گرفتن او دو سال طول کشید. به او سفارش کردیم که از من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن که بازگشت همه به سوی من است. (۱۴) اگر پدر و مادرت سعی کردند چیزی را که علمی بوجود آن نداری شریک من سازی، از آنها اطاعت نکن، ولی در دنیا با آنها به خوبی رفتار کن، و از راه کسی که به سوی من برگشته پیروی کن. بازگشت شما به نزد من است و من شما را از کارهایی که می‌کردید خبردار می‌کنم. (۱۵) فرزندم، اگر عمل تو به اندازه دانه خردلی باشد، و در تخته سنگ بزرگ یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خدا آن را پای حساب می‌آورد، چون خدا دقیق و آگاه است. (۱۶) فرزندم، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در مقابل مصیبتی که به تو وارد شده صبر داشته باش. این از کارهایی است که تصمیم قوی لازم دارد. (۱۷) رویت را با تکبر از مردم برمگردان و با غرور در زمین راه نرو، چون خدا افراد خودپسند خودستا را دوست ندارد. (۱۸) در راه رفتنت میانه‌رو باش و صدایت را پایین بیار، چون زننده‌ترین صداها صدای الاغ‌ها است. (۱۹)

آیا متوجه نشده‌اید که خدا آنچه در آسمان‌ها و در زمین است مسخر شما کرده و نعمت ظاهری و باطنی خود را بر شما تمام کرده؟ عده‌ای از مردم در مورد خدا بدون علم و هدایت و کتاب روشن به بحث می‌پردازند. (۲۰) وقتی به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: ما از روشی که پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم، اگر چه شیطان آنها را به عذاب سوزان دعوت کرده باشد. (۲۱) کسی که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، به دستاویز محکمی چسبیده، و عاقبت کارها با خداست. (۲۲) و کسانی که منکر شدند، انکارشان تو را غمگین نکند. بازگشت آنها پیش ما است و آنها را از کارهایی که می‌کردند خبردار می‌کنیم، چون خدا از آنچه در دلها است اطلاع دارد. (۲۳) مدت کوتاهی آنها را بهره‌مند می‌کنیم، و بعد آنها را با عذاب شدیدی درمانده می‌نماییم. (۲۴) اگر از آنها بپرسی که چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده؟ حتماً می‌گویند: خدا. بگو: ستایش و بزرگداشت نیز اختصاص به خدا دارد. ولی بیشتر آنها این را نمی‌دانند. (۲۵) آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خدا است، چون خدا بی‌نیاز و ستوده است. (۲۶) اگر تمام درخت‌هایی که در زمین است قلم شود و دریا (مرکب شود) و هفت دریای دیگر برای نوشتن به کمک آن بیایند، کلمات خدا تمام نمی‌شود، چون خدا توانا و حکیم است. (۲۷) خلقت شما و زنده ساختن دوباره شما در قیامت مثل آفریدن و زنده کردن یکنفر است، چون خدا شنوا و بینا است. (۲۸)

آیا متوجه نشده‌اید که خدا شب را وارد روز می‌کند و روز را وارد شب می‌کند، و خورشید و ماه را مسخر کرده که هر یک تا مدت معینی حرکت می‌کند، و خدا از تمام کارهایی که می‌کنید آگاه است؟ (۲۹) این کار به علت این است که خدا حق است و تمام چیزهایی که غیر از او به کمک می‌خوانند، باطل هستند و خدا بلندمرتبه و بزرگ است. (۳۰) آیا ندیده‌اید که کشتی به نعمت خدا در دریا حرکت می‌کند تا خدا قسمتی از آیات خود را به شما نشان دهد؟ نشانه‌های زیادی در این کار برای هر فرد صبور سپاسگزاری وجود دارد. (۳۱) وقتی موجی مثل کوه آنها را فرا گیرد، خالصانه خدا را به کمک می‌خوانند، و چون خدا نجاتشان دهد و به خشکی برساند، عده‌ای از آنها میانه‌روی می‌کنند، و فقط افراد خیانتکار قدرشناس منکر آیات ما می‌شوند. (۳۲) ای مردم، خودتان را از نافرمانی و عذاب خداوندتان حفظ کنید، و از روزی بترسید که پدری جزای فرزندش را نمی‌دهد و فرزندی ذره‌ای جزای پدرش را نمی‌دهد. وعده خدا حق است، بنابراین زندگی دنیا و شیطان فریبکار شما را فریب ندهند. (۳۳) علم زمان قیامت پیش خدا است، و خدا باران را نازل می‌کند، و آنچه در رحم‌ها است می‌داند و کسی نمی‌داند فردا چه کارهایی می‌کند، و کسی نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد. به راستی خدا دانا و حکیم است. (۳۴)

سوره سجده (۳۲)

مکی و شامل سی آیه

به نام خداوند بخشنده مهربان

الم. (۱) بدون شك نزول قرآن از طرف صاحب اختیار همه مردم جهان است. (۲) آیا می‌گویند: محمد آن را سر هم کرده؟ این‌طور نیست، بلکه قرآن حقیقت و از طرف خداوند توست، تا قومی را که قبل از تو بیم‌دهنده‌ای برای آن‌ها نیامده بود برحذر داری، شاید راه صحیح را بشناسند. (۳) خدا وجودی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن‌ها است در شش روز (شش مرحله) آفرید. و بعد بر عرش قرار گرفت. یاور و شفیع غیر از او ندارید. آیا توجه پیدا نمی‌کنید؟ (۴) کار زمین را از آسمان تدبیر می‌کند، بعد در روزی که مقدار آن به حساب شما هزار سال است، به سوی او بالا می‌رود. (۵) او دانای غیب و اشکار، و مقتدر و مهربان است. (۶) وجودی که هر چه آفریده به بهترین شکل آفریده، و آفرینش انسان را از گل شروع کرد. (۷) بعد نسل او را از شیره آبی پست قرار داد. (۸) بعد او را ساخت، و از روح خود در او دمید، و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد. کم شکرگزاری می‌کنید. (۹) گفتند: آیا وقتی ما در زمین ناپدید شدیم، دوباره در خلقتی جدید درخواهیم آمد؟ آن‌ها منکر ملاقات خداوندشان هستند. (۱۰) بگو: فرشته مرگی که بر شما گمارده شده، جان شما را می‌گیرد و شما پیش خدا برگردانده می‌شوید. (۱۱)

کاش موقعی را که گناه‌کاران سرشان را پیش خداوندشان به زیر انداخته‌اند می‌دید، که می‌گویند: خداوندا، دیدیم و شنیدیم، ما را برگردان تا کار صحیح کنیم، دیگر یقین داریم. (۱۲) اگر می‌خواستیم هر کسی را هدایت می‌کردیم، ولی چیزی که گفتم ثابت شد که جهنم را از انسان و جن پر می‌کنم. (۱۳) پس به علت این‌که دیدن امروزتان را فراموش کردید، عذاب جهنم را بچشید؛ ما هم شما را فراموش کرده‌ایم و به علت کارهایی که می‌کردید عذاب دایمی را بچشید. (۱۴) فقط کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که وقتی آیات ما به آن‌ها گفته می‌شود به سجده می‌افتند، و به ستایش خداوندشان تسبیح می‌گویند، و تکبری نمی‌ورزند. (۱۵) پهلویشان از رختخواب جدا می‌شود (بلند می‌شوند) و خداوندشان را با ترس و امید می‌خوانند، و از آنچه روزی آن‌ها ساخته‌ایم انفاق می‌کنند. (۱۶) هیچ‌کس نمی‌داند در مقابل کارهایی که می‌کند چه پاداش‌هایی، که چشم را روشن می‌کند، برای آن‌ها پنهان شده. (۱۷) آیا کسی که ایمان دارد مثل کسی است که اطاعت نمی‌کند؟ آن‌ها با هم مساوی نیستند. (۱۸) اما افرادی که ایمان آوردند و کار صحیح کردند، به سبب کارهایی که می‌کردند در بهشتی که در آن جا گرفته‌اند پذیرایی می‌شوند. (۱۹) اما کسانی که اطاعت نکردند جایشان آتش جهنم است. هر وقت که بخواهند از آتش بیرون روند به آن برگردانده می‌شوند و به آن‌ها گفته می‌شود: عذاب آتشی را که انکار می‌کردید بچشید. (۲۰)

و حتماً غیر از عذاب بزرگ آخرت، در دنیا هم به آن‌ها عذاب می‌چشانیم، شاید از راه غلط خود برگردند. (۲۱) چه کسی ظالم‌تر از کسی است که آیات خداوندش به او گفته شود و او از آن روبرگرداند؟ ما از گناه‌کاران انتقام می‌گیریم. (۲۲) ما به موسی کتاب دادیم، بنابراین شکی در دیدار او مکن. و ما تورات را راهنمای بنی‌اسرائیل قرار دادیم. (۲۳) چون استقامت به خرج دادند و به آیات ما یقین داشتند، از آن‌ها رهبرانی بوجود آوردیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند. (۲۴) خداوند تو حتماً روز قیامت در مورد چیزهایی که در آن اختلاف داشتند، بین آن‌ها قضاوت خواهد کرد. (۲۵) آیا برایشان روشن نشده که نسل‌های بسیاری را قبل از این‌ها هلاک کردیم، و (حالا) این‌ها در خانه‌های آن‌ها راه می‌روند (زندگی می‌کنند)؟ در این کار عبرت‌هایی وجود دارد، آیا نمی‌شنوند؟ (۲۶) آیا ندیده‌اند که ما باران را به سوی زمین خشک می‌رانیم، و به وسیله آن گیاهانی بوجود می‌آوریم که حیواناتشان و خودشان از آن می‌خورند؟ آیا نمی‌بینند؟ (۲۷) می‌گویند: اگر راست می‌گویید این روز دآوری کی خواهد بود؟ (۲۸) بگو: ایمان آوردن افراد بی‌ایمان در روز دآوری (روز قیامت) فایده‌ای برای آن‌ها ندارد و به آن‌ها مهلتی داده نمی‌شود. (۲۹) از آن‌ها رو برگردان و انتظار بکش، چون آن‌ها هم انتظار می‌کشند. (۳۰)

سوره احزاب (۳۳)

مدنی و شامل هفتاد و سه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیغمبر، از عذاب خدا بترس و از افراد بی‌ایمان و منافق اطاعت نکن. به درستی که خدا دانای حکیم است. (۱) و از آنچه از خداوندت به تو وحی می‌شود پیروی کن. مسلماً خدا از کارهایی که می‌کنید باخبر است. (۲) و (فقط) به خدا توکل کن، چون توکل به خدا کافی است. (۳) خدا در درون هیچ‌کس دو قلب قرار نداده، و همسران‌تان را که به آن‌ها می‌گویید که تو مثل مادر من هستی، مادر شما نساخته. پسرخواندگان شما را هم پسر شما نساخته. این حرفی است که زبانی می‌گویید. خداوند حقیقت را می‌گوید و راه صحیح را نشان می‌دهد. (۴) آن‌ها را به‌نام پدرانشان بخوانید که این‌کار پیش خدا عادلانه‌تر است. اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، برادران دینی و یاران شما هستند. در کاری که اشتباهاً انجام داده‌اید اشکالی بر شما وارد نیست، ولی در اموری که عمداً انجام می‌دهید مسؤولید. خدا آمرزنده و مهربان است. (۵) پیغمبر به مؤمنین از خودشان سزاوارتر است. همسران پیغمبر (مانند) مادر شما هستند (از نظر احترام و ازدواج و غیره). در کتاب خدا (از نظر ارث بردن) خویشاوندان نسبی از مؤمنان و مهاجران به همدیگر سزاوارترند، مگر این‌که بخواهید به دوستان‌تان احسانی کنید (به آن‌ها هم سهمی از ارث بدهید). این در کتاب خدا نوشته شده. (۶)

وقتی را یادآوری کن که از پیغمبران و تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم پیمان گرفتیم، و از آن‌ها پیمان محکمی گرفتیم. (۷) تا خدا درباره راستگویی افراد راستگو از آن‌ها سؤال کند، و برای افراد بی‌ایمان عذاب پردردی آماده کرده است. (۸) ای افراد باایمان، نعمت خدا را بر خودتان یادآوری کنید، آن وقتی که لشکریانی به طرف شما آمدند و ما بر آن‌ها باد و لشکریانی که نمی‌دیدید فرستادیم، و خدا کارهایی را که می‌کردید می‌دید. (۹) وقتی که از بالا و پایین به طرف شما آمدند، و آنگاه که چشم‌ها خیره شده و دل‌ها به گلوها رسیده بود، و به خدا گمان بد می‌کردید. (۱۰) آنجا بود که افراد باایمان امتحان شدند و به سختی لرزیدند. (۱۱) وقتی که منافقین و کسانی که مرضی در دل داشتند گفتند که خدا و پیغمبرش فقط وعده دروغی به ما دادند. (۱۲) وقتی که عده‌ای از آن‌ها گفتند: ای مردم مدینه، جای مقاومتی برای شما نیست، پس برگردید. و عده‌ای از آن‌ها از پیغمبر اجازه می‌گرفتند و می‌گفتند که خانه ما حفاظی ندارد، در صورتی که خانه آن‌ها بی‌حفاظ نبود، آن‌ها فقط می‌خواستند فرار کنند. (۱۳) اگر از اطراف شهر سراغ آن‌ها می‌آمدند و از آن‌ها می‌خواستند که از دین برگردند، این‌کار را می‌کردند و مدت کمی در پذیرفتن آن درنگ می‌کردند. (۱۴) در صورتی که قبلاً با خدا عهد بسته بودند که به دشمن پشت نکنند، و عهدی که با خدا بستند مورد بازخواست قرار می‌گیرد. (۱۵)

بگو: اگر از مرگ یا کشته‌شدن فرار کنید، این فرار هرگز فایده‌ای برای شما ندارد، و در این صورت مدت کمی از زندگی بهره می‌برید. (۱۶) بگو: اگر خدا بخواهد که آسیبی یا رحمتی به شما برساند، چه کسی شما را در برابر او حفظ می‌کند؟ آن‌ها غیر از خدا یار و یاور پیدا نمی‌کنند. (۱۷) خدا کارشکنان شما و کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند که پیش ما بیایید، می‌شناسد. فقط عده کمی از آن‌ها به جنگ می‌آیند. (۱۸) درباره شما بخل می‌ورزند. وقتی پیش‌آمد ترسناکی بکنند، آن‌ها را می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند در حالی که چشم‌هایشان در حلقه دور می‌زند، مثل کسی که بیهوشی مرگ بر او غلبه کرده. چون خطر و ترس برطرف شود، با زبان تند با شما برخورد می‌کنند. نسبت به غنیمتی که به دست آورده‌اید بخل دارند. آن‌ها ایمان نیاورده‌اند، لذا خدا اعمالشان را نابود کرده و این‌کار برای خدا آسان است. (۱۹) خیال می‌کنند که دسته‌های لشکریان مهاجم هنوز نرفته‌اند و اگر دوباره بیایند، دوست دارند که کاش بین اعراب بادیه‌نشین بودند و درباره اخبار شما (از دور) پرس و جو می‌کردند، و اگر در بین شما بودند فقط کمی می‌جنگیدند. (۲۰) مسلماً برای شما و آن‌هایی که به خدا و روز آخرت ایمان دارند و خدا را زیاد یاد می‌کنند، اعمال پیغمبر خدا بهترین سرمشق است. (۲۱) وقتی افراد باایمان دسته‌های مهاجم را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و پیغمبرش به ما وعده داده بودند. خدا و پیغمبرش راست می‌گفتند و این کار ایمان و تسلیم آن‌ها را زیادتر کرد. (۲۲)

عده‌ای از افراد باایمان مردانی بودند که به عهدی که با خدا بستند وفا کردند. عده‌ای از آن‌ها کشته شدند و عده‌ای از آن‌ها منتظر هستند و عهدی که بسته

بودند را عوض نکردند. (۲۳) تا خدا پاداش راستگویی افراد راستگو را بدهد و اگر خواست، منافقین را عذاب کند یا توبه آنها را بپذیرد. چون خدا آمرزنده و مهربان است. (۲۴) خدا کافران را با تمام خشمی که داشتند برگرداند و به خیری نرسیدند. خدا مؤمنین را از جنگ بی‌نیاز کرد. خدا قوی و مقتدر می‌باشد. (۲۵) خداوند افرادی از اهل کتاب را که از مشرکین پشتیبانی کردند از قلعه‌هایشان پایین آورد و در دلشان وحشت ایجاد کرد، به طوری که عده‌ای از آنها را کشتید و عده‌ای را اسیر کردید. (۲۶) و زمین و خانه و اموالشان و زمینی را که در آن پا نگذاشته بودید به شما داد. خدا بر هر کاری توانا است. (۲۷) ای پیغمبر، به زنان بگو: اگر زندگی دنیا و زینت آن را می‌خواهید، بیایید تا شما را بهره‌مند سازم و شما را به خوبی طلاق دهم. (۲۸) و اگر خدا و پیغمبر و سرای آخرت را می‌خواهید، خدا برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی آماده کرده. (۲۹) ای زنان پیغمبر، هر کدام از شما که کار زشت آشکاری بکند، عذاب او دوبرابر می‌شود. این کار برای خدا آسان است. (۳۰)

هر کدام شما که مطیع خدا و پیغمبرش باشد و کار درست بکند، پاداش او را دوبرابر می‌دهیم و برای او روزی پرارزشی تهیه کرده‌ایم. (۳۱) ای زنان پیغمبر، شما مثل زنان دیگر نیستید، اگر از خدا می‌ترسید در سخن گفتن با نرمی سخن نگویید، چون کسی که در دلش مرضی است به طمع می‌افتد. به طور شایسته حرف بزنید. (۳۲) در خانه‌هایتان قرار بگیرید و مانند زمان جاهلیت گذشته خودنمایی نکنید، و نماز را به پا دارید و زکات بدهید و از خدا و پیغمبرش اطاعت کنید. خدا می‌خواهد که پلیدی را از شما اهل بیت از بین ببرد و شما را کاملاً پاک کند. (۳۳) و آیات خدا و حکمت را که در خانه شما خوانده می‌شود یاد کنید، چون خدا دقیق و آگاه است. (۳۴) مردان و زنان مسلمان و باایمان و مطیع خداوند و صادق و صبور و فروتن و زکات‌دهنده و روزه‌گیر، که عفت خود را حفظ و خدا را بسیار یاد می‌کنند، خدا برای آنها آمرزش و پاداش بزرگی آماده کرده. (۳۵)

وقتی خدا و پیغمبرش دستور کاری را دادند، هیچ زن و مرد باایمانی در مقابل دستور آنان از خود اختیاری ندارد. هر کس از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند آشکارا گمراه شده است. (۳۶) وقتی را به یاد آور که به کسی که خدا به او نعمت داد و تو هم به او نعمت دادی گفتی: زنت را نگه دار و از خدا بترس. و چیزی را که خدا آشکار می‌کرد در دلت مخفی می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی، در صورتی که حق این است که از خدا بترسی. وقتی زید از همسرش کام گرفت و او را طلاق داد، ما او را به همسری تو درآوردیم تا در صورتی که پسرخواندگان مؤمنین از آنها کام گرفتند و آنها را طلاق دادند، اشکالی برای مؤمنین در ازدواج با آنان وجود نداشته باشد. فرمان خدا باید صورت می‌گرفت. (۳۷) اشکالی بر پیغمبر در چیزی که خدا برای او واجب کرده وجود ندارد. این سنت (روش) خدا است که قبلاً در ملل گذشته وجود داشته. فرمان خدا روی حسابی دقیق است. (۳۸) کسانی که پیام خدا را به مردم می‌رسانند و از خدا می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند، می‌دانند که خدا برای رسیدگی به حساب کافی است. (۳۹) محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست. ولی فرستاده خدا و خاتم پیغمبران است و خدا هر چیزی را می‌داند. (۴۰) ای افراد باایمان، خدا را زیاد یاد کنید. (۴۱) و صبح و شب او را به پاکی ستایش کنید. (۴۲) خدا و فرشتگانش بر شما درود می‌فرستند تا شما را از تاریکی درآورده و به روشنایی برسانند، و خدا نسبت به مؤمنین مهربان است. (۴۳)

روزی که او را ملاقات می‌کنند خوش‌آمدشان سلام است، و خدا برای آنها پاداش ارزشمندی آماده کرده. (۴۴) ای پیغمبر، ما تو را فرستادیم تا به اذن خدا شاهد و مژده‌دهنده و بیم‌دهنده و دعوت‌کننده به سوی خدا و چراغ تابناکی باشی. (۴۵) و (۴۶) به مؤمنین مژده بده که فضل بزرگی از طرف خدا دارند. (۴۷) و از کافرین و منافقین اطاعت نکن و به آزارشان اهمیت نده و بر خدا توکل کن. خدا برای رسیدگی به کارهایت کافی است. (۴۸) ای افراد باایمان، اگر با زنان مؤمن ازدواج کردید و قبل از این‌که با آنها همخوابگی کنید آنها را طلاق دادید، عده‌ای که حساب آن را داشته باشید بر عهده آنها نیست. آنها را بهره‌مند و به خوبی رها کنید. (۴۹) ای پیغمبر، ما زنان را که مهریه آنها را داده‌ای، و کنیزانت را که خدا نصیب کرده، و دخترعمو و دخترعمه و دختردایی و دخترخاله‌ای را که با تو مهاجرت کرده‌اند، برای تو حلال کردیم، و زن مؤمنی که خودش را بدون مهریه به

پیغمبر بیخشد، در صورتی که پیغمبر بخواهد با او ازدواج کند. این حکم آخر فقط به تو اختصاص دارد نه به مؤمنین. ما می‌دانیم برای مؤمنین در مورد همسران و کنیزانشان چه دستوری داده ایم، تا بر تو اشکالی نباشد و مسلماً خدا آمرزنده و مهربان است. (۵۰)

نوبت هر يك از زنان را که بخواهی عقب بیانداز، و هر کدام را که خواستی پیش خود جا بده. همین‌طور هر کدام از زنان را که از او کناره‌جویی کردی و دوباره خواستی بپذیری، این‌کار اشکالی برای تو ندارد. این‌کار به خاطر این است که چشم آن‌ها روشن شود و غصه نخورند و همه به آنچه به آن‌ها دادی راضی باشند. خدا آنچه در دل شما است می‌داند. خدا دانا و بردبار است. (۵۱) بعد از این هیچ زنی بر تو حلال نیست و حق تبدیل زن (جایگزین کردن زنی با زن دیگر) را هم نداری، هر چند زیبایی آن‌ها تو را به شگفت آورد، مگر آن‌ان‌که مالک شدی. خدا مراقب هر چیزی است. (۵۲) ای افراد باایمان، فقط موقعی وارد خانه‌های پیغمبر شوید که برای غذا خوردن به شما اجازه داده شده باشد، بدون این‌که منتظر آمدن غذا باشید. ولی وقتی از شما دعوت شد وارد شوید و پس از خوردن غذا خارج شوید و دنبال صحبت کردن نباشید. این کار پیغمبر را ناراحت می‌کند، ولی از شما خجالت می‌کشد که بگویید، ولی خدا از گفتن حقیقت خجالت نمی‌کشد. و وقتی از زن‌ها چیزی خواستید از پشت پرده بخواهید. این برای پاک‌ی دل شما و دل آن‌ها بهتر است. سزاوار شما نیست که باعث ناراحتی پیغمبر خدا شوید. و با زنان پیغمبر بعد از او ازدواج نکنید، این کار پیش خدا گناه بزرگی است. (۵۳) اگر چیزی را آشکار یا مخفی کنید، خدا هر چیزی را می‌داند. (۵۴)

در مورد پدران و فرزندان و برادران و پسربرادر و پسرخواهر و زنان و کنیزانشان اشکالی بر آن‌ها وارد نیست (که جلو آن‌ها بدون حجاب باشند). از نافرمانی خدا بترسید، چون خدا شاهد هر چیزی است. (۵۵) خدا و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند. ای افراد باایمان، بر پیغمبر درود بفرستید و کاملاً تسلیم دستورهای او باشید. (۵۶) کسانی‌که خدا و پیغمبرش را اذیت می‌کنند، خدا آن‌ها را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور می‌کند و عذاب خوارکننده‌ای برای آن‌ها آماده ساخته. (۵۷) افرادی که مردان و زنان مؤمن را، بدون آن‌که کار زشتی کرده باشند، اذیت می‌کنند تهمت و گناه روشنی به گردن گرفته‌اند. (۵۸) ای پیغمبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو که پوشش‌های خود را به خود گیرند. این کار بهتر است تا شناخته شوند، و مورد اذیت قرار نگیرند. خدا آمرزنده و مهربان است. (۵۹) اگر منافقین و افرادی که سوءنیتی دارند و اراجیف‌گویان در شهر دست از کار خود برندارند، تو را بر آن می‌داریم که با آن‌ها مبارزه کنی، بعد فقط مدت کمی در شهر کنار تو می‌مانند. (۶۰) ملعون خواهند بود و هر جا که پیدا شوند دستگیر و کشته می‌شوند. (۶۱) این روش (سنت و طرز عمل) خدا در مورد کسانی است که قبلاً از دنیا رفتند، و تغییری در سنت خدا پیدا نمی‌کنی. (۶۲)

مردم درباره قیامت از تو سؤال می‌کنند. بگو: علم آن فقط پیش خدا است. از کجا می‌دانی شاید قیامت نزدیک باشد. (۶۳) خدا افراد بی‌ایمان را از رحمت خود دور کرده و برای آن‌ها جهنم سوزان را آماده کرده. (۶۴) همیشه در آن خواهند بود و یار و یآوری پیدا نمی‌کنند. (۶۵) روزی که صورتشان در آتش برگردانده می‌شود، می‌گویند: ای کاش ما از خدا و پیغمبر اطاعت می‌کردیم. (۶۶) و گفتند (خواهند گفت): خداوندا ما از آقایان و بزرگانمان اطاعت کردیم، آن‌ها ما را گمراه کردند. (۶۷) خداوندا، عذاب آن‌ها را چندبرابر بده و آن‌ها را هر چه بیشتر از رحمت خود دور ساز. (۶۸) ای افراد باایمان، شما مثل کسانی‌که موسی را اذیت کردند نباشید. خدا او را از حرف‌هایی که درباره‌اش می‌زدند مبرا ساخت و پیش خدا آبرومند بود. (۶۹) ای افراد باایمان، از نافرمانی خدا بترسید و حرف درست بزنید. (۷۰) تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهان شما را بیامرزد. کسی‌که از خدا و پیغمبرش اطاعت کند قطعاً موفق شده است. (۷۱) ما امانت را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، ولی آن‌ها از به عهده‌گرفتن آن خودداری کردند و از این کارترسیدند، ولی انسان آن را به عهده گرفت، چون انسان ظالم و نادان است. (۷۲) تا خدا مردان و زنان منافق و مشرک را عذاب کند و توبه مردان و زنان مؤمن را بپذیرد. خدا آمرزنده و مهربان است. (۷۳)

سوره سبا (۳۴)

مکی و شامل پنجاه و چهار آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ستایش و بزرگداشت فقط اختصاص به خدا دارد که هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است مال اوست، و در آخرت هم ستایش اختصاص به او دارد، و او حکیم و آگاه است. (۱) آنچه در زمین فرو می‌رود، و آنچه از آن بیرون می‌آید، و آنچه از آسمان پایین می‌آید و آنچه در آن بالا می‌رود را می‌داند، و مهربان و آمرزنده است. (۲) افراد بی‌ایمان گفتند: قیامت برای ما نخواهد آمد. بگو: به خداوندی که غیب را می‌داند قسم که سراغ شما خواهد آمد، و به اندازه ذره‌ای نه در آسمان‌ها و نه در زمین از او مخفی نیست، و کوچکتر و بزرگتری از آن وجود ندارد مگر این‌که در کتابی روشن ثبت است. (۳) تابه کسانی‌که ایمان آوردند و عمل درست کردند پاداش دهد. آن‌ها آمرزش و روزی پرارزشی دارند. (۴) کسانی‌که سعی در باطل جلوه دادن آیات ما کردند تا ما را عاجز کنند، عذابی پردرد دارند. (۵) دانشمندان متوجه هستند که قرآنی که از خداوندت به تو نازل شده حق است، و به راه خداوند توانا و ستوده راهنمایی می‌کند. (۶) کفار گفتند: آیا مردی را به شما نشان بدهیم که به شما خبر می‌دهد که وقتی از هم متلاشی شدید دوباره در خلقت جدیدی در خواهید آمد؟ (۷)

(می‌گویند: او) دروغ‌هایی را به هم بافته و از قول خدا می‌گوید یا دیوانه است. این‌طور نیست، بلکه کسانی‌که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی زیادی هستند. (۸) آیا متوجه آسمان و زمینی که جلوی آن‌ها و پشت سرشان است نشده‌اند؟ اگر بخواهیم آن‌ها را در زمین فرو می‌بریم یا سنگ‌هایی از آسمان بر سرشان می‌اندازیم. در این امور قطعاً نشانه‌ای برای هر بنده توبه‌کننده‌ای وجود دارد. (۹) ما از طرف خودمان به داود برتری دادیم، (و گفتیم: ای کوه‌ها و ای پرندگان با او هم‌صدا شوید. و آهن را برای او نرم کردیم، (۱۰) (و گفتیم: زره بساز و حلقه‌های آن را درست اندازه‌گیری کن، و کار صحیح بکنید. من کارهایی را که می‌کنید می‌بینم. (۱۱) و باد را رام سلیمان کردیم که رفتن صبحگاه آن به اندازه یک ماه بود و برگشت شبانه‌اش به اندازه راه یک ماه، و چشمه مس را برای او روان ساختیم، و عده‌ای از جنی‌ها به فرمان خداوندش پیش او کار می‌کردند. به هر کدام از آن‌ها که از دستور ما سرپیچی می‌کرد، عذاب آتش سوزان را می‌چشاندیم. (۱۲) برای او هر چه می‌خواست، از پرستشگاه‌ها و مجسمه‌ها و کاسه‌های بزرگ مثل حوض و دیگ‌های بزرگ به زمین چسبیده، می‌ساختند. ای آل داود، شکرگزاری کنید که عده کمی از بندگان من شکرگزار هستند. (۱۳) چون مرگ او را مقرر داشتیم، فقط موریانه‌ای که عصای او را می‌خورد افراد را بر مرگش آگاه ساخت. چون افتاد، جنیان دانستند که مرده. اگر غیب می‌دانستند در عذاب خفت‌آور نمی‌ماندند. (۱۴)

برای مردم سبا در منازلشان نشانه‌ای وجود داشت. دو باغ در طرف راست و چپ داشتند. گفتیم: از روزی خداوندتان بخورید و شکر او را به جا آورید، در سرزمینی پاک و خداوندی آمرزنده. (۱۵) آن‌ها قبول نکردند، بنابراین سیل بنیان‌کن را بر آن‌ها فرستادیم. باغ‌هایشان را به دوباغی که میوه‌های تلخ و شوره‌گز و مقدار کمی سدر داشت تبدیل کردیم. (۱۶) این مجازات به سبب کفرشان بود. آیا غیر از این است که ما افراد حق‌ناشناس را مجازات می‌کنیم؟ (۱۷) بین آن‌ها و شهرهایی که به آن‌ها برکت داده بودیم شهرهایی نزدیک به هم قرار دادیم و رفت و آمد میان آن‌ها را مقرر کردیم. گفتیم: در آن‌ها شبها و روزها با آرامش خیال رفت و آمد کنید. (۱۸) گفتند: خداوند، بین سفرهای ما فاصله بیانداز و به خودشان ظلم کردند. آن‌ها را موضوع صحبت افراد ساختیم و آن‌ها را به طور کامل پراکنده کردیم. در این کار عبرتی برای هر فرد صبور و سپاسگزار وجود دارد. (۱۹) شیطان گمانش را در مورد آن‌ها ثابت کرد. آن‌ها از شیطان پیروی کردند، غیر از عده‌ای از افراد باایمان. (۲۰) شیطان تسلطی بر آن‌ها نداشت، این کار برای این است که کسی را که به آخرت ایمان دارد از کسی‌که شک دارد تشخیص بدهیم. خداوند تو حافظ هر چیزی است. (۲۱) بگو: کسانی را که غیر از خدا کاره‌ای حساب می‌کنید به کمک بخوانید. آن‌ها به اندازه ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین اختیار چیزی را ندارند و در آن‌ها شرکتی ندارند و کسی از آن‌ها مددکار خدا نیست. (۲۲)

شفاعت پیش خدا فایده ای ندارد مگر برای کسی که خودش درباره او اجازه دهد. وقتی که ترس از دل آن‌ها برطرف شود به آن‌ها می‌گویند: خداوند شما چه گفت؟ می‌گویند: حقیقت را گفت، و خدا والا و بزرگ است. (۲۳) بگو: چه کسی از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟ بگو: خدا. ما یا شما بر هدایت یا گمراهی واضحی هستیم. (۲۴) بگو: شما درباره گناهانی که ما کرده ایم مورد بازخواست قرار نمی‌گیرید، و ما هم درباره کارهایی که شما می‌کنید بازخواست نمی‌شویم. (۲۵) بگو: صاحب‌اختیارمان همه ما را جمع می‌کند و بین ما به حق قضاوت می‌کند. او قاضی دانایی است. (۲۶) بگو: کسانی را که شریک خدا ساخته‌اید به من نشان دهید. این‌طور که فکر می‌کنید نیست، بلکه او خدای توانا و حکیم است. (۲۷) ما تو را برای مژده دادن و هشدار دادن به همه مردم فرستاده ایم، ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۲۸) می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده چه وقت خواهد بود؟ (۲۹) بگو: برای شما روزی قرار است که ساعتی از آن عقب نمی‌افتید یا از آن جلو نمی‌زنید. (۳۰) افراد بی‌ایمان گفتند: ما هرگز به این قرآن و به آنچه قبل از آن نازل شده ایمان نمی‌آوریم. کاش موقعی را که افراد ظالم در مقابل خداوندشان ایستاده‌اند می‌دید که بعضی از آن‌ها با برخی گفتگو می‌کنند، زیردستان به گردنکشان می‌گویند: اگر شما نبودید ما ایمان می‌آوردیم. (۳۱)

گردنکشان به زیردستان می‌گویند: آیا وقتی هدایت برای شما آمد، ما از شما جلوگیری کردیم؟ شما خودتان گناه‌کار بودید. (۳۲) زیردستان به گردنکشان می‌گویند: این‌طور نیست، بلکه حقه‌بازی شب و روز شما بود که ما را مشرک کرد، آن وقتی که به ما امر می‌کردید که منکر خدا شویم و برای او شریکانی بسازیم. و چون عذاب را ببینند، پشیمانی خود را در دل پنهان می‌کنند، و غل‌ها را به گردن افراد بی‌ایمان می‌گذاریم. آیا جزایی غیر از جزای کارهایی که می‌کردند به آن‌ها داده می‌شود؟ (۳۳) ما هیچ پیغمبری را به شهری نفرستادیم مگر این‌که قدرتمندان و ثروتمندان آن گفتند: ما رسالتی را که شما دارید قبول نداریم. (۳۴) گفتند: ما مال و فرزند بیشتری داریم و عذاب نخواهیم شد. (۳۵) بگو: خداوند من رزق (روزی) را برای هر کسی که بخواهد زیاد یا کم می‌کند، ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۳۶) مال و فرزند شما چیزی نیست که شما را به ما نزدیک کند، مگر مال و اولاد کسی که ایمان داشته و عمل درست کرده باشد. آن‌ها به خاطر کارهایی که کرده‌اند پاداش دوبرابر دارند و در غرفه‌های بهشت آسوده‌خاطر هستند. (۳۷) افرادی که در باطل ساختن آیات ما کوشش می‌کنند در عذاب حاضر می‌شوند. (۳۸) بگو: خداوند من روزی را برای هر کس از بندگان که بخواهد زیاد یا کم می‌کند. هر چیزی را که انفاق کنید، خدا عوض آن را به شما می‌دهد. او بهترین روزی‌دهندگان است. (۳۹)

روزی که خدا همه آن‌ها را جمع می‌کند، به فرشتگان می‌گوید: آیا این‌ها شما را بندگان می‌کردند؟ (۴۰) فرشتگان می‌گویند: تو پاک، تو یاور ما هستی، نه آن‌ها. آن‌ها جن‌ها را بندگان می‌کردند و بیشترشان به جن‌ها ایمان داشتند. (۴۱) امروز بعضی از شما برای بعضی نفع و ضرری ندارند، و به ظلم‌کنندگان می‌گوییم: عذاب آتشی را که منکر آن می‌شدید بچشید. (۴۲) وقتی آیات روشن ما بر آن‌ها خوانده شود، می‌گویند: این مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدران‌تان می‌پرستیدند باز دارد. و می‌گویند: این حرف‌ها دروغی است که سر هم شده. کافران وقتی حق برای آن‌ها بیاید می‌گویند: این فقط سحر و جادوی است. (۴۳) ما به آن‌ها کتاب‌هایی نداده بودیم که بخوانند، و قبل از تو کسی را که به آن‌ها هشدار دهد برای آن‌ها نفرستاده بودیم. (۴۴) کسانی که قبل از آن‌ها بودند نیز انکار کردند. این‌ها به یک دهم چیزی که به آن‌ها داده بودیم نرسیده‌اند، آن‌ها پیغمبران مرا انکار کردند، مجازات من چطور بود؟ (۴۵) بگو: من شما را به یک کار سفارش می‌کنم، که دوتایی یا یکنفره برای خدا بلند شوید و بعد فکر کنید. رفیق شما دیوانه نیست. او فقط قبل از رسیدن عذاب شدید به شما هشدار می‌دهد. (۴۶) بگو: هر مزدی که من از شما خواسته‌ام، برای خودتان است، مزد من بر عهده خداست، خدا شاهد هر کاری است. (۴۷) بگو: خداوند من حقیقت را می‌گوید، او دانای غیب‌ها است. (۴۸)

بگو: حق آمد و باطل دیگر نمی‌تواند کاری کند و بر نمی‌گردد. (۴۹) بگو: اگر من گمراه شوم بر ضرر خودم گمراه شده‌ام، و اگر هدایت شوم به سبب چیزی است که خداوند من وحی می‌کند. خدا شنوا و نزدیک ما است. (۵۰) کاش آن وقتی را که

دچار وحشت می‌شوند می‌دید، راه گریزی وجود ندارد و از جای نزدیکی آن‌ها را می‌گیرند. (۵۱) می‌گویند: به آن ایمان آوردیم. چگونه می‌توانند از راه دور به آن دسترسی پیدا کنند؟ (۵۲) در صورتی که قبلاً منکر آن می‌شدند و از راه دور به غیب تهمت می‌زنند. (۵۳) بین آن‌ها و آنچه میل دارند فاصله ایجاد شد. همان‌طور که قبلاً با امثال آن‌ها شد، آن‌ها در شك و تردید بودند. (۵۴)

سوره فاطر (۳۵)

مکی و شامل چهل و پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ستایش و بزرگداشت فقط مخصوص خداست که آفریننده آسمان‌ها و زمین است. خدایی که فرشتگان را رسول قرار داد، فرشتگانی که دارای دو بال و سه بال و چهار بال هستند، و در آفرینش هر چه بخواهد زیاد می‌کند، چون خدا بر هر کاری تواناست. (۱) در هر رحمتی راکه خدا برای مردم باز کند، کسی که بتواند جلوی آن را بگیرد وجود ندارد. و جلوی هر چیز را که بگیرد، کسی غیر از او نمی‌تواند آن را بفرستد، او توانا و حکیم است. (۲) ای مردم، نعمت خدا را بر خودتان به یاد داشته باشید، آیا خالقی غیر از خدا از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و از دستورهایش بدون چون و چرا پیروی کنید) غیر از او نیست، چگونه منحرف می‌شوید؟ (۳)

اگر تو را به دروغگویی متهم می‌کنند، بدان که پیغمبران قبل از تو نیز به دروغگویی متهم شدند، و تمام کارها به خدا برگردانده می‌شود. (۴) ای مردم، وعده خدا حق است، زندگی دنیا و شیطان فریبکار شما را فریب ندهد. (۵) شیطان دشمن شما است، او را دشمن خود بدانید. او دار و دسته خود را به کمک می‌خواند تا از اهل آتش باشند. (۶) کسانی که منکر شدند، عذاب سختی دارند و کسانی که ایمان آوردند و عمل صحیح کردند، آموزش و پاداش بزرگی دارند. (۷) آیا کسی که کار بدش در نظرش زینت داده شده و آن را خوب می‌پندارد (مثل کسی است که این‌طور نیست)؟ خدا هر کس را که بخواهد گمراه می‌کند و هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند، جانث به‌خاطر افسوس به حال آن‌ها از دست نرود. خدا کارهایی را که می‌کنند می‌داند. (۸) خدا وجودی است که با دها را فرستاد تا ابرها را به حرکت درآورد و آن را به سرزمین مرده رانندیم و به وسیله آن زمین را بعد از مردنش زنده کردیم. زنده شدن مردگان در قیامت هم این‌طور است. (۹) کسی که عزت می‌خواهد، بداند که تمام عزت به خدا اختصاص دارد. سخن پاک به سوی او بالا می‌رود، و کار صحیح آن را بالا می‌برد. کسانی که نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی دارند و حيله‌هایشان از بین می‌رود. (۱۰) خدا شما را از خاک و بعد از نطفه خلق کرد، آنگاه شما را همسر هم ساخت. هیچ زنی آبستن نمی‌شود و نمی‌زاید مگر با اطلاع او، و عمر هیچ‌کس زیاد و کم نمی‌شود مگر این‌که در کتابی ثبت است. این کار برای خدا آسان است. (۱۱)

دو دریا با هم مساوی نیستند، این یکی شیرین و گوارا است و آن یکی تلخ و شور. از هر کدام آن‌ها گوشت تازه می‌خورید، و از آن زیوری که بر تن می‌کنید در می‌آورید. و کشتی را می‌بینی که برای این‌که مخارج زندگی را به دست بیاورید آبها را می‌شکافد، شاید شما سپاسگزاری کنید. (۱۲) شب را داخل روز می‌کند و روز را داخل شب، و خورشید و ماه را مسخر کرده که هر یک تا مدت معلومی حرکت می‌کند. این خداست که صاحب اختیار شما است و فرمانروایی هم مال او است، و کسانی را که غیر از او به کمک می‌خوانید اختیاردار چیزی، حتی به اندازه پوست هسته خرمایی هم نیستند. (۱۳) اگر آن‌ها را صدا بزنید صدای شمارا نمی‌شنوند، و اگر بشنوند جوابتان را نمی‌دهند، و روز قیامت منکر شرك شما می‌شوند، و هیچ‌کس مثل خدای آگاه تو را خبردار نمی‌کند. (۱۴) ای مردم، شما به خدا احتیاج دارید، در صورتی که خدا بی‌نیاز و ستوده است. (۱۵) اگر بخواهد شما را از بین می‌برد و افراد تازه‌ای بوجود می‌آورد. (۱۶) این‌کار برای خدا سخت نیست. (۱۷) هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد، و اگر کسی که بار گناهش سنگین است دیگران را برای برداشتن آن به کمک بخواند، هیچ‌کس هر چند قوم و خویش او باشد ذره‌ای از بارش را بر نمی‌دارد. تو فقط کسانی را هشدار می‌دهی که در نهان از خداوندشان می‌ترسند و نماز را به پا می‌دارند. هر کس پاک شد به نفع خودش پاک شده، و بازگشت همه به سوی خدا است. (۱۸)

کور و بینا با هم مساوی نیستند. (۱۹) تاریکی و روشنی هم با هم مساوی نیستند. (۲۰) سایه و حرارت آفتاب هم با هم مساوی نیستند. (۲۱) زنده‌ها و مرده‌ها هم با هم مساوی نیستند. خدا به هر کسی که بخواد حرف را می‌فهماند، و تو نمی‌توانی به کسی که مرده و در قبر است حرف را بفهمانی. (۲۲) تو فقط هشدار دهنده‌ای. (۲۳) ما تو را به حق برای مؤذنه دادن و هشدار دادن فرستادیم. در بین هر امتی کسی که به آن‌ها هشدار بدهد وجود داشته. (۲۴) اگر منکر رسالت تو می‌شوند، کسانی هم که قبل از آن‌ها بودند منکر پیغمبران‌شان، که معجزه و نوشته‌ها و کتاب روشن برای آن‌ها می‌آوردند، شدند. (۲۵) و منکران را دچار عذاب کردم، عذاب من چگونه بود؟ (۲۶) آیا نمی‌بینی که خدا باران را از آسمان نازل کرد و به وسیله آن میوه‌هایی که رنگ‌های آن با هم تفاوت دارد بوجود آوردیم، و کوه‌ها رگه‌های سفید و سرخ و سیاه و رنگ‌های مختلف دارند؟ (۲۷) همین‌طور مردم و حیوانات و چهارپایان که رنگ‌های مختلف دارند. از بین مردم فقط افراد دانا از نافرمانی خدا می‌ترسند، چون خدا توانا و آمرزنده است. (۲۸) کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز را به پا می‌دارند و از آنچه روزی آن‌ها کرده‌ایم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی امید دارند که ضرر ندارد. (۲۹) تا خدا پاداش آن‌ها را بطور کامل بدهد و از فضل خودش بر پاداش آن‌ها بیافزاید، چون خدا آمرزنده و قدرشناس است. (۳۰)

هر چه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و کتاب‌های قبلی را تصدیق می‌کند. خدا از کار بندگان خبر دارد و آن را می‌بیند. (۳۱) بعد کتاب را به بندگان برگزیده خودمان دادیم، ولی عده‌ای از آن‌ها به خودشان ظلم می‌کردند و عده‌ای از آن‌ها میانه‌رو بودند و عده‌ای از آن‌ها به فرمان خدا در کارهای خیر بر دیگران پیشی می‌گرفتند، این فضل بزرگی است. (۳۲) پاداش آن‌ها بهشت جاویدی است که وارد آن می‌شوند و با دستبندهای طلایی و مروارید آراسته می‌شوند و لباسشان در بهشت حریر است. (۳۳) و می‌گویند: ستایش فقط شایسته خداست که غم را از ما دور کرد، چون خداوند ما آمرزنده و قدرشناس است. (۳۴) خدایی که ما را از فضل خودش وارد سرای جاوید کرد که در آن رنج و خستگی به ما نمی‌رسد. (۳۵) ولی آتش جهنم برای کسانی است که منکر شدند، در آن نمی‌میرند و عذاب آن‌ها هم کم نمی‌شود، ما افراد حق‌نشناس را این‌طور مجازات می‌کنیم. (۳۶) آن‌ها در آتش جهنم فریاد می‌زنند که خداوند، ما را از این جا بیرون ببر، بعد از این برخلاف آنچه که می‌کردیم کار درست می‌کنیم. (به آن‌ها گفته می‌شود:) آیا به شما آنقدر عمر نداده بودیم که کسانی که باید متوجه شوند، متوجه بشوند و هشدار دهنده هم برای شما آمد؟ پس عذاب را بچشید، کسانی که ظلم می‌کنند یاوری نخواهند داشت. (۳۷) خدا غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند. او آنچه در دل‌هاست می‌داند. (۳۸)

او وجودی است که شما را در زمین جانشین گذشتگان کرد. کسی که انکار کرد این کفر به ضرر خودش است، و کفر افراد کافر فقط به خشم خداوندشان اضافه می‌کند، و کفر کافرین فقط به ضرر آن‌ها اضافه می‌کند. (۳۹) بگو: نظر شما درباره شریکانی که برای خدا درست کرده‌اید، و به جای خدا از آن‌ها کمک می‌خواهید چیست؟ به من نشان دهید که آن‌ها چه چیزی در زمین خلق کرده‌اند، یا این‌که آن‌ها در خلقت آسمان‌ها شریک خدا بوده‌اند؟ آیا به آن‌ها کتابی داده‌ایم و آن‌ها حالا دلیلی از آن دارند؟ این‌طور نیست، بلکه ستمکاران به یکدیگر وعده دروغ می‌دهند. (۴۰) خدا آسمان و زمین را از نابودی حفظ می‌کند، و اگر نابود شوند، کسی بعد از خدا نمی‌تواند آن‌ها را نگهدارد. خدا بردبار و آمرزنده است. (۴۱) سخت‌ترین قسم‌ها را به خدا خوردند که اگر پیغمبری برای آن‌ها بیاید بیشتر از همه امت‌ها هدایت می‌شوند، ولی وقتی هشدار دهنده‌ای برای آن‌ها آمد، فقط نفرت آن‌ها را اضافه کرد. (۴۲) این کار به سبب تکبر آن‌ها در زمین و نقشه‌های بدی بود که داشتند، در صورتی که نقشه بد فقط دامن طراحان آن را می‌گیرد. آیا غیر از این است که انتظار کاری را می‌کشند که با گذشتگان شده؟ در طرز کار خدا هیچ‌گاه تغییری پیدا نمی‌کند و هرگز در طرز کار خدا دگرگونی پیدا نمی‌کند. (۴۳) آیا در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کار کسانی که قبل از آن‌ها بودند چه بود؟ افرادی که نیروهایشان بیشتر از آن‌ها بود. هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین خدا را عاجز نمی‌کند، چون او دانا و توانا است. (۴۴)

اگر خدا مردم را به خاطر کارهایی که می‌کردند دچار عذاب می‌کرد، جان‌داری روی زمین باقی نمی‌گذاشت، ولی عذابشان را تا مدت معینی عقب می‌اندازد. وقتی مهلتشان به سر رسید، خود خدا به کار بندگانش بینا است. (۴۵)

سوره یس (۳۶)

مکی و شامل هشتاد و سه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

یس. (۱) قسم به قرآن حکیم، که تو از پیغمبرانی و در راه راست هستی. (۲ تا ۴) نزول قرآن از طرف خداوند توانای مهربان است. (۵) تا به قومی هشدار دهی که به پدرانشان هشدار داده نشده، و غافل هستند. (۶) سخن خدا درباره بیشتر آنها ثابت شده که ایمان نمی‌آورند. (۷) ما بر گردنشان غل (قید و بند) نهاده ایم که تا چانه‌هایشان رسیده و سرشان به طرف بالا است. (که پیش پای خود را نمی‌بینند). (۸) و جلوی آنها سدی و پشت آنها هم سدی قرار داده ایم، و چشم آنها را با پرده‌ای پوشانده ایم، بنابراین نمی‌بینند. (۹) برای آنها فرقی ندارد، چه به آنها هشدار بدهی چه ندهی ایمان نمی‌آورند. (۱۰) تو فقط کسی را هشدار می‌دهی که از قرآن پیروی کند و در نهان (از صمیم قلب) از (نافرمانی) خداوند رحمان بترسد، بنابراین به او مژده آمرزش و پاداش گرانقدر را بده. (۱۱) ما مرده‌ها را زنده می‌کنیم و کارهایی را که کرده‌اند و آثار آنها را می‌نویسیم، و هر چیزی را در کتابی روشن به حساب آورده ایم. (۱۲)

برای آنها مثلی بزن، مثل مردم شهری که فرستادگان پیش آنها آمدند. (۱۳) وقتی که دو نفر را پیش آنها فرستادیم. آنها را به دروغگویی متهم کردند. ما آن دونفر را با فرستادن سومی تقویت کردیم، و گفتند: ما برای هدایت شما فرستاده شده ایم. (۱۴) اهالی شهر گفتند: شما آدم‌هایی مثل ما هستید و خداوند رحمان پیامی نفرستاده است، شما دروغ می‌گویید. (۱۵) آنها گفتند: خداوند ما می‌داند که ما فرستادگان او هستیم. (۱۶) وظیفه ما فقط رساندن پیام واضح خداست. (۱۷) گفتند: ما شما را به فال بد گرفته‌ایم، اگر از این حرف‌ها دست برندارید شما را سنگسار می‌کنیم و عذاب پردردی از ما به شما می‌رسد. (۱۸) فرستادگان گفتند: نحسی شما از خودتان است، آیا وقتی به شما تذکر داده شد، چنین فکری می‌کنید؟ این‌طور نیست، بلکه شما قوم متجاوز می‌باشید. (۱۹) مردی دوان‌دوان از دورترین نقطه شهر آمد و گفت: ای قوم من، از پیغمبران پیروی کنید. (۲۰) از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و راه صحیح را شناخته‌اند. (۲۱) چرا کسی را که مرا آفریده و پیش او برگردانده می‌شوید بندگان نمی‌کنم؟ (۲۲) آیا غیر از خدا معبودهایی برای خود بسازم که اگر خداوند رحمان بخواهد ضرری به من بزند، شفاعت آنها ذره‌ای به درد من نمی‌خورد و نمی‌توانند مرا از آن نجات دهند؟ (۲۳) اگر چنین کنم، بطور واضحی در گمراهی هستم. (۲۴) من به خداوند شما ایمان آورده‌ام، حرف مرا بشنوید. (۲۵) (چون او را کشتند) به او گفته شد: وارد بهشت شو. او گفت کاش قوم من این را می‌دانستند. (۲۶) می‌دانستند که خداوند من مرا آمرزید و مرا گرامی ساخت. (۲۷)

بعد از آن هیچ سپاهی از آسمان برای عذاب قومش نفرستادیم، ما سپاهی برای عذاب نمی‌فرستیم. (۲۸) فقط یک صدای رعد آسا کافی بود و ناگهان همگی خاموش شدند (مردند). (۲۹) افسوس بر بندگان من، هر پیغمبری برای آنها آمد مسخره‌اش کردند. (۳۰) آیا ندیدند که چه جمعیت‌هایی را قبل از آنها هلاک کردیم، بطوری که پیش آنها بر نمی‌گردند؟ (۳۱) همه آنها را پیش ما حاضر می‌کنند. (۳۲) زمین مرده که ما آن را زنده کردیم برای آنها نشانه‌ای است، و از آن دانه خارج می‌کنیم و از آن می‌خورند. (۳۳) و در زمین باغ‌هایی از درختان خرما و انگور بوجود آوردیم، و چشمه‌ها در آن روان ساختیم. (۳۴) تا از میوه آن و دسترنج خود بخورند، آیا سپاسگزاری نمی‌کنند؟ (۳۵) پاک است خدایی که همه نر و ماده‌ها را آفرید، چه از قبیل آنچه زمین می‌رویاند و چه از خودشان و چه از چیزهایی که نمی‌دانند. (۳۶) شب نیز نشانه‌ای برای آنها است که روز را از آن جدا می‌کنیم و در تاریکی شب می‌مانند. (۳۷) خورشید در مداری که دارد در حرکت است، این تقدیر خداوند توانا و دانا است. (۳۸) ما برای ماه هم منازلی قرار دادیم تا به صورت شاخه خشک خرما

برگردد. (۳۹) نه خورشید می‌تواند به ماه برسد، و نه شب می‌تواند از روز جلو بزند، هر يك در مداری شناورند. (۴۰)

و نشانه دیگر این‌که ما فرزندان‌شان را در کشتی پر سوار کردیم. (۴۱) و چیزهایی شبیه آن آفریدیم تا سوار آن شوند. (۴۲) اگر بخواهیم آن‌ها را غرق می‌کنیم و کسی به فریاد آن‌ها نمی‌رسد و نجات پیدا نمی‌کنند. (۴۳) این‌کار فقط به‌خاطر رحمت ما و بهره‌مند شدن تا مدت معین است. (۴۴) وقتی به آن‌ها گفته شود: از عذابی که جلوی شما و پشت سر شما است بترسید تا به شما رحم شود، توجهی نمی‌کنند. (۴۵) هیچ آیه‌ای (نشانه‌ای) از آیات خداوندشان برای آن‌ها نیامد مگر این‌که از آن روگردانند. (۴۶) و چون به آن‌ها گفته شود که از آنچه خدا روزی شما کرده انفاق کنید، افراد بی‌ایمان به افراد باایمان می‌گویند: آیا به کسی غذا بدهیم که اگر خدا می‌خواست به او غذا می‌داد؟ شما فقط در گمراهی آشکاری هستید. (۴۷) و می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این عذابی که وعده می‌دهید چه موقع خواهد بود؟ (۴۸) این‌ها فقط انتظار يك صبحه (صدای رعدآسا) را می‌کشند که آن‌ها را در حالی‌که بگومگو می‌کنند فرا بگیرد. (۴۹) نمی‌توانند حتی سفارشی بکنند و پیش خانواده‌شان هم بر نمی‌گردند. (۵۰) در صور دمیده می‌شود و آن‌ها از قبرها بیرون می‌آیند و با سرعت پیش خداوندشان می‌روند. (۵۱) می‌گویند: وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاه خودمان بلند کرد؟ این همان چیزی است که خداوند رحمان وعده داده بود و پیغمبران راست می‌گفتند. (۵۲) این فقط يك صدای قوی خواهد بود، آن وقت همه پیش ما حاضر می‌شوند. (۵۳) امروز به هیچ‌کس به اندازه ذره‌ای ظلم نمی‌شود، و فقط به اندازه کاری که کرده‌اید پاداش می‌گیرید. (۵۴)

اهل بهشت امروز به خوشی سرگرم هستند. (۵۵) هم خودشان و هم همسرانشان زیر سایه، روی تخت‌ها تکیه داده‌اند. (۵۶) میوه و هر چه بخواهند در آنجا هست. (۵۷) سخن خداوند مهربان به آن‌ها سلام است. (۵۸) ای گناه‌کاران، امروز شما از آن‌ها جدا شوید. (۵۹) ای فرزندان آدم، آیا با شما عهد نبستم که شیطان را بندگی نکنید (از دستورهای شیطان پیروی نکنید)، چون‌که او دشمن آشکار شما است؟ (۶۰) و (فقط) بندگی مرا بکنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورها و نظرهای هیچ‌کس جز من نباشید)، راه راست این است. (۶۱) شیطان عده زیادی از شما را گمراه کرد، آیا تشخیص نمی‌دادید؟ (۶۲) این جهنمی است که به شما وعده داده شده بود. (۶۳) امروز به علت انکاری که می‌کردید وارد آن شوید. (۶۴) امروز دهانشان را می‌بندیم، و دست و پایشان شهادت می‌دهند که چه کرده‌اند. (۶۵) اگر بخواهیم چشمشان را کور می‌کنیم، آن وقت با سرعت به دنبال راه می‌گردند، اما چطور می‌توانند ببینند. (۶۶) اگر بخواهیم آن‌ها را در جایشان مسخ می‌کنیم (قدرت فکر کردن را از آن‌ها می‌گیریم) که نتوانند به جلو بروند یا به عقب برگردند. (۶۷) کسی را که پیر کنیم قوایش را می‌گیریم، آیا نمی‌فهمند؟ (۶۸) ما به پیغمبر شعر یاد ندادیم و شاعری سزاوار او نیست، این کتاب تذکری بیش نیست و قرآنی است روشن و روشن‌گر. (۶۹) تا به افراد زنده هشدار دهد و سخن خدا بر کافرین ثابت شود. (۷۰)

آیا ندیدند که ما به قدرت خودمان چهارپایانی برای آن‌ها آفریدیم و آن‌ها مالک آن‌ها هستند؟ (۷۱) آن‌ها را رام ایشان ساختیم، از بعضی برای سواری استفاده می‌کنند، و گوشت بعضی از آن‌ها را می‌خورند. (۷۲) و از آن‌ها منفعتهایی می‌برند، و از شیر آن‌ها می‌نوشند، آیا شکرگزاری نمی‌کنند؟ (۷۳) غیر از خدا معبودهایی (کسانی را که به درگاهشان دعا می‌کردند و به جای خدا از آن‌ها درخواست کمک می‌کردند) برای خود گرفتند تا از طرف آن‌ها یاری شوند. (۷۴) (کسانی را که غیر از خدا می‌خوانند) نمی‌توانند به آن‌ها کمکی کنند، ولی آن‌ها برای معبودانشان لشکر گوش به فرمانی هستند. (۷۵) حرف‌های آن‌ها تو را غصه‌دار نکند، ما آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانیم. (۷۶) آیا انسان توجه نداشت که ما او را از نطفه آفریدیم و حالا آشکارا مخالفت می‌کند؟ (۷۷) برای ما مثلی زد و گفت: چه کسی استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟ در حالی‌که خلقت خودش را فراموش کرد. (۷۸) بگو: همان وجودی که اولین بار به آن جان داده، زنده‌اش می‌کند و او طرز آفریدن هر چیز را می‌داند. (۷۹) وجودی که از درخت سبز برای شما آتش پدید آورد و شما از آن آتش روشن می‌کنید. (۸۰) آیا کسی‌که آسمان‌ها و زمین را آفرید قادر نیست که مثل آن‌ها را بیافریند؟ آری می‌تواند و او آفریدگار

دانا است. (۸۱) وقتی تصمیم به کاری بگیرد، فقط به آن می‌گوید: بشو. و همان‌طور می‌شود. (۸۲) خدایی که هستی هر چیزی در دست اوست و به طرف او برگردانده می‌شود، منزه (از هرگونه خطا) و والا است. (۸۳)

سوره صافات (۳۷)

مکی و شامل یکصد و هشتاد و دو آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به صف بستگان، و بازدارندگان، و خوانندگان کتاب الهی، که معبود شما فقط یکی است. (۱ تا ۴) خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌ها و خداوند مشرق‌ها است. (۵) ما آسمان دنیا را با ستارگان زینت دادیم. (۶) و از دسترس هر شیطان سرکشی حفظ کردیم. (۷) آن‌ها نمی‌توانند به ساکنان عالم بالا گوش بدهند، و از هر طرف رانده می‌شوند. (۸) به سختی رانده می‌شوند و عذاب پایداری دارند. (۹) مگر کسی که به سرعت (سخن را) برباید، که بلافاصله شهاب سوزانی او را تعقیب می‌کند. (۱۰) از آن‌ها بپرس که به نظرشان خلقت آن‌ها سخت‌تر است یا کسانی که ما خلق کردیم؟ ما آن‌ها را از گل چسبناک خلق کردیم. (۱۱) شاید تعجب کردی و آن‌ها هم مسخره می‌کنند. (۱۲) چون به آن‌ها تذکر داده شود، نمی‌فهمند. (۱۳) و وقتی آیه‌ای را ببینند، مسخره می‌کنند. (۱۴) و می‌گویند: این فقط سحر آشکاری است. (۱۵) آیا وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم، باز زنده می‌شویم؟ (۱۶) آیا پدران گذشته ما هم زنده می‌شوند؟ (۱۷) بگو: بلی، با خواری زنده می‌شوید. (۱۸) و آن فقط با صدایی شدید خواهد بود و آن وقت زنده می‌شوند و نگاه می‌کنند. (۱۹) و می‌گویند: وای بر ما، این روز جزاست. (۲۰) این همان روز حسابرسی است که منکر آن بودید. (۲۱) می‌گوییم: افراد ظالم و همفکرانشان و آنچه را غیر از خدا عبادت می‌کردند، جمع کنید و راه جهنم را به آن‌ها نشان دهید. (۲۲ و ۲۳) آن‌ها را نگه دارید، از آن‌ها سؤال می‌شود. (۲۴)

چرا به هم کمک نمی‌کنید؟ (۲۵) آن‌ها امروز تسلیم هستند. (۲۶) و بعضی به بعضی رو می‌کنند و از هم می‌پرسند. (۲۷) می‌گویند: شما با قدرت سراغ ما می‌آمدید. (۲۸) آن‌ها در جواب می‌گویند: این‌طور نیست، شما خودتان ایمان نداشتید. (۲۹) ما تسلطی بر شما نداشتیم، شما خودتان سرکش بودید. (۳۰) در نتیجه سخن خداوندمان درباره ما ثابت شد، ما عذاب را می‌چشیم. (۳۱) ما شما را گمراه کردیم، چون خودمان گمراه بودیم. (۳۲) در آن روز آن‌ها در عذاب با هم شریک هستند. (۳۳) مابا گناه‌کاران این‌طور عمل می‌کنیم. (۳۴) آن‌ها کسانی بودند که وقتی به آن‌ها گفته می‌شد که معبودی غیر از خدا وجود ندارد، تکبر می‌ورزیدند (قبول نمی‌کردند). (۳۵) و می‌گفتند: آیا به‌خاطر شاعر دیوانه‌ای معبودهای خود را ترک کنیم؟ (۳۶) این‌طور نیست، پیغمبر حقیقت را برای آن‌ها آورده، و پیغمبران گذشته را تصدیق کرده است. (۳۷) شما عذاب پردردی را خواهید چشید. (۳۸) و مجازاتی غیر از مجازات کارهایی که می‌کردید، نخواهید شد. (۳۹) غیر از بندگان پاک خدا که روزی معینی دارند. (۴۰ و ۴۱) انواع میوه‌ها را دارند و آن‌ها در بهشت پر نعمت مورد احترام هستند. آن‌ها روی تخت‌ها مقابل هم قرار دارند. (۴۲ تا ۴۴) کاسه‌ای از نوشیدنی سفید پاک که برای نوشندگان لذتبخش است، در اطراف آن‌ها می‌گردانند. باعث سردرد نمی‌شود و مست هم نمی‌شوند. (۴۵ تا ۴۷) زنانی باحیا و چشم‌درشت مثل تخم سفید پوشیده هستند. (۴۸ و ۴۹) بعضی از آن‌ها به بعضی رو کرده و سؤال می‌کنند. (۵۰) یکی از آن‌ها می‌گوید که گویا من در دنیا همنشینی داشتم، (۵۱)

که به من می‌گفت: آیا تو حرف پیغمبران را تصدیق می‌کنی؟ (۵۲) آیا وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم، جزای اعمالمان را می‌بینیم؟ (۵۳) آیا شما اطلاع دارید که او کجا است؟ (۵۴) پس نگاه می‌کند و او را در وسط جهنم می‌بیند. (۵۵) و می‌گوید: به خدا قسم نزدیک بود مرا هلاک کنی، (۵۶) اگر لطف خدا نبود من هم از کسانی بودم که در جهنم حاضر شده‌اند. (۵۷) آیا ما دیگر نمی‌میریم؟ (۵۸) غیر از همان مرگ اولمان و عذاب هم نمی‌شویم؟ (۵۹) واقعاً این موفقیت بزرگی است. (۶۰) عمل‌کنندگان باید برای چنین موفقیتی عمل کنند. (۶۱) آیا این (موفقیت) بهتر است یا درخت زقوم؟ (۶۲) ما آن را وسیله رنج کسانی که ظلم می‌کنند (و انصاف و عدالت را زیر پا می‌گذارند) ساختیم. (۶۳) زقوم درختی است که از ته جهنم می‌روید. (۶۴) میوه‌اش شبیه سر شیطان‌ها است. (۶۵) جهنمی‌ها از آن می‌خورند و شکمشان را از آن

پر می‌کنند. (۶۶) روی آن مخلوطی از آب جوش برای خوردن دارند. (۶۷) آن‌ها به جهنم برمی‌گردند. (۶۸) آن‌ها پدرانشان را گمراه یافتند. (۶۹) ولی با شتاب دنبال راه و روش آن‌ها می‌روند. (۷۰) بیشتر گذشتگان قبل از آن‌ها گمراه بودند. (۷۱) ما بین آن‌ها هشداردهندگانی فرستادیم. (۷۲) نگاه کن عاقبت کسانی که به آن‌ها هشدار داده شد چه بود. (۷۳) به غیر از بندگان خالص خدا (کسانی که بنده و مطیع محض دستورهای هیچ‌کس جز خدا نیستند و فقط خدا را بزرگ می‌شمارند). (۷۴) نوح ما را صدا زد و ما اجابت‌کننده خوبی بودیم. (۷۵) او و خانواده‌اش را از غصه بزرگ نجات دادیم. (۷۶)

و نسل او را باقی گذاشتیم. (۷۷) در بین نسل‌های بعد نام او را باقی گذاشتیم. (۷۸) در بین مردم جهان، سلام بر نوح. (۷۹) ما به نیکوکاران این‌طور پاداش می‌دهیم. (۸۰) او از بندگان مؤمن ما بود. (۸۱) و دیگران را غرق کردیم. (۸۲) یکی از پیروان او ابراهیم بود. (۸۳) وقتی که بادی پاک رو به خدا آورد. (۸۴) وقتی که به پدر و قومش گفت: چه چیزی را بندگی می‌کنید؟ (۸۵) آیا غیر از خدا خواستار معبودهایی دروغین هستید؟ (۸۶) درباره صاحب‌اختیار مردم جهان چه فکر می‌کنید؟ (۸۷) بعد نگاهی به ستاره‌ها کرد. (۸۸) و گفت: من مریض هستم. (۸۹) آن‌ها او را به حال خود گذاشتند و رفتند. (۹۰) ابراهیم مخفیانه و با سرعت پیش بتهای آن‌ها رفت و به آن‌ها گفت: چرا چیزی نمی‌خورید؟ (۹۱) چرا حرف نمی‌زنید؟ (۹۲) بعد با دست راستش ضربتی به آن‌ها زد. (۹۳) قومش شتابان پیش او آمدند. (۹۴) ابراهیم گفت: آیا چیزی را که خودتان می‌سازید، عبادت می‌کنید؟ (۹۵) خدا شما و بتهایی را که می‌سازید آفریده. (امروز هم از افراد بت می‌سازند) (۹۶) گفتند: آتشگاهی برایش بسازید و او را در آتش بیاندازید. (۹۷) آن‌ها نقشه‌ای برایش داشتند، ولی ما آن‌ها را پست کردیم. (۹۸) ابراهیم گفت: من به طرف خداوند می‌روم، او مرا هدایت خواهد کرد. (۹۹) خداوند، فرزند صالحی به من عطا کن. (۱۰۰) به او مژده پسر بردباری را دادیم. (۱۰۱) چون به سن کار و کوشش رسید، ابراهیم به او گفت: پسر، خواب دیدم که سر تو را می‌برم، نظرت چیست؟ گفت پدر آنچه امر شده‌ای را انجام بده. اگر خدا بخواهد مرا از افراد صبور خواهی یافت. (۱۰۲)

چون هر دو تسلیم شدند و ابراهیم صورت پسرش را بر زمین نهاد، (۱۰۳) صدا زدیم که ای ابراهیم، خواب خود را ثابت کردی، ما به افراد نیکوکار این‌طور پاداش می‌دهیم. (۱۰۴ و ۱۰۵) این امتحان بزرگی بود و ما قربانی بزرگی را خون‌بهای او قرار دادیم. (۱۰۶ و ۱۰۷) و خاطره کار او را در بین نسل‌های بعد به جا گذاشتیم. (۱۰۸) سلام بر ابراهیم، ما به افراد نیکوکار این‌طور پاداش می‌دهیم. او از بندگان باایمان ما بود. (۱۰۹ تا ۱۱۱) به او مژده تولد اسحاق را، که پیغمبر و از افراد درستکار بود، دادیم. (۱۱۲) و به او و اسحاق برکت دادیم. عده‌ای از نسل آن‌ها نیکوکار بودند و عده‌ای به طور واضح به خودشان ظلم می‌کردند. (۱۱۳) به موسی و هارون هم نعمت دادیم. (۱۱۴) و آن‌ها و قومشان را از بلای بزرگ نجات دادیم. (۱۱۵) آن‌ها را یاری کردیم، آن‌ها پیروز شدند. (۱۱۶) و به آن‌ها کتاب روشن و روشن‌کننده (تورات) را دادیم. (۱۱۷) و آن‌ها را به راه راست هدایت کردیم. (۱۱۸) و خاطره آن‌ها را در نسل‌های بعد باقی گذاشتیم. (۱۱۹) سلام بر موسی و هارون، ما به نیکوکاران این‌طور پاداش می‌دهیم، آن‌ها از بندگان باایمان ما بودند. (۱۲۰ تا ۱۲۲) الیاس هم از پیغمبران بود. (۱۲۳) وقتی به قومش گفت: آیا از عذاب خدا نمی‌ترسید؟ (۱۲۴) آیا از بعل (نام یکی از بتهای) کمک می‌خواهید و بهترین آفریننده را ترک می‌کنید؟! (۱۲۵) صاحب‌اختیار شما و صاحب‌اختیار نیاکانتان فقط خداست (غیر از خدا هیچ‌کس ارباب و صاحب‌اختیار شما نیست). (۱۲۶)

ولی او را به دروغگویی متهم کردند، آن‌ها حتماً در جهنم حاضر خواهند شد. (۱۲۷) غیر از بندگان خالص خدا (که فقط بندگی خدا را می‌کنند و فقط از دستورهای او پیروی می‌کنند). (۱۲۸) در بین آیندگان اسم نیکی از او به جا گذاشتیم. (۱۲۹) سلام بر ال یاسین. (۱۳۰) ما به نیکوکاران این‌طور پاداش می‌دهیم. (۱۳۱) او از بندگان باایمان ما بود. (۱۳۲) لوط هم از پیغمبران بود. (۱۳۳) ما او و همه خانواده‌اش را نجات دادیم. (۱۳۴) غیر از پیرزنی که از باقیمانندگان بود. (۱۳۵) بعد دیگران را هلاک کردیم. (۱۳۶) شما صبح و شب از کنار آن‌ها رد می‌شوید، آیا متوجه نمی‌شوید؟ (۱۳۷ و ۱۳۸) یونس هم از پیغمبران بود. (۱۳۹) هنگامی که به سوی کشتی پرفرار کرد. (۱۴۰) قرعه‌کشی کردند و قرعه به نام یونس افتاد. (۱۴۱) (او را به

دریا انداختند) و ماهی او را بلعید، در حالی که یونس خود را سرزنش می‌کرد. (۱۴۲) اگر او خدا را به نیکی یاد نمی‌کرد. (۱۴۳) تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند. (۱۴۴) او را در حالی که بیمار بود به خشکی انداختیم. (۱۴۵) و کنار او بوته کدویی رویانیدیم. (۱۴۶) او را پیش صد هزار نفر یا بیشتر فرستادیم. (۱۴۷) آن‌ها ایمان آوردند و تا مدتی آن‌ها را از زندگی برخوردار ساختیم. (۱۴۸) از آن‌ها بپرس که آیا خداوند تو دختر دارد و آن‌ها پسر دارند؟ (۱۴۹) آیا فرشتگان را زن آفریدیم و آن‌ها هم شاهد بودند؟ (۱۵۰) بدان که آن‌ها با دروغگویی خود می‌گویند، (۱۵۱) که خدا بچه‌دار شده. آن‌ها دروغ می‌گویند. (۱۵۲) آیا خدا دختران را به پسران ترجیح داده؟ (۱۵۳)

چه دلیلی دارید؟ چگونه چنین نظری می‌دهید؟ (۱۵۴) آیا متوجه نیستید؟ (۱۵۵) آیا دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶) اگر راست می‌گویید، سندان را بیاورید. (۱۵۷) بین خدا و جن‌ها خویشاوندی قرار دادند، در صورتی که جن‌ها می‌دانند که برای حسابرسی احضار می‌شوند. (۱۵۸) خدا از این چیزهایی که می‌گویند پاک است. (۱۵۹) شما و آنان که عبادتشان می‌کنید، نیز احضار می‌شوید، غیر از بندگان خالص خدا (که فقط بندگی خدا را می‌کنند و فقط از دستورهای او پیروی می‌کنند). (۱۶۰ و ۱۶۱) شما نمی‌توانید آن‌ها را گمراه کنید. (۱۶۲) فقط کسی را که به جهنم می‌رود گمراه می‌کنید. (۱۶۳) فرشتگان می‌گویند: هر يك از ما جای معلومی دارد. (۱۶۴) ما به صف ایستاده‌ایم. (۱۶۵) و تسبیح خدا را می‌گوییم. (۱۶۶) مشرکان می‌گفتند: (۱۶۷) اگر کتابی مثل گذشتگان داشتیم، (۱۶۸) حتماً از بندگان خالص خدا بودیم. (۱۶۹) لذا منکر آن شدند، نتیجه آن را خواهند دانست. (۱۷۰) سخن ما درباره پیغمبران قبلاً گفته شده که آن‌ها یاری‌شدگانند و لشکر ما پیروزند. (۱۷۱ تا ۱۷۳) پس تا موقع خودش به آن‌ها کاری نداشته باش. (۱۷۴) آینده آن‌ها را ببین، آن‌ها هم خواهند دید. (۱۷۵) آیا عجله دارند که عذاب ما را ببینند؟ (۱۷۶) وقتی که عذاب ما به خانه آن‌ها وارد شود، روز بدی است. (۱۷۷) تا موقع خودش کاری به آن‌ها نداشته باش. (۱۷۸) ببین، آن‌ها هم خواهند دید. (۱۷۹) خداند تو که اقتدار و تسلط دارد، از آنچه آن‌ها می‌گویند پاک است. (۱۸۰) و سلام بر پیغمبران. (۱۸۱) و بزرگداشت فقط مال خداست که او (تنها) صاحب‌اختیار همه مردم جهان است. (۱۸۲)

سوره ص (۳۸)

مکی و شامل هشتاد و هشت آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

ص. قسم به قرآن که پر از پند و اندرز است. (۱) کافران دچار سرکشی و مخالفت هستند. (۲) چقدر نسل‌ها را قبل از آن‌ها هلاک کردیم. آن‌ها فریاد می‌زدند ولی فرصت فرار نبود. (۳) در تعجب‌اند که هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمده. افراد بی‌ایمان گفتند: این جادوگر دروغگویی است. (۴) آیا تمام خدایان را به يك خدا تبدیل کرده؟ این چیز عجیبی است. (۵) بزرگان آن‌ها راه افتادند و گفتند: بروید و بر پرستش معبودان خود ایستادگی کنید، این چیزی است که از شما خواسته شده. (۶) ما چنین حرفی در آیین قبل هم نشنیده‌ایم، این فقط حرف دروغی است. (۷) آیا قرآن از بین ما به او نازل شده؟ بلکه آن‌ها از قرآن من در شك هستند و به‌خاطر این است که هنوز عذاب را نچشیده‌اند. (۸) یا خزینه‌های رحمت خداوند توانای بخشنده تو در اختیار آن‌ها است؟ (۹) یا مگر فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌ها است مال ایشان است؟ پس باید با وسایلی که در اختیار دارند بالا بروند. (۱۰) آن‌ها لشکری از دستجات هستند که در آنجا شکست می‌خورند. (۱۱) قوم نوح و عاد و فرعون صاحب اهرام هم قبل از آن‌ها منکر شدند. (۱۲) و قوم ثمود و قوم لوط و اصحاب «ایکه»، همه آن دسته‌ها هم منکر شدند. (۱۳) همه آن‌ها منکر پیغمبران شدند، در نتیجه مستحق عذاب شدند. (۱۴) آن‌ها جز صدایی مرگبار و بی‌بازگشت را انتظار ندارند. (۱۵) گفتند: خداوند، سهم ما را قبل از روز حساب به ما بده. (۱۶)

درباره حرف‌هایی که می‌زنند صبر داشته باش، و بنده ما داود قدرتمند را به‌خاطر داشته باش، او توبه‌کننده بود. (۱۷) ما کوه‌ها را در اختیار او گذاشتیم که شب و صبح با او خدا را تسبیح می‌گفتند. (۱۸) و پرندگان جمع می‌شدند. همه پیش او برمی‌گشتند. (۱۹) و حکومتش را محکم ساختیم و به او حکمت و سخن قاطع دادیم. (۲۰) آیا خبر کسانی که با هم اختلاف داشتند، آن موقعی که از دیوار محراب بالا رفتند،

به تو رسید؟ (۲۱) وقتی بر داود وارد شدند و داود از آنها ترسید گفتند: نترس، ما دو نفر هستیم که با هم اختلاف داریم. یکی از ما به دیگری ظلم کرده، بین ما به حق حکم کن، و حق را در نظر داشته باش، و ما را به راه راست هدایت کن. (۲۲) این برادر من است و نود و نه میش دارد و من فقط یک میش دارم. به من می‌گوید که سرپرستی آن یکی را هم به من بده، و در گفتگو به من زور گفته. (۲۳) داود گفت: او به خاطر اینکه خواسته میش تو را به میش‌هایش اضافه کند، به تو ظلم کرده. عده زیادی از شریکان به شریک خود ظلم می‌کنند، غیر از مؤمنانی که درستکار هستند و عده این افراد هم کم است. داود فکر کرد که امتحانش کرده ایم، لذا از خداوندش طلب آمرزش کرد و به خاک افتاد و توبه کرد. (۲۴) پس گناهِش را بخشیدیم و به خود نزدیکش ساختیم و عاقبت به خیر شد. (۲۵) گفتیم: ای داود، ما تو را در زمین نماینده ساختیم، پس بین مردم به حق حکم کن و از دلخواه خود پیروی نکن، چون این‌کار تو را از راه خدا منحرف می‌کند. کسانی که از راه خدا منحرف شوند، چون روز حساب را فراموش کردند، عذاب سختی دارند. (۲۶)

ما آسمان و زمین و چیزهایی را که بین آنها است، بیهوده نیافریده ایم. این گمان افراد بی‌ایمان است. وای بر افراد بی‌ایمان از آتش جهنم. (۲۷) آیا ما افرادی را که ایمان آورده و کار درست کرده‌اند مثل کسانی که در زمین خرابکاری می‌کنند قرار می‌دهیم؟! یا پرهیزکاران را مثل بدکاران؟! (۲۸) قرآن کتاب مبارکی است که ما آن را به تو نازل کرده ایم تا در آیاتش بیاندیشند و خردمندان توجه پیدا کنند. (۲۹) ما سلیمان را به داود دادیم. چه بنده خوبی بود. او توبه‌کننده بود. (۳۰) وقتی طرف غروب اسبهای اصیل به او عرضه شد. (۳۱) گفت: من اسبها را بر ذکر خداوندم ترجیح دادم تا این‌که آنها پشت مانعی از دیده پنهان شدند. (۳۲) گفت: آنها را پیش من برگردانید و شروع کرد به دست کشیدن به پاها و گردن آنها. (۳۳) ما سلیمان را امتحان کردیم، و جسدی را روی تخت او انداختیم و او توبه کرد. (۳۴) گفت: خداوند، مرا بیامرز و حکومتی به من بده که بعد از من هیچ‌کس سزاوار آن نباشد، چون تو عطاکننده‌ای. (۳۵) باد را در اختیار او قرار دادیم که به فرمان او به هر جا که می‌خواست به نرمی روان می‌شد. (۳۶) و هر بنا و غواصی از شیطان‌ها و دیگران را در غل و زنجیز تحت فرمانش در آوردیم. (۳۷) و (۳۸) گفتیم: این عطای ماست، بی‌حساب ببخش یا نگهدار. (۳۹) او پیش ما تقرب و عاقبت خوبی داشت. (۴۰) و بنده ما ایوب را به یاد آور، موقعی که خداوندش را صدا زد که شیطان مرا به رنج و عذاب دچار کرده. (۴۱) به او گفتیم: با پایت به زمین بزن، این آبی سرد برای شستشو و نوشیدن است. (۴۲)

ما خانواده‌اش و مثل آنها را با آنها به او بخشیدیم، برای این‌که رحمتی از ما و پندی برای افراد خردمند باشد. (۴۳) و به او گفتیم: دسته‌ای ترکه (علف یا کاه) بگیر و با آن بزن و قسم خود را نشکن. ما او را صبور یافتیم، بنده خوب و توبه‌کننده بود. (۴۴) ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که قدرتمند و با بصیرت بودند یاد کن. (۴۵) ما آنها را با صفت خاصی، که به یاد سرای آخرت بودن بود، خالص کردیم. (۴۶) آنها پیش ما از افراد برگزیده و نیکوکار بودند. (۴۷) و اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را یادآوری کن، همه از نیکان بودند. (۴۸) این قرآن تذکری است و افراد پرهیزکار جای خوبی دارند. (۴۹) بهشت‌های جاویدی که درهای آن برای آنها باز است. (۵۰) در آن بهشت‌ها تکیه می‌دهند و میوه‌های زیاد و نوشیدنی می‌طلبند. (۵۱) و دختران باحیا و همسالی در کنار آنها هستند. (۵۲) این چیزهایی است که برای روز حساب به شما وعده داده شده. (۵۳) این روزی دادن ما است و تمام‌شدنی نیست. (۵۴) این وضع پرهیزکاران است، در صورتی که طغیانگران جای بدی دارند. (۵۵) آنها وارد جهنم می‌شوند و جهنم جای بدی است. (۵۶) این آب جوش و چرک است که باید بخورند. (۵۷) و عذاب‌های دیگر از همین شکل دارند. (۵۸) این‌ها عده‌ای هستند که با شما با فشار وارد جهنم می‌شوند و خوش‌آمدی برای آنها نیست، آنها وارد آتش جهنم می‌شوند. (۵۹) گفتند: شما هم خوش‌آمدی ندارید، شما این عذاب را برای ما فراهم کردید، اینجا جای بدی است. (۶۰) گفتند: خداوند، عذاب کسی را که این عذاب را برای ما فراهم کرد، چند برابر کن. (۶۱)

گویند: چرا مردانی را که جزو اشرار حساب می‌کردیم نمی‌بینیم؟ (۶۲) آیا آنها را مسخره کرده ایم یا از نظر دور مانده‌اند؟ (۶۳) این مجادله اهل آتش جهنم واقعاً راست است. (۶۴) بگو: من فقط هشدار می‌دهم و معبودی (کسی که در مقابل او احساس

یا ابراز کوچکی کنید و از دستورها و نظرهای او بدون چون و چرا پیروی کنید) غیر از خدای یگانه قهار وجود ندارد. (۶۵) خداوند آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست، که توانا و آمرزنده است. (۶۶) بگو: این خبر بزرگی است، (۶۷) که شما از آن روگردان هستید. (۶۸) من علمی به ساکنان عالم بالا، وقتی که با هم بگومگو می‌کردند، نداشتم. (۶۹) فقط به من وحی می‌شود که من هشداردهنده آشکاری هستم. (۷۰) وقتی که خداوند تو به فرشتگان گفت: من بشری را از گل می‌آفرینم. (۷۱) هنگامی که او را درست کردم و از روح خودم در او دمیدم، در مقابل او به سجده بیافتید. (۷۲) همه فرشتگان سجده کردند، غیر از شیطان که تکبر ورزید و قدرشناس بود. (۷۳ و ۷۴) خدا گفت: ای ابلیس، چه چیزی تو را از سجده کردن به بشری که با قدرت خودم آفریدم بازداشت؟ آیا تکبر ورزیدی یا دنبال برتری می‌گردی؟ (۷۵) شیطان گفت من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل. (۷۶) خدا گفت برو بیرون، تو رانده شده‌ای، (۷۷) و تا قیامت لعنت من بر تو است. (۷۸) شیطان گفت: خدایا، به من تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت بده. (۷۹) خدا گفت: تا روز وقت معلوم به تو مهلت داده شد. (۸۰ و ۸۱) شیطان گفت: قسم به عزت تو که همه آنها را گمراه می‌کنم، به جز بندگان خالص تو. (۸۲ و ۸۳)

خداوند گفت: این درست است و من هم حق را می‌گویم. (۸۴) من جهنم را از تو و همه پیروان تو پر می‌کنم. (۸۵) (ای پیغمبر) به مردم بگو: من از شما مزدی برای رسالت خود نمی‌خواهم و به دروغ ادعای پیغمبری نمی‌کنم. (۸۶) قرآن فقط تذکری برای کلیه افراد بشر است. (۸۷) و بعد از مدتی خبر آن را خواهید دانست. (۸۸)

سوره زمر (۳۹)

مکی و شامل هفتاد و پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

نازل شدن قرآن از طرف خداوند توانا و حکیم است. (۱) ما قرآن را به حق به تو نازل کردیم، بنابراین خدا را در حالی که دین را برای او خالص می‌کنی بندگی کن. (۲) بدانید که دین خالص برای خدا است، و کسانی که اولیایی غیر از خدا برای خود گرفته‌اند می‌گویند: ما اینها را فقط برای این عبادت می‌کنیم که ما را به خدا نزدیک کنند. خدا بین آنها در مورد چیزهایی که در آن اختلاف دارند حکم می‌کند، خدا آدم دروغگوی کافر را هدایت نمی‌کند. (۳) اگر خدا می‌خواست فرزندی بگیرد، مسلماً هر کس از مخلوقات خود را که می‌خواست انتخاب می‌کرد. او بالاتر از این حرفها است. او خداوند یگانه نیرومند است. (۴) آسمانها و زمین را به حق آفرید. شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب، و خورشید و ماه را مسخر کرد. هر یک تا مدت معینی حرکت می‌کنند. بدانید که او توانا و آمرزنده است. (۵)

او شما را از یک تن آفرید و همسرش را از جنس او قرار داد، و هشت جفت چهارپا برایتان آفرید. شما را در شکم مادرتان خلقی بعد از خلق دیگر در تاریکی‌های سه‌گانه می‌آفریند. این خدا، صاحب اختیار شماست. فرمانروایی اختصاص به او دارد. معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورها و نظرهای او باشید) غیر از او نیست. چطور و به کجا برگردانده می‌شوید؟ (۶) اگر ایمان نیاورید خدا از شما (و ایمانتان) بی‌نیاز است، ولی قدرشناسی را برای بندگان نمی‌پسندد. اگر قدردانی کنید، آن را برای شما می‌پسندد؛ و هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد. بعد هم بازگشت شما نزد خداوندتان است، و از کارهایی که می‌کردید آگاهتان می‌کند. او آنچه در سینه‌هاست می‌داند. (۷) وقتی ضرری به انسان می‌رسد، به طرف خدا رو می‌آورد و او را به کمک می‌خواند. ولی وقتی خدا نعمتی به او داد دعایی را که قبلاً می‌کرد فراموش می‌کند، و برای خدا شریکانی می‌سازد تا مردم را از راه خدا منحرف کند. بگو: با کفرت کمی برخوردار باش (لذت ببر) چون تو اهل آتش جهنمی. (۸) آیا این آدم بهتر است یا کسی که پاسی از شب را در حال سجده و ایستاده به دعا می‌پردازد و از آخرت می‌ترسد و امید رحمت خداوندش را دارد؟ بگو: آیا افراد دانا با افراد نادان مساویند؟ فقط خردمندان متوجه می‌شوند. (۹) بگو: ای بندگان با ایمان من، از نافرمانی خداوندتان بترسید. نیکوکاران در این دنیا پاداش نیکی دارند. زمین خدا پهناور است. پاداش افراد با استقامت بدون حساب به آنان داده می‌شود. (۱۰)

بگو به من امر شده که فقط بندگی خدا را بکنم، و خالصانه دین او را (پیروی کنم). (۱۱) امر شده ام که بیش از همه تسلیم خدا باشم. (۱۲) بگو: اگر نافرمانی خداوند را بکنم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. (۱۳) بگو: من مخلصانه خدا را بندگی می‌کنم و دینم برای اوست. (۱۴) پس شما جز او هر چه را می‌خواهید عبادت (بندگی) کنید. کسانی زیانکار هستند که روز قیامت خود و خانواده‌شان ضرر کرده باشند. بدانید ضرر آشکار این است. (۱۵) بر فرازشان سایبان‌های آتش و زیرشان طبقاتی از آتش است. این عذابی است که خدا بندگان را از آن می‌ترساند. ای بندگان من، از نافرمانی من حذر کنید. (۱۶) کسانی که از بندگی طاغوت (کسی که دستوری خلاف دستورهای خدا بدهد) خودداری کنند و به سوی خدا برگردند مژده دارند. پس به بندگان من مژده بده، (۱۷) آنان که به حرفها گوش می‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. این افراد هستند که خدا هدایتشان کرده و عاقل واقعی هستند. (۱۸) آیا تو می‌توانی کسی را که فرمان عذاب بر او مقرر شده و در آتش جهنم است، نجات دهی؟ (۱۹) اما کسانی که از نافرمانی خداوندشان ترسیدند، غرفه‌هایی دارند که روی آن غرفه‌هایی بنا شده و نهرها از زیر آن روان است. این وعده خداست و خدا عهدشکنی نمی‌کند. (۲۰) آیا ندیدی که خدا باران را از آسمان فرو فرستاد و آن را به چشمه‌هایی در دل زمین راه داد، و به وسیله آن رویدنی‌های رنگارنگ رویاند؟ بعد گیاهان خشک می‌شوند و آن را زرد می‌بینی، بعد آن را خرد و خاشاک می‌گرداند. در این کار تذکری و عبرتی برای خردمندان وجود دارد. (۲۱)

آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام (تسلیم خدا بودن) گشوده و بر نور هدایت الهی است با سنگدلان مساوی است؟ وای بر کسانی که به علت سنگدلی خدا را یاد نمی‌کنند. چنین افرادی در گمراهی آشکاری هستند. (۲۲) خدا بهترین سخن را به صورت کتابی (با آیاتی) مکرر و همانند (یعنی قرآن را) نازل کرد که پوست کسانی که از (نافرمانی) خداوندشان می‌ترسند از آن به لرزه درمی‌آید. بعد پوست و قلبشان با یاد خدا آرام می‌شود. این (قرآن) هدایت خداست، هر کس را که بخواهد با آن هدایت می‌کند. کسی را که خدا گمراه کند، هیچ راهنمایی برای او نیست. (۲۳) آیا کسی که روز قیامت با صورت خود از عذاب سخت جلوگیری می‌کند (با کسی که دچار عذاب نیست مساوی است؟) به کسانی که ظلم می‌کنند گفته می‌شود: عذاب را به خاطر کارهایی که می‌کردید بچشید. (۲۴) کسانی هم که قبل از آن‌ها بودند منکر عذاب شدند و عذاب از جایی که متوجه نبودند سراغ آن‌ها آمد. (۲۵) و در نتیجه خدا خواری را در دنیا به آن‌ها چشاند، و اگر بدانند عذاب آخرت قطعاً بزرگتر است. (۲۶) ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثلی زده ایم، شاید متوجه شوند. (۲۷) قرآنی به زبان عربی، بدون هیچ انحرافی، شاید پرهیزکار شوند. (۲۸) خدا مثل مردی را زد که چند ارباب دارد که با هم سازش ندارند، و مردی که تنها یک ارباب دارد. آیا این دو با هم مساوی هستند؟ ستایش و بزرگداشت فقط اختصاص به خدا دارد، ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۲۹) تو مردنی هستی و آن‌ها هم مردنی هستند. (۳۰) شما روز قیامت پیش خداوندتان بگومگو می‌کنید. (۳۱)

چه کسی ظالم‌تر از کسی است که از قول خدا دروغ بگوید؟ یا وقتی حرف راستی به او گفته شد منکر آن شود؟ آیا در جهنم برای افراد بی‌ایمان جا وجود ندارد؟ (۳۲) کسی که حرف راستی برای مردم آورد و کسانی که آن را تصدیق کردند افراد پرهیزکار هستند. (۳۳) هر چه بخواهند پیش خداوندشان دارند. پاداش نیکوکاران چنین است. (۳۴) تا خدا بدترین کارهایی را که کرده‌اند از آن‌ها دور سازد، و پاداش آن‌ها را مطابق بهترین کارهایی که کرده‌اند بدهد. (۳۵) آیا خدا برای بنده اش کافی نیست؟ تو را از کسانی غیر از خدا می‌ترسانند. هیچ‌کس نمی‌تواند کسی را که خدا گمراه کرده هدایت کند. (۳۶) و هیچ‌کس نیست که بتواند کسی را که خدا هدایت کرده گمراه کند. آیا خدا توانا و انتقام‌گیرنده نیست؟ (۳۷) اگر از آن‌ها بپرسی که چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده، حتماً می‌گویند خدا. بگو: نظر شما چیست؟ اگر خدا بخواهد ضرری به من بزند، آیا کسانی که غیر از خدا می‌خوانید، می‌توانند جلوی ضرر او را بگیرند؟ یا اگر بخواهد رحمتی به من برساند، آن‌ها می‌توانند جلوی رحمتش را بگیرند؟ بگو: خدا برای من کافی است، توکل‌کنندگان (فقط) بر او توکل می‌کنند. (۳۸) بگو: ای قوم من، هر چه از دستتان برمی‌آید بکنید، من هم کار خودم را می‌کنم. خواهید دانست که عذاب خوارکننده سراغ چه کسی خواهد آمد و عذاب دائمی بر چه کسی نازل می‌شود. (۳۹ و ۴۰)

ما قرآن را برای هدایت مردم به حق بر تو نازل کردیم. پس هر کس که هدایت شد به نفع خودش است و کسی که گمراه شد بر ضرر خودش است، و تو وکیل آن‌ها نیستی. (۴۱) خدا روح انسان‌ها را موقع مرگ می‌گیرد، و همین‌طور در خواب روح کسی را که نمرده می‌گیرد، و روح کسی را که موقع مرگش شده نگاه می‌دارد، و روح کسی را که مرگش نرسیده تا مدت معینی به جسم او پس می‌فرستد. در این‌کار نشانه‌هایی برای افرادی که فکر می‌کنند وجود دارد. (۴۲) آیا شفیعانی غیر از خدا برای خود گرفته‌اند؟ بگو: اگر چه آن‌ها مالک هیچ چیز نباشند و عقلی هم نداشته باشند؟ (۴۳) بگو: شفاعت بطور کامل به خدا اختصاص دارد. فرمانروایی آسمان‌ها و زمین اختصاص به خدا دارد، بعد هم پیش او برگردانده می‌شوید. (۴۴) وقتی فقط صحبت از خدا (و نه افراد دیگری) شود، دل کسانی که ایمان به آخرت ندارند دچار نفرت می‌شود، و وقتی صحبت از افرادی غیر از خدا شود کیف می‌کنند. (۴۵) بگو: خداوند، ای آفریننده آسمان‌ها و زمین و ای داننده غیب و آشکار، تو بین بندگان درباره آنچه که اختلاف نظر داشتند حکم می‌کنی. (۴۶) کسانی که ظلم می‌کنند، اگر تمام چیزهایی را که در زمین وجود دارد و مانند آن را داشته باشند، حتماً آن را برای نجات از عذاب سخت روز قیامت می‌دهند، و چیزهایی برای آن‌ها روشن می‌شود که حساب آن را هم نمی‌کردند. (۴۷)

نتیجه کارهای بدی که کرده‌اند برای آن‌ها آشکار شده، و عذابی که مورد تمسخر قرار می‌دادند آن‌ها را در بر گرفته است. (۴۸) وقتی به انسان ضرری برسد ما را به کمک می‌خواند، و وقتی او را از نعمت خودمان برخوردار کنیم، می‌گوید: این به‌خاطر علم خودم به من داده شده. این‌طور نیست، این امتحانی است، ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند. (۴۹) افرادی هم که قبل از آن‌ها بودند همین را می‌گفتند و کارهایی که می‌کردند فایده‌ای برای آن‌ها نداشت. (۵۰) بنابراین نتیجه بد کارهایی که می‌کردند به آن‌ها رسید. و به کسانی از آن‌ها که ظلم می‌کردند کیفر کارهای بدی که می‌کردند خواهد رسید و جلوی آن را هم نمی‌توانند بگیرند. (۵۱) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هر کسی که بخواهد توسعه می‌دهد یا تنگ می‌سازد؟ در این مطلب نشانه‌هایی برای افراد باایمان وجود دارد. (۵۲) بگو: ای بندگان من که به ضرر خودتان زیاده‌روی کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، چون خدا همه گناهان را می‌بخشد. او آمرزنده مهربان است. (۵۳) به اطاعت خدا برگردید (توبه کنید) و قبل از این‌که عذاب بر شما وارد شود و کسی نتواند شما را یاری کند، تسلیم حکم و نظر خدا باشید. (۵۴) قبل از این‌که عذاب بطور ناگهانی و بدون این‌که توجه داشته باشید سراغ شما بیاید، از بهترین چیزی که از طرف خدا برای شما نازل شده (از قرآن) پیروی کنید. (۵۵) قبل از این‌که کسی بگوید: وای بر من، که در حضور خدا در کار خود کوتاهی کردم، من از کسانی بودم که عذاب خدا را مسخره می‌کردند. (۵۶)

یا بگوید: اگر خدا مرا هدایت می‌کرد حتماً از افراد پرهیزکار می‌شدم. (۵۷) یا موقعی که عذاب را ببیند بگوید: اگر عمر دوباره‌ای داشته باشم از نیکوکاران می‌شوم. (۵۸) (به او گفته خواهد شد که) آری، آیات من برای تو آمد، ولی تو منکر آن شدی و تکبر داشتی و منکر بودی. (۵۹) روز قیامت می‌بینی که صورت کسانی که از قول خدا دروغ گفتند سیاه است. آیا در جهنم برای افراد متکبر جا نیست؟ (۶۰) خدا افراد پرهیزکار را به علت کارهایی که موجب رستگاری آن‌ها شد نجات می‌دهد. بدی به آن‌ها نمی‌رسد و غصه‌ای نمی‌خورند. (۶۱) خدا خالق و وکیل هر چیز است. (۶۲) خزانه‌های آسمان‌ها و زمین مال او است. و کسانی که منکر آیات خدا شدند ضرر کرده‌اند. (۶۳) بگو: ای افراد نادان، آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را بندگی کنم؟ (۶۴) به تو و کسانی که قبل از تو بودند وحی شد که اگر شرک بیاوری عملت از بین می‌رود و از زیانکاران خواهی بود. (۶۵) فقط خدا را بندگی کن و از سپاسگزاران باش. (۶۶) خدا را آن‌طور که سزاوار او است، نشناختند. در صورتی که روز قیامت تمام زمین در قبضه قدرت او است، و آسمان‌ها در دستش پیچیده است. خدا پاک و بالاتر از چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۶۷)

و در صور دمیده می‌شود، و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند بیهوش می‌شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. آنگاه بار دیگر در صور دمیده می‌شود، ناگهان همه بلند می‌شوند و نگاه می‌کنند. (۶۸) و زمین به نور خداوندش روشن می‌شود، و نامه اعمال نهاده می‌شود، و پیغمبران و شاهد‌ها را می‌آورند، و بین آن‌ها به حق

قضاوت شده و به آنها ظلمی نمی‌شود. (۶۹) و به هر کسی پاداش و جزای اعمالش بطور کامل داده می‌شود. و خدا کارهایی را که می‌کنند بهتر می‌داند. (۷۰) و افراد بی‌ایمان دسته‌دسته به طرف جهنم رانده می‌شوند، تا وقتی که به جهنم برسند. درهای جهنم باز می‌شود و نگهبان‌های آن به آنها می‌گویند: آیا پیغمبرانی از خودتان پیش شما نیامدند که آیات خداوندتان را برای شما بخوانند و شما را از چنین روزی بترسانند؟ می‌گویند: آری، آمدند ولی کلمه عذاب بر منکران مقرر شده. (۷۱) به آنها گفته می‌شود که از درهای جهنم وارد شوید و همیشه در آن باشید. جای افراد متکبر بد جایی است. (۷۲) و کسانی که از نافرمانی و عذاب خداوندشان ترسیدند، دسته‌دسته به طرف بهشت برده می‌شوند، تا وقتی که به آن برسند و درهای بهشت باز شود. نگهبانان بهشت به آنها می‌گویند: سلام بر شما، خوش آمدید، وارد شوید و همیشه در آن باشید. (۷۳) اهل بهشت می‌گویند: ستایش فقط اختصاص به خدا دارد که وعده خودش را برای ما ثابت کرد و زمین را به ما ارث داد، و در هر جای بهشت که خواهیم جا می‌گیریم. پاداش عمل‌کنندگان چقدر خوب است. (۷۴)

و فرشتگان را می‌بینی که دور عرش جمع شده‌اند و با ستایش، خداوندشان را بزرگ می‌شمارند. بین آنها به حق داوری می‌شود و گفته می‌شود که ستایش و بزرگداشت فقط اختصاص به خداوند صاحب‌اختیار جهانیان دارد. (۷۵)

سوره مؤمن (غافر) (۴۰)

مکی و شامل هشتاد و پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

حم. (۱) نزول قرآن از طرف خداوند نیرومند و داناست. (۲) که آمرزنده گناه و توبه‌پذیر و مجازاتش شدید و صاحب نعمت است. معبودی غیر از او نیست. همه پیش او برمی‌گردند. (۳) فقط افراد بی‌ایمان درباره آیات خدا بگوگو و مخالفت می‌کنند. آمد و رفت آنها در شهرها تو را فریب ندهد. (۴) پیش از آنها، قوم نوح و دستجات بعد از آنها، هم پیغمبران را به دروغگویی متهم کردند و هر دسته‌ای تصمیم گرفت که پیغمبرشان را دستگیر کند، و با حرفهای باطل به بحث و بگوگو پرداختند تا به این وسیله حق را پایمال کنند. بنابراین آنان را دچار عذاب کردم. مجازات من چطور بود؟ (۵) به این ترتیب سخن خداوند درباره افراد بی‌ایمان ثابت شد که آنها اهل آتش جهنم هستند. (۶) حاملان عرش و آنهایی که اطراف عرش هستند با ستایش، خداوندشان را بزرگ می‌شمارند، و به خدا ایمان دارند و برای افراد با ایمان طلب آمرزش می‌کنند، و می‌گویند: خداوندا، دامنه رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته، پس کسانی را که توبه کردند و از راه تو پیروی کردند بیامرز و آنها را از عذاب آتش جهنم حفظ فرما. (۷)

خداوندا، آنها را به بهشت‌های جاویدی که به آنها و پدران و همسران و فرزندان درستکارشان وعده داده‌ای، وارد کن، چون تو توانا و حکیم هستی. (۸) و آنها را از بدی‌ها حفظ کن. کسی را که در آن روز از بدی‌ها حفظ کنی، به او لطف کرده‌ای، و این موفقیت بزرگی است. (۹) به افراد بی‌ایمان با صدای بلند گفته می‌شود که نفرت خدا از شما بیشتر از نفرتی است که از هم دارید، چون که دعوت شدید که ایمان بیاورید ولی قبول نکردید. (۱۰) افراد بی‌ایمان می‌گویند: خداوندا، دوبار جان ما را گرفتی و دوبار ما را زنده کردی، به گناهان خود اعتراف کردیم. آیا راهی برای بیرون رفتن از این عذاب وجود دارد؟ (۱۱) این عذاب به خاطر این است که وقتی فقط خدا خوانده می‌شد قبول نمی‌کردید، و اگر شریکی برای او ساخته می‌شد ایمان می‌آوردید. حکم در اختیار خدای بلندمرتبه بزرگ است. (۱۲) اوست که آیاتش را به شما نشان می‌دهد، و روزی شما را از آسمان نازل می‌کند. فقط کسی که توبه کند متوجه این حقیقت می‌شود. (۱۳) بنابراین خدا را بخوانید و دین را برای او خالص کنید (غیر خدا را نخوانید)، هر چند که افراد بی‌ایمان خوششان نیاید. (۱۴) خدای بالابرنده درجات و صاحب عرش، روح را به فرمان خود بر هر کس از بندگانش که بخواهد می‌فرستد تا مردم را از روز قیامت بترساند. (۱۵) روزی که همه آنها بیرون می‌آیند، چیزی از آنها بر خدا مخفی نیست. امروز فرمانفرمایی مال کیست؟ فرمانفرمایی امروز مال خدای یکتای قهار است. (۱۶)

امروز جزای هر کس بطور کامل مطابق کارهایی که کرده است داده می‌شود. امروز ظلمی وجود ندارد، چون حسابرسی خدا سریع است. (۱۷) آن‌ها را از روز قیامت بترسان. روزی که دل‌ها به گلوها می‌رسد و افراد جلوی ناراحتی خود را می‌گیرند، و کسانی که ظلم می‌کنند دوست و شفيعی که از حرفش اطاعت شود، نخواهند داشت. (۱۸) خدا نگاه‌های زیرچشمی آن‌ها و چیزهایی را که در دلشان مخفی کرده اند می‌داند. (۱۹) خدا به حق قضاوت و حکم می‌کند، و کسانی که آن‌ها را غیر از خدا به کمک می‌خوانند، ذره‌ای قضاوت و حکم نمی‌کنند، چون خدا شنونده و بینا است. (۲۰) آیا در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها بودند چه بود؟ آن‌ها قدرتش و آثارشان در زمین بیشتر از این‌ها بود. خدا آن‌ها را به خاطر گناهانشان دچار عذاب کرد، و کسی که آن‌ها را از عذاب حفظ کند وجود نداشت. (۲۱) این‌کار به خاطر این بود که پیغمبرانشان دلایل روشن برای آن‌ها می‌آوردند، ولی آن‌ها منکر آن می‌شدند، در نتیجه خدا آن‌ها را دچار عذاب کرد، چون خدا قوی و مجازاتش شدید است. (۲۲) موسی را با آیاتمان و معجزاتمان پیش فرعون و هامان و قارون فرستادیم، ولی گفتند: موسی جادوگر دروغگویی است. (۲۳ و ۲۴) چون موسی حق را از طرف ما برای آن‌ها آورد، گفتند: پسران افرادی را که با موسی به خدا ایمان آورده اند بکشید، و زنانشان را زنده بگذارید. در صورتی که نقشه افراد بی‌ایمان غلط بود. (۲۵)

فرعون گفت: بگذارید من موسی را بکشم و او خداوندش را به کمک بخواند. من می‌ترسم دین شما را عوض کند یا در زمین فساد بچاند آورد. (۲۶) موسی گفت: من از هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد، به خداوند خودم و خداوند شما پناه می‌برم. (۲۷) مرد مؤمنی از خاندان فرعون که ایمانش را مخفی می‌کرد گفت: آیا می‌خواهید مردی را بکشید که می‌گوید (فقط) خداست که صاحب‌اختیار من است و دلایل روشنی از خداوندتان برای شما آورده؟ اگر دروغگو باشد، دروغگویی او بر ضرر خودش می‌باشد و اگر راست بگوید، بعضی از عذاب‌هایی که به شما وعده می‌دهد به شما می‌رسد. خدا کسی را که متجاوز و دروغگو باشد هدایت نمی‌کند. (۲۸) ای قوم من، امروز حکومت مال شما است و در زمین قدرت دارید، اما اگر عذاب خدا سراغ ما آمد چه کسی ما را کمک می‌کند؟ فرعون گفت: چیزی غیر از آنچه (به صلاح شما) می‌بینم نمی‌گویم، و شما را فقط به راه صحیح راهنمایی می‌کنم. (۲۹) آن کس که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من، من بر شما از روزی مثل روز دستجات (قبل از شما) می‌ترسم. (۳۰) مثل بلایی که به قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آن‌ها بودند رسید، حال آن‌که خدا ظلمی را برای بندگان نمی‌خواهد. (۳۱) ای قوم من، من از روزی که افراد از یکدیگر کمک می‌خواهند بر شما می‌ترسم. (۳۲) روزی که پشت کرده و فرار می‌کنید، و کسی که شما را از عذاب خدا حفظ کند نخواهید داشت. کسی را که خدا گمراه کند، هدایت‌کننده‌ای برای او وجود ندارد. (۳۳)

قبلاً یوسف دلایل روشن برای شما آورد و شما دائماً از آنچه آورده بود در شک بودید، تا وقتی که از دنیا رفت، گفتید: خدا بعد از او هرگز رسولي نخواهد فرستاد. خدا کسی را که متجاوز و شکاک است این‌طور گمراه می‌کند. (۳۴) شکاکانی که درباره آیات خدا بدون دلیلی که برای آن‌ها آمده باشد بگویم می‌کنند. این بگویم‌ها پیش خدا و افراد باایمان دشمنی بزرگی است. خدا بر قلب هر متکبر زورگویی این‌طور مهر می‌نهد. (۳۵) فرعون گفت: ای هامان، برای من کاخ بلندی بساز شاید من به راه‌های آسمان‌ها برسم تا به معبود موسی پی ببرم. من فکر می‌کنم موسی دروغگو است. کار بد فرعون را این‌طوری در نظر خودش جلوه دادیم و از راه راست باز ماند. نقشه فرعون بی‌نتیجه بود. (۳۶ و ۳۷) فردی که ایمان داشت گفت: ای قوم من، از من پیروی کنید تا شما را به راه صحیح هدایت کنم. (۳۸) ای قوم من، این زندگی دنیا فقط وسیله بهره‌بردن است، در صورتی که آخرت خانه اقامت است. (۳۹) کسی که کار بدی بکند فقط به اندازه آن مجازات می‌شود، و هر مرد یا زنی که کار درست بکند و ایمان داشته باشد وارد بهشت می‌شود و بدون حساب بهره‌مند می‌شود. (۴۰)

ای قوم من، شما را چه شده که من شما را به نجات دعوت می‌کنم، و شما مرا به آتش جهنم دعوت می‌کنید؟ (۴۱) مرا دعوت می‌کنید که منکر خدا شوم و چیزی را که نمی‌شناسم شریک خدا بسازم، و من شما را به سوی خداوند مقتدر و آمرزنده دعوت می‌کنم. (۴۲) چیزی که مرا به پرستش آن دعوت می‌کنید هیچ دعوتی در دنیا و آخرت

ندارد، در صورتی که بازگشت ما پیش خداست، و کسانی که اسراف (زیاده‌روی) می‌کنند اهل آتش جهنم هستند. (۴۳) آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد، من کارم را به خدا می‌سپارم، چون خدا به بندگان بصیرت دارد (بندگان را می‌شناسد). (۴۴) خدا او را از شر نقشه بدی که برای او می‌کشیدند حفظ کرد، و آل فرعون دچار عذاب بدی شدند. (۴۵) آتش جهنم صبح و شب به آن‌ها عرضه می‌شود، و روزی که قیامت برپا شود گفته می‌شود که آل فرعون را وارد شدیدترین عذاب‌ها کنید. (۴۶) وقتی در آتش جهنم با هم بگومگو می‌کنند، افراد ضعیف به کسانی که تکبر داشتند می‌گویند: ما پیرو شما بودیم، آیا قسمتی از آتش جهنم را از ما برمی‌گردانید؟ (۴۷) کسانی که در دنیا تکبر داشتند می‌گویند: ما همگی در آتش جهنم هستیم، چون خدا بین بندگان حکم کرده است. (۴۸) کسانی که در آتش جهنم هستند به نگهبانان جهنم می‌گویند: خداوندتان را بخوانید تا یک روز از عذاب ما کم کند. (۴۹)

نگهبانان جهنم می‌گویند: آیا پیغمبران شما دلایل روشن برای شما نیاوردند؟ می‌گویند: چرا. نگهبانان می‌گویند: حالا دعا کنید. و دعای افراد بی‌ایمان بی‌نتیجه است. (۵۰) ما پیغمبرانمان و افراد باایمان را در زندگی دنیا و در روزی که شاهدها برای شهادت برمی‌خیزند یاری می‌کنیم. (۵۱) روزی که معذرت‌خواهی کسانی که ظلم می‌کنند فایده‌ای برای آن‌ها ندارد. آن‌ها از رحمت خدا دورند و منزل بدی دارند. (۵۲) تورات را به موسی دادیم و بنی‌اسرائیل را میراث‌دار تورات ساختیم. (۵۳) توراتی که برای افراد عاقل هدایت و تذکر است. (۵۴) صبر داشته باش، چون وعده خدا درست است و برای گناهت طلب آمرزش کن و شب و صبح با ستایش، خداوندت را به بزرگی یاد کن. (۵۵) افرادی که بدون این‌که دلیلی برای آن‌ها آمده باشد درباره آیات خدا بگومگو می‌کنند، در سینه آن‌ها فقط تکبری است که به آن نمی‌رسند. پس به خدا پناه ببر، چون او شنوا و بینا است. (۵۶) مسلماً خلقت آسمان‌ها و زمین بزرگتر از خلقت مردم است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۵۷) کورها با افراد بینا، و افراد باایمانی که کار درست می‌کنند با بدکاران مساوی نیستند. عده کمی متوجه می‌شوند. (۵۸)

قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست، ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند. (۵۹) و خداوند شما گفت: مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم. اشخاصی که خود را بزرگتر از این می‌پندارند که بندگی مرا بکنند (تسلیم دستورهای من باشند) با خواری وارد جهنم می‌شوند. (۶۰) خداست که شب را قرار داد تا در آن استراحت کنید و روز را روشن ساخت، چون خدا به بندگان لطف دارد، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (۶۱) این خداست که صاحب‌اختیار شماست و آفریننده هر چیزی است. معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و از دستورهایش بدون چون و چرا پیروی کنید) غیر از او وجود ندارد. چگونه منحرف می‌شوید؟ (۶۲) افرادی که منکر آیات خدا می‌شوند، این‌طور منحرف می‌شوند. (۶۳) خداست که زمین را قرارگاه شما ساخت، و آسمان را ساختمانی گرداند، و شما را صورت‌بندی کرد و نقش شما را زیبا ساخت، و خوردنی‌های پاک را روزی شما ساخت. این خداست که صاحب‌اختیار شماست، صاحب‌اختیار همه مردم جهان که منزه و والا است. (۶۴) او زنده است. معبودی غیر از او وجود ندارد. پس او را بخوانید و دین را برای او خالص کنید (غیر خدا را نخوانید). ستایش فقط اختصاص به خدا دارد که صاحب‌اختیار جهانیان (کلیه افراد بشر) است. (۶۵) بگو: من از بندگی کسانی که غیر از خدا می‌خوانید نهی شده‌ام، چون دلیل‌های روشنی از خداوندم برای من آمده و امر شده‌ام که تسلیم (خداوند) صاحب‌اختیار همه مردم جهان باشم. (۶۶)

اوست که شما را از خاک و بعد از نطفه و بعد از خون بسته آفرید و بعد شما را به صورت طفلی از شکم مادر خارج کرد، تا به حد قدرت خود برسید و پیر شوید. عده‌ای از شما قبل از رسیدن به پیری می‌میرند و بعضی از شما به مدتی که برایتان معین شده می‌رسید. شاید عقلتان را به کار برید. (۶۷) اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و وقتی کاری را اراده کند، فقط می‌گوید: بشو. آن وقت همان‌طور می‌شود. (۶۸) آیا اشخاصی را که درباره آیات خدا بگومگو می‌کنند ندیدی که به کجا برده می‌شوند؟ (۶۹) افرادی که منکر کتاب و چیزهایی که پیغمبرانمان را برای آن فرستاده‌ایم می‌شوند، در آینده خواهند دانست. (۷۰) آن وقتی که غلها و زنجیرها در گردنشان است و آن‌ها را روی زمین می‌کشند. (۷۱) به میان آب جوش کشیده می‌شوند و بعد در آتش جهنم گداخته می‌شوند. (۷۲) آن وقت به آن‌ها گفته

می‌شود: چیزهایی که غیر از خدا شریک خدا می‌ساختید، کجا هستند؟ (۷۳) می‌گویند: آن‌ها را گم کردیم، اصلاً ما قبلاً چیزی را به کمک نمی‌خواندیم. خدا افراد بی‌ایمان را به این ترتیب گمراه می‌کند. (۷۴) این کار به خاطر این است که به ناحق در زمین سرمستی می‌کردید، و به خاطر این است که به خود می‌نازیدید. (۷۵) از درهای جهنم وارد شوید. همیشه در آن می‌مانید. جای افراد متکبر بد جایی است. (۷۶) صبر داشته باش، وعده خدا درست است. ما بعضی از عذاب‌هایی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم به تو نشان می‌دهیم، یا جان تو را می‌گیریم و آن‌ها را پیش ما برمی‌گردانند. (۷۷)

قبل از تو پیغمبرانی از خودشان فرستادیم. حکایت بعضی از آن‌ها را به تو گفتیم و حکایت بعضی را به تو نگفتیم. هیچ پیغمبری نمی‌توانست بدون اجازه خدا معجزه‌ای بیاورد. وقتی امر خدا صادر شد، به حق درباره آن‌ها قضاوت می‌شود. آن وقت است که یاوه‌گویان ضرر می‌کنند. (۷۸) خداست که چهارپایان را برای شما بوجود آورده که سوار بعضی از آن‌ها بشوید، و از گوشت و شیر بعضی از آن‌ها بخورید. (۷۹) منفعتهای دیگری هم برای شما دارند، و برای این‌که به نیازی که در دل دارید برسید، شما روی آن‌ها و روی کشتی سوار و برده می‌شوید. (۸۰) خدا آیاتش را به شما نشان می‌دهد. منکر کدامیک از آیات خدا می‌شوید؟ (۸۱) آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا نگاه کنند که عاقبت کار کسانی‌که قبل از آن‌ها بودند چه بود؟ تعداد و قدرت و آثار آن‌ها در زمین بیشتر از این‌ها بود. کارهایی که می‌کردند فایده‌ای برای آن‌ها نداشت. (۸۲) چون پیغمبران‌شان دلیل‌های روشن برایشان آوردند، آن‌ها به علم و دانشی که داشتند دل‌خوش بودند، تا عذابی که مسخره‌اش می‌کردند آن‌ها را فرا گرفت. (۸۳) وقتی عذاب ما را ببینند، خواهند گفت که ما به خدای یکتا ایمان آوردیم و چیزهایی را که شریک او می‌ساختیم قبول نداریم. (۸۴) وقتی عذاب ما را ببینند، دیگر ایمان آوردن‌شان فایده‌ای برای آن‌ها نخواهد داشت. این روش خداست که در بین بندگان اجرا شده. آنجاست که افراد بی‌ایمان متوجه می‌شوند که ضرر کرده‌اند. (۸۵)

سوره فصلت (۴۱)

مکی و شامل پنجاه و چهار آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

حم. (۱) نزول قرآن از طرف خداوند بخشنده مهربان است. (۲) قرآن کتابی است که آیاتش بطور واضح شرح داده شده. قرآنی است به زبان عربی برای افراد دانا. (۳) مؤده‌دهنده و بیم‌دهنده است، ولی بیشتر افراد از آن رو گردانند و به آن گوش نمی‌دهند. (۴) و گفتند: دل ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می‌کنی در پوشش، و گوشمان سنگین است و بین ما و تو مانعی وجود دارد. هر کاری از دستت برمی‌آید بکن، ما هم کار خود را می‌کنیم. (۵) بگو: من فقط انسانی مثل شما هستم. به من وحی می‌شود که معبود شما (کسی‌که سزاوار آن است که در مقابلش احساس و ابراز کوچکی بکنید و مطیع محض و بدون چون و چرای دستورهایش باشید) معبودی یگانه است. مستقیماً به طرف او بروید و فقط از او طلب آموزش کنید. وای بر مشرکین. (۶) مشرکینی که زکات نمی‌دهند و آخرت را قبول ندارند. (۷) افراد باایمان که کار درست می‌کنند، پاداش بی‌پایانی دارند. (۸) بگو: آیا شما منکر کسی می‌شوید که زمین را در دو روز (دو مرحله) آفریده، و برای او همتاهایی درست می‌کنید؟ او صاحب‌اختیار همه مردم جهان است. (۹) پس از دو مرحله اول کوه‌ها را در روی زمین بوجود آورد، و زمین را برکت داد، و روزی‌های آن را در چهار مرحله مقرر نمود که برای تمام خواستاران مساوی است. (۱۰) و به آسمان پرداخت در حالی‌که آن دودی‌شکل بود، و به آسمان و زمین گفت: با میل یا بدون میل بیایید. گفتند: با میل آمدیم. (۱۱)

خداوند هفت آسمان را در دو روز (دو مرحله) بوجود آورد، و به هر آسمان قانونش را وحی کرد، و آسمان نزدیک شما را با چراغ ستارگان زینت دادیم و حافظ شما ساختیم. این تقدیر خداوند توانا و دانا است. (۱۲) اگر قبول نکردند به آن‌ها بگو: من شما را از صاعقه‌ای مثل صاعقه عاد و ثمود می‌ترسانم. (۱۳) وقتی که پیغمبران از هر طرف برای آن‌ها آمدند و گفتند که فقط خدا را بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای هیچ‌کس جز خدا نباشید)، آن‌ها گفتند: اگر خداوند ما می‌خواست فرشتگان را نازل می‌کرد، ما رسالتی را که شما مدعی آن هستید قبول

نداریم. (۱۴) اما قوم عاد، در زمین به ناحق تکبر ورزیدند و گفتند: چه کسی نیرویش از ما بیشتر است؟ آیا ندیدند که خدایی که آن‌ها را خلق کرده نیرویش از آن‌ها بیشتر است؟ آن‌ها منکر آیات ما می‌شدند. (۱۵) لذا ما در روزهای نحس باد تند سردی بر آن‌ها فرستادیم تا در دنیا عذاب خواری را به آن‌ها بچشانیم. مسلماً عذاب آخرت خوارکننده‌تر از عذاب دنیاست، و کسی به آن‌ها کمکی نخواهد کرد. (۱۶) اما قوم ثمود، ما آن‌ها را هدایت کردیم، ولی آن‌ها گمراهی را بر هدایت ترجیح دادند. لذا به علت کارهایی که می‌کردند صاعقه عذاب خوارکننده آن‌ها را فراگرفت. (۱۷) و افرادی را که ایمان آورده و پرهیزکار بودند نجات دادیم. (۱۸) روزی که دشمنان خدا به طرف آتش جهنم جمع‌آوری شوند و آن‌ها را متوقف کنند. (۱۹) تا وقتی که کنار آتش آمدند، گوش و چشم و پوستشان بر ضد آن‌ها درباره کارهایی که می‌کردند شهادت دهد. (۲۰)

آن‌ها به پوستشان می‌گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ می‌گویند: خدا که هر چیزی را به حرفزدن درمی‌آورد، ما را به حرفزدن درآورده، او شما را اولین بار خلق کرد و پیش او برگردانده می‌شوید. (۲۱) شما به خاطر این‌که گوش و چشم و پوستتان بر ضد شما شهادت می‌دهند کارتان را پنهان نمی‌کردید، بلکه گمان می‌کردید که خدا خیلی از کارهایی را که می‌کنید نمی‌داند. (۲۲) این گمانی بود که نسبت به خداوندتان داشتید و باعث هلاک شما شد و زیانکار شدید. (۲۳) اگر صبر داشته باشید متوجه می‌شوید که آتش جهنم جای آن‌ها است. اگر عذرخواهی هم نکنند عذرشان قبول نخواهد شد. (۲۴) برای آن‌ها همنشین‌هایی قرار دادیم که وضع حال و آینده آن‌ها را در نظرشان زینت دادند، و قول عذاب در مورد دسته‌های جن و انسی که قبل از آن‌ها بودند و از دنیا رفتند مقرر شد. آن‌ها ضرر کردند. (۲۵) افراد بی‌ایمان گفتند: به این قرآن گوش ندهید، و سخن بیهوده وارد آن کنید تا پیروز شوید. (۲۶) به افراد بی‌ایمان عذاب سختی می‌چشانیم و آن‌ها را مطابق بدترین کاری که می‌کردند مجازات می‌کنیم. (۲۷) این آتش جزای دشمنان خداست، و به خاطر این‌که منکر آیات ما می‌شدند در آتش منزل ابدی دارند. (۲۸) افراد بی‌ایمان در آن موقع می‌گویند: خداوندا، جن و انسی که ما را گمراه کردند به ما نشان بده تا آن‌ها را زیر پایمان بیاندازیم تا خوار و پست شوند. (۲۹)

افرادی که گفتند صاحب‌اختیار ما فقط خداوند است، بعد هم استقامت به خرج دادند، فرشتگان بر آن‌ها نازل می‌شوند که نترسید و غصه نخورید و با مژده بهشتی که به شما وعده داده شده شاد باشید. (۳۰) ما در زندگی دنیا و آخرت پشتیبان شما هستیم، و در آخرت هر چه دلتان بخواهد و هر چه درخواست کنید برای شما وجود دارد. (۳۱) این پذیرایی از جانب خداوند آمرزنده مهربان است. (۳۲) گفتار چه کسی بهتر از سخن کسی است که مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند و کار درست می‌نماید، و می‌گوید که من از افرادی هستم که تسلیم حکم و نظر خدا هستند؟ (۳۳) خوبی با بدی مساوی نیست، بدی را با بهترین طرز جواب بده چون در آن صورت بین تو و کسی که دشمن توست دوستی صمیمانه‌ای بوجود می‌آید. (۳۴) البته به این مرحله فقط افراد شکیب‌میرسند، و فقط کسی که سهم بزرگی از اخلاق نیکو دارد به آن می‌رسد. (۳۵) اگر وسوسه‌ای از شیطان به تو رسید به خدا پناه ببر، چون او شنوا و دانا است. (۳۶) شب و روز و خورشید و ماه از نشانه‌های خداست، به خورشید و ماه سجده نکنید اگر فقط خدا را بندگی می‌کنید، به خدایی که آن‌ها را خلق کرده سجده کنید. (۳۷) اگر تکبر ورزیدند (ناراحت نباش)، آنان که نزد صاحب‌اختیار تو هستند، شب و روز او را بزرگ می‌شمارند و خسته هم نمی‌شوند. (۳۸)

و از نشانه‌های خدا این است که زمین را خشک می‌بینی و چون باران را بر آن بفرستیم به حرکت درمی‌آید و بالا می‌آید. همان کسی که زمین را زنده کرد، زنده‌کننده مردگان است، چون خدا بر هر کاری قادر است. (۳۹) افرادی که منکر آیات ما می‌شوند، بر ما پوشیده نیستند. آیا کسی که روز قیامت در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که در آن روز با امنیت خاطر پیش ما می‌آید؟ هر کاری می‌خواهید بکنید، چون خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۴۰) افرادی که وقتی قرآن برای آن‌ها آمد منکر آن شدند (اهل آتش جهنم هستند)، قرآن کتابی است ارجمند و پرارزش. (۴۱) چیزی که آن را باطل کند در زمان حال و آینده برای آن نمی‌آید، نزول آن از طرف حکیم ستوده است. (۴۲) درباره تو همان حرفی را می‌زنند که درباره پیغمبران قبل از تو می‌زدند. خداوند تو، هم آمرزنده و هم صاحب‌عذاب

دردناکی است. (۴۳) اگر قرآن را به زبانی غیر از زبان عربی (برای عربها) نازل می‌کردیم می‌گفتند: چرا آیات آن به وضوح بیان نشده؟ آیا برای عربها به زبان غیر عربی صحبت می‌کنند؟ بگو: قرآن برای افراد با ایمان هدایت و شفاست، و گوش آنان که ایمان نمی‌آورند سنگین است و بصیرتی به آن ندارند. مثل این‌که آن‌ها را از راه دور صدا می‌زنند. (۴۴) به موسی تورات دادیم، ولی مردم درباره آن اختلاف نظر پیدا کردند. اگر سخن خداوندت که قبلاً گفته بود نبود، بین آن‌ها حکم شده بود. آن‌ها درباره آن دچار شك هستند. (۴۵) هر کس کار درست بکند به نفع خودش است، و هر کس کار بد بکند به ضرر خودش. خداوند تو به بندگان ظلم نمی‌کند. (۴۶)

علم زمان وقوع قیامت فقط اختصاص به خدا دارد، هر میوه‌ای که از غلافش (شکوفه‌اش) در می‌آید، و هر ماده‌ای که حامله می‌شود و وضع حمل می‌کند، خدا می‌داند. روزی که صدا می‌زند و به آن‌ها می‌گوید: شریک‌هایی که برای من تصور می‌کردید کجا هستند؟ می‌گویند: به تو اعلام کردیم که شاهدی از ما که آن‌ها را دیده باشد وجود ندارد. (۴۷) و کسانی را که قبلاً به کمک می‌خواندند پیدا نمی‌کنند، و می‌فهمند که راه فراری ندارند. (۴۸) انسان از دعای خیر خسته نمی‌شود، ولی اگر آسیبی به او برسد، مایوس و ناامید می‌شود. (۴۹) اگر پس از ناراحتی‌ای که به او رسیده رحمتی از خودمان به او بچشانیم، می‌گوید: این به‌خاطر خودم است و فکر نمی‌کنم که قیامت بر پا شود و اگر مرا پیش خداوندم برگردانند پیش او پاداش بهتری دارم. حتماً افراد بی‌ایمان را از کارهایی که می‌کردند خبردار می‌کنیم، و عذاب سختی به آن‌ها می‌چشانیم. (۵۰) وقتی به انسان نعمتی بدهیم، از ما رو برمی‌گرداند و خود را کنار می‌کشد، و وقتی آسیبی به او برسد به دعایی طولانی می‌پردازد. (۵۱) بگو: چه نظری دارید، اگر قرآن از جانب خدا باشد و شما آن را قبول نکرده باشید، چه کسی گمراه‌تر از کسی است که (با آن) در مخالفت شدید باشد؟ (۵۲) نشانه‌های خودمان را در جهان و در وجود خودشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آن‌ها روشن شود که خدا حق است. آیا کافی نیست که خداوندت شاهد هر چیزی است؟ (۵۳) بدانید آن‌ها درباره دیدار خداوندشان دچار شك هستند. بدانید که خدا به هر چیزی احاطه دارد. (۵۴)

سوره شوری (۴۲)

مکی و شامل پنجاه و سه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

حم. (۱) عسق. (۲) به این ترتیب خداوند توانای حکیم به تو و کسانی که قبل از تو بودند وحی می‌کند. (۳) هر چه در آسمان‌ها و زمین است مال اوست و (فقط) او بلندمرتبه و بزرگ است. (۴) نزدیک است آسمان‌ها از بالای هم شکافته شوند و فرشتگان با ستایش، خداوندشان را بزرگ می‌شمارند و برای کسانی که در زمین هستند طلب آموزش می‌کنند. بدانید که خدا آمرزنده و مهربان است. (۵) و خدا مراقب کار کسانی است که غیر از او یاورانی برای خود گرفتند، تو وکیل آن‌ها نیستی. (۶) قرآن عربی را این‌طور به تو وحی کردیم تا اهالی مکه و اطراف آن را از عواقب کارشان و از (عذاب) روزی که مردم جمع می‌شوند، و هیچ شکی در آن نیست، بترسانی. عده‌ای در بهشت خواهند بود و عده‌ای در آتش جهنم. (۷) اگر خدا می‌خواست آن‌ها را یک امت می‌ساخت، ولی هر که را بخواهد داخل رحمتش می‌کند و کسانی که ظلم می‌کنند یار و یاوری ندارند. (۸) آیا مددکارانی غیر از خدا برای خود گرفتند؟ در صورتی که مددکار واقعی خداست. اوست که مرده‌ها را زنده می‌کند و قادر به هر کاری است. (۹) درباره هر چیزی که در آن اختلاف داشتید، حکم آن با خدا است. خداوند من چنین خدایی است، بر او توکل کرده‌ام و به او رو می‌آورم. (۱۰)

آفریننده آسمان‌ها و زمین است. از جنس خودتان برای شما همسر، و برای چهارپایان جفت‌هایی آفرید. به این وسیله شما را در زمین زیاد می‌کند. هیچ چیز مثل او نیست، و او شنوا و بینا است. (۱۱) خزانه‌های آسمان‌ها و زمین مال او است. روزی را برای هر کسی که بخواهد زیاد یا کم می‌نماید. او هر چیزی را می‌داند. (۱۲) برای شما از دین همان چیزی را قانونگذاری کرد که نوح را به آن سفارش کرد، و همان چیزی است که به تو وحی کردیم، و همان چیزی است که ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کردیم، که دین (دستورهای خدا) را اجرا کنید و

در آن تفرقه نداشته باشید. این چیزی که مشرکین را به آن دعوت می‌کنی برایشان سخت است (نمی‌توانند دست از تفرقه‌هایشان بردارند). خدا هر کس را که بخواهد برای خود انتخاب می‌کند و هر کس را که به سوی او برگردد هدایت می‌نماید. (۱۳) آن‌ها فقط بعد از این‌که حقیقت را دانستند از روی حسادت نسبت به هم دچار تفرقه شدند. اگر خداوندت قبلاً تا مدت معینی مهلت نداده بود، مسلماً درباره آن‌ها حکم شده بود. کسانی‌که بعد از آن‌ها وارث کتاب شدند، درباره آن دچار شک هستند. (۱۴) تو مردم را به آن (اجرای دین و تفرقه نداشتن) دعوت کن و همان‌طور که به تو دستور داده شده در این‌کار استقامت داشته باش، و از دلخواه آنان پیروی مکن و بگو: من به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان دارم و به من دستور داده شده که بین شما به عدالت عمل کنم. صاحب‌اختیار ما و صاحب‌اختیار شما خداست. کارهای ما مال ما و کارهای شما مال شماست. بحثی بین ما نیست. خدا ما را جمع می‌کند و بازگشت ما پیش اوست. (۱۵)

افرادی که بعد از این‌که دعوت خدا را پذیرفتند درباره او بحث می‌کنند، دلیل‌های آن‌ها پیش خداوندشان باطل است و مورد غضب خدا هستند و عذاب شدیدی دارند. (۱۶) خداست که کتاب و وسیله سنجش (قانون) را به حق نازل کرد. از کجا می‌دانی شاید قیامت نزدیک باشد. (۱۷) افرادی که به قیامت ایمان ندارند، آمدن آن را به تعجیل می‌خواهند (که هر چه زودتر بیاید)، و کسانی‌که ایمان دارند از آن می‌ترسند و می‌دانند که قیامت حق است. بدانید کسانی‌که درباره قیامت شک دارند و جدل می‌کنند در گمراهی شدیدی هستند. (۱۸) خدا به بندگان لطف دارد. به هر کسی‌که بخواهد روزی می‌دهد، و خدا قوی و تواناست. (۱۹) کسی‌که پاداش آخرت را بخواهد پاداشش را اضافه می‌کنیم و کسی‌که (فقط) پاداش دنیوی را بخواهد مقداری از آن را به او می‌دهیم ولی در آخرت نصیبی ندارد. (۲۰) آیا شریکانی برای خدا دارند که قسمتی از دین را برای آن‌ها قانونگذاری کنند که خدا اجازه آن را نداده؟ اگر سخن قطعی خدا نبود بین آن‌ها حکم شده بود. کسانی‌که ظلم می‌کنند عذاب پردردی دارند. (۲۱) افراد ظالم را می‌بینی که بخاطر کارهایی که کرده‌اند می‌ترسند، و عذاب بر آن‌ها واقع می‌شود و افرادی که ایمان آوردند و کار درست کردند در باغ‌های بهشت هر چه بخواهند پیش خداوندشان دارند، این لطف بزرگی است. (۲۲)

این چیزی است که خدا به بندگان که ایمان دارند و عمل صالح (درست و شایسته) کرده‌اند مژده می‌دهد. بگو: من برای راهنمایی‌کردنتان از شما مزدی غیر از دوستی خویشاوندان (یا تقرب به خدا) نمی‌خواهم. هر کس کار خوبی بکند نیکی او را اضافه می‌کنیم، چون خدا آمرزنده و قدرشناس است. (۲۳) آیا می‌گویند که پیغمبر حرف‌های دروغی را به خدا افترا زده؟ اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می‌زند. خدا با کلمات خودش باطل را نابود و حق را ثابت می‌کند چون او آنچه را که در سینه‌ها است به خوبی می‌داند. (۲۴) اوست که توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را عفو می‌کند و کارهایی را که می‌کنید می‌داند. (۲۵) و دعای افرادی را که ایمان داشتند و کار درست کردند را اجابت می‌کند و از فضل خودش به آن‌ها زیاده‌تر می‌دهد، در صورتی که افراد بی‌ایمان عذاب شدیدی دارند. (۲۶) اگر خدا روزی را برای بندگان زیاد کند، حتماً در زمین ظلم می‌کنند، ولی روزی را به قدری که می‌خواهد می‌دهد. او از طبیعت بندگان آگاه و به آن بینا است. (۲۷) اوست که باران را پس از آن‌که مردم ناامید شدند می‌فرستد و رحمتش را منتشر می‌کند. (فقط) او یاری‌کننده و ستوده است. (۲۸) یکی از نشانه‌های خدا خلقت آسمان‌ها و زمین و حیواناتی است که در آن پراکنده‌اند، او هر وقت که بخواهد به جمع‌آوری همه آن‌ها توانا است. (۲۹) هر مصیبتی که به شما می‌رسد به سبب کارهایی است که خودتان کرده‌اید، و خدا بسیاری از کارهای شما را می‌بخشد. (۳۰) شما نمی‌توانید خدا را در زمین عاجز کنید. و غیر از خدا هیچ یار و یآوری برای شما وجود ندارد. (۳۱)

یکی از آیاتش کشتی‌های مثل کوه هستند که در دریا روانند. (۳۲) اگر خدا بخواهد باد را از حرکت باز می‌دارد تا آن‌ها روی دریا بی‌حرکت بمانند. در این‌کار آیاتی برای صبوران سپاسگزار وجود دارد. (۳۳) یا آن‌ها را به سبب کارهایی که کرده‌اند غرق می‌کند. خدا از بسیاری از کارها گذشت می‌کند. (۳۴) افرادی که در مورد آیات ما بگومگو می‌کنند، بدانند که راه گریزی برایشان نیست. (۳۵) آنچه به شما داده

شده وسیله زندگی دنیاست، و آنچه پیش خداست برای مؤمنانی که به خدایشان توکل می کنند بهتر و ماندنی تر است. (۳۶) مؤمنانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت اجتناب می کنند و وقتی عصبانی شدند گذشت می کنند. (۳۷) افرادی که دعوت خداوندشان را اجابت کردند و نماز را به پا داشتند و کارشان را با مشورت بین خودشان انجام می دهند و از آنچه روزی آن ها کرده ایم انفاق می کنند. (۳۸) کسانی که وقتی ظمی به آن ها شد انتقام می گیرند، (بدانند که) جزای بدی، بدی مثل آن است، اما کسی که گذشت کند و کار را اصلاح کند پاداشش با خداست، چون خدا کسانی را که ظلم می کنند دوست ندارد. (۳۹ و ۴۰) بر کسانی که مورد ظلم قرار گرفتند و انتقام گرفتند ایرادی نیست. (۴۱) کسانی باید ملامت شوند که به مردم ظلم می کنند و در زمین به ناحق تجاوز می کنند، آن ها عذاب پردردی دارند. (۴۲) مسلماً کسی که صبور باشد و گناه دیگران را ببخشد، کارش از کارهایی است که اراده ای قوی لازم دارد. (۴۳) کسی را که خدا گمراه کند برایش یآوری نیست، و ستمکاران را در وقتی که عذاب را می بینند می بینی که می گویند: آیا راهی برای بازگشت ما هست؟ (۴۴)

آن ها را در حالی که به جهنم عرضه می شوند می بینی که با ذلت سر تسلیم فرود آورده اند و از گوشه چشم نگاه می کنند. افراد با ایمان می گویند: ضرر کنندگان افرادی هستند که خودشان و خانواده شان را در روز قیامت دچار ضرر و عذاب ابدی جهنم کرده اند. بدانید کسانی که ظلم می کنند به عذاب ابدی گرفتارند. (۴۵) غیر از خدا یاورانی ندارند که به آن ها کمک کنند. کسی را که خدا گمراه کند، هیچ راهی برای او وجود ندارد. (۴۶) قبل از این که روزی بیاید که از جانب خدا راه بازگشتی برای آن وجود ندارد، دعوت خداوندتان را اجابت کنید. آن روز هیچ پناهگاهی برای شما وجود ندارد و نمی توانید انکاری بکنید. (۴۷) اگر قبول نکردند، ما تو را برای حفاظت از افراد نفرستاده ایم. وظیفه تو فقط رساندن پیام است. و وقتی ما از طرف خودمان رحمتی به انسان بچشانیم به خاطر آن شاد می شود، و اگر به علت کارهایی که کرده مصیبتی به او برسد ناسپاسی می کند، چون انسان طبیعتاً ناسپاس است. (۴۸) فرمانروایی آسمان ها و زمین مال خدا است. هر چه را بخواهد می آفریند، به هر کسی که بخواهد فرزند دختر می دهد، و به کسی که بخواهد پسر می دهد. (۴۹) یا پسر و دختر را با هم می دهد، و کسی را که بخواهد نازا می کند، چون او دانا و توانا است. (۵۰) خدا با هیچ بشری صحبت نمی کند مگر به صورت وحی، یا از پشت مانعی، یا فرشته ای می فرستد که آنچه بخواهد با اجازه خدا به او وحی کند. چون خدا بلندمرتبه و حکیم است. (۵۱)

به این ترتیب به فرمان خودمان روحی به تو وحی کردیم. تو نمی دانستی کتاب و ایمان چیست، ولی ما قرآن را نوری (وسیله هدایت) قرار دادیم و هر کس از بندگانمان را که بخواهیم به وسیله آن هدایت می کنیم. البته تو مردم را به راه راست هدایت می کنی. (۵۲) به راه خدا که تمام چیزهایی که در آسمان ها و زمین است مال اوست. بدانید که کارها به سوی خدا برمی گردد. (۵۳)

سوره زخرف (۴۳)

مکی و شامل هشتاد و نه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

حم. (۱) قسم به کتاب روشن (واضح) و روشن کننده. (۲) ما آن را قرآنی به زبان عربی (زبان عربها) قرار دادیم تا در آن تعقل کنید (درباره آیات آن فکر کنید). (۳) قرآن در کتاب اصلی پیش ماست و بلندمرتبه و حکمت آمیز است. (۴) آیا به خاطر این که شما مردمی اسرافکار (متجاوز) هستید نزول قرآن را از شما دریغ کنیم؟ (۵) پیغمبران زیادی به میان اقوام گذشته فرستادیم. (۶) هیچ پیغمبری برای آن ها نیامد مگر این که او را مسخره می کردند. (۷) ما افرادی را که قدرت بیشتری از این ها داشتند نابود کردیم. داستان آن ها برای شما گفته شد. (۸) اگر از آن ها بپرسی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده؟ حتماً می گویند: آن ها را خدای توانا و دانا آفریده. (۹) خدایی که زمین را محل آسایش شما قرار داده و در آن راه هایی بوجود آورده تا راه را بشناسید. (۱۰)

خدایی که از آسمان باران را به اندازه فرستاد، و به وسیله آن زمین مرده را زنده کردیم. شما هم همین‌طور زنده و خارج می‌شوید. (۱۱) خدایی که انواع موجودات را آفریده و از کشتی و حیوانات وسیله سواری برای شما بوجود آورده. (۱۲) تا بر پشت آن‌ها قرار گیرید. پس وقتی روی آن‌ها قرار گرفتید، نعمت خداوندتان را یادآوری کنید و بگویید خدایی که این‌ها را مسخر ما کرد والست وگرنه ما توانایی رام کردن آن‌ها را نداشتیم. (۱۳) ما پیش خداوندمان برمی‌گردیم. (۱۴) برای خدا از میان بندگان فرزند قرار دادند، واقعاً انسان آشکارا قدرشناس است. (۱۵) آیا خدا از بین مخلوقات خود دختران را برای خود انتخاب کرد و پسران را برای شما؟ (۱۶) در صورتی که وقتی به یکی از آن‌ها مژده دختری مثل همان چیزی که برای خداوند رحمان قرار داده‌اند داده شود، صورتش از شدت عصبانیت سیاه می‌شود و جلوی عصبانیت خود را می‌گیرد. (۱۷) آیا کسی را که در زیورها بزرگ می‌شود و در بحث زبان‌گویی ندارد برای خدا قرار داده‌اید؟ (۱۸) فرشتگان را، که بندگان خداوند بخشنده هستند، دختر تصور کردند، آیا آن‌ها شاهد آفریده شدن فرشتگان بوده‌اند؟! شهادت آن‌ها نوشته می‌شود و مورد بازخواست قرار می‌گیرند. (۱۹) گفتند: اگر خداوند رحمان می‌خواست ما آن‌ها را بندگی نمی‌کردیم. آن‌ها علمی به این مطلب ندارند، آن‌ها فقط حدس می‌زنند. (۲۰) آیا قبلاً در این مورد کتابی به آن‌ها دادیم و آن‌ها به آن استناد می‌کنند؟! (۲۱) نه، بلکه گفتند: ما پدرانمان را بر روشی یافتیم و بر اثر آن‌ها هدایت شده‌ایم. (۲۲)

ما قبل از تو در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر این‌که متنعمان (ثروتمندان) آن گفتند که ما پدرانمان را بر روشی (طریقه و آیینی) یافتیم و به روش آن‌ها اقتدا می‌کنیم. (۲۳) پیغمبرشان به آن‌ها گفت: اگر چه من راهی درست‌تر از راهی که پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم؟ گفتند: ما رسالتی را که شما برای آن فرستاده شده‌اید قبول نداریم. (۲۴) در نتیجه ما از آن‌ها انتقام گرفتیم. لذا نگاه‌کن عاقبت افرادی که رسالت پیغمبران را انکار می‌کردند چه بود. (۲۵) هنگامی را یادآوری کن که ابراهیم به پدرش و قومش گفت من از آنچه عبادت می‌کنید بیزار و برکنارم. (۲۶) غیر از خدایی که مرا آفریده. او مرا هدایت خواهد کرد. (۲۷) این سخن را در نسل خود باقی گذاشت شاید به راه خدا برگردند. (۲۸) به هر حال این‌ها و پدرانشان را بهره‌مند ساختم تا وقتی که حق و رسولی روشن‌گر برای آن‌ها آمد. (۲۹) وقتی حق برای آن‌ها آمد گفتند: این جادو است و ما آن را قبول نداریم. (۳۰) گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ از این دو شهر نازل نشده؟ (۳۱) آیا آن‌ها رحمت خداوند تو را قسمت می‌کنند؟ حتی در زندگی دنیا، ما روزی آن‌ها را قسمت کرده‌ایم. بعضی را به درجات بر بعضی برتری داده‌ایم تا بعضی از آن‌ها بعضی را به خدمت خود بگیرند. رحمت خداوند تو بهتر از چیزهایی است که جمع می‌کنند. (۳۲) اگر به خاطر این نبود که مردم امت واحدی می‌شدند، برای خانه کسانی که منکر خداوند بخشنده می‌شوند سقف‌ها و نردبان‌های نقره‌ای که از آن بالا روند قرار می‌دادیم. (۳۳)

و برای خانه‌هایشان درهایی و تخت‌هایی که بر آن تکیه بزنند قرار می‌دادیم. (۳۴) و زینت‌هایی در دسترس آن‌ها قرار می‌دادیم. تمام این چیزها وسیله زندگی دنیا است، در صورتی که آخرت پیش خداوند تو برای افراد پرهیزکار است. (۳۵) هر کس از یاد خداوند رحمان غافل باشد، شیطانی را بر او می‌گماریم تا همنشین او باشد. (۳۶) و شیطان‌ها آنها را از راه درست باز می‌دارند و آن‌ها خیال می‌کنند راهشان درست است. (۳۷) تا وقتی که پیش ما بیاید، (انوقت به شیطان) بگوید که ای کاش بین من و تو فاصله مشرق تا مغرب بود، تو بد همنشینی بودی. (۳۸) وقتی که ظلم کردید این تاسف برای شما فایده‌ای ندارد، امروز شما در عذاب شریک هم هستید. (۳۹) (ای پیغمبر)، آیا تو می‌توانی به گوش آدم کر حرفی فرو کنی، و یا کور را با اشاره و کسی را که در گمراهی کاملاً آشکاری است هدایت کنی؟! (۴۰) اگر تو را از دنیا ببریم، خودمان از آن‌ها انتقام می‌گیریم. (۴۱) یا عذابی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم به تو نشان می‌دهیم، ما بر آن‌ها تسلط داریم. (۴۲) پس به آنچه به تو وحی می‌شود بچسب، چون بر راه راست قرار داری. (۴۳) قرآن تذکری برای تو و قومت می‌باشد و شما درباره آن بازخواست خواهید شد. (۴۴) درباره پیغمبرانی که قبل از تو فرستادیم بپرس که آیا غیر از خداوند بخشنده معبودهایی برای آن‌ها قرار دادیم که بنده آن‌ها باشند؟ (۴۵) موسی را با معجزات خودمان پیش فرعون و سران کشورش فرستادیم. موسی به آن‌ها گفت که من فرستاده (خداوند) صاحب‌اختیار همه

مردم جهان هستم. (۴۶) چون موسی معجزات ما را برای آنها آورد همه به آن خندیدند. (۴۷)

هیچ معجزه‌ای به آنها نشان ندانیم مگر اینکه از معجزه قبلی آن بزرگتر بود و آنها را دچار عذاب کردیم شاید از راه غلط خود برگردند. (۴۸) گفتند: ای جادوگر، خداوندت را مطابق عهده‌ی که با تو بسته بخوان، ما راه صحیح را شناخته‌ایم. (۴۹) ولی چون عذاب را از آنها برطرف کردیم، پیمان خود را شکستند. (۵۰) فرعون در میان قومش ندا داد و گفت: ای قوم من، آیا فرمانروایی مصر و این نهرها که زیر پای من روان است مال من نیست؟ آیا نمی‌بینید؟ (۵۱) من بهترم یا این آدم خوار و ذلیل که نمی‌تواند درست حرف بزند؟ (۵۲) چرا دستبندهای طلائی به او داده نشده یا چرا عده‌ای از فرشتگان همراه او نیستند؟ (۵۳) پس قومش را تحقیر کرد، آنها هم از او اطاعت کردند. آنها افرادی بودند که از خدا اطاعت نمی‌کردند. (۵۴) چون باعث تاسف ما شدند از آنها انتقام گرفتیم و تمام آنها را غرق کردیم. (۵۵) و آنها را در ردیف گذشتگان و عبرتی برای آیندگان ساختیم. (۵۶) چون پسر مریم (عیسی) مثال زده شد، قوم تو از قبول آن خودداری کردند و سر و صدا راه انداختند. (۵۷) و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ آنها این مثل را فقط برای جدال با تو زدند. آنها افرادی ستیزه‌جو هستند. (۵۸) عیسی پسر مریم فقط بنده‌ای بود که به او احسان کردیم و او را نمونه‌ای (عبرتی) برای بنی‌اسرائیل قرار دادیم. (۵۹) اگر می‌خواستیم عده‌ای از شما را در زمین فرشتگانی می‌ساختیم که جانشین شما باشند. (۶۰)

آن علامتی برای روز قیامت است، پس در مورد آن شك نداشته باشید و از من پیروی کنید. راه راست این است. (۶۱) شیطان مانع شما نشود، چون او بطور آشکار دشمن شما است. (۶۲) وقتی عیسی معجزات روشنی آورد، گفت: برای شما حکمت آورده‌ام تا قسمتی از چیزهایی را که درباره آن اختلاف‌نظر داشتید برای شما روشن کنم، پس از خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۶۳) صاحب‌اختیار من و صاحب‌اختیار شما فقط خداست، پس بندگی او را بکنید (هیچ‌کس را غیر از خدا ارباب و سرور خود قرار ندهید). راه راست این است. (۶۴) در نتیجه دستجات با هم اختلاف پیدا کردند. وای بر کسانی که ظلم می‌کنند از عذاب روز پردرد. (۶۵) آیا غیر از این انتظار دارند که قیامت ناگهانی و در حالی که آنها متوجه نیستند سراغ آنها بیاید؟ (۶۶) در آن روز بعضی از دوستان با بعضی دشمن می‌شوند، به جز افراد پرهیزکار. (۶۷) ای بندگان من، امروز شما ترس و غصه‌ای ندارید. (۶۸) کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و مسلمان (فقط تسلیم دستورهای خدا) بودند. (۶۹) شما با همسرانتان با خوشحالی وارد بهشت شوید. (۷۰) بشقاب‌ها و کوزه‌های طلائی برای آنها دور می‌گردانند و هر چه دل بخواهد و چشم از آن لذت ببرد در آن هست و شما همیشه در آن خواهید بود. (۷۱) این بهشتی است که به علت کارهای درستی که کردید مال شما می‌شود. (۷۲) در آن میوه‌های زیادی برای شما وجود دارد که از آن می‌خورید. (۷۳)

افراد گناه‌کار همیشه در عذاب جهنم خواهند بود. (۷۴) عذابشان کم نمی‌شود و بدون امید در آن خواهند بود. (۷۵) ما به آنها ظلم نکردیم، ولی آنها خودشان ظلم می‌کردند. (۷۶) و صدا می‌زنند که ای مالک جهنم، بگو خدای تو به ما مرگ بدهد. به آنها گفته می‌شود شما ماندنی هستید. (۷۷) ما حق را برایتان آوردیم ولی بیشتر شما از حق خوشتان نمی‌آید. (۷۸) یا در کارشان اصرار ورزیدند، ما هم در کار خود اصرار داریم. (۷۹) یا خیال می‌کنند ما فکر آنها و حرفهای درگوشی شان را نمی‌شنویم؟ آری می‌شنویم و فرستادگان ما پیش آنها هستند و آن را می‌نویسند. (۸۰) بگو: اگر خداوند رحمان فرزندی داشت، من اولین کسی بودم که بنده او می‌شدم. (۸۱) خداوند آسمان‌ها و زمین و عرش از این حرفهایی که می‌زنند پاک است. (۸۲) آنها را بگذار که شوخی و مسخره‌بازی کنند تا روزی که به آنها وعده داده شده ببینند. (۸۳) خدا در آسمان و در زمین معبود است و او حکیم داناست. (۸۴) خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست مال اوست از این نسبت‌ها پاک است. علم روز قیامت پیش اوست و پیش او برگردانده می‌شود. (۸۵) کسانی را که به غیر از او می‌خوانند و از آنها کمک می‌خواهند مالک شفاعتی نیستند، مگر کسانی که به حق شهادت بدهند و آنها حقیقت را می‌دانند. (۸۶) اگر از آنها بپرسی که چه کسی آنها را آفریده؟ حتماً می‌گویند خدا. پس چرا به راه غلط می‌روند؟ (۸۷) (پیغمبر) گفت: خداوند، این مردم ایمان نمی‌آورند. (۸۸) (خدا)

گفت: از آن‌ها بگذر و به آن‌ها بگو به سلامت، نتیجه کار خود را خواهند دانست. (۸۹)

سوره دخان (۴۴)

مکی و شامل پنجاه و نه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

حم. (۱) قسم به کتاب روشن (واضح) و روشن‌کننده. (۲) ما قرآن را در شبی مبارک نازل کردیم. ما هشداردهنده بوده ایم. (۳) در آن شب هر فرمان با حکمتی بیان و روشن می‌شود. (۴) فرمانی از طرف ما، که ما فرستنده آن بوده ایم. (۵) رحمتی از خداوند است، چون او شنونده دانا است. (۶) اگر یقین دارید، می‌دانید که او خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست می‌باشد. (۷) معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و از دستورهایش بدون چون و چرا پیروی کنید) غیر از او که زنده می‌کند و می‌میراند نیست. صاحب‌اختیار شما و صاحب‌اختیار اجداد شماست. (۸) ولی آن‌ها در حال شك و تردید سرگرم بازی هستند. (۹) انتظار روزی را بکش که آسمان دود آشکاری را بیاورد، (۱۰) که مردم را دربر گیرد. این عذاب پردردی است. (۱۱) خداوند، عذاب را از ما برطرف کن، ما افراد باایمانی هستیم. (۱۲) از کجا و کی آن‌ها توجه خواهند داشت، در صورتی که پیغمبری روشن‌کننده برای آن‌ها آمد. (۱۳) بعد از او رو برگردانند و گفتند: این حرف‌ها را به او یاد داده‌اند، او دیوانه است. (۱۴) ما اندکی عذاب را برطرف می‌کنیم، شما باز به کفر برمی‌گردید. (۱۵) روزی که با قدرت آن‌ها را به سختی مجازات می‌کنیم. ما انتقام می‌گیریم. (۱۶) قبلاً قوم فرعون را امتحان کردیم و پیغمبر بزرگواری برای آن‌ها آمد. (۱۷) گفت که بندگان خدا را به من برگردانید، من پیغمبر امینی برای شما هستم. (۱۸)

و خود را بالاتر از خدا ندانید، من دلیل روشنی برای شما آورده‌ام. (۱۹) من از این‌که مرا سنگسار کنید به خدای خودم و خدای شما پناه می‌برم. (۲۰) اگر حرف‌های مرا قبول نمی‌کنید، از من کناره‌گیری کنید. (۲۱) لذا موسی خداوندش را خواند و گفت: این‌ها افراد گناه‌کاری هستند. (۲۲) (خداوند به او گفت:) بندگان مرا شبانه حرکت بده چون شما را تعقیب می‌کنند، (۲۳) دریا را آرام پشت سر بگذار، آن‌ها لشکری هستند که غرق می‌شوند. (۲۴) چه باغ‌ها و چشمه‌ها و چه مزارع و خانه‌های خوبی و چه ناز و نعمتی که در آن مسرور بودند، از خود به جا گذاشتند. (۲۵) تا (۲۷) به این ترتیب ما آن‌ها را به افراد دیگری واگذاشتیم. (۲۸) آسمان و زمین به‌خاطر آن‌ها اشک نریخت و به آن‌ها مهلتی داده نشد. (۲۹) و بنی‌اسرائیل را از عذاب خوارکننده فرعون، که برتری‌طلب و متجاوز بود، نجات دادیم. (۳۰ و ۳۱) و آن‌ها را از روی علم بر جهانیان ترجیح دادیم. (۳۲) به آن‌ها آیاتی دادیم که در آن امتحان واضحی بود. (۳۳) این‌ها می‌گویند: مرگ ما فقط همین مرگ اولیه دنیایی است و ما زنده نخواهیم شد، (۳۴ و ۳۵) اگر راست می‌گویید پدران ما را بیاورید. (۳۶) آیا آن‌ها بهترند یا قوم تبع (یمنی‌ها) و افرادی که قبل از آن‌ها بودند؟ ما آن‌ها را هلاک کردیم، چون گناه‌کار بودند. (۳۷) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌ها است را به بازی نیافریده ایم. (۳۸) ما آن‌ها را به حق آفریدیم ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند. (۳۹)

وعده‌گاه همه آن‌ها روز قیامت است. (۴۰) روزی که هیچ دوستی برای دوستش کاری نمی‌کند و یاری هم نخواهند شد. (۴۱) مگر کسی که خدا به او رحم کرده باشد، چون او توانا و مهربان است. (۴۲) درخت زقوم غذای آدم گناه‌کار است. (۴۳ و ۴۴) مثل مس‌گداخته در شکم‌ها می‌جوشد، مثل جوشیدن آب جوش. (۴۵ و ۴۶) او را بگیرد و با خواری به میان جهنم بکشید. (۴۷) بعد روی سرش آب جوش بریزید. (۴۸) بچش، تو خود را توانا و بزرگواری حساب می‌کردی. (۴۹) این همان چیزی است که به آن شك داشتید. (۵۰) افراد پرهیزکار در جای امنی در بهشت‌ها و کنار چشمه‌ها هستند. (۵۱ و ۵۲) لباس حریر نازک و کلفت می‌پوشند و در مقابل هم می‌نشینند. (۵۳) همین‌طور است، و آن‌ها را همسر حوران چشم درشت می‌کنیم. (۵۴) با خیال راحت هر میوه‌ای را که بخواهند در دسترسشان است. (۵۵) طعم مرگ را، غیر از مرگ دنیایی، نمی‌چشند و خدا آن‌ها را از عذاب جهنم حفظ کرده. (۵۶) این توفیقی از خداوند تو است. این موفقیت بزرگی است. (۵۷) ما قرآن را به زبان تو آسان کردیم شاید متوجه شوند. (۵۸) منتظر باش آن‌ها هم منتظر هستند. (۵۹)

سوره جاثیه (۴۵)

مکی و شامل سی و هفت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

حم. (۱) نزول قرآن از طرف خداوند توانا و حکیم است. (۲) در آسمانها و زمین نشانه‌هایی برای افراد باایمان می‌باشد. (۳) و در خلقت شما و حیوانات پراکنده در زمین نشانه‌هایی برای اهل یقین می‌باشد. (۴) و در آمد و رفت شب و روز و بارانی که خدا از آسمان می‌فرستد و با آن زمین را پس از مرگش زنده می‌کند و در گردش بادها نشانه‌هایی برای عاقلان می‌باشد. (۵) این آیات خداست که به حق بر تو می‌خوانیم. بعد از سخن خدا و آیاتش به چه سخنی ایمان می‌آورند؟ (۶) وای بر هر تهمت‌زننده گناه‌کاری. (۷) آیات خدا را که برای او خوانده می‌شود می‌شنود، بعد متکبرانه اصرار می‌ورزد، مثل اینکه اصلاً آن را نشنیده است، او را به عذابی دردناک بشارت بده. (۸) وقتی چیزی از آیات ما را دانست، آن را مسخره می‌کند. این افراد عذاب خوارکننده‌ای دارند. (۹) پشت سرشان جهنم است، و کارهایی که کرده‌اند و مددکارانی که جز خدا برای خود گرفته‌اند ذره‌ای برایشان فایده ندارند و عذاب بزرگی دارند. (۱۰) این قرآن راهنماست (راه درست زندگی را به انسان‌ها نشان می‌دهد) و کسانی که منکر آیات خداوندشان می‌شوند عذابی پردرد دارند. (۱۱) خداست که دریا را مسخر شما کرد، که به فرمان او کشتی‌ها در دریا حرکت کنند تا دنبال کسب معاش بروید. شاید سیاست‌گذاری کنید. (۱۲) و آنچه در آسمانها و زمین است از طرف خودش مسخر شما کرده. در این امر برای افرادی که فکر می‌کنند عبرت‌هاست. (۱۳)

به افراد باایمان بگو: از اشتباه افرادی که امید رسیدن روزهای خدا را ندارند چشم‌پوشی کنند تا خدا هر دسته‌ای را مطابق کاری که می‌کردند جزا بدهد. (۱۴) هر کس کار درست بکند به نفع خودش است و هر کس کار بدی بکند به ضرر خودش است و شما پیش خداوندتان برگردانده می‌شوید. (۱۵) به بنی اسرائیل کتاب و حکم و نبوت دادیم و غذاهای پاک را روزی آنها کردیم و آنها را بر افراد جهان برتری دادیم. (۱۶) و دلایل روشنی از دین به آنها دادیم. اختلاف آنها پس از اینکه حقیقت را دانستند فقط به خاطر حسادت بین خودشان بود. خداوند تو روز قیامت در مورد چیزهایی که در آن اختلاف نظر داشتند میان آنها قضاوت می‌کند. (۱۷) بعد تو را بر راه روشنی از دین قرار دادیم. از آن پیروی کن و از دلخواه افرادی که علم ندارند پیروی نکن. (۱۸) آنها هرگز نمی‌توانند در مقابل خدا تو را بی‌نیاز کنند. بعضی از افرادی که ظلم می‌کنند پشتیبان بعضی هستند و خدا پشتیبان پرهیزکاران است. (۱۹) این قرآن وسیله بینایی برای مردم و هدایت و رحمت برای افرادی است که یقین دارند. (۲۰) آیا کسانی که کار بد می‌کنند خیال کرده‌اند که زندگی و مرگ آنها را با افرادی که ایمان آورده و کار درست کرده‌اند مساوی می‌سازیم؟ بد قضاوتی می‌کنند. (۲۱) خدا آسمانها و زمین را به حق خلق کرد تا به هر کسی مطابق کاری که کرده جزا داده شود و به آنها ظلمی نخواهد شد. (۲۲)

آیا کسی که دلخواه خود را معبود خود ساخت و خدا او را با وجود علمی که داشت گمراه کرد و چشم و گوشش را بسته بود و پرده‌ای روی چشمش کشیده بود، دیدی؟ چه کسی بعد از خدا او را هدایت می‌کند؟ آیا متوجه نمی‌شوید؟ (۲۳) گفتند: فقط زندگی دنیایی ما وجود دارد. می‌میریم و زنده می‌شویم و فقط روزگار ما را می‌کشد. در صورتی که آنها علمی به این حرفی که می‌زنند ندارند و فقط گمان می‌کنند. (۲۴) وقتی آیات روشن ما بر آنها خوانده شود حرفشان فقط این است که بگویند: اگر راست می‌گویید پدران ما را بیاورید. (۲۵) بگو: خدا شما را زنده می‌کند و بعد می‌میراند و بعد همگیتان را در روز قیامت، که شکی در آن نیست، جمع می‌کند ولی بیشتر مردم این حقیقت را نمی‌دانند. (۲۶) فرمانروایی آسمانها و زمین متعلق به خداست. روزی که قیامت بر پا شود، اهل باطل زیانکارند. (۲۷) در آن روز هر دسته‌ای را می‌بینی که به زانو درآمده‌اند و هر دسته‌ای به کتاب خود خوانده می‌شوند. امروز جزای کارهایی که می‌کردید به شما داده می‌شود. (۲۸) این کتاب ماست که به حق بر ضرر شما سخن می‌گوید. ما کارهایی را که می‌کردید می‌نوشتیم. (۲۹) خداوندشان کسانی را که ایمان آوردند و کار درست کردند، داخل رحمت خودش می‌کند. این موفقیت آشکاری است. (۳۰) و به کسانی که قبول نکردند گفته می‌شود: آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد؟ شما تکبر می‌ورزیدید و افراد گناه‌کاری

بودید. (۳۱) و وقتی به شما گفته می‌شد که وعده خدا درست است و در بودن قیامت شکی نیست، می‌گفتید: نمی‌فهمیم قیامت چیست. ما فقط گمانی می‌کنیم و یقین نداریم. (۳۲)

برای آن‌ها کارهایی که می‌کردند معلوم شد، و همان عذابی که مورد تمسخر آن‌ها بود آن‌ها را فرا گرفت. (۳۳) به آن‌ها گفته می‌شود: ما امروز شما را فراموش می‌کنیم، همان‌طور که شما چنین روزی را فراموش کردید. جای شما آتش جهنم است و کسی که به شما کمک کند وجود ندارد. (۳۴) این کار به خاطر این است که شما آیات خداوند را به تمسخر گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد. پس امروز از جهنم خارج نمی‌شود و عذرشان پذیرفته نمی‌شود. (۳۵) ستایش و بزرگداشت فقط اختصاص به خدا دارد که صاحب‌اختیار آسمان‌ها و زمین و تمام افراد بشر است. (۳۶) در آسمان‌ها و زمین، بزرگی فقط اختصاص به او دارد و او توانا و حکیم است. (۳۷)

سوره احقاف (۴۶)

مکی و شامل سی و پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

حم. (۱) نزول قرآن از طرف خداوند توانا و حکیم است. (۲) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آن‌ها است به حق و برای مدت معلومی آفریدیم. ولی افراد بی‌ایمان از هشداری که به آن‌ها داده می‌شود روگردان هستند. (۳) بگو: چیزهایی را که غیر از خدا به کمک می‌خوانید به من نشان بدهید که چه چیزی را در زمین خلق کرده‌اند؟ یا در خلقت آسمان‌ها شریک خدا بوده‌اند؟ اگر راست می‌گویید کتابی قبل از این یا اثری از علم برای من بیاورید. (۴) کیست گمراه‌تر از کسی که غیر از خدا را به کمک می‌خواند، که تا روز قیامت او را اجابت نمی‌کند و از دعای آن‌ها نیز بی‌خبر است؟ (۵)

و وقتی مردم در روز قیامت جمع‌آوری شوند، دشمن آن‌ها خواهند بود و منکر بندگی آن‌ها می‌شوند. (۶) وقتی آیات روشن ما برای آن‌ها خوانده می‌شود، افراد بی‌ایمان درباره حقی که برای آن‌ها آمده می‌گویند این سحر آشکاری است. (۷) یا می‌گویند خود او آن‌ها را سر هم کرده. بگو: اگر من آن‌ها را به هم بافته باشم شما در مقابل خدا کاری برای من نمی‌توانید بکنید. او حرف‌هایی را که درباره آن می‌زنید بهتر می‌داند. خدا برای شهادت بین من و شما کافی است و او آمرزنده مهربان است. (۸) بگو: من اولین پیغمبر نیستم و نمی‌دانم با من و شما چه خواهد شد. من فقط از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم و فقط آشکارا به شما هشدار می‌دهم. (۹) بگو: اگر قرآن از طرف خدا باشد و شما منکر آن شده باشید چه می‌گویید؟ در صورتی که شاهی از بنی‌اسرائیل به مثل آن شهادت داد و ایمان آورد ولی شما تکبر ورزیدید. خدا افرادی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۱۰) افراد بی‌ایمان به افراد باایمان گفتند: اگر خوب بود، هیچ‌کس بر ما در ایمان آوردن به آن پیشدستی نمی‌کرد، و وقتی به وسیله آن هدایت نشدند، می‌گویند این دروغی قدیمی است. (۱۱) در صورتی که قبل از قرآن کتاب موسی امام و رحمت بوده، و این کتابی است تصدیق‌کننده آن و به زبان عربی تا افرادی را که ظلم می‌کنند از عواقب کارشان بترساند و برای افراد نیکوکار مژده باشد. (۱۲) آنان که گفتند صاحب‌اختیار (ارباب) ما خداست و بعد هم روی آن استقامت ورزیدند، ترس و غصه‌ای ندارند. (۱۳) آن‌ها اهل بهشت هستند و به پاداش کارهایی که می‌کردند همیشه در آن خواهند بود. (۱۴)

ما نیکی‌کردن به پدر و مادر را به انسان سفارش کردیم. مادرش به زحمت بار حمل او را متحمل شد و با ناراحتی او را وضع حمل کرد و بارداری و شیردادن او سی ماه طول کشید، تا وقتی که به رشد رسید و چهل ساله شد گفت: خداوند مرا موفق کن که شکر نعمتی که به من و پدر و مادرم دادی بنمایم و کار درستی که مورد رضایت تو باشد بکنم و فرزندان مرا صالح کن، من به سوی تو برگشته‌ام و تسلیم حکم و نظر تو هستم. (۱۵) چنین افرادی هستند که بهترین اعمالی را که انجام می‌دادند از آن‌ها می‌پذیریم و از گناهانشان می‌گذریم و جزو افراد بهشتی هستند. این وعده درستی است که به آن‌ها داده شده است. (۱۶) و کسی که به پدر و مادرش

گفت: اف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که از گور بیرون آورده می‌شوم؟ در صورتی که مردم قرن‌های قبل از من از دنیا رفته‌اند. در حالی‌که پدر و مادرش از خدا کمک می‌خواستند و می‌گفتند وای بر تو، ایمان بیاور، وعده خدا درست است و او می‌گفت این حرف‌ها افسانه گذشتگان است. (۱۷) چنین افرادی هستند که وعده عذاب برای گروه‌های جن و انس که قبلاً از دنیا رفتند درباره آن‌ها مقرر شد. آن‌ها البته زیانکارند. (۱۸) هر يك درجاتی به‌خاطر کارهایی که کرده‌اند دارند تا پاداش اعمالشان بطور کامل داده شود، و ظلمی به آن‌ها نمی‌شود. (۱۹) روزی که افراد بی‌ایمان به آتش جهنم عرضه می‌شوند به آن‌ها گفته می‌شود شما لذت‌های خود را در دنیا بردید و از آن‌ها بهره‌مند شدید. پس امروز به علت این‌که به ناحق در زمین تکبر داشتید و نافرمانی می‌کردید عذاب خوارکننده‌ای جزای شماست. (۲۰)

برادر قوم عاد را یادآوری کن، وقتی که در احقاف (ریگستان‌ها) آن‌ها را از عواقب کارشان می‌ترساند، در صورتی که قبل از او و بعد از او هم بیم‌دهندگانی آمده بودند. به آن‌ها می‌گفت که بندگی احدی غیر از خدا را نکنید. من از عذاب روز بزرگ بر شما می‌ترسم. (۲۱) به او گفتند: آیا آمده‌ای که ما را از خدایانمان منصرف کنی؟ اگر راست می‌گویی عذابی را که به ما وعده می‌دهی بر سر ما بیاور. (۲۲) گفت: علم آمدن آن فقط پیش خدا است، من فقط رسالتی را که به من داده شده به شما ابلاغ می‌کنم، ولی شما را افرادی نادان می‌بینم. (۲۳) چون عذاب را دیدند که به صورت ابری به طرف سرزمین آن‌ها می‌آید گفتند: این ابری است که برای ما باران می‌بارد. گفت: این‌طور نیست، بلکه این همان عذابی است که برای آمدن آن عجله داشتید، بادی است که در آن عذاب دردناکی وجود دارد. (۲۴) به فرمان خداوندش هر چیزی را نابود می‌کند، طوری که فقط بقایای خانه‌هایشان دیده می‌شود. ما گناه‌کاران را به این طرز مجازات می‌کنیم. (۲۵) ما به آن‌ها قدرتی دادیم که به شما نداده‌ایم. به آن‌ها گوش و چشم و عقل داده بودیم ولی وقتی منکر آیات خدا شدند، گوش و چشم و عقلشان برای آن‌ها فایده‌ای نداشت و عذابی که آن را مسخره می‌کردند آن‌ها را فرا گرفت. (۲۶) ما شهرهای اطراف شما را نابود کردیم و آیات را برای آن‌ها بیان کردیم شاید (از کار غلط خود) برگردند. (۲۷) چرا معبودهایی که برای نزدیک‌شدن به خدا درست کرده بودند آن‌ها را یاری نکردند؟ بلکه پیدایشان هم نشد. این‌ها دروغ و افترای آن‌ها بود. (۲۸)

وقتی را یادآوری کن که عده‌ای از جنیان را پیش تو فرستادیم که قرآن را بشنوند. چون حاضر شدند گفتند: ساکت باشید. وقتی تمام شد پیش قومشان برگشتند و آن‌ها را از عواقب کارشان می‌ترساندند. (۲۹) گفتند: ای قوم ما، کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده و مصدق کتاب‌های قبلی است و به راه حق و راه راست هدایت می‌کند. (۳۰) ای قوم ما، دعوت کسی را که به راه خدا دعوت می‌کند اجابت کنید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان شما را بپامزد و شما را از عذابی پردرد پناه دهد. (۳۱) کسی‌که دعوت کننده خدا را اجابت نکند نمی‌تواند خدا را در زمین عاجز کند و اولیایی غیر از خدا برای او وجود ندارند، و آن‌ها در گمراهی واضحی هستند. (۳۲) آیا متوجه نشدند خدایی که بدون زحمتی آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، می‌تواند مردگان را زنده کند؟ آری خدا قادر به هر کاری است. (۳۳) روزی که افراد بی‌ایمان به آتش جهنم عرضه می‌شوند به آن‌ها گفته می‌شود آیا این حقیقت ندارد؟ می‌گویند: آری، قسم به خداوندمان. خدا به آن‌ها می‌گوید: به علت این‌که منکر آن می‌شدید عذاب را بچشید. (۳۴) پس ای پیغمبر، صبر داشته باش همان‌طور که پیغمبران با اراده صبر داشتند و برای عذاب آن‌ها عجله نکن. آن‌ها وقتی عذاب ما را که به آن‌ها وعده داده شده ببینند، مثل این است که فقط يك ساعت از روز (در دنیا یادرخاک) مانده‌اند، این ابلاغی است. آیا کسی جز افراد خلافکار هلاک می‌شود؟ (۳۵)

سوره محمد (۴۷)

مدنی و شامل سی و هشت آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

خدا کارهای کسانی که منکر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند بدون نتیجه کرد. (۱) و کسانی‌که ایمان آوردند و کار درست کردند و به آنچه به محمد نازل شد و حقیقت و از طرف خدایشان بود ایمان آوردند، خدا گناهانشان را محو و وضعشان را اصلاح کرد. (۲) این‌کار به آن جهت است که بی‌ایمان‌ها پیرو باطل بودند و

با ایمان‌ها پیرو حقی که از جانب خدایشان بود. خدا این‌طور برای مردم مثال می‌زند. (۳) وقتی با کافرها (در جنگ) برخوردید گردنشان را بزنید و وقتی که بسیاری از آن‌ها را کشتید بندها را محکم کنید، آنگاه یا منت گذاشته آزادشان کنید یا خون‌بها بگیرید تا جنگ تمام شود. اگر خدا می‌خواست از آن‌ها انتقام می‌گرفت ولی شما را با یکدیگر امتحان می‌کند. کسانی که در راه خدا کشته شدند خدا پاداششان را از بین نمی‌برد. (۴) آن‌ها را هدایت و وضعشان را اصلاح می‌کند. (۵) و به بهشتی که برایشان تعریف کرده واردشان می‌کند. (۶) ای مؤمنین، اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری می‌نماید و قدم‌هایتان را ثابت می‌کند. (۷) بداهه حال کافران، خدا کارشان را بی‌نتیجه ساخت. (۸) این به آن جهت است که از آنچه خدا نازل کرد بدشان می‌آمد در نتیجه خدا کارشان را بی‌نتیجه ساخت. (۹) آیا در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها بودند چه شد؟ خدا هلاکشان کرد. بی‌ایمان‌ها هم عاقبتی مثل آن‌ها دارند. (۱۰) این‌کار به آن جهت است که خدا پشتیبان افراد باایمان است و افراد بی‌ایمان پشتیبانی ندارند. (۱۱)

خدا کسانی را که ایمان داشته و کار درست کرده‌اند وارد بهشت‌هایی می‌کند که در آن نهرها روان است. و افراد بی‌ایمان در دنیا بهره‌مند می‌شوند و مثل حیوانات می‌خورند ولی آتش جهنم جای آن‌ها است. (۱۲) شهرهای بسیاری را که نیرویشان بیشتر از شهری بود که تو را از آن بیرون کردند، هلاک کردیم و کسی نبود که کمکشان کند. (۱۳) آیا کسی که دلیل روشنی از خداوندش دارد مثل کسی است که کار بدش برای او زینت داده شده و از دلخواش پیروی می‌کند؟ (۱۴) وصف بهشتی که به افراد پرهیزکار وعده داده شده این است که نهرهایی از آب زلال و از شیری که مزه‌اش عوض نمی‌شود، و نهرهایی از شرابی که برای نوشندگان لذت‌آور است، و نهرهایی از عسل صاف‌شده، و هر نوع میوه‌ای در آن بهشت وجود دارد و آمرزش خداوندشان را دارند. آیا آن‌ها مثل کسانی هستند که همیشه در آتشند و آب جوش به آن‌ها خورانده می‌شود که روده‌هایشان را پاره می‌کند؟ (۱۵) عده‌ای ظاهراً به تو گوش می‌دهند ولی وقتی از پیش تو می‌روند به دانشمندان می‌گویند که او چه می‌گفت. آن‌ها هستند که خدا بر دلشان مهر زده و از دلخواه خود پیروی می‌کنند. (۱۶) خدا هدایت هدایت‌شدگان را زیاد می‌کند و به آن‌ها تسلط بر نفس می‌دهد. (۱۷) آیا انتظاری جز این دارند که قیامت بطور ناگهانی سراغشان آید؟ در صورتی که نشانه‌های آن آمده است. وقتی آمد توجه آن‌ها به دردشان نمی‌خورد. (۱۸) ای پیغمبر! بدان که معبودی غیر از خدا نیست. برای گناهان خودت و مردان و زنان باایمان طلب آمرزش کن. خدا آمدن و رفتن و جای شما را می‌داند. (۱۹)

افراد باایمان می‌گویند: چرا سوره‌ای نازل نشده؟ ولی وقتی سوره محکمی نازل شد و در آن واجب‌شدن جنگ ذکر شد، می‌بینی افرادی که در دلشان مرضی است، مثل کسی که در اثر مرگ در حال بیهوشی فرو رفته باشد، به تو نگاه می‌کنند. اطاعت از حکم خدا و گفتار نیک برای آن‌ها سزاوارتر است. وقتی تصمیم جنگ گرفته شد، اگر به خدا راست گفته باشند شرکت در جنگ برای آن‌ها بهتر است. (۲۰ و ۲۱) آیا امکان دارد که اگر به حکومت رسیدید در زمین فساد کنید و خویشاوندی‌ها را قطع کنید؟ (۲۲) چنین افرادی را خدا لعنت کرده و آن‌ها را کر کرده و چشمشان را کور ساخته. (۲۳) آیا در آیات قرآن فکر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل زده شده؟ (۲۴) کسانی که بعد از این‌که راه صحیح برای آن‌ها روشن شد به عقب و به کفر و شرک برگشتند، شیطان آن‌ها را فریب داده و اسیر آرزوها کرده. (۲۵) این وضع به علت این است که آن‌ها به افرادی که از قرآنی که خدا نازل کرده بدشان می‌آید گفتند که در بعضی از کارها از شما اطاعت خواهیم کرد. در صورتی که خدا کارهای مخفیانه آن‌ها را می‌داند. (۲۶) وقتی که فرشتگان جان آن‌ها را می‌گیرند و به صورت و پشت آن‌ها می‌زنند، حالشان چطور است؟ (۲۷) این وضع به علت این است که آن‌ها از آنچه مورد خشم خداست پیروی کردند و از رضایت خدا خوششان نمی‌آمد. در نتیجه خداوند کارهایشان را بی‌نتیجه ساخت. (۲۸) آیا کسانی که در دلشان مرضی است خیال کرده‌اند که خدا هرگز کینه‌هایشان را آشکار نمی‌کند؟ (۲۹)

اگر بخواهیم آن‌ها را به تو نشان می‌دهیم و آن‌ها را حتماً از سیما و طرز سخن‌گفتنشان می‌شناسی. خدا کارهای شما را می‌داند. (۳۰) شما را امتحان می‌کنیم تا افراد مجاهد و صبور شما را بشناسیم و خبرهای شما را امتحان کنیم. (۳۱) کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا باز داشتند و بعد از این‌که راه صحیح

برای آن‌ها معلوم شد با پیغمبر مخالفت کردند، ذره‌ای به خدا ضرر نمی‌زنند و خدا کارهایشان را بی‌نتیجه می‌سازد. (۳۲) ای افراد باایمان، از خدا و پیغمبر اطاعت کنید و کارهای خودتان را از بین نبرید. (۳۳) افرادی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند و در حال کفر مردند، خدا هرگز آن‌ها را نمی‌آمرزد. (۳۴) سست نشوید و آن‌ها را به صلح دعوت نکنید، در صورتی که شما برترید و خدا با شما است و پاداش اعمالتان را کم نمی‌کند. (۳۵) زندگی دنیا بازی و سرگرمی است. اگر ایمان بیاورید و تقوی داشته باشید، پاداش شما را می‌دهد و مال شما را نمی‌خواهد. (۳۶) اگر خدا مال شما را بخواهد و در این‌کار اصرار بکند، بخل می‌ورزید و کینه‌های شما را آشکار می‌کند. (۳۷) متوجه باشید که شما این افرادی هستید که از شما خواسته می‌شود که در راه خدا انفاق کنید ولی عده‌ای از شما بخل می‌ورزند. کسی که بخل بورزد به ضرر خودش است. خدا احتیاجی ندارد در صورتی که شما فقیر و محتاج هستید. اگر قبول نکنید شما را با افراد دیگری عوض می‌کند که مثل شما نیستند. (۳۸)

سوره فتح (۴۸)

مدنی و شامل بیست و نه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

(ای پیغمبر) ما برای تو پیروزی آشکاری بوجود آوردیم. (۱) تا خدا گناهان قبلی و بعدی تو را بیامرزد و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به راه راست هدایت کند. (۲) و تو را یاری کند، یاری پیروزمندان ای. (۳) اوست که آرامش را بر قلب افراد باایمان نازل کرد تا ایمانشان را اضافه کند. لشکرهای آسمان‌ها و زمین مال خداست و خدا دانا و حکیم است. (۴) تا مردان و زنان باایمان را وارد بهشت‌هایی کند که در آن نهرها روان است و همیشه در آن خواهند بود و خطاهای آن‌ها را ببخشد. این‌کار پیش خداوند موفقیّت بزرگی است. (۵) و مردان و زنان منافق و مشرک را که به خدا گمان بد دارند عذاب کند. بدا به حال آن‌ها، خدا بر آن‌ها غضب کرده و آن‌ها را از رحمت خود دور ساخته و جهنم را برای آن‌ها آماده کرده. جهنم جای بدی است. (۶) لشکرهای آسمان و زمین مال خدا و در اختیار خداست و خدا توانا و حکیم است. (۷) ما تو را برای شاهد بودن و مؤدبه دادن و برحذر داشتن فرستادیم. (۸) تا به خدا و رسول او ایمان بیاورید و به او کمک کنید و خدا را بزرگ شمارید و صبح و شب او را به پاکی یاد کنید. (۹)

کسانی که با تو بیعت می‌کنند در واقع با خدا بیعت می‌کنند چون دست خدا روی دست آن‌ها است. کسی که پیمان را بشکند بر ضرر خودش شکسته است و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند، خدا به او پاداش بزرگی خواهد داد. (۱۰) افرادی از صحرائشینان که از رفتن به جنگ خودداری کردند می‌گویند اموال و زن و بچه‌هایمان ما را مشغول کرد. برای ما از خدا طلب آمرزش کن. زبانی چیزی را می‌گویند که قلباً به آن اعتقاد ندارند. بگو: اگر خدا اراده ضرر یا نفعی برای شما بکند، چه کسی می‌تواند به اندازه ذره‌ای جلو آن را بگیرد. آری خدا تمام کارهایی را که می‌کنید می‌داند. (۱۱) شما خیال می‌کردید که پیغمبر و افراد باایمان هیچوقت پیش زن و فرزند خود بر نمی‌گردند و این تصور در دل شما زینت داده شده بود و گمان بدی می‌کردید و سزاوار مرگ بودید. (۱۲) کسانی که به خدا و رسولش ایمان نیاورده‌اند کافرند و ما برای افراد کافر جهنم را آماده کرده ایم. (۱۳) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین مال خداست. هر کس را که بخواهد می‌بخشد و هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند. خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۴) وقتی برای گرفتن غنایم حرکت می‌کنید، کسانی که به جنگ نرفتند می‌گویند بگذارید ما هم با شما بیاییم. می‌خواهند سخن خدا را عوض کنند. بگو: هرگز دنبال ما نخواهید آمد، خدا قبلاً این را گفته است. آن‌ها خواهند گفت: شما به ما حسادت می‌کنید. آن‌ها فقط کمی می‌فهمند. (۱۵)

به صحرائشینانی که به جنگ نرفتند بگو: شما برای جنگ با افرادی بسیار قدرتمند دعوت می‌شوید، با آن‌ها می‌جنگید یا تسلیم می‌شوید. اگر از این دعوت اطاعت کردید خدا به شما پاداش خوبی خواهد داد و اگر همان‌طور که قبلاً قبول نکردید باز هم قبول نکنید، خدا شما را عذاب پردردی خواهد کرد. (۱۶) اشکالی برای شرکت‌نکردن در جنگ برای افراد کور و لنگ و مریض وجود ندارد. کسی که از خدا و رسولش اطاعت کند خدا او را وارد بهشت‌هایی می‌کند که در آن نهرها روان

است و کسی که قبول نکند خدا او را عذابی دردناک می‌کند. (۱۷) خدا از افراد باایمانی که زیر درخت با تو بیعت کردند راضی شد. خدا فکری را که در دلشان بود می‌دانست و آرامشی بر آنها نازل کرد و فتوحی که به زودی صورت گرفت نصیب آنها نمود. (۱۸) و غنیمت‌های زیادی که به دست می‌آورند، نصیب آنها کرد. خدا قدرتمند و حکیم است. (۱۹) خدا غنیمت‌های زیادی به شما وعده داده که به دست می‌آورد ولی این یکی را تعجیل کرد و جلوی مردم را از تجاوز به شما گرفت تا برای افراد باایمان نشانه‌ای باشد و شما را به راه راست هدایت می‌کند. (۲۰) و غنیمت‌های دیگری که شما قدرت (به دست آوردن) آنها را ندارید ولی خدا به آن احاطه دارد. خدا قادر به هر کاری است. (۲۱) اگر افراد بی‌ایمان با شما بجنگند، فرار می‌کنند و بعد هم بار و یاوری برای خود پیدا نمی‌کنند. (۲۲) این سنت (روش و طرز کار) خداست که قبلاً اجرا شده و تغییری در روش خدا پیدا نمی‌کند. (۲۳)

او خدایی است که در مکه بعد از این‌که شما را بر مکیان پیروز کرد، دست آنها را از شما و دست شما را از آنها کوتاه کرد. خدا تمام کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۲۴) آنها افرادی هستند که رسالت پیغمبر را انکار کردند و از رفتن شما به مسجد الحرام و رسیدن قربانی به محل قربانی‌کردن جلوگیری کردند. اگر مردان و زنان باایمانی که شما آنها را نمی‌شناختید، نبودند که حمله شما به مکه باعث می‌شد آنها را پایمال کنید و ندانسته خون آنها به گردن شما بیافتد، به مکه حمله می‌کردید تا خدا هر کس را که بخواهد مورد رحمت خودش درآورد. اگر افراد باایمان از افراد بی‌ایمان جدا بودند، افراد بی‌ایمان را به شدت با عذابی پردرد عذاب می‌کردیم. (۲۵) وقتی افراد بی‌ایمان در دل خود تعصب جاهلانه‌ای قرار دادند، خدا آرامشی به پیغمبرش و افراد مؤمن نازل کرد و آنها را مکلف به تسلط بر خواسته‌های خود نمود. آنها سزاوار تقوی و اهل آن بودند. خدا هر چیزی را می‌داند. (۲۶) خدا رویایی را که به حق به پیغمبرش نشان داد، ثابت کرد که اگر خدا بخواهد حتماً با خاطری جمع وارد مسجد الحرام می‌شوید در حالی که موی سر خود را تراشیده یا کوتاه کرده‌اید و ترسی ندارید. خدا چیزی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید. غیر از آن فتوحی سریع برای شما مقرر کرد. (۲۷) اوست که پیغمبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمام دین آگاه سازد. خدا برای شاهد بودن کافی است. (۲۸)

محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر افراد بی‌ایمان سختگیر و بین خودشان افرادی مهربان هستند. می‌بینی که رکوع و سجده می‌کنند و دنبال لطف و رضایت خدا می‌گردند. نشانه آنها علامتی است که در اثر سجده در صورتشان وجود دارد. این وصف آنها در تورات و وصف آنها در انجیل، آنها مثل زراعتی هستند که جوانه آنها از خاک درآید و قوی و کلفت گردد و بر پای خود قرار گیرد تا کسانی که آن را کاشته‌اند دچار تعجب و افراد بی‌ایمان را عصبانی نماید. خدا به افرادی که ایمان آوردند و کار درست کردند وعده آمرزش و پاداشی بزرگ داده است. (۲۹)

سوره حجرات (۴۹)

مدنی و شامل هجده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ای افراد باایمان، بر خدا و پیغمبرش پیشی نگیرید، و از نافرمانی خدا بر حذر باشید، چون خدا شنونده دانا است. (۱) ای افراد باایمان، صدایتان را از صدای پیغمبر بلندتر نکنید و همان‌طور که با هم بلند صحبت می‌کنید با پیغمبر بلند صحبت نکنید مبادا بدون این‌که متوجه باشید پاداش کارهایتان از بین برود. (۲) افرادی که پیش پیغمبر صدایشان را پایین می‌آورند افرادی هستند که خدا دل آنها را برای تسلط بر خود امتحان کرده است. آنها آمرزش الهی و پاداش بزرگی دارند. (۳) بیشتر کسانی که تو را از پشت اتاق‌ها صدا می‌زنند، نادانند. (۴)

اگر آنها صبر کنند تا تو خارج شوی و پیش آنها بروی برای آنها بهتر است. خدا آمرزنده مهربان است. (۵) ای افراد باایمان، اگر فاسقی (کسی که از دستورهای خدا اطاعت نمی‌کند) خبری برای شما آورد اول درستی آن را روشن کنید. مبادا از روی جهالت به عده‌ای صدمه‌ای وارد کنید و بعد از کرده خود پشیمان شوید. (۶) بدانید که رسول خدا بین شماست که اگر در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند باعث ناراحتی شما می‌شود. ولی خدا ایمان را برای شما خوشایند ساخت و آن را در دل

شما زینت داد و کفر و نافرمانی و سرکشی را برای شما ناخوشایند کرد. چنین افرادی راه صحیح را پیدا کرده‌اند. (۷) این به‌خاطر لطف و نعمت خداست. خدا دانا و حکیم است. (۸) اگر دو دسته از مسلمانان با هم جنگیدند بین آن‌ها را اصلاح کنید و اگر یکی از آن‌ها به دیگری ظلم کرد، با کسی که ظلم می‌کند بجنگید تا به اطاعت از حکم خدا برگردد. اگر برگشت بین آن‌ها را به عدالت اصلاح کنید و عادل باشید چون خدا افراد عادل را دوست دارد. (۹) افراد باایمان با هم برادرند. پس بین برادرانتان را اصلاح کنید و از انجام ندادن دستور خدا بر حذر باشید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۱۰) ای افراد باایمان، دسته‌ای دسته دیگر را مسخره نکنند چون ممکن است آن‌ها از کسانی که آن‌ها را مسخره می‌کنند بهتر باشند. زن‌ها هم زن‌های دیگر را مسخره نکنند شاید کسانی که مورد تمسخر قرار گرفته‌اند از آن‌ها بهتر باشند و از هم عیبجویی نکنید و لقب زشت به هم ندهید. اسم زشت بعد از ایمان بد است. کسانی که از این کار دست برندارند ظالم هستند. (۱۱)

ای افراد باایمان، از بسیاری از گمان‌ها خودداری کنید، چون بعضی از گمان‌ها گناه است و در (کارهای خصوصی هم) تجسس نکنید و بعضی از شما در نبودن بعضی عیب آن‌ها را نگویند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ شما از این کار بدتان می‌آید. از انجام ندادن دستور خدا حذر کنید، چون خدا توبه‌پذیر مهربان است. (۱۲) ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن خلق کردیم و شما را به صورت ملتها و قبیله‌ها در آوردیم برای این‌که همدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما پیش خدا کسی است که پرهیزکارتر باشد. خدا دانا و آگاه است. (۱۳) قبایل چادر نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیآورده‌اید، بگویید تسلیم شدیم، هنوز ایمان وارد قلب شما نشده. اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید پاداش کار شما را ذره‌ای کم نخواهد گذاشت. چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۴) افراد باایمان فقط کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آوردند و بعد هم دچار شک نشدند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کردند، چنین افرادی (در ادعای خود) راستگو هستند. (۱۵) بگو: آیا خدا را به دینداری خود آگاه می‌کنید؟! در صورتی که خدا آنچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد می‌داند. خدا هر چیزی را می‌داند. (۱۶) بر تو منت می‌گذارند که مسلمان (یعنی تسلیم دستورهای خدا) شده‌اند. بگو: منت مسلمانی خود را بر من نگذارید. بلکه اگر واقعاً راست می‌گویید و تسلیم خدا شده‌اید، خدا به گردن شما منت دارد چون شما را به ایمان هدایت کرده. (۱۷) خدا غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند. خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۱۸)

سوره ق (۵۰)

مکی و شامل چهل و پنج آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

ق. قسم به قرآن پرشکوه. (۱) آن‌ها از این‌که هشدار دهنده‌ای از خودشان برایشان آمده تعجب می‌کنند و کافران گفتند: این چیز عجیبی است. (۲) آیا وقتی ما بمیریم و خاک شویم، دوباره زنده می‌شویم؟ این بازگشتی غیرممکن است. (۳) ما آنچه را که زمین از آن‌ها کم می‌کند (می‌میرند) می‌دانیم و کتابی داریم که همه چیز را حفظ می‌کند. (۴) آن‌ها وقتی حق برایشان آمد منکر آن شدند. آن‌ها در کارشان حیرانند. (۵) آیا به آسمانی که بالای سرشان است نگاه نکردند که ما چگونه آن را ساخته‌ایم و زینت داده‌ایم و شکافی ندارد؟ (۶) و زمین را گسترده‌ایم و در آن کوه‌ها را قرار دادیم و هر نوع گیاه خوش‌منظره‌ای در آن رویاندیم. (۷) برای این‌که برای هر بنده‌ای که به اطاعت خدا رو می‌آورد وسیله بینش و تذکر باشد. (۸) و از آسمان آب پربرکتی نازل کردیم و به وسیله آن باغ‌ها و دانه‌هایی که درو می‌شود و درخت خرما بلند که خوشه‌های آن روی هم قرار گرفته رویاندیم. (۹ و ۱۰) تا خوراک بندگان باشد و به وسیله باران زمین مرده را زنده کردیم. زنده و خارج شدن شما هم از قبر همین‌طور است. (۱۱) قبل از آن‌ها قوم نوح و اصحاب رس و ثمود و عاد و فرعون و برادران لوط و اصحاب ابیکه و قوم تبع (یمنی‌ها) نیز پیغمبران را تکذیب کردند. پس سزاوار عذاب شدند. (۱۲ تا ۱۴) آیا اولین بار که آن‌ها را آفریدیم برای ما زحمتی داشت که آن‌ها درباره خلقت دوباره خودشان تردید دارند؟ (۱۵)

ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم وجودش او را به چه کارهایی وسوسه می‌کند. ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم. (۱۶) چون دو فرشته ثبت کارش در طرف راست و چپش نشسته‌اند. (۱۷) هیچ‌کس حرفی نمی‌زند مگر این‌که مراقبی در کنارش حاضر است. (۱۸) وحشت زمان مرگ به حق فرارسیده. این همان چیزی است که از آن می‌گریختی. (۱۹) در

صور دمیده شد. این روز موعود است. (۲۰) و با هر کس که وارد شود سوق‌دهنده و شاهی است. (۲۱) قبل از این غافل بودی. پرده از چشم برداشتیم و چشم تو امروز تیزبین شده. (۲۲) (فرشته) همراهش به او گوید کارهایی که می‌کردی پیش من آماده است. (۲۳) هر کافر لجبازی را به جهنم بیاندازید. (۲۴) کافری که مانع کار خیر می‌شد و متجاوز و دچار تردید بود. (۲۵) کافری که با خدا معبود دیگری می‌گرفت، پس او را در عذاب شدید بیاندازید. (۲۶) (شیطان) همراهش گوید خداوند، من او را به سرکشی و ادبار نکردم ولی خودش در گمراهی زیادی بود. (۲۷) خدا گوید: پیش من بگومگو نکنید. من قبلاً عذاب را به شما وعده داده بودم. (۲۸) وعده‌ای که داده بودم تغییر نمی‌کند و به بندگان ظلم نمی‌کنم. (۲۹) روزی که به جهنم گوییم آیا پر شدی؟ جهنم گوید آیا باز هم هست؟ (۳۰) بهشت برای پرهیزکاران نزدیک شده و دور نیست. (۳۱) این وعده‌ای است که به هر توبه‌کننده پرهیزکاری داده شده. (۳۲) به کسی که صمیمانه از خداوند رحمان می‌ترسید و با قلب توبه‌کننده‌ای آمد. (۳۳) گفتیم به سلامت وارد بهشت شوید، این روز همیشگی است. (۳۴) هر چه بخواهند در آن هست و بیشتر از آن پیش ما می‌باشد. (۳۵)

اقوام بسیاری را قبل از این‌ها هلاک کردیم که قدرتشان از این‌ها بیشتر بود. در شهرها دنبال راهی برای فرار می‌گشتند. آیا راه فراری هست؟ (۳۶) این برای کسی که قلبی دارد یا با حضور قلب گوش می‌دهد تذکری است. (۳۷) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است را در شش مرحله آفریدیم و رنجی به ما نرسید. (۳۸) نسبت به حرف‌هایی که می‌زنند صبور باش و قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب با ستایش خداوندت را تسبیح بگو. (۳۹) وقسمتی از شب و بعد از سجده‌ها نیز تسبیح او را بگو. (۴۰) و روزی که صدازنده‌ای از جای نزدیکی صدا می‌زند گوش کن. (۴۱) روزی که فریاد رعدآسا را به حق می‌شنوند. آن روز، روز خارج شدن از گور است. (۴۲) ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و بازگشت آن‌ها پیش ما خواهد بود. (۴۳) روزی که زمین شکافته می‌شود و به سرعت خارج می‌شوند. این روز حشر (جمع کردن مردم) است که برای ما کار آسانی است. (۴۴) ما حرف‌هایی را که می‌زنند می‌دانیم و تو مجبورکننده آن‌ها نیستی. پس به کسی که از وعده خدا می‌ترسد به وسیله قرآن تذکر بده. (۴۵)

سوره ذاریات (۵۱)

مکی و شامل شصت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به پراکنده‌کنندگان. (۱) قسم به حمل‌کنندگان سنگینی. (۲) قسم به روندگان به آسانی. (۳) قسم به تقسیم‌کنندگان کارها. (۴) که آنچه به شما وعده داده شده درست است. (۵) و روز جزا خواهد آمد. (۶)

قسم به آسمان که راه‌هایی دارد. (۷) که شما حرف‌هایتان با هم اختلاف دارد. (۸) کسی که منحرف شده، از قرآن منحرف می‌شود. (۹) مرگ بر دروغگویان. (۱۰) آن‌ان که بی‌توجه در جهل به سر می‌برند. (۱۱) می‌پرسند روز جزا چه وقتی است؟ (۱۲) آن وقتی است که آن‌ها در آتش می‌سوزند. (۱۳) نتیجه انحراف خود را بچشید. این همان روزی است که برای رسیدن به آن عجله می‌کردید. (۱۴) پرهیزکاران در باغ‌ها و کنار چشمه‌ها هستند. (۱۵) آنچه را خداوندشان به آن‌ها داده می‌گیرند. آن‌ها در دنیا آدم‌های نیکوکاری بودند. (۱۶) مقدار کمی از شب را می‌خوابیدند. (۱۷) و سحرها از خدا طلب آمرزش می‌کردند. (۱۸) و در اموالشان حق معلومی برای سائل و محروم وجود داشت. (۱۹) در زمین آیاتی برای افرادی که یقین دارند، وجود دارد. (۲۰) و در وجود خودتان هم هست، آیا نمی‌بینید؟ (۲۱) رزق شما و آنچه به شما وعده داده شده در آسمان وجود دارد. (۲۲) قسم به مالک آسمان و زمین که همان‌طور که حرف‌زدن شما واقعیت دارد این حرف‌ها هم حقیقت دارد. (۲۳) آیا حکایت مهمانان محترم ابراهیم به تو رسیده؟ (۲۴) وقتی که بر او وارد شدند، گفتند: سلام. ابراهیم هم گفت: سلام، افراد ناشناسی هستید. (۲۵) بعد پیش زنش رفت و گوساله چاقی آورد. (۲۶) و آن را پیش آنان برد و گفت آیا نمی‌خورید؟ (۲۷) در دلش احساس ترسی از آن‌ها کرد. گفتند: نترس. و بشارت فرزند دانی را به او دادند. (۲۸) زنش با فریاد به طرف آن‌ها آمد و به صورتش زد و گفت من پیرزن نازایی هستم. (۲۹) مهمانان گفتند: خداوندت چنین گفته، او حکیم و داناست. (۳۰)

ابراهیم گفت: ای فرستادگان، برای چه کاری آمده‌اید؟ (۳۱) گفتند: ما برای مجازات گناه‌کاران فرستاده شده‌ایم. (۳۲) تا باران سنگ‌های گلی بر آن‌ها

ببارانیم. (۳۳) سنگ‌هایی که پیش خداوند تو نشانه دارد و برای متجاوزان است. (۳۴) ما مؤمنان را از شهر بیرون بردیم. (۳۵) و فقط در يك خانه افراد مسلمان پیدا کردیم. (۳۶) و در آنجا عبرتی برای کسانی که از عذاب پردرد می‌ترسند باقی گذاشتیم. (۳۷) در حکایت موسی نیز عبرتی وجود دارد، وقتی او را با معجزه روشنی پیش فرعون فرستادیم. (۳۸) ولی او به علت قدرتی که داشت قبول نکرد و گفت این جادوگر یا دیوانه است. (۳۹) او و لشکریانش را گرفتیم و در دریا انداختیم. او سزاوار ملامت بود. (۴۰) در داستان قوم عاد هم عبرتی است، موقعی که باد نابودکننده‌ای به سوی آن‌ها فرستادیم. (۴۱) بر هر چیزی که وزید آن را مثل استخوان پوسیده کرد. (۴۲) در داستان قوم ثمود هم عبرتی است، وقتی به آن‌ها گفته شد تا موقع معین از نعمت‌های زندگی بهره برید. (۴۳) از دستور خدایشان سرپیچی کردند، پس در حالی که نگاه می‌کردند دچار صاعقه شدند. (۴۴) توانایی بلندشدن و انتقام‌گرفتن را هم نداشتند. (۴۵) قوم نوح هم که قبل از آن‌ها بودند از دستور خدا اطاعت نمی‌کردند. (۴۶) ما آسمان را با قدرت خودمان ساختیم و آن را گسترش می‌دهیم. (۴۷) ما زمین را گسترده‌تر کردیم و گستراننده خوبی هستیم. (۴۸) و از هر چیز دو نوع آفریدیم شاید متوجه شوید. (۴۹) به خدا پناه ببرید من از جانب او به شما بطور آشکار هشدار می‌دهم. (۵۰) با خدا معبود دیگری نگیرید. من از طرف او به شما آشکارا هشدار می‌دهم. (۵۱)

قبلاً هم همین‌طور هر پیغمبری که برای آن‌ها آمد، گفتند: جادوگر یا دیوانه است. (۵۲) آیا همدیگر را به آن کار سفارش کرده بودند؟ نه، بلکه آن‌ها قوم سرکشی بودند. (۵۳) از آن‌ها دوری کن، تو سزاوار سرزنش نیستی. (۵۴) و تذکر بده، چون تذکر برای افراد باایمان فایده دارد. (۵۵) من جن و انسان را آفریدم که فقط بندگی مرا بکنند (بنده و مطیع محض و بدون چون و چرای دستورهای هیچ‌کس غیر از خدا نباشند). (۵۶) من از آن‌ها رزقی نمی‌خواهم و از آن‌ها نمی‌خواهم که به من خوراک بدهند. (۵۷) چون خدا خودش روزی‌دهنده و دارای نیروی زیاد است. (۵۸) افرادی که ظلم می‌کنند مثل عواقب یارانشان دارند، عجله نکنند. (۵۹) و ای بر افراد بی‌ایمان از روزی که به آن‌ها وعده داده شده. (۶۰)

سوره طور (۵۲)

مکی و شامل چهل و نه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به (کوه) طور. (۱) و قسم به کتاب نوشته شده، (۲) در صفحه‌ای گسترده، (۳) و قسم به خانه آبادشده، (۴) و قسم به سقف برافراشته، (۵) و قسم به دریای پر، (۶) که عذاب خداوندت واقع خواهد شد. (۷) هیچ‌کس نمی‌تواند مانع آن شود. (۸) روزی که آسمان به شدت موج زند. (۹) و کوه‌ها به شدت روان شوند. (۱۰) در آن روز وای بر کسانی که آن (روز قیامت) را دروغ می‌خوانند. (۱۱) آن‌هایی که یاوه‌گویی می‌کنند. (۱۲) روزی که آن‌ها را با زور به‌طرف جهنم می‌رانند. (۱۳) و به آن‌ها می‌گویند این همان جهنمی است که آن را دروغ می‌پنداشتید. (۱۴)

آیا این هم سحر است یا نمی‌بینید؟ (۱۵) وارد آن شوید، چه صبر داشته باشید چه نداشته باشید فرقی نمی‌کند. جزای کارهایی که می‌کردید به شما داده می‌شود. (۱۶) پرهیزکاران در بهشت‌ها در نعمت هستند. (۱۷) به‌خاطر آنچه خداوندشان به آن‌ها داده و آن‌ها را از عذاب جهنم حفظ کرده خوشحالند. (۱۸) به‌خاطر کارهایی که می‌کردید بخورید و بنوشید، نوش جان‌تان. (۱۹) بر تخت‌هایی که در ردیف هم چیده شده تکیه می‌زنند و حوریان را جفت آن‌ها می‌سازیم. (۲۰) و کسانی که ایمان آوردند و فرزندان‌شان را، که از آن‌ها پیروی کردند و ایمان آوردند، به آن‌ها می‌پیوندیم و از پاداش کار آن‌ها ذره‌ای کم نمی‌کنیم. هر کس مسؤول کارهای خودش است. (۲۱) و از آن‌ها با میوه و گوشتی که میل دارند پذیرایی می‌کنیم. (۲۲) در آنجا جامی را از دست هم می‌گیرند که در آن لغو و گناه وجود ندارد. (۲۳) پسرانی مثل مروارید داخل صدف دور آن‌ها برای خدمت می‌گردند. (۲۴) بعضی از آن‌ها رو به بعضی می‌کنند و از هم می‌پرسند. (۲۵) می‌گویند ما قبلاً در بین قوم خود دچار ترس بودیم. (۲۶) خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سوزان حفظ کرد. (۲۷) ما قبلاً به درگاه او دعا می‌کردیم. چون او نیکوکار مهربان است. (۲۸) پس تذکر بده که تو به لطف خداوندت کاهن و دیوانه نیستی. (۲۹) یا می‌گویند او شاعر است و منتظر مرگ او هستیم. (۳۰) بگو: انتظار بکشید من هم با شما انتظار می‌کشم. (۳۱)

آیا افکار باطلشان آنها را به این کار امر می‌کند یا افرادی سرکش هستند؟ (۳۲) یا می‌گویند پیغمبر اینها را به هم بافته؟ اینطور نیست، آنها ایمان نمی‌آورند. (۳۳) اگر راست می‌گویند سخنی مثل آن بیاورند. (۳۴) یا آنها از هیچ آفریده شده‌اند؟ یا آنها خودشان را آفریده‌اند؟ (۳۵) یا آسمانها و زمین را آفریده‌اند؟ آنها یقین ندارند. (۳۶) یا خزائن خداوندت در اختیار آنهاست؟ یا آنها بر همه چیز مسلط هستند؟ (۳۷) یا نردبانی دارند که بالا بروند و با آن بشنوند؟ کسی از آنها که شنیده باید دلیل روشنی بیاورد. (۳۸) یا خدا دخترهایی دارد و شما پسر دارید؟ (۳۹) یا از آنها مزدی می‌خواهی و آنها زیر بار سنگین آن درمانده‌اند؟ (۴۰) یا غیب در اختیار آنهاست و آن را می‌نویسند؟ (۴۱) یا نقشه‌ای در سر دارند؟ افراد بی‌ایمان دچار فریب شده‌اند. (۴۲) یا آنها معبودی غیر از خدا دارند؟ خدا از چیزهایی که شریک او می‌سازند بسیار بالاتر است. (۴۳) اگر تکه‌ای از آسمان را ببینند که دارد می‌افتد، می‌گویند ابر متراکمی است. (۴۴) آنها را به حال خود بگذار تا روزی را که در آن هلاک می‌شوند ببینند. (۴۵) روزی که نقشه‌هایشان ذره‌ای به درد آنها نمی‌خورد و کسی به آنها کمک نمی‌کند. (۴۶) برای کسانی که ظلم می‌کنند عذابی غیر از آن نیز هست ولی بیشترشان این را نمی‌دانند. (۴۷) منتظر حکم خداوندت باش، تو زیر نظر ما هستی و وقتی بلند می‌شوی با ستایش خداوندت تسبیح بگو. (۴۸) و قسمتی از شب و موقع ناپدید شدن ستارگان هم تسبیح او را بگو. (۴۹)

سوره نجم (۵۳)

مکی و شامل شصت و دو آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به ستاره وقتی که فرود آید. (۱) که دوست شما (پیغمبر) گمراه نیست و فریب نخورده. (۲) و به دلخواه خود حرف نمی‌زند. (۳) قرآن فقط وحی الهی است که به او وحی می‌شود. (۴) وجود بسیار نیرومندی آن را به او تعلیم داده. (۵) نیرومندی که با قدرت ایستاده. (۶) و او در افق بالا بود. (۷) آن وقت نزدیک آمد و نزدیکتر شد. (۸) به نزدیکی دو کمان یا کمتر از آن. (۹) و به بنده اش آنچه را وحی کرد، وحی کرد. (۱۰) دلش آنچه را دید انکار نکرد. (۱۱) آیا با او درباره آنچه می‌بیند بگویم می‌کنید؟ (۱۲) او را دفعه دیگر هم دید. (۱۳) نزدیک سدره المنتهی. (۱۴) جایی که بهشت کنار آن است. (۱۵) آن وقتی که سدره را چیزی می‌پوشانید. (۱۶) چشم اشتباه نکرد و طغیان هم نکرد. (۱۷) مسلماً قسمتی از آیات بزرگ خداوندش را دید. (۱۸) نظرتان درباره لات و عزی و منات که سومین آنهاست چیست؟ (۱۹ و ۲۰) آیا شما پسر دارید و خدا دختر دارد؟ (۲۱) این تقسیمی ناعادلانه است. (۲۲) اینها اسم‌هایی است که شما و پدرانتان گذاشته‌اید. خدا دلیلی برای آن نازل نکرده. آنها فقط از گمان و دلخواهشان پیروی می‌کنند در صورتی که هدایت از طرف خدایشان برایشان آمده است. (۲۳) یا انسان هر چه را آرزو می‌کند، دارد؟ (۲۴) در صورتی که دنیا و آخرت مال خداست. (۲۵) فرشتگان زیادی در آسمانها هستند که شفاعتشان ذره‌ای فایده ندارد مگر پس از رضایت و اجازه خداوند. (۲۶)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند اسم زنان را روی فرشتگان می‌گذارند. (۲۷) در صورتی که علمی به این حرفی که می‌زنند ندارند. فقط از گمان پیروی می‌کنند. در صورتی که گمان انسان را به اندازه ذره‌ای از حقیقت بی‌نیاز نمی‌کند. (۲۸) پس، از کسی که از ذکر ما روگردان باشد و فقط زندگی دنیا را بخواهد رو بگردان. (۲۹) این اندازه دانش آنهاست. خداوند تو کسی را که از راه او منحرف شده و کسی که راه را شناخته بهتر می‌شناسد. (۳۰) هر چه در آسمانها و زمین است مال خداست تا جزای افرادی را که کار بد کردند مطابق کارشان بدهد و پاداش نیکوکاران را بهتر از کارشان بدهد. (۳۱) نیکوکارانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت، غیر از گناهان کوچک، خودداری می‌کنند. چون خداوند تو آمرزش پرمناهی دارد و او به وضع شما آگاه‌تر از همه بوده. از وقتی که شما را از زمین بوجود آورد و وقتی که در شکم مادران پنهان بودید. پس ادعای پاکی نکنید، خدا خودش پرهیزکاران را می‌شناسد. (۳۲) آیا آن را که رو بگرداند و کمی عطا کرد و بخل ورزید دیدی؟ (۳۳ و ۳۴) آیا او علم غیب دارد و می‌بیند؟ (۳۵) یا از آنچه در کتاب موسی (تورات) و ابراهیم، که وظیفه‌اش را کاملاً انجام داد آمده است، به او خبر داده نشده؟ (۳۶ و ۳۷) که هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد. (۳۸) و انسان پاداشی غیر از پاداش کاری که کرده ندارد. (۳۹) و پاداش کارش را می‌بیند. (۴۰) بعد جزای کامل به او داده می‌شود. (۴۱) و این‌که پایان کار در پیش خداوندت می‌باشد. (۴۲) و اوست که انسان را به خنده انداخت و به گریه واداشت. (۴۳) و جانش را گرفت و زنده کرد. (۴۴)

و جفت‌های نر و ماده را از نطفه وقتی به رحم ریخته می‌شود خلق کرده. (۴۵ و ۴۶)
ایجاد مرحله دیگر به عهده خداست. (۴۷) و خدا بی‌نیاز می‌کند و فقیر می‌سازد. (۴۸)
و او صاحب‌اختیار «ستاره شعری» است. (۴۹) و او عاد اولیه و ثمود را هلاک کرد و
کسی را باقی نگذاشت. (۵۰ و ۵۱) و همین‌طور قوم نوح را قبل از آن‌ها هلاک کرد.
آن‌ها افرادی ظالم‌تر و سرکش‌تر از این‌ها بودند. (۵۲) همین‌طور شهرهایی را که زیر
و رو شد، و پوشاند آنچه آن‌ها را فروپوشاند. (۵۳ و ۵۴) بنابراین در مورد
کدامیک از نعمت‌های صاحب‌اختیار شک داری؟ (۵۵) این پیغمبر، هشداردهنده‌ای مثل
هشداردهندگان قبلی است. (۵۶) روز قیامت نزدیک شده. (۵۷) غیر از خدا کسی
نمی‌تواند آن را آشکار سازد. (۵۸) آیا از این حرف تعجب می‌کنید و می‌خندید و
گریه نمی‌کنید؟ (۵۹ و ۶۰) شما حیران و غافل هستید. (۶۱) پس در مقابل خدا سجده
نمایید و بندگی او را بکنید. (۶۲)

سوره قمر (۵۴)

مکی و شامل پنجاه و پنج آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قیامت نزدیک و ماه پاره شد. (۱) اگر کافران آیتی (نشانه‌ای) ببینند از آن رو
برمی‌گردانند و می‌گویند سحری طولانی است. (۲) آن‌ها انکار نمودند و از دلخواه
خود پیروی کردند. هر کاری فراری دارد. (۳) از اخبار گذشتگان مطالبی برای آن‌ها
گفته شد که آن‌ها را از خطا دور می‌کند. (۴) حکمت کاملی است ولی هشدارها فایده
ندارد. (۵) از آن‌ها روگردان باش تا روزی که دعوت‌کننده آن‌ها را به وضع
ناراحت‌کننده‌ای دعوت کند. (۶)

با چشم‌های به‌زیر افکنده، مثل ملخ‌های پراکنده از قبرها خارج می‌شوند. (۷) با
سرعت به طرف دعوت‌کننده می‌روند. کافران گویند امروز روز سختی است. (۸) قبل از
آن‌ها قوم نوح بنده ما نوح را تکذیب کردند و گفتند: دیوانه و رانده شده است. (۹)
نوح از خداوندش کمک خواست و گفت من مغلوب هستم، به‌من کمک کن. (۱۰) ما
درهای آسمان را با بارانی تند باز کردیم. (۱۱) و چشمه‌ها را در زمین روان
کردیم، آب باران و چشمه‌ها برای کاری که مقرر شده بود به هم پیوستند. (۱۲) نوح
را سوار کشتی، که از تخته و میخ ساخته شده بود، کردیم، (۱۳) که زیر نظر ما
حرکت می‌کرد. آن برای مجازات کافران بود. (۱۴) ما آن‌را عبرتی قرار دادیم، آیا
پندپذیری هست؟ (۱۵) عذاب و هشدار من چطور بود؟ (۱۶) بدون تردید قرآن را برای
متوجه‌شدن آسان کردیم، آیا کسی هست که متوجه شود؟ (۱۷) قوم عاد هم منکر شدند.
عذاب و هشدار من چطور بود؟ (۱۸) ما در روز نحس طولانی طوفانی سرد بر آن‌ها
فرستادیم. (۱۹) که مردم را مثل نخلی که از ریشه درآمده باشد از جا می‌کند. (۲۰)
عذاب و هشدار من چطور بود؟ (۲۱) ما قرآن را برای متوجه‌شدن آسان کردیم، آیا
کسی هست که متوجه شود؟ (۲۲) قوم ثمود هم پیغمبران ما را انکار کردند. (۲۳) و
گفتند: آیا از انسانی مثل خود پیروی کنیم؟ اگر چنین کنیم گمراه و دیوانه ایم.
(۲۴) آیا این تذکر از بین ما فقط به او وحی شده؟ نه، او دروغگوی خودپسندی
است. (۲۵) فردا می‌فهمید چه کسی دروغگوی خودپسند است. (۲۶) ما شتر را برای
امتحان آن‌ها می‌فرستیم. مراقب کار آن‌ها باش و صبر کن. (۲۷)

و به آن‌ها خبر بده که آب باید بینشان تقسیم شده و هرکدام برای نوشیدن حاضر
شوند. (۲۸) دوستشان را صدا زدند و او شتر را کشت. (۲۹) عذاب و هشدار من چطور
بود؟ (۳۰) ما صدایی رعدآسا بر آن‌ها فرستادیم و به‌صورت گیاهان خشک خرد شده
درآمدند. (۳۱) ما قرآن را برای متوجه‌شدن آسان کردیم، آیا کسی هست که متوجه
شود؟ (۳۲) قوم لوط هم منکر پیغمبران شدند. (۳۳) بر آن‌ها باران سنگ بارانندیم.
غیر از خانواده لوط که در سحر نجاتشان دادیم. (۳۴) این نعمتی از طرف ما بود.
ما شکرگزاران را چنین پاداش می‌دهیم. (۳۵) لوط آن‌ها را از عذاب ما برحذر داشت
ولی آن‌ها درباره آن بحث می‌کردند. (۳۶) آن‌ها خواستند با مهمانان لوط رابطه
جنسی داشته باشند. ما چشمشان را کور کردیم، پس عذاب و هشدار مرا بچشید. (۳۷)
صبح عذابی طولانی آن‌ها را فراگرفت. (۳۸) پس عذاب و هشدار مرا بچشید. (۳۹) بدون
شک قرآن را برای متوجه‌شدن آسان کردیم، آیا کسی هست که متوجه شود؟ (۴۰)
هشداردهندگان پیش‌فرعونیان آمدند. (۴۱) آن‌ها همه معجزات ما را تکذیب کردند.
ما هم با قدرت کامل آن‌ها را عذاب کردیم. (۴۲) آیا منکران شما بهتر از آن‌ها
هستند؟ یا در کتاب‌ها دلیلی بر عذاب نشدنتان وجود دارد؟ (۴۳) یا می‌گویند ما
متحد و پیروزیم؟ (۴۴) آن جمع شکست‌خورده و فرار خواهند کرد. (۴۵) وعده‌شان روز

قیامت است و عذاب قیامت وحشتناکتر و تلختر از عذاب دنیا است. (۴۶) گناهکاران در گمراهی و آتشند. (۴۷) روزی که آنها را به رو در آتش می‌کشند و به آنها می‌گویند آتش را بچشید. (۴۸) ما هر چیز را به اندازه خلق کردیم. (۴۹)

فرمان ما فقط یکبار و به اندازه یک چشم به هم زدن است. (۵۰) ما امثال شما را هلاک کردیم. آیا کسی هست که توجه پیدا کند؟ (۵۱) هر کاری که کرده‌اند در کتابها ثبت شده است. (۵۲) هر کار کوچک و بزرگی نوشته شده. (۵۳) افراد با تقوی در بهشتها و کنار نهرها هستند. (۵۴) در مجلسی پیش خداوند مقتدر که دروغ در آن نیست. (۵۵)

سوره الرحمن (۵۵)

مکی و شامل هفتاد و هشت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

خداوند رحمان. (۱) قرآن را یاد داد. (۲) انسان را خلق کرد. (۳) و به او سخن گفتن را یاد داد. (۴) خورشید و ماه روی حساب دقیق هستند. (۵) گیاه و درخت سجده می‌کنند. (۶) خدای رحمان آسمان را برافراشت و میزان را قرار داد. (۷) تا در میزان طغیان نکنید. (۸) و بر پایه عدالت وزن کنید و در وزن کم نگذارید. (۹) و زمین را برای مردم قرار داد. (۱۰) در زمین میوه و نخل غلافدار و دانه گاه‌دار و گیاه خوشبو وجود دارد. (۱۱ و ۱۲) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۱۳) انسان را از گل خشک مثل سفال و جن را از شعله‌های آتش آفرید. (۱۴) و (۱۵) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۱۶)

او خداوند دو مشرق و دو مغرب است. (۱۷) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۱۸) دو دریا را به حرکت درآورد که به کنار هم برسند و بین آنها فاصله ایست که از آن تجاوز نمی‌کنند. (۱۹ و ۲۰) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۲۱) از این دو دریا مروارید و مرجان خارج می‌شود. (۲۲) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۲۳) کشتی‌هایی دارد که مثل کوه در دریا روانند. (۲۴) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۲۵) همه کسانی که در زمین هستند از بین می‌روند و فقط ذات خداوند پر جلال و گرامی تو باقی می‌ماند. (۲۶ و ۲۷) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۲۸) آن‌هایی که در آسمانها و زمین هستند از او درخواست می‌کنند. او هر روز در کاریست. (۲۹) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۳۰) ای انس و جن به حساب شما خواهیم رسید. (۳۱) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۳۲) ای گروه انس و جن اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگریزید، این کار را بکنید. نمی‌توانید این کار را بکنید، مگر با تسلطی. (۳۳) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۳۴) شعله‌هایی از آتش و مس گداخته بر شما می‌فرستد و شما نمی‌توانید کمکی به هم بکنید. (۳۵) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۳۶) وقتی که آسمان شکافته و مثل چرم (یا روغن) سرخ شود. (۳۷) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۳۸) در آن روز درباره گناه هیچ انسان و جنی سوالی نمی‌شود. (۳۹) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۴۰)

گناهکاران از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و پیشانی و پاهایشان را می‌گیرند. (۴۱) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۴۲) این همان جهنمی است که گناهکاران تکذیب می‌کنند. (۴۳) در میان آن جهنم و آب سوزان می‌گردند. (۴۴) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۴۵) و کسی که از مقام خداوندش بترسد (کار خلاف نکند) دو باغ دارد. (۴۶) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۴۷) در آن دو باغ انواع درختان است. (۴۸) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۴۹) در آن دو چشمه روان است. (۵۰) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۵۱) در آن از هر میوه‌ای دو نوع است. (۵۲) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۵۳) بر بسترهایی با آستر حریر تکیه می‌زنند و میوه‌های درختانش در دسترس آنهاست. (۵۴) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۵۵) در آن‌ها دخترهای باحیایی هستند که هیچ انس و جنی لمسشان نکرده. (۵۶) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۵۷) آن‌ها چون یاقوت و مرجانند. (۵۸) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان می‌شوید؟ (۵۹) آیا پادشاه احسان غیر از احسان است؟ (۶۰) پس منکر کدامیک از نعمتهای خداوندتان

می‌شوید؟ (۶۱) غیر از آن دو باغ، دو باغ دیگر هم هست. (۶۲) پس منکر کدامیک از نعمت‌های خداوندتان می‌شوید؟ (۶۳) هر دو سبز و خرم و پردرختند. (۶۴) پس منکر کدامیک از نعمت‌های خداوندتان می‌شوید؟ (۶۵) در آن‌ها دو چشمه جوشان است. (۶۶) پس منکر کدامیک از نعمت‌های خداوندتان می‌شوید؟ (۶۷)

در آن‌ها میوه و خرما و انار وجود دارد. (۶۸) پس منکر کدامیک از نعمت‌های خداوندتان می‌شوید؟ (۶۹) در آن‌ها زنان خوب و نیکو وجود دارند. (۷۰) پس منکر کدامیک از نعمت‌های خداوندتان می‌شوید؟ (۷۱) زنان سیاه‌چشمی که در خیمه‌ها از نظرها پوشیده هستند. (۷۲) پس منکر کدامیک از نعمت‌های خداوندتان می‌شوید؟ (۷۳) قبلاً هیچ انسان و جنی به آن‌ها دسترسی نداشته. (۷۴) پس منکر کدامیک از نعمت‌های خداوندتان می‌شوید؟ (۷۵) بر بالش‌های سبز و بسترهای زیبا تکیه زده‌اند. (۷۶) پس منکر کدامیک از نعمت‌های خداوندتان می‌شوید؟ (۷۷) اسم خداوند پرچال و بزرگوار تو مبارک است. (۷۸)

سوره واقعه (۵۶)

مکی و شامل نود و شش آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی قیامت واقع شود. (۱) و واقع شدن آن دروغ نیست. (۲) خوارکننده و رفعت‌دهنده است. (۳) وقتی زمین بلرزد. (۴) و کوه‌ها متلاشی و غباری پراکنده شوند. (۵ و ۶) و شما سه گروه شوید. (۷) که عبارتند از یاران خوشبخت، این‌ها کیستند؟ (۸) و گروه بدبخت، این‌ها چه کسانی هستند؟ (۹) و پیشگامان پیشقدم که مقرب هستند. (۱۰ و ۱۱) در بهشت‌های پر نعمت هستند. (۱۲) عده‌ای از قبلی‌ها و کمی از بعدی‌ها. (۱۳ و ۱۴) روی تخت‌های جواهرنشان روبه‌روی هم تکیه زده‌اند. (۱۵ و ۱۶)

نوجوانان جاودانی با قدح‌ها و پارچ‌ها و کاسه‌هایی از آب گوارا دور آن‌ها می‌گردند. (۱۷ و ۱۸) که از خوردن آن سردردی نمی‌گیرند و بی‌خود (مست) هم نمی‌شوند. (۱۹) و میوه‌هایی که خودشان انتخاب می‌کنند. (۲۰) و گوشت پرنده‌ای که میل دارند. (۲۱) و حوران سیاه‌چشم که مثل مروارید در صدف هستند. (۲۲ و ۲۳) پاداشی است برای کارهایی که می‌کردند. (۲۴) در آن سخن بیهوده و گناه‌آلود نمی‌شنوند. (۲۵) مگر شنیدن سلام، سلام. (۲۶) وضع سعادت‌مندان چگونه است؟ (۲۷) در سایه درخت سدر بدون خار و موز پربار و سایه ممتد و آب روان و میوه‌های زیاد که تمام نمی‌شود و ممانعتی در کار نیست و همسران (یا خدمتکاران) بلندمرتبه که ما آن‌ها را بوجود آورده‌ایم و آن‌ها را دوشیزه ساخته‌ایم، همسر دوستان همسال برای افراد خوشبخت. (۲۸ تا ۳۸) عده‌ای از اولی‌ها و عده‌ای از آخری‌ها. (۳۹ و ۴۰) و اصحاب شمال (افراد بدبخت)، وضع اصحاب شمال چگونه است؟ (۴۱) آن‌ها در باد داغ و آب جوشان و سایه‌ای از دود زیاد هستند که خنک و خوشایند نیست. (۴۲ تا ۴۴) آن‌ها قبلاً (در دنیا) غرق نعمت و لذت بودند. (۴۵) و بر گناه بزرگ اصرار می‌ورزیدند. (۴۶) و می‌گفتند: آیا وقتی ما بمیریم و خاک و استخوان شویم دوباره (برای پس‌دادن حساب) زنده می‌شویم؟ (۴۷) آیا پدران اولیه ما هم زنده می‌شوند؟ (۴۸) بگو: اولی‌ها و آخری‌ها، همگی برای قرار روز معلوم جمع‌آوری می‌شوند. (۴۹ و ۵۰)

بعد شما ای افراد گمراه که انکار می‌کنید، از درخت تلخ زقوم می‌خورید. (۵۱) و (۵۲) و شکم‌ها را از آن پر می‌کنید. (۵۳) روی آن آب جوش می‌خورید. (۵۴) و آن را مثل شتر تشنه‌ای که آب می‌خورد می‌خورید. (۵۵) در روز قیامت پذیرایی از آن‌ها به این شکل است. (۵۶) ما شما را خلق کردیم، چرا تصدیق نمی‌کنید؟ (۵۷) درباره منی که می‌ریزید چه نظری دارید؟ (۵۸) آیا شما آن را آفریده‌اید یا ما خالق آن هستیم؟ (۵۹) ما مرگ را میان شما مقدر کردیم و کسی نمی‌تواند جلوی کار ما را بگیرد، (۶۰) از این‌که افرادی مثل شما را به جای‌تان قرار دهیم و شما را در وضعی که نمی‌دانید بوجود آوریم. (۶۱) شما مرحله اول را می‌دانید چرا متوجه نمی‌شوید؟ (۶۲) درباره چیزی که می‌کارید چه نظری دارید؟ (۶۳) آیا شما آن را می‌رویانید یا ما؟ (۶۴) اگر بخواهیم آن را خشک می‌کنیم و شما تعجب می‌کنید. (۶۵) و می‌گویید ما ضرر کردیم بلکه محروم شده‌ایم. (۶۶ و ۶۷) درباره آبی که می‌نوشید چه نظری دارید؟ آیا شما آن را از ابر نازل کرده‌اید یا ما نازل کرده‌ایم؟ (۶۸) و (۶۹) اگر بخواهیم آن را تلخ می‌کنیم، پس چرا شکرگزاری نمی‌کنید؟ (۷۰) درباره آتشی که روشن می‌کنید، چه نظری دارید؟ آیا درخت آن را شما بوجود آورده‌اید یا

ما بوجود آورده ایم؟ (۷۱ و ۷۲) ما آن را وسیله توجه پیدا کردن و استفاده ثروتمند و فقیر ساختیم. (۷۳) پس به نام خداوند بزرگت تسبیح بگو. (۷۴) پس به جایگاه ستاره‌ها قسم می‌خورم. (۷۵) اگر بدانید آن قسم بزرگی است. (۷۶)

که این قرآن ارجمند و در کتابی محفوظ است که فقط پاکان (فرشتگان) به آن دسترسی دارند. (۷۷ تا ۷۹) نزول آن از طرف (خداوند) صاحب‌اختیار همه مردم جهان است. (۸۰) آیا در مورد این سخن سهل‌انگاری می‌کنید؟ (۸۱) و آن را مورد تکذیب قرار می‌دهید؟ (۸۲) آنوقتی که جان به گلو برسد و شما مشغول نگاه کردن باشید، چه خواهید کرد؟ (۸۳ و ۸۴) ما از شما به او نزدیکتر هستیم ولی شما نمی‌بینید. (۸۵) اگر راست می‌گویید و جزای کارتان به شما داده نمی‌شود، چرا جان را دوباره بر نمی‌گردانید؟ (۸۶ و ۸۷) اما اگر شخص از افراد مقرب باشد، خوشی و آسایش و بهشت پرنعمت مال او است. (۸۸ و ۸۹) اما اگر از اصحاب یمین (گروه خوشبخت) باشی، سلام خوشبختان بر تو است. (۹۰ و ۹۱) اما اگر شخص از منکران گمراه باشد. (۹۲) نصیب او آب جوش و رفتن به جهنم است. (۹۳ و ۹۴) این یقیناً حقیقت است. (۹۵) پس به نام خداوند بزرگت تسبیح بگو. (۹۶)

سوره حدید (۵۷)

مدنی و شامل بیست و نه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

تمام چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین وجود دارند خدا را تسبیح می‌گویند و او قدرتمند و حکیم است. (۱) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین متعلق به خداست، زنده می‌کند و می‌میراند و قادر به هر کاری است. (۲) او اول و آخر و ظاهر و باطن است و هر چیزی را می‌داند. (۳)

اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش مرحله آفرید و بعد بر عرش قرار گرفت. آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بیرون می‌آید و آنچه از آسمان پایین می‌آید و آنچه به آسمان بالا می‌رود (همه را) می‌داند و هر جا باشید با شما است. خدا تمام کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۴) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین متعلق به او است و تمام کارها به او برگردانده می‌شود. (۵) شب را داخل روز می‌کند و روز را داخل شب می‌کند و از آنچه در سینه‌ها است اطلاع دارد. (۶) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را در آن جانشین گذشتگان کرده انفاق کنید. افرادی از شما که ایمان آوردند و انفاق کردند پاداش بزرگی دارند. (۷) چرا به خدا ایمان نمی‌آورید؟ در صورتی که پیغمبر شما را دعوت می‌کند که به خداوندتان ایمان بیاورید. و اگر ایمان دارید از شما تعهد گرفته است. (۸) اوست که بر بنده خود (محمد) آیات روشنی نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌ها خارج کند و به نور ببرد. چون خدا نسبت به شما پرمهر و مهربان است. (۹) چرا در راه خدا انفاق نمی‌کنید؟ در صورتی که میراث آسمان‌ها و زمین مال خدا است (می‌گیرید و هرچه دارید به جا می‌گذارید). کسانی که قبل از فتح انفاق کردند و در راه خدا جنگیدند با کسانی که بعداً این کار را کردند مساوی نیستند. درجه آن‌ها بالاتر از درجه کسانی است که بعد از فتح انفاق کردند و در راه خدا جنگیدند. ولی خدا به همه آن‌ها وعده خوبی داده است. خدا از کارهایی که می‌کنید خبر دارد. (۱۰) چه کسی به خدا قرض نیکو می‌دهد تا خدا آن را برای او چندبرابر کند؟ چنین کسی پاداش پرارزشی دارد. (۱۱)

روزی که مردان و زنان با ایمان را می‌بینی که نورشان جلوی آن‌ها و طرف راستشان به سرعت حرکت می‌کند. امروز مزدگانی شما بهشت‌هایی است که نهرها در آن روان است و در آن جاودان خواهید بود. این موفقیت بزرگی است. (۱۲) روزی که مردان و زنان منافق به افراد با ایمان می‌گویند به ما توجه کنید تا مقداری از نور شما را بگیریم. به آن‌ها گفته می‌شود به عقب برگردید و کسب نور کنید. بین آن‌ها دیواری قرار داده می‌شود که دری دارد. داخل آن رحمت است و بیرون آن عذاب. (۱۳) داد می‌زنند که آیا ما با شما نبودیم؟ می‌گویند چرا بودید. ولی شما خودتان را گول زدید و انتظار کشیدید و شک کردید و آرزوها شما را گول زد تا این‌که فرمان خدا صادر شد و شیطان فریبکار شما را فریب داد. (۱۴) پس امروز از شما و افرادی که انکار می‌کردند تاوانی پذیرفته نمی‌شود. جای شما در آتش جهنم است. این آتش سزاوار شما است و بد جایی است. (۱۵) آیا وقت آن نشده که افراد با ایمان دلشان به یاد خدا و حقی که نازل کرده خاشع شود؟ و مثل کسانی که قبلاً به

آن‌ها کتاب داده شده نباشند؟ که چون زمانی طولانی سپری شد، قلبشان سخت شد و عده زیادی از آن‌ها دیگر از فرمان خدا اطاعت نمی‌کردند. (۱۶) بدانید که خدا زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند. برای شما نشانه‌ها را بیان کردیم تا درباره آن فکر کنید. (۱۷) مردان و زنانی که انفاق کنند و به خدا قرض نیکو دهند، برای آن‌ها چند برابر می‌شود و پاداش پرارزشی دارند. (۱۸)

افرادی که به خدا و پیغمبرانش ایمان آوردند، راستگو و پیش خداوندشان شاهد هستند. آن‌ها پاداش و نورشان را خواهند داشت و افرادی که حقیقت را پوشاندند و منکر آیات ما شدند، اهل جهنم هستند. (۱۹) بدانید که زندگی دنیا بازی و سرگرمی و تجمل و فخرفروشی بین خودتان و زیاده‌خواهی نسبت به هم در مال و فرزند است. مثل بارانی که رویاندن گیاهانش کشاورزان را به تعجب بیندازد ولی بعد می‌بینی که زرد می‌شود و خرد و خاشاک می‌شود، و در آخرت از یکطرف عذاب شدید و از طرف دیگر آموزش و رضایت الهی وجود دارد. در صورتی که زندگی دنیا فقط وسیله فریب است. (۲۰) برای رسیدن به آموزش خداوندتان و بهشتی که پهنای آن به اندازه پهنای آسمان و زمین است و برای افرادی که به خدا و پیغمبرانش ایمان دارند آماده شده، با هم مسابقه بدهید و از هم جلو بزنید. این فضل خدا است، به هر کس که بخواهد می‌دهد. خدا صاحب فضل بزرگی است. (۲۱) هر مصیبتی که در زمین یا در وجود خودتان به شما وارد می‌شود، قبل از این‌که آن‌را بوجود آوریم، در کتاب ثبت شده است (مطابق قوانین خداست). این کار برای خدا آسان است. (۲۲) برای این‌که بر آنچه از دست شما رفت افسوس نخورید و برای آنچه به شما داد شادی نکنید. خدا افراد خودپسند فخرفروش را دوست ندارد. (۲۳) خودپسندانی که بخل می‌ورزند و مردم را هم به بخل امر می‌کنند. کسی‌که قبول نکند بداند که خدا بی‌نیاز و سزاوار ستایش است. (۲۴)

پیغمبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و وسیله سنجش نازل کردیم برای این‌که مردم عدالت را برقرار کنند. و آهن را که در آن سختی زیاد و منفعت‌هایی برای مردم وجود دارد، نازل کردیم، برای این‌که خدا اشخاصی را که او و پیغمبرانش را از صمیم قلب یاری می‌کنند بشناسد. چون خدا نیرومند و توانا است. (۲۵) ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در بین فرزندان آن‌ها پیغمبری و کتاب گذاشتیم. عده‌ای از آن‌ها هدایت شدند و عده زیادی از آن‌ها از فرمان و نظر خدا اطاعت نکردند. (۲۶) دنبال آن‌ها پیغمبرانمان را فرستادیم و دنبال آن‌ها عیسی‌بن‌مریم را فرستادیم و به او انجیل دادیم و در دل افرادی که از او پیروی کردند نرمی و مهربانی قرار دادیم، و رهبانیتی که خودشان (روحانیون مسیحی) درست کردند، ما بر آن‌ها مقرر نکردیم، ما فقط دنبال رضای خدا رفتن را بر آن‌ها واجب کردیم. ولی آن‌ها آن‌را آن‌طور که باید رعایت نکردند. ما به افرادی از آن‌ها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم ولی عده زیادی از آن‌ها از فرمان خدا اطاعت نمی‌کردند. (۲۷) ای افراد باایمان، از نافرمانی خدا بترسید و به پیغمبرش ایمان بیاورید تا رحمتش را به شما دوبار بدهد و نوری برای شما بوجود آورد که با آن حرکت کنید و شما را بیامرزد. خدا آمرزنده و مهربان است. (۲۸) برای این‌که اهل کتاب بدانند که اختیار فضل خدا به دست آن‌ها نیست و فضل در اختیار خداست، به هر کس که بخواهد می‌دهد، خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۹)

سوره مجادله (۵۸)

مدنی و شامل بیست و دو آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

خدا سخن زنی را که درباره شوهرش با تو صحبت می‌کرد و به خدا شکایت می‌کرد شنید. خدا صحبت شما را می‌شنود. چون خدا شنونده بی‌نا است. (۱) اشخاصی که به زنشان می‌گویند تو مثل مادر من هستی، حرف ناروا و دروغی می‌زنند. زنانشان مادر آن‌ها نیستند. مادرشان زنانی هستند که آن‌ها را زاییده‌اند. خدا عفوکننده و آمرزنده است. (۲) کسانی‌که چنین حرفی می‌زنند و بعد از گفته خود برمی‌گردند، قبل از این‌که با زنشان هم‌خواهی کنند، باید برده‌ای را آزاد کنند. این نصیحتی است که به شما می‌شود، خدا از تمام کارهایی که می‌کنید باخبر است. (۳) کسی‌که برده‌ای برای آزاد کردن پیدا نکرد، قبل از این‌که هم‌خواهی کند دوماه پشت سر هم روزه بگیرد. کسی‌که توانایی آن را نداشت، شمت مسکین را سیر کند. این کار برای این است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید. این حدود خدا است و منکران عذاب پردردی دارند. (۴) اشخاصی که با خدا و رسولش مخالفت می‌کنند مثل افرادی

که قبل از آنها بودند خوار می‌شوند. ما آیات روشن و واضحی نازل کرده ایم و افراد بی‌ایمان عذاب خوارکننده‌ای دارند. (۵) روزی که خدا همه آنها را برای رسیدگی به حسابشان زنده می‌کند و آنها را از کارهایی که می‌کردند خبردار می‌کند. خدا حساب آنها را دارد ولی خودشان آن را فراموش کرده‌اند. خدا شاهد هر چیزی است. (۶)

آیا متوجه نشده‌ای که خدا هر چه در آسمان‌ها و زمین است می‌داند. هیچ سه‌نفری در گوشی حرف نمی‌زنند مگر این‌که خدا چهارمی آنهاست و هیچ پنج‌نفری با هم حرف نمی‌زنند مگر این‌که خدا ششمی آنهاست، کمتر و بیشتر از آن نیستند مگر این‌که خدا با آنهاست، هر جایی که باشند. و در روز قیامت آنها را از کارهایی که کرده‌اند خبردار می‌کند. خدا هر چیزی را می‌داند. (۷) آیا کسانی را که از در گوشی حرف‌زدن نهی شده‌اند ندیدی که دوباره کاری را که از آن نهی شده‌اند انجام می‌دهند و به گناه و دشمنی و نافرمانی پیغمبر در گوشی حرف می‌زنند و پیش تو که می‌آیند، به صورتی با تو سلام و خوش‌آمدگویی می‌کنند که خدا آن طور با تو خوش‌آمدگویی نکرده است و در دلشان می‌گویند چرا خدا به خاطر این حرف‌هایی که می‌زنیم ما را عذاب نمی‌کند؟ جهنم برای آنها کافی است و وارد آن می‌شوند و جهنم جای بدی است. (۸) ای مؤمنین، وقتی با هم در گوشی صحبت می‌کنید از روی گناه و دشمنی و نافرمانی پیغمبر نباشد. برای نیکی و تقوی در گوشی صحبت کنید و از نافرمانی خدا که پیش او جمع خواهید شد بترسید. (۹) در گوشی حرف‌زدن کاری است شیطنی برای این‌که مؤمنان را غمگین کند. در حالی‌که ذره‌ای به آنها ضرر نمی‌زند مگر به فرمان خدا. مؤمنین باید به خدا توکل کنند. (۱۰) ای مؤمنین، وقتی در مجالس به شما گفته می‌شود جا باز کنید، این کار را بکنید تا خدا در کار شما گشایش ایجاد کند و وقتی به شما گفته می‌شود بلند شوید، این کار را بکنید. خدا مقام افراد باایمان و دانشمند را به درجات بالا می‌برد. خدا از همه کارهایی که می‌کنید خبر دارد. (۱۱)

ای افراد باایمان، وقتی با پیغمبر در گوشی صحبت می‌کنید قبل از آن صدقه‌ای بدهید. این کار برای شما بهتر و پاک‌تر است. اگر پول آن را نداشتید خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۲) آیا از این‌که قبل از در گوشی صحبت‌کردنتان صدقه‌ای بدهید ترسیدید؟ وقتی که این کار را نکردید و خدا توبه شما را پذیرفت، نماز را به‌پا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسولش اطاعت کنید. خدا از کارهایی که می‌کنید باخبر است. (۱۳) آیا افرادی را ندیدی که با گروهی که خدا از کار آنها خشمگین است دوستی می‌کنند؟ آنها از شما مسلمانان نیستند و شما از آنها نیستید. آنها دانسته قسم دروغ می‌خورند. (۱۴) خدا برای آنها عذاب شدیدی آماده کرده، چون کارهایی که می‌کنند بد است. (۱۵) قسم‌های خود را سپری ساخته‌اند و مردم را از راه خدا باز داشته‌اند. آنها عذاب خوارکننده‌ای دارند. (۱۶) مال و فرزند آنها در مقابل خدا ذره‌ای به‌درد آنها نمی‌خورد. آنها اهل جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۱۷) روزی که خدا همه آنها را زنده می‌کند، برای خدا قسم می‌خورند همان‌طور که برای شما قسم می‌خورند و خیال می‌کنند که برای آنها فایده‌ای خواهد داشت. بدانید که آنها دروغگو هستند. (۱۸) شیطان بر آنها غلبه کرده و یاد خدا را از خاطر آنها برده. آنها حزب شیطانند، بدانید حزب شیطان زیانکار است. (۱۹) اشخاصی که با خدا و پیغمبرش مخالفت می‌کنند پست‌ترین افرادند. (۲۰) خدا مقرر کرده که من و پیغمبرانم پیروز می‌شویم، چون خدا قوی و توانا است. (۲۱)

افرادی را که به خدا و روز آخرت ایمان دارند پیدا نمی‌کنی که کسانی را که مخالف خدا و پیغمبرش هستند دوست بدانند، اگرچه پدر یا فرزند یا برادر یا خویشاوندان آنها باشند. آنها کسانی هستند که خدا ایمان را در دلشان ثبت کرده و با روحی از جانب خود تأییدشان کرده است و آنها را وارد بهشت‌هایی می‌کند که در آن نهرهای روان است. همیشه در آن خواهند بود. خدا از آنها راضی و آنها هم از او راضی هستند. چنین افرادی حزب خدا هستند، بدانید که حزب خدا پیروز است. (۲۲)

سوره حشر (۵۹)

مدنی و شامل بیست و چهار آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

هرچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح خدا را می‌گویند و او توانا و حکیم است. (۱) اوست که افراد بی‌ایمان اهل کتاب را از سرزمینشان برای اولین بار بیرون کرد. شما تصور نمی‌کردید که آن‌ها بیرون روند. آن‌ها هم تصور می‌کردند که حصار شهرشان جلوی خدا را می‌گیرد. خدا از جایی که تصور آن را نمی‌کردند سراغ آن‌ها آمد و در دلشان ترس انداخت. خانه‌هایشان را با دست خودشان و با دست افراد بی‌ایمان خراب می‌کردند. ای اهل بصیرت، از این کار عبرت بگیرید. (۲) اگر خدا جلای وطن را برای آن‌ها مقرر نمی‌کرد، آن‌ها را در دنیا عذاب می‌کرد و آن‌ها در آخرت عذاب آتش جهنم را دارند. (۳)

این کار به علت این است که با خدا و پیغمبرش مخالفت کردند. کسی که با خدا مخالفت کند (بداند که) مجازات خدا شدید است. (۴) هر نهال خرمایی که بریدید یا آن را به جای خود سر پا گذاشتید به فرمان خدا بود. برای این‌که خدا افرادی را که از حکم خدا اطاعت نمی‌کنند خوار کند. (۵) آنچه خدا از آنان به پیغمبرش برگرداند، شما برای به دست آوردن آن اسب و حیوانی نتاختید. ولی خدا پیغمبرانش را بر هر کسی که بخواهد مسلط می‌سازد. خدا قادر بر هر کاری است. (۶) آنچه خدا از اهل شهرها به پیغمبرش برگرداند متعلق به خدا و پیغمبرش و خویشان و یتیمان و تهیدستان و در راه ماندگان است تا بین ثروتمندان شما دست به دست نشود. آنچه پیغمبر به شما داد بگیرید و آنچه که شما را از آن بازداشت از آن دست بکشید. از نافرمانی خدا بترسید، چون مجازات خدا شدید است. (۷) (مقداری از غنایم) متعلق به مهاجرین فقیری است که آن‌ها را از شهر و اموالشان دور ساخته‌اند و دنبال لطف و کرم و رضایت خدا می‌گردند و خدا و پیغمبرش را یاری می‌کنند. چنین افرادی راستگو هستند. (۸) و افرادی که قبل از آمدن آن‌ها خانه و ایمان را آماده کردند مهاجرینی را که پیش آن‌ها آمدند دوست دارند و نیازی به آنچه به آن‌ها داده شد احساس نمی‌کنند و آن‌ها را بر خودشان ترجیح می‌دهند اگرچه به آن احتیاج داشته باشند. کسانی که جلوی بخل (خسیس بودن) خود را بگیرند موفق و رستگار هستند. (۹)

کسانی که بعد از آن‌ها آمدند می‌گویند خداوند، ما و برادرانمان را که قبل از ما ایمان آوردند بیامرز و در دل ما کینه‌ای نسبت به افراد بی‌ایمان قرار مده. خداوند تو دلرحم و مهربانی. (۱۰) آیا منافقین را ندیدی که به دوستان کافر اهل کتابشان می‌گویند اگر شما را اخراج کنند ما با شما خارج می‌شویم و هرگز از حرف کسی درباره شما اطاعت نمی‌کنیم و اگر با شما بچنگند شما را کمک می‌کنیم. خدا شهادت می‌دهد که آن‌ها دروغ می‌گویند. (۱۱) اگر آن‌ها اخراج شوند، این‌ها با آن‌ها خارج نمی‌شوند و اگر با آن‌ها بچنگند، کمکشان نمی‌کنند و اگر به کمک آن‌ها بروند فرار می‌کنند و کمکی به آن‌ها نمی‌شود. (۱۲) ترسی که از شما در دل دارند بیشتر از ترسی است که از خدا دارند. این به علت این است که آن‌ها افرادی نفهم هستند. (۱۳) با شما دسته‌جمعی نمی‌چنگند مگر در شهرهای حصاردار یا از پشت دیوار. اختلافشان میانشان زیاد است. شما فکر می‌کنید آن‌ها با هم متحد هستند در صورتی که دل‌هایشان از هم جداست (با هم تفرقه دارند). این‌کار به دلیل این است که نمی‌فهمند. (۱۴) مانند کسانی هستند که کمی قبل از آن‌ها بودند که کافر کارشان را چشیدند و عذاب پردردی دارند. (۱۵) مانند شیطان که به انسان گفت کافر شو، ولی وقتی انسان کافر شد گفت من از تو بیزارم. من از خدا که صاحب‌اختیار مردم جهان است می‌ترسم. (۱۶)

عاقبت آن‌ها این است که همیشه در آتش جهنم خواهند بود. این جزای افرادی است که ظلم می‌کنند. (۱۷) ای افراد بی‌ایمان، از نافرمانی خدا بترسید و هر کس باید ببیند برای فردای خودش چه کاری می‌کند. از نافرمانی خدا برحذر باشید، چون خدا از تمام کارهایی که می‌کنید مطلع است. (۱۸) مثل کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا هم توجه به خودشان را از خاطرشان برد. آن‌ها افرادی هستند که از خدا اطاعت نمی‌کنند. (۱۹) اهل جهنم با اهل بهشت مساوی نیستند، اهل بهشت موفق و کامیاب هستند. (۲۰) اگر این قرآن را به کوه نازل می‌کردیم، می‌دیدید که از ترس خدا سر فرود می‌آورد و از هم شکافته می‌شود. این‌ها مثل‌هایی است که برای مردم می‌زنیم شاید فکر کنند. (۲۱) او خداییست که معبودی (کسی که انسان در مقابل او احساس یا ابزار کوچکی کند و از دستورهای او بدون چون و چرا پیروی کند) غیر از او وجود ندارد. دانای غیب و شهود است. او بخشنده مهربان است. (۲۲) او خداییست که معبودی غیر از او وجود ندارد. فرمانروای پاک و بی‌عیب و ایمنی‌بخش و حافظ توانای با جبروت بزرگ است. خدا از چیزهایی که شریک او می‌سازند دور است. (۲۳) او خدای آفریننده و بوجودآورنده و صورت‌ساز است. اسم‌هایی نیکویی

دارد. هر چه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح‌گوی او هستند و او مقتدر حکیم است. (۲۴)

سوره ممتحنه (۶۰)

مدنی و شامل سیزده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ای مؤمنین، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید. با آن‌ها اظهار دوستی می‌کنید در صورتی که آن‌ها منکر سخن حقی هستند که برای شما آمده. پیغمبر و شما را به علت این‌که ایمان دارید که صاحب‌اختیاران (فقط) خداست (حاضر نیستید از کسی جز خدا اطاعت محض و بی‌چون چرا بکنید) از دیارتان اخراج می‌کنند. اگر برای جهاد در راه من و کسب رضایت من خارج می‌شوید، چرا پنهانی با آن‌ها اظهار دوستی می‌کنید؟ من آن چه را که پنهان یا آشکار کنید می‌دانم. کسی از شما که با آن‌ها دوستی کند گمراه است. (۱) اگر بر شما دست یابند، دشمن شما می‌شوند و دست و زبان‌شان را برای آزارتان به بدی می‌گشایند و مایلند شما کافر شوید. (۲) بستگان و اولاد شما برایتان فایده‌ای ندارند. روز قیامت بین شما جدایی می‌افتد. خدا تمام اعمالتان را می‌بیند. (۳) در کار ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما سرمشق خوبی است، وقتی به قومشان گفتند ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم. ما کار شما را قبول نداریم و بین ما و شما برای همیشه دشمنی و کینه بوجود آمده، مگر این‌که فقط به خدا ایمان بیاورید. غیر از حرف ابراهیم که به پدرش گفت برایت از خدا طلب آموزش می‌کنم ولی برای اجابت دعایم ضمانتی از طرف خدا ندارم. خدایا، به تو توکل کرده‌ایم و به‌سوی تو برمی‌گردیم، بازگشت همه به‌سوی توست. (۴) خدایا، ما را وسیله امتحان کافران قرار نده. خدایا، ما را بیامرز، تو قدرتمند حکیمی. (۵)

آن‌ها سرمشق خوبی برای کسی هستند که امید به خدا و روز آخرت دارد. کسی که قبول نکند، (بداند که) خدا بی‌نیاز و قابل ستایش است. (۶) شاید خدا بین شما و افرادی از آن‌ها که دشمنی وجود دارد دوستی ایجاد کند. خدا قادر و آمرزنده مهربان است. (۷) خدا شما را از نیکی‌کردن و عدالت‌کردن به کسانی که درباره دین با شما جنگیدند و شما را از سرزمینتان بیرون نکردند، نهی نمی‌کند. چون خدا افراد عادل را دوست دارد. (۸) خدا شما را از دوستی با کسانی که با شما به‌خاطر دینتان جنگیدند و شما را از سرزمینتان بیرون کردند و برای بیرون‌کردن شما به هم کمک کردند، نهی می‌کند. کسانی که با آن‌ها دوستی کنند ظالم هستند. (۹) ای مؤمنین، وقتی زنان مهاجر با ایمان پیش شما آمدند آن‌ها را بیازمایید. البته خدا ایمان آن‌ها را بهتر می‌داند. اگر فهمیدید که ایمان دارند آن‌ها را به کفار برنگردانید. این زن‌ها برای افراد بی‌ایمان حلال نیستند و کفار هم برای این‌ها حلال نیستند و مخارجی که کفار برای این زن‌ها کرده‌اند به کفار بدهید. و برای شما اشکالی ندارد که با آن‌ها ازدواج کنید، وقتی که مهریه آن‌ها را به آن‌ها بدهید. و عقد کفار را دستاویز قرار ندهید و شما باید خرجی را که برای آن‌ها کرده‌اید از آن‌ها بخواهید و آن‌ها باید خرجی را که کرده‌اند از شما بخواهند. این حکم خداست که بین شما حکم می‌کند. خدا دانا و حکیم است. (۱۰) اگر چیزی از آنچه خرج همسرانتان (که پیش کفار رفته‌اند) کرده‌اید پیش کفار ماند و آن‌ها ندادند و بعد مقابله به مثل کردید، (از پول کفار) به همان اندازه به کسانی که زنانشان رفته‌اند بدهید و از نافرمانی خدایی که به او ایمان دارید بترسید. (۱۱)

ای پیغمبر، وقتی زنان با ایمان پیش تو آمدند که با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا نسازند و دزدی و زنا نکنند و بچه‌هایشان را نکشند و تهمت زنا در مورد فرزندان خود به کسی نزنند و در کارهای نیک برخلاف دستور تو کاری نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای آن‌ها از خدا آموزش بخواه چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۲) ای افراد با ایمان، با گروهی که مورد خشم خدا قرار گرفته‌اند دوستی نکنید. آن‌ها از آخرت ناامید شده‌اند همان‌طور که افراد بی‌ایمان از مردگان ناامید شده‌اند. (۱۳)

سوره صف (۶۱)

مدنی و شامل چهارده آیه

به نام خداوند بخشنده مهربان

هرچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح خدا را می‌گویند و او توانا و حکیم است. (۱) ای افراد باایمان، چرا حرفی می‌زنید که به آن عمل نمی‌کنید؟ (۲) اگر حرفی بزنید که به آن عمل نمی‌کنید پیش خدا گناه بزرگی است که باعث خشم او می‌شود. (۳) خدا کسانی را دوست دارد که متحد و متشکل مثل ستونی آهنین در راه او می‌جنگند (۴) وقتی را یادآوری کن که موسی به قومش گفت چرا مرا اذیت می‌کنید؟ در صورتی که می‌دانید که من رسول خدا برای شما هستم. وقتی منحرف شدند خدا هم دل‌های آن‌ها را منحرف کرد. خدا اشخاصی را که از او اطاعت نمی‌کنند راهنمایی نمی‌کند. (۵)

وقتی که عیسی پسر مریم گفت ای بنی‌اسرائیل، من رسول خدا برای شما و تصدیق‌کننده توراتی هستم که قبل از من بوده و بشارت پیغمبری بعد از من که اسم او احمد است را به شما می‌دهم. چون برای آن‌ها معجزاتی آورد، گفتند: این سحر واضحی است. (۶) کیست ظالم‌تر از آن که دروغی را سر هم کند و به خدا نسبت دهد در حالی‌که او به اسلام (تسلیم خدا بودن) دعوت می‌شود؟ خدا کسانی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۷) می‌خواهند با حرف‌های خودشان نور خدا را خاموش کنند. در صورتی که خدا نور خود را کامل می‌کند هرچند که کافران خوششان نیاید. (۸) اوست که پیغمبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمام دین آگاه کند، اگرچه کافران خوششان نیاید. (۹) ای مؤمنین، آیا شما را به تجارتی که شما را از عذاب پردرد نجات دهد راهنمایی بکنم؟ (۱۰) به خدا و پیغمبرش ایمان بیاورید و با مال و جان‌تان در راه خدا تلاش کنید. اگر حقیقت را درک کنید، می‌دانید که این کار به نفع شماست. (۱۱) خداگناهانتان را می‌بخشد و شما را وارد بهشت‌هایی می‌کند که در آن‌ها نهرها روان است و وارد خانه‌های پاک در بهشت جاوید می‌کند. این موفقیت بزرگی است. (۱۲) چیز دیگری که شما دوست دارید کمک الهی و فتح سریع است. این بشارت را به مؤمنین بده. (۱۳) ای مؤمنین، مددکار خدا باشید همان‌طور که عیسی پسر مریم به حواریون گفت مددکار من در راه خدا کیست؟ حواریون گفتند: ما مددکار خداییم. لذا عده‌ای از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند و عده‌ای ایمان نیاوردند. ما کسانی را که ایمان آوردند بر ضد دشمنشان کمک کردیم و پیروز شدند. (۱۴)

سوره جمعه (۶۲)

مدنی و شامل یازده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

آنچه در آسمان‌ها و زمین است خدا را به عظمت یاد می‌کنند که فرمانروای پاک و توانا و حکیم است. (۱) اوست که بین افراد بی‌سواد پیغمبری از خودشان فرستاد تا آیاتش را بر مردم بخواند و آن‌ها را پاک سازد و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزد. هرچند قبلاً در گمراهی واضحی بودند. (۲) و دسته‌های دیگری که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند، او توانا و حکیم است. (۳) این فضل خداست، آن را به هر کس که بخواهد می‌دهد. خدا دارای فضل بزرگ است. (۴) وضع افرادی که تورات به آن‌ها داده شد ولی به آن عمل نکردند مثل خری است که کتاب بارش باشد. داستان کسانی‌که منکر آیات خدا شدند (دستورهایی را که در کتاب خدا آمده قبول نکردند) نمونه بدی است. خدا افرادی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۵) بگو: ای یهودیان، اگر گمان می‌کنید که در بین مردم فقط شما محبوب خدا هستید، اگر راست می‌گویید تمنای مرگ بکنید. (۶) به‌خاطر کارهایی که کرده‌اند هرگز تمنای مرگ نمی‌کنند. خدا کسانی را که ظلم می‌کنند می‌شناسد. (۷) بگو: مرگی که از آن فرار می‌کنید سراغ شما می‌آید و به شما می‌رسد. بعد پیش خدا که دانای غیب و شهود است برگردانده می‌شوید و خدا شما را از کارهایی که می‌کردید خبردار می‌کند. (۸)

ای افراد باایمان، وقتی ندای نماز جمعه داده شد به نماز بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. اگر علم داشته باشید متوجه می‌شوید که این کار به نفع شما است. (۹) وقتی نماز تمام شد در زمین پخش شوید و دنبال فضل خدا و کسب معاش بروید و خدا را زیاد یاد کنید تا رستگار شوید. (۱۰) وقتی تجارتی یا سرگرمی ببینند پراکنده می‌شوند و به طرف آن می‌روند و تو را ایستاده در حال نماز ترک می‌کنند. بگو: آن چه پیش خدا است بهتر از سرگرمی و تجارت است. خدا بهترین روزی‌دهنده است. (۱۱)

سوره منافقون (۶۳)

مدنی شامل یازده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی افراد منافق پیش تو می‌آیند می‌گویند شهادت می‌دهیم که تو رسول خدا هستی. در صورتی که خدا می‌داند که تو رسولش هستی، و شهادت می‌دهد که منافقین به دروغ چنین حرفی می‌زنند (۱) قسم‌هایشان را سیری ساخته‌اند تا از پذیرفتن راه خدا خودداری کنند. آن‌ها کار بدی می‌کنند. (۲) این کار به این علت است که آن‌ها ایمان آوردند و بعد کافر شدند. لذا بر دلشان مهر زده شده و درک نمی‌کنند. (۳) وقتی آن‌ها را می‌بینی بدن‌هایشان تو را متعجب می‌کند و اگر حرف بزنند به حرف‌هایشان گوش می‌دهی. مثل این‌که چوب‌هایی هستند که به دیوار تکیه داده شده باشند. هر صدای بلندی را بر ضد خود حساب می‌کنند. آن‌ها دشمن هستند، از آن‌ها حذر کن. خدا آن‌ها را نابود کند که این‌چنین از حق روگردان هستند. (۴)

وقتی به آن‌ها گفته شود بیایید تا رسول خدا برای شما طلب آمرزش کند سرشان را برمی‌گردانند. آن‌ها را می‌بینی که با تکبر از این‌کار خودداری می‌کنند. (۵) برای آن‌ها فرقی نمی‌کند، چه برای آن‌ها از خدا طلب آمرزش بکنی چه نکنی، خدا هرگز آن‌ها را نمی‌بخشد. چون خدا افرادی را که از دستورهایش اطاعت نمی‌کنند هدایت نمی‌کند. (۶) آن‌ها اشخاصی هستند که می‌گویند به کسانی که پیش رسول خدا هستند پولی ندهید تا از اطراف او پراکنده شوند. در صورتی که خزائن آسمان‌ها و زمین مال خدا است، ولی افراد منافق این را درک نمی‌کنند. (۷) می‌گویند اگر به مدینه برگردیم قدرتمندان ما افراد ذلیل را از آن بیرون می‌کنند. در صورتی که عزت مال خدا و پیغمبرش و افراد باایمان است. ولی افراد منافق این را نمی‌دانند. (۸) ای افراد باایمان، مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنید. کسانی که این کار را بکنند زیان‌کارند. (۹) از آنچه روزی شما کرده‌ایم قبل از این‌که مرگ سراغ شما بیاید انفاق کنید. قبل از این‌که شخص بگوید خداوند، چرا مرگ مرا مدت کمی به عقب نینداختی تا انفاق کنم و از افراد صالح باشم. (۱۰) وقتی مرگ کسی فرارسید خدا هرگز آن را به عقب نمی‌اندازد. خدا از کارهایی که می‌کنید خبر دارد. (۱۱)

سوره تغابن (۶۴)

مدنی و شامل هجده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح خدا را می‌گویند. فرمانروایی فقط از آن اوست، و ستایش و بزرگداشت فقط برای اوست و او بر هر کاری قادر است. (۱) اوست که شما را خلق کرده. عده‌ای از شما کافرند و عده‌ای مؤمن. خدا اعمالتان را می‌بیند. (۲) آسمان‌ها و زمین را به‌حق آفرید و شما را به بهترین شکل نقش بندی کرد و بازگشت همه به پیشگاه او است. (۳) آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و چیزهایی را که پنهان یا آشکار می‌کنید می‌داند و آنچه در دل‌هاست می‌داند. (۴) آیا خبر کافران قبلی به‌شما گفته نشد؟ آن‌ها جزای کارهایشان را چشیدند و عذاب پردردی دارند. (۵) این عذاب به علت این است که پیغمبران‌شان دلیل‌های روشن برای آن‌ها آوردند و آن‌ها گفتند: آیا آدمی می‌خواهد ما را هدایت کند؟ پس منکر رسالت آن‌ها شدند و قبول نکردند، خدا بی‌نیاز است، بی‌نیاز و ستوده. (۶) کافران خیال کردند که برای دیدن جزای اعمالشان زنده نمی‌شوند. بگو: آری، به خداوند قسم شما حتماً زنده و از کارهایی که کرده‌اید آگاه می‌شوید و این کار برای خدا آسان است. (۷) پس به خدا و پیغمبرش و نوری که نازل کردیم ایمان بیاورید. خدا از کارهایتان باخبر است. (۸) روزی که شما را جمع می‌کند، متوجه ضررتان می‌شوید. کسانی که به خدا ایمان بیاورند و کار درست بکنند، خدا گناهانشان را می‌بخشد و آن‌ها را وارد بهشت‌هایی می‌کند که در آن‌ها نهرها روان است و همیشه در آن خواهند بود. این موفقیت بزرگیست. (۹)

و افرادی که ایمان نیاوردند و آیات ما را دروغ پنداشتند (دستورهایی را که خدا در کتاب الهی برایشان نازل کرد قبول نکردند) اهل جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود و جهنم بد جایی است. (۱۰) هیچ مصیبتی به کسی نمی‌رسد مگر به

فرمان خدا (مطابق قوانینی که خدا در خلقت گذاشته). کسی که به خدا ایمان بیاورد خدا قلبش را هدایت می‌کند. خدا هر چیزی را می‌داند. (۱۱) از خدا و پیغمبرش اطاعت کنید. اگر از این کار خودداری کنید، وظیفه پیغمبر ما فقط رساندن آشکار رسالت ماست. (۱۲) خدا، معبودی (کسی که انسان در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کند و از دستوره‌های او بدون چون و چرا پیروی کند) غیر از او وجود ندارد. افراد باایمان باید فقط به خدا توکل کنند. (۱۳) ای افراد باایمان، بعضی از همسران و فرزندان دشمن شما هستند. از آنها حذر کنید. اگر آنها را عفو کنید و از گناهانشان درگذرید و ببخشید، خدا هم آمرزنده و مهربان است. (۱۴) مال و فرزند شما فقط برای امتحان شماست. در صورتی که پاداش بزرگ پیش خداست. (۱۵) پس تا می‌توانید از نافرمانی دستوره‌های خدا دوری کنید و (کلام خدا را) بشنوید و اطاعت کنید و انفاق کنید که برای خود شما بهتر است. کسانی که جلوی خسیس بودن خود را بگیرند موفق و رستگارند. (۱۶) اگر قرض خوبی به خدا بدهید آن را برای شما چندبرابر می‌کند و شما را می‌آموزد. خدا قدرشناس و بردبار است. (۱۷) دانای پنهان و آشکار است و قدرتمند باحکمت است. (۱۸)

سوره طلاق (۶۵)

مدنی و شامل دوازده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیغمبر، وقتی زنان را طلاق می‌دهید آنها را در پایان عده‌شان طلاق دهید و حساب عده را نگهدارید و از نافرمانی خدا که صاحب‌اختیار شماست بپرهیزید و آنها را تا پایان عده از خانه‌شان بیرون نکنید. آنها هم حق رفتن ندارند مگر اینکه کار زشت آشکاری (زنا) کرده باشند. این حدود الهی است. کسی که از حدود الهی تجاوز کند به خودش ظلم کرده. چه می‌دانی شاید خدا بعد از این (عصیانیت و تصمیم شما) حالتی بوجود آورد که طلاق صورت نگیرد. (۱) ولی وقتی عده تمام شد یا آنها را به خوبی نگه دارید یا به خوبی از آنها جدا شوید. و دو نفر عادل را از خودتان به شهادت بگیرید و شهادت را برای خدا بدهید. این چیزی است که مؤمنان به خدا و آخرت به آن سفارش می‌شوند. کسی که از نافرمانی دستوره‌های خدا بپرهیزد خدا برایش راه نجاتی قرار می‌دهد. (۲) و از جایی که فکر نمی‌کند به او روزی می‌دهد. هر کس به خدا توکل کند، خدا برایش کافی است. چون خدا کارش را انجام می‌دهد و برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده (۳) زنانی که از قاعده شدن ناامیدند، اگر شك دارید، عده‌شان سه ماه است، و زنانی که قاعده نمی‌شوند هم همین‌طور. عده زنان حامله تا وقتی است که بچه‌شان را بزایند. کسی که از نافرمانی دستوره‌های خدا بپرهیزد خدا کارش را آسان می‌کند. (۴) این حکم خداست که برایتان نازل کرده. کسی که از نافرمانی دستوره‌های خدا بپرهیزد خدا گناهانش را بخشیده و اجرش را می‌افزاید. (۵)

زنانتان را به اندازه توانایی خود در منزل خودتان مسکن دهید. به آنها ضرری نزنید تا کار را بر آنها سخت کنید و اگر حامله بودند، خرج آنها را بدهید تا این‌که وضع حمل کنند. اگر به بچه شما شیر دادند مزد آنها را بدهید و بین خودتان به خوبی مشورت کنید و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری (دایه) به بچه شیر بدهد. (۶) کسی که ثروتمند است باید به اندازه توانایی خود خرج بدهد و کسی که تنگدست است، به اندازه‌ای که خدا به او داده است خرج کند. خدا کسی را جز به اندازه‌ای که به او داده تکلیف نمی‌کند. خدا بعد از سختی آسانی را پیش می‌آورد. (۷) چه بسیار شهرهایی که از دستور خداوندشان و پیغمبران او سرپیچی کردند. ما حساب سختی از آنها کشیدیم و آنها را به سختی عذاب کردیم. (۸) و نتیجه بد کارشان را چشیدند و عاقبت کارشان ضرر بود. (۹) خدا برای آنها عذاب سختی آماده کرده. پس ای خردمندان باایمان، از نافرمانی دستوره‌های خدا دوری کنید. خدا برای شما تذکری نازل کرده. (۱۰) پیغمبری که آیات روشن خدا را برای شما تلاوت می‌کند تا افرادی را که ایمان آورده و کار درست کرده‌اند از تاریکی‌ها خارج کرده و به سوی نور ببرد. هر کس به خدا ایمان بیاورد و کار درست بکند، خدا او را وارد بهشت‌هایی می‌کند که نهرها در آن روان است و همیشه در آن خواهد بود. خدا روزی او را نیکو کرده است. (۱۱) خدا کسی است که هفت آسمان را و از زمین نیز مثل آن را خلق کرده و فرمان او بین آنها نازل می‌شود برای این‌که بدانی که خدا هر کاری را می‌تواند بکند. و علم خدا هر چیزی را دربر می‌گیرد. (۱۲)

سوره تحریم (۶۶)

مدنی و شامل دوازده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیغمبر، چرا چیزی را که خدا برای تو حلال کرده بر خودت حرام می‌کنی؟ آیا رضایت همسرانت را می‌خواهی؟ خدا آمرزنده مهربان است. (۱) خدا شکستن قسم‌هایت را (در صورتی که برخلاف حکم خدا باشد) بر شما واجب کرده. مولای شما خداست و او دانا و حکیم است. (۲) وقتی پیغمبر با یکی از همسرانش پنهانی صحبتی کرد، چون زنش آن را به‌دیگری گفت و خدا پیغمبر را بر این کار آگاه کرد، بعضی از آن را به او گفت و بعضی را ندیده گرفت. چون پیغمبر آن را به همسرش گفت، همسرش به او گفت چه کسی تو را از این مطلب آگاه کرد؟ پیغمبر گفت خدای دانا آگاه مرا خبردار کرد. (۳) اگر به درگاه خدا توبه کنید، دل‌های شما به حکم خدا گوش کرده، و اگر بر علیه او متحد شوید، خدا و جبرئیل و مؤمنین درستکار پشتیبان او هستند. غیر از آنها فرشتگان هم پشتیبان او هستند. (۴) امکان دارد اگر پیغمبر شما را طلاق دهد خدا به‌جای شما زنانی بهتر که تسلیم خدا و مؤمن و فرمانبردار و توبه‌کننده و عبادت‌کننده و روزه‌دار باشند چه بیوه، چه دختر به او بدهد. (۵) ای مؤمنین، خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که سوخت آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند حفظ کنید. آتشی که مأمورین آن خشن و سختگیر هستند و از آنچه خدا به آنها دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و هر دستوری که به آنها داده شود انجام می‌دهند. (۶) ای کافران، امروز عذرخواهی نکنید. به شما فقط جزای کارهایی که می‌کردید داده می‌شود. (۷)

ای افراد باایمان توبه کنید (به اطاعت از دستورهای خدا برگردید)، توبه‌ای کامل. امید است خداوندتان گناهان شما را ببخشد و شما را وارد بهشت‌هایی کند که نهرها در آنها روان است. در روزی که خدا پیغمبر و افرادی را که با او ایمان آورده‌اند خوار نمی‌سازد. نور آنها در جلوی آنها و دست راستشان حرکت می‌کند و می‌گویند خداوندا، نور ما کامل‌ساز و ما را بیامرزد، چون تو قادر به انجام دادن هر کاری هستی. (۸) ای پیغمبر، با افراد بی‌ایمان و منافق مبارزه کن و بر آنها سخت بگیر. جای آنها جهنم است و جهنم جای بدی است. (۹) خدا از افراد بی‌ایمان نمونه‌ای را نشان داد. زن نوح و زن لوط، آنها همسر دونفر از بندگان درستکار ما بودند و به آنها خیانت کردند و همسران آنها (با این‌که پیغمبر خدا بودند) به اندازه ذره‌ای در مقابل خدا برای آنها مفید نبودند (نتوانستند آنها را از جهنم نجات دهند) و به آنها گفته شد با دیگران وارد جهنم شوید. (۱۰) و خدا از افراد باایمان نمونه‌ای را نشان داد. وقتی که زن فرعون گفت خداوندا، خانه‌ای پیش خودت در بهشت برای من بساز و مرا از دست فرعون و کار او و افرادی که ظلم می‌کنند نجات بده. (۱۱) و مریم دختر عمران که عفت خود را حفظ کرد و ما از روح خود در او دمیدیم و سخنان خداوندش و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از افراد فرمانبردار بود. (۱۲)

سوره ملك (۶۷)

مکی و شامل سی آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

خدایی که فرمانروایی در اختیار اوست و قادر به هر کاری است، بزرگووار و پاک است. (۱) خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را امتحان کند که عمل کدامیک از شما بهتر است. او پر قدرت و آمرزنده است. (۲) خدایی که هفت آسمان روی هم آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ تفاوتی نمی‌بینی، دوباره نگاه کن، آیا کمبودی می‌بینی؟ (۳) باز همه جا را دوباره نگاه کن تا نگاهت خیره و خسته بازگردد. (۴) ما آسمان دنیا را با ستارگان زینت دادیم و آنها را برای دور کردن شیطان‌ها وسیله قرار دادیم و برای آنها عذاب جهنم را آماده کردیم. (۵) افرادی که منکر خداوندشان شدند عذاب جهنم را در پیش دارند. جهنم بد جایی است. (۶) وقتی در آن بیفتند صدای دلخراش آن را در حالی که می‌جوشد می‌شنوند. (۷) نزدیک است جهنم از شدت خشم منفجر شود. هرگاه دسته‌ای در آن افکنده شوند، نگهبانان جهنم از آنها می‌پرسند آیا پیغمبری که شما را از عذاب خدا برحذر دارد برای شما نیامد؟ (۸) می‌گویند: چرا پیغمبر آمد، ولی ما او را دروغگو خواندیم و گفتیم خدا چیزی نازل نکرده است و شما در گمراهی زیادی هستید. (۹) و

گفتند: اگر می‌شنیدیم یا می‌فهمیدیم از اهل جهنم نبودیم. (۱۰) به گناه خود اعتراف می‌کنند. بدا به حال اهل جهنم. (۱۱) افرادی که قلباً از نافرمانی صاحب‌اختیارشان می‌ترسند، آمرزش و پاداش بزرگی دارند. (۱۲)

اگر حرف‌هایتان را پنهان کنید یا آشکار کنید خدا آن را می‌داند. چون او آنچه را در دل‌هاست می‌داند. (۱۳) آیا خالق از آنچه خلق کرده اطلاع ندارد؟ او دقیق و آگاه است. (۱۴) او کسی است که زمین را رام شما ساخت، پس در آن راه بروید و از روزی او بخورید. بازگشت شما پیش اوست. (۱۵) یا از آن‌که در آسمانست و شما را در زمینی که در حال لرزش است فرورد در امان هستید؟ (۱۶) یا از آن‌که در آسمان است بر سر شما سنگ ببارد در امان هستید؟ بزودی می‌فهمید که عذاب من چطور است. (۱۷) قبلی‌ها نیز وعده عذاب را دروغ پنداشتند. عذاب من چطور بود؟ (۱۸) آیا به پرندگانی که بالای سرشان در پروازند نگاه نکردند؟ چه چیزی غیر از خدای رحمان آن‌ها را نگاه می‌دارد؟ او هر چیزی را می‌بیند. (۱۹) یا این کسی‌که سپاه شماست و بشما کمک می‌کند، چه کسی غیر از خداوند رحمان است؟ کافران دچار فریب هستند. (۲۰) یا این خدایی که به شما روزی می‌دهد، اگر جلوی روزیش را بگیرد چه کسی به شما کمک می‌کند؟ کافران در سرکشی و گریز فرو رفته‌اند. (۲۱) آیا هدایت کسی‌که سر به پایین راه می‌رود بیشتر است یا کسی‌که راست و در راه مستقیم حرکت می‌کند؟ (۲۲) بگو: اوست که شما را بوجود آورد و گوش و چشم و دل برای شما قرار داد. تشکری که می‌کنید خیلی کم است. (۲۳) بگو: اوست که شما را در زمین پراکند و برای دیدن جزای کارهایتان پیش او جمع می‌شوید. (۲۴) می‌گویند اگر راست می‌گویید این وعده کی صورت می‌گیرد؟ (۲۵) بگو: علم آن (روز قیامت) فقط پیش خدا است، و من فقط هشداردهنده آشکاری هستم. (۲۶)

وقتی عذاب را نزدیک ببینند صورت افراد بی‌ایمان در هم می‌رود، به آن‌ها گفته می‌شود این همان چیزی است که می‌خواستید. (۲۷) بگو: نظر شما چیست اگر خدا من و کسانی را که با من هستند بکشد یا به ما رحم کند، چه کسی افراد بی‌ایمان را از عذاب پر درد پناه می‌دهد؟ (۲۸) بگو: او خداوند رحمان است. به او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم. شما خواهید دانست چه کسی در گمراهی واضحی است. (۲۹) بگو: نظر شما چیست، اگر آب شما در زمین فرو رود چه کسی برایتان آب گوارا می‌آورد؟ (۳۰)

سوره قلم (۶۸)

مکی و شامل پنج‌واو و دو آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

ن. قسم به قلم و آنچه می‌نویسند. (۱) که تو به لطف خداوندت دیوانه نیستی. (۲) تو پاداشی بی‌پایان داری. (۳) و اخلاقی بزرگ داری. (۴) خواهی دید و آن‌ها هم خواهند دید، که کدامیک از شما دیوانه است. (۵ و ۶) خداوندت کسی را که از راه او منحرف شده و افرادی که راه صحیح را شناخته‌اند بهتر از همه می‌شناسد. (۷) پس، از کسانی‌که انکار می‌کنند اطاعت نکن. (۸) دوست دارند که تو خوشامدگویی کنی و آن‌ها هم خوشامدگویی کنند. (۹) تو از هر قسم خور پستی که عیبجو و سخن‌چین و مانع کار خیر و متجاوز و گناه‌کار و بد اخلاق و پستفطرت است اطاعت نکن. (۱۰) تا (۱۳) هرچند که پولدار و داری فرزندی زیاد باشد. (۱۴) که وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید این افسانه گذشتگان است. (۱۵)

بر دماغش داغ خواهیم گذاشت. (۱۶) ما امتحانشان می‌کنیم همان‌طور که صاحبان باغ را امتحان کردیم، وقتی قسم خوردند که صبح میوه‌های باغ را می‌چینیم. (۱۷) و استثنایی قائل نشدند. (۱۸) وقتی خوابیدند از طرف خداوندت آفتی باغ را فراگرفت. (۱۹) و باغ خشک و بدون میوه شد. (۲۰) صبح همدیگر را صدا زدند. (۲۱) که اگر می‌خواهید میوه بچینید صبح زود به طرف باغ حرکت کنید. (۲۲) پس راه افتادند و آهسته با هم صحبت می‌کردند. (۲۳) که امروز نگذارید هیچ آدم فقیری وارد باغ شود. (۲۴) صبح زود با قدرت برای اجرای تصمیم خود راه افتادند. (۲۵) وقتی باغ را دیدند، گفتند: ما راه را گم کرده ایم. (۲۶) نه، گم نکرده ایم، بلکه محروم شده ایم. (۲۷) عاقل‌ترین آن‌ها گفت: آیا بشما نگفتم چرا تسبیح خدا را نمی‌گویید؟ (۲۸) گفتند: خداوند ما پاک است، ما ظالم بودیم. (۲۹) بعضی از آن‌ها رو به بعضی کرده و به سرزنش هم پرداختند. (۳۰) گفتند: وای بر ما که طغیانگر بودیم (۳۱) شاید خداوندمان باغی بهتر از آن بما بدهد. ما به خداوندمان علاقه داریم. (۳۲)

عذاب چنین است. اگر بدانند، مسلماً عذاب آخرت بزرگتر است. (۳۳) پرهیزکاران پیش خداوندشان بهشت‌های پرنعمتی دارند. (۳۴) آیا ما کسانی را که تسلیم دستورهای خدا هستند با گناه‌کاران مساوی می‌سازیم؟ (۳۵) چطور چنین قضاوت می‌کنید؟ (۳۶) آیا کتابی دارید و در آن چنین می‌خوانید؟ (۳۷) و در آن هرچه دلخواه شماست وجود دارد؟ (۳۸) یا برای شما قسم خورده‌ایم که حق دارید تا قیامت هر طور که خواستید قضاوت کنید؟ (۳۹) از آن‌ها بپرس که کدامیک از شما ضمانت این حرف را می‌کند؟ (۴۰) یا آن‌ها شریکانی دارند؟ اگر راست می‌گویند شریکانشان را بیاورند. (۴۱) روزی که سخت و شدید است و آن‌ها به سجده خوانده شوند و نتوانند. (۴۲)

چشمشان بپایین دوخته شده و ذلت آن‌ها را فراگرفته و قبلاً وقتی سالم بودند و به سجده کردن دعوت می‌شدند (سجده نمی‌کردند). (۴۳) مرا با کسی که منکر این حرف است تنها بگذار. آن‌ها را از جایی که نمی‌دانند آهسته آهسته مبتلا می‌کنیم. (۴۴) و به آن‌ها مهلت می‌دهم. کار من دقیق و محکم است. (۴۵) یا از آن‌ها مزدی می‌خواهی که برایشان گران است؟ (۴۶) آیا از غیب خبر دارند و آن را می‌نویسند؟ (۴۷) منتظر حکم خدایت باش و مثل یونس نباش که در حال غصه خدا را صدا زد. (۴۸) اگر لطف خدایت شامل حالش نبود سرزنش شده در صحرا می‌افتاد. (۴۹) خدایت او را برگزید و او را از صالحین ساخت. (۵۰) نزدیک است که کافران وقتی قرآن را می‌شنوند با چشم (نگاه) خود تو را دچار لغزش کنند و می‌گویند او دیوانه است. (۵۱) در حالی که قرآن فقط تذکری برای جهانیان است. (۵۲)

سوره حاقه (۶۹)

مکی و شامل پنجاه و دو آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

عذاب فراگیر. (۱) این عذاب فراگیر چیست؟ (۲) تو چه می‌دانی عذاب فراگیر چیست؟ (۳) قوم ثمود و قوم عاد منکر عذاب درهم کوبنده شدند. (۴) قوم ثمود بعلت طغیانشان هلاک شدند، (۵) اما قوم عاد با طوفان سرد شدیدی نابود شدند، (۶) که خداوند هفت شب و هشت روز بر آن‌ها بدون وقفه مسلط ساخت. مردم را می‌دید که مثل تنه خشک درختان خرما که به زمین افتاده باشند از پا درآمده‌اند. (۷) آیا کسی از آن‌ها را می‌بینی که باقی مانده باشد؟ (۸)

و فرعون و کسانی که قبل از او بودند و قوم لوط کار خطا می‌کردند. (۹) آن‌ها از فرستاده خداوندشان اطاعت نکردند در نتیجه خداوند آن‌ها را دچار عذابی سخت کرد. (۱۰) وقتی آب طغیان کرد ما شما را سوار کشتی کردیم. (۱۱) برای این‌که آن را تذکری برای شما بسازیم و گوش‌های شما را بشنوند و نگه دارند. (۱۲) وقتی یکبار در صور دمیده شود و زمین و کوه‌ها از جا کنده و یکباره درهم کوبیده شوند، آن روز واقعه قیامت واقع شده است. (۱۳ تا ۱۵) و آسمان پاره شود و نظمش بهم خورد. (۱۶) و فرشتگان در اطراف آسمان باشند و در آن روز هشت فرشته عرش خداوندت را بالای سرشان حمل می‌کنند. (۱۷) آن روز پیش خدا عرضه می‌شوید و هیچ کار شما مخفی نمی‌ماند. (۱۸) اما کسی که نامه اعمالش بدست راستش داده شود گوید بیا بیا و نامه اعمال مرا بخوانید. (۱۹) من گمان می‌کردم که حسابم را خواهم دید. (۲۰) او زندگی موردپسندی دارد. (۲۱) در بهشت عالی، (۲۲) که میوه‌هایش در دسترس است. (۲۳) بعلت کارهایی که در دنیا کردید بخورید و بنوشید، نوش‌جان‌تان. (۲۴) اما کسی که نامه اعمالش بدست چپش داده شود، گوید کاش نامه اعمالم بمن داده نمی‌شد. (۲۵) و نمی‌دانستم حسابم چیست. (۲۶) ایکاش مرگ من فرا می‌رسید. (۲۷) مال من فایده‌ای برایم نداشت. (۲۸) قدرت من از بین رفت. (۲۹) خطاب می‌شود که او را بگیرید و به زنجیر بکشید. (۳۰) بعد او را وارد جهنم کنید. (۳۱) و با زنجیر هفتاد ذرعی او را وارد جهنم کنید. (۳۲) او به خدای بزرگ ایمان نمی‌آورد. (۳۳) و افراد را به سیر کردن فقیران تشویق نمی‌کرد. (۳۴)

پس امروز در اینجا دوست مهربانی و غذایی جز چرک و خون ندارد. (۳۵ و ۳۶) آن را فقط خطاکاران می‌خورند. (۳۷) قسم به آنچه که می‌بینید و یا نمی‌بینید. (۳۸) و (۳۹) که قرآن سخن فرستاده‌ای بزرگواری است. (۴۰) و سخن شاعر نیست. عده کمی از شما ایمان می‌آورید. (۴۱) سخن کاهن هم نیست. مقدار کمی متوجه می‌شوید. (۴۲) نزول آن از طرف صاحب‌اختیار جهانیان است. (۴۳) اگر بعضی حرفها را از قول ما می‌گفت، (۴۴) ما با دست خودمان او را می‌گرفتیم، (۴۵) و شاه‌رگش را قطع می‌کردیم. (۴۶) هیچکدام شما هم نمی‌توانستید از اینکار جلوگیری کنید. (۴۷) قرآن تذکری برای

افراد باتقوی است. (۴۸) ما می‌دانیم که عده‌ای از شما منکر آن می‌شوید. (۴۹) و این کار باعث حسرت افراد بی‌ایمان خواهد بود. (۵۰) و این حرف کاملاً حقیقت است. (۵۱) پس به‌نام خداوند بزرگت تسبیح بگو. (۵۲)

سوره معارج (۷۰)

مکی و شامل چهل و چهار آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

کسی درباه عذابی که واقع خواهد شد سؤال کرد. (۱) هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از افراد بی‌ایمان دور کند. (۲) از طرف خداست که مالک آسمان‌هاست. (۳) فرشتگان و روح در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است به طرف خدا بالا می‌روند. (۴) پس تو صبر نیکویی داشته باش. (۵) آن‌ها آن را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم. (۶ و ۷) روزی که آسمان مثل مس گداخته و کوه‌ها مثل پشم زده شده خواهد بود. (۸ و ۹) روزی که دوست دربارہ وضع دوستش سؤالی نمی‌کند. (۱۰)

دوستانشان را به آن‌ها نشان می‌دهند. گناه‌کار دوست دارد که فرزند و همسر و برادر و خویشاوندانی که از او حمایت می‌کردند و تمام کسانی را که در زمین هستند تاوان بدهد تا از عذاب آنروز نجات پیدا کند. (۱۱ تا ۱۴) هرگز اینکار نخواهد شد. جهنم شعله‌ور است. جهنمی که پوست را می‌کند. (۱۵ و ۱۶) هرکس را که روگردانده و پشت کرده و مال‌اندوزی کرده صدا می‌زند. (۱۷ و ۱۸) چون انسان حریص و بی‌تاب آفریده شده. (۱۹) وقتی ناراحتی به او برسد بیتابی می‌کند. (۲۰) و وقتی خیری به او برسد از رساندن آن به دیگران خودداری می‌کند. (۲۱) غیر از نمازگزارانی که پیوسته نمازشان را بجا می‌آورند. (۲۲ و ۲۳) و در مالشان حق معلومی برای سائل و محروم وجود دارد. (۲۴ و ۲۵) کسانی که روز جزا را تصدیق می‌کنند. (۲۶) کسانی که از عذاب خداوندشان می‌ترسند. (۲۷) چون از عذاب خداوندشان در امان نیستند. (۲۸) کسانی که شرمگاه خود را حفظ می‌کنند. (۲۹) به‌جز در مورد همسرانشان یا کنیزانشان. چون چنین افرادی سزاوار سرزنش نیستند. (۳۰) کسانی که دنبال غیر آن بروند متجاوز هستند. (۳۱) کسانی که رعایت امانت و عهدشان را می‌کنند. (۳۲) کسانی که به‌شهادت دادن اقدام می‌کنند. (۳۳) کسانی که مواظب نمازشان هستند. (۳۴) چنین افرادی در بهشت مورد احترام هستند. (۳۵) برای کافران چه پیشامدی کرده که از راست و چپ دسته‌دسته به طرف تو می‌دوند. (۳۶ و ۳۷) آیا هر کدام آن‌ها امیدوارند که وارد بهشت پرنعمت شوند؟ (۳۸) این‌طور که فکر می‌کنند نیست، ما آن‌ها را از چیزی که می‌دانند خلق کردیم. (۳۹)

به خداوند مشرق‌ها و مغرب‌ها قسم که ما قادریم بجای آن‌ها افراد بهتری را به وجود آوریم و ناتوان نیستیم. (۴۰ و ۴۱) آن‌ها را به حال خود بگذار تا در افکار باطل خود فرو روند و سرگرم بازی شوند تا بروزی که به آن‌ها وعده داده شده برسند. (۴۲) روزی که با سرعت از قبرها خارج می‌شوند مثل این‌که به‌سوی بتهایشان می‌دوند. (۴۳) نگاهشان به پایین است و ذلت آن‌ها را فراگرفته. این همان روزی است که به آن‌ها وعده داده می‌شد. (۴۴)

سوره نوح (۷۱)

مکی و شامل بیست و هشت آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

ما نوح را پیش قومش فرستادیم و به او گفتیم قبل از این‌که عذاب دردناک به قومت برسد به آن‌ها هشدار بده. (۱) نوح گفت ای قوم من، من آشکارا به شما هشدار می‌دهم. (۲) که خدا را بندگی کنید و از نافرمانی دستورهای او بپرهیزید و مرا اطاعت کنید. (۳) تا خدا گناهانتان را بیامرزد و مرگتان را تا وقت معینی به عقب بیندازد. اگر بدانید وقتی که اجل فرارسد، عقب نمی‌افتد. (۴) نوح گفت خداوندا، من شب و روز قومم را دعوت کردم. (۵) ولی دعوت من فقط به فرار آن‌ها اضافه کرد. (۶) هر وقت آن‌ها را دعوت کردم که کاری بکنند که تو گناهانشان را بیامرزی، انگشت‌هایشان را در گوششان گذاشتند و لباسشان را به سرشان کشیدند و در کار خود اصرار کردند و خود را بالاتر از آن دانستند که حرف مرا بپذیرند. (۷) بعد آشکار و پنهانی دعوتشان کردم و دعوتم را برایشان علنی ساختم. (۸ و ۹) و به آن‌ها گفتم از خداوندتان طلب آمرزش کنید که او آمرزنده است. (۱۰)

تا از آسمان باران به بطور مرتب برای شما بفرستد. (۱۱) و شما را با مال و فرزند کمک کند و برای شما باغ‌ها و نهرها بوجود آورد. (۱۲) شما را چه شده که برای خدا ارزشی تصور نمی‌کنید؟ (۱۳) در صورتی‌که شما را در مراحل مختلف آفریده. (۱۴) آیا ندیده‌اید که چگونه خدا هفت آسمان را روی هم آفریده؟ (۱۵) و ماه را در بین آنها وسیله روشنی ساخته و خورشید را چراغی فروزان قرار داده؟ (۱۶) خدا شما را همانند گیاهی از زمین رویانده. (۱۷) بعد شما را به زمین برمی‌گرداند و دوباره شما را برای دادن جزای اعمالتان از زمین در می‌آورد. (۱۸) خدا زمین را برای شما بستری گسترده ساخته. (۱۹) تا از راه‌های پهن آن استفاده کنید. (۲۰) نوح گفت خداوند، آنها از حرف من سرپیچی کردند و از کسی پیروی کردند که مال و فرزندش فقط بر ضرر او اضافه کرده. (۲۱) و نقشه‌های بدی کشیدند. (۲۲) و گفتند: «ود» و «سواع» و «یغوث» و «یعوق» و «نسر» را که خدایان شما هستند ترک نکید. (۲۳) و عده زیادی را گمراه کردند، پس فقط به گمراهی افرادی که ظلم می‌کنند اضافه کن. (۲۴) به‌خاطر گناهانشان غرق و وارد آتش جهنم شدند و غیر از خدا مددکاری برای خود پیدا نکردند. (۲۵) نوح گفت خداوند، احدی از کافران را روی زمین باقی نگذار. (۲۶) اگر آنها را باقی بگذاری بندگان تو را گمراه می‌کنند و فقط افراد گناه‌کار و کافر می‌زایند. (۲۷) خداوند، من و پدر و مادرم را و هر کسی‌که با ایمان وارد خانه من می‌شود و مردان و زنان با ایمان را بیامرز و بر نابودی افرادی که ظلم می‌کنند اضافه کن. (۲۸)

سوره جن (۷۲)

مکی و شامل بیست و هشت آیه
به‌نام خدوند بخشنده مهربان

بگو: به من وحی شده که عده‌ای از جنیان قرآن را شنیدند و گفتند که قرآن عجیبی شنیدیم. (۱) که مردم را به راه صحیح هدایت می‌کند لذا به آن ایمان آوردیم و هیچ‌کس را شریک خداوندمان نمی‌سازیم. (۲) شأن صاحب‌اختیار ما والا است. زن و فرزندی نگرفته است. (۳) افراد کم عقل ما سخنان نامربوطی درباره خدا می‌گفتند. (۴) و ما فکر می‌کردیم انس و جن از قول خدا هرگز دروغ نمی‌گویند. (۵) و عده‌ای از انسان‌ها به مردانی از جن پناه می‌بردند و جنیان بر گمراهی آنها اضافه می‌کردند. (۶) آنها، همان‌طور که شما گمان می‌کردید، گمان می‌کردند که خدا هیچ‌وقت کسی را برای دادن پاداش کارهایش زنده نمی‌کند. (۷) ما آسمان را لمس کردیم و آن را پر از نگهبانان سختگیر و شهاب‌ها یافتیم. (۸) و ما در جاهایی برای شنیدن می‌نشستیم، حالا هر کس گوش بدهد شهاب آسمانی را مراقب خود می‌یابد. (۹) ما نمی‌دانیم برای کسانی‌که در زمین هستند تصمیم بدی گرفته شده یا خداوندشان هدایت آنها را می‌خواهد. (۱۰) عده‌ای از ما درستکارند و عده‌ای غیر از آن هستند. ما راه‌های متفاوتی داشتیم. (۱۱) ما می‌دانیم که هیچ‌وقت خدا را در زمین عاجز نمی‌کنیم و با گریختن او را عاجز نمی‌کنیم. (۱۲) ما وقتی راهنمایی را شنیدیم به آن ایمان آوردیم. کسی‌که به خداوندش ایمان بیاورد نه از کم شدن پاداشش می‌ترسد نه از ظلمی. (۱۳)

عده‌ای از ما مسلمان (تسلیم دستورهای خدا) هستند و عده‌ای ستمکارند. کسانی‌که تسلیم دستورهای خدا شدند هدایت یافته‌اند. (۱۴) اما گمراهان سوخت جهنم خواهند بود. (۱۵) اگر بر آیین (خدا) استقامت داشته باشند، از آب زیادی سیرابشان می‌کنیم. (۱۶) تا با آن امتحانشان کنیم. کسی‌که از یاد خداوندش روگردان شود، خدا او را دچار عذاب سختی می‌کند. (۱۷) مسجدها مال خداست، کسی را در کنار خدا به کمک نخوانید. (۱۸) و وقتی بنده ما به‌پا خاست و خدا را خواند، نزدیک بود که همگی بر سر او بریزند. (۱۹) بگو: من فقط خداوندم را می‌خوانم و هیچ‌کس را شریک او نمی‌سازم. (۲۰) بگو: من ضرری یا هدایتی برای شما ندارم. (۲۱) بگو: هیچ‌کس مرا از عذاب خدا حفظ نمی‌کند و هرگز پناهگاهی غیر از او پیدا نمی‌کنم. (۲۲) وظیفه من فقط رساندن پیام و رسالت خداست. هر کس از خدا و رسولش اطاعت نکند، آتش جهنم در انتظار او است و همیشه در آن خواهد بود. (۲۳) وقتی که عذابی که به آنها وعده داده شده ببینند، خواهند دانست که یاران چه کسی ضعیف‌تر و تعدادشان کم‌تر است. (۲۴) بگو: نمی‌دانم عذابی که به شما وعده داده شده نزدیک است یا خداوند من مدت زیادی برای آمدن آن قرار داده است. (۲۵) خدا دانی غیب است و هیچ‌کس را از غیب خود باخبر نمی‌کند. (۲۶) مگر پیغمبرانی که خودش پسندیده و جلو و عقب آنها مراقبی می‌فرستد. (۲۷) تا بدانند که پیام‌های

خداوندشان را رسانده‌اند و خدا به هر چیزی که پیش آن‌هاست احاطه دارد و حساب عدد هر چیزی را دارد. (۲۸)

سوره مزمل (۷۳)

مکی و شامل بیست آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

ای کسی که جامه به خود پیچیده‌ای! (۱) قسمتی از شب را بلند شو. (۲) نیمی از شب یا کمی از نیمه کم کن. (۳) یا کمی بر آن زیاد کن و قرآن را شمرده و آهسته بخوان. (۴) ما سخنی سنگین بر تو نازل خواهیم کرد. (۵) البته برخاستن شبانه مؤثرتر و از نظر سخن‌گفتن بهتر است. (۶) تو در روز فعالیت زیادی داری. (۷) نام خداوندت را ذکر کن و به او توجه داشته باش. (۸) خداوند مشرق و مغرب. معبودی (کسی که انسان در مقابل او احساس و ابراز کوچکی و از دستوره‌ای او بدون چون و چرا پیروی کند) غیر از خدا وجود ندارد پس او را وکیل خویش کن. (۹) و در مورد آنچه که می‌گویند صبور باش و به‌خوبی از آن‌ها دوری کن. (۱۰) من را با منکرین صاحب نعمت به‌حال خود بگذار و به آن‌ها کمی مهلت بده. (۱۱) ما برای آن‌ها غل و زنجیر و جهنم و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک داریم. (۱۲ و ۱۳) روزی که زمین و کوه‌ها به لرزه درآید و کوه‌ها به‌صورت شن روان شوند. (۱۴) ما پیغمبری که شاهد شما باشد پیش شما فرستادیم همان‌طور که پیغمبری پیش فرعون فرستادیم. (۱۵) فرعون از راهنمایی پیغمبر سرپیچی کرد و ما او را مجازات سختی کردیم. (۱۶) اگر کافر شوید روزی که بچه‌ها در آن پیر می‌شوند چگونه خود را حفظ می‌کنید؟ (۱۷) آسمان در آن روز شکافته می‌شود. وعده خدا عملی خواهد شد. (۱۸) این تذکری است. کسی که بخواهد راهی به‌طرف خداوندش در پیش می‌گیرد. (۱۹)

خداوندت می‌داند که تو و عده‌ای از آن‌هایی که با تو هستند نزدیک دو ثلث یا نصف یا ثلث شب را بلند می‌شوید. خدا شب و روز را مقرر کرده و می‌داند که شما حساب کار شب و روز را نمی‌کنید. لذا توبه شما را قبول کرد، پس تا آنجا که می‌توانید قرآن بخوانید. خدا می‌داند که عده‌ای از شما مریض می‌شوند و عده دیگری دنبال کسب معاش در سفر هستند و عده‌ای مشغول جنگ در راه خدا هستند. با وجود این تا آنجا که می‌توانید قرآن بخوانید و نماز را به‌پا دارید و زکات بدهید و به خدا قرض نیکو بدهید. هر کار خوبی که بکنید پاداش بهتر و بزرگتر از آن را در پیش خدا خواهید یافت. از خدا آمرزش بخواهید چون خدا آمرزنده مهربان است. (۲۰)

سوره مدثر (۷۴)

مکی و شامل پنجاه و شش آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

ای که جامه به خود پیچیده‌ای. (۱) برخیز و مردم را (از عواقب کارهای بد) برحذر کن. (۲) و خداوندت را به بزرگی یاد کن. (۳) و لباست را پاک کن. (۴) و از پلیدی دوری کن. (۵) و منت مگذار که بیشتر بخواهی. (۶) و به‌خاطر خداوندت صبور باش. (۷) وقتی در صور دمیده شود، آن روز، روز سختی است. (۸ و ۹) برای بی‌ایمان‌ها آسان نیست. (۱۰) من را با کسی که خلق کرده‌ام و به او مال فراوان و فرزندی که حاضرند داده‌ام و همه چیز را برایش آماده کرده‌ام و با وجود این انتظار زیاده بر آن را دارد تنها بگذار. (۱۱ تا ۱۵) هرگز نعمتش را زیادتر نمی‌کنیم. چون او مخالف سرسخت آیات ماست. (۱۶) او را دچار تنگنایی سخت خواهیم کرد. (۱۷)

او فکر کرد و محاسبه نمود. (۱۸) مرگ بر او، چه محاسبه‌ای کرد. (۱۹) باز هم مرگ بر او چه محاسبه‌ای کرد. (۲۰) بعد نگاه کرد و ابرو در هم کشید و رو ترش کرد و سپس رو برگرداند و تکبر ورزید و گفت این فقط سحری است که نقل شده. (۲۱ تا ۲۴) این قرآن جز سخن انسان نیست. (۲۵) او را وارد جهنم می‌کنم. (۲۶) چه می‌دانی جهنم چیست. (۲۷) چیزی را باقی نمی‌گذارد و رها هم نمی‌کند. (۲۸) پوست را می‌سوزاند. (۲۹) مأمورینش نوزده نفرند. (۳۰) و مأمورینش را جز فرشتگان قرار ندادیم و تعداد آن‌ها (عدد نوزده) را فقط برای امتحان کافران معین کردیم تا اهل کتاب ایمان بیاورند و ایمان مؤمنین زیادتر شود و اهل کتاب و مؤمنین دیگر شکی

نداشته باشند و بیمار دلان و کافران گویند خدا با این مثل چه خواسته است؟ خدا هر کس را بخواهد همراه می‌کند و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند. سپاهیان خدایت را جز خودش هیچ‌کس نمی‌داند. این فقط تذکری برای بشر است. (۳۱) این‌طور که فکر می‌کنند نیست. قسم به ماه و وقتی که شب رو به پایان است و صبح وقتی که روشن شود. (۳۲ تا ۳۴) این یکی از نشانه‌های بزرگ است. (۳۵) هشدار برای بشر است. (۳۶) برای آن که بخواهد جلو رود یا عقب. (۳۷) هر کسی در گرو کاریست که کرده. (۳۸) مگر اصحاب دست راست که در بهشت‌ها از مجرمین می‌پرسند. (۳۹ تا ۴۱) چه چیزی شما را وارد جهنم کرد؟ (۴۲) می‌گویند ما نماز نمی‌خواندیم. (۴۳) و به بینوایان غذا نمی‌دادیم. (۴۴) و با کسانی که افکار باطل داشتند هم فکر بودیم. (۴۵) و منکر روز جزا بودیم. (۴۶) تا مرگ ما رسید. (۴۷)

شفاعت شفیعیان سودی برایشان ندارد. (۴۸) چرا آن‌ها از قرآن روگردان هستند؟ (۴۹) آن‌ها مثل خرهای در حال فرارند. (۵۰) خرهایی که از شیر می‌گریزند. (۵۱) شاید هر کدام از آن‌ها انتظار دارند که نامه‌ای سرباز به او داده شود. (۵۲) این‌طور نیست بلکه از آخرت نمی‌ترسند. (۵۳) قرآن فقط تذکری است. (۵۴) پس هر کس بخواهد متوجه آن می‌شود. (۵۵) و متوجه نمی‌شوند مگر این‌که خدا بخواهد. چون او اهل تقوی و آمرزش است. (۵۶)

سوره قیامت (۷۵)

مکی و شامل چهل آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به روز قیامت. (۱) و قسم به نفس ملامت‌کننده. (۲) آیا انسان خیال می‌کند که استخوان‌هایش را جمع نمی‌کنیم؟ (۳) آری، ما می‌توانیم سر انگشتانش را هم درست کنیم. (۴) انسان می‌خواهد که باز هم گناه کند. (۵) می‌پرسد روز قیامت چه وقت است؟ (۶) وقتی که چشم خیره شود و ماه تاریک شود و خورشید و ماه با هم جمع شوند، انسان می‌گوید راه فرار کجاست؟ (۷ تا ۱۰) هرگز پناهگاهی وجود ندارد. (۱۱) آن روز انسان‌ها پیش خداوندت قرار می‌گیرند. (۱۲) به انسان خبر هر کاری که کرده و نکرده داده می‌شود. (۱۳) انسان خودش را کاملاً می‌شناسد. (۱۴) اگرچه هر گونه عذر و بهانه‌ای بیاورد. (۱۵) با عجله زبانت را به خواندن قرآن حرکت مده. (۱۶) جمع کردن و خواندن آن به عهده ماست. (۱۷) پس وقتی ما آن را خواندیم تو هم از خواندنش پیروی کن. (۱۸) بعد هم توضیح آن به عهده ماست. (۱۹)

شما دنیای زودگذر را دوست دارید. (۲۰) و آخرت را وامی‌گذارید. (۲۱) در قیامت صورتهایی شاد و خندان است. (۲۲) و به خداوندشان نگاه می‌کنند. (۲۳) و صورتهایی گرفته و درهم است. (۲۴) می‌دانند که به آن‌ها عذابی کمرشکن داده خواهد شد. (۲۵) آری وقتی جان به گلو برسد. (۲۶) و گفته شود چه کسی شفا دهنده است؟ (۲۷) و فکر کند که موقع جدایی است. (۲۸) و پاها در هم پیچد. (۲۹) آن روز پیش خداوند تو برده می‌شوند. (۳۰) او نه تصدیق کرد و نه نماز خواند. (۳۱) ولی انکار کرد و روبرگرداند. (۳۲) بعد با غرور پیش خانواده‌اش رفت. (۳۳) وای بر تو، وای بر تو، باز هم وای بر تو، وای بر تو. (۳۴ و ۳۵) آیا انسان خیال می‌کند او را بدون تکلیف به حال خود گذاشته‌اند؟ (۳۶) آیا نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته شد نبود؟ (۳۷) بعد به صورت خون بسته (زالو مانند) درآمد و خدا او را خلق کرد و او را آراست؟ (۳۸) و از آن‌ها نر و ماده ساخت؟ (۳۹) آیا چنین خدایی قادر نیست که مرده‌ها را زنده کند؟ (۴۰)

سوره انسان (۷۶)

مدنی و شامل سی و یک آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

آیا بر انسان مدت زمانی نگذشت که چیز قابل توجهی نبود؟ (۱) ما انسان را از نطفه مخلوطی آفریدیم و او را امتحان می‌کنیم و او را شنوا و بینا ساختیم. (۲) ما راه را به او نشان دادیم، چه شکرگزاری کند چه ناسپاسی نماید. (۳) ما برای منکران زنجیرها و غلها و آتش جهنم آماده کرده ایم. (۴) نیکوکاران از جامی که شرابش مخلوط با کافور است می‌نوشند. (۵)

چشمه ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند آن را هر طور که بخواهند روان می‌سازند. (۶) به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرش همه‌جا را فرا می‌گیرد می‌ترسند. (۷) و با علاقه به او (به خدا) به مسکین و یتیم و اسیر غذا می‌دهند. (۸) (و می‌گویند:) ما برای رضای خدا شما را سیر می‌کنیم و از شما انتظار پاداش و سپاسگزاری نداریم. (۹) ما از عذاب خداوندمان در روزی خشن و سخت می‌ترسیم. (۱۰) در نتیجه خدا آن‌ها را از شر آن روز حفظ کرد و به آنان شادی و سرور بخشید. (۱۱) پاداش آن‌ها به علت صبری که کردند بهشت و لباس‌های ابریشمی است. (۱۲) در آن بهشت بر تخت‌ها تکیه می‌زنند و در آنجا آفتاب داغ و سرمای سخت نمی‌بینند. (۱۳) سایه‌های درختانش به آن‌ها می‌افتد و میوه‌هایش در دسترس و اختیار آن‌ها است. (۱۴) و ظرف‌های نقره‌ای و کاسه‌های شیشه‌ای دور آن‌ها می‌گردانند. (۱۵) شیشه‌هایی از نقره که به اندازه درست کرده‌اند. (۱۶) در آن بهشت از جام‌هایی که با زنجبیل مخلوط است به آن‌ها می‌نوشانند. (۱۷) در آن چشمه‌ای است که نامش سلسبیل است. (۱۸) و دور آن‌ها جوانانی جاودانی می‌گردند. وقتی آن‌ها را ببینی خیال می‌کنی مرواریدهای پراکنده هستند. (۱۹) وقتی آن را ببینی، آنجا نعمت و فرمانروایی بزرگی می‌بینی. (۲۰) بر اندام آن‌ها لباس حریر سبزرنگ نازک و کلفت هست و با دستبندهای نقره‌ای زینت شده‌اند. و خداوندشان نوشیدنی پاک به آن‌ها می‌نوشاند. (۲۱) این پاداش شما است و از کوشش شما قدردانی می‌شود. (۲۲) ما قرآن را بر تو نازل کردیم. (۲۳) بنابراین برای حکم خداوندت صبر و استقامت داشته‌باش و از هیچ گناه‌کار یا فرد بی‌ایمان و ناسپاس آن‌ها اطاعت نکن. (۲۴) و نام خداوندت را صبح و شب ذکر کن. (۲۵)

و شبانگاه برایش سجده کن و در شب طولانی تسبیح او را بگو. (۲۶) این‌ها دنیای زودگذر را دوست دارند و پشت سر خودشان روز سنگینی را به‌جا می‌گذارند. (۲۷) ما آن‌ها را خلق کردیم و ساختمان وجودشان را محکم کردیم. هر وقت بخواهیم آن‌ها را با عده دیگری که مثل آن‌ها هستند عوض می‌کنیم. (۲۸) این قرآن تذکری است. پس هر کس میل داشته باشد راهی به سوی خداوندش در پیش می‌گیرد. (۲۹) شما فقط چیزی را می‌خواهید که خدا بخواهد. چون خدا دانا و حکیم است. (۳۰) هر کس را بخواهد داخل رحمتش می‌کند و برای ظالمین عذاب پردردی آماده کرده است. (۳۱)

سوره مرسلات (۷۷)

مکی و شامل پنجاه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به فرستاده‌شدگان پشت سر هم. (۱) و قسم به طوفان‌هایی که به شدت می‌وزند. (۲) قسم به پخش‌کنندگان. (۳) قسم به جداکنندگان. (۴) قسم به وحی‌کنندگان قرآن. (۵) چه برای عذر باشد، چه برای برحذر داشتن. (۶) آنچه به شما وعده داده شده عملی می‌شود. (۷) پس وقتی ستارگان محو شوند. (۸) و وقتی آسمان بشکافد. (۹) و وقتی کوه‌ها از جا کنده و پراکنده شوند. (۱۰) و آنگاه که برای پیغمبران وقت تعیین شود. (۱۱) برای چه روزی به شما مهلت داده شده؟ (۱۲) برای روز جداسازی. (۱۳) چه می‌دانی روز جداسازی چیست؟ (۱۴) در آن روز وای بر منکران. (۱۵) آیا قبلی‌ها را هلاک نکردیم؟ (۱۶) بعد دیگران را دنبال آن‌ها خواهیم برد. (۱۷) با گناه‌کاران چنین می‌کنیم. (۱۸) در آن روز وای بر منکران. (۱۹)

آیا شما را از آبی ناچیز نیافریدیم؟ (۲۰) و بعد آن را در جای مطمئنی قرار دادیم. (۲۱) تا مدتی مقرر و معلوم. (۲۲) ما قدرت این کار را داشتیم و قدرتمند خوبی هستیم. (۲۳) در آن روز وای بر منکران. (۲۴) آیا زمین را برای زندگان و مردگان قرارگاه نساختیم؟ (۲۵ و ۲۶) و در آن کوه‌های بلند بوجود آوردیم و آب گوارا برای نوشیدن به شما دادیم. (۲۷) در آن روز وای بر منکران. (۲۸) به طرف جهنمی که منکر آن بودید حرکت کنید. (۲۹) به طرف سایه سه شاخه حرکت کنید. (۳۰) که سایه نیست و شما را از شعله آتش نجات نمی‌دهد. (۳۱) آتشی که شعله‌اش را مثل یک قصر پرتاب می‌کند. (۳۲) مثل این‌که شعله آن شتر زردی است. (۳۳) در آن روز وای بر منکران. (۳۴) این روزی است که آن‌ها حرف نمی‌زنند. (۳۵) و به آن‌ها اجازه عذرخواهی داده نمی‌شود. (۳۶) در آن روز وای بر منکران. (۳۷) این است روز جداسازی. شما و تمام گذشتگان را جمع کرده‌ایم. (۳۸) اگر نقشه‌ای دارید درباره من به‌کار ببرید. (۳۹) در آن روز وای بر منکران. (۴۰) افراد باتقوی زیر سایه‌ها و کنار چشمه‌ها و کنار هر نوع میوه‌ای که میل دارند هستند (۴۱ و ۴۲) به‌خاطر کارهایی که در دنیا می‌کردید بخورید و بنوشید، نوش جانتان. (۴۳) ما نیکوکاران

را اینطور پاداش می‌دهیم. (۴۴) در آن روز وای بر منکران. (۴۵) برای مدت کمی بخورید و بهره ببرید چون شما گناه‌کارید. (۴۶) در آن روز وای بر منکران. (۴۷) وقتی به آن‌ها می‌گویند رکوع کنید رکوع نمی‌کنند. (۴۸) در آن روز وای بر منکران. (۴۹) به چه حرفی بعد از قرآن ایمان می‌آورند؟ (۵۰)

سوره نباء (۷۸)

مکی و شامل چهل آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

درباره چه چیزی از هم سؤال می‌کنند؟ (۱) درباره خبر بزرگ (روز قیامت). (۲) که درباره آن با هم اختلاف نظر دارند. (۳) این‌طور نیست، خواهند دانست. (۴) باز هم این‌طور نیست، خواهند دانست. (۵) آیا ما زمین را بستر آسایش و کوه‌ها را مثل میخ نساختم؟ (۶ و ۷) و شما را جفت آفریدیم. (۸) و خواب شما را وسیله استراحت قرار دادیم. (۹) و شب را پوششی ساختیم. (۱۰) و روز را وسیله کسب معاش نمودیم. (۱۱) و بالای سر شما هفت آسمان محکم بنا کردیم. (۱۲) و خورشید را چراغی نورانی قرار دادیم. (۱۳) و از ابرهای به هم فشرده باران تند نازل کردیم. (۱۴) تا به وسیله آن دانه و گیاه و باغ‌های پردرخت بوجود آوریم. (۱۵ و ۱۶) روز جداسازی وقت تعیین شده است. (۱۷) روزی که در صور دمیده شود و شما فوج فوج می‌آیید. (۱۸) و درهای آسمان باز شود. (۱۹) و کوه‌ها به حرکت درآیند و سرابی شوند. (۲۰) جهنم در کمین و انتظار است. (۲۱) جهنم محل بازگشت افراد طغیان‌کننده است. (۲۲) که مدتی طولانی در آن می‌مانند. (۲۳) در آن مزه خنکی و نوشیدنی را نمی‌چشند. (۲۴) غیر از آب جوش و خونابه نمی‌نوشند. (۲۵) پاداشی مطابق کارشان. (۲۶) آن‌ها امید رسیدگی به حسابشان را نداشتند. (۲۷) و آیات ما را به شدت انکار می‌کردند. (۲۸) در صورتی که ما حساب هر چیز را نوشته ایم. (۲۹) حالا عذاب را بچشید. فقط عذاب شما را اضافه می‌کنیم. (۳۰)

موفقیت مال افراد پرهیزکار است. (۳۱) باغ‌ها و تاکستان‌ها و دختران همسال و کاسه‌هایی پر و لبریز (۳۲ تا ۳۴) در آن سخن بیهوده و دروغ نمی‌شنوند. (۳۵) پاداشی از خداوندت، پاداشی حساب‌شده از خداوند بخشنده صاحب آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌ها است. از طرف او اجازه حرف زدن ندارند. (۳۶ و ۳۷) روزی که جبرئیل و فرشتگان به صف می‌ایستند. حرفی نمی‌زنند. غیر از کسی که خداوند بخشنده به او اجازه بدهد و حرف درست و صحیح زده باشد. (۳۸) آن روز حق است. کسی که بخواهد راه بازگشتی به سوی خداوندش در پیش می‌گیرد. (۳۹) ما شما را از عذابی که به زودی فرامی‌رسد بر حذر داشتیم. روزی که انسان به کارهایی که کرده نگاه می‌کند و کافر می‌گوید کاش من خاک بودم. (۴۰)

سوره نازعات (۷۹)

مکی و شامل چهل و شش آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به جداکنندگانی که کار خود را کامل انجام می‌دهند. (۱) قسم به آن‌ها که با شادی کار می‌کنند. (۲) قسم به شناوران. (۳) و قسم به آن‌ها که بر هم سبقت می‌گیرند. (۴) قسم به آن‌ها که تدبیر امور می‌کنند (طرح کارها را می‌ریزند). (۵) روزی که زلزله واقع شود. (۶) و زلزله دیگری دنبال آن بیاید. (۷) در آن روز دل‌هایی دچار ترس است. (۸) چشم‌هایشان به زیر است. (۹) گویند آیا ما وقتی استخوان‌های پوسیده‌ای باشیم دوباره به زندگی باز می‌گردیم؟ (۱۰ و ۱۱) گویند این بازگشت زیان‌باری است. (۱۲) آن فقط يك صدای وحشتناك است. (۱۳) آنوقت همه در روی زمین خواهند بود. (۱۴)

آیا داستان موسی برای تو آمده؟ (۱۵) وقتی در سرزمین مقدس «طوی» خداوندش او را صدا زد. (۱۶) پیش فرعون برو که طغیان کرده. (۱۷) و به او بگو: آیا می‌خواهی پاك شوی؟ (۱۸) و تو را به طرف خداوندت هدایت کنم که بترسی؟ (۱۹) پس معجزه بزرگی به او نشان داد. (۲۰) ولی فرعون منکر آن شد و سرکشی کرد. (۲۱) بعد پشت کرد و کوشش کرد. (۲۲) و مردم را جمع کرد و فریاد زد. (۲۳) و گفت من صاحب‌اختیار و الامقام شما هستم. (۲۴) خدا او را دچار عذاب دنیا و آخرت کرد. (۲۵) در سرگذشت او عبرتی است برای آن‌که از خدا می‌ترسد. (۲۶) آیا آفرینش شما سخت‌تر است یا

آسمانی که آن را بنا کرده؟ (۲۷) سقف آن را بالا برد و منظم ساخت. (۲۸) و شیش را تاریک کرد و صبح را بوجود آورد. (۲۹) و زمین را بعد از آن بگسترده. (۳۰) آب آن و چراگاه‌ها را درآورد. (۳۱) و کوه‌ها را پابرجا ساخت. (۳۲) وسیله بهره‌مندی شما و چارپایانتان. (۳۳) وقتی قیامت بزرگ پیش آید. (۳۴) روزی که انسان کارهایی را که کرده به‌خاطر آورد. (۳۵) و جهنم برای کسی که می‌بیند ظاهر شود. (۳۶) اما کسی که طغیان کرد و زندگی دنیا را ترجیح داد، جایز جهنم است. (۳۷ تا ۳۹) اما کسی که از مقام خداوندش ترسید و خود را از هوی‌پرستی بازداشت، بهشت جای اوست. (۴۰) و (۴۱) درباره قیامت از تو می‌پرسند که چه موقع برپا می‌شود. (۴۲) تو با ذکر آن چه کار داری؟ (۴۳) پایان آن با خداوند توست. (۴۴) تو فقط کسی را که از آن می‌ترسد بر حذر می‌داری. (۴۵) وقتی که آن را می‌بینند مثل این است که فقط شبی یا صبحی مانده‌اند. (۴۶)

سوره عبس (۸۰)

مکی و شامل چهل و دو آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

چهره در هم کشید و رویش را برگرداند. (۱) از این‌که کوری نزد او آمد. (۲) از کجا می‌دانی شاید او تزکیه (پاک) شود؟ (۳) یا توجه پیدا کند و این توجه برای او مفید باشد؟ (۴) اما کسی که بی‌نیاز است. (۵) تو به او توجه می‌کنی. (۶) اگر تزکیه و پاک نشود اشکالی بر تو نیست. (۷) اما کسی که با عجله پیش تو می‌آید. (۸) در حالی که از خدا می‌ترسد. (۹) تو از او غفلت می‌کنی؟ (۱۰) این‌طور که فکر کرده‌ای نیست، قرآن تذکری است. (۱۱) هر کس که بخواهد متوجه آن می‌شود. (۱۲) در نامه‌های گرانقدری است. (۱۳) نامه‌هایی والا و پاک. (۱۴) به‌دست سفیرانی بزرگوار و نیکوکار. (۱۵ و ۱۶) نابودباد انسانی که این‌قدر ناسپاسی می‌کند. (۱۷) خدا او را از چه چیزی خلق کرده؟ (۱۸) خدا او را از نطفه‌ای ناچیز خلق کرد و به اندازه ساخت. (۱۹) بعد راه را برایش آسان ساخت. (۲۰) بعد جانش را گرفت و در گور دفنش کرد. (۲۱) و هر وقت بخواهد دوباره زنده اش می‌کند. (۲۲) این‌طور که فکر می‌کند نیست، هنوز دستوری که خدا به او داده انجام نداده است. (۲۳) انسان باید به غذایش بنگردد. (۲۴) ما باران را فرستادیم. (۲۵) و زمین را شکافتیم. (۲۶) و دانه و انگور و سبزی و زیتون و درخت خرما و باغ‌های پردرخت و میوه و علف در آن رویاندیم. (۲۷ تا ۳۱) تا شما و چارپایانتان از آن استفاده کنید. (۳۲) وقتی صدای مهیب برآید. (۳۳) روزی که انسان از برادرش و مادر و پدرش و همسر و فرزندش فرار می‌کند. (۳۴ تا ۳۶) هر کسی از آن‌ها در آن روز کاری دارد که سرگرم آن است. (۳۷) چهره‌هایی در آن روز روشن است. (۳۸) و خندان و شادند. (۳۹) و بر چهره‌هایی در آن روز غبار است. (۴۰) سیاهی آن‌ها را پوشانده. (۴۱) آن‌ها افراد بی‌ایمان و بدکار هستند. (۴۲)

سوره تکویر (۸۱)

مکی و شامل بیست و نه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی خورشید در هم پیچید شود. (۱) وقتی ستارگان تیره شوند. (۲) وقتی کوه‌ها روان شوند. (۳) وقتی شترهای ده‌ماه آبستن به حال خود گذاشته شوند. (۴) وقتی حیوانات وحشی گرد هم آیند. (۵) وقتی دریاها شعله‌ور شوند. (۶) وقتی افراد جفت شوند. (۷) وقتی از دختران زنده به‌گور پرسیده شود که به چه گناهی کشته شدید؟ (۸) و (۹) وقتی نامه اعمال باز شود. (۱۰) و وقتی آسمان از جا کنده شود. (۱۱) وقتی جهنم شعله‌ور شود. (۱۲) و وقتی بهشت نزدیک شود. (۱۳) هر کسی می‌داند چه کارهایی کرده. (۱۴) قسم به ستارگانی که برمی‌گردند و پنهانی حرکت می‌کنند. (۱۵ و ۱۶) و قسم به شب وقتی تاریک شود و قسم به روز وقتی روشن شود. (۱۷ و ۱۸) که قرآن سخن فرستاده بزرگوار است که صاحب قدرت است و در پیش خداوند عرش مقام بلندی دارد. (۱۹ و ۲۰) در آنجا فرمانده و در رساندن وحی امین است. (۲۱) دوست شما دیوانه نیست. (۲۲) و فرشته وحی را در افق روشن دیده است. (۲۳) و در رساندن وحی به مردم بخیل نیست. (۲۴) و قرآن سخن شیطان رانده شده نیست. (۲۵) پس کجا می‌روید؟ (۲۶) قرآن فقط تذکری برای تمام انسان‌ها است. (۲۷) برای کسی از شما که بخواهد راه راست را بشناسد. (۲۸) و فقط چیزی می‌خواهید که خدا، صاحب‌اختیار جهانیان آن را بخواهد. (۲۹)

سوره انفطار (۸۲)

مکی و شامل نوزده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی که آسمان پاره شود. (۱) وقتی ستارگان به هم بریزند. (۲) وقتی دریاها روان شوند. (۳) و وقتی قبرها زیر و رو شود. (۴) هر کس می‌داند چه کرده و چه نکرده است. (۵) ای انسان، چه چیزی تو را نسبت به خداوند کریمت مغرور کرده؟ (۶) خدایی که تو را خلق کرد و هیکل تو را درست و متعادل ساخت. (۷) به شکلی که خواست تو را ترکیب کرد. (۸) این‌طور که فکر می‌کنید نیست، بلکه شما منکر روز جزایید. (۹) در حالی که فرشتگانی بزرگوار که اعمالتان را می‌نویسند مراقب شما هستند. (۱۰) و تمام کارهایی که می‌کنید می‌دانند. (۱۲) نیکان غرق در نعمت هستند. (۱۳) و بدکاران در جهنم هستند. (۱۴) روز جزا وارد جهنم می‌شوند. (۱۵) و از آن دور نیستند. (۱۶) تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟ (۱۷) باز هم چه می‌دانی که روز جزا چیست؟ (۱۸) روزی است که هیچ‌کس برای کسی کاری نمی‌تواند بکند و حکم در آن روز با خداست. (۱۹)

سوره مطففین (۸۳)

مکی و شامل سی و شش آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

وای بر کم‌فروشان‌ی که وقتی جنسی از مردم می‌گیرند کامل می‌گیرند و وقتی برای مردم کیل و وزن می‌کنند کم می‌گذارند. (۱ تا ۳) آیا فکر نمی‌کنند که برای دیدن جزای کارهایشان زنده می‌شوند؟ (۴) برای روز بزرگ. روزی که مردم برای صاحب‌اختیار جهانیان برمی‌خیزند. (۵ و ۶)

این‌طور که فکر می‌کنند نیست. پرونده اعمال بدکاران در سجین است. (۷) چه می‌دانی سجین چیست؟ (۸) کتاب نوشته شده‌ای است. (۹) در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان روز جزا. (۱۰ و ۱۱) فقط هر متجاوز گناه‌کاری منکر آن می‌شود. (۱۲) گناه‌کاری که وقتی آیات ما برای او خوانده می‌شود می‌گوید این داستان‌های افسانه‌ای گذشتگان است. (۱۳) این‌طور که فکر می‌کنند نیست بلکه کارهایی که کرده‌اند زنگ دلشان شده. (۱۴) این‌طور که فکر می‌کنند نیست. آن‌ها در آن روز از خداوندشان محجوبند. (۱۵) آن‌ها وارد جهنم می‌شوند. (۱۶) بعد به آن‌ها گفته می‌شود این همان چیزی است که انکار می‌کردید. (۱۷) این‌طور که فکر می‌کنند نیست. پرونده اعمال افراد نیکوکار در علیین است. (۱۸) چه می‌دانی علیین چیست؟ (۱۹) کتاب نوشته شده‌ای است. (۲۰) فرشتگان مقرب بر آن شهادت می‌دهند. (۲۱) افراد نیکوکار غرق در نعمت هستند. (۲۲) از روی تخت‌ها نگاه می‌کنند. (۲۳) در صورت آن‌ها شادابی نعمت را می‌بینی. (۲۴) از شراب سربسته می‌نوشند. (۲۵) مهر آن مشک است و در استفاده از آن بر هم پیشدستی می‌کنند. (۲۶) ترکیب آن از تسنیم است که چشمه‌ای است که مقربان خدا از آن می‌نوشند. (۲۷ و ۲۸) افراد گناه‌کار قبلاً مؤمنان را مسخره می‌کردند. (۲۹) و وقتی از کنار آن‌ها رد می‌شدند با چشم به هم اشاره می‌کردند. (۳۰) و وقتی پیش خانواده خودشان برمی‌گشتند دلشاد بودند. (۳۱) و وقتی آن‌ها را می‌دیدند می‌گفتند این‌ها گمراه هستند. (۳۲) در صورتی که آن‌ها برای نگهبانی افراد باایمان فرستاده نشده بودند. (۳۳) امروز افراد باایمان به وضع بد افراد بی‌ایمان می‌خندند. (۳۴)

از روی تخت‌ها نگاه می‌کنند. (۳۵) آیا جزای افراد بی‌ایمان مطابق کارهایی که می‌کردند به آن‌ها داده شده؟ (۳۶)

سوره انشاق (۸۴)

مکی و شامل بیست و پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی آسمان پاره شود. (۱) و به فرمان خداوندش گوش کند و این کار وظیفه آن است. (۲) و وقتی زمین کشیده شود. (۳) و آنچه در آن است بیرون اندازد و خالی

شود. (۴) و به فرمان خداوندش گوش کند و این کار وظیفه آن است. (۵) ای انسان، با زحمت پیش خداوندت می‌روی و او را ملاقات می‌کنی. (۶) اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، محاسبه آسانی برای او خواهد شد و با خوشحالی پیش خانواده اش برمی‌گردد. (۷ تا ۹) اما کسی که نامه اعمالش از پشت سرش به او داده شود تقاضای مرگ خواهد کرد و وارد جهنم می‌شود. (۱۰ تا ۱۲) هم اوست که در بین خانواده اش خوشحال بود. (۱۳) گمان می‌کرد هرگز بر نمی‌گردد. (۱۴) آری خداوندش کار او را می‌دید. (۱۵) قسم به شفق و قسم به شب و آنچه در آن است و قسم به ماه وقتی که به حالت ماه کامل در آید. (۱۶ تا ۱۸) که شما حتماً مراحل مختلفی را خواهید گذراند. (۱۹) آن‌ها را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟ (۲۰) و وقتی قرآن بر آن‌ها خوانده شود سجده نمی‌کنند؟ (۲۱) افراد بی‌ایمان منکر قرآن می‌شوند. (۲۲) در صورتی که خدا از آنچه در دل خود مخفی می‌کنند اطلاع کامل دارد. (۲۳) آن‌ها را به عذابی دردناک بشارت بده. (۲۴) اما آن‌هایی که ایمان آوردند و کارهای درست انجام دادند پاداش بی‌پایانی دارند. (۲۵)

سوره بروج (۸۵)

مکی و شامل بیست و دو آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به آسمان که برج‌هایی دارد. (۱) قسم به روز موعود. (۲) قسم به بیننده و آنچه دیده می‌شود. (۳) مرگ بر یاران گودال آتش. (۴) که آتش سوزان درست کرده و کنار آن نشسته بودند. (۵ و ۶) و بلایی که سر مؤمنان درمی‌آوردند می‌دیدند. (۷) آن‌ها از افراد باایمان فقط برای این انتقام می‌گرفتند که آن‌ها به خدای توانا و ستوده ایمان آوردند. (۸) خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین اختصاص به او دارد. و خدا شاهد هر کاری است. (۹) افرادی که مردان و زنان باایمان را شکنجه کردند و بعد هم توبه نکردند، عذاب جهنم و عذاب سوزان در پیش دارند. (۱۰) ولی افرادی که ایمان آوردند و کارهای درست انجام دادند بهشت‌هایی دارند که نهرها در آن روان است. این موفقیت بزرگی است. (۱۱) بدان که عذاب خداوندت شدید است. (۱۲) او بوجود می‌آورد و برمی‌گرداند. (۱۳) و او آمرزنده و مهربان است. (۱۴) صاحب عرش با شکوه است. (۱۵) هر کاری که بخواهد می‌کند. (۱۶) آیا حکایت لشکریان فرعون و قوم ثمود به تو رسیده است؟ (۱۷ و ۱۸) افرادی که ایمان ندارند آن را انکار می‌کنند. (۱۹) در صورتی که خداوند بر آن‌ها احاطه کامل دارد. (۲۰) آری این قرآن پرشکوه است. (۲۱) که در لوحی محفوظ است. (۲۲)

سوره طارق (۸۶)

مکی و شامل هفده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به آسمان و قسم به طارق. (۱) تو چه می‌دانی طارق چیست. (۲) طارق ستاره درخشانی است. (۳) هر کسی نگهبانی دارد. (۴) پس انسان باید نگاه کند که از چه چیزی خلق شده. (۵) از آبی جهنده خلق شده. (۶) که از بین پشت و استخوان‌های سینه خارج می‌شود. (۷) خداوند قادر به برگرداندن او هست. (۸) روزی که اسرار درونی انسان‌ها آشکار می‌شود. (۹) و انسان نیرو و مددکاری ندارد. (۱۰) قسم به آسمان که باران دارد. (۱۱) و زمین که شکاف دارد. (۱۲) که قرآن سخن قطعی و جداکننده حق و باطل است. (۱۳) و شوخی نیست. (۱۴) آن‌ها نقشه‌هایی می‌کشند. (۱۵) من هم نقشه‌ای دارم. (۱۶) به افراد بی‌ایمان کمی مهلت بده. (۱۷)

سوره اعلی (۸۷)

مکی و شامل نوزده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

به نام خداوند بلندمرتبه‌ات تسبیح بگو. (۱) خدایی که خلق کرد و کامل ساخت. (۲) خدایی که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود. (۳) خدایی که چراگاه را بوجود آورد. (۴) و بعد آن را خشک و سیاه کرد. (۵) قرآن را بر تو می‌خوانیم و تو آن را فراموش نمی‌کنی. (۶) مگر چیزی را که خدا بخواهد. چون او آشکار و پنهان را می‌داند. (۷) تو را برای آسان‌ترین راه آماده می‌کنیم. (۸) بنابراین اگر تذکر مفید واقع شود تذکر بده. (۹) کسی که از خدا می‌ترسد متوجه خواهد شد. (۱۰) و

بدبختترین مردم از آن کناره جویی می‌کند. (۱۱) بدبختی که وارد آتش بزرگ جهنم می‌شود. (۱۲) و در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌کند. (۱۳) کسی که نفس خود را پاک کرد و نام خداوندش را یادآوری کرد و نماز خواند موفق و رستگار شد. (۱۴ و ۱۵)

ولی شما زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید. (۱۶) در حالی که آخرت بهتر و ماندنی‌تر است. (۱۷) این در کتاب‌های قبلی و در کتاب‌های ابراهیم و موسی هم هست. (۱۸ و ۱۹)

سوره غاشیه (۸۸)

مکی و شامل بیست و شش آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا خیر فراگیر (روز قیامت) برای تو گفته شده؟ (۱) آن روز عده‌ای خوار خواهند بود. (۲) تقلا می‌کنند و رنج می‌برند. (۳) وارد آتش سوزان جهنم می‌شوند. (۴) و از چشمه آب جوش به آن‌ها آب داده می‌شود. (۵) غذایی غیر از خار ندارند. (۶) که آن‌ها را چاق و گرسنگی آن‌ها را رفع نمی‌کند. (۷) و در آن روز افرادی شاداب هستند. (۸) از کوشش خود راضی هستند. (۹) در بهشت عالی هستند. (۱۰) در آن سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند. (۱۱) در آن چشمه‌ای روان است. (۱۲) در آن تخت‌های بلند و قنداق‌های گذاشته شده و بالش‌های ردیف شده و فرش‌های پهن شده وجود دارد. (۱۳ تا ۱۶) آیا به شتر نگاه نمی‌کنند که چطور خلق شده؟ (۱۷) و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ (۱۸) و به کوه‌ها که چگونه نصب شده؟ (۱۹) و به زمین که چگونه گسترده شده؟ (۲۰) تو تذکر بده، چون تو فقط تذکر دهنده‌ای. (۲۱) تو بر آن‌ها تسلطی نداری. (۲۲) مگر بر کسی که رو برگرداند و قبول نکرد. (۲۳) خدا او را عذاب بزرگی می‌کند. (۲۴) برگشت آن‌ها پیش ما است. (۲۵) و رسیدن به حساب آن‌ها هم وظیفه ما است. (۲۶)

سوره فجر (۸۹)

مکی و شامل سی آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به سپیده دم، (۱) و قسم به شب‌های دهگانه. (۲) و قسم به زوج و فرد. (۳) قسم به شب وقتی که تمام شود. (۴) آیا در این‌ها قسمی برای افراد عاقل وجود دارد؟ (۵) آیا متوجه نشده‌ای که خداوندت با قوم عاد، به ارم پر از ستون که مثل آن در هیچ شهری ساخته نشده بود چه کرد؟ (۶ تا ۸) و به قوم ثمود که صخره‌های بزرگ را در دره و دشت می‌تراشیدند و به فرعون صاحب سراپرده و اهرام چه کرد؟ (۹ و ۱۰) کسانی که در شهرها طغیان کردند و به فساد دامن زدند. (۱۱ و ۱۲) در نتیجه خداوند تو تازیانه عذاب را بر آن‌ها فرود آورد. (۱۳) چون خداوند تو مواظب کار انسان‌ها است. (۱۴) اما انسان، وقتی خداوندش او را امتحان کند و به او لطف کند و نعمت دهد می‌گوید خداوند مرا گرامی داشته. (۱۵) اما وقتی که خداوندش او را امتحان کند و روزی (درآمد) او را کم کند می‌گوید خداوند مرا خوار ساخته. (۱۶) این‌طور نیست بلکه شما به یتیم لطف نمی‌کنید. (۱۷) و یکدیگر را بر سیرکردن فقیر تهیدست تشویق نمی‌کنید. (۱۸) و میراث را کاملاً می‌خورید. (۱۹) و به مال علاقه زیادی دارید. (۲۰) این‌طور که فکر می‌کنید نیست، وقتی زمین در هم کوفته شود. (۲۱) و خداوند تو و فرشتگان صف در صف بیایند. (۲۲) و جهنم در آن روز آورده شود. آن روز انسان متوجه حقیقت می‌شود و این توجه چه فایده‌ای برای او دارد. (۲۳) انسان می‌گوید ای کاش قبلاً در مدت زندگانیم کاری برای این روز می‌کردم. (۲۴) آن روز هیچ‌کس عذابی مثل عذاب خدا نمی‌کند. (۲۵) و هیچ‌کس مثل او افراد را به بند نمی‌کشد. (۲۶) ای نفس آرام‌یافته، در حالی که راضی هستی و خدا هم از تو راضی است پیش خداوندت برگردد. (۲۷ و ۲۸) و داخل بندگان من و داخل بهشت من شو. (۲۹ و ۳۰)

سوره بلد (۹۰)

مکی و شامل بیست آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به این سرزمین. (۱) در حالی که تو در این سرزمین ساکن هستی. (۲) و قسم به پدر و فرزند. (۳) که ما انسان را در رنج آفریدیم. (۴) آیا انسان خیال می‌کند که

هیچکس تسلطی بر او ندارد؟ (۵) می‌گوید مال زیادی را تلف کردم. (۶) آیا خیال می‌کند کسی او را ندیده؟ (۷)

آیا دو چشم و یک زبان و دو لب برای او نساختیم؟ (۸ و ۹) و او را به دو راه هدایت نکردیم؟ (۱۰) پس چرا از عقبه عبور نکرد؟ (۱۱) چه میدانی عقبه چیست؟ (۱۲) عقبه آزاد کردن برده یا سیرکردن فردی است در روز قحطی، سیرکردن یتیمی از خویشان یا تهیدستی خاک نشین. (۱۳ تا ۱۶) بعد هم از کسانی باشد که ایمان آوردند و سفارش به صبر و مرحمت کردند. (۱۷) این افراد خوشبخت هستند. (۱۸) و کسانی که منکر آیات ما شدند بدبختند. (۱۹) آتش سربسته‌ای اطرافشان را فراگرفته (۲۰)

سوره شمس (۹۱)

مکی و شامل پانزده آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به خورشید و تابش آن، (۱) و قسم به ماه وقتی دنبال آن آید، (۲) قسم به روز وقتی آن را روشن کرد، (۳) قسم به شب وقتی آن را پوشاند، (۴) قسم به آسمان و آنچه آن را بنا کرد، (۵) قسم به زمین و آنچه آن را گسترده، (۶) قسم به نفس و آنچه آن را ساخت، (۷) و بدکاری و تقوایش را به آن الهام کرد، (۸) که کسی که نفس را از بدی پاک ساخت موفق و رستگار شد. (۹) و کسی که نفس را آلوده کرد زیان‌کار و ناامید شد. (۱۰) قوم ثمود به سبب طغیان خود منکر پیغمبر خود شدند. (۱۱) وقتی بدترین آن‌ها به‌پا خاست. (۱۲) پیغمبر خدا به آن‌ها گفت این شتر مال خداست، سهم آب خوردنش را رعایت کنید. (۱۳) ولی او را دروغگو خواندند و شتر را کشتند. در نتیجه خداوندشان به علت گناهشان عذاب را برایشان فرستاد و آن‌ها را با خاک مساوی کرد. (۱۴) و از عاقبت نابودی آن‌ها نمی‌ترسد. (۱۵)

سوره لیل (۹۲)

مکی و شامل بیست و یک آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به شب وقتی همه جا را فراگیرد، (۱) قسم به روز وقتی روشن شود، (۲) قسم به وجودی که نر و ماده را خلق کرد، (۳) که کوشش شما با هم اختلاف دارد. (۴) اما کسی که احسان کرد و پرهیزکار شد و نیکی را تصدیق کرد، ما کار را برای او آسان می‌کنیم. (۵ تا ۷) اما کسی که بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دانست و منکر نیکی شد، کار او را سخت می‌کنیم. (۸ تا ۱۰) و مالش در موقع هلاک او فایده‌ای برایش ندارد. (۱۱) هدایت مردم وظیفه ماست. (۱۲) و آخرت و دنیا مال ماست. (۱۳) من شما را از آتش سوزان جهنم بر حذر می‌کنم. (۱۴)

فقط بدبختترین افراد وارد آن می‌شود. (۱۵) بدبختی که منکر قیامت شد و قبول نکرد. (۱۶) پرهیزکارترین فرد از آن دور می‌شود. (۱۷) کسی که مالش را می‌دهد تا پاک شود. (۱۸) هیچکس نعمتی پیش خدا ندارد که جزای آن داده شود. (۱۹) مگر اینکه به‌خاطر به‌دست آوردن رضای خداوند بلندمرتبه‌اش مالش را می‌دهد. (۲۰) و حتماً راضی خواهد شد. (۲۱)

سوره ضحی (۹۳)

مکی و شامل یازده آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به روشنایی روز، (۱) قسم به شب وقتی آرام گیرد، (۲) که خداوندت تو را ترک نکرد و از دست تو عصبانی نیست. (۳) مسلماً آخرت برای تو بهتر از دنیا است. (۴) و مسلماً خداوندت به‌تو آنقدر عطا می‌کند که تو راضی شوی. (۵) آیا خداوندت تو را یتیم نیافت و به‌تو پناه نداد؟ (۶) و تو را گمراه یافت و هدایت کرد؟ (۷) و تو را فقیر دید و بی‌نیازت کرد؟ (۸) پس با یتیم تندی نکن. (۹) و کسی را که از تو تقاضای کمک می‌کند نران. (۱۰) و از نعمت خداوندت صحبت کن. (۱۱)

سوره انشراح (۹۴)

مکی و شامل هشت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا به تو شرح صدر (حوصله) ندادیم؟ (۱) و بار سنگین را از پشت تو بر نداشتیم؟ (۲) باری که پشت تو را می شکست. (۳) و نام تو را بلند نکردیم؟ (۴) پس با هر سختی آسانی است. (۵) مسلماً با هر سختی آسانی است. (۶) پس وقتی آسوده شدی زحمت کار دیگری را بکش. (۷) و به خداوندت علاقه داشته باش. (۸)

سوره تین (۹۵)

مکی و شامل هشت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به انجیر و قسم به زیتون. (۱) و قسم به کوه سینا. (۲) و قسم به این شهر امن. (۳) که ما انسان را به بهترین شکل آفریدیم. (۴) بعد او را به پستترین مرحله برگرداندیم. (۵) مگر افرادی را که ایمان آوردند و کارهای درست کردند. پس آن‌ها پاداش بی‌پایانی دارند. (۶) پس چه چیز تو را به انکار دین واداشت؟ (۷) آیا خدا بهترین حکم‌کننده نیست؟ (۸)

سوره علق (۹۶)

مکی و شامل نوزده آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

به نام خداوندت که جهان را آفرید بخوان. (۱) خداوندی که انسان را از نطفه آفرید (۲) بخوان و بدان که خداوندت از همه کریم‌تر است. (۳) خداوندت کسی است که به وسیله قلم یاد داد. (۴) و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد. (۵) این‌طور که فکر می‌کنند نیست، چون انسان هر وقت خود را بی‌نیاز ببیند حتماً طغیان می‌کند (هر کار که دلش بخواهد می‌کند). (۶ و ۷) بازگشت همه پیش خداوند توست. (۸) آیا او را دیدی که وقتی بنده‌ای نماز می‌خواند از این کار منعش می‌کرد؟ (۹ و ۱۰) اگرچه او در راه راست باشد یا مردم را به تقوی امر کند؟ (۱۱ و ۱۲) آیا دیدی که انکار می‌کند و رو برمی‌گرداند؟ (۱۳) آیا نمی‌داند که خدا هر کاری را می‌بیند؟ (۱۴) این‌طور که فکر می‌کنند نیست. اگر از این کار دست بردارد پیشانی آدم دروغگوی خطاکار را می‌گیریم. (۱۵ و ۱۶) و او باید همفکرانش را به کمک بخواند. (۱۷) ما هم نگهبانان جهنم را می‌خوانیم. (۱۸) از چنین آدمی اطاعت نکن و سجد کن و تقرب پیدا کن. (۱۹)

سوره قدر (۹۷)

مکی و شامل پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. (۱) تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟ (۲) شب قدر بهتر از هزارماه است. (۳) در این شب فرشتگان و جبرئیل (روح‌الامین) به اذن خداوندشان برای هر کار و فرمانی نازل می‌شوند. (۴) آن شب تا طلوع سپیده دم سلامتی است. (۵)

سوره بینه (۹۸)

مدنی و شامل هشت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

کفار اهل کتاب و مشرکین دست بردار نبودند مگر این‌که دلیل روشنی برای آن‌ها بیاید. (۱) رسولی از جانب خدا که کتاب‌های پاک را برایشان بخواند. (۲) که در آن

نوشته‌های درستی است. (۳) اهل کتاب فقط پس از این‌که دلیل روشن برایشان آمد دچار تفرقه شدند. (۴) در صورتی که آن‌ها امر شده بودند که فقط خدا را بندگی (اطاعت بی‌چون و چرا) بکنند در حالی‌که موحدانه دین را برای خدا خالص می‌کنند، و نماز به‌پا دارند و زکات بدهند. دین درست چنین دینی است. (۵) کافران اهل کتاب و مشرکین همیشه در آتش جهنم خواهند بود. آن‌ها بدترین مخلوقاتند. (۶) کسانی‌که ایمان آورند و کارهای درست انجام دهند بهترین مخلوقاتند. (۷)

پاداش آن‌ها پیش خداوندشان بهشت‌های جاویدی است که نهرها در آن روان است و همیشه در آن خواهند بود. خدا از آن‌ها راضی است و آن‌ها هم از خدا راضی هستند. این پاداش مخصوص کسانی است که از خداوندشان بترسند. (۸)

سوره زلزال (۹۹)

مدنی و شامل هشت آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی زمین به لرزه درآید، (۱) و بار سنگینش را بیرون ریزد، (۲) و انسان گوید برای زمین چه پیشامدی کرده؟ (۳) روزی که زمین خبرهای خود را بیان کند. (۴) چون که خداوند تو به آن وحی کرده. (۵) روزی که مردم به طور پراکنده بیرون بیایند تا کارهایشان به آن‌ها نشان داده شود. (۶) هر کس به اندازه ذره‌ای کار خوب بکند آن را می‌بیند. (۷) و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد بکند آن را می‌بیند. (۸)

سوره عادیات (۱۰۰)

مکی و شامل یازده آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به اسبانی که در اثر دویدن نفس نفس می‌زنند، (۱) و در اثر برخورد سمشان با سنگ‌ها جرقه تولید می‌کنند، (۲) و صبحگاهان حمله می‌کنند، (۳) و گرد و خاک به‌پا می‌کنند، (۴) و همگی به وسط عده‌ای می‌ریزند، (۵) که انسان نسبت به خداوندش ناسپاس است. (۶) و خود انسان شاهد این حقیقت می‌باشد. (۷) و علاقه زیادی به مال دارد. (۸) آیا انسان نمی‌داند وقتی که آنچه در قبرها است زیر و رو شود و آنچه در سینه‌ها است آشکار شود، در آن روز خداوندشان از وضع و کار آنان آگاه است؟ (۹ تا ۱۱)

سوره قارعه (۱۰۱)

مکی و شامل یازده آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

قارعه (در هم کوبنده: روز قیامت). (۱) قارعه چیست؟ (۲) چه می‌دانی قارعه چیست؟ (۳) روزی که مردم مثل پروانه‌های پراکنده باشند. (۴) و کوه‌ها مثل پشم زده شده باشند. (۵) اما کسی‌که کفه اعمالش سنگین باشد، زندگی مورد پسندی دارد. (۶ و ۷) اما کسی‌که کفه اعمالش سبک باشد، جایش هاویه است. (۸ و ۹) چه می‌دانی هاویه چیست؟ (۱۰) هاویه آتشی سوزان است. (۱۱)

سوره تکاثر (۱۰۲)

مکی و شامل هشت آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

زیاده‌طلبی نسبت به یکدیگر شما را تا هنگام مرگ سرگرم ساخته تا این‌که سراغ قبرها رفتید. (۱ و ۲) این‌طور نیست که فکر می‌کنید، خواهید دانست. (۳) بعد هم بدانید که این‌طور نیست که فکر می‌کنید، خواهید دانست. (۴) این‌طور که فکر می‌کنید نیست، اگر به علم یقین (بدون کوچک‌ترین شکی) بدانید، جهنم را حتماً می‌بینید. (۵ و ۶) بعد آن را به چشم یقین (بدون تردید) می‌بینید. (۷) بعد در آن روز درباره نعمت‌هایی که به شما داده شده بود از شما می‌پرسند. (۸)

سوره عصر (۱۰۳)

مکی و شامل سه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

قسم به عصر (زمان) که انسان حتماً در ضرر است. (۱ و ۲) مگر افرادی که ایمان آورده و کار درست بکنند و یکدیگر را به طرفداری از حق توصیه کنند و صبر و استقامت را به یکدیگر سفارش کنند. (۳)

سوره همزه (۱۰۴)

مکی و شامل نه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

وای بر هر عیبجوی طعنه‌زننده. (۱) شخصی که مال جمع می‌کند و حساب مقدار آن را می‌کند. (۲) خیال می‌کند که مالش عمر جاوید به او می‌دهد. (۳) این‌طور که فکر می‌کند نیست، حتماً در خُطْمَه انداخته می‌شود. (۴) چه می‌دانی که حطمه چیست؟ (۵) حطمه آتش سوزان الهی است که در دلها ظاهر می‌شود. (۶ و ۷) این آتش بر آنها پوشیده است و در ستون‌های ممتد (شاید در رگهایشان) وجود دارد. (۸ و ۹)

سوره فیل (۱۰۵)

مکی و شامل پنج آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا ندیدی که خداوندت با اصحاب فیل چه کرد؟! (۱) آیا نقشه آنها را نقش بر آب نکرد؟ (۲) و پرندگان را دسته دسته بر سر آنها فرستاد. (۳) تا آنها را با سنگهایی از گِل خشک‌شده سنگباران کنند. (۴) در نتیجه آنها را مثل گاه جویده شده کرد. (۵)

سوره قریش (۱۰۶)

مکی و شامل چهار آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

برای نزدیک‌ساختن قریش به یکدیگر. (۱) نزدیکی و گرد هم آمدن آنها موقع کوچ زمستانی و تابستانی است. (۲) پس باید صاحب این خانه را که آنها را از گرسنگی نجات داد و سیر کرد و از ترس ایمنشان ساخت، بندگی (یعنی اطاعت محض) کنند. (۳ و ۴)

سوره ماعون (۱۰۷)

مکی و شامل هفت آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا آن کس را که منکر دین می‌شود دیدی؟ (۱) او که یتیم را از خود می‌رانند (۲) و مردم را بر سیرکردن تهیدستان تشویق نمی‌کند (۳) پس وای بر نمازگزارانی که از نماز خود غافلند. (۴ و ۵) کسانی که ریا می‌کنند. (۶) و از نیکی‌کردن به دیگران خودداری می‌کنند. (۷)

سوره کوثر (۱۰۸)

مکی و شامل سه آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

به تو نیکی‌های زیادی دادیم. (۱) پس برای خداوندت نماز بگذار و قربانی کن. (۲)
چون دشمن تو بدون خیر و برکت (بدون نسل) است. (۳)

سوره کافرون (۱۰۹)

مکی و شامل شش آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: ای کافران، من آنچه را که شما بندگان نمی‌کنید نمی‌کنم و شما هم چیزی را که من بندگان نمی‌کنم نمی‌کنید. (۱ تا ۳) و نه من بنده چیزی هستم که شما بندگان نمی‌کنید. (۴) و نه شما بنده چیزی هستید که من بندگان نمی‌کنم. (۵)
دین شما مال شما و دین من مال من. (۶)

سوره نصر (۱۱۰)

مدنی و شامل سه آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

وقتی که یاری خدا و پیروزی رسید و مردم را دیدی که دسته‌دسته وارد دین خدا می‌شوند. (۱ و ۲) با ستایش خداوندت عظمت او را یاد کن و از او طلب آموزش کن چون او توبه‌پذیر است. (۳)

سوره لهب (مسد) (۱۱۱)

مکی و شامل پنج آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

دو دست ابولهب بریده باد و بریده شد (یا دستان ابولهب زیان کرد و خودش هم زیانکار شد). (۱) مال و آنچه به‌دست آورده بود برایش فایده‌ای نداشت. (۲) وارد آتش شعله‌ور خواهد شد. (۳) و زنش حمل‌کننده هیزم این آتش است. (۴) بر گردنش طنابی از لیف خرما است. (۵)

سوره اخلاص (۱۱۲)

مکی و شامل چهار آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: او خدای یگانه است. (۱) خدا بی‌نیاز و برآورنده نیازها است. (۲) کسی را نزاده و زاییده نشده. (۳) و همتا و رقیبی ندارد. (۴)

سوره فلق (۱۱۳)

مکی و شامل پنج آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: به خداوند بامدادان پناه می‌برم. (۱) از شر تمام چیزهایی که خلق کرده. (۲) و از شر شب تاریک موقعی که همه‌جا را فراگیرد. (۳) و از شر دمنگانی که در گره‌ها می‌دمنند. (۴) و از شر حسود وقتی حسادت بورزد. (۵)

سوره ناس (۱۱۴)

مدنی و شامل شش آیه
به‌نام خداوند بخشنده مهربان

بگو: از شر شیطان وسوسه‌کننده به صاحب‌اختیار مردم، به فرمانروای مردم، به معبود مردم پناه می‌برم. (۱ تا ۴) وسوسه‌کننده‌ای که در سینه مردم وسوسه می‌کند چه از جنس جن باشد چه انسان. (۵ و ۶)